

فرهنگ توصیفی تاریخ ایران

جلد پنجم

از دوره اساطیری تا پایان عصر پهلوی



عباس قدیانی

فرهنگ توصیفی تاریخ ایران

از دوره اساطیری تا پایان عصر پهلوی

جلد پنجم

عباس قدیانی

انتشارات فرهنگ مکتوب

قدیانی، عباس، ۱۳۴۲ -

فرهنگ توصیفی تاریخ ایران: از دوره اساطیری تا پایان عصر پهلوی / عباس قدیانی. - تهران

: انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴.

ج: مصور، نقشه، جدول.

ISBN 964-8839-05-0 (دوره)

ISBN 964-8839-00-X (ج. ۱)

ISBN 964-8839-01-8 (ج. ۲)

ISBN 964-8839-02-6 (ج. ۳)

ISBN 964-8839-03-4 (ج. ۴)

ISBN 964-8839-04-2 (ج. ۵)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. ایران - تاریخ. الف. عنوان.

ع ۴ ق / ۱۰۹ DSR

۹۵۵

۸۳-۴۱۶۰۲ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات فرهنگ مکتوب

تهران - صندوق پستی ۳۴۳۳-۱۹۳۹۵

فرهنگ توصیفی تاریخ ایران (جلد ۵)

از دوره اساطیری تا پایان عصر پهلوی

تألیف: عباس قدیانی

ناشر: انتشارات فرهنگ مکتوب

حروفچینی: آرون

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴

چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۴

چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۵

چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۶

لیتوگرافی: اسپادانا

چاپ: نگاران

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

ن

نائینی: — آیت الله میرزا حسین

نائینی

نادرشاه

نادر (ندرقلی) پسر امامقلی از قبیله افشار بود که در سال ۱۱۰۰ ه. ق. در ایبورد (خراسان) متولد شد. پدرش از پوستین دوزی تحصیل معاش می کرد و شاید نادر هم در اوایل عمر همین شغل را داشته است. وی در سن هفده سالگی به دست ازبکان اسیر گشت و مادرش در اسارت مرد. پس از اینکه نادر خود را از قید اسارت نجات داد به خراسان

مراجعت و دلیرها نمود تا جلب توجه حکمران خراسان ملک محمود را کرد و در خدمت او درآمد و به مرتبه سرداری رسید. پس از چندی خدمت محمود را ترک کرد و خود علم برافراشت. وی ابتدا کلات را گرفت و نیشابور را به نام شاه طهماسب متصرف شد و نزدیک دامغان بر اشرف افغان پیروز گشت و شکست دیگری نیز در مورچه خورت به اشرف افغان داد. وی پس از رزم با عثمانیان به دفع محمدخان بلوچ در فارس عزیمت نمود. در پایان سال



مشهد - مجسمه نادر شاه

۱۱۴۸ ه. ق. بود که به همت نادر کلیه بلاد ایران از دست افغان و عثمانی و روس مستخلص شده بود. وی در ۱۱۴۸ به سلطنت ایران انتخاب گردید و سلسله افشاریه را به وجود آورد.

نادره بانو

نیمه اول قرن یازدهم هجری. وی از زنان نقاش بود. وی دختر میرزا تقی بود که به همراه پدرش به هند سفر کرد و زیر نظر آقارضا، نقاش معروف زمان شاه عباس اول صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق.)، اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴ ق.) و جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ق.) از پادشاهان بابری هند، هنر نقاشی آموخت و چیره دست شد. او به دربار جهانگیر راه یافت و دارای شهرت و اعتباری گردید. دو اثر امضادارش در کتابخانه سلطنتی ایران موجود بوده است.

نارین یام

چاپارخانه خاصه قان، ایستگاه

پیکهای مخصوص قان.

ناسخ التواریخ

ناسخ التواریخ از آثار عمده محمدتقی خان سپهر در حدود ۱۵ جلد و بنا به دستور محمدشاه قاجار تألیف یافته است. قسمت اسلام و تاریخ بعد از اسلام در آن به طور مشروح نوشته شده است، ولی محمدتقی خان سپهر نتوانست آن را به پایان آورد و بعد از او عباسقلی خان سپهر که از مقربان دربار ناصرالدین شاه بود چند جلد در شرح حال ائمه و تفصیل سلطنت ناصرالدین شاه و غیره بر آن افزوده است. سبک نثر کتاب، ساده و این کتاب در زمان ناصرالدین شاه پایان یافت.

ناصرالدین شاه (قاجار)

ولیعهد و جانشین محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ه.) که در هنگام مرگ پدر، در تبریز به سر می برد و بیش از شانزده سال نداشت. تا پیش از آمدن

وی به تهران قریب چهل روز اداره مملکت به دست مهدعلیا مادر ولیعهد بود. ناصرالدین شاه پس از آنکه در تبریز به تخت نشست به تدبیر میرزا تقی خان امیرنظام که پیشکار او بود با لشکری آراسته به سوی تهران رهسپار شده و در ۲۱ ذیقعد سال ۱۲۶۴ ه. ق. به تهران رسید و روز بعد رسماً تاجگذاری کرد. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در بعضی از ولایات ایران شورشهایی برخاست. مهمتر از همه این شورشها طغیان حسین خان سالار بود که از زمان محمدشاه در خراسان سر به شورش برداشته بود. سالار در اواخر سلطنت محمدشاه با عده‌ای از ترکمانان به سوی مشهد رهسپار شد و سپاهیان حمزه میرزا حشمت‌الدوله را شکست داد. میرزا تقی خان امیرکبیر، سلطان مرادمیرزا برادر حشمت‌الدوله را با لشکری به خراسان فرستاد. وی در ۱۲۶۶ ه. ق. مشهد را گرفته، سالار و نزدیکان او را بکشت و بر اثر این خدمت

به لقب حسام‌السلطنه ملقب گردید. از وقایع دوران ناصری ادامه نهضت بایه و بهایه بود که در سالهای آخر عمر محمدشاه شروع شده بود و نیز قتل بزرگمرد ایران امیرکبیر بود. از دیگر وقایع دوران وی واقعه هرات و معاهده پاریس بود که به کلی دست ایران را از دخالت در افغانستان کوتاه می‌کرد. امتیاز تنباکو (رژی) از دیگر وقایع دوران ناصرالدین شاه است که پس از شکست وی در این واقعه منجر به لغو این امتیاز گردید.

امتیازاتی که در دوره وی به انگلستان داده شد:

۱ - تلگراف بغداد - تهران - بوشهر در ۱۸۶۴ م. بود که بعد به جاهای دیگر نیز امتداد داده شد.

۲ - امتیاز تمام منابع تولید ثروت ایران برای مدت هفتاد سال به بارون ژولیوس دورویر در سال ۱۸۷۲ م.

۳ - کشتیرانی در رودخانه کارون ۱۸۸۴ م.

ناصرالملک در سال ۱۲۷۲ ه. ق. متولد شد. چون میرزا احمدخان پدر ابوالقاسم خان شغل نظامی داشت و اغلب اوقاتش را در خارج از منزل به سر می‌برد، پدر بزرگ میرزا ابوالقاسم خان - میرزا محمودخان ناصرالملک - به تربیت او همت گماشت.

در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا محمودخان ناصرالملک که از ملتزمین رکاب بود، نوه خود ابوالقاسم خان را نیز برای تحصیل به لندن برد. ابوالقاسم در دانشگاه آکسفورد ثبت نام کرد و در همین دانشگاه تحصیلات خود را به پایان برد.

پس از فراغت از تحصیل مدتی با سمت وابسته سفارت ایران در لندن خدمت کرد و دو بار هم به نیابت سفارت فوق العاده به دربار هلند و دربار آلمان رفت. میرزا ابوالقاسم در سال ۱۳۰۱ ه. ق. و در سال ۱۳۰۲ ه. ق. به خواهش پدر بزرگش از طرف ناصرالدین شاه به «مشیر حضور» ملقب شد.

۴ - امتیاز بانک شاهنشاهی ۱۸۸۹ م.

۵ - امتیاز رژی تنباکو و توتون.

۶ - قرضه بوثیقه گمرک بنادر خلیج فارس یا گمرک جنوب ۱۸۹۲ م.

۷ - امتیاز راه از خر مشهر تا تهران.

۸ - امتیازاتی که به روسها داده شد:

(۱) تأسیس قزاقخانه در سال ۱۸۷۸ م.

(۲) امتیاز شیلات بحر خزر یا دریای مازندران.

(۳) امتیاز بانک رهنی.

(۴) امتیاز راه شوسه از عشق آباد تا مشهد.

ناصرالدین طاهر

«ناصرالدین طاهرین فخرالملک»

پسر نظام الملک که مدتی وزارت سلطان سنجر سلجوقی را بر عهده داشت. وی در فتنه غزان در ۵۴۹ ه. ق. کشته شد.

ناصرالملک

ابوالقاسم خان قره گوزلو همدانی

فرزند احمدخان و نوه محمودخان

ابوالقاسم خان در دستگاه ناصرالدین شاه مترجم بود و در شورایی که عباس میرزا ملک آرا به دستور ناصرالدین شاه پس از سفر سوم فرنگ برای تنظیم قوانین تشکیل داد عضویت داشت و قوانین و آیین نامه های خارجی را ترجمه می کرد. به علاوه هر وقت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه حضور نداشت، میرزا ابوالقاسم خان روزنامه های خارجی را برای شاه می خواند و خطابه های سفرای خارجی را برای او و بیانات شاه را برای سفیران ترجمه می کرد. پس از انتخاب میرزا علی خان امین الدوله به عنوان صدراعظم، در سال ۱۳۱۴ ه. ق. ناصرالملک به سمت وزارت مالیه برگزیده شد و با کنار رفتن امین الدوله در سال ۱۳۱۶ ه. ق. ابوالقاسم خان هم از وزارت مالیه کنار رفت و پس از آن مأمور حکومت کردستان شد.

ناصرالملک بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در کابینه های میرزا

ناصرالله خان مشیرالدوله، سلطان علی خان وزیر افخم و امین السلطان وزیر مالیه بود. وی در سوم آبان ۱۲۸۶ مأمور تشکیل کابینه گردید و وزارت مالیه را خود عهده دار شد، اما پس از حدود دو ماه ناگهان استعفا داد و در این امر با محمدعلی شاه هم مشورت نکرد. شاه به این سبب از ناصرالملک رنجید و او را بازداشت کرد و تصمیم به قتلش گرفت، اما دبیر سفارت انگلیس در تهران به یاد محمدعلی شاه آورد که ناصرالملک بالاترین نشان را از دولت انگلیس دارد و بدین صورت ناصرالملک از مرگ حتمی نجات یافت. او پس از آزادی به اروپا رفت و تا سال ۱۳۲۹ ه. ق. به ایران بازنگشت.

پس از خلع محمدعلی شاه به علت اینکه احمد میرزا به سن قانونی نرسیده بود، مطابق قانون اساسی علیرضاخان قاجار ملقب به عضدالملک به نیابت سلطنت برگزیده شد. دوره نیابت او که بزرگ خاندان قاجار بود دیری نپایید و

در ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ درگذشت و پس از او ناصرالملک به نیابت سلطنت برگزیده شد. لذا ناصرالملک به ایران دعوت شد و وی در ۱۲ صفر ۱۳۲۹ به ایران آمد و تا زمان تاجگذاری احمدشاه در سال ۱۳۳۲ ه. ق. به عنوان نایب السلطنه قدرت زیادی داشت و در همین زمان نیابت سلطنت او بود که اولتیماتوم روسها اسباب تعطیلی مجلس دوم را فراهم آورد. ناصرالملک پس از تاجگذاری احمدشاه به اروپا رفت و تا سال ۱۳۰۵ ه. ق. به ایران بازنگشت و یک سال بعد در دیماه ۱۳۰۶ در تهران درگذشت.

ناصری، روزنامه

روزنامه‌ای بود که در زمان مظفرالدین‌شاه که وی دوره ولایتعهدی خود را در تبریز می‌گذرانید وابسته به دربار او، در تبریز انتشار می‌یافت که از نظر سودمندی کمتر از روزنامه‌های درباری تهران نبود. اولین شماره آن در

ماه شوال ۱۳۱۱ ه. ق. انتشار یافت.

ناظر

ناظر یا رئیس دربار در سلسله صفویه فردی بود که بر تمام بیوتات سلطنتی و صندوقخانه و حبه‌خانه و املاک خالصه و ایلخی‌های پادشاه ریاست و نظارت کرده و رسیدگی به امور درباری از جمله وظایف وی بود. ناظر را به ترکی «کرک یراق» هم می‌گفتند.

ناظرباشی

در دوره قاجاریه مسئول اداره امور اموال سلطنتی بود و بازرسی داخلی کاخها و انتخاب یا تعویض نوکران در صلاحیت او بود.

ناظم الاسلام کرمانی

میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی در سال ۱۲۸۰ ه. ق. در کرمان زاده شد و پس از تحصیل مقدمات در کرمان در

سال ۱۳۰۸ در سن ۲۸ سالگی برای تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان و تهران رفت. پس از ورود به تهران با خانواده طباطبایی مراده پیدا کرد و پس از تأسیس مدرسه اسلام در سال ۱۳۱۷ ه. ق. از طرف سید محمد طباطبایی به مدیریت فرزندش سید محمدصادق، میرزا محمد، ناظم مدرسه مزبور گردید و به همین مناسب که ناظم مدرسه اسلام بود چندی بعد ملقب به ناظم الاسلام شد و در سال ۱۳۳۲ ه. ق. با سمت قضاوت به کرمان بازگشت. نامبرده مؤلف کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» است. تاریخ فوت وی در صفر سال ۱۳۳۷ ه. ق. در سن ۵۷ سالگی بوده است.

نامخواست

یکی از سرداران ارجاسب.

نامه تنسر

رساله کوچکی است که آن را ابن

مقفع از پهلوی به عربی ترجمه کرده بود. اکنون اصل پهلوی و ترجمه عربی آن در دست نیست. در اوایل قرن هفتم هجری متن عربی این نامه را ابن اسفندیار (بهاءالدین محمد پسر حسن پسر اسفندیار) به فارسی ترجمه کرده و آن را در تاریخ طبرستان خود گنجانیده است. از مقدمه این ترجمه فارسی معلوم می‌گردد که ترجمه ابن مقفع مبتنی بر روایت بهرام پسر خورزاد بوده که از هویت او خبری نداریم. به نظر می‌رسد که وی تدوین‌کننده یا کاتب اصل پهلوی این نامه بوده است.

این نامه را تنسر (صورت درست آن توسر)، هیربدان هیربد اردشیر در پاسخ گشنسپ، شاه طبرستان و پدشوارگر و گیلان و دیلمان و رویان و دماوند، نوشته است. وی ظاهراً به بعضی از اقدامات اردشیر به دیده انتقاد می‌نگریسته و در نامه‌ای به تنسر از او خواسته است که دلیل چنین اقداماتی برای او بیان گردد.

نانا: — نه نه

خوانده شد. بعدها جای سَرس‌وتی را که اصلاً رودخانه‌ای بود دو صفت آن یعنی «اردوی» و «سوره» گرفت.

سوره یا سورا، بخش دیگر نام اردوی سوره اناهیتا، معنی نیرومند و پرزور دارد و اناهیتا پاکی و بی‌آلایشی معنی می‌دهد. این ایزدبانو در کتیبه اردشیر دوم هخامنشی و در بسیاری از متنها به صورت خلاصه شده اناهیتا در می‌آید. او که نخست بر رودخانه اردوی سروری داشت کم‌کم بر همه آبها سروری می‌یابد و بتاب بندهشن، پدر و مادر آنها می‌شود و از اپام‌نپات نیز پیشی می‌گیرد و شخصیت اپام‌نپات در شخصیت او تحلیل می‌رود.

تجسم او در آبان یشت اوستا زنی است جوان، خوش‌اندام، بلند بالا، زیباچهره، با بازوان سپید و اندامی برازنده، کمر بند تنگ بر میان بسته، به جواهر آراسته، با طوقی زرین برگردن، گوشواری چهارگوش در گوش، کفشهایی درخشان در پا، با بالاپوشی

ناهید، اناهید (اردوی سوره اناهیتا)

ایزد بانویی با شخصیتی بسیار برجسته که جای مهمی در آیینهای ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد و قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار پیشین و حتی به زمان پیش از زردشت می‌رسد. اردوی به معنی رطوبت، در آغاز، نام رودخانه مقدسی بوده است و به پیروی از اصل شناخته شده‌ای در اساطیر، نام رودخانه، شخصیت خدایی پیدا کرده است. او را همتای ایزدبانوی سَرس‌وتی در آیین ودایی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که اردوی در اصل صفت سرس‌وتی بوده است که در هند به رودخانه کوچک مقدسی در ناحیه پنجاب کنونی اطلاق می‌شد؛ اما در ایران به صورت هَرخَوَتی (رَخود یا رُخج) درآمد که ناحیه‌ای پررودخانه و دریاچه‌ای در افغانستان به این نام

زَرن و پرچین. چنین تجسمی احتمالاً نشان از این دارد که تندیسهایی از او در دوره هخامنشی موجود بوده است. نام این خدا نخستین بار به صورت اَناهیتا در کتیبه‌های هخامنشی از دوره اردشیر دوم دیده می‌شود.

این ایزدبانو با صفات نیرومندی، زیبایی و خردمندی به صورت الهه عشق و باروری نیز در می‌آید؛ زیرا چشمه حیات از وجود او می‌جوشد و بدینگونه «مادر خدا» نیز می‌شود.

تندیسهای باروری را که به الهه مادر موسومند و نمونه‌هایی از آن از تپه سراب کرمانشاه (با قدمتی در حدود نه هزار سال ق.م.) و در کاوشهای ناحیه شوش به دست آمده است تجسمی از این ایزد بانو می‌دانند. او همتای ایرانی آفرودیت، الهه عشق و زیبایی در یونان، و ایشتر، الهه بابلی، به شمار می‌رود. ناهید یا اردوی سوره اَناهیتا گردونه‌ای دارد با چهار اسب سفید. اسبهای گردونه او ایزد ابر، باران، برف و تگرگ

هستند. او در بلندترین طبقه آسمان جای گزیده است و بر کرانه هر دریاچه‌ای خانه‌ای آراسته با صد پنجره درخشان و هزار ستون خوش تراش دارد. او از فراز ابرهای آسمان، به فرمان اورمزد، باران و برف و تگرگ را فرو می‌باراند. نطفه مردان را پاک می‌کند و زهدان زنان را برای زایش آماده می‌سازد. او خدای محبوبی است و همیشه علاقه و احترام عمیق پیروان بسیاری را به خود جلب کرده است.

ناهید: — بنای ناهید

ناهید (نانگه‌شیه)

دشمن سپندارمَد که آفریدگان را از قانع بودن باز می‌دارد و آنان را ناراضی می‌سازد. او نیز احتمالاً تجسم ناستیه، خدایی از تبار دَئوه‌های هندی است.

نبرد بویب

پس از نبرد جسر بود که مثنی

سپاهی آماده کرده به و ساحل غربی شعبه‌ای از فرات که بویب نام داشت آمد. (مهران) سردار ایرانی با لشکری انبوه به سوی او شتافت و از ظهر تا غروب جنگ کرد، اما کشته شد و آنان ناچار از فرات گذشته به تیسفون بازگشتند. در این جنگ مسیحیان کمک بسیاری به لشکر عرب نمودند. عربها این جنگ را «یوم الاعشار» نوشته‌اند.

نبرد پلاته

۴۷۹ ق.م. در پلاته نزدیک تب Thebe نبردی مابین دو لشکر روی داد. در این نبرد شماره سپاه یونانی را صد هزار و ایران را سیصد هزار نوشته‌اند. مردونیه می‌خواست به یک جنگ قطعی کار را تمام کند. نقشه او این بود که سواران خویش را به کار انداخته و یونانیان را مضطرب سازد. در ابتدا به نظر می‌رسد که فتح با مردونیه است زیرا پارسیان شجاعت فوق‌العاده‌ای ظاهر ساختند. اما اسلحه ایشان کافی نبود، و

همه مساعی را که به کار بردند بیفایده ماند. و سرانجام مردونیه هم که به سپاه جاویدان فرماندهی می‌کرد به واسطه تیری که خورد از اسب فرو افتاد و کشته شد و سپاه بی‌سردار ایران بی‌حاصل جنگ را ادامه داد. ولی بالاخره شکست یافته و همه کشته شدند. و به قول هروودت فقط سه هزار تن جان به سلامت بردند و از طرفی یک دسته چهل هزار نفری به سرداری «ارته باذ» که مخالف نظریات مردونیه بود و عقیده داشت که باید با تأنی پیش رفت با نظم و ترتیب کامل عقب‌نشینی نمود بدون آن که با یونانیان طرف شود. و بالاخره نظم و ترتیب و اسلحه یونانی و از جان گذشتگی ایشان باعث فتح شد.

نبرد دومة الجندال: — دومة الجندال

نبرد ماراتن

در این جنگ ۶۰۰ فروند کشتی ایران به شبه جزیره آتیک رسید و لنگر

انداخت. کشتیهای یونانی ۳۵۳ فروند بود. هیپ پیاس رأی داده بود که خوب است سفاین ایران به اطراف خلیج ماراتن روند. این رأی صائب بود زیرا خلیج مزبور برای توقف سفاین بسیار مناسب و نزدیک آکروپل Acropole یعنی ارک آتن بود. و هیپ پیاس امید داشت که هواخواهانش بتوانند ارک را متصرف شوند. اما اتفاقاً هیچ کس در این موقع به هواخواهی هیپ پیاس در آتن برنخواست. آتنی‌ها چون از آمدن لشکر پارس به ماراتن آگاه شدند به آنجا تاختند.

لشکر آنان ده سردار داشت و یکی از آنها میل تیادس Milthiades پسر کیمون Kimon از نجای آتنی بود. این همان میل تیادس است، که دردانبوب می‌گفت: باید پل را خراب کرد تا داریوش راه بازگشت از سکائیه را نداشته باشد. او از طرف ایران نخست جباری خرسونوس را داشت. آتنی‌ها نخست حاضر به جنگ نبودند، ولی

میل تیادس ایشان را به جنگ تحریک کرد. نه هزار تن سپاهیان آتنی که پیش از این جنگ یک هزار تن هم از مردم پلاته به ایشان ملحق شده بود در ماراتن گرد آمدند، و منتظر رسیدن قشون اسپارت شدند، ولی اسپارتیان به عذر غیرموجه که ما برای اقدام به جنگ باید منتظر نیمه ماه قمری و آشکار شدن بدر شویم، در آمدن تأخیر کردند. دو سپاه چند روز روبه‌روی یکدیگر قرار گرفتند، و به قول هرودوت نظر به افزونی شماره پارسیان که ظاهراً بین چهل و پنج هزار تن بودند یونانیان به مشاوره برخاستند که آیا جایز است حال تعرض اختیار کنند یا باید منتظر حمله دشمن شوند. سرداران سپاه که ده تن بودند به‌طور تساوی دو دسته شدند یعنی پنج تن موافق و پنج تن مخالف. اما میل تیادس که ایرانیان را خوب می‌شناخت، دیگر همکاران را متقاعد کرد که اقدام به تعرض اهمیت شایانی دارد. طرح جنگی او این بود که جناحین را تقویت کرده برای این که

کثرت عدد ایرانیان سبب محاصره آنان نشود قلب سپاه را هم بسط زیاد بدهد. از طرف سرداران دیگر، وی به فرماندهی قشون یونان تعیین گردید تا نقشه خود را به موقع اجرا گذارد. حمله در زیر دره ودانا به وقوع پیوست و فاصله میان این دوازدو که درست یک میل بود در ظرف هشت یا نه دقیقه پیموده شد. ایرانیان از اینکه جماعتی از یونانیان بدون تقویت سواران بی پروا بر صف لشکر ایران حمله بردند هم تعجب کردند و هم واقعه را خفیف شمردند. پارسیان و طوایف سکاه که در قلب بودند خوب مقاومت کردند و غلبه یافتند لیکن آتنی ها در جناحین غالب شدند، و بعد روی به قلب آوردند و تلفات بسیار بر لشکر ایران وارد آوردند. تلفات ایران را از چهار تا شش هزار تن نوشته اند.

هرودوت گوید یونانیان بیش از ۲۰۰ تن کشته نداده بودند. البته این خبر مورد تردید است. ایرانیان به طرف

کشتیهای خود عقب نشستند. و از ناوگان جنگی آنها در این جنگ هفت فروند از دست برفت.

داتیس سردار مادی ایران که در وقت تهیه حرکت به طرف فالرون ممکن بود گرفتار شود آن شب را در مقابل ساحل لنگر انداخت. و می خواست فردا از راه نزدیکتری به آتن حمله برد، و آن شهر را زودتر از این که آتنی ها برسند اشغال کند. با این مقصود سونیوم Sunium را دور زده بفالرون Phaleron بندر آتن درآمدند. اما همین که ایرانیان آنجا رسیدند، دیدند لشکر آتن پیش از ایشان در آنجا صف کشیده اند. بنابراین جرأت حمله نکردند و پس از قدری توقف به طرف آسیا بازگشتند ۴۹۰ ق.م.

تلفات قشون ایران نسبت به عده آنان ناچیز بود. اگر در ماراتن لطمه خوردند نبایستی دلشکسته و ناامید شوند. لیکن سردار ایران جبن به خرج داده بود و عازم آسیای صغیر شد و بدنامی ابدی برای پارسیان فراهم کرد.

نویسندگان یونانی در عدهٔ سربازان ایران
مبالغه کرده‌اند و آن را به صد هزار تن
رسانیده‌اند که به هیچ وجه معلوم نیست
صحیح باشد. در هر حال کمتر جنگی
چنین اثر معنوی داشته است. چه تا آن
زمان نیروی ایران را غیر قابل مقاومت
می‌دانستند زیرا به هر طرف که روی
آورده بودند پیروز شده بودند. حال
فهمیدند که ایرانیان را هم می‌توان
شکست داد. این فتح دل یونانیان را قوی
و زمینهٔ پیشرفت بعدی ایشان را در ادوار
بعد در ایران تهیه کرد. لیکن در نظر
داریوش این واقعه خیلی مختصر و یک
عدم پیشرفت ناقابل می‌نمود که موجب
تغییر خط‌مشی و سیاست او نمی‌بایست
بشود.

اسپارتیان پس از روز چهاردهم ماه
دو هزار تن حرکت کرده و به آتیک
شتافتند. ولی وقتی رسیدند که جنگ
خاتمه یافته، و افتخار فتح نصیب آتنی‌ها
شده بود.

هرودوت گوید وقتی خبر شکست

پارسی‌ها به گوش داریوش رسید، بر
خشم او نسبت به آتنی‌ها بیفزود. فرمان
داد تدارکات بیشتری برای جنگ دیده
شود، و به این مقصود مأمورانی به
ایالات ایرانی برای گردآوری لشکر
فرستاد. شکست ایران در ماراتن به
حیثیت او در مستعمرات خود صدمه
وارد آورد و موجب اغتشاش آنها در
ایران شد. چنانکه شورش مصریان نیز
در اثر این فتح یونانیان بود.

نبرد مصر (۵۲۵ - ۵۲۲)

در دورهٔ هخامنشیان کمبوجیه که
صاحب اختیار امپراتوری کورش شده
بود، می‌بایست از یک سو، استیلا و
تسلط پارس را بر سرزمین‌های به
تصرف درآمده محفوظ دارد و از سوی
دیگر کشورگشایی را در جهت تنها
قدرتی که هنوز در شرق نزدیک، اهمیت
داشت و به حساب می‌آمد، یعنی قلمرو
پادشاهی مصر، بسط و گسترش دهد.
نمی‌بایستی این تصمیم را به منزلهٔ تمایل

کم و بیش غیر عقلانی و رام نشدنی به تسخیر سراسر عالم مسکون، محسوب داشت. استراتژی کمبوجیه، بیشتر در پی تأمین مقاصدی بود که پدرش در سر داشت، به این معنا که او می خواست سرزمین های ماوراء فرات را به بابل بپیوندد و تحقق این هدف ملازمه داشت به اینکه در زمانی کم و بیش دراز، سرزمین های واقع در میان رودخانه های فرات و نیل سر به اطاعت امپراتوری پارس بگذارند و طبیعی است که وصول به این هدف برخورد با مصر را ایجاب می کرد، بخصوص که مصر، همواره، و حتی در همان اواخر نیز نمونه هایی از مقاصد جاه طلبانه خود را در این منطقه آشکار کرده بود.

بنابراین مسلم است که قبل از آغاز جنگ با خود مصر، و مقدم بر آن، تصرف های تازه ای وقوع یافته است و نقاطی پراکنده سر به اطاعت گذاشته اند. در هر حال این را می دانیم که در سال ۵۲۵، فنیقیه و قبرس فرمانبردار

کمبوجیه بوده اند. معلوم نیست که تصرف این دو سرزمین، کی و چگونه اتفاق افتاده است. به گفته هرودوت «فنیقی ها، خود، تسلیم پارس شدند... قبرسی ها نیز خود سر به اطاعت پارسی ها گذاشتند»: و هر دو قوم در نیروی دریایی که کمبوجیه علیه مصر فراهم آورده بود وارد شدند. تصرف قبرس برای فرعون مصر «آمازیس» ضربه ای سنگین بوده است زیرا، بنابه نوشته هرودوت این پادشاه «اولین کسی در جهان بود که بر جزیره قبرس مسلط شده و آن را وادار به پرداخت خراج کرده بود».

از سال ۶۶۴، سلسله فراعنه «سئیت» بر مصر حکمروایی داشت که نخستین فرعون های آن وظیفه بسیار دشوار تجدید اتحاد کشور را به عهده داشتند. دوران حکمرانی این سلسله که مصرشناسان آن را برحسب معمول در «عصر سفلی» قرار می دهند، ظاهراً برای مصر، دوران یک رستاخیز واقعی

بوده است. از ۵۷۰ به بعد آمازیس بر مصر حکومت کرد و در سال ۵۲۶ از میان رفت. از دید هرودوت «می‌گویند دوران پادشاهی آمازیس از جهت رفاه فراوانی که رودخانه [نیل] برای مزارع و دهات می‌آورده است و محصولی که دهات و مزارع برای مردم تهیه می‌کرده‌اند، پر رونق‌ترین دوران مصر بوده است؛ در این عصر، در کشور، مجموعاً بیست هزار شهر آباد و مسکون وجود داشت» آمازیس، یک نیروی مسلح قوی نیز در اختیار داشته است: یک ناوگان که از سلف او نخاوی دوم (۵۹۵-۶۱۰) به جای گذاشته شده بود و ارتشی که به وسیله واحدهای سربازان مزدور که از سراسر شرق نزدیک، از جمله کاریه و یونیه آمده بودند، بسیار مقتدر و توانا شده بود.

با وجود امتیازهایی که آمازیس در اختیار داشت، لیکن تردید نیست که او تصرف بابل را به وسیله کورش خطر بزرگ و عاجلی برای خود می‌دانست؛ و

به همین جهت فعالانه در صدد فراهم آوردن متحدانی بود تا او را در جنگ با پارسیان که قریب‌الوقوع به نظر می‌رسد، یاری دهند. فراعنه سیئت از زمانی طولانی با دولت‌های متعدد یونانی اروپا و آسیای صغیر مناسبات دائم برقرار کرده بودند. هرودوت آمازیس را «یونان دوست» معرفی می‌کند؛ و به‌عنوان سندی بر این یونان دوستی نوکراتیس را مثال می‌آورد که به‌عنوان تأسیسات بندری بازرگانی دلتای نیل از طرف شهرهای آسیای میانه با موافقت فرعون (بدون شک در دوران سلطنت پسامتیک اول) تأسیس شده بود. این تجارت نه تنها به سود یونانیان و فنیقی‌ها (که آنها نیز در مصر حضور داشتند) بود بلکه به فرعون هم سود می‌رساند زیرا به فرمان او نظارت دقیقی بر امور واردات - صادرات از این تأسیسات می‌شد. گمرک مصر بر روی دهانه‌های شرق (طرف پلوز) و غرب (طرف کانوپ) دلتا مستقر بود و از کالاهایی که به ترتیب از «ممالک

خارجی شمالی» (فنیقیه، سوریه - فلسطین) و «کشورهای خارجی سبز بزرگ» (سرزمین‌های اژه‌ای، یعنی یونان) وارد مصر می‌شدند، مالیات و عوارض گرفته می‌شد.

در یونان معبد‌های متعددی از پیشکش‌های فرعون بهره‌مند می‌شدند: معبد دلف در آسیای صغیر، معبد آتنای لیندوس رودس، معبد هرا در ساموس و همچنین معابد برانخید در دی‌یم و معبد آتنای سیرین. علاقه پادشاهان سئیت به شهرهای آسیای صغیر سابقه‌ای کهن داشت، از این سرزمین بود که ارتش مصر، به طور سنتی سرباز استخدام می‌کرد و در مصر به این مزدوران زمین داده می‌شد. به نوشته هرودوت وقتی آپریس مغلوب آمازیس شد، سی هزار تن کاریه‌ای و یونیه‌ای زیر فرمان او بودند. مورخ «هالیکارناسی» تصریح می‌کند که آمازیس، یونیه‌ها و کاریه‌ها را در ممفیس سکونت داد و آنها را «به مثابه محافظ برتر مصری‌ها به‌شمار

آورد» به رغم نارضایی سربازان مصری، از توجه و عنایتی که نسبت به سربازان مزدور آسیای صغیر می‌شد، معلوم می‌شود که در هر حال آمازیس با در پیش گرفتن این سیاست، به راه پیشینیان خود می‌رفته است.

آمازیس، در میان متحدان خود، می‌توانست روی پولیکرات که در نتیجه یک کودتا، استبداد خود را بر جزیره ثروتمند ساموس مستقر ساخته بود، حساب کند. هرودوت (ک سوم، ۳۹) می‌نویسد: «[پولیکرات] به عنوان ارباب و صاحب اختیار ساموس، یک عهدنامه مودت با آمازیس، پادشاه مصر امضا کرده و برای او هدایایی فرستاده بود و از او در عوض هدایایی دریافت می‌کرد» به منظور تحکیم همین اتحاد که بر پایه فرستادن هدیه و باز یافتن آن استوار بود، آمازیس در هراثیون ساموس «دو پیکره چوبی از خود» برپا ساخت. هرودوت به قدرتی نیز که پولیکرات زمانی کوتاه فراهم ساخت اشاره دارد و می‌نویسد:

«[قدرت او] در زمانی اندک ناگهان گسترش یافت و در سراسر ایونی (یونیه) و مابقی یونان مورد تجلیل قرار گرفت؛ زیرا در هرجا به جنگ می پرداخت پیروزی با او می شد. پولیکرات قدرت خود را تا جزایر سیکلاد از جمله تارینه، نزدیک دلس گسترش داد و به زودی برای استیلای پارس که زمان کورش بر شهرهای یونانی ساحل آسیای کوچک مستقر بود، تهدیدی واقعی به شمار آمد. هرودوت ضمن تذکر این نکات یادآور می شود که پولیکرات بر می تیلنی های لسبوس نیز که متحد ملطی ها (میلای ها) بودند، یک پیروزی دریایی به دست آورد و می دانیم که ملطیه از مستملکات پارسیان بود و حمله ها و هجومهای جبار ساموس (پولیکرات) بر جزایر و شهرهای قاره ای، مواضع هخامنشیان را در خطر نابودی قرار می داد. هرودوت نه چندان دور از تفرعن و قلنبه گویی اشاره می کند که به

عقیده او «پولیکرات کاملاً امیدوار بوده است که روزی بر یونیه (ایونی) و بر جزایر، حکمرانی خواهد کرد». شاید در تحت همین شرایط و مقتضیات بوده است که کورش اُرُواتس (اوری تس) را «والی سارد» کرده است: بدون شک مأموریت او در درجه اول دفاع از سرزمینهای هخامنشی در برابر اقدامات جبار ساموس بود. پولیکرات در برابر پارسی ها، تقریباً همان نقشی را بازی می کرد که کرزوس در زمانی که با فرعون مصر قرار داد اتحاد داشت، ایفا کرده بود.

هرودوت با یادآوری وحشتی که ارواتس را فرا گرفته بود، درباره پولیکرات می نویسد «که او تا آنجا که ما می دانیم اولین یونانی بود که به تأسیس یک امپراتوری دریا سالار اندیشه کرده بود» و می توانست برای محقق ساختن این بلندپروازی ها بر روی نیروی دریایی خویش حساب کند؛ به نوشته هرودوت (ک سوم، ۳۹) پولیکرات پانصد ناو

بودند و کشور ایشان در جنوب شرقی فلسطین تا خلیج العقبه در کنار دریای احمر امتداد داشت و از جنوب به بیابان حجاز و از مشرق به بادیه‌الاشام و از شمال به فلسطین محدود می‌شد. پایتخت این کشور در وادی موسی در ملتقای راههای کاروان رو بین تدمر و غزه و خلیج فارس و بحر احمر و یمن بود. و چون از صخره‌های بزرگ ساخته شده بود از این رو آن را به آرامی سلع و به یونانی ارایا پترا Arabia Petra یعنی شهر عربی سنگی می‌گفتند. ولی اسم اصلی آن ناباطو بوده و خرابه‌های آن در وادی موسی در جبال الشراء در کشور هاشمی اردن است.

دولت نبطی تا پیش از قرن دوم میلادی دوام داشت، تا سرانجام در ۱۰۶ م. به دست رومیان برافتاد. نام نبطی‌ها در قرن هفتم ق.م. در الواح آسور بانیپال پادشاه آسور آمده است.

نبو

پسر مردوک - رب النوع بابلیها،

جنگی در اختیار داشت که در تناسب با امکانات مالی یک شهر دولت یونانی، حتی اگر این شهر دولت، به ثروت و مکت ساموس نیز باشد، خارج از حد و حدود بود. بنابراین دور از واقعیت نیست که نتیجه گرفته شود که پولیکرات فقط به کمک مالی آمازیس موفق به ساختن این ناوگان و نگهداری آن شده بود. به نوشته هروودوت، پولیکرات در سال ۵۲۵ حتی چهل کشتی سه ردیف پارویی (تری‌ر) در اختیار داشت؛ و این یک نوآوری بزرگ فنی و نظامی بود که در سال‌های ۵۲۵-۵۵۰ در دنیای واژه‌ای متحقق شده بود. احتمالاً مصر نیز از همین نوع کشتی‌های سه ردیفی در اختیار داشته است و به یاری همان‌ها بود که آمازیس موفق شده بود قبرس را تسخیر کند.

نبطی‌ها

نبطی‌ها یا انباط مردمی بودند که از اختلاط دو قوم آرامی و عرب پدید آمده

حامی کاتبان و خدای خرد بود. در سالهای هزاره اول محبوبیت او به اوج خود رسید. مرکز پرستش او شهر «بورسیپ» بود.

نبوکدنزر (بخت النصر دوم)

پادشاه بابل (۶۰۴-۵۶۲ پ.م.).

نبونید

(به بالی نبونه خید) از کاهنان بابل و پدرش کاهن معبد «سین» رب النوع ماه در حران بود که به پادشاهی ماد رسید.

نَپیر

خدای ماه که دارای القاب «درخشان» و «پدر یتیمان» بود.

نجد (Plateau)

در زبانهای اروپایی به معنی بلندی بسیار بزرگی بر روی کره زمین است. نجد ایران مثلی است بین دو فرورفتگی، خلیج فارس در جنوب و

دریای خزر در شمال و آن به منزله پلی بین آسیای مرکزی و آسیای غربی، تشکیل برآمدگی ای می دهد که جلگه های آسیای داخلی را به نجاهای آسیای صغیر و اروپا متصل می کند. این وضع جغرافیایی وظیفه تاریخی را که فلات مذکور در طی هزاران سال تاریخ بشریت ایفا کرده است توضیح می دهد. مثلث مذکور از سوی مغرب کوههای زاگرس و از شمال به وسیله سلسله جبال البرز و در شرق سلسله البرز، جبال خراسان را ایجاد می کند.

نخوار

در تشکیلات عهد اشکانی یک عده از تیولداران که به حکومت می رسیدند «نخوار» می خواندند که واژه ای است ارمنی و در زمان ساسانیان به صورت «نخوذار» آمده است.

نَرام سین (Naram-Sin)

یکی از پادشاهان اکد که فتوحاتی را انجام داد.



لوحه نرام سین

نرسی

از پادشاهان ساسانی که تاریخ جلوس این پادشاه را بر تخت سلطنت مختلف نوشته‌اند و شاید بین سنوات ۲۸۲ الی ۲۹۳ م. بوده است. از کتیبه‌ای که از این پادشاه به یادگار است معلوم می‌شود پسر شاپور و نوه اردشیر بابکان است.

نرسی گزارش پادشاهی خود را در سنگ نبشته مفصل پایکولی ثبت کرده است. رومیها او را «نارسس» خوانده‌اند. وی در آغاز سلطنت، با برادر خود هرمزد اختلاف و نزاع داشت، ولی سرانجام برادر را شکست داد و چون مدعی دیگری برای سلطنت وجود نداشت، از این بابت با نگرانی و مشکلی روبه رو نگردید. در دوران پادشاهی وی اختلافات ایران و روم بر سر ارمنستان شدت گرفت.

مورخان قرن چهارم هجری است که بنابر قول «سمعانی» در سال ۲۸۶ ه. ق. به دنیا آمده و در سال ۳۴۷ ه. ق. درگذشته است. نرشی تاریخ بخارا را به نام نصر سامانی (۳۳۱ - ۳۴۳ ه. ق.) تألیف کرد.

تاریخ بخارا مشتمل است بر اطلاعات پر ارزشی در باب بخارا و چگونگی فتح آن توسط مسلمانان، و نیز احوال بخارا قبل از سلسله سامانی. آنچه در این کتاب حائز اهمیت است آن است که بعد از انقراض سلسله سامانیان به علت عدم توجه امرای ملوک خانیه ماوراءالنهر، نسبت به پیشرفت امور علمی و ادبی، اهالی این ناحیه به ویژه ساکنین بخارا که روزی یکی از بزرگترین مراکز علم و ادب بود رغبت چندانی در کسب علم و دانش از خود نشان نمی‌دادند.

نرگل

این اسطوره با اسطوره فرود ایشتر در اسطوره‌های بین‌النهرینی به جهان

نرشیخی

ابوبکر محمدبن جعفر نرشیخی از

می‌گوید: «داخل شوکک که، و بادا که دروازه به تو برکت دهد.»

کک که هفت دروازه را پشت سر می‌گذارد، اما در هیچ یک از آنها لباس او را از تنش بیرون نمی‌آورند. سپس ارشکیگل و کک که با هم سلام و تعارف رد و بدل می‌کنند، و ارشکیگل تصمیم می‌گیرد وزیر خود نمتر را برای دریافت سهمیه‌اش بفرستد.

هنگامی که نمتر به حضور خدایان می‌رسد متأسفانه متن شکسته است، اما به نظر می‌رسد که نرگل به نمتر اهانت می‌کند و توسط اآ به نزد ارشکیگل فرستاده می‌شود. نرگل، نخست خود را به یک صندلی مخصوص مجهز می‌سازد که احتمالاً در دفع ارواح شیطانی نقشی آیینی داشته است. همچنین اآ طبق معمول به او اندرزهایی احتیاطی می‌دهد: روی صندلی‌ای که آنها می‌آورند نشین، نان یا گوشت نخور، آبجو ننوش، پاهایت را نشوی، و حتماً به یاد داشته باش که تسلیم دلربایی ارشکیگل نشوی، پس از آنکه او

زیرین همپوشی زیادی دارد؛ بعضی شخصیت‌ها یکسانند، مکان همان‌جا است، و اآ در پیدا کردن راه حل همان نقش را ایفا می‌کند. همان‌طور که خواهیم دید فرق‌های جالب توجهی نیز دارند که از جمله آنها معرفی یک صندلی آیینی، نمود تصویری یک پلکان طولانی که به آسمان خدایان منتهی می‌شود و از آنجا به پایین می‌آید، و این واقعیت که کسی که فرود می‌کند و شوهر ارشکیگل می‌شود، نرگل خدا است.

اسطوره به این صورت آغاز می‌شود که چون برای ارشکیگل امکان ندارد که بالا بیاید و در ضیافت سالانه خدایان شرکت کند، و آنها نیز نمی‌توانند به پایین نزد او بروند، انو تصمیم می‌گیرد که فرستاده ارشکیگل به ضیافت بیاید و سهم او را برایش ببرد. انو، فرستاده خود کک که را روانه می‌کند تا این مطلب را به اطلاع ارشکیگل برساند. کک که از پلکان طولانی آسمان پایین می‌رود، و در این اسطوره دروازه‌بان به او خوشامد

طرف خلیفه عباسی، ولایت آذربایجان
را یافت و پسر عمر، محمد نیز ولایت
آذربایجان را داشت.

محمد، علاء بن احمد ازدی والی
پیشین آذربایجان را کشت.

دیگر از این خاندان ابو خالد مرین
علی بن مر را می توان نام برد که گویا
برادر عمر بود و در نرین فرمانروایی
داشت.

«... بیرون آمد،
و لباس های زیبا پوشید،
و به تو اجازه داد نگاهی به او
بیندازی».

سپس نرگل رو به سوی کورنوگی
می گذارد که درست مانند داستان فرود
ایشتر توصیف شده است.

نَرونت

الهه پیروزی در ایلام باستان.

امرای نرین

مرین علی

|

علی

|

۲۱۲ - ۲۳۰

|

عمر

|

۲۶۱

|

محمد

نرین

بلاذری می نویسد: مرین علی
موصلی طایی با پسران خود به نرین که
دیهی بود فرود آمد و آنجا را شهری
ساخت و بنیاد حکومت گذاشت.

در سال ۲۱۲ هـ محمد بن حمید
طوسی که از طرف مأمون مأمور دفع
زریق و سایر سرکشان آذربایجان بود،
علی بن مر را نیز دستگیر و به بغداد
فرستاد ولی در مسالک الممالک که در
سالهای بین ۲۳۰ و ۲۳۴ تألیف یافته، از
او به نام امیر جابروان و نرین یاد است.

در سال ۲۶۰ هـ پسر علی، عمر از

نریمان

نام نریمان از صفت نئیرمنو Nairemanu، یعنی نیرومند پیدا شده که بعدها او را به صورت پهلوانی درآوردند. و این صفت را در اوستا به گرشاسب دادند، و همین نام نریمان است که در شاهنامه گاهی به صورت نیرم دیده می شود. از نریمان به عنوان پهلوان معروف خاندان سام در شاهنامه سخن رفته و این پهلوان در دژ سپند کشته شد، و رستم انتقام او را بگرفت.

نرئوسنگ

پیام آور اورمزد و نمونه کامل نری و مردانگی است. او بخشی از نطفه گیومرث، پیش نمونه مردمان، را نگاه می دارد. از ایزدان ایران باستان.

نزاریه: — اسماعیلیه

نزول اجلال

اصطلاحی که در موقع حرکت و

مسافرت فرمانروایان مغول، مردم روستایی و شهری وظیفه داشتند که برای آنها و همراهانشان محل سکونت و استراحت فراهم کنند.

نسا

اصلی ترین پایتخت پارتیان شهر «نسا» است که براساس مدارک به دست آمده منطقه وسیعی از ویرانه های شمال غربی عشق آباد که در واقع کانون و مرکز «پارتیا» حتی قبل از اینکه سلسله اشکانی به قدرت برسد، بوده است.

نسطوری

پیروان نسطوریوس را نسطوری گویند. نسطوریوس اسقف قسطنطنیه (۴۲۸ — ۴۳۱ م.) برخلاف اسقفان اسکندریه که به ربانیت عیسی اعتقاد داشتند معتقد بود که عیسی انسان است، از مادرزاده شده و توحید ربانیت و انسانیت در وجود عیسی چون وحدت و وصلت زن و مرد پس از ازدواج است،

یعنی دو طبیعت جدا در جسمی واحد. نسطوریوس به خاطر این اعتقاد در شورای افز (Ephese) (۴۳۱ م.) تکفیر و به صحرای لیبی تبعید شد.

پیروان او در هند، ایران، مغولستان، چین و عربستان پراکنده شدند و کیش نسطوری در این نواحی قوت گرفت.

نسق چی باشی

در عصر صفوی صاحب منصب مأمور اجرای صرف، تنظیم فهرست قیمتها و مسکوکات قلب. در عصر قاجاریه ریاست میر غضبان را عهده دار بوده است.

نَسو سالار

نَسا سالار، نَساک سالار. در دین مزدیسنی، کسانی که پیکر مرده را به تابوت می گذارند و برای دفن به آرامگاه یا دخمه برند نسا سالار گویند.

نَسک

در اوستا نسک به معنی کتاب است. مجموع اوستا ۲۱ نسک بوده است. در هر جا که این لغت آمده از آن اجزای کتاب مقدس اراده شده است. به گفته دینکرد، اهورامزدا ۲۱ نسک (کتاب) اوستا را به عدد کلمات اهورنور،

نَسوش: — نَسو

نَسو / نَسوش

دیوی است که به بدن انسان، در حالی که هنوز زنده است، یورش می برد و آن را می گنداند و چون بدن فاسد و گندیده شد، روان دیگر نمی تواند در آن

بماند. در حقیقت نخستین عامل مرگ این دیو است. اثری از تأنیث در نام این دیو دیده می‌شود.

نشیتبان: ← سنگنبشته نشیتبان

نصر بن احمد

از حکمرانان سامانی (۳۰۱ - ۳۳۱ هـ). فرزند احمد بن اسماعیل، در آن هنگام که هشت سال داشت پادشاه شد. ابوعبدالله جیهانی را که از دبیران و دانشمندان بزرگ زمان وی بود به وزارت او گماشتند. چون پادشاه کودک بود، از همان آغاز کار، مدعیانی برای وی پیدا شدند. یکی از ایشان عموی پدرش اسحق بن احمد، برادر اسماعیل بود که احمد او را از سمرقند برداشته و در بخارا به زندان افکنده بود. اسحق پس از کشته شدن احمد، از زندان گریخت و لشکری فراهم آورد و به بخارا حمله کرد ولی مغلوب شد و امان خواست و احمد او را ببخشد.

امیرنصر در آخر کار به مذهب اسماعیلیه بگروید و این امر موجب رنجش غلامان ترک او که سنی متعصب بودند شد. سرانجام نصر که در آخر عمر خود مدت سیزده ماه مبتلا به بیماری سل و بستری بود ناچار شد که بر اثر فشار ایشان از سلطنت کناره‌گیری کند و پادشاهی را به پسر خود نوح واگذارد و چون بمرد او را امیر سعید لقب دادند. از شاعران بزرگ زمان او امیرنصر رودکی است.

نصرةالدین ابوبکر بن محمد
جهان پهلوان (۵۸۷ - ۶۰۷ هـ)

از اتابکان آذربایجان، جهان پهلوان چهار پسر داشت: قتلغ اینانج و میران، از قتیبه خاتون دختر اینانج شحنة ری، ابوبکر و ازبک ازکنیزکی. پس از جهان پهلوان و قتل قزلارسلان، امارت آذربایجان و اران به ابوبکر رسید که مدت بیست سال حکومت کرد. او عراق را به برادرش اینانج سپرد و همان‌طوری

که در تاریخ سلاجقه عراق گفته شد، قتلغ اینانج از در مخالفت با طغرل صلح کرد. و طغرل برای رفع فتنه اینانج با مادر وی قتیبه ازدواج کرد. قتلغ سپس برای تصرف آذربایجان، به جنگ با برادر خود نصره الدین ابوبکر برخاست و بیشتر از چهار بار با ابوبکر جنگ کرد و از تکش کمک خواست و تکش عازم ری شد.

قتلغ، طغرل را به دستیاری لشکریان خوارزمی، در سال ۵۹۰ هـ، در ری کشت، و دولت سلجوقیان عراق منقرض شد. قتلغ از طرف تکش حکومت همدان و اصفهان را یافت و ری را هم پسر تکش، یونس خان به اتابکی میاجق از امرای خوارزمشاهی در دست گرفت. میاجق بعدها قتلغ را به بهانه اینکه خیال مخالفت با خوارزمشاه را داشت، بکشت.

ابوبکر که تا سال ۶۰۷ هـ حکومت کرد، مردی عیاش و شرابخوار بود و مستی و میگساری او سبب گردید که از رسیدگی به امور مملکت غافل بماند و

رفتار او همسایگان را به فکر دست اندازی به املاک او انداخت. همسایه شمالی او یعنی ناحیه گرجستان به دست دختر کیورکی دوم «تامارا» اداره می شد که در تاریخ ۵۹۹ هـ، ایوان و زاخارا دو سردار وی با عساکر گرجی، به یاری شروانشاه، بلاد شمگور، گنجه و دوین را متصرف شد، و نواحی شمالی ارس را که ایلدگز و جهان پهلوان فتح کرده بودند، از دست رفت.

به علاوه امیر اربل مظفرالدین کوبکری با امیر احمدیلی مراغه و علاءالدین کرپه ارسلان، برای تصرف آذربایجان شرقی و استرداد تبریز از ابوبکر، همدست شدند ولی کاری از پیش نبردند.

ابوبکر از آی تغمش، که به بلاد جبل و ری و همدان و اصفهان استیلا داشت، کمک خواست، و توانست به کمک او امیر اربل را از ملک خود بیرون کند.

شهرهای بین‌النهرین شمالی است که ایجاد آن را به نمرود نسبت می‌دهند. لوکولوس سردار رومی در سال ۷۰ قبل از میلاد موقعی که بر علیه مهرداد پادشاه بن و تیگران پادشاه ارمن جنگ می‌کرد نصیبین را متصرف شد و آنجا را مرکز مستعمرات رومی قرار داد. بعدها دولت روم دائماً بر استحکام این شهر افزود و برج و باروی آن را با انواع ماشینهای دفاع مجهز نمود و این شهر مستحکم را مهمترین مراکز استراتژیکی مشرق قرار داد و در واقع کلید متصرفات شرقی رومیان به‌شمار می‌رفت. شاپور بزرگ سه مرتبه نصیبین را محاصره نمود و هر دفعه پس از مدتی معطلی و تحمل ضایعات موفق به تصرف آن نشد. تا آنکه پس از شکست سپاه ژووین، در ضمن معاهده‌ای که با ژووین بسته شد شهر مستحکم نصیبین به دولت ایران واگذار گردید. رومیان به اندازه‌ای به این شهر اهمیت می‌دادند که تسلیم آن را به دولت ایران گناه بزرگی برای ژووین می‌دانند.

اتابک در سال ۶۰۵ هـ، به مراغه حمله کرد، و این شهر را که بیشتر از قرنی در تصرف احمدیلیان بود، متصرف شد.

نصرةالدین احمد بن یوسف شاه

از اتابکان مشهور لرستان که به سال ۶۹۵ هـ. ق. بعد از فوت برادر حکومت یافت. «نصرةالدین احمد» امیری فضل‌پرور و دادگستر بوده و آثار فراوانی به‌جا گذاشت و نویسندگان بزرگی را تحت حمایت گرفت؛ «معیار نصرتی»، «تاریخ معجم» و «تجارب السلف» به‌نام او تألیف شده است.

نصرةالدین کلجه

فرزند هزاراسب، (از اتابکان لرستان). وی بعد از مرگ برادر در سال ۶۰۰ به حکومت لرستان رسید و دو سال و نیم حکومت کرد.

نصیبین

این شهر یکی از قدیم‌ترین

نصیبین: ← جنگ نصیبین

نصیرالدوله ابوطاهر محمد بن محمد:

← ابن بقیه

نصیرالدین اسماعیل سمنانی

خواجه نصیرالدین اسماعیل
سمنانی برادر بزرگتر خواجه
شمس الدین (شهاب الدین) از وزیران
عصر تیموری.

نصیرالدین محمود بن مظفر

خوارزمی

پس از کشته شدن معین الدین
کاشی، نصیرالدین محمود به مقام
وزارت سلطان سنجر نائل گردید.

نصیرالدین نصرالله خوافی

خواجه نصیرالدین نصرالله خوافی
از وزیران عصر تیموری.

نظام الدین

نظام الدین تغان (تغار) بیگ
محمد بن سلیمان کاشغری از ثروتمندان
ترکستان بود. در آغاز، وزارت خان
ترکستان را بر عهده داشت و در اثر
اختلاف با خان ترکستان به نزد سلطان
سنجر آمد و وزارت سلطان را به هزار
هزار دینار نیشابوری خرید و در
۵۱۶ ه. ق. به وزارت رسید. وی از
وزیران بسیار ساده لوح و نادان و احمق
سلجوقیان بود.

نظام الدین احمد

خواجه نظام الدین احمد از وزیران
بدیع الزمان تیموری.

نظام الدین احمد داود

وی در سال ۸۱۹ هجری به سعی
میرزا بایسنقر پسر ارشد شاهرخ به مقام
وزارت منصوب شد تا با سید فخرالدین
محمد به تمشیت امور دیوانی بپردازد.

مدتی نیز متصدی امور غلات ایران بود و در سال ۱۲۹۶ ه. ق. حکومت و گمرک بنادر و فارس به او محول شد. در سال ۱۳۰۳ ه. ق. به حکومت زنجان و در سال ۱۳۰۵ ه. ق. به حکومت خوزستان و چهارمحال بختیاری منصوب شد.

پس از قتل اتابک و ناپایداری دولتهای مشیرالسلطنه و ناصرالملک، از طرف محمدعلی شاه مأمور تشکیل کابینه شد. نظام السلطنه مافی اولین کابینه خود را در ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۵ تشکیل داد و در این کابینه وزارت مالیه را خود برعهده گرفت. در محرم ۱۳۲۶ ه. ق. بر اثر فوت یگانه فرزند پسرش دچار افسردگی روحی و جسمی شد و از مقام خود استعفا داد. دومین کابینه نظام السلطنه در ۲۶ محرم ۱۳۲۶ تشکیل شد و وزارت داخله را خود متقبل شد. کابینه‌های نظام السلطنه چندان پایدار نبود و علت آن علاوه بر پیری خود او، اختلاف نظر شدید بین مجلس و

بعد از عزل سید فخرالدین محمد چند ماهی به استقلال وزارت کرد. در سال ۸۲۰ هجری خواجه غیاث‌الدین پیراحمد به وزارت منصوب شد که با شرکت امیر نظام‌الدین احمد داود به تمشیت امور دیوانی پردازد.

نظام‌الدین بختیار سمنانی

خواجه نظام‌الدین بختیار سمنانی از وزیران دوره تیموری.

نظام السلطنه مافی

حسینقلی خان مافی پسر شریف‌خان قزوینی در سال ۱۲۴۸ ه. ق. متولد شد. پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی وارد دستگاه سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه شد و مدت زیادی را با او گذراند. در سال ۱۲۹۱ ه. ق. مأمور حکومت یزد شد و لقب سعدالملک گرفت. در سال ۱۲۹۲ ه. ق. ابتدا به نیابت حکومت فارس و بعد به حکومت دشتی و دشتستان رسید. حسینقلی خان

محمد علی شاه بود. از یک سو محمد علی شاه به تعهدی که می سپرد پایبند نبود و هر زمان که فرصت می یافت پیمان شکنی می کرد و از سوی دیگر مجلس خواهان اجرای منویات تند و افراطی مشروطه خواهان بود و آن که در میان دو سنگ آسیا قرار می گرفت رئیس الوزرا بود. نظام السلطنه نمی توانست در چنین فضای پر خطری کار کند و مجبور شد در ۷ جمادی الاول ۱۳۲۶ استعفا دهد. پس از استعفا عمر چندانی نکرد و سرانجام در سال ۱۳۲۶ ه. ق. در ۸۶ سالگی در تهران درگذشت و در مزار امامزاده عبدالله شهر ری به خاک سپرده شد.

نظام الملک

ابوعلی حسن بن علی بن اسحق معروف به نظام الملک و ملقب به اتابک در ۴۰۸ ه. ق. در طوس متولد شد و پس از تحصیل علم از غزنه به بلخ آمد و خدمت ابوعلی شادان را عهده دار گشت

و سپس وزیر البارسلان شد. وی که در علم معرفت و سیاست ملک و تدبیر امور، مقامی ارجمند داشت، به طور کلی اساس سلطنت و جهاننداری سلجوقیان را به وجود آورد. وجود این دانشمند سیاسی به قدری در تاریخ این سلسله مهم است که بعضی از محققین ایام اقتدار سلجوقیان را عهد خواجه نظام الملک خوانند که قریب ۵۵ سال زمام امور مملکت را در دست گرفته با سیاست بی نظیری این کشور وسیع را اداره می کرد.

خواجه نظام الملک در دهم رمضان ۴۸۵ ه. ق. به دست یکی از فداییان اسماعیلی نزدیک نهادند کشته شد و عجب آن بود، همین که قلم خواجه از کار افتاد، شمشیر سلجوقیان هم دیگر از پیش نبرد و دولت آنان رو به انقراض گذاشت.

نظام الملک ثانی

خواجه ابو نصیر قوام الدین احمد

مشهور به ضیاءالملک احمد، متوفی ۵۴۴ هـ. ق. وزیر معروف عهد سلاجقه، پسر خواجه نظام‌الملک طوسی.

گذازد و تا آخر عمر در این مقام باقی ماند.

نظام‌الملک محمد

بعد از مرگ صدرالدین علی وزارت خوارزمشاهیان به عهده نظام‌الملک محمد پسر صالح محول گردید. وی در مدت هفت سال بدین سمت اشتغال داشت. در این سه سال به تصرف در اموال دیوانی متهم شده و از وزارت معزول گردید.

نظام‌الملک: ← فخرالدین
نظام‌الملک

نظام‌الملک سعدالدین

وزیر خوارزمشاه تکش خان. وی تکش خان را به سرکوبی اسماعیلیان ترغیب می‌کرد. به همین جهت اسماعیلیان جمعی از فداییان خود را جهت کشتن نظام‌الملک مسعود فرستادند و در زمانی که او از خانه خود بیرون آمد به زخم کارد او را به قتل رسانیدند.

نظام‌الملک صدرالدین علی

بعد از کشته شدن نظام‌الملک، صدرالدین علی پسر سعدالدین مسعود به وزارت تکش خان رسید. وی تا پایان دوره سلطنت تکش خان در این سمت باقی بود و بعد از مرگ تکش خان، قطب‌الدین پسر تکش خان، صدرالدین علی را همچنان در مقام وزارت باقی

نعمتی: ← حیدری

نعیم‌الدین نعمت‌الله قهستانی

از وزیران دوره تیموری فرزندان خواجه علاء‌الدین علی قهستانی، خازن امیر تیمور و شاهرخ تیموری می‌باشد. به طوری که نوشته‌اند خواجه نعیم‌الدین

این سمت باقی بود. تا اینکه در سال ۸۷۲ هجری که میرزا سلطان ابوسعید از خراسان به جانب عراق و آذربایجان لشکر کشید و برخی از آن ولایات را تسخیر کرد، منشور وزارت عراق را به نام خواجه نعمت‌الله قهستانی صادر نمود و برای او فرستاد. خواجه نعمت‌الله پس از وصول منشور وزارت عراق بدان سو عزیمت کرد ولی در بین راه زندگی را بدرود گفت.

نفس زکیه

محمد بن عبدالله علوی (۱۴۵ هـ. ق.) معروف به نفس زکیه.

نقش برجسته آنوبانی‌نی

واقع در سر پل ذهاب. سه نقش برجسته متعلق به ۲۸۰۰ قبل از میلاد در سینه سنگی کوهی با ارتفاع ۳۵ متر باقی مانده که منسوب به پادشاه لولوبی است که پای چپ را بر روی پیکر اسیری نهاده، و از الهه «نانا» دو اسیر دیگر را

در اثر دقت و مهارت در علم حساب و سیاق و خوش مشربی مورد توجه شاهرخ و میرزا الغ بیگ بود و به نام خواجه نعمت‌الله مستوفی نیز خوانده می‌شد. در زمان حکومت سلطان ابوسعید میرزا در سال ۸۶۵ هجری به منصب وزارت نائل گردید. از آنجایی که در این دوره مشاغل دولتی به ویژه مقام وزارت دشمن تراش بود و حاسدان و معاندان همواره بر ضد صاحب دیوان وقت فعالیت می‌کردند در مورد خواجه نعیم‌الدین نیز دخالت و تصرف در مالیات ولایت فوشنج از طرف یکی از اشرار به پادشاه بازگو شد و دستور دستگیری و محاکمه وی صادر گردید. ولی چند روزی نگذشت که حقیقت مطلب برای سلطان ابوسعید میرزا روشن شد و بار دیگر خواجه نعمت‌الله قهستانی منظور نظر و مورد محبت واقع گردید و وزارت سرزمین استرآباد به او محول شد. خواجه نعیم‌الدین نعمت‌الله قهستانی تا پایان عمر خود همچنان در

می‌گیرد. در زیر این تصویر صورت شش اسیر دیگر نقر شده است. سنگتراشی قسمت پایین که شامل تصویر اسرا می‌باشد، در صفحه حجاری عموم آنان را برهنه نشان داده در حالی که دست هر کدام از پشت بسته است و از چپ به راست در عقب سر سلطانی که تاج بر سر دارد در حرکت می‌باشند. در زیر این صفحه حجاری کتیبه‌ای که حاکی بر پیروزی آنوبانی‌نی است نقر شده است.

نقش برجسته بهرام

(۲۷۵-۲۸۲ م.) «در نورآباد ممسنی» واقع شده و در طرفین نقش بهرام دوم، دو نفر از بزرگان دربار ساسانی در حالی که با بلند کردن انگشت رو به بالا در مقام تجلیل و احترام به شاهنشاه ساسانی هستند دیده می‌شود.

سر مشهد نقش برجسته‌ای از دوره ساسانیان در روی سنگ کنده شده. این حجاری شامل تصویر بهرام دوم در حال پیکار با دو شیر است (۲۷۵-۲۸۲ م.) اهمیت و شهرت حجاری سر مشهد به علت دارا بودن کتیبه‌ای به زبان پهلوی است، که متن آن مربوط به امور مذهبی و تعلیمات «تنسر» می‌باشد. این صفحه حجاری که علاوه بر تصویر بهرام دوم نقشی از الهه ناهید و سه نفر دیگر بر روی سنگ نقر شده است حائز اهمیت هنری از لحاظ طرز تزیینات البسه و تاج شاهنشاه ساسانی می‌باشد و همچنین کتیبه پهلوی آن در حال حاضر بزرگترین کتیبه تاریخی به خط پهلوی به شمار می‌رود. کتیبه مزبور به درازای ۵/۲۰ متر و بلندی ۲/۷۰ متر در ارتفاع ۲۵ متری واقع شده است.

نقش برجسته کورانگون (ممسنی)

نقوش برجسته‌ای بر فراز تپه بلندی از آثار دوره عیلامی باقی مانده است. در

نقش برجسته سر مشهد

نزدیک آبادی جُره (کازرون). در

این سنگتراشی نقش رب النوع با پیروان و پرستندگان آنان دیده می شود. به نظر می رسد محل مزبور جزء معابد و پرستشگاههای عیلامی بوده است. اهمیت عمده این حجاری گذشته از نشان دادن طرز آرایش و لباس، این است که تمام تصاویر به طور نیمرخ سنگتراشی شده است و از این جهت با سایر نقوش سنگی تفاوت دارد. ویرانه های تاریخی زیادی در این حدود دیده می شود و نیز در سه کیلومتری نورآباد نقش سنگی از تصویر بهرام دوم، شهریار ساسانی، بر جای مانده که روی تخت سلطنتی جلوس کرده است.

نقش جهان

از آثار باستانی در شهر اصفهان میدانی است با برجسته ترین آثار تاریخی، چون مسجد امام - مسجد شیخ لطف الله - عمارت عالی قاپو و بازار قیصریه که از مراکز مهم آثار تاریخی و دینی اصفهان می باشد. تاریخ

احداث آن در سال ۱۰۱۱ ه. ق. و نام آن از نام باغ بزرگی است به نام جهان که در این محل وجود نداشت.

نقش رجب

تخت جمشید - مجاور جاده، ۳ کیلومتری شمال تخت جمشید، در این محل نقوش برجسته ای از شهریاران ساسانی در سینه کوه حجاری شده است که اردشیر بابکان و شاپور اول را در حالی که هر دو سوار بر اسب، حلقه سلطنت را از اهورامزدا می گیرند و چندتن از درباریان در عقب آنان ایستاده اند نشان می دهد. در نزدیک نقش اردشیر کتیبه ای به خط پهلوی نقر شده است. در نقش رجب آثار سه نقش برجسته حجاری شده است. نقش طرف راست مظهر اهورامزدا را سوار بر اسب نشان می دهد که شعار شاهنشاهی را به شاپور که سوار بر اسب می باشد اعطا می کند. در نقش سمت چپ در حالی که شاپور سواره است، در پشت سر آن

نقش نه تن از درباریان نقر شده است.

کوه ساختمان کعبه زرتشت که بنای

سنگی مربع شکلی می باشد نمودار

است. این بنا که با تخته سنگهای منظم

سفید ساخته شده در عداد یکی از

آرامگاههای هخامنشی باید باشد، لکن

برخی از باستان شناسان این مکان را

محل حفظ اسناد و کتاب اوستا و سایر

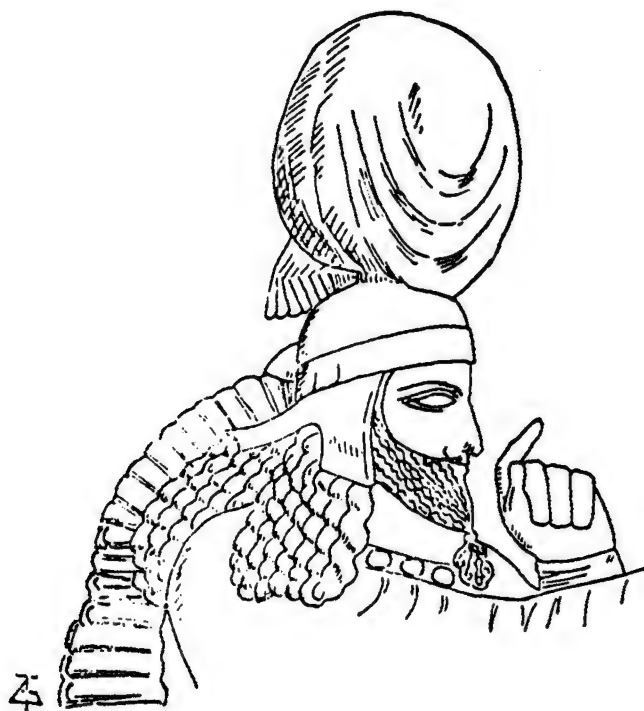
نقش رستم

(کوهستان حاجی آباد) محوطه

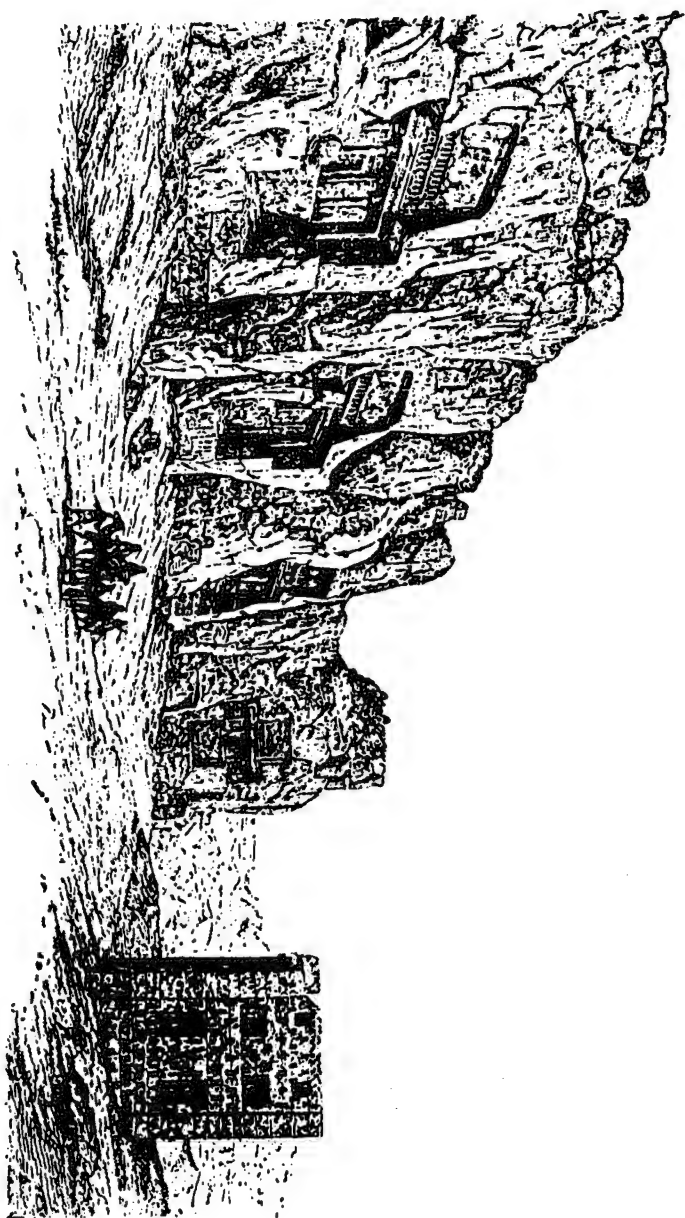
کنونی نقش رستم شامل آثار فراوانی از

دوران پیش از هخامنشیان و عهد عیلام و

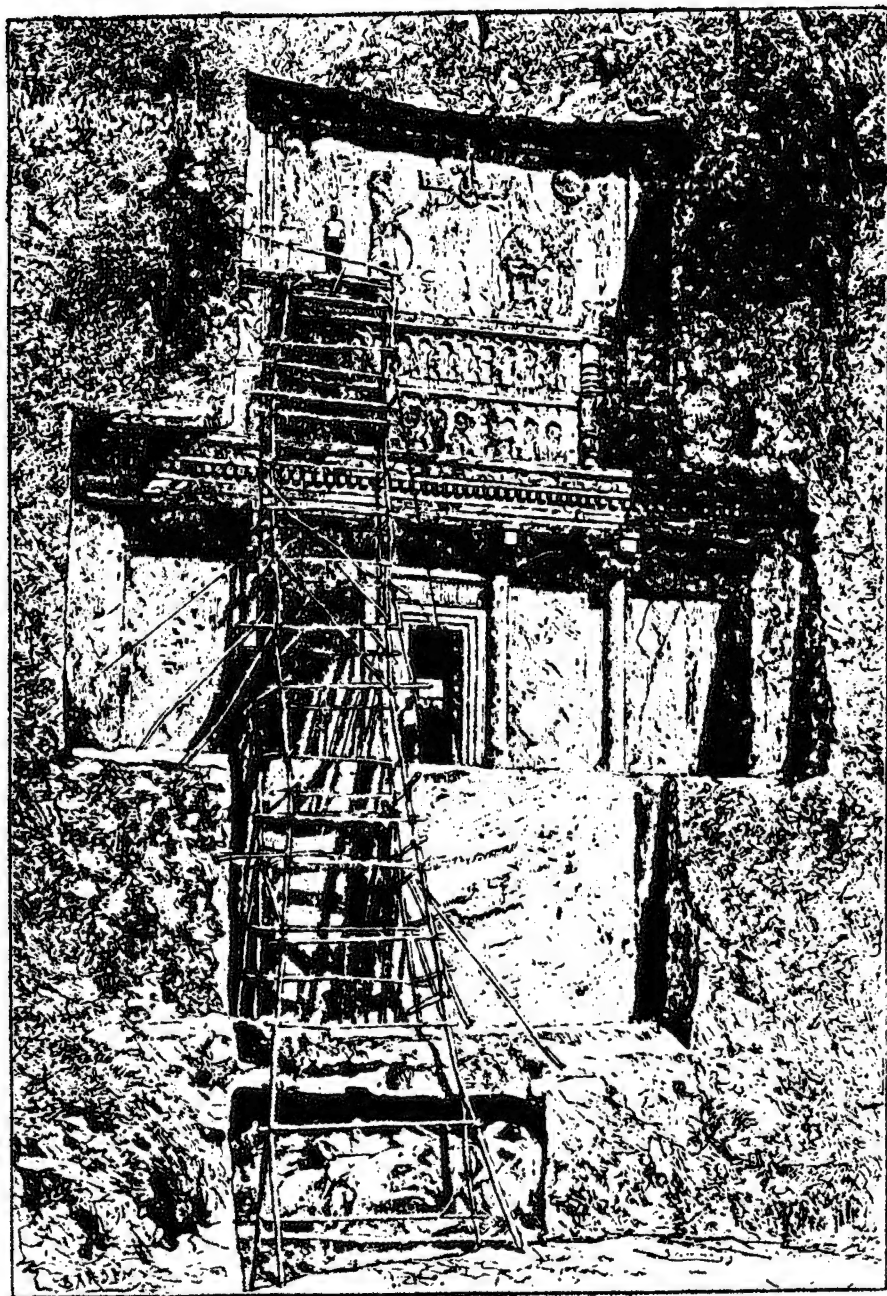
سلسله ساسانی است. در قسمت بالای



نقش برجسته «نقش رستم» اردشیر برابر اهورامزدا



نقش رستم: آرامگاه‌های سنگی پادشاهان هخامنشی و آتشگاه

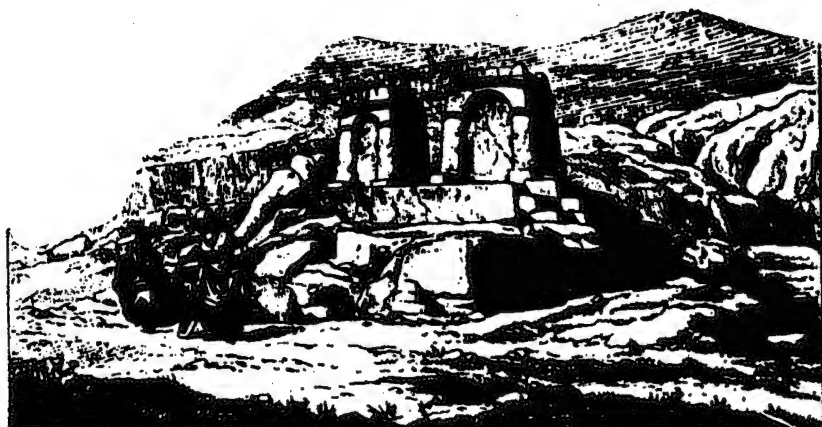


نقش رستم، مقبره داریوش بزرگ

نوشته‌های مذهبی می‌دانند.

کتیبه‌ای به خطوط مختلف یونانی، پهلوی بر دیوارهای سنگی کعبه زرتشت نقش شده است، که حاکی از پیروزی شاپور اول بر مخالفین و قیام‌کنندگان است. در این محل ساختمان و حجاری چهار آرامگاه بر بالای کوه دیده می‌شود که متعلق به خشایارشا، داریوش کبیر، اردشیر اول و داریوش دوم می‌باشد. بلندترین آرامگاه را از آن خشایارشا می‌دانند. در آرامگاه داریوش اول کتیبه مفصلی به خط میخی نقش شده که اهم

مضمون آن ستایش اهورامزدا و بقیه آن درباره معتقدات دینی و اخلاقی داریوش است. تمام آرامگاهها تصویری از شاهان هخامنشی در حال نیایش بر تخت سلطنتی نشان داده شده است. در پشت سر شاه نزدیکان درباری جای دارند و تخت شاهی بر بالای دست و دوش نمایندگان ملل تابعه قرار دارد. در رو به روی شاه فروهر و آتش مقدس تجلی می‌نماید و بر پایین کوه و زیر دخمه‌های چهارگانه شاهان هخامنشی نقوشی به شرح زیر نقر گردیده است:



نقش رستم، آتشکده

۱ - نقش نرسی ساسانی که شعار و حلقه پادشاهی را از آناهیتا می‌گیرد. در این حجاری تصویر طفلی در وسط و مردی در عقب نرسی نقر شده است.

۲ - تصویر زیر دخمه داریوش کبیر که شامل دو مجلس حجاری است. نقش بالایی را به بهرام دوم در حال جنگ نسبت می‌دهند.

۳ - نقش سوم صحنه پیروزی شاپور اول بر والرین امپراتور روم است. کتیبه بزرگی به خط پهلوی که متضمن نام و نشان و تاریخچه جنگهای شاپور و خدمات وی در تقویت آیین و دین زرتشت است در این محل نقر شده است.

۴ - صحنه پیروزی هرمز دوم بر دشمن و خصم خویش است.

۵ - نقشی از غلبه و پیروزی بهرام دوم است. نقش و تصویر پرچم در عقب سر شاه دیده می‌شود.

۶ - نقشی از صحنه‌های مذهبی دوران

عیلام است، همچنین تصاویری از بهرام دوم و ملکه و ولیمهد و سایر بزرگان عصر در این صحنه حجاری شده است.

۷ - تصویری از اعطای شعار و حلقه سلطنتی است. در این نقش اردشیر بابکان حلقه شهریاری را از اهورامزدا می‌گیرد.

نقطویه، نهضت

این نهضت ادامه نهضت حروفیه است که خاستگاه این نهضت در شمال ایران و احتمالاً گیلان بوده است.

مؤسس این نهضت «محمود پسیخانی» گفته شده است، لذا به نقطویه، پسیخانیه نیز گفته‌اند که در سال ۸۰۰ ه. ق. این نهضت را آغاز کرد.

نهضت نقطویه در بخشهایی از ایران پنهانور آن روزگار گسترش یافت و مریدان بسیار داشت. با روی کار آمدن صفویان و قلع و قمع تصوف مردمی، نهضت نقطویه نیز مورد هجوم قزلباشان

صفوی قرار گرفت و در دوره سلطنت طهماسب صفوی به سال ۹۷۳ ه. ق. یکی از رهبران بزرگ نهضت نقطویه به نام ابوالقاسم امری را کور کردند و در سال ۹۸۱ ه. ق. گروهی از آنان را دستگیر کرده و کشتند.

در این دوره (صفویه) سیاست و مذهب درهم آمیخت و استبداد سیاه مذهبی پدیدار گشت و به نابودی هر گونه فکر و اندیشه فلسفی - سیاسی - عرفانی پرداخت.

نقطویان در انگیزش توده‌ها علیه صفویان بسیار مؤثر بودند. در دوره شاه عباس به سال ۱۱۰۲ ه. ق. همه نقطویان در سراسر قلمرو صفوی تحت پیگرد قرار گرفتند و تعداد بسیاری دستگیر و به وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها کشته شدند.

وجه مشترک نهضت‌های قرن ششم تا یازدهم هجری، تکیه بر باورهای متقن اعتقادی تشیع بوده است. از همین رو تشیع امامیه و اصول سیاسی آن، ایدئولوژی نهضت‌های مردمی بوده است

که برجسته‌ترین نهضت این مقطع تاریخی از سریداران شروع می‌شود و به صفویان ختم می‌گردد.

نهضت نقطویه یکی از نهضت‌های فکری است که بر ایدئولوژی صفویان و شعائر رسمی آن حمله کرد و آنچه به جا مانده، اقول مورخان دولتی صفویه و تکفیرنامه‌ها و فتاوی فقها و علمای عصر صفوی است. این نهضت به‌طور کلی به الحاد متهم شده است! با توجه به کشتار عمومی در سال هزار ه. ق. توسط طهماسب صفوی و کور کردن یکی از رهبران نقطویه به سال ۹۹۹ ه. ق.، اینان تا پایان دوره صفوی به حیات خود ادامه دادند.

نقیب

وظایف وی در عصر صفویه و افشاریه، تشخیص و تعین بنیچه، تأیید و صدور رضا نامه برای کدخدایان اصناف و در عصر قاجاریه نیز در رابطه با قلندران و دراویش بوده است.

نقیب‌النقابت سادات

در حکومت مغولی این لقب خاص سادات بود.

نکیسا

موسیقیدان عصر ساسانی.

نگاره فروهر

در سردر کاخها و برخی بناهای تاریخی و اماکن، و همچنین بعضی تندیسهای به جا مانده، نگاره‌ای دیده می‌شود که آن را فروهر دانسته‌اند و برای اجزاء متشکله آن تعبیراتی آورده‌اند که به اختصار چنین است: «نگاره فروهر به صورت پیرمردی نورانی با دو بال و حلقه‌هایی دیده می‌شود. گرچه فروهر معنوی و نادیدنی است و نمی‌توان برای او شکل و پیکری معین نمود لکن برای نمایاندن نیروی مقدس درونی، به صورت یک مجسمه اخلاقی نمایان شده، و سمبل ملی

ایرانیان باستان بوده: ۱ - نمایاندن فروهر به صورت پیرمرد سالخورده اشاره به شخص نیکوکاری دارد که در آغاز به خدا و پیامبر ایمان آورده و سرد و گرم دنیا را چشیده و اخلاقش سرمشق دیگران است و باید تجربیات او را ارج گذاشت. ۲ - دست راست نگاره به سوی بالا دراز شده و اشاره به توجه به سوی پروردگار دارد تا در دو گیتی رستگار شود و با توشه‌ای از اندیشه، گفتار و کردار نیک به سوی آفریدگار برگردد. ۳ - حلقه در دست چپ، نشانگر پیمان بستن در راه پیروی از اوامر الهی است. ۴ - بالهای کشیده در دو طرف، نشانه این است که رو به ترقی دارد و دارای اندیشه‌های عالی است. ۵ - سه قسمت روی بالها، نشانه اندیشه، گفتار و کردار نیک است، یعنی انسان باید با این سه نیرو به سوی خدا پرواز کند. ۶ - در میان و کمر پیرمرد حلقه یا چنبری آویزان است. حلقه، علامت دایره روزگار وسیع و بی‌پایان است که انسان

در آن واقع شده؛ انسان در این گیرودار باید طوری زندگی کند که پس از مرگ، روح پاکش به بهشت برین برود. ۷- دو رشته که از حلقه به پایین آویزان است نمایانگر سپته مینو و انگره مینو یعنی نیروی خوب و بد است که باید شخص خود را به نیروی خوبی و ایمان آراسته گرداند و به نیروی خرد خبیث و نفس بد غالب آید و به خدا نزدیک گردد. ۸- در پایین نیز سه بخش دیده می شود که نشانگر اندیشه، گفتار و کردار بد است و می فهماند که باید انسان با نیروی سپتتامینویی و ایمان به پروردگار صفات بد را از خود دور داشته و بدور اندازد.

نمارق: — جنگ نمارق

نمان (Naman)

به معنی «خانه» — تقسیمات ارضی ایرانیان قدیم.

نمانوپیتی

رئیس خانواده و بزرگ خاندان را گویند.

نمیرو

معلم اتریشی سواره نظام و مربی سپاه در دوره امیرکبیر در مدرسه دارالفنون.

نواب صفوی

بنیانگذار جمعیت فداییان اسلام. در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در یکی از محله های جنوبی تهران (خانی آباد) تولد یافت. مادر او خانم نواب صفوی و پدر وی مردی اصیل و فاضل از خاندان عترت و طهارت به نام سید جواد میرلوحی بود. پدر و مادر نام نوزاد را مجتبی نهادند.

سید مجتبی نواب صفوی پس از فراگیری دروس ابتدایی و دبیرستان در اواخر سال ۱۳۲۰ وارد نجف شده و



نواب صفوی

دروس حوزوی را فرا می‌گیرد. و پس از سه سال آموخت که برای اینکه حقیقت باقی بماند می‌باید قیام کرد و مسلمانان را از گرفتاری نجات داد. از جمله مسائلی که نواب صفوی در این زمان علیه آن قیام نمود تبلیغات احمد کسروی بود. احمد کسروی مورخ معروف ایران که فکر ادعای نبوت را در سر خود می‌پروراند تصمیم گرفته بود که مکتب شیعه را که بزرگترین سد راه اشاعه افکار پلید خود پنداشته بود با هجو کردن اساس علمی و فلسفی آن راه را برای رسیدن به هدف شیطانی خود هموار سازد و ضمن اینکه مکرر بر ضد علماء و روحانیون شیعه هرزه‌درایی می‌کرد وقتی که معارض و مبارزی در این مسیر برای خود ندید پا را فراتر نهاده و شروع به هتاک‌نویسی نسبت به حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام نمود.

نواب صفوی برای از میان برداشتن کسروی اسلحه‌ای تهیه نموده و در روز

۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۴ هجری شمسی وی را مضروب می‌سازد ولی کسروی از این ماجرا جان سالم به‌در برده و نواب صفوی دستگیر و به زندان منتقل می‌گردد. کسروی بعد از اینکه احساسات خدایی مردم مسلمان او را به وحشت انداخته بود حرف و عمل خود

را به ظاهر تا اندازه‌ای پس گرفت.

نواب صفوی پس از واقعه کسروی موقعیت را برای پی‌ریزی بنیاد مقصود خویش مناسب دید و جلساتی را که قبلاً از افراد متدین و پر شور تشکیل داده بود، توسعه داد و پایه یک جمعیت دینی فداکار را نهاد و چون یقین داشت که در راه مقصود بزرگی که در پیش دارد همه گونه فداکاری لازم است و ممکن است که به فدا شدن عده‌ای از افراد منجر شود، لذا جمعیت را به نام «فداییان اسلام» نامید و اولین موجودیت جمعیت را با صدور اعلامیه اعلام نمود.

پس از تشکیل جمعیت فداییان اسلام عده‌ای از جوانان مخلص تربیت شده به این جمعیت پیوستند و حس انتقام از کسروی که به تازگی از بیمارستان خارج شده بود در آنان تقویت شد و سرانجام روز بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ در محل دادگستری تهران به دست شهید سید حسین امامی و سید علی محمد امامی اعدام گردید.

اعدام انقلابی عبدالحسین هژیر وزیر دربار شاهنشاهی به دست سید حسین امامی، اعدام انقلابی رزم‌آرا (نخست‌وزیر) به دست خلیل طهماسبی، و مضروب ساختن حسین علاء (نخست‌وزیر) به دست مظفر ذوالقدر از حرکت‌های اسلامی فداییان اسلام بود. به هر حال جمعیت فداییان اسلام در ۱۳۳۴ هجری شمسی رهبران خود را از دست داد و نواب صفوی، استاد خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی ذوالقدر دستگیر و به جرم آزاداندیشی و غیرت دینی مذهب تشیع به اعدام محکوم شدند و سرانجام در نیمه شب بیست و هفتم دیماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در پادگان لشکر ۲ زرهی تحت فرماندهی سرتیپ تیمور بختیار به شهادت رسیدند.

نوبختی: — ابن روح

نوبختی: — ابن نوبخت

نوتوس: — دراز دست

نوح بن منصور

از حکمرانان دوره سامانی (۳۶۶ —

۳۸۷ ه. ق.) فرزند منصور بن نوح که در سیزده سالگی جای او را گرفت. وی خراسان را به ضمیمه هرات و نیشابور با لقب ناصرالدوله به ابوالحسن سیمجوری داد و دختر او را به زنی گرفت که سپس ابوالحسن عبدالله بن احمد عتبی را که جوانی دانشمند بود به وزارت برداشت. مخالفت این وزیر با ابوالحسن سیمجوری بدانجا رسید که عتبی او را از سپهسالاری و حکومت خراسان معزول کرد و مقام وی را در ۳۷۱ ه. ق. به ابوالعباس تاش که از غلامان قدیم پدرش بود سپرد. در زمان نوح، بغراخان در شمال خراسان به تاخت و تاز پرداخت و بخارا را گرفت و در همان زمان ابوعلی سیمجور پسر ابوالحسن سیمجور علیه نوح قیام کرد.

امیر نوح از سبکتکین داماد البتکین که سرداری دلاور بود یاری خواست و ابوعلی را شکست داد. پس از این پیروزی امیر نوح، سبکتکین را ملقب به سیف الدوله کرد. چندی بعد ابوعلی به یاری فایق خاصه قیام کرد و این بار نیز به دست سبکتکین و پسرش محمود شکست یافت و به زندان افتاد. فایق نیز از بیم نوح و سبکتکین به نزد ایلک خان افراسیابی رفت و سرانجام نوح فایق را عفو کرده و به فرمانروایی سمرقند فرستاد.

فیلسوف و حکیم معروف، ابوعلی حسین بن سینا که از مردم بخارا بود در دربار نوح بن منصور به سر می برد و آن پادشاه نسبت به وی عنایت خاصی داشت.

نوح بن نصر

نوح در زمان پدر به جانشینی او برگزیده شد. از زمان وی بود که انحطاط دولت سامانی آغاز شد. وی پس از

رسیدن به پادشاهی، وزارت خویش را به یکی از فقهای زمان خود که دانشمندی پرهیزکار بوده و ابوالفضل محمدبن احمد سلمی حاکم جلیل نام داشت سپرد.

امیرنوح در ربیع الاول سال ۳۴۳ هـ. ق. وفات یافت. او مردی نیکومنش و خوشرفتار بود و از این جهت وی را امیر حمید لقب داده‌اند.

نوذر

نام او در اوستا نوترا Naotara آمده و او پسر منوچهر است و در پهلوی نوتر آمده که به فارسی نوذر شده است و مؤسس خاندانی است که در اوستا، نوتریا Naotariya خوانده می‌شود یعنی نوذریان.

بنابه روایت فردوسی نوذرکه پسر منوچهر بود پس از پدر به شاهی نشست و خیالی جز گرد کردن مال نداشت و همواره در کاخ خود تنها می‌زیست و از دادرسی امتناع می‌نمود. مردم از او بیزار

شدند. اما سام به اندرز خود او را به راه باز آورد. چون پشنگ شاه توران از مرگ منوچهر آگاه شد دو فرزند خود افراسیاب و اغریث را با سپاهی عظیم به جنگ نوذر فرستاد. افراسیاب نوذر را شکست داد و او را بکشت و خود به جای او نشست و ۱۲ سال پادشاهی کرد. نوذر دو پسر به نام طوس و گسته‌م داشت که بعدها از پهلوانان ایران شدند. نوذر هفت سال پادشاهی کرد. از این داستان چنین برمی‌آید که ایرانیان از سکاها شکست خوردند و خود شاه اسیر شد و بعدها کشته آمد.

نوذر، زو، گرشاسب (پایان دوران پیشدادیان)

پس از صد و بیست سال، زندگی منوچهر به سر می‌رسد و فرمانروایی به فرزندش نوذر سپرده می‌شود. در دوران نوذر، افراسیاب با لشکری انبوه رو به ایران می‌گذارد. پهلوانان از دو سو به نبرد با هم برمی‌خیزند. در این نبرد بخت

با ایرانیان یار نیست. نوذر به دست افراسیاب کشته می شود و در آن دم افراسیاب از سلم و تور یاد می کند که به دست منوچهر کشته شده اند و تاج و تخت ایران از پادشاه تهی می ماند. بزرگان در بند می افتند و اغریث، برادر افراسیاب، آنان را در ساری به زندان می دارد. افراسیاب از دهستان لشکر به سوی ری می برد و تاج شاهی بر سر می گذارد و بر تخت ایران می نشیند. زال که از مرگ نوذر آگاه می شود به خونخواهی برمی خیزد و بندیان را آزاد می سازد و افراسیاب، اغریث را به دلیل همراهی با ایرانیان از میان به دو نیم می کند، و این نشان بخت برگشتن از افراسیاب است. بزرگان ایران زو، فرزند تهماسب، را که از نژاد فریدون است به فرمانروایی می پذیرند و پس از خشکسالی سختی، تورانیان و ایرانیان با هم کنار می آیند و جیحون را مرز دو کشور قرار می دهند. زال به زابلستان باز می گردد و سرسبزی به ایران روی

می آورد. پس از درگذشت زو، گرشاسب به جای او می نشیند و پس از نه سال فرمانروایی در می گذرد.

نوذریان

از خاندانهای بزرگ پهلوانی در شاهنامه، خاندان نوذری است که از تخمه نوذر پسر منوچهر و بزرگترین پهلوانان آن طایفه طوس و گستهم و زراسپ بوده اند. در اوستا از این خاندان سخن رفته است، و طوس و گستهم فرزند نوذر بودند و چون فر نداشتند به شاهی ننشستند. طوس همواره سپهسالار ایران بوده، و او از کسانی است که به اتفاق فربرز و گیو همراه کیخسرو به کوه رفته و ناپدید شده اند و در ادبیات زرتشتی از جاودانیهاست. پسر طوس در شاهنامه نام زراسپ دارد. و در حقیقت از شاهان اشکانی است که در روایات ملی داخل شده است. از او در اوستا اصلاً سخنی نرفته است. اما گستهم پسر دیگر نوذر است که در

ادبیات زرتشتی از جاویدانها به شمار می‌رود.

همراه گروه دکتر مظفر بقایی به صفوف کودتاچیان می‌پیوندد.

نوروزنامه

نوز (Nuse)

رساله‌ای است به فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری. مؤلف در آن علت پیدایش جشن نوروز و واضع آن و آداب شاهان ساسانی را در این جشن شرح می‌دهد و همچنین از شاهان داستانی و تاریخی ایران تا زمان یزگرد شهریار ساسانی و آیین جهاننداری و رسوم شاهی ایشان مطالبی آورده است. این کتاب در حدود سال ۴۹۵ ه. ق. تألیف یافته است.

رئیس بلژیکی پست تهران و سپس مدیرکل پست ایران، از آغاز سلطنت مظفرالدین شاه تا انقلاب مشروطیت.

نوزی

مکان تاریخی در بین‌النهرین شمالی نزدیک کرکوک.

نوسنگی

۴۵۰۰ قبل از میلاد که در این دوره نوآوریهایی مانند کشت گندم و مختصری اهلی کردن بز و گوسفند را شاهد هستیم. استفاده از ظروف سفالی پخته و ابزار سنگی صیقل یافته از مشخصات این دوره می‌باشد.

نوش آذر

در مبارزه اسفندیار با رستم، دو

نوری

ابوالحسن عمیدی نوری مدیر روزنامه «داد» و از بنیانگذاران «جبهه ملی» در سال ۱۳۲۸ می‌باشد که در دوران مبارزات ملی شدن صنعت نفت ایران، با سیاستهای دکتر محمد مصدق به مخالفت می‌پردازد و سرانجام به

پسر اسفندیار به نامه‌های نوش آذر و مهرنوش نیز کشته شدند.

که گرگان و طبرستان در زمان وی به دست سلجوقیان افتاد و آل زیار دست‌نشانده آنان شد.

نوش آذر

یا آذرنوش، نام یکی از هفت آتشکده عصر ساسانی است. این آتشکده بسیار قدیمی و مقام زرتشت بوده است؛ و همانجا بود که تورانیان وی را با هشتاد هیربد دیگر بکشتند.

نولدکه (Noldeke)

خاورشناس آلمانی که تألیفات بسیاری درباره تاریخ اسلام انجام داده که از آن جمله تألیف «تاریخ قرآن» و «حماسه ملی ایران» است (۱۸۳۶ - ۱۹۳۰ م.).

نوشیجان تپه

منطقه‌ای در ۶۰ کیلومتری جنوب استان همدان و ۲۰ کیلومتری غرب شهرستان ملایر. کاوشهای باستان‌شناسی در محل نوشیجان تپه در سال ۱۹۶۷ م. آغاز شد و طی عملیات حفاری، سه دوره به دست آمد: نوشیجان ۱: دوره ماد، نوشیجان ۲: دوره هخامنشی، نوشیجان ۳: دوره پارتی.

نوهاترا = نتات رج = الحضر الجدید شهری در بلوک موصل بوده است. الحضر همان هاترا است که شهر و دژی قدیم در شمال عراق به فاصله ۸۸ کیلومتری جنوب غربی موصل بوده است که اکنون در محل آن دهکده‌ای به نام الحضر است. در دوره اشکانی و آغاز ساسانی رونقی داشته و سپس در زمان شاهپور اول به دست ایران افتاده است (۲۴۰ م.).

نوشیروان

از حکمرانان آل زیار پسر منوچهر

کولسینکف می‌نویسد «نوهاترا»

احتمالاً در پارسی معنی خاترای نو داشته و منطقه شهرستان موصل بوده است. از سال ۴۱۰ م. بت (بیت) نهایتاً با چند مرکز دیگر در حوزه مذهبی کلیسای «هدایاب» بوده که در میان دجله و خابور و طور عابدین و سنجار جای داشته است.

نوید، سازمان

سازمان مخفی نوید، برای نخستین بار در سال ۱۳۵۲ برپایه همیاری و تلاش تعدادی از هواداران و رهروان حزب توده در داخل کشور تشکیل گردید. این سازمان پس از یک دوره فعالیت کوتاه مدت توانست در سال ۱۳۵۱ با رهبری حزب در خارج از کشور ارتباط برقرار نماید. فعالیت این گروه به تدریج در داخل گسترش یافت و بعدها به سازمان نوید معروف شد. پس از تشکیل شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده در خارج از کشور، محمد مهدی پرتوی به عنوان رهبر

اصلی گروه، به طور غیابی به سمت عضو و مشاور اصلی هیئت سیاسی در حزب توده پذیرفته می شود. پس از انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نیروی مخفی به آلت فعلی در جهت کسب خبر و اطلاع رسانی به عوامل بیگانه تبدیل شد و پس از دستگیری سران حزب توده این سازمان متلاشی گردید.

نهر ملک

ترعه بزرگی بوده است که فرات را به دجله متصل می نموده. «پلین» مورخ معروف رومی حفر آن را به سلوکوس نیکاتور نسبت می دهد ولی امین مارسلن معتقد است که تراژان این ترعه را حفر کرد و نیروی دریایی خود را از فرات به دجله و ترعه مزبور را که در آن زمان از طرف ایرانیان پر شده بود دستور داد پاک کردند و کشتیهای خود را از آنجا به دجله گذرانید.

نهران

نام شهر وسیعی در شمال بغداد بوده و رودی به همین اسم از سه میلی شمال شرقی تیسفون می‌گذشته است.

نهضت پانزده خرداد

قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ هجری شمسی را می‌توان سرآغاز نهضت اسلامی به‌شمار آورد که در بیست و دوم ۱۳۵۷ به‌پیروزی رسید و انقلاب اسلامی ایران نام گرفت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد در طول سالهای سیاه اختناق، مقاومتهایی در میان گروههای مختلف مردم به‌چشم می‌خورد ولی از آنجا که این مبارزات سیاسی، پراکنده و سازمان نیافته بود به‌نتیجه نمی‌رسید تا اینکه در سال ۱۳۴۱ اولین جرقه‌های انقلاب از شهر قم درخشیدن گرفت و در ماههای آخر سال ۱۳۴۱ برای مخالفت و ایستادگی در مقابل رژیم، فراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱

از سوی امام خمینی و سایر روحانیون تحریم شد و به‌دنبال آن عید ۱۳۴۲ عزای اعلام گردید و اعلامیه امام تحت عنوان «روحانیت امسال عید ندارد» در میان مردم توزیع شد. شاه که از این مبارزه گسترده و همه‌جانبه روحانیت به‌شدت آشفته شده بود برآن شد تا به خیال خود از روحانیون آنچنان «چشم زهری» بگیرد که تا چند سال جرئت چنین جسارتهایی را پیدا نکنند.

بعد از ظهر روز دوم فروردین که مصادف با ۲۵ شوال ۱۳۲۸ سالگرد شهادت حضرت امام صادق (ع) بود و هزاران نفر برای شرکت در مراسم سوگواری امام ششم (ع) در مدرسه فیضیه گرد آمده بودند، با ایجاد بهانه‌های متعدد بر سر مستمعین ریختند و با چوبهایی که در زیر لباس خود پنهان کرده بودند به‌جان روحانیون و طلاب بی‌دفاع افتادند، روحانیون که تا آن لحظه واکنشی نشان نداده بودند، در صدد دفاع برآمدند و جنگ تن به‌تن آغاز شد،



امام خمینی (ره) در حال سخنرانی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

اعلامیه امام خمینی، صحن آن به حمام خون بدل شد.

به دنبال اعمال فاجعه آمیز رژیم در مدرسه فیضیه، امام خمینی از مردم خواستند تا برای آگاهی از ماهیت رژیم از مدرسه دیدن کنند و از نزدیک مآواق را ببینند. به دنبال این فرمان سیل مردم به سوی فیضیه سرازیر گردید و دیدن آن مناظر فجیع انزجار توده ها را علیه رژیم برانگیخت. مأموران رژیم که از بازدید مردم دچار وحشت شده بودند شبانه به فیضیه ریختند تا آثار جنایات خود را پاک کنند ولی چون این اعمال بی اثر بود مدرسه به محاصره درآمد.

حوزه علمیه قم که پس از فاجعه خونین فیضیه می رفت تا برای پنجاه سال دیگر در خاموشی و سکوت فرو رود، با صدور اعلامیه امام روحی تازه گرفت و به چاپ اعلامیه ای که بازگوکننده جنایات شاه در فیضیه بود اقدام نمود.

در پی انتشار این دو اعلامیه در

ولی تعداد مهاجمین بسیار زیاد بود و مقاومت بی فایده، به همین دلیل کتابهای علمی و دینی در میان شعله های آتش خاکستر گردید و صحن مدرسه از خون روحانیون رنگین شد و آن مرکز علم و دانش به ویرانه ای بدل شد که ناله های مجروحین در آن طنین افکن بود. این حادثه خونین که دهها کشته و صدها زخمی به جای گذاشت، حدود ساعت ۷ بعد از ظهر پایان پذیرفت و مهاجمین برای مخفی نگاه داشتن اعمال غیر انسانی خود، تا آنجا که توانستند جسد های بی جان و نیمه جان قربانیان فاجعه را با خود بردند.

فردای آن روز (سوم فروردین) دوباره صحن مدرسه فیضیه با یورش وحشیانه مهاجمان به لرزه در آمد و باز عده ای دیگر به خاک و خون کشیده شدند.

همزمان با بروز این جریان در مدرسه فیضیه قم، مدرسه طالبیه تبریز نیز مورد هجوم واقع شد و به بهانه نصب

شهرهای مختلف، روحانیون با صدور اعلامیه‌هایی سه روز اعتصاب عمومی اعلام نمودند و به دنبال آن بازار و مغازه‌ها در تهران و بسیاری از شهرستانها تعطیل شد.

پس از پایان سه روز اعتصاب مأموران رژیم برای انتقام گرفتن از بازاریان به بازار ریختند تا مانع از گشایش دکاکین شوند، لکن مردم مبارز با شعار «آیت‌الله خمینی پیروز است» به آنان حمله بردند و آنان را متفرق ساختند.

این برای اولین بار بود که ملت ایران با شعار خمینی به تظاهرات خیابانی پرداخت. رژیم وقت که از ادامه این جریانات دچار هراس شده بود در صدد برآمد تا با ارتباط دادن این جریانات به سرهنگ عبدالناصر و حمله به علما و روحانیون عراق، قضایا را به طریقی دیگر جلوه دهد و بعد از این دروغپردازها بود که آیت‌الله حکیم با ارسال تلگرافی از کلیه روحانیون

خواستند تا به عتبات مهاجرت نمایند. فرا رسیدن ماه محرم ۱۳۸۳ ه. ق.، ماه انقلاب حسین بن علی (ع) سرور آزادگان و رهبر انقلابیون راستین فرصت دیگری بود تا امام خمینی نهضت مقدس خود را که در واقع دنباله نهضت حسین (ع) و ادامه‌دهنده راه حسین (ع) بود بیش از پیش گسترش دهد. به همین منظور همزمان با فرا رسیدن محرم رهنمودنامه انقلابی رهبر بزرگ، خطاب به گویندگان اسلامی و سران هیئتهای عزاداری در سراسر ایران پخش گردید و این رهنمودنامه در شرایطی انتشار یافت که سانسور شدیدی بر سراسر کشور حکمفرما بود و از گویندگان التزام گرفته می‌شد تا از بیان مطالب علیه رژیم پرهیزند.

چند روز پیش از عاشورا اعلام شد که دسته‌های عزاداری در مدرسه «حاج ابوالفتح» واقع در میدان شاه اجتماع نمایند تا دسته‌جمعی به تظاهرات خیابانی دست زده و وفاداری و پشتیبانی

خود را نسبت به امام خمینی ابراز نمایند و آخرین کلام را درباره هیئت حاکمه و شخص شاه بر زبان آورند.

صبح روز عاشورا مدرسه «حاج ابوالفتح» توسط مأموران رژیم محاصره شد تا از برگزاری تظاهرات جلوگیری به عمل آید اما مردمی که برای انجام تظاهرات به جانب مدرسه رفته بودند اجتماع عظیمی در مقابل مدرسه به وجود آوردند و با حمله به پلیس، مدرسه را به تصرف خود در آوردند و در ساعت ۸ صبح صدها هزار نفر از مردم به پا خاسته در حالی که عکسهایی از امام خمینی در دست داشتند با شعار «خمینی خدا نگهدار تو، ملت طرفدار تو» به خیابانها ریختند. تظاهرکنندگان پس از رسیدن به میدان بهارستان عازم خیابانهای فردوسی، دانشگاه تهران و سپس کاخ مرمر شدند. در مقابل کاخ مرمر خشم ملت به حدی رسید که نزدیک بود کاخ را با حمله خود ویران سازند، آنها پیروزی امام خمینی و

سقوط شاه را می خواستند و این خواست خود را با شعارهای «مرگ بر این دیکتاتور»، «خمینی بت شکن ملت طرفدار تو، می رود می رود دشمن خونخوار تو» بیان نمودند. تظاهرکنندگان پس از ابراز تنفر از رژیم به راهپیمایی خود ادامه دادند و در ساعت ۳ بعد از ظهر تظاهرات در بازار تهران خاتمه یافت و اعلام شد که فردا نیز تظاهرات از مسجد شاه تهران آغاز می گردد.

شب یازدهم محرم تظاهرات باشکوهی نیز از طرف دانشجویان دانشگاه تهران در پشتیبانی از امام انجام شد.

صبح روز یازدهم محرم در ساعت ۸ صبح، جمعیت تظاهرکننده از مسجد شاه به طرف سفارت انگلیس رهسپار شدند و با شعارهای «خمینی، خمینی بت شکن» به راه خود ادامه دادند و عازم دانشگاه شدند. با رسیدن تظاهرکنندگان به دانشگاه، دانشجویان از کلاسها بیرون

ریختند و به تظاهرات پرداختند. در این هنگام نماینده دانشجویان دانشگاه تهران ضمن سخنانی اعلام داشت که چون رهبری امام خمینی موجب بسیج همگانی توده‌های ایرانی و بیداری آنان شده پیروزی ملت ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع حتمی خواهد بود.

تظاهرات ۱۴ خرداد (۱۱ محرم) نیز پس از گذشتن از کاخ مرمر در بازار تهران خاتمه پذیرفت.

امام خمینی که در آن شرایط از هر فرصتی برای افشاگری استفاده می‌کرد روز عاشورا را برای اوج بخشیدن به نهضت، روز مناسبی دید. از این رو به علمای قم پیشنهاد نمود که روز عاشورا را به مدرسه فیضیه بروند و برای مردم سخنرانی کنند و حقایق را به گوش آنان برسانند. از این‌روی چند روز پیش از عاشورا گویندگان مذهبی در قم، تهران و بسیاری از شهرستانها اعلام داشتند که آقایان علمای قم روز عاشورا نطقهایی ایراد خواهند کرد. انعکاس این خبر از

یک‌سو جمعیت کم نظیری را در روز عاشورا به قم کشانید و از سوی دیگر رژیم شاه را به وحشت انداخت و عمال رژیم را وادار ساخت تا از هر راهی که امکان دارد علما را از این تصمیم منصرف سازند. شایعه پراکنی در مورد به گلوله بستن مدرسه فیضیه آغاز شد و عده‌ای را نیز مرعوب ساخت. ولی امام در مقابل این شایعات ابراز می‌داشت که: «من تصمیم نهایی خود را گرفته‌ام و با این شایعه‌پراکنی‌ها و تهدیدات رژیم نمی‌توانم از تصمیم خود برگردم.»

صبح روز عاشورا در حالی که هزاران نفر در منزل امام گرد آمده بودند و به سخنان گویندگان مذهبی گوش می‌دادند، یکی از مقامات ساواک خود را به امام رسانید و اظهار داشت «من از طرف اعلیحضرت مأمورم به شما ابلاغ نمایم که اگر بخواهید امروز در مدرسه فیضیه سخنرانی نمایید کماندوها را به مدرسه می‌ریزیم و آنجا را به آتش و خون می‌کشیم.» امام هم بدون درنگ

پاسخ داد: «ما هم به کماندوهای خود دستور می‌دهیم که فرستادگان اعلیحضرت را تأدیب نمایند».

مأمور که از جواب امام سخت شگفت‌زده شده بود با عجله از مجلس خارج شد.

در ساعت ۴ بعدازظهر عاشورا در حالی که شهر قم از انبوه جمعیت موج می‌زد امام خمینی برای ایراد نطق در مدرسه فیضیه از منزل خود خارج شدند. امام در مقابل مدرسه از ماشین پیاده شدند و در حالی که مردم ابراز احساسات می‌کردند به روی منبر رفتند و به سخنرانی پرداختند.

از سوی دیگر رژیم شاه که همه نقشه‌هایش با شکست مواجه شده بود شب ۱۲ محرم ۱۳۸۳ (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) حملات خود را به سنگر روحانیت آغاز نمود و تعداد زیادی از گویندگان مذهبی را دستگیر و روانه زندان ساخت. در ساعت سه بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد عمال رژیم با یورش

به منزل امام ایشان را شبانه به تهران آوردند و در غروب خونین ۱۵ خرداد ایشان را به پادگان قصر منتقل ساختند. هنگامی که خبر توقیف امام در قم منتشر شد، مردم آشفته و خشمگین در مقابل خانه ایشان اجتماع کردند و با دادن شعار، تنفر خود را نسبت به اعمال بی‌شرمانه رژیم ابراز داشتند. علما و روحانیون طراز اول حوزه علمیه قم نیز پس از صدور بیانیه‌ای مبنی بر تقبیح توقیف امام خمینی و درخواست آزادی فوری و بی‌قید و شرط ایشان و دعوت توده‌ها به پایداری، استقامت و ادامه مبارزه، رهسپار صحن شدند. مردم نیز با شعار «یا مرگ یا خمینی» شهر را به لرزه در آوردند و راهی صحن شدند و هنگامی که می‌خواستند با خروج از صحن به راهپیمایی در خیابانها بپردازند با یورش مأموران رو به رو گشتند و رگبار مسلسل بر آنان باریدن گرفت لکن این خونریزی نه تنها مردم را مرعوب نساخت بلکه آنان را به زد و خورد با

مأموران واداشت. اما سرانجام مقاومت دلیرانه و قهرمانانه اهالی قم که از ساعت ۷ صبح ۱۵ خرداد آغاز شده بود با به جای ماندن صدها کشته و زخمی در ساعت ۵ بعدازظهر در هم شکسته شد و شهر قم به ماتمکده‌ای ویران بدل گردید.

در تهران نیز مانند قم خبر دستگیری امام انعکاس وسیعی یافت. مغازه‌ها تعطیل شد و خشم و غضب سراسر پایتخت را فرا گرفت. دانشجویان انقلابی با دادن شعار از دانشگاه خارج شده و دامنه تظاهرات را به خیابانها کشانیدند. سیل جمعیت از بازار، میدان و دانشگاه به منظور واژگون کردن کاخ شاه به سوی کاخ مرمر به حرکت در آمدند. گروهی برای در دست گرفتن اداره رادیو به میدان ارک یورش بردند و گروههای دیگر به اداره تسلیحات ارتش، ماشینهای دولتی، عمارات دولتی و پاسگاههای پلیس حمله بردند. با اوج‌گیری این قیام

همگانی، بار دیگر سرکوبی ملت و ریختن خون بی‌گناهان آغاز شد و هنگامی که مردم خشمگین به سوی کاخ شاه به راه افتادند رگبار گلوله به طرف آنان باریدن گرفت و از کشته‌ها پشته‌ها ساخته شد. فجیع‌ترین کشتار این روز سرپل «باقرآباد» اتفاق افتاد که طی آن تعداد زیادی از دهقانان ورامین که کفن پوشیده و به طرف تهران حرکت کرده بودند کشته شدند. رژیم شاه برای منحرف کردن افکار عمومی و توجیه کشتار ناجوانمردانه خود تعدادی از مأموران سیاهپوش خود را با گرد آتش‌زا به آتش زدن مغازه‌ها، سوزاندن کتابخانه‌ها و اتومبیلها واداشت تا قیام ملی و اسلامی ۱۵ خرداد را آشوبی ارتجاعی و غیر انسانی جلوه دهد، ولی این دروغی بود که تنها خود باید آن را باور می‌کرد.

فرماندار نظامی تهران به منظور سرکوبی جنبش و خاموش ساختن آتش انقلابی که تهران را در آستانه اشتعال

قرار داده بود، حکومت نظامی اعلام کرد و از ساعت ۸ بعد از ظهر منع عبور و مرور اعلام گردید. در بیشتر میدانها، چهارراهها و مراکز حساس پایتخت قوای ارتش مستقر گردید و در همان شب تعدادی از شخصیتهای دینی و ملی و افراد سرشناس بازار دستگیر و زندانی شدند و همچنین صدها دانشجو که سرگرم شنیدن نطق عاشورایی امام خمینی بودند بازداشت و روانه زندان گردیدند.

ولی علی رغم این تدابیر امنیتی و تدارکات نظامی، صبح روز ۱۶ خرداد هزاران تن از مردم به پشتیبانی از رهبر محبوب خویش به خیابانها ریختند و با فریاد «یا مرگ یا خمینی» به سوی کاخ شاه یورش بردند.

شاه که می پنداشت کشتار فجیع ۱۵ خرداد ملت را مرعوب ساخته است با مشاهده حرکت عظیم ملت در روز ۱۶ خرداد فرمان «آتش به قصد کشت» را صادر کرد و دیری نپایید که اجساد کشته

شدگان در کوی و خیابان انباشته گردید و جوی خون به راه افتاد.

اگرچه مقاومت ضد رژیم ملت مبارز تا چند روز به طور پراکنده ادامه یافت ولی کوچکترین حرکتها با شدت هرچه تمامتر سرکوب گردید و بدین ترتیب بود که شاه توانست خویش را برای مدتی دیگر از سقوط و نابودی حتمی برهاند.

طبق تخمین ناظران، تعداد کشته شدگان قیام ۱۵ خرداد در سراسر ایران به ۱۵ هزار نفر رسید.

نهضت زیدیان

نهضت مختار به نهضت ابو مسلم کشیده شد. اما در این فاصله (قیام مختار تا ابو مسلم) نهضتهای مذهبی دیگری چون قیام «زید بن علی» و «یحیی بن زید» اتفاق افتاد. پس از شکست قیام مختار، گروهی از ایرانیان به عنوان موالی و شیعه و برخی از خوارج، به زید بن علی پیوستند. دعوت زید بن علی ایرانیان را

بیشتر با اصول اسلام آشنا ساخت. زید مردم را به پیروی از کتاب و سنت و جهاد و مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم دعوت می‌کرد. وی در بین‌النهرین از جمله در کوفه، بصره و مدائن طرفدارانی یافت و آوازهٔ دعوت او به گوش مردم ری و گرگان و خراسان رسید. مردمان این مناطق غیباً طرفدار او شدند و همه مستعد قیام بودند.

تعقیب زید و شهادت او به دست حکام بنی‌امیه خواست ایرانیان نبود، اما طرفداران او که اکثر ایرانی و ملی‌گرا بودند احساس می‌کردند که کسب استقلال ایران از حکومت اعراب به دست او عملی نیست و دفع حاکمیت عرب و رسیدن به استقلال ملی را در توان او نمی‌دیدند. ایرانیان پس از شهادت زید، خواستند که به اولاد او خدمتی انجام دهند و از حمایت فرزندان زید دست برنداشتند. یحیی بن زید در این زمان به ماوراءالنهر آمد و در شهرهای بلخ، نیشابور، هرات و گرگان

به تبلیغ پرداخت. این تبلیغات زمینهٔ قیام ابومسلم را فراهم نمود و بر تعداد ناراضیان بر ضد بنی‌امیه افزود. تا آنکه «سلم بن اعور» سردار بنی‌امیه برای تعقیب زید به خراسان مأموریت یافت و نصر بن سیار حاکم خراسان نیز برای دستگیری او فرمان بسیج عمومی داد.

عاقبت یحیی بن زید به دست سلم بن اعور در جوزجانان (گرگان) به شهادت رسید و سر او را برای ولید بن عبدالملک فرستادند. خلیفهٔ وقت جسدش را به دار آویخت و تا رسیدن ابومسلم به قدرت، جسد او بر دار بود. شهادت یحیی بن زید مردم خراسان را سخت متأثر گردانید. چنانکه عزای عمومی گرفتند و برای اینکه شدت علاقهٔ خود را به یحیی و زید نشان دهند، تمام نوزادان ذکور آن سال را به نامهای زید و یحیی نامیدند تا نام زید و یحیی در خاطره‌ها زنده بماند. تأثیر این شهادت در ضعیف نمودن حکومت بنی‌امیه بسیار مهم بود؛ به خصوص در

و اجتماعی ایرانیان نیز بود و فضل بن سهل، مأمون را به این کار وادار ساخت. ایرانیان با حمایت علویان می‌خواستند اسلام را در مسیر واقعی خویش قرار دهند و از طرف دیگر خلفای غاصب عباسی را بی اعتبار سازند و به این طریق حکومت خویش را مستقل اعلام نمایند.

مأمون با تغییر سیاست خویش، حضرت را شهید کرد و بعد از شهادت حضرت امام رضا (ع)، جنبشهای علوی در گرگان و طبرستان و گیلان و دیلمان بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

نهضت قرامطه: ← قرامطه

نهضت مشعشعیان: ← مشعشعیان، نهضت

نهضت نقطویه: ← نقطویه

نه‌نه - نانا

رب النوع ارخ - خدای مردم عیلام

خراسان برای گرفتن انتقام خون زید و یحیی از بنی امیه به دور ابو مسلم گرد آمدند و ابو مسلم از این موقعیت حداکثر استفاده را نمود.

علویان یک نقطه اتکای سیاسی برای مبارزات استقلال طلبی ایران در برابر بنی امیه و بنی عباس بودند، بنابراین رجال سیاسی و نظامی بعضاً و عامه مردم به طور کلی دوستدار آنان محسوب می شدند. چند تن از وزیران خلافت عباسی، جان خود را در این راه فدا نمودند که از معروفترین آنها «ابوسلمه خلال» می باشد. نهضت طرفداری از علویان و ایران به اوج خود رسید و بعدها مأمون را به این وادار نمود که برای جلب رضایت ایرانیان، حضرت امام رضا (ع) را به ولیعهدی خود برگزیند و ایشان را به خراسان بخواند و برای جلوگیری از شدت نهضت علویان چنان وانمود کند که قصد انتقال خلافت به علویان را دارد. البته ولیعهدی علی بن موسی الرضا (ع) در نتیجه فشار سیاسی

که یک هزار و ششصد و سی و پنج سال
در تصرف عیلام بود.

نیکولائوس دمشقی

نیکولائوس دمشقی مورخ یونانی
در قرن اول پیش از میلاد است، که
دوست اگوستوس و هرود کبیر بود.

وی در حوالی ۷۴ ق.م. زاییده شد.
و در التزام رکاب هرود کبیر پادشاه
یهودیه به روم رفت و در آنجا اگوستوس
او را به دوستی خود پذیرفت. او یکی از
مردان دانشمند زمان خود بود و در عین
حال هم از شعرا و هم از فلاسفه و
علمای ریاضی و مورخان به شمار
می رفت و کتابهایی نیز درباره ادبیات
تراژدی و کمدی و متافیزیک ارسطو و
تاریخ نوشت. او را تاریخی بوده عمومی
در ۱۴۴ کتاب و نیز کتابی درباره
زندگینامه اگوست، و نیز کتابی درباره
هرود کبیر. از آثار متعدد او جز قطعاتی از
تاریخش و بعضی از کتابهایش به دست
ما نرسیده است.

قطعات تاریخ او توسط کورای در
۱۸۰۵ در پاریس به طبع رسیده است.

نَهونْت

خدای خورشید و خدای خاص
اجرای قانون که سمتهای توأمی با
اینشوشینک داشت.

نیپ پور (Nippur)

یکی از شهرهای سومر هر چند
هرگز یکی از مراکز سیاسی نبوده، اما
شهری مقدس به شمار می آمده و انلیل
ایزد ویژه این شهر بوده است.

نیکاتور: — سلوکوس اول

نیکروز سمنانی

مستوفی امیر وجیه الدین مسعود
باشتینی دومین فرمانروای سربداران.

نیکلای دمشقی

متولد در دمشق در حدود ۴۸۰
میلادی.

زندگینامهٔ اگوست در ۱۸۰۴ چاپ شده است. در سال ۱۸۴۹ کتابی از او تحت عنوان زندگینامهٔ سزار توسط میلر در کتابخانهٔ اسکوریا ل کشف شد که ترجمهٔ فرانسه آن به قلم آلفرد دیدود در ۱۸۵۰ میلادی به طبع رسیده و در آن از رقابت بین آنتونیوس (آنتوان) و اکتاویوس به تفصیل سخن رفته است.

نیمانا (Nimana)

کوچکترین واحد سازمان اجتماعی یا خانواده در سازمان اجتماعی مادها بوده است.

نیمروز

نیمروز در عصر ساسانی اطلاق می شد به:

- (۱) پارس، (۲) خوزستان، (۳) اسپهان، (۴) کرمان، (۵) طوران و مکوران، (۶) سند و سرمن، (۷) اسپیت، (۸) وشت، (۹) زابلستان، (۱۰) سگستان، (۱۱) میشون، (۱۲) هگر، (۱۳) بنیات

اردشیر، (۱۴) دیرین، (۱۵) میشن ماهیک یامسن ما (۱۶) خوژره هرستان (۱۷) مزون (۱۸) دیبول و نیز ← زرنج (در دورهٔ ساسانی)

نیمروز یا ولایات جنوبی در زمان ساسانیان به شرح زیر بود:

- ۱ - پارس در زمان خلفا به شش قسمت تقسیم می شد: استخر - شاهپور (پیشابور) اردشیرخوره - داراب گرد - ارکان (ارجان) - پسا (فسا).

- ۲ - خوزستان یا اهواز دورهٔ اعراب؛ شهرهای نامی آن وه اتنیوک شاهپور یعنی شهر شاهپور که از آنطاکیه بهتر است که همان جندی شاهپور قرون بعد باشد و هرمزد اردشیر که بعدها رامهرمز شده و شهر ابله که بعدها بصره جای آن را گرفت جزو این قسمت بوده است.

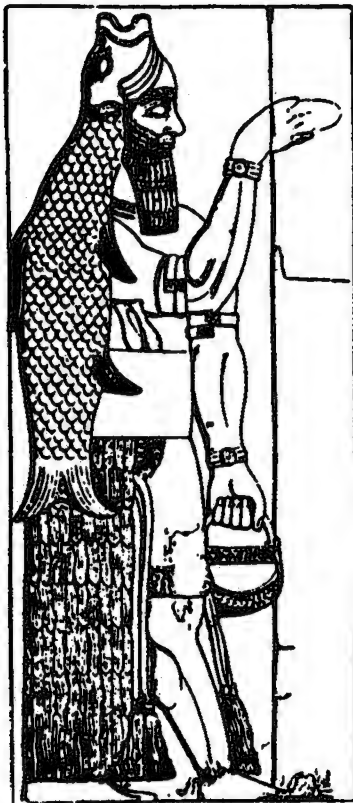
- ۳ - اسپهان که به عربی آن را اصبهان و بطلمیوس اسپدانای نوشته. این شهر جزو ولایاتی بود که آن را پری تکان می گفتند که نام امروز آن فریدن است و

- ۲۶ روستاک داشت - اسپهان از دو شهر گگی (جگی) و یهوتکان (یهودیه) تشکیل می‌شد.
- ۹ - زابلستان یا جابلستان. ولایتی است که شهر غزنه را در افغانستان غربی شامل بود.
- ۱۰ - سکستان همان سجستان و سیستان دوره اسلامی.
- ۱۱ - میشون یا میسان عرب در حدود خوزستان فعلی.
- ۱۲ - هگر - هجر عربی کرسی بحرین، در ساحل خلیج فارس قرار داشت. این بحرین غیر از جزیره‌ای است که در خلیج فارس است و این جزیره همان نام را در قرون بعد یافته است.
- ۱۳ - بنیات اردشیر (بنیاد اردشیر). و این شهر را اردشیر در بحرین روی شهریکه قبلاً الخط نام داشت بساخت و آن در قطیف در ساحل خلیج فارس واقع و جزء بحرین بوده است.
- ۱۴ - دیرین یسا دارین عرب جزیره‌ای است که جزو جزائر بحرین بوده است.
- ۱۵ - میشن ماهیک یا مسن ما هیچ
- ۴ - کرمان که شهر آن کرمان بود.
- ۵ - طوران و مکوران - طوران و مکران. کرسی آن قصدار بود که باکلات امروز در بلوچستان پاکستان تطبیق می‌شود. این ولایت از مکران تا سند در سواحل دریای عمان و اقیانوس هند امتداد داشته است.
- ۶ - سند و سرمن.
- ۷ - اسپت همان اسپید باشد در میان نرماشیر کرمان و سیستان و آن در اصل نوهرمزد اردشیر بوده و بردشیر که وه‌یاویه اردشیر بوده از این ولایات شمرده می‌شده است.
- ۸ - وشت در بلوچستان امروزه در نزدیکی خاش یا خواص جغرافی نویسان عرب.

ندارد. در اساطیر سومری، ایزد بانو یا الهه، مادرِ بزرگی است مانند تیامت و همسر آنو و مادر همهٔ ایزدان است.

نینی

الهه بین‌النهرین.



خدائین، مظهر کیوان

«ماش ماهی» جزیره‌ای بین بحرین و عمان.

۱۶ - مزون نام ایرانی عمان؛ در شبه جزیره عربستان و در کنار خلیج فارس قرار داشت و کرسی آن را نام صحار بود.

۱۷ - خوژره هرستان (لارستان

امروز).

۱۸ - دیبول که به عربی آن را الدیبل می‌گویند در نزدیکی لاری بندر.

نین اگال

الهه بابلی.

نین تود

رب‌النوع سومریها، خدای مؤنث (مادر کل) که او را ایشتر نیز می‌گفتند (در شهر کیش).

نینتو (کی)

در اساطیر بین‌النهرین، و در روایت بابلی اسطورهٔ آفرینش حذف شده؛ در آنجا آنو فاقد همسر و انلیل نیز بستگانی

وئیری هئوسروه

دریاچه خسرو. همان دریاچه
مجاور آتش باستانی خسرو یعنی
آتشکدهٔ آذرگشسب واقع در تخت
سلیمان می‌باشد که در اوستا و متنهای
پهلوی به آن اشاره شده است.

واثق (نهمین خلیفه عباسی)

معتصم خلیفه عباسی در سال ۲۲۷
هـ به سن ۴۷ سالگی وفات کرد. پسرش
هارون ملقب به ابواثق بالله در سن سی
و یک سالگی به جای وی نشست. واثق
که از خلفای خوب عباسی است، مردی

فاضل و ادب‌پرور بود. در طی پنج سال
خلافت خود سیرهٔ مأمون را در طلب
علم و بحث آراء و افکار تعقیب کرد و به
آل علی احترام می‌کرد و به مردم آزادی
عقیده و مذهب می‌داد.

در عهد خلافت واثق قدرت
سرداران ترک در بغداد به حدی رسید
که خلیفه به ناچار به شناس لقب و
عنوان سلطان داد. و بدین ترتیب نفوذ
این سردار به مراتب از اختیارات
نظامیش تجاوز کرد، به طوری که
وصیف، جانشین وی کاملاً اختیاردار

تاج و تخت گردید.

خاندانهای بزرگ را می گفتند.

واریساق ذوالقدر

واسپوهران آمارکار

قبیله ای بودند که دست بیعت به شاه اسماعیل صفوی دادند.

در زمان ساسانیان به اهل البیوتات یا کسانی گفته می شد که مأمور وصول عایداتی بودند که دولت از اراضی و اسپوهران می گرفت.

وارونا

از مهمترین خدایان عصر «ودایی» رب النوع آسمان پرستاره که عنوان رب الارباب به خود گرفته بود.

واستریوسالار

رئیس مالیات ارضی در دوره ساسانی:

وازیشت

یکی از آتشیهای پنجگانه است که در یسنای ۱۷، فقره ۱۱ تشخیص داده شده و به هر یک جداگانه درود فرستاده شده. آتش وازیشت، آتش برق است و همان آتشی است که از گرزتشترایزد شراره کشید و دیوسپینچکر را هلاک کرد.

واستریوشان (Vastryoshan)

توده ملت (روستاییان، صنعتگران و...) در پایین طبقه دوره ساسانی.

واستریوش بد

رئیس فلاحان در دوره ساسانی.

واستریوفشویت

(Vastryofshuyant)

کشاورزان، از تقسیمات اجتماعی

بسیار قدیم.

واسپوهران

رؤسا یا به طور کلی افراد

واشتریه فشیانت

واسودوا (Vasudeva) (۲۲۰ - ۱۸۲)

کشاورز، نگهبان و شبان چهار پایان. ۴۰

از پادشاهان کوشانی که نام اصلی او واسوشکا بوده است، و پس از هویشکا، شاه شد و سلطنت او در هند غربی بود. در مسکوکات او هم ارباب انواع هندی از قبیل شیوا و غیره نیز دیده شده است. در این هنگام در مقابل دولت کوشانی که روبه ضعف می‌رفت، دولت ساسانی در اقتدار و عظمت بود. ساسانیان همه ولایات مشرق ایران را که در اواخر اشکانیان از دست رفته بود دوباره باز گرفتند و شاهزادگان ساسانی که در مشرق و خراسان دور حکومت داشتند، لقب کوشان شاه پیدا می‌کردند. باری شاهنشاهی کوشان در مشرق ایران به دست ساسانیان در سال ۲۲۰ میلادی منقرض شد، و قلمرو ایشان به دست ساسانیان و هیاطله افتاد.

واشیکا

از پادشاهان کوشانی که پس از پدر

واسموس

ویلهم واسموس که در هنگام تهاجم انگلیسها به بوشهر با سمت نایب کنسول آلمان در بوشهر فعالیت می‌کرد و در میان تنگستانیها نیز از نفوذ و محبوبیت خاصی برخوردار بود.

واسموس با شیخ حسین خان چاهکوتاهی و زایر خضرخان اهرمی، برای اتحاد با یکدیگر علیه بریتانیا جلسه‌ای تشکیل دادند و در خصوص چگونگی مبارزه با انگلستان و قوای نظامی آن در بوشهر به مذاکره پرداختند. خبر این جلسه به رئیسعلی دلواری رسید و او که همواره پیشتاز مسائل مبارزاتی بود به آن جلسه رفت و در نهایت واسموس به جمع آنها در مبارزه با استعمار انگلستان پیوست. و نیز: — رئیسعلی دلواری.

به تخت نشست. وی در زمان پدر فرمانروای ماتورا بود. از زندگانی او اطلاع زیادی در دست نیست.

واعظ اصفهانی

سید جمال واعظ اصفهانی از سخنوران مشهور دوره مشروطیت است که با دم گرم و دلنشین خود، آتش انقلاب را در سینه مردم شعله‌ور ساخت و علیه مظالم محمدعلی شاه قاجار و ایادی او به پا خاست. سرانجام پس از به توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی شاه، حاکم همدان او را دستگیر و در شوال همان سال مسموم یا به قولی خفه کرد. (۱۲۷۹ - ۱۳۲۶ ه. ق.).

واقعات بابری: — بابرنامه

واقعه هرات

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه وی دریافت که دولت انگلیس گرفتار جنگ کریمه است و به تشویق میرزا

آقاخان موقع را مغتنم شمرده عزم تسخیر هرات را کرد. در این هنگام یار محمدخان وزیر کامران میرزا که پس از کشتن آقای خود بر هرات استیلا یافته بود، در سال ۱۲۶۸ درگذشت و پسرش صید محمدخان ظهیرالدوله که جوانی نالایق و ستمکار بود برجای او نشست. مردم هرات از ظلم و بیداد وی، محمدیوسف میرزای سدوزانی نواده فیروز میرزا را که در مشهد اقامت داشت به آن شهر خواستند و او به هرات آمده و در محرم ۱۲۷۲ صید محمدخان را از میان برداشته و به جای او نشست و خود را دست‌نشانده دولت ایران خواند. در همان احوال دوست محمدخان فرمانروای کابل قندهار را بگرفت و عزم تسخیر هرات کرد و در باطن با دولت انگلیس همداستان گردید. محمدیوسف میرزا از حسام‌السلطنه والی خراسان یاری خواست ولی پیش از آنکه قوای ایران به هرات وارد گردد، محمدیوسف میرزا راه خلاف سپرد و طرفدار دولت

سرتیپی هم رسید و بعد به نام ژنرال واگنرخان مشهور شد. نامبرده از افسران توپخانه بوده که حاج میرزا حسین خان سپهسالار در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۵ ه. ق. او را با عده ای افسر دیگر از اتریش برای مدت سه سال استخدام کرد. واگنر در اواخر در مدرسه دارالفنون درس تاریخ طبیعی تدریس می نمود و مترجمش در این رشته علیخان ناظم العلوم خواهرزاده علیقلی خان مخبرالدوله بود.

والرین (Valerian)

امپراتور روم که در جنگ با شاپور اول ساسانی شکست خورد. وی به



والرین

انگلیس گردید. ناصرالدین شاه، سلطان مراد میرزا حسام السلطنه را مأمور فتح هرات کرد و آن شهر پس از شش ماه محاصره در ۲۵ صفر ۱۲۷۳ به دست لشکریان ایران گشوده شد. دولت انگلیس که مایل نبود هرات به دست ایرانیان بیفتد و دولت ایران بار دیگر بر افغانستان تسلط یابد، به ایران اعلان جنگ داد و جزیره خارک را اشغال کرد و پس از اندکی بوشهر را نیز تسخیر ساخت. در بندر بوشهر بین قشون ایران و انگلیس جنگ مختصری درگرفت و ژنرال سرجیمز اوترام با افواج خود از بوشهر عقب نشست و به محمره حمله کرد و آن بندر را گرفت و میرزا محمدخان قاجار را که مأمور جلوگیری از انگلیس بود شکست داد.

واگنرخان

سروان واگنر اتریشی، که پس از ورود و اقامت ممتد در ایران کلمه خان را هم بر نامش اضافه کردند و تا درجه

علت خیانت یکی از افسران خود
موسوم به ماکریانوس اسیر گردید.

امویان

قیس بن الهیثم (برای بار دوم از جانب معاویه)

سنه ۴۱ هجری

عبدالله بن خازم (برای بار دوم) " ۴۱ "

حکم بن عمرو الغفاری " ۴۴ "

امیر بن احمر الیشکری (نائب او سنه ۴۶

هجری)

انس بن ابی أناس بن ربیع بن

زیاد الحارثی (نائب او سنه ۴۷ هجری)

غالب بن فضالة الیشی (نائب او سنه

۴۸ هجری)

خلید بن عبدالله حنفی سنه ۵۰ هجری

انس بن ابی أناس (برای بار دوم) " ۵۱ "

عبیدالله بن زیاد " ۵۳ "

سعید بن عثمان بن عفان " ۵۶ "

اسلم بن زرعة (نائب او، سنه ۵۶

هجری)

عبد الرحمن بن زیاد بن ابی سفیان " ۵۸ "

سلم بن زیاد " ۶۱ "

عبدالله بن خازم (برای بار سوم) " ۶۴ "

مهلّب بن ابی صفرة (نایب او) " ۶۴ "

والیان خراسان در دوران اسلامی

تا روی کار آمدن طاهریان

در این فهرست حکامی که در

دوران حکومت خود سکه ضرب

کرده اند با علامت «+» مشخص شده

است.

والیان نیشابور:

نام

تاریخ جلوس

احنف بن قیس تمیمی (فاتح

نیشاپور) سنه ۲۳ هجری

عمر بن عثمان -

عبدالله بن قیس -

ابن عامر " ۳۲ "

قیس بن الهیثم (نائب او) " ۳۲ "

عبدالله بن خازم " " ۳۳ "

خلید بن کاوس از جانب علی " ۳۶ "

خلید بن قرّة الیربوعی از جانب علی

" ۳۷ "

اوس بن ثعلبة بن زفر بن ودیعة بن مالک	الحکم بن ابی العاص معروف به خذینه
بن تیم الله بن ثعلبة بن عکابه " ۷۰ "	(نائب او) " ۱۰۲ "
عبدالله بن خازم (برای بار چهارم) " ۷۱ "	عمر بن هبیره (حکومت تمام عراق)
بکیر بن وشاح (وشاح) " ۷۱-۷۲ "	" ۱۰۲ "
امیه بن عبدالله بن خالد بن اسید بن	سعید بن عمرو الحارثی (نائب او سنه
ابی العیص بن امیه " ۷۳-۷۴ "	۱۰۲ هـ)

المهلبیون:

مهلب بن ابی صفره سنه ۷۸ هجری	خالد بن عبدالله القسری (القشیری)
یزید بن صفره " ۸۲ "	(حکومت تمام عراق) سنه ۱۰۵ هجری
مفضل بن مهلب " ۸۵ "	اسد بن عبدالله القسری برادرش ۱۰۵ هـ
قتیبة بن مسلم بن عمرو بن الحصین بن	حکم بن عوانه القسری برادرش ۱۰۹ هـ
ربیعة بن خالد بن اسید بن قضاچه " ۸۶ "	اشرس بن عبدالله السلیمی (سنه ۱۰۹ هـ)
- ابن هلال الباهلی	
یزید بن مهلب (برای بار دوم) " ۹۷ "	جنید بن عبدالرحمن بن عمرو بن
جراح بن عبدالله الحکمی " ۹۹ "	الحارث بن نائین ۱ خارجه بن سنان بن
عبدالرحمن بن نعیم القرشی	ابی حارثه المصری (سنه ۱۱۱ هجری)
(القشیری) " ۱۰۰ "	عاصم بن عبدالله بن یزید الهلالی (سنه
سعید بن روبن اسود الحارثی " ۱۰۱ "	۱۱۶ هـ)
مسلمة بن عبدالملک (حکومت تمام	اسد بن عبدالله (برای بار دوم، سنه ۱۱۷
عراق) " ۱۰۲ "	هـ)

جعفر بن حنظلة البهرانی (نائب موقت سنه ۱۲۰ هـ)

سعید بن عبدالعزیز بن الحارث بن

والرین	۲۵۳۴	فرهنگ توصیفی
یوسف بن عمر بن شبرمه (حاکم تمام مشرق)	" ۱۲۰ "	معاذ بن مسلم " ۱۶۰ هـ
نصر بن سیار الکتانی (نائب او سنه ۱۲۰ هـ)		المسیب بن زهیر بن عمر بن مسلم ضبی " ۱۶۳ هـ
آغاز کار ابو مسلم	" ۱۲۴ "	ابوالعباس فضل بن سلیمان طوسی " ۱۶۶ هـ
نصر بن سیار والی مستقل خراسان		+ جعفر بن الاشعث خزاعی " ۱۷۱ هـ
" ۱۲۵ "		عباس بن جعفر " ۱۷۳ هـ
عباسیان:		خالد غطریف بن عتاب " ۱۷۴ هـ
ابو مسلم عبدالرحمن (در عصر سفاح و منصور)	" ۱۳۰ "	سلیمان بن راشد (صاحب الخراج سنه ۱۷۴ هـ)
ابوداود خالد بن ابراهیم ذهلی (از جانب منصور)	" ۱۳۷ "	حمزه بن مالک " ۱۷۶ هـ
عبدالجبار بن عبدالرحمن ازدی		الفضل بن یحیی برمکی " ۱۷۷ هـ
" ۱۴۰ هـ		منصور بن یزید بن منصور حمیری
محمد مهدی (حاکم افتخاری) " ۱۴۱ هـ		" ۱۷۹ هـ
السری بن عبدالله (نائب او، سنه ۱۴۱ هـ)		+ علی بن عیسی بن ماهان " ۱۸۰ هـ
خازم بن خزیمه	" ۱۵۰ هـ	جعفر بن یحیی برمکی، (از جانب هارون فقط بیست روز سنه ۱۸۰ هـ)
+ حمید بن قحطبه بن شیبب بن خالد بن معدان طائی	" ۱۵۱ هـ	مأمون (حاکم افتخاری)
+ ابوعون عبدالملک بن یزید خراسانی	" ۱۵۹ هـ	+ هرثمه بن اعین (از جانب هارون)
		" ۱۹۱ هـ
		عباس بن جعفر (برای بار دوم از طرف مأمون)
		" ۱۹۳ هـ

- حسن بن سهل (حاکم تمام بلاد شرق) حماد بن عمرو ذهلی " ۱۵۴ هـ
 " ۱۹۸ هـ یحیی بن عمرو (رسول مهدی خلیفه)
 علی بن حسن بن قحطبه، سنه ۱۹۷ هـ " ۱۵۸ هـ
 هرثمه بن اعین (برای بار دوم، سنه ۱۹۸ هـ) عبدالله بن حمید بن قحطبه طائی
 " ۱۵۸ هـ
 + عسان بن عباد (نائب حسن بن سهل ابورجاء حنظلی " ۱۵۹ هـ
 سنه ۲۰۲ هـ تمیم بن عمرو مصعب بن زریق
 خزاعی " ۱۵۹ هـ
 والیان هرات: خزیمه بن خازم حنظلی (از جانب مهدی)
 (از آغاز دوره عباسیان تا سنه ۲۰۵ هـ) " ۱۵۹ هـ
 عثمان کرمانی ازدی و بسام ابراهیم از عبدالعزیز هندلی (از جانب مهدی)
 عمال ابومسلم " ۱۲۸ هـ
 ابوعلی شبل بن طهمان شیبانی از طرف
 ابومسلم " ۱۳۰ هـ
 و موسی بن حسان (صاحب الخراج) عبدالرحمن عبدالعزیز ضبی " ۱۶۴ هـ
 ابومنصور بن طلحه خزاعی (از طرف مشمرح بن شمر ضبی " ۱۶۴ هـ
 سفاح) " ۱۳۴ هـ یزید بن جریر بجلی " ۱۶۶ هـ
 ابوکامل خباز (از جانب منصور) هارون بن حمید ایادی " ۱۶۷ هـ
 " ۱۴۲ هـ قطن بن حارث طائی (از جانب جعفر بن
 داود بن کرار باهلی (از طرف منصور) محمد) " ۱۶۹ هـ
 " ۱۲۴ هـ مهدی بن حماد ذهلی (از جانب هارون)
 " ۱۵۱ هـ تمیم بن عمرو

منذر بن اسد ازدی	" ۱۷۵ هـ	احمد بن مصعب (از جانب هرثمة بن
عبدالله بن ربیع	" ۱۷۶ هـ	اعین) " ۱۹۰ هـ
عبدالله بن حمید خزایی	" ۱۷۶ هـ	حسین بن مصعب (برای بار دوم از
اسماعیل بن عزوان کلبی	" ۱۷۸ هـ	جانب هارون) " ۱۹۳ هـ
محمد بن عبدالله بختری	" ۱۷۹ هـ	هارون بن حسین بن مصعب " ۱۹۹ هـ
هشام بن ابی هیثم و حسن بن ثابت		عثمان بن زیاد (نائب او)
" ۱۷۹ هـ		الیاس بن اسد سامانی " ۲۰۴ هـ
عمرو بن یزید ازدی	" ۱۸۰ هـ	عبدالله بن طاهر " ۲۰۴ هـ
حسن بن ثابت (صاحب شرطه)		
حسن بن علی بن عیسی	" ۱۸۲ هـ	والیان سند و حواشی شرقی و جنوبی
مشمرح بن شمر (برای بار دوم از جانب		خراسان
هارون)	" ۱۸۳ هـ	امویان:
ابراهیم بن محمد شیبانی	" ۱۸۴ هـ	نام تاریخ جلوس
سیف بن کثیر قرشی	" ۱۸۶ هـ	عبدالرحمن بن سمره (فاتح نخستین)
ابراهیم بن محمد شیبانی (برای بار دوم)		سنه ۴۲ هـ
" ۱۸۶ هـ		عبدالله بن سوار عبدی (از جانب
مشمرح بن شمر (برای بار سوم)		معاویه) " ۴۳ هـ
" ۱۸۷ هـ		سنان بن سلمة بن محبق هذلی (فاتح
محمد بن اسحاق بن شمر (نائب او)		تکران) " ۴۸ هـ
حسین بن مصعب بن زریق (طاهر پسر		راشد بن عمر و جدیدی ازدی " ۴۹ هـ
او، نائب او)	" ۱۸۹ هـ	منذر بن جارود عبدی، مشهور به
عبدالله بن ابی نصر (از جانب هرثمة بن		ابوالاشعث " ۵۱ هـ
اعین)	" ۱۹۰ هـ	ابن حری باهلی " ۶۱ هـ

- مجااعة بن سمر تميمی حدود " ۷۰ هـ
 سعيد بن اسلم بن زرعة کلابی " ۷۵ هـ
 عبيدالله بن ابی بکره " ۷۹ هـ
 عبدالرحمن بن محمد بن اشعث " ۸۱ هـ
 محمد بن قاسم بن حکم بن ابی عقيل
 ثقفی (داماد حجاج) " ۸۹ هـ
 حبيب بن مهلب بن ابی صفره " ۹۵ هـ
 عمرو بن عبدالله (نائب او)
 عمرو بن مسلم باهلی برادر قتيبه " ۹۹ هـ
 جنيد بن عبدالرحمن مری " ۱۰۷ هـ
 تميم بن زيد عتبی " ۱۱۱ هـ
 حکم بن عوانه کلبی حدود " ۱۱۲ هـ
 عمرو بن محمد بن قاسم " ۱۲۱ هـ
 سليمان بن هشام بن عبدالملک اموی
 " ۱۳۲ هـ
 منصور بن جمهور کلبی (آخرين امير
 بنی امیه) " ۱۳۲ هـ
 عباسيان:
 عبدالرحمن بن مسلم العبدی " ۱۳۴ هـ
 المسيب بن زهير " ۱۳۴ هـ
 موسى بن كعب بن سفيان الخثعمی
 " ۱۳۴ هـ
 عينبة بن موسى بن كعب (نائب اوتا سنه
 ۱۴۲ هـ)
 ابو جعفر عمر بن حفص بن عثمان
 قبيصة المهلبی
 " ۱۴۲ هـ
 هشام بن عمرو والتغلبی " ۱۵۱ هـ
 معبد بن الخليل " ۱۵۷ هـ
 بسطام بن عمرو " ۱۵۹ هـ
 روح بن حاتم المهلبی " ۱۶۰ هـ
 نصر بن محمد بن الاشعث " ۱۶۱ هـ
 عبدالملک بن شهاب (نائب او، سنه
 ۱۶۱ هـ)
 اسحق بن سليمان بن علی بن عبدالله
 العباسی " ۱۷۴ هـ
 داود بن يزيد بن حاتم المهلبی " ۱۸۴ هـ
 بشر بن داود " ۲۰۵ هـ
 حاجب بن صالح " ۲۱۱ هـ
 غسان بن عباد " ۲۱۳ هـ
 موسى بن يحيى برمکی (نائب او)
 عمران بن موسى بن يحيى برمکی
 " ۲۱۷ هـ
 حيدر بن كاوس الافشين " ۲۲۳ هـ
 يعقوب بن ليث " ۲۵۷ هـ

والیه

واهرام

بهرام (نام خاص) و نیز نام ستاره مریخ است و نام ایزد پیروزی است که موکل بر روز بیستم ماه است.

واهرامان

منسوب به بهرام، از دودمان بهرام، منسوب به آتشکده بهرام که بزرگترین و مقدس‌ترین آتشکده بوده است.

وای بد

بخشی از فضا را در اختیار دارد که روان در گذشتگان از آن می‌گذرد. اوست که جان را از تن جدا می‌کند.

وای (وایو)

تجسمی است از فضا و همچنین از باد، بادی که در ابر بارانزا زندگی می‌آورد و در طوفان، مرگ، او یکی از اسرارآمیزترین خدایان هند و ایرانی است. در هند باستان او را برآمده از

قرن سیزدهم هجری، حُسن جهان‌خانم، از زنان ادیب و شاعر. وی دختر بیست و یکم فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ق.) و مادرش فاطمه خانم مشهور به سلطان خانم بود. به نوشته تاریخ عضدی «در صباح‌المنظر و لطف‌الظاهر و سماجت بنان و فصاحت بیان، نظیرش کم بود». حسن جهان به عقد ازدواج خسروخان پسر حاکم کردستان درآمد و بدانجا رفت. چهار سال بعد، خسروخان دختر دایی خود، ماه‌شرف خانم، متخلص به مستوره (کردستانی) را به زنی گرفت.

وان

مملکتی که از اوایل قرن ششم قبل از میلاد به بعد موسوم به ارمنستان شد و قبل از آن موسوم به دولت وان یا آرات بود. این مملکت تمدن آسور و بابلی داشت.

نَفَسِ غول جهانی می دانند که دنیا از بدن او ساخته شده است. در ایران، هم اورمزد و موجودات خوب و پارسا برای او قربانی می کنند و هم موجودات اهریمنی؛ ولی دعا‌های آفریدگار و موجودات خوب مستجاب می شود و خواسته‌های ویرانگرانه برآورده نمی گردد.

ایزد وای جنگجویی سهمناک و فراخ سینه است. در حالی که جامه نبرد بر تن دارد و مسلح به نیزه‌ای تیز و جنگ‌افزاری زرین است در تعقیب دشمنان خود خطر می کند تا اهریمن را نابود سازد و از آفرینش اورمزد پاسداری کند.

همان‌طور که اورمزد در بالا و در روشنی فرمانروایی می کند و اهریمن در پایین و در ظلمت، وای در فضای میان آن دو یعنی در خلأ حکمفرمایی دارد. در وای نوعی مفهوم بی طرفی یا دو پهلویی وجود دارد؛ زیرا هم وایِ خوب یا وایِ وه (به) هست که در زمره ایزدان

قرار می گیرد و هم وایِ بد که جزء موجودات اهریمنی به شمار می آید. بسیاری بر این عقیده اند که این دو شخصیت جداگانه وای محصول تفکری متأخر است و در دوران اولیه، ویر شخصیت واحدی بوده است با سیمایی دوگانه؛ نیکوکار و در عین حال شوم، با نیرویی هراس‌انگیز و با شخصیتی بی رحم که با مرگ پیوستگی دارد و کسی را یارای گریز از او نیست؛ ولی اگر چنانکه شایسته اوست خشنودش کنند در یورشها به یاری آدمیان می شتابد. همان‌گونه که باد از میان جهان نیک و بد هر دو می گذرد، این شخصیت نیز می تواند هم نیکوکار باشد و پیونددهنده و هم نابود کننده و در هم کوبنده. مشخصات او پیش رونده، پس رونده، دلیرترین، نیرومندترین و سست‌ترین است. صفت عمده او در پهلوی «دیرنده خدا» یا «دیرنگ خدا» است یعنی کسی که فرمانروایی درازمدت دارد.

وایه

یکی از قضاات دوره ساسانی است که نامش در یک کتاب حقوقی آن دوره، همراه نام چند نفر دیگر آمده است.

وایو: ← وای

ویه ارتخشیر = گواشیر

بعد از سیرجان پایتخت دوم کرمان بردسیر بوده. این شهر گرچه کرسی اول اسلامی نیست ولی از زمان ساسانیان شهر مهمی بوده و اصل آن را به قول حمزه اصفهانی مورخ معروف، اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانیان ساخت و آن را «ویه ارتخشیر» (به اردشیر) (یعنی اردشیر کار نیک کرد) نامید، و اعراب آن را بهر سیر (به دسیر) و بردسیر (بردشیر) تلفظ کردند و ایرانیان به قول مقدسی، آن را گواشیر نامیدند که مأخوذ از «ویه ارتخشیر» (صورت قدیمی تری از بیه اردشیر) بود. یاقوت گوید بردسیر

را در زمان او «جواسیر» یا «جواشیر» و نیز «گواشیر» می گفتند. همه این اسامی با اسم عربی بردسیر مطابق است و به جای آن استعمال می شود. در بعضی از نسخه ها این اسم به صورت «یزدشیر» نوشته شده و بی شک از اشتباهات کاتبان و ناشی از اشتباه در نقطه گذاری کلمات است.

شهر «ویه ارتخشیر» مرکز شهرستان بود. موقعیت مناسب این مرکز که در راه فارس به سکستان، خراسان و هندوستان بود، برای آن اهمیت بسیاری پدید آورده بود که از این شهر راه کاروانی پر اهمیتی از بنادر خلیج فارس به سوی مناطق شمال باختری کشور می رفت. در روزگار آخرین شهریاران ساسانی که کرمان دارای مرزبان بود و مرکز آن به سیرجان منتقل شده بود، ویه ارتخشیر (گواشیر) یک اردوگاه جنگی گردید. تاریخ قطعی غلبه مسلمانان بر ویه ارتخشیر در دست نیست و چند بخش این ایالت در سال

۶۴۳ م. و ۶۴۴ م. به دست سرداران عرب افتاد. یزدگرد آخرین شاه ساسانی در هنگام فرار خود از پیش سپاهیان اسلام مدتی در این ایالت به سر می برد تا سرانجام خود را به خراسان رسانید. حمدالله مستوفی درباره این شهر گوید که گواشیر در عهد عمر بن عبدالعزیز به دست صفوان فتح شد.

اکنون این شهر بر ناحیه کوچکی در جنوب باختری شهر کرمان کنونی اطلاق می شود و کرسی آن مایشید است. امروز در کرمان کنونی اولاً قلعه کهنه ای را می بینیم که بالای کوهی نزدیک شهر واقع است و آن را قلعه دختر می گویند و عامه تصور می کنند از بناهای اردشیر ساسانی است، ثانیاً در جنوب خاوری شهر تپه ای است که در زمان قدیم برجها و باروهای محکمی داشته و اکنون ویران و به قلعه اردشیر معروف است.

وَنَنْدِیشت

یشت بیست و یکم اوستا موسوم

است به وَنَنْتِ یشت. این واژه در اوستا Vanant و نام یکی از ستارگان است. بعضی از دانشمندان آن را با یکی از ستارگان نسرالواقع، و گا Vega یکی می دانند. آن چه که مهم است این ستاره هنوز به درستی روشن نیست که با کدام یک از ستارگان شناخته شده قابل انطباق می باشد. در اوستا، جاها و موارد مختلف، تنها یاد کرد نام آن است و آگاهی دیگری به دست نمی آید.

وثوق الدوله

میرزا حسن خان فرزند میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه در سال ۱۲۹۲ ه. ق. در تهران متولد شد. تحصیلات معمول زمان را در خانه پدری آغاز کرد و بعد از آن زیر نظر بعضی از اساتید بزرگ به فراگیری علوم زمان خود پرداخت.

از آنجا که پدر میرزا حسن خان

یعنی میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه

شغل استیفا داشت و میرزا حسن خان

خود خواهرزاده میرزا علی خان امین الدوله، سیاستمدار معروف دوران ناصری و مظفری بود، رموزکار استیفا و دفتر و اسرار مدیریت سیاست عملی را در دستگاه پدر و دایی خویش به خوبی فرا گرفت و به علت همین ویژگیهای علمی و عملی او بود که مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و به و ثوق الملک ملقب گردیده و به سمت مستوفی گری آذربایجان منصوب شد و مدتها در این سمت و لقب گذراند تا اینکه در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به و ثوق الدوله ملقب گردید.

در جریان انقلاب مشروطه و ثوق الدوله به مشروطه خواهان نزدیک شد و در دوره اول از طرف صنف تجار به مجلس شورای ملی راه یافت و به نیابت ریاست مجلس هم رسید و در امر تعدیل بودجه کشوری و تهیه میزان خرج و دخل مملکت اقدامات مهمی انجام داد. پس از به توپ بسته شدن مجلس خانه نشین شد و در روزهایی که

مخالفتها علیه محمدعلی شاه اوج می گرفت و سخن از تحرکات بختیارها برای حمله به تهران بود، به همراه جمعی دیگر جمعیتی به نام «کمیتة واسطه» تشکیل دادند تا بتوانند میان شاه و مجلس مصالحه ایجاد کنند که موفق نشدند.

و ثوق الدوله به ریاست کمیسیون عالی که پس از خلع محمدعلی شاه برای اداره کشور تشکیل شد برگزیده شد. در کابینه سپهدار تصدی وزارت عدلیه را برعهده گرفت. در دوره دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد، ولی وزارت مالیه را بر وکالت مجلس ترجیح داد. از این زمان به بعد و ثوق الدوله بارها در وزارتخانه های مختلف، مثل وزارت خارجه، وزارت مالیه و وزارت عدلیه خدمت کرد.

در ۱۷ مرداد ۱۲۹۵ مأمور تشکیل کابینه شد و ریاست وزرایی او تا ششم خرداد ۱۲۹۶ ادامه یافت. دوره

زامداری او در این مقطع مصادف با خاتمه جنگ جهانی اول بود که ایران نیز دچار عواقب ناگوار آن از قحط و غلا و هرج و مرج گردید. وثوق الدوله برای بار دوم در ۱۱ مرداد ۱۲۹۷ مأمور تشکیل کابینه شد که تا سوم تیرماه ۱۲۹۹ تداوم داشت. در این کابینه بود که قرارداد معروف ۱۹۱۹ با انگلیسیها منعقد گردید و موج اعتراضات علیه وثوق الدوله برانگیخته شد، تا آنجا که به سقوط وی منجر گردید.

وثوق الدوله پس از آن راهی اروپا شد و چندین سال در اروپا ماند تا اینکه در سال ۱۳۰۵ ه. ش. در کابینه مستوفی الممالک به وزارت عدلیه رسید. پس از آن دو دوره به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در سال ۱۳۱۴ ه. ش. به ریاست فرهنگستان ایران برگزیده شد، ولی چون در فرهنگستان نمی توانست طبق دستورات رضاشاه وظایف خود را انجام دهد، در سال ۱۳۱۶ ه. ش. دوباره راهی اروپا شد. در

سال ۱۳۲۱ ه. ش. به ایران بازگشت و در سالهای پایانی عمر با کمک برادرش قوام السلطنه، نخست وزیر وقت، اراضی سلیمانیه را به ثبت رساند و سپس آن اراضی را قطعه قطعه کرده و فروخت که محله تهران نو بر روی آن اراضی بنا شد. سرانجام در بهمن ماه ۱۳۲۹ درگذشت و در قم دفن شد.

وَجَرکرد دینی

مجموعه ای از متنهای گوناگون پهلوی است. بنابر آنچه در آغاز کتاب آمده، آن را میدیوماه، پسر عموی زردشت، تألیف کرده است. این کتاب که خصوصیات روایات را دارد، شامل این مطالب است: توصیف بعضی از گناهان و تاوان آنها، ارث، آتشیهای مقدس، افزارهایی که در مراسم دینی به کار گرفته می شود، آیینهای مربوط به درگذشتگان، دخمه و آستودان، برشثوم (= آیین تطهیر)، گُستی و سدره، ازدواج، ۱۰۱ نام ایزدان، پنج روز گاهانی

(=خمسۀ مسترقه)، توضیحات
گوشتنسب، یکی از مفسران اوستا،
درباره مشکلات اوستا، دعاهایی که در
مراسم دینی گوناگون باید خوانده شود و
غیره. در کتاب، تعدادی کلمات و
جملات اوستایی نیز آمده است. بخش
عمده‌ای از کتاب به زندگی نامه زردشت
اختصاص دارد (ص ۲۱ تا ۴۹). مطالب
این بخش در کتابهای دیگر مانند دینکرد
و گزیده زادسپرم و زراتشت‌نامه (سروده
زردشت بهرام پژدو) نیز آمده است، اما
عیناً با هیچ یک از متنهای مذکور منطبق
نیست. بعضی از بخشهای دیگر از
متنهای دیگر پهلوی عیناً برداشته شده
است. از جمله: پنج خیم دین مردان یا
آیین نامه‌نویسی. از سوی دیگر، رساله
سی روز ماه، که تنها بخش آغازین آن در
سه متن مورد استفاده جاماسپ آسانا
وجود داشته و چاپ شده است، در این
کتاب به تمامی حفظ شده است و از این
نظر اهمیت دارد.

وجیه‌الدین محمود سمنانی

خواجه وجیه‌الدین محمود سمنانی
پسر اسماعیل از وزیران دوره تیموری.

وچرکرد دینیک — وجرکرد دینی

وچنگ

هر یک از واژه‌های گاتها را به
موجب خود اوستا وچنگ می‌نامیدند که
از ریشه وچَه به معنی گفتن آمده، و
همین است که در فارسی جدید واژه
شده است.

وخان (وخاب)

در کنار جیحون علیا شهر و خان
واقع است که ابن حوقل گوید فاصله این
ده ثابت اندک است و دارای کانهایی
متعدد نقره می‌باشد. مؤلف ناشناخته
حدود العالم از یکی از روستاهای آن نام
برده و می‌نویسد: «سکاشم» (اشکاشم)
شهری است و قصبه ناحیت از و خان

است، و اندروی گبرکانند و مسلمانان و
ملک و خان آنجا نشینند، و از حدود وی
روی نمد زین و تیروخی خیزد.

مارکوارت می نویسد پایتخت
سکاها شهر وخاب در جنوب رود «آ-
هو» بوده. این شهر بدون شک
«اشکاشم» امروز است و همچنین اضافه
می کند که پایتخت بعدی آن ها «شغنان»
در جنوب وخان (وخاب) در غرب
ناحیه بخارا بوده است. چینی ها از قرن
ششم رود آمودریا یا جیحون را در تمام
مسیر خودش از وخان (وخاب) تا
خوارزم را «آهو» می نامیدند.

وَخْش

۱. اسم ایزدی است که نگهبانی
آب با اوست؛ به ویژه اسم ایزد موکل بر
رود جیحون است. ۲. در گاتها،
اهنودگات، بند ۷ نیز آمده و به پیغمبر
ترجمه شده است. ۳. ناحیه ای است
میان بلخ و ختلان در کنار رود جیحون، و
از این رو جیحون را وخش یا وخشوهم
نامیده اند.

وَخْشَو

اسم ایرانی رود جیحون که برخی
پژوهندگان آن را با دایتی اوستایی یکی
می دانند. وخشو به معنی فزاینده و بالنده
است. اسم دیگر جیحون در فارسی
هرون می باشد که لابد باید تحریف شده
و هروذ (به رود) باشد. وخش نزد برخی
جغرافی دانان ایرانی و عرب سرزمینی
است در کنار جیحون. و وخشاب،
رودباری است از شعبات جیحون. نام
یونانی جیحون که اوکسوس باشد از
همین واژه آمده است و همچنین
اوکسیانا.

ودا

نام کتاب مقدس هندوان است که
کیش هندویی مبتنی بر آن است. واژه
ودا از ریشه وید به معنای دانش و
دانستن می باشد. وداها سرودهایی
هستند که به زبان کهن سانسکریت
نوشته شده و زمان تصنیف آنها را یک تا

دو هزار سال پیش از میلاد می‌دانند. این سرودها در چهار دفتر گردآوری شده و عبارتند از: ۱. ریگ ودا که سرود ستایش خدایان است. ۲. یا وجور ودا که حاوی سرودهای نیایش و دستورات و نذورات و قربانی می‌باشد و شامل دو دفتر است. ۳. ساماودا که آهنگها و نغمه‌ها را در بر دارد. ۴. آثروودا که خاص اثرونها یا کاهنان فدیة و قربانی است. در فرهنگهای قدیم فارسی این کلمه به همین معنی به صورت وید آمده است.

ودایها

یکی از قبایل پارسیان.

ور

آزمایش ایزدی، تأیید

«ور واژه‌ای در اوستایی varanh

خوانده شده و به معنی باور کردن و برگزیدن و باز شناختن و گرویدن و دین آوردن است و از همین بنیاد است، باور در فارسی و آن یک گونه آزمای ایزدی

بوده است برای بازشناختن راست از دروغ و همان است که در زبانهای اروپایی ordalie گفته می‌شود. در دینکرت در بخش هفتم فرگرد چهارم آمده و در داوری که برای دادور نهفته و پیچیده است، نمایانده گناه و بیگناهی، آتش و روغن داغ و غیره به کار می‌رفته است. در ورسرد از شیر گیاهان و زهرها و محلولهای مختلف و آب و غیره استفاده می‌شده است. سوگند نوعی وراست و آن محلول آب گوگرد است که به آزمایش شونده می‌خوراندند، اگر می‌توانست آن را تحمل کند بیگناهی او ثابت می‌شد وگرنه گناهکار محسوب می‌گشت. به آتش رفتن سیاوش برای اثبات بیگناهی خود نوعی وراست».

ور

در اوستا varah و در پهلوی var از ریشه var به معنی بازشناختن و اعتقاد داشتن و باور کردن است. اصطلاح «ور»

در ایران باستان عبارت بوده است از آزمایشهای گوناگونی که مدعی و مدعی علیه بدان وسایل می‌بایست حقانیت خود را به اثبات رسانند. چون در روزگار باستان کشف حقیقت دشوار بود، ناچار به قوای فوق طبیعت متوسل می‌شدند، و تشخیص حق را از باطل می‌خواستند؛ یعنی در محاکمه مبهم و پیچیده چاره‌ای جز این ندیدند که دو طرف دعوا را بیازمایند و هر کس در آزمایش رستگار شد او را محق بدانند.

وَرَا رُود

همان ماوراءالنهر است.

وَرْتَرِغَن

بهرام در اوستا ورتَرِغَن و در پهلوی ورهران می‌باشد. بهرام یکی از ایزدان بسیار بزرگ مزدیسناست. در رتبه و مقام مثل ایزد سروش است. او یار و همراه مهر - ایزد رزم و پیکار و پاسبان عهد و پیمان - است.

ورژن = ورغن

ورژن یا ورغن نام کشور ایبری است. نام آن به سریانی گورژن و عبری جورزان که مفرد آن ورج یا ورگ است و گورج در عربی الکرج که فارسی آن گرجستان است و در ارمنی ویرک و به یونانی پراکانوا یا پراکانه و پریار خون شکل قدیمی آن ایبری بوده است. بر اثر صلح سال ۲۹۸م. بارومیان پادشاه ایبری توانست اسبهای خود را از روم بگیرد و شاهپور دوم با وضعی که در نتیجه قرارداد با ژوین امپراتور روم حاصل شده بود توانست جریان را به نفع خود برگرداند و اسپارکورس را به شاهی گرجستان برگزیند و وی در عوض تابعیت، شاهپور را به رسمیت شمرد. پس از آنکه «سئوروماکس» با نیروی کمکی روم به گرجستان آمد اسپارکورس به او پیشنهاد کرد که آن کشور را به دو قسمت کند. «سئوروماکس» قسمت غربی مجاور ارمنستان و لازیکارا گرفت

و اسپارکورس قسمت شرقی مجاور
آلبانی ایران را. «اسپاراپت موشل» ارمنی
ظاهراً بعدها ایبری را مسخر کرد و
خاندان شاهی «پاراووزنیک» نامی را که از
نسل شاه «فراناباتسوس» «فرنا باز» بود به
دار زدند اما در سال ۳۷۶م. اسپارکورس
را در تواریخ به نام پادشاه ایبری می‌یابیم.
به تقسیم دیگری هم بعدها در ایبری
برمی‌خوریم. با کوریوس که ظاهراً اولین
پادشاه مسیحی ایبری بود با برادرش
آرسیوس مشترکاً حکومت می‌کرد که
بعدها یک مرزبان ایرانی در شهر تفلیس
می‌نشست.

ایبریا چندین بار بر ضد ایرانیان
شورش کردند. یکبار در سال ۴۸۲م.
تحت پیشوایی واختانگ و بار دیگر در
سال ۵۷۱م. ولی همیشه ایرانیان
شورشها را فرو می‌نشانیدند. گرجستان
تا آغاز سلطنت خسرو دوم تحت اداره
ایرانیان بود و خسرو دوم یا پرویز در
آغاز پادشاهی اش قسمت عمده ایبری را
به قیصر روم موری کیوس (موریقی)

واگذار کرد و تا نزدیک شهرتپچیس
(تفلیس) به رومیان داده شد. در هنگامی
که قیصر هراکلیوس به ایران لشکرکشی
کرد پسر خسرو قباد دوم با هراکلیوس
پیمان بست و مرز ایران و روم را به زمان
پادشاهی موریکیوس رسانید.

در زمان تسلط عرب گرجان
(گرجستان) تحت اداره یک بطریک
(پتریکیوس) بوده است. پایتخت قدیم
این کشور مخست که بعداً تفلیس نامیده
شد و به گرجی «تبی لسی» و به ارمنی
تپچیس خوانده می‌شد و شاه و اختانگ
گرگسار در قرن پنجم آن را بنا نهاده بود
که در اصل ایالات گوگارج که به ارمنی
گوگرک آمده است این شهر جزء
گرجستان بود ولی توسط آرتاکسیاس
وجانشینانش بدولت بزرگ ارمنی افزوده
شد. کامییزنه ناحیه‌ای است از آلبانی که
در کنار رود کامبوزس یعنی آلازانی
کوچک بین رود کور و آلازان قرار داشت
و در کتب جغرافیای عرب المقمیزان
آمده است.

به قول ابن فقیه و بلاذری این ناحیه به عنوان شمالی ترین و پربرف ترین منطقه ارمنستان ذکر می شود. دیگر ایالت گوگرک بود که جمعیت غیر ارمنی داشت. تیگرانس بزرگ در گورگرک یک بدشخ (فرماندار) گمارد و در پایان سلطنت آرشاک شاه بدشخ گوگرک از او جدا شد و جانب شاهپور ساسانی را گرفت و ظاهراً بایستی بعداً موشل اسپاراپت او را اسیر کرده و کشته باشد. همچنین بعدها یک بدشخ به نام اشوشای را در جمع پادشاهان ایبری می بینیم که در حین تقسیم ارمنستان ایبری، ایالت گوگرک را با نواحی کلارجک، وارتان، تاشیر و سه ناحیه زورپور، کولباپور را دوباره پس گرفت. در سال ۵۹۱ م. بخش اعظم ایبریا تا تفلیس به امپراتوری بیزانس داده شد. در سال ۶۲۶ م. سپاه هراکلیوس و متحد اوجبو، خاقان ترک در زیر باروی پایتخت گرجستان با یکدیگر ملاقات کردند و شهر را محاصره کردند. سپاه

ایران که بیاری محاصره شدگان آمده بود شهر را نجات داد و پس از پایان جنگهای طولانی بر سر گرجستان طرفین به مرزهای سابق خود بازگشتند. لسترنج می نویسد: گرجستان که به آن جورجیا و ابخازیه گفته می شود در اواخر قرن هشتم هجری اسلام را پذیرفت به گفته مقدسی ابخاس یا ابخاز مجاور تفلیس جزء جبال قبق (قفقاز) بوده است. تفلیس کرسی گرجستان در ساحل علیای رود کر نزد جغرافی نویسان اسلامی در قرن چهارم معروف بود، ابن حوقل در وصف آن گوید این شهر دو بارو دارد و شهری است سرسبز و حاصلخیز و مستحکم و دارای سه دروازه و حمامهایی که بدون آتش آبشان گرم است و رود کر از میان شهر عبور می کند. مقدسی می گوید پلی از قایقها تعبیه گردیده که دو محله شهر را که در دو جانب رود واقع است به هم متصل می سازد.

ورسردار

یکی از مأموران مخصوص عدلیه بود که بر حسن جریان امتحان موسوم به ور، که محکوم آب گوگرد آلود می‌نوشتید، نظارت می‌کرد. این رسم مربوط به آریاییهای قدیم است که در زمان ساسانیان هم معمول بوده است. رسم نوشیدن آب گوگرد در وندیداد هم ذکر شده که مربوط به عصر وندیداد آریاییها است.

وَرَشْت مانسَرَنسک

دومین نسک اوستای عهد ساسانی.

ورغن: — ورژن

وَرَن

دیو شهرت در تاریخ اساطیری ایران است و همراه با دیو آز در متون اخلاقی از بزرگترین دیوان به شمار می‌رود.

ورونا

پروردگاری از ودا مالک جهان مردگان.

وَرُزگان

بزرگان. مقصود از بزرگان عهد ساسانیان، صاحب منصبان بزرگی دولت و عالیترین نمایندگان ادارات بوده است بنابراین عنوان وزرگان شامل وزراء و روسای ادارات نیز می‌شده است.

وَرُزگ فرمادار

عنوان وزیر بزرگ یا نخست وزیر در زمان ساسانیان.

وَرِیدگ (=گزیده)

والنس (والیس یا فالیس در عربی)، که در نیمه دوم قرن دوم میلادی می‌زیسته، کتابی در صناعت احکام نجوم مشتمل برده مقاله به نام آنټولوگیای، یعنی «مستخبات» داشته

شهر و ولایت اصفهان بود. وی عواید آنها را جمع آوری می کرد و به مصارفی که مقرر شده بود می رسانید. محافظت و تعمیر و آباد کردن املاک و مستغلات و دادن بذر، مساعده به مستأجر و رعیت و وصول مالیات دیوانی و رسیدگی به کار املاک و مزارعی که گرفتار آفات ارضی و سماوی شده باشد از جمله وظایف وی بود.

وزیر بقایا

در دوره قاجاریه، وزیر بقایا به طور مستقیم تحت نظر صدراعظم بود و مأموریت داشت حساب ولات و حکام را از آنها بگیرد و به مستوفی محل بدهد که حساب را تنظیم کنند و چنانچه ولات یا حکام طبق این حساب بدهکار بودند طلب دولت را بگیرد و به وزیر خزانه تحویل بدهد.

وزیر مهر: — مهر دار

است. این کتاب به احتمال قوی در عصر انوشیروان به پهلوی ترجمه شد و مطالبی بر آن افزوده گردید و «وزیدگ» (=گزیده) نام گرفت. سپس در دوران اسلامی آن را به عربی ترجمه کردند. نویسندگان و علمای نجوم اسلامی از آن به نام البزیدج (=گزیده) یاد کرده و مؤلف آن را بزرگمهر دانسته اند. ابن ندیم فالیس را مؤلف کتاب البزیدج می داند که بزرگمهر آن را تفسیر کرده بود. ابن هبتتا و ابن قفطی و ابوالحسن علی بن ابی الرجال و ابوالعبس الصیمری و غضنفر تبریزی از این کتاب یاد کرده یا مطالبی از آن را نقل کرده اند. اصل پهلوی و ترجمه عربی آن از میان رفته است.

وزیر اصفهان

در عصر صفویه وزیر اصفهان مسئول رسیدگی کردن به امور خانه ها و عمارات و باغها و املاک و آسیاها و مستغلات و قنوات سلطنتی و خالصه در

وِستام

بسطام، ویستاخَم، ویستهم، دایی
خسر و پرویز است.

وشتاسپ (گشتاسپ) یشت

متنی است مشتمل بر هشت فرگرد و ۶۵ بند. در این متن زردشت چکیده‌ای از اصول دین خود را به گشتاسب می‌آموزد به همان شیوه‌ای که اهوره مزدا در فرگرد نوزدهم و نذیداد چنین اصولی را برای زردشت بیان می‌دارد. در این یشت قطعاتی از وندیداد، که غالباً از جهت دستوری پُر غلط است، نقل گردیده است. در آغاز دعای زردشت به گشتاسب (که تقلیدی از آفرین پیغامبر زردشت است) آمده است. سپس به وظایف شاه نسبت به روحانیان و حمایت او از دین و رعایا اشاره رفته است. آنگاه به اهمیت بعضی آیینهای دینی اشاره شده و سرانجام شرحی از سرنوشت روان پس از مرگ ذکر گردیده

است. وشتاسپ یشت، همانند آفرین پیغامبر زردشت، احتمالاً در اصل متعلق به نسک دوم از ۲۱ نسک دوره ساسانی به نام وشتاسپ ساست بوده است. ترجمه پهلوی متأخری از این هر دو متن در دست است.

وشمگیر

برادر مردآویج از سلسله آل زیار (۳۲۳ - ۳۷۵ ه. ق.). از وقایع مهم وی طغیان ماکان‌کاکی است که سرانجام در سال ۳۲۹ به دست امیرنصر سامانی به قتل رسید. دوران سلطنت وشمگیر در جنگ با امیرنصر سامانی و پسران بویه گذشت، و سرانجام در اول محرم سال ۳۵۷ ه. ق. در شکارگاهی از اسب به زیر افتاد و بمرد.

وصاف

عبدالله بن فضل‌الله شیرازی معروف به وصاف حضرت، صاحب تاریخ وصاف یا تجزیه الامطار و

در این تاریخ به دستور ناصرالدین شاه به جای روزنامه مذکور چهار روزنامه به نام روزنامه دولتی بدون تصویر، روزنامه دولتی مصور، روزنامه ملی و روزنامه علمی انتشار یافت.

وکیل الدوله

از القاب کریمخان زند که عناوین وکیل الرعایا و «وکیل الخلاق» را نیز داشت.

ولات

امرای سرحد در سلسله صفویه به ترتیب اهمیت به چهار طبقه تقسیم می شدند. ولات، بیگلریگیان، خانان، سلطانان.

ولجه

جنگی که بین سپاه ایران و اعراب در محلی به نام ولجه اتفاق افتاد. سرپرست سپاه ایران یکی از امرای حیره به نام «اندرزعز» و رهبر اعراب

تزوجیه الاعصار است. و صاف یکی از تحصیلداران دولت مغول بود. وی مورد توجه رشیدالدین فضل الله قرار گرفت و هنگامی که غازیان به سوریه لشکر می کشید خواجه او را به آن پادشاه معرفی کرد.

همچنین وی را با کتابش به دربار الجایتو برد و مورد توجه قرار داد. تاریخ و صاف از نقطه نظر محتوای حوادث مربوط به عصری که مؤلف در آن می زیسته به علت وجود استعارات و صنایع بدیع خواندن آن بسیار دشوار است.

وقایع اتفاقیه، روزنامه

دومین روزنامه ای که به همت میرزا تقی خان امیرکبیر و به نام «وقایع اتفاقیه» انتشار می یافت. روزنامه وقایع اتفاقیه هفتگی و حاوی اخبار داخلی و خارجی بود. این روزنامه از شماره ۴۷۱ به بعد «روزنامه دولت علیه ایران» نامیده شد و تا شماره ۵۹۱ به همین نام منتشر گردید.

خالد بن ولید بود که به پیروزی اعراب انجامید. خالد پس از کسب این پیروزی بر عراق دست یافت و در آنجا خطبه به نام ابوبکر خواند.

ول لیوس پاترکولوس

گایوس ول لیوس پاترکولوس مورخ رومی که در سال ۱۹ ق.م. در ناپل زاییده شد و در ۳۱ م. در شهر رم درگذشت. وی از خاندان اسواران و توانگران روم بود. او در زمان اگوستوس به شغل مدافع از حقوق سربازان برگزیده شد. سپس با گایوس سزار به مشرق رفت. پس از آن در تحت فرماندهی پتربوس به ریاست سواره نظام تعیین شد و در رکاب وی در جنگهای ژرمنی و بانونی و دالماسی شرکت کرد و بعد از آن به مقامات و مناصب دیگر رسید.

وی را کتابی به نام هیستوریه رمانه یعنی تاریخ روم است که مشتمل بر تاریخ جهان و غرب و شرق می باشد.

او آن کتاب را در سال ۳۱ م. که سال

آخر عمر اوست به وینی سیوس کنسول روم تقدیم کرده است. این کتاب مختصر و ملخصی در تاریخ روم است که از زمان انهدام شهر تروا آغاز و به سال سی ام میلادی پایان می پذیرد.

سبک نگارش آن شیوا و بلیغ و استادانه است و از آثار روزگار سیمین ادبیات لاتین به شمار می رود. اهمیت این کتاب بیشتر مربوط به حوادثی است که وی از سال اول میلادی تا سال سی ام آن قرن بخصوص زمان سلطنت تیربوس ذکر می کند. مقداری از این کتاب از میان رفته و فقط چند فصل از آغاز و یک قطعه از تاریخ یونان و روم از زمان شکست پرسه نه پادشاه مقدونی تا سال هشتم سلطنت تیربوس باقی مانده است. این تاریخ به ۱۲ کتاب تقسیم می شود و در آن از اقتصاد سیاسی و عقاید و آداب و فرهنگ عامه و ادبیات سخن رفته است. وی در تاریخ خود علل و حوادث را بیان کرده و راجع به بد و خوب امور قضاوت می نماید. متن این

به شبه قاره هند راه یافت. در زمان ولید حجاج بن یوسف در سال ۹۵ هجری در پنجاه و سه سالگی درگذشت.

از وقایع زمان ولید فتوحات قتیبة بن مسلم باهلی در شمال شرقی ایران است. وی تا کاشغر پیش رفت (۹۳ هـ). در سال ۹۶ هجری ولید درگذشت و برادرش سلیمان بن عبدالملک به جای او نشست.

وَنَدَفَرَنَاه

یکی از سرداران داریوش است که نامش دو بار در کتیبه بیستون آمده و در نامش واژه فر دیده می شود.

وَنَدیدَاد

واژه اوستایی آن وی دَنودات می باشد که در پهلوی جَت دیودات گردیده و مرکب است از سه واژه وی به معنی ضد، دَئویه معنی دیو و دات به معنی داد و قانون که مجموعاً می شود: «قانون ضد دیو». مندرجات آن مختلف

کتاب در سال ۱۸۹۸ توسط الیس به طبع رسیده است و متن و ترجمه آن به انگلیسی و به اهتمام شیپلی در مجموعه کتابخانه لوب در ۱۹۲۴ منتشر شده است.

ولید بن عبدالملک

از خلفای بنی امیه که در زمان او فتوحات اسلام در شرق و غرب به منتهای وسعت خود رسید و مسلمانان از طرف مغرب به اقیانوس اطلس رسیدند و یکی از سرداران اسلام به نام طارق بن زیاد از ستونهای هرکول گذشته به کشور واندولوزیا (اسپانیا) درآمد و آن سرزمین را تسخیر کرد و نام آن کشور در تاریخ اسلام اندلس گردید. از آن پس تنگه ای را که بین دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس قرار دارد و سابقاً ستونهای هرکول نام داشت، جبل طارق می خوانند. یکی دیگر از سرداران اسلام به نام محمد بن قاسم ثقفی دره سند را در مشرق تسخیر کرد و توسط او دین اسلام

است و هر فصلی از آن را فرگرد گویند. در مراسم مذهبی خواننده نمی‌شود. مجموعاً ۲۲ فرگرد است و فرگرد اول در آفرینش زمین و کشورهاست. «وندیداد یا ویدودات یا یوت دودات به معنی قانون ضد دیو است، یعنی قانون ضد آیین دیوپرستان. این کتاب نوزدهمین نسک از کتاب اوستای قدیم است که تمام آن امروز در دست است و شامل ۲۲ بخش یا فرگرد است. فرگرد اول آن حاوی نام سرزمینهایی است که اهورامزدا آفریده و بلاهایی که اهریمن در آنها پدید آورده است. فردگرد دوم شامل ابتدای تاریخ جهان و داستان جم و ورجمکرت است که جمشید برای حفاظت و نگاهداری بهترین و زیباترین مخلوق حیوانی و گیاهی ساخت و فرگردهای ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ درباره پزشکی و نیروی معالج آبها و اوراد است. در فرگردهای دیگر وندیداد، از مسائل فقهی و دستورات مذهبی سخن می‌رود».

وندیداد: — اوستا

وَنَدَدِیشت

بیسست و یکمین و آخرین یشت اوستاست این نام، یعنی «وَنَدَد Vanand» در اوستا «وَنَتَت Vanant» و نام ستاره‌ای است و به معنی شکست‌دهنده و پیروز شونده است. این کوتاه‌ترین یشت باقی مانده در یک بند می‌باشد و در شمار اسامی سی‌گانه روزها، روزی به نام این ایزد نیست.

وننس (Vonones)

از رؤسای پارتی در سیستان بود که به تشکیل سلسله‌ای به نام «پهلوها» پرداخت (۱۲۰ ق.م.).

چون «ارد» پادشاه اشکانی پایتخت خود را به تیسفون انتقال داد، و توجه اشکانیان نسبت به مشرق ایران کمتر گردید، اقوام پارتی سکایی که پهلوها باشند فرصت را غنیمت شمرده، و

در مسکوکات نام و ننس با یک عده از شاهزادگان و امرای دیگر همراه است. یعنی در پشت سکه‌های او نام برخی از امرای دیگر ثبت شده، مانند اسپالاهورا Spalahora و اسپالگاداما Spalagadama برادر و برادرزاده او و غیره و در ضرب سکه‌های او دو رسم الخط یونانی و خروشتی به کار رفته، و عنوان او به یونانی چنین است: «بازیلوس بازیلون ملاوس و ننس» یعنی شهنشاه بزرگ و ننس. مسکوکات او تقلیدی از سکه پادشاهان باختر است.

پس از او برادرش اسپالی ریزس Spalirises یا اسپالاهورا پادشاه شد. سکه‌هایی که از او به دست آمده به نقره و مس است، و به رسم الخط خروشتی و یونانی می‌باشد، و در رسم الخط یونانی «بازیلوس ملاوس اسپالی ریزس» نوشته شده که به معنی پادشاه بزرگ اسپالی ریزس است، و در رسم الخط خروشتی در پشت سکه، کلمه ایاسا Ayasa آمده، که بعضی آن را ازس Azes خوانده، و او

حکومت مستقل در سیستان و رنج و مشرق ایران تشکیل دادند. در همان هنگام که سه پادشاه اول هند و سکایی، پادشاهی خود را در هند مستقر می‌ساختند. «وننس» به عنوان شاه بزرگ در سیستان و قندهار سلطنت می‌کرد. ظاهراً «وننس» پس از مهرداد دوم اشکانی (۸۸-۲۳ ق.م.) به سلطنت رسیده است. ارد پادشاه اشکانی وقتی که پایتخت خود را به تیسفون انتقال داد، و توجه اشکانیان نسبت به مشرق ایران کمتر گردید، اقوام پارتی سکایی که پهلوها باشند فرصت را غنیمت شمرده، و حکومت مستقل در سیستان و رنج و مشرق ایران تشکیل دادند. و در همان هنگامی که سه پادشاه اول هند و سکایی، پادشاهی خود را در هند مستقر می‌ساختند، و ننس به عنوان شهنشاه بزرگ در سیستان و قندهار سلطنت می‌کرد. ظاهراً و ننس پس از مهرداد دوم اشکانی (۸۸-۲۳ ق.م.) به سلطنت رسیده است.

را پسر اسپالی ریزای مزبور شمرده‌اند و برخی او را با ازس پادشاه هند و سکایی یکی دانسته‌اند. از اسپالی ریزس سکه‌ای از مس یافت شده، که با پسر خویش اسپالاگارامس مشترکاً سکه زده‌اند. و عنوان خود او به یونانی در سکه چنین است: «بازیلوس بازیلون ملاوس اسپالی ریزوس». شاهنشاه بزرگ اسپالی ریزس. و در پشت سکه، عنوان او به خط خروشتی و زبان پراکریتی چنین است: «مهارجا سامهاتا ساکا اسپالی ری‌زی‌سا» یعنی شاهنشاه بزرگ اسپالی ریزس.

ونونه دوم: — اشک بیست و یکم

وهاوک (وهاوکا Vahauka)

نام واقعی داریوش دوم ۴۲۴ تا ۴۰۴ ق.م.

وه‌دین شاهپور

آنبار گبذ یا رئیس مخازن و مهمات

در زمان یزدگرد بوده.

وه‌رام

وه‌رام یا وه‌پناه (که شاغل مقام عالی مگوگان اندرزید بود). وه‌هرمز، وه‌رامشاه در یکی از کتب حقوقی پهلوی زمان ساسانیان در ردیف قضات آمده است.

وه‌رام گشنسب

پدر بهرام چوبین، از مردم ری و از دودمان بزرگ مهران بود. بهرام فرماندهی لایق بود و بر طوایف مهاجم سرحدات شمال و مشرق فایق آمد.

وه‌رام: — بهرام

وه‌رز

سردار دیلمی، که در زمان انوشیروان بنا به دستور وی با چند کشتی از راه خلیج فارس و دریای عمان جهت مخالفت با رومیان به یمن رفت و

در ۵۷۰ میلادی در آن سرزمین پیاده شد و مسروق آخرین امیر حبشی خاندان ابرهه را از میان برد و یمن را دست‌نشانده ایران کرد. ایرانیان تا بعد از ظهور اسلام در آن کشور حکومت می‌کردند و عربها آنان را ابنای احرار یعنی آزادزادگان می‌خواندند.

وهسودان

پادشاه دیلمان فرزند جستان بود که در سال ۲۵۰ ه.ق. زمانی که داعی کبیر حسن بن زید علوی در مازندران خروج کرد وی بیعت او را پذیرفت ولی به دلیل نامعلومی از داعی برگشت و در این میان زندگی را وداع گفت.

وَهْمَن (= بهمن)

ایزد دانایی است و احتمالاً به این سبب، پیشگویی‌ها در یسنی به نام وی به زبان اوستایی گرد آمده بوده است. بعدها این یسن اساس ترجمه‌ها و تفسیرهای پهلوی قرار گرفته و مطالبی

بدان افزوده شده و حوادث ذکر شده در متن اصلی با حوادث تاریخی، بنا به ذوق و سلیقه و اعتقاد تدوین‌کنندگان روایت‌ها، منطبق گردیده است. این گونه پیشگویی‌ها در دوران قدیم، حداقل از قرن دوم پیش از میلاد، در کتابهای مربوط به مکاشفه یونانی - مصری تأثیر گذاشته است.

وهمنه

لقب شاهان (حکمرانان) ایبورد، (دوره ساسانی).

وهوکا: — داریوش دوم

وهومن

به معنی اندیشه نیک، در دین زردشت.

وهومن

بهمن یکی از امشاسپندان است و نیز نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه است.

آثر (Aathar)

اهورامزدا (Ahooraamazda)

وهومند (Vahoomand)

اسپنتارمیتی (Spantarmity)

اسامی فوق به واسطه گذشت زمان
ساییده شده و بدین گونه تطور یافته اند.
فروردین - اردیبهشت - خرداد - تیر
- امرداد - شهریور - مهر - آبان - آذر - دی
- بهمن - اسفند.

در این گاه شماری که دین یش
نامیدیم هر ماه را سی روز است که نام
آنها نیز مأخوذ از اسامی ایزدان بوده که
دوازده تای آنها همانهایی هستند که
اسامی شهور اوستایی را تشکیل داده اند
بدین طریق - هورمزد - بهمن، اردیبهشت -
شهریور - اسفندارمذ - خرداد - امرداد -
دی باذر - آذر، آبان - خور - ماه - تیر -
گوش - دی بمهر - مهر - سروش - رشن
(Rashan) فروردین - بهرام - رام - باد -
دی بدین - دیسن - ارد (Ard) اشتاد
(Ashtaad) - آسمان - زامیاد - ماروسفند -

انیران.

وهیزداته: — قیام وهیزداته

وهیزگه - تقویم

این تقویم هم براساس شمسی و
عیناً مثل روزشماری رسمی بوده با این
تفاوت که در هر ۱۲۰ سال یک ماه
کیسه به آن می افزودند و این ماه را
مبارک دانسته و سرتاسر آن را جشن
می گرفتند و به این جهت نام این ماه را
هم بهیزک (Behizak) نهاده بودند.
در این سال دوازده ماه وجود دارد
که هر یک را به نام ایزدان بزرگ به طریق
ذیل نامگذاری کرده اند.

فروشی ها (Faravashihaa)

اش وهشت (Ashavaheshta)

هئوروات (Rauorotaat)

تشتری (Tashtary)

امراتات (Amertaat)

خشتروئیری (Khshatravaeery)

میترا (Mittra)

اناھیتا (Anaahita)

می‌بینیم که در هر یک از ماهها اسامی یکی از روزها و در ماه دی استثنائاً اسامی سه تا از روزها با اسم ماه مطابقت می‌کند که بنابر توصیه زردشت در اقسام این ایام زردشتیان ناگزیر از برپا کردن جشنی بوده‌اند و ایرانیان نیز معمولاً به این گونه اعیاد نام همان روز را داده و به آخر آن ادات‌گان را اضافه می‌کرده‌اند تا نشانه عید باشد.

با توجه به این توضیحات و جداول فوق می‌توان ایام این جشن‌ها را در سال اوستایی تعیین کرد:

روز ۱۹ فروردین جشن فروردین یا فروردیگان

روز ۳ اردیبهشت جشن اردیبهشتگان

روز ۶ خرداد جشن خردادگان

روز ۱۳ تیرماه جشن تیرگان

روز ۷ امرداد جشن امردادگان

روز ۴ شهریور جشن شهریورگان

روز ۱۶ مهر جشن مهرگان

روز ۱۰ آبان جشن آبان

روز ۹ آذر جشن آذرچشن

روزهای ۱۵۸-۲۳ دیماه جشنهایی

که برای صنعت پروردگار می‌کردند.

روز ۲ بهمن جشن بهمن یا بهمنجنه

روز ۵ اسفند جشن اسفندارمذ

ویتاکسا = بدخشن

شاهنشاهی اشکانی از دو نوع

ولایات تشکیل یافته بود: نخست

ولایاتی که به نام «بدیشخ»، «بدشخ» و

«بدخشن» که به یونانی ویتاکسا نام

داشت. آمین مارسلن ویتاکسا را رئیس

سواره‌نظام و والی شاهی می‌داند و به

قول او این ولایات هجده ویتاکسا بودند

و اصولاً پارس و خراسان را از این عده

به‌شمار آورده‌اند.

در زمان مهرداد اول اشکانی که

دوره عظمت آن خاندان است بنا به

کتاب منتخب جاده‌ها و راهها اثر

ایزیدور خاراکسی، در آن زمان، کشور

پهناور اشکانی به دو قسمت علیا و

سفلی تقسیم می‌شد و دروازه‌های خزر

- بین این دو قسمت بود.
- ۶- ماد علیا یا همدان.
- نواحی سفلی از هفت ایالت به شرح زیر تقسیم می شد:
- ۷- ماد سفلا یا مادرگیا نا (ری) که همه ساتراپ نشین ماد را تشکیل می دادند.
- ۱- بین النهرین و بابل
- ۸- خوارنه همان ناحیه خوارکنونی است.
- ۲- آپولونیاتیس در سوریه
- ۹- کومیسنه کومش یا قومس در حدود سمنان و دامغان.
- ۳- خالونی تیس؛ در تقسیم نامه های جانشینان اسکندر این ها با دوساتراپ نشین بین النهرین، با «اربلی تیس» آربل و بابل مطابق اند اما نتیجه تقسیم جدید این بود که تمام سرزمینهای بین فرات و دجله در یک واحد متمرکز شدند ولی کلیه قلمرو واقع در مشرق دجله از ساتراپ نشین های قدیم منتزع گردیدند، یعنی آپولونیاتیس (سیتاسن پیشین) از بابل، خالونی تیس و اربلی تیس جدا شد و قسمت اصلی اربلی تیس از سایر قسمت ها نیز دور افتاد.
- ۱۰- هیرکانیا
- ۱۱- استاونه، استابنه که اکنون شامل سملجان بجنورد، شیروان و قوچان می شود، یکی از شهرهای مهم استاونه، خوشان کنونی بوده است.
- ۱۲- پارت ویژه
- ۱۳- آپاوار کیتیکن یا آپااوراتیکن که در حدود ایبورد بوده است، این شهر با ساتراپ نشین قدیمی هیرکانی پارتی قابل تطبیق است.
- ۴- کارنیا؛ «یوستی» می نویسد که این ناحیه همان کردند کنونی است.
- ۱۴- مرگیانه که از ساتراپ نشین باکتريا (بلخ) منتزع شده بود و آن همان مرو است.
- ۵- کامبادنه یا کامپادا در حدود کرمانشاهان کنونی بوده است.
- ۱۵- آریا (هرات)

۱۶ - آناوثرها یا اهالی آناتون در قسمت جنوب ایالت هرات یکی از نواحی فرعی ایالت آریا بود.

۱۷ - زرننگ (سیستان) این سه قسمت اخیر سابقاً ساتراپ نشین آریا و زرننگ را تشکیل می دادند و سکستان هم که از توابع پارت بود.

۱۸ - هندوستان سفید که با آرخوزیای قدیم قابل تطبیق است. این هیجده ایالت از ایالات پارتی با شش ایالت قدیم سلوکی قابل تطبیق است. این تقسیمات جزئی تر، کاملاً با آنچه درباره نحوه تقسیمات سلوکوس نیکاتر می دانیم موافقت دارد، و با اطمینان زیاد می توانیم بگوییم که پارتیها در اینجا تقسیمات ایالتی سلوکیها را حفظ کرده اند. مطابق اخباری که تصادفاً از بین النهرین در دست داریم، می دانیم که به طور استثناء این ناحیه در زمان سلوکی ها ساتراپ نشین واحدی بود و این امر را پوزی دونیوس به نقل از استرابون آورده است.

این مطلب به وضوح به چشم می خورد که پارتیها در مقایسه با اسلاف خود تا چه اندازه به نواحی غربی شاهنشاهی خود بدیده بی اعتنایی می نگرستند. آنان بین النهرین را به عنوان تنها ساتراپ نشین بزرگ همچنان پذیرفتند. شاید هنگامی که کتزیفون (تیسفون) مقر اشکانیان شد حتی بابل را نیز به آن ضمیمه کردند. جالب توجه است که پارتی ها اصولاً کوششی برای دست یافتن به دریا نمی کردند. تنها در قسمت باریکی از دهانه رود فرات حکومت پارتی به دریا دست داشته است، ولی در همین جا به دولت خاراکس اجازه دادند که از نظر بازرگانی برایشان پیشی بگیرند.

در ماد آتروپاتن غالباً شاهدزادگانی از خاندان سلطنتی حکومت می کردند. شاهان کوچک محلی در کردستان (آریل)، خوزستان، عیلام، پارس، بین النهرین جنوبی، خاراکسن و آدیابن و هاترا والحضر و اسرئن بالورائه حکومت

می‌کردند و در آن میان بعضی از شاهان محلی ولایات پارس و عیلام حق ضرب سکه داشتند. از حفریاتی که در محل دورا - اروپوس به عمل آمده از اوضاع سرحدات غربی کشور اطلاعاتی به دست آمده است از جمله در فالیگا شخصی را به نام مانسوس نام می‌برد که فرماندار نظامی رومی در بین‌النهرین بوده و در عین حال به گردآوری مالیات حقوق گمرکی نیز اشتغال داشته است.

در عهد سلوکی شهرهایی از نوع پلیس در ایران بنا شد و تا زمان اشکانیان ادامه داشت. از جمله شهر نسا در نزدیکی مرو بود که یونانیان آن را پارتاوانیسا می‌گفتند که به معنی مرکز اجتماع پارتیان بوده است. باستان شناسان شوروی محل این شهر را در هجده کیلومتری مغرب عشق‌آباد یافته‌اند. شهر دروتی بر نقطه بلندی قرار داشته و مساحت آن هجده هکتار بود و قلعه شهر در این قسمت قرار داشته است. در زمان پارتها شهر توسعه پیدا

کرد و در آن حصار بلندی کشیدند که فقط به توسط یک دروازه با خارج مربوط می‌شد. در این قلعه که مصرف آب آن از داخل تأمین می‌شد، سربازخانه و ادارات و کاخ شاهی و معبدی قرار داشت. خانه‌های مسکونی را گرداگرد این بخش مرکزی ساخته بودند، و این قسمت با حصار قطوری که برجهایی بر آن تعبیه شده محصور گشته بود. این حصار یک دروازه بیش نداشت که در مقابل دروازه قلعه بود، به طوریکه بین دو دروازه معبدی وجود داشت که خیابان شهر محسوب می‌شد. در این بخش مسکونی شهر، خانه‌های بزرگان پارتی و کوی‌های ویژه بازرگانان وجود داشت.

بیرون حصار شهر، حومه شهر نسا بود که جنبه کشاورزی داشت و آن نیز با حصاری گلی از چینه به طول هفت کیلومتر محصور شده بود. در جنوب شرقی نسا بلافاصله پشت حصار حومه شهر - قلعه منفرد و بزرگی به نام

«مهرداد کرت» وجود داشت که یکی از اقامتگاه‌های شاهان اشکانی به شمار می‌رفت و قبور خانوادگی ایشان نیز در آنجا بود. در این قلعه بایگانی کاملی از اسناد اقتصادی پارتی به دست آمده است که تاکنون بخشی از آن منتشر شده است.

حفاریات دورا اروپوس در کنار فرات نشان می‌دهد که دوران شاهان پارتی درخشانترین مرحله زندگی آن شهر بوده است. نقشی که شهر دورا اروپوس در بازرگانی با غرب از طریق پالمیر (تدمر) ایفاء می‌نموده به این امر یاری می‌کرده است. اسناد مکتوبی که در ضمن حفاریات در آن شهر به دست آمده حکایت می‌کند که در آن زمان پارتی‌ها دارای اراضی منضم به آن و دهکده‌هایی در اطراف آن بوده‌اند. هسته مرکزی و قدیمی این شهر را مهاجران مقدونی تشکیل می‌دادند. از این گذشته پارتی‌ها و عناصر سامی که منافع تجاری مشترک داشتند، بر اثر

ازدواج‌های مختلف، ایشان منافع سخت به هم آمیخته بود. گرچه زبان اصلی اداری و دفتری شهر دورا اروپوس کماکان یونانی بود، ولی اسناد و نوشته‌های فراوانی که به زبانهای آرامی و از جمله به لهجه سریانی، و ایرانی تنظیم گشته در آنجا پیدا شده است. در شهر دورامانند بابل در عهد پارتیها «اپیستات» وجود داشت. اپیستات مقامی دولتی بود و گاه انتخابی که ناظر امور شهری به‌شمار می‌رفت تا ناظر بر اجرای دستورات شاه در محل باشد.

از میان ولایات ایران، پارس و خوزستان باجی نمی‌پرداختند ولی شاهان اشکانی از ایشان هدایایی می‌گرفتند. عده‌ای از دولتهای کوچک بودند که نیمه مستقل بودند و آنها از این قرار بودند: ماد کوچک یا ماد آتروپاتن، ارمنستان، آدیابن، خسرون، هاترا (الحضر)، عیلام (خوزستان)، پارس، کاپادوکیه، پرگام و بی‌تی‌نیه.

شهرهای یونانی در ممالک پارت

بسیار بوده‌اند و استقلال داخلی داشته‌اند. از جمله این شهرها سلوکیه در کنار دجله از همه مهمتر بود و شمار نفوس آن را از چهار صد تا شش صد هزار تن نوشته‌اند. ایزدودورخاراکیسی نوشته که تنها در یک خط راهی که پیموده شصت شهر یونانی یافته است.

باید دانست که دولت اشکانی نظر دشمنی به این شهرها نداشته، زیرا شاهان اشکانی برای جلب مردم یونانی زبان و نژاد ایرانی خود را دوستدار یونانیان «فیل‌هَلَن» می‌خواندند و این عنوان را بر سکه‌های خود ضرب می‌کردند.

وِیثا نَسْک

مجموعه کوچکی از قطعات اوستایی است که اتفاقی و گاه بی‌نظم و ترتیب، بیشتر از ونیدیداد (یا قطعاتی اوستایی منقول در خلال ترجمه پهلوی (این کتاب) یا از فرهنگ اویم و منابع دیگر همراه با ترجمه پهلوی آنها انتخاب

شده است. در مواردی جملات پهلوی به فارسی نیز ترجمه شده است. عبارات منقول غالباً دچار تصحیف شده است. بخش عمده‌ای از این رساله به بحث درباره ارتباط یا ازدواج نامشروع یک مرد زردشتی با زن غیر زردشتی و فرزندی که از این ارتباط به وجود می‌آید و نیز مسئله ارث چنین مردی اختصاص دارد. اشاراتی نیز به بعضی آیینهای دینی در این کتاب شده است.

وِیخَنَ

در کتیبه بیستون نام آن آمده و یکی از ماههای قدیم قُرس، برابر ماه فوریه، است.

ویرتا

بنابر گفته امین مارسلن این دژ در انتهای سرحد بین‌النهرین و ساحل راست دجله واقع بود. بنای آن را به اسکندر مقدونی نسبت می‌دادند. برج و باروی ویرتا خیلی مستحکم و رومیان آن

را با انواع ماشینهای دفاع مجهز نموده بودند و ساخلوی قوی در آنجا داشتند. شاپور بزرگ پس از تصرف «بزابد» و «سنگارا» به محاصره این دژ پرداخت ولی موفق به گرفتن آن نشد. محل این دژ نزدیک به تیگریت امروزه بوده است.

ویزَرش

همکار استویداد دیو است که با روان درگذشتگان در آن سه شبانه‌روزی که هنوز در گیتی هستند نبرد می‌کند و آنان را می‌ترساند. او بر درِ دوزخ می‌نشیند و روان گناهکاران را با زنجیر تا پل چینود می‌کشد.

ویس

در سازمان اجتماعی مادها به معنای خاندان و عشیره و یا نام متداول دهکده و نقطه مسکونی را در بر می‌گرفت.

ویسپَ اوزاتیش

یکی از شهرهای پارت قدیم بود که

ویشتاسب پدر داریوش لشکر یاغیان را در آنجا سرکوب کرد.

ویس پت پیرو

در سازمان اجتماعی مادها به شیخ خاندان، عشیره و رئیس ده (دهخدا) اطلاق می‌شده که در زمان شکل‌گیری طبقات، اینان به طبقه ممتاز و اشراف بدل شدند.

ویسپَ ثورواشتی

از رقبای کی‌گشتاسب و از دیویستان و از تورانیان خیون می‌باشد. پدر آشت ائورونت بوده که معنی لفظی نام اخیر عبارت است از «کسی که هشت سوار دارد».

ویسپرت

ویسپرد. بخشی است از کتاب اوستای موجود و دارای ۲۴ بخش یا «کرده» است. در این کتاب همه ردان و پیشوایان مینوی و جهانی و نمایندگان هر

یک از آفریدگان نیک اهورا یاد شده و به آنان درود فرستاده شده است. ویسپرد از کتاب یسنا فراهم آمده است و بیشتر در مراسم مذهبی جشنهای گاهانبار خوانده می شود.

ویسپرد: — اوستا

ویسپون

تیسفون در نوشته های ارمنی.

ویسپوهران

در دولت اشکانی دو شورا امور مربوط به کشور را بر عهده داشت که شامل شورای بزرگان و شورای مغان بوده است.

شورای بزرگان، احتمالاً

ویسپوهران خوانده می شدند. در این شورا نمایندگان خاندان اشکانی و ظاهراً برگزیدگان شش خاندان بزرگ عضویت داشتند.

ویستهم

از دودمان بزرگ اسپاهبدان و خویشاوند خانواده سلطنتی و دایی خسرو دوم بود که موفق شد برادر خود بندوی را از زندان پادشاه هرمز بیرون کشد و به کمک او هرمز را خلع کرده، به زندان افکند و کور کند و پسرش خسرو دوم را، که بعداً ملقب به خسرو پرویز ابهریز شد، به سلطنت برساند. گستم نیز گفته اند و بسطام نیز صورتی از ویستهم است. ویستهم بعداً به ولایت خراسان منصوب شد و سرانجام خسرو پرویز او را به دربار فراخواند تا از میان بردارد اما وی سرکشی آغاز کرد. سرانجام کشته شد.

ویسه: — گوترا

ویشتاسپا (Vishtaspa)

پدر داریوش بزرگ.

ویلهم واسموس: — واسموس

ویماکد فیزس

پس از کجولا پسرش ویما که او را کد فیزس دوم گویند در دولت کوشانی های بزرگ به تخت نشست، و از ۷۸ تا ۱۱۰ میلادی پادشاهی کرد. وی فتوحات پدر را دنبال کرده، ضعف پارتیها و محاربات ایشانرا باروم مغتم شمرده، هرات و سیستان و رخی را از دولت اشکانی انتزاع کرد و در مشرق، پنجاب و سراسر هند غربی را تصرف نمود و مصب سند و بنادر غربی هند را مسخر ساخت.

این پادشاه دین بودا را پذیرفت و خود را شهنشاه و فغفور لقب داد. چون دولت چین از نفوذ او به هراس افتاد سرداری به نام پان چاو با سپاهی گران به قصد تسخیر ولایات غربی از کاشغر تا دریای خزر فرستاد، و شکست سختی به قشون ویما داد. در این زمان بازرگانی

بین مشرق و روم توسعه یافت، و حمل و نقل دریایی بین بحر احمر و هند دایر گردید. مال التجاره هایی از مصر و حوزه های شرقی بحرالروم که در تصرف رومیان بود در بنادر بحراحمر بارگیری و حمل می شد و به مصب رود سند می رسید، و سپس آنها را از روی این رود تا پیشاور کنونی می رسانیدند. آن گاه به وسیله کاروانها از هندوکش و پامیر عبور داده پس از گذراندن از ترکستان چین به چین حمل می کردند.

بدین وجه کوشانیها از آغاز قرن دوم سه قسمت از جاده های بزرگ ابریشم را در دست گرفتند: نخست جاده بین دو دریای خزر و سیاه، دوم جاده ای که از راه مرو به سوی شهر صد دروازه و همدان می رفت، و پس از عبور از فرات به بنادر بحرالروم می رسید، سوم طریق دریایی بین هند و دریای احمر.

تشکیل شاهنشاهی کوشان در مرزهای شرقی سکایی برای دولت

پارت دو خطر داشت:

اول خطر سیاسی - ایران عهد پارت به جای این که یک رقیب در مغرب داشته باشد به صورت شاهنشاهی مرکزی واقع در بین روم و کوشان درآمد بود.

دوم از لحاظ اقتصادی - کشور کوشانیان مانند کشور پارت در مبادلات تجارتي از ترانزیت استفاده می کرد و قسمتی از سه جاده فوق را در تسلط خود داشت و می توانستند کالاها را از راههای خارج از سرزمین پارت عبور دهند.

دولت روم زود باین اهمیت شاهنشاهی جدید کوشان پی برد و در صدد تماس مستقیم با پادشاهان آن برآمد. پس از کد فیزس دوم، از این خاندان اطلاع صحیحی در دست نیست و به نظر می رسد که این خاندان با این دو پادشاه خاتمه یافته است؛ فقط از روی سکه ها به نام پادشاهی برمی خوریم که

به یونانی سوترمگاس Sotermegas یعنی منجی بزرگ، لقب داشته و در بعضی از ولایات سکه زده است.

ویوارِشو

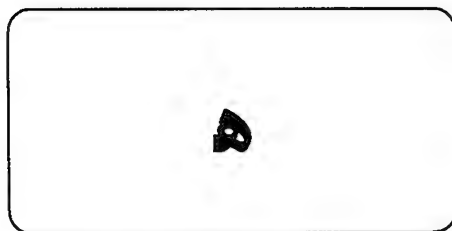
از جمله پارسیان و نام آورانی است که فروشیشان در یشت سیزدهم ستوده شده است. وی پسر آیین یاو معرفی شده ولی در برخی از ترجمه های اوستا نام پدرش نیامده.

ویوانا

نامی که در کتیبه بیستون از آن یاد شده. وی خَشْتَرِپَاوَن (ساتراپ) هَرروواتی (قندهار) بوده است. معنی لفظی این اسم دور درخشنده می باشد.

ویونگهان

ویونگهان، نام پدر جمشید است که نخستین بار گیاه هوم را بیفشرد و مراسم آن را انجام داد.



هئوروتات: — خرداد

گاٲاها و یسنا، هات نامیده می شود.

هئومه

هاترا (الحضر)

یکی از شهرهای معروف بین‌النهرین بوده که قلعه آن از حیث استحکام بی‌نظیر و دو نفر از امپراتوران روم - تراژان و سبتیم سور مدتی برای محاصره این شهر معطل شدند و تلفات زیادی دادند، ولی در اثر استحکام قلعه شهر و مدافعه دلیرانه اهالی هاترا، از تصرف آن عاجز ماندند. محل این شهر به مسافت سه روز از موصل واقع و

سومه هندی - از جمله خدایان ایران باستان و نام مایعی که ایرانیان قدیم هنگام انجام مراسم مذهبی می‌نوشتند. در آسمان نیز هئومه به انسانها زندگانی جاویدان می‌داد.

هئومه: — هرم

هات

فصل، بخش؛ هر یک از فصول

خرابه‌های آن هنوز در جنوب غربی
موصل دیده می‌شود.

هاتک مانسریک

یکی از بخشهای سه‌گانه اوستای
قدیم است و شامل هفت نسک است به
این ترتیب:

دامدات damdat

ناتر natar یا naxtar

پاجگ pajag

رت دات‌ایتگ rat-dat-itag

بریش baris

کشکیسرو kaskisrav

ویشتاسپ ساست vistasp-sast

خلاصه‌ای از هر یک از این نسکها
در دینکرت آورده شده است.

هاتی

مورسیل اولین پادشاه هاتی پس از
انهدام سلسله اول بابل، حلب و
کارخمیش و سوریه علیا را تحت
حمایت خویش حفظ کرد و جانشین او

(هانتی لی) با هوریا در ناحیه
کارخمیش، و با گاشگاه‌ها، که در شمال
هاتی ساکن بوده و مزاحم هیتی‌ها و
آشوریا می‌شدند جنگهایی کرد. زیدانتا
عامل اصلی تحریکات در زمان مورسیل
اول دست جانشینان قانونی هانتی لی را
از تاج و تخت کوتاه ساخت و خود را
پادشاه خواند لکن او به دست آمونا پسر
خود به قتل رسید. در این موقع قحطی و
خشکسالی شدیدی مملکت را تهدید
می‌کرد و اغلب اردوکنشی‌های هاتی با
شکست مواجه می‌شد. پس از او، هوزیا
نامی به سلطنت رسید ولی اونیز بر اثر
تحریکاتی از سلطنت خلع و تله‌پینو
جانشین او شد. وی عناوین و امتیازات
شاهزادگان را از آنها گرفت و زندگی آنها
را محدودتر از زندگی کشاورزان و
دهاقین کرد. اغلب شاهزادگان و امرا که
ممکن بود خطری از جانب آنها متوجه
سلطنت شود از میان رفتند و برای
جلوگیری از تجدید تحریکات و
اغتشاشات گذشته، مقرراتی به وسیله

مجمع نجبا وضع کرد. با این مقررات موضوع جانشینی پادشاه روشن بود و هر کس بخانواده سلطنتی سوء قصدی می کرد شدیداً تنبیه می شد. همین مقررات ظاهراً تا پایان امپراتوری هیتی هم مجری بود. زمامداری تله پینو در حدود سال ۱۶۵۰ خاتمه پذیرفت و از این تاریخ تا دو قرن از سلاطین هاتی اطلاعی در دست نیست. در اسناد بایگانی کاردونیاش نیز در این باره و راجع به آشور چیزی دیده نمی شود.

پس از دو قرن یعنی در دوره سلطنت توتمس سوم در مصر، اخباری از فعالیت هیتی ها جلب نظر می کند و هر دفعه که توتمس به سوریه علیا میرفت هدایایی از طرف هیتی ها برای او فرستاده می شد. توتالیجا دوم نخستین زمامدار امپراتوری جدید هاتی به حلب لشکر کشید و آن شهر را خراب کرد. شهر حلب در تصرف هوریها بود و پس از مراجعت توتالیجا مجدداً به تصرف هوریها درآمد ولی هاتوزیل دوم

(جانشین توتالیجا) این شهر را ضمیمه امپراتوری خویش ساخت. هنگام پادشاهی توتمس چهارم، مصر و هوری برای پایداری در برابر بابل و هاتی با هم متحد شدند و برای نخستین بار یک زن خارجی ملکه مصر شد. با سلطنت توتالیجا سوم آتش تحریکات درهاتی زبانه کشید و مخالفین توتالیجا، پسر ارشد وی را کشته سر بطغیان برداشتند و اقوام گاشگا شهر هاتو را آتش زدند.

در حدود سال ۱۳۸۵ یعنی موقعی که خطر از همه طرف امپراتوری هاتی را تهدید می کرد سویلولیوما (پسر توتالیجا سوم) زمام امور را به دست گرفت و در توسعه امپراتوری بی اندازه کوشید. وی همان قدر که به اردوکشی های نظامی اهمیت می داد، برای حل و فصل مشکلات از راه دیپلماسی نیز اهمیت زیادی قائل بود چنانکه هنگام لشکرکشی بکنعان، با آنکه این اقدام به زیان مصر تمام می شد، تاجگذاری آمئوفیس چهارم را تبریک گفت و

هدایایی برای او فرستاد.

وی سوریه را گرفت و دولت میتانی را ضمیمه متصرفات خویش کرد. میتانی که در اواخر قرن پانزدهم هنوز تسلط خود را بر آشور محفوظ نگاه داشته بود پس از مرگ سوتارنا (اول) دستخوش انقلابات داخلی گردید. در این موقع امپراتوری هوری به دو قسمت تقسیم شد. توسرانا در میتانی و آرتاتاما دوم در هوری به سلطنت پرداختند. سویلیولیوما برای غلبه بر میتانی با آرتاتاما همداستان شد و کمک پادشاه کیزواتنا را نیز در این کار جلب کرد. در این زمان مصر گرفتار مسائل داخلی بود و آمnofیس سوم و به خصوص آمnofیس چهارم به سیاست خارجی توجهی نداشتند. سویلیولیوما از این گرفتاری استفاده کرد و پس از محاصره میتانی و چند جنگ، واشوگانی پایتخت آن کشور را به تصرف درآورد و توسراتا که قدرت مقاومت نداشت از مقابل او گریخت. از این پس سوریه رسماً ضمیمه امپراتوری

هاتی شد و کمی بعد توسراتا به دست پسر خود به قتل رسید و آرتاتاما دوم پادشاه هوری با موافقت پادشاه آشور سلطنت میتانی را نیز به پسر خود موسوم به سوتارنا داد. ماتی وازا پسر توسراتا ناچار به بابل رفت و چون در آنجا به تقاضای او توجهی نشد نزد سویلیولیوما آمد. سویلیولیوما که از اتحاد هوری و آشور و قدرت آنها ناراضی بود ماتی وازا را کمک کرد و وی را به تخت سلطنت میتانی نشاند.

به موجب عهد نامه‌ای که میان بیاسیل (یکی از پسران سویلیولیوما) و ماتی وازا منعقد شد، حکومت میتانی تابع امپراتوری هاتی بود. ماتی وازا از ادعاهای خود نسبت به سرزمین هوری صرف نظر کرد و مقرر شد که پس از مرگ او سلطنت میتانی در خانواده سویلیولیوما باقی ماند؛ حکومت کارخیمیش که شامل اراضی هوری نیز می شد به بیاسیل رسید و حکومت آزی هم به همین طریق تابعیت سویلیولیوما

نوزدهم و نندیداد (بندهای ۲۷ تا ۳۲) دارد.

هادی

از خلفای عباسی؛ بعد از مهدی پسر بزرگش هادی چهارمین خلیفه عباسی به خلافت رسید. مدت خلافتش فقط یک سال و سه ماه و یا به قولی ۱۳ ماه و چند روز بود. در تمام این مدت عملاً اختیار کارها به دست مادرش خیزران بود و بدین جهت هادی سعی کرد او را از مداخله در امور مملکت منع کند، به این عنوان که این کار باب زنان نیست و تو باید به نماز و طاعت خود پردازی نه به کار کشور.

ولی رجال کشور، به عادت همیشگی، هر روز به دربار او جمع می شدند. تا اینکه هادی علناً مردم را از مراجعه به خیزران منع کرد و حتی روایت است که شیرینی مسمومی برای او فرستاد، تا شاید از شرش خلاص شود. ولی او احتیاط کرد و نخورد.

را پذیرفت و پادشاه آن، یکی از خواهران امپراطور هاتی را بزنی گرفت. حکومت حلب به تله پینو یکی از پسران سویلولیوما تفویض گردید و باین ترتیب یعنی بوسیله معاهدات و وصلت‌ها سویلولیوما توانست امپراتوری خود را به صورت متحد و ثابتی درآورد.

قسمت عمده زمامداری سویلولیوما به زد و خورد با گاشگاه‌ها و جنگ با آرزوا گذشت و عاقبت هم در جنگ با اقوام گاشگا جان سپرد و اغلب زمامداران تابع او از فرصت استفاده کرده بنای نافرمانی را گذاشتند.

هَادُخت نسک

سه قطعه از هَادُخت نسک اوستایی که ششمین نسک از نسک‌های اوستای عهد ساسانی بوده در دست است. قطعه نخست مربوط به اهمیت و اعتبار دعای «آشِم وُهو» است. قطعه دوم و سوم درباره سرنوشت روان پس از مرگ است، که شباهت فراوانی به فرگرد

هادی مردی متعصب و سخت‌کش بود و جمع‌کثیری را به عناوین مختلف کشت. می‌خواست برعکس وصیت پدرش، هارون را از ولایتعهدی خلع، و پسرش جعفر را به این مقام برساند، ولی موفق نشد و شبانه به دست کنیزان مادرش، به سن ۲۶ سالگی کشته شد. وزارت او را عمرو بن تبع بن یونس داشت.

واقعه مهم دوران خلافت وی، قیام حسین بن علی بن حسن از سادات حسنی در مدینه است که به سال ۱۶۹ هـ در حوالی مکه، به قتل رسید. او معروف به حسین صاحب فخ است، به نام محلی که در آنجا کشته شد.

هاربه

از خدایان کاسی‌ها که با شیحو، از رب‌النوعهای بسیار معزز و محترم بودند که با خدایان بابل «انلیله» سلطان خدایان و خدای زمین و مردوک خدای بابل یکسان بودند.

هارپاگ

وزیر اعظم آستیاگ.

هارپاگوس

یکی از بزرگان ماد در قرن ششم پ.م. که دوست کوروش بود و به حکومت لیدیّه برگزیده شد.

هارون

هارون معروف‌ترین خلیفه عباسی است (پنجمین خلیفه). چون به تخت نشست جوان بیست و سه ساله‌ای بود که تحت نفوذ مادرش خیزران قرار داشت و پس از سه سال که خیزران مرد هارون استقلال یافت.

هارون زمام امور کشور را به پسر خالد برمکی، یحیی و پسران یحیی سپرد. و از کفایت و کاردانی برامکه در پیشرفت کارها استفاده کرد. برامکه در دستگاه خلافت نفوذ زیادی پیدا کرده بودند. یحیی هارون را بزرگ و تربیت

کرده بود و هارون او را پدر خطاب می‌کرد. از پسران یحیی، فضل برادر رضاعی هارون بود که در سال ۱۷۶ هـ از طرف هارون حکومت آذربایجان و ارمنستان و جبال را یافت و چندی بعد حکومت خراسان نیز بر آنها افزوده شد. هارون یحیی بن خالد برمکی را در سال ۱۷۸ هـ رسماً به وزارت خود برگزید و او را کاتب و نایب و وزیر خویش خواند.

هارون به ظاهر مردی متعصب و دیندار بود و هر سال به حج می‌رفت. بعضی از اوقات احرام حج را از بغداد می‌بست و بیشتر ایام را در معاشرت علماء و شعرا می‌گذرانید و به ایشان انعامات و صلات فراوان می‌داد. قصور زیادی جهت خوشگذرانیهای خود در کنار فرات و دجله ساخته بود و در آنها با کنیزکان خوش آواز و سازندگان و مسخرگان سر می‌کرد.

قصرهای هارون، با فرشها و پرده‌های زیبایی که در آنها بود، خاطره

ایوان مجلل کسری و فرش بهارستان را تجدید می‌کرد. همین شکوه و جلال خیره‌کننده دربار هارون بود که هارون را مشهور آفاق و بغداد را شهر افسانه‌های هزار و یک شب ساخته بود. و همین آوازه شهرت دربار هارون بود که شارلمانی پادشاه فرانکها، شخص اول غرب جهان آن روز را واداشت که روابط دوستی با او برقرار نماید.

در این موقع فرانکها به طرفداری از پاپ، با امپراتور بیزانس که مخالف مذهبی پاپ بود، اختلاف داشتند. شارلمانی، هارون را در این موقعیت همدستی مناسب می‌دید و هارون می‌خواست که از شارلمانی در مقابل دشمنان خطرناک خود چون امویان آندلس که همسایگان او بودند، و دولتی نیرومند و مقتدری تشکیل داده بودند، استفاده کند. به همین دلیل با اعزام نماینده به اکسلاشابل ارتباطی با پادشاه فرانکها برقرار نمود.

در بین سالهای ۱۸۱ — ۱۹۱ هـ

سفرايي از طرف شارلماني، با تحف و هدايایی به مقرر خلافت آمدند. از طرف هارون نیز هيئتي به دربار شارلماني فرستاده شد که از جريان و نتیجه آن اطلاع درستی در دست نیست. از جمله هدايایی که هارون به شارلماني فرستاد فیلی بود که شاید تا آن تاریخ در اروپای غربی دیده نشده بود.

منابع تاریخی عرب از این روابط اطلاعی به دست نمی دهند.

می نویسند: وقتی نيقفور اول در سال ۱۸۶ هـ زمامدار روم شرقی شد پيمان سال ۱۶۵ هـ را که بين ملکه بيزانس و هارون منعقد شده بود، نقض کرد و از هارون خواست خراج گرفته شده را پس دهد. اين قضيه خشم هارون را برانگیخت. قلم و دوات خواست و در پشت نامه و هن آور او نوشت: «به نام خدای رحمان رحيم، از هارون اميرالمؤمنان به نيقفور سگ روم، ای کافر زاده نامهات را خواندم جواب آن است که خواهی دید نه آنچه خواهی

شنید والسلام».

هارون با علویان فوق العاده سختگیر و بد رفتار بود. در سال ۱۷۵ هـ يحيی بن عبدالله برادر محمد النفس الزکیه و ابراهيم، در کوهستانهای دیلم به ادعای خلافت ظهور کرد و مریدان زیادی نیز دور او را گرفتند.

هارون فضل بن يحيی برمکی را به دفع او فرستاد. از آنجایی که برامکه با علویان موافق بودند، فضل با يحيی به مدارا رفتار نمود و او را به اطاعت رشید خواند. قرار شد امان نامه ای هارون به خط خود بنویسد و هارون نیز با هدايایی زنهار نامه را پیش يحيی فرستاد. يحيی تسلیم شد. ولی هارون چندی بعد با گرفتن فتوایی بر بطلان زنهار نامه مزبور از علمای بغداد، يحيی را در حبس کشت.

در زمان هارون، امام موسی کاظم امام هفتم شیعیان در زندان بغداد وفات یافت. هارون از اینکه امام موسی کاظم در بین شیعیان علوی قدر و قیمتی

داشت و ایشان مخلص و جان‌نثار وی بودند و سالیانه مقدار متناهی مال به او می‌بخشیدند در وحشت افتاد. در سال ۱۷۹ هـ در مراجعت از سفر حج، امام را به عزت و احترام تمام با خود به بغداد آورد. سپس او را به زندان انداخت و پس از هفت سال، امام در زندان هارون وفات یافت و به قولی به دستور هارون کشته شد و هارون از فقهای بغداد تصدیقی به مرگ طبیعی آن امام گرفت.

در زمان هارون قسمتی از متصرفات ممالک اسلامی در شمال آفریقا، از تحت نفوذ خلفا خارج شد. تا ابتدای قرن نهم میلادی، حکومت ممالک آفریقایی دست امرائی بود که از طرف خلفا معین می‌شدند، ولی از زمان هارون به بعد از حکومت خلفا در این کشورها فقط نامی باقی ماند. و از همان وقت حکومت نواحی مختلف آفریقای اسلامی به دست سلاطین مستقل افتاد. علاوه بر خلفای اموی آندلس که از مدتها پیش تشکیل شده بود

سلسله‌هایی چون ادرسه و اغالبه و آل رستم در شمال آفریقا تأسیس یافت.

مؤسس سلسله خلفای اموی آندلس، عبدالرحمن نامی از نوادگان هشام بن عبدالملک بود. در موقع جلوس سفاح بر مسند خلافت و کشتار عمومی امویان، عبدالرحمن از مشرق گریخت و به آندلس داخل شد و بدین جهت به عبدالرحمن الداخل مشهور گردید. و چون هنوز پای دعوات عباسیان به این دیار نرسیده بود و مردم طرفدار امویان بودند، عبدالرحمن از موقعیت استفاده کرده در سال ۱۳۸ هـ از مردم به خلافت بیعت گرفت. عبدالرحمن و جانشینانش در قرطبه به حفظ مقام خود باقی ماندند و توانستند با تحصیل پیشرفتهایی سلسله معتبری تشکیل دهند و مدتها با شکوه و جلال در آن دیار حکومت کنند.

این سلاطین تا مدتی به همان عنوان امیری یا سلطانی قناعت داشتند ولی عبدالرحمن سوم در سال ۳۱۷ هـ

عنوان خلیفه و امیرالمؤمنین اختیار کرد. این خلیفه بزرگترین خلیفه امویان آندلس است و قریب به پنجاه سال خلافت کرد و موفق شد صلح و آرامشی در میان رعایای خود به وجود آورد و حیثیت و نفوذ خود را در خارج از آندلس نیز تثبیت کند. او توانست سلاطین عیسوی (لئون و قسطلون و نواره) را مغلوب سازد و مهاجمینی را که از آفریقا به اسپانیا حمله آورده بودند، بیرون راند و حتی بر دریای مدیترانه نیز استیلا یافت.

بعد از مرگ وی هیچ یک از جانشینان او نتوانستند دنباله عملیات او را بگیرند. بالاخره با مرگ هشام ثالث در سال ۴۲۲ هـ جانشینی این سلسله نصیب سلسله‌های کوچک دیگری گردید.

مؤسس سلسله آل رستم، عبدالرحمن بن حبيب، یک نفر ایرانی بود که از هرج و مرج شمال آفریقا استفاده کرده در تونس سلسله آل رستم را تأسیس کرد.

و مؤسس دولت ادارسه نسب به ادریس بن عبدالله از فرزندان حضرت امام حسن می‌رساند. ادریس در سال ۱۶۸ هـ به یاری جماعتی از طرفداران آل علی ظهور کرد، ولی این قیام توسط عمال خلیفه سرکوب شد. ادریس به مصر گریخت و از آنجا به مغرب رفت و در ناحیه سبّه، دومین دولت شیعی مذهب را تأسیس کرد که مدت دو قرن به پا بود و به نام خودش به ادارسه یا ادرسیان معروف شد.

ادریس شهر قانس را بنا کرده پایتخت خود قرار داد. مسکوکاتی از این سلسله در دست است که در بلاد تدعه و وليله ضرب شده است. انقراض این سلسله به سال ۳۷۵ هـ اتفاق افتاد.

مؤسس سلسله اغالبه، ابراهیم بن الاغلب است. در سنه ۱۷۰ هـ حکمران عباسی آفریقای شمالی (تونس) درگذشت و هرج و مرجی در این ناحیه پیش آمد. هارون ابراهیم بن الاغلب را که در این وقت حکومت

ز اب را داشت، به آن ناحیه فرستاد. ابراهیم، تسکین آنجا را از هارون قبول کرد به شرط آنکه ولایت آنجا در خاندان وی باقی ماند. هارون که گرفتار جنگهای داخلی بود این شرط را پذیرفت. به این ترتیب در نواحی شمال آفریقا حکومت مستقلی تأسیس و این نواحی را عملاً از تحت نفوذ هارون بیرون کرد، گویانکه فرزندان ابراهیم، برای رعایت احترام مقام روحانی خلیفه، نام او را در سکه‌های خود حفظ می‌کردند.

این سلسله بیشتر از یک قرن در این حدود حکومت کرد و بالاخره به علت بی‌کفایتی امرای آخری این سلسله و نفوذ افکار تفرقه‌انگیز شیعیان ادرسی در میان رعایای ایشان، روبه ضعف نهاد و راه برای پیشرفت کار فاطمیون صاف شد. انقراض این سلسله در سال ۲۹۶ هـ به دست فاطمیون انجام گرفت.

به علاوه بربرهای شمال آفریقا نیز در ناحیه الجزایر حکومت مستقلی به وجود آوردند.

اگرچه هارون در برانداختن این سلسله‌ها می‌کوشید ولی نتیجه‌ای حاصل نشد. کم‌کم به جز مصر، کلیه متصرفات مسلمین در آفریقا از دستشان خارج شد و مصر نیز در سال ۳۰۱ هـ توسط خلفای فاطمی که در تونس بودند از تحت نفوذ خلفای عباسی خارج شد. هارون در داخله کشور نیز گرفتار خوارج و یاغی‌هایی بود که متوالیاً خروج می‌کردند. از جمله می‌توان ظهور خرمدینان یا محمره در آذربایجان و قیام حمزه بن آترک (آذرک شاری معروف به حمزه بن عبدالله خارجی) در سیستان که از خوارج ایرانی بود و نسب خود را به زوطهماسب پیشدادی می‌رساند، و از همه مهمتر شورش خراسانیان را که از ظلم و جور علی بن ماهان والی خراسان به ستوه آمده بودند، را نام برد. شورشیان، رافع بن لیث نواده نصر بن سیار را به پیشوایی خود برگزیدند. هارون در سال ۱۹۲ هـ پسر بزرگتر خود امین را در بغداد به جای خود گذاشت و

خود با مأمون پسر دیگرش به قصد تصفیه کار رافع روانه خراسان شد و در جرجان بیمار شد و در جمادی‌الثانی سال ۱۹۳ هـ در طوس مرد و در همان شهر در محلی که بعدها حضرت امام رضا امام هشتم شیعیان را نیز به خاک سپردند مدفون شد.

هارون الرشید ← هارون

هاله وی (Halevy)

آسورشناس معروف در تاریخ مشرق قدیم.

هام دبیره

یا آم دبیره یکی از خطوط هفت‌گانه ایرانیان پیش از اسلام است. حروف الفبای این خط به موجب آثاری که در دست است از خطهای دیگر ایران کمتر بوده است. طبق تصریح ابن ندیم این خط سی و سه حرف داشته زیرا صداهایی را که دارای مخرج مشترک

هستند با یک حرف می‌نوشتند.

هامِرز

از سرداران دوره ساسانی است. نوشته‌اند که از سران سپاه انوشیروان و پرویز پسر هرمز ساسانی بوده است. هامِرز فرمانده سپاه ایران در جنگ ذوقار (محلی بین واسط و کوفه) بود که بین قبیله بنی شیبان و سپاهیان خسرو پرویز درگرفت و به شکست سپاهیان تحت فرماندهی هامرز انجامید و خود او نیز کشته شد.

هامس تریس

نام یونانی زن خشایار شاه، مادر اردشیر اول پادشاه هخامنشی بود.

هاون گاه (Havangan)

از تقسیمات نماز شبانه‌روزی در دین زرتشت که موقع آن از برآمدن آفتاب تا نیمروز است.

۴) چیش پش دوم

هپتالیان: — هیاطله

چون بانی سلطنت پارس، کوروش
بزرگ بود شاخه اصلی بعد از اینها
عبارتند از کوروش دوم، کمبوجیه دوم،
کوروش سوم (بزرگ) کمبوجیه سوم
(فاتح مصر) و شاخه فرعی، آریارمنا،
ارشام، وشتاسب، داریوش اول.

هپتنگهائی

یایسنهای هفت فصل که یسنهای
۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می دهد و به نثر
است و پس از گاهان قدیم ترین بخش
اوستاست.

هخامنشیان

هتخشان

هخامنشیان مردمی بودند از
پارسیها که از لحاظ وضع زندگی به دو
طبقه تقسیم می شدند. افراد طبقه اول به
کار کشاورزی می پرداختند، و طبقه دوم
افراد بیابانگرد بودند که با چوپانی
روزگار می گذرانیدند. هخامنشیان جزء
طبقه اول بوده و با تیره پازارگادها که
یکی از شش تیره طبقه اول بودند
بستگی داشتند. آنان بر پادشاهان بومی
قلمرو «سوریان» یا سوزیان با عیلام غلبه
یافتند و پایتخت آن یعنی شهر شوش را
که در دامنه کوههای جنوب غربی ایران
واقع بود، تحت نفوذ خود درآوردند.

توده ملت در عصر ساسانیان.

هتخشبد

رئیس صنعتگران در دوره ساسانی

هخامنش

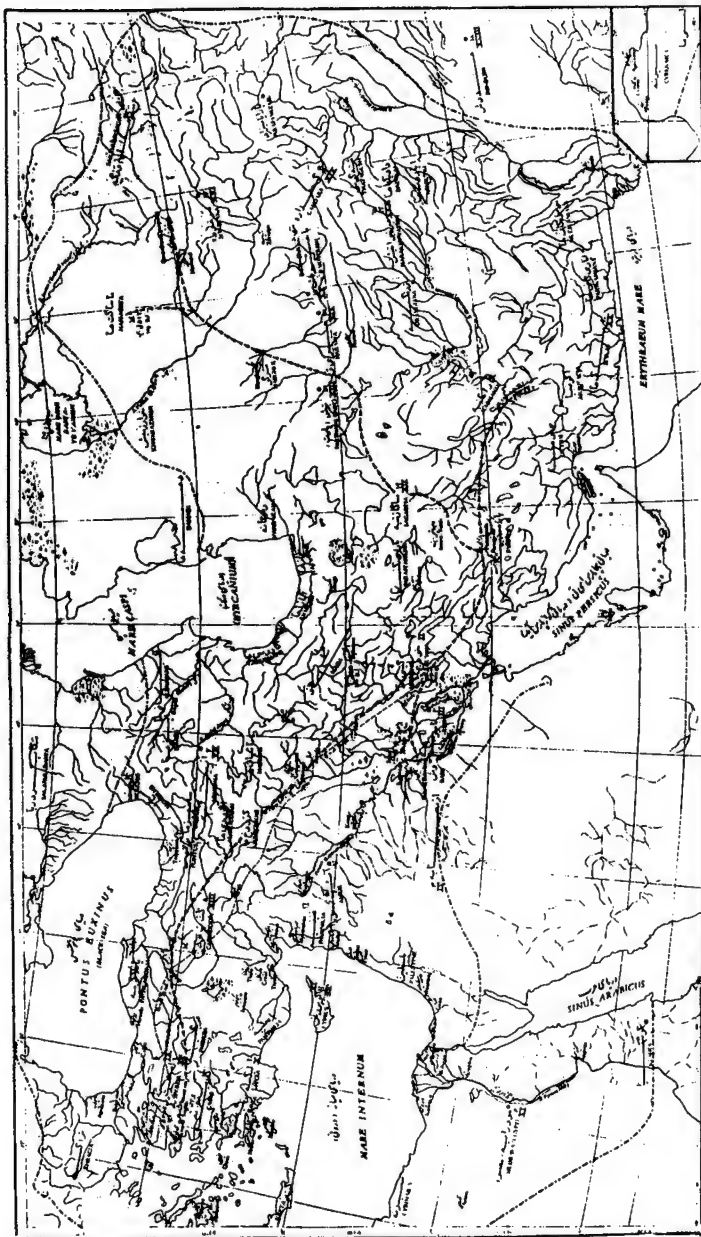
سردودمان سلسله هخامنشی که
پادشاهان بعد از او در سلسله هخامنشی
چنین هستند:

۱) چیش پش اول

۲) کمبوجیه اول

۳) کوروش اول

- هخامنشیان از نواحی کوهستانی پارسوا
به طرف دشتهای سوزیان حرکت کرده
به تدریج با اقوام بومی آن نواحی یعنی
کاسی‌ها و انزانی‌ها مخلوط و ممزوج
شدند.
- سرسلسله این دودمان هخامنش
بود که پس از آن چیش پش اول،
کمبوجیه اول، کوروش اول و چیش پش
دوم بود که در اینجا به دو شاخه اصلی و
فرعی تقسیم شدند. شاخه اصلی
کوروش دوم، کمبوجیه دوم، کوروش
سوم (بزرگ) کمبوجیه سوم (فاتح مصر)
است و شاخه فرعی آریامنا، ارشام،
ویشتاسب و داریوش اول است.
- اسامی سلاطین هخامنشی:
- (۱) چیش پش اول ۶۷۵-۶۴۰ ق.م.
(۲) کوروش اول پسر کمبوجیه ۵۵۹-۵۲۹ ق.م.
(۳) کمبوجیه پسر کوروش ۵۲۹-۵۲۲ ق.م.
(۴) داریوش اول پسر ویشتاسب ۵۲۱-۴۸۶ ق.م.
- (۵) خشایارشا اول پسر داریوش اول
۴۸۵-۴۸۶ ق.م.
(۶) اردشیر اول پسر خشایارشا
۴۶۴-۴۲۴ ق.م.
(۷) خشایارشا دوم پسر اردشیر اول ۴۲۴ ق.م.
(۸) داریوش دوم پسر اردشیر اول
۴۲۴-۴۰۴ ق.م.
(۹) اردشیر دوم پسر داریوش دوم
۴۰۴-۳۶۰ ق.م.
(۱۰) اردشیر سوم پسر اردشیر دوم
۳۵۹-۳۳۸ ق.م.
(۱۱) ارشک پسر اردشیر سوم ۳۳۸-۳۳۶ ق.م.
(۱۲) داریوش سوم نوه داریوش دوم
۳۳۶-۳۳۰ ق.م.
- «جغرافیای تاریخی»
- داریوش بزرگ پس از اینکه بر
اوضاع کشور مسلط شد ایران را به سی
و سه خستره یا استان تقسیم کرد و اداره
آنها را به پارسیها که تنها قوم مورد اعتماد



دولت هخامنشیان

شاهنشاه ایران بودند، واگذار نمود.

هخامنش

از زمان خشایارشا دولت

۱- چیش پیش شاه پارس

هخامنشی روبه ضعف نهاد و

۲- کمبوجیه شاه پارس

استانداران یک نوع خودمختاری پیدا

۳- کوروش شاه پارس

کرده و حتی ریاست سپاه محلی را هم

۴- چیش پیش در پارس و انزان شاه بود

سرداری که «کارانا» لقب داشت به

حوالی ۷۳۰ قبل از میلاد

دست گرفت. اختیار شاهان یا امیران

؟

محلی با قوت یا ضعف حکومت مرکزی

؟

تغییر می‌کرد. ضرب سکه از مختصات

؟

شاهنشاه بود اما استانداران می‌توانستند

شاخه پارسی

گاهی سکه‌هایی از نقره یا مس بزنند.

شاخه انزانی

در اوایل دوره هخامنشی سالی

آریا من

دوبار بازرسان شاهنشاهی که چشم و

۵- کورش

گوش شاه خوانده می‌شدند از طرف

ارشام (ارشام)

مرکز به استان‌ها گسیل میشدند.

۶- کمبوجیه

از ۵۵۹ تا ۵۲۹ ق.م.

جدول زمان‌بندی شده شاهان هخامنشی

۷- کوروش بزرگ

جدول حسن پیرنیا مؤلف تاریخ ایران

ویشتاب

باستان

از ۵۲۹-۵۲۲ ق.م.

جدول هخامنشیان از نظر حسن

۸- کمبوجیه

دارئوش یکم ۴۸۶ تا ۴۵۲ ق.م.

پیرنیا.

خشیایارشای یکم از ۴۸۶ تا ۴۶۵ ق.م.

کوروش اول؟

اردشیر یکم از ۴۶۴ تا ۴۲۴ ق.م.

ویشتاسپه (گشتاسپ)؟

خشیایارشای دوم

کمبوجیه؟

۴۲۴ ق.م.

داریوش بزرگ ۴۸۶-۵۲۱ ق.م.

سغدیان (سغدیانس ۴۲۴ ق.م.)

کوروش بزرگ ۵۵۹ تا ۵۲۹ ق.م.

داریوش دوم

خشیایارشا ۴۸۶-۴۶۵ ق.م.

۴۲۴-۴۰۴ ق.م.

اردشیر اول ۴۶۵-۴۲۵ ق.م.

اردشیر دوم

اسمردس؟

۴۰۴-۳۶۰ ق.م.

کمبوجیه ۵۲۹-۵۲۲ ق.م.

داریوش دوم ۴۲۴-۴۰۵ ق.م.

اردشیر سوم

سغدیانوس ۴۲۴ ق.م.

۳۶۰-۳۳۸ ق.م.

خشیایارشا دوم ۴۲۵-۴۲۴ ق.م.

ارشک (آرسمس)

ارتسته؟

۳۳۸-۳۳۶ ق.م.

کوروش کوچک (مرگ ۴۰۱ ق.م.)

داریوش سوم

اردشیر دوم ۴۰۵-۳۵۹ ق.م.

۳۳۶-۳۳۰ ق.م.

ارشامه؟

اردشیر سوم ۳۵۹-۳۳۸ ق.م.

جدول استاد دکتر مرتضی احتشام در

آرسس ۳۳۸-۳۳۶ ق.م.

کتاب ایران در زمان هخامنشیان

داریوش سوم ۳۳۶-۳۳۱ ق.م.

هخامنش؟

چی ایش پیش؟

جدول پروفیسور کپله (Cople) در

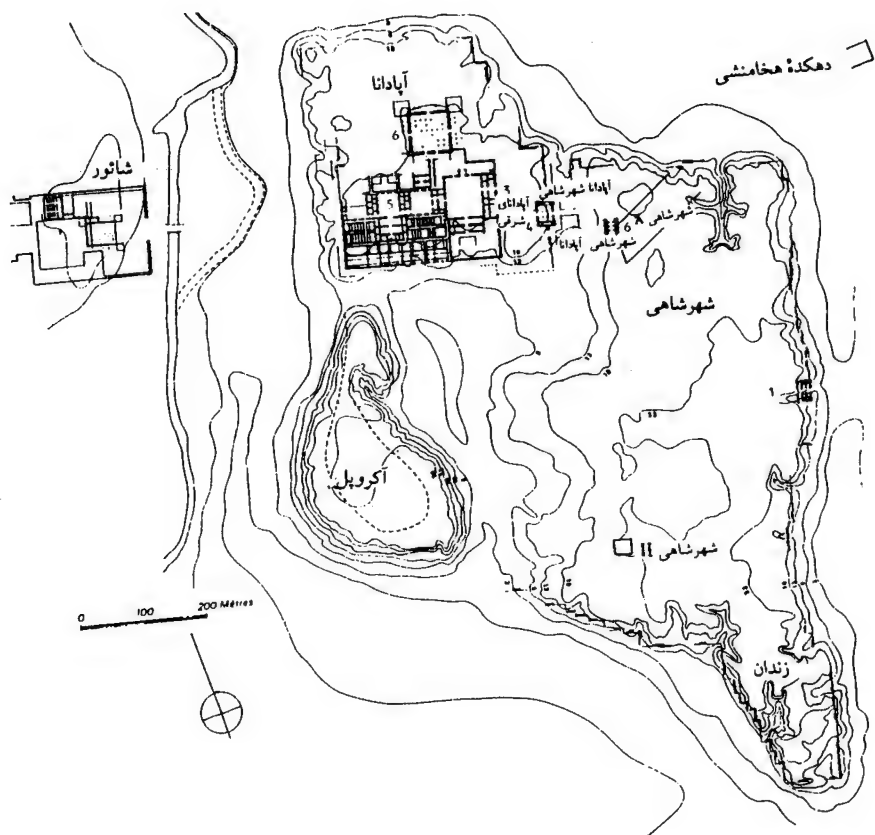
آریارامنه؟

دایرةالمعارف اساطیر ایران

آرشامه؟

هخامنش از حدود ۷۰۵ تا ۶۷۵

- ق.م. بنیانگذار سلسله هخامنشی
- چیش پیش از حدود ۶۴۵-۶۷۵ ق.م.
- هخامنشی «استان‌های ایران و انیران»
- هرودوت مورخ قدیم یونانی در
- کتاب تاریخ خود بیست استان (خستره)
- برای شاهنشاهی هخامنشی برشمرده و
- مالیات هر یک را نیز ذکر کرده است.
- استان نخستین: مشتمل بر مردم
- ایونیان Ioniens، ماگنت‌های آسیایی
- Magnetes را اَلیان Eoliens، کاریان،
- لی‌کیان، می‌لی‌یان و پامفی‌لیان بود. این
- ایالت یک منطقه مالیاتی را تشکیل
- می‌داد و مردم آن هر سال چهار صد
- تالان (واحد وزنی در حدود ۲۶ کیلوگرم
- یا ۵۶ پوند) نقره می‌پرداختند.
- استان دوم: مشتمل بر مردم
- می‌سیان، لیدیان، لاسونیان، کابالیان و
- هی‌گنیان HYGENNENS. مالیات این
- ایالت ۵۰۰ تالان بود.
- استان سوم: که از مردم هلس‌پونت
- به طرف راست این تنگه که مشتمل بر
- این مردمان بود: فریگیها، تراکیهای
- آسیایی، پافلاگونیها، کاپادوکیان،
- کوروش یکم (شاه پارسوماش و
- انشان) حدود ۶۰۲-۶۴۵ ق.م.
- آریامن حدود ۵۹۰-۶۴۵ ق.م.
- کمبرجیه یکم (داماد آستیگ) حدود
- ۶۰۲-۵۵۹ ق.م.
- ارشام حدود ۵۹۰-۵۵۹ ق.م.
- کوروش دوم (مؤسس سلسله
- هخامنشی) از ۵۲۹-۵۵۹ ق.م.
- ویشتاسپ حدود؟ - ؟
- کمبرجیه دوم (فاتح مصر) از
- ۵۲۹-۵۲۲ ق.م.
- داریوش یکم از ۴۸۶-۵۲۲ ق.م.
- خشایارشا از ۴۶۵-۴۸۶ ق.م.
- اردشیر یکم از ۴۲۴-۴۶۵ ق.م.
- داریوش دوم از ۴۰۴-۴۲۳ ق.م.
- کوروش کوچک ۴۰۱- ق.م.
- اردشیر دوم از ۴۰۴-۳۵۹ ق.م.
- اردشیر دوم از ۳۳۸-۳۵۹ ق.م.
- ارسس از ۳۳۶-۳۳۸ ق.م.
- داریوش سوم از ۳۳۶-۳۳۱ ق.م.



ماریاندینیان، سریانی‌ها. اینان ۳۶۰ تالان می‌پرداختند. باید دانست که مردم آخری سریانی نبودند ولی یونانیان آنان را چنین می‌نامیدند.

استان چهارم: تنها سرزمین کیلیکیه بود و مالیات آن نیز ۵۰۰ تالان نقره بود و به علاوه می‌بایستی به تعداد روزهای سال ۳۶۰ اسب بدهند. از این مبلغ ۱۴۰ تالان صرف نگهداری سواره‌نظام می‌شد و باقی آن به خزانه داریوش می‌رفت.

استان پنجم: از شهر پی‌سیدیه در حدود کیلیکیه و سوریه تا مصر به استثنای اراضی عرب‌نشین، امتداد می‌یافت و ۳۵۰ تالان می‌پرداختند. این ایالات با بودن فنیقیه ثروتمند در جزء آن به نسبه کمتر مالیات می‌دادند. شاید از این جهت بود که فنیقی‌ها در موقع لزوم نیروی دریایی خود را در اختیار دولت ایران می‌گذاشتند.

استان ششم: مشتمل بود بر مصر، لیبی، سیرن CYREN، برقه که همه آنها



جاده ماد به بابل - یکی از جاده‌های پراهمیت عهد هخامنشیان

تابع فرمانروای ایران دو مصر بودند و هفتصد تالان سالانه می پرداختند.

استان هفتم: ساتاگیدها، گندارها Candars دادیگها، آپاریها که ۱۷۰ تالان می پرداختند.

باید دانست ثت گوش سنگنبشته نقش رستم همان ساتاگید است. بعضی از دانشمندان دادیگهارا با تاجیکها تطبیق می کنند و کلیه اینان مردمان شرق یا شمالشرقی ایران بودند.

استان هشتم: مشتمل بر خوزستان و شوش می شد که پایتخت دولت شاهنشاهی هخامنشی بود. کاسی ها نیز در این استان می زیستند و مجموعاً ۳۰۰ تالان می پرداختند.

استان نهم: بابل و آسور بود و ۱۰۰۰ تالان نقره و ۵۰۰ خواجه جوان می دادند.

استان دهم: همدان و مردم ماد و پری تکان بودند و چهارصد تالان می پرداختند (باید دانست که پری تکان هروودت همان «پریکان» قدیم است که

با ولایات اصفهان تطبیق می شود و اکنون قسمتی از آن را فریدن گویند).

استان یازدهم: کسپی ها، پوسیگها، پانتی مات ها، و واربت ها بودند که ۲۰۰ تالان می پرداختند.

استان دوازدهم: باختری ها و اگل ها Aegles بودند که ۳۰۰ تالان می پرداختند. استان سیزدهم: پاک تیک و ارمنیان و ولایات مجاور دریای سیاه بودند که ۴۰۰ تالان می پرداختند.

استان چهاردهم: ساگارتی، سرنگی ها Saranges (زرنگی ها یعنی سیستانیان بودند) که ثامانیان و اوتیان و می کیان و اهالی جزایر دریای عمان در این ایالت می زیسته اند و ۶۰۰ تالان می پرداختند.

شاه، تبعیدشدگان را غالباً به جزایر مزبور که شامل دریای عمان و خلیج فارس می شد می فرستاد.

استان پانزدهم: سکاها و مردم کسپیان (دریای خزر) بودند که ۲۵۰ تالان می پرداختند.

استان شانزدهم: پارتی‌ها، خوارزمی‌ها، سغدی‌ها و هراتی‌ها بودند که ۳۰۰ تالان می‌پرداختند. استان هفدهم: پری‌کان‌ها و حبشی‌های آسیا بودند که ۴۰۰ تالان می‌پرداختند. استان هجدهم: ماتیان‌ها، ساسپیرها، آلارودیان بودند و ۲۰۰ تالان نقره می‌پرداختند. هروودوت می‌نویسد که ساسپیرها بین دریای سیاه و سرزمین ماد سکنی داشتند و ماتیان‌ها در سرچشمه رود ارس می‌زیستند و آلارودیان در شمال شرقی آسیای صغیر زندگی می‌کردند. آلارودیان همان مردم کشور آرات یا اورارتو بودند که هروودوت آنان را آلارود نوشته است.

جنوب شرقی دریای سیاه می‌زیستند. استان بیستم: مردم هند بودند که جمعیتشان از استان‌های دیگر بیشتر بود که از این جهت ایشان ۳۶۰ تالان خاک طلا می‌پرداختند. اگر بهای طلا را سیزده برابر نقره بدانیم - قیمت خاک طلا ۴۶۸۰ تالان می‌شود. جمع مالیات‌هایی که به خزانه داریوش ریخته می‌شد بالغ بر ۱۴۵۶۰ تالان اویایی بود.

استان نوزدهم: مسخ‌ها (گرجی‌ها) تی‌بارن‌ها Tibarens، ماکرن‌ها Macrons، موزینیک Mosynoks و مارها بودند که ۳۰۰ تالان می‌پرداختند و بیشتر این طوایف در قفقاز غربی یا در سواحل

شارستان‌های فرمانروایی هخامنشی

شاروانستان شاروان جای‌ها و کارمندان دیگر

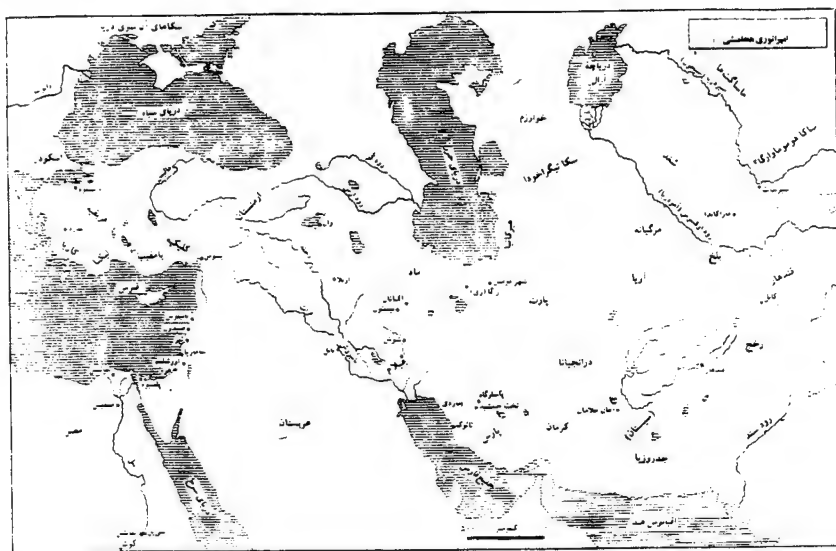
لیدیه رُفَرَنَه (سال بیست و هفتم)
ایلام بَگپانه (سال هژدهم تا بیست و هشتم)

شاروان یار: وردُوتَه (سال بیست و سوم تا بیست و هشتم)

ماد وِشتاسپَه (سال نوزدهم)
وِندَرَتَه (سال نوزدهم تا بیست و سوم)
بخشی از آن: سَگریه

پوروش گرکیش (سال نوزدهم تا

پارت ویشتاسپه (؟) (۵۵۲) پیش از	بیست و هشتم
ترسای (ترسای)	گنج بان: بگیه
گاهشماری ترسای (بخشی از آن:	گنج خانه سالار: هیندوکه
هیرکانیه	کانونشهر: کرمان
بخشهایی از آن: درنگینه، ستگدیه	جایهای دیگر، شروشه،
فرَنخْشه (؟) (سال بیست و هشتم)	پیشیاخودا
زُبَرَزَنه (؟)	مکه زُتُورَدَه (سال هفدهم)
باختریه دادشیش (۵۵۲) پیش از	جاماشپه
گاهشماری ترسای (ترسای)	نَوَته (سال بیست و هفتم)
بخشهایی از آن: مَرگینه، سغد،	آراخوزیه ویوانه (سال ۵۲۲) پیش از
خوارزمیه	گاهشماری ترسای (رتائخمه (سال
زُبَارَنوش (سال بیست و دوم تا بیست و	بیستم) بگبازوش (سال بیست و یکم تا
هشتم)	بیست و هشتم)
گنداره	فرماندار پریکانه: هوتانه (یا
هند زُتایوپمه (سال بیست و یکم تا	هومتَه؟)
بیست و سوم)	فرماندار نهسته: وَهُورَنَه (؟)
ویشمینَه (سال بیست و هفتم و	کانونشهر: قندهار
بیست و هشتم)	جایهای دیگر: زُتاوَکَه، میدکُنْتیش
سُوریه داتانه (سال بیست و هفتم)	دُرْها: سارگه، کاپیشکانیش، زُشاده
بخشی از آن: قبرس	بخشهایی از آن: درنگینه،
مصر اَرُیوتَه (در نشاندۀ کمبوجیه)	ستگیدیه
فَرَنَداته	آریه اَریمیه کانونشهر: هَرینه



نقشه شهر باستانیهای هخامنشی

هدایت: — حاج مهدیقلی هدایت

هدایت — حاج مهدیقلی: — حاج
مهدیقلی هدایت

هرات

پس از مرگ تیمور در سال ۸۰۷ هـ.
ق. سلسله گورکانی به دست پسرش
شاهرخ تشکیل شد و در آن زمان شهر
هرات که یک مرکز ایالتی بود به پایتختی
این سلسله انتخاب گردید.
شهر هرات در این دوره از رونق و
شکوه فراوانی برخوردار گردید و در
فاصله حمله مغول و استیلای تیمور،
سلسله محلی آل کُرت بر هرات
فرمانروایی نمودند.

بعد از مرگ تیمور، جانشین وی
شاهرخ مدتی به توسعه و گسترش
پایتخت جدید یعنی هرات پرداخت و
در حدود سال ۸۱۲ هـ. ق. بناهای
متعددی را در داخل ارگ بنا نهاد و عمده

زیارتگاههای شهر هرات را مرمت
نمود.

در اوستا از سرزمینهای سغد
(سوغده)، مرو (مورو)، نسا (نیسیاه)،
هرات (هراپوه یا هری)، غزنین (اورو)
و... همه به عنوان بخشهایی از شمال
شرقی و شرق ایران یاد شده است. در
زمان اشکانیان و ساسانیان نیز به شهادت
کتیبه معروف شاپور در کتیبه زرتشت
مرو (مارگو)، هرات، بلخ و... نیز در
قلمرو دولت اشکانی و ساسانی قرار
داشته اند. در دوران بعد از اسلام از این
منطقه های گسترده با نامهای: خراسان و
«ورازرود» یا ماوراءالنهر و گاهی نیز از
بخشی از آنها با نام توران و بالاخره
ترکستان نیز یاد شده است.

هَرای وَ

نام قدیم هرات.

هرای وه

از شهرهای معروف خراسان

هرات است که به صورتهای «هری» و «هرا» نیز آمده است. نام این شهر در سنگنبشته داریوش «هرای وه» و در تاریخ هرودوت «آیری پر» و در جغرافیای استرابون آریانا آمده است. درباب نامگذاری آن گویند، چون دختر ضحاک که نام او «هرات» بوده دستور به ساختن این ناحیه داده، لذا این شهر به هرات موسوم شده است. برخی برآنند که بعد از طوفان نوح در محل هرات کنونی قلعه‌ای بوده به نام قلعه «شمیران» و پس از آن «هرات» دختر ضحاک دستور به بنای شهری در آن محل داد و این محل به هرات موسوم گردید. عده‌ای نیز بر آنند که امیری از توابع جهان پهلوان «فریمان» هرات را بنا نهاده است. بعضی نیز بر این عقیده هستند که ابتدا لهراسب از پادشاهان کیانی این شهر را بنا نهاده و پس از او گشتاسب و بعد اوبهمن و... آن را تعمیر کرده‌اند. البته این روایات به افسانه بیشتر نزدیک است و مبنای علمی صحیحی ندارد.

مسلمین، اسکندر کبیر را بانی هرات و مرو می‌دانستند و در این صورت روایات مورخین یونان راجع به بنای شهر اسکندریه در ولایات آریا مؤید سخن فوق است. بطلمیوس تحت عنوان «آریامتروپولیس» و همچنین ایزیدور خاراکیسی غیر از شهر آرتاکوان پایتخت قدیم بومی از این شهر هم نام می‌برند، بدین جهت محل وقوع شهر آرتاکوان بین علما موضوع بحث بوده و به عقیده توماشک شهر آرتاکوان در جای ارک هرات واقع بوده است. دیودورسیسیلی پایتخت قدیم هرات را به صورت «خورتکان» ضبط کرده است. در قرن چهارم به طوری که ابن حوقل و مقدسی نوشته‌اند هرات شهری بزرگ بود و قلعه و بارویی با چهار دروازه داشت. این دروازه‌ها به ترتیب موسوم بودند به دروازه سرای یعنی دروازه کاخ در شمال سر راه بلخ، دروازه زیاد در طرف مغرب رو به نیشابور، دروازه فیروزآباد که مقدسی آن را

دروازه فیروز نامیده در طرف جنوب، سر راه سیستان و دروازه خشک در سمت خاور، رو به کوهستان غور. بگفته ابن حوقل این چهار دروازه همه چوبین بودند مگر دروازه سرای که آهنین بود. قلعه هرات هم که قهندر نامیده می شد چهار دروازه داشت که هر یک از آنها روبروی یکی از دروازه های شهر بود و به همان نام خوانده می شد. وسعت شهر به اندازه نیم فرسخ در نیم فرسخ بود. دارالاماره در محلی بود موسوم به خراسان آباد در یک میلی خارج شهر سر راه فوسنج که به طرف غرب می رفت. نزدیک هر یک از آن چهار دروازه در داخل شهر یک بازار و بیرون هر دروازه حومه پهنآوری وجود داشت. در شمال شهر، کوهستانی بود که با شهر دو فرسخ فاصله داشت و خاک آن قابل زراعت نبود و جزء بیابان شمرده می شد. از اینجا سنگهای آسیاب و سنگهای مخصوص سنگفرش به دست می آمد. بر قلعه یکی از ارتفاعات آن

آتشکده کهنه دیده می شد موسوم به «سرشک» که در قرن چهارم زردشتی ها به زیارت آن می شتافتند. در نیمه راه میان آتشکده سرشک و شهر هرات کلیسایی از آن مسیحیان نیز واقع بود. به قول بارتولد معبد آتش پرستان در قلعه کوه و کلیسای ترسایان بین کوه و شهر واقع شده بود.

پس از شکست خوردن هپتالیان از ترکان و تحکیم مرزهای خاوری ایران، شهرستان هرات تا اندازه ای در قبال دولت ساسانیان استقلال داشت. هرات را افراد خاندانی اداره می کردند که اصل آنها از هپتالیان و از قبیله کادیشی بودند. فرمانروای هرات لقب «وارزان» (بارزان) داشت. سکه های آخرین شهریاران ساسانی که در هرات ضرب شده است، بسیار کمیاب است. از سال ۴۳۰ میلادی هرات مقر کشیش سریانی بوده است. در منابع عیسوی به هرات همچون جای اقامت کشیش در سالهای ۴۸۵، ۴۹۹ و ۵۸۸ میلادی اشاره شده است.

سابق دانشگاه برلن، رئیس سابق
کاوشهای آمریکایی در تخت جمشید و
عضو سابق دانشگاه پرنستون. وی در
سال ۱۹۴۸ در سوئیس وفات یافت.

هرخواستیش

در سنگنبشته داریوش بهمین نام و
در اوستا «هرخوانی تی» و در استرابون
«آرخوزیا» آمده و همان «رخج و
قندهار» قرون بعد است که افغانستان
جنوبی و قندهار را تشکیل می دهد.
ایزیدور خاراکسی کشور آرخوزیا را
«هندوستان سفید» نامیده است. به قول
تولمن قلعه «کاپیش کانا» و «گندوم» که
در سنگنبشته بیستون آمده در
هرخواستیش واقع بوده است. این ایالت از
شمال به «ساتاگید» و حوزه کابل و از
مغرب به «زرنکا» و از مشرق و جنوب به
هندوستان محدود بوده است. این
سرزمین را به یونانی «آرکوشیه»
نامیده اند. هرخواستیش تی به نام رودیست
که اکنون آن را «ارغنداب» گویند که به

در سال ۵۸۸ میلادی سپاه شا و
(شابه) خاقان ترک در اتحاد با هپتالیان به
مرزهای شمالی خراسان حمله کردند و
تا هرات و بادغیس پیش آمدند اما در اثر
لشکرکشی موفقیت آمیز بهرام چوبین
ولایاتی که موقتاً از دست رفته بود در
ایران بازگشت. اولین بار این ناحیه در
سال ۲۳ هجری فتح شد؛ بلاذری در این
مورد می گوید این عامر سپاهی روانه
هرات کرد و این ناحیه را با صلح گرفت.

هرای وه: — آریانا

هرپت

هیربد، پیشوای دین زرتشتی
«هیربد: خادم و خدمتکار آتشکده را
گویند و قاضی و مفتی گبران را نیز
گفته اند و بعضی خداوند و بزرگ و حاکم
آتشکده را می گویند». (برهان).

هرتسفلد

شرق شناس معروف آلمانی، استاد

زبان سانسکریت «سرسوتی» نامند که نام یکی از ایزدان هند بوده است.

هرقل (هراکلیوس)

در زمان خسرو پرویز بود که این امپراتور روم شرقی به آتشکده آذرگشسب هجوم برده و آن را غارت و خراب کرد و گنج و ثروت هنگفت این پرستشگاه، که به قول تنوفانس مورخ ییزانس شبیه گنجهای کروزوس بود، مورد دستبرد رومیان واقع شد.

هرمز اردشیر

نام قدیمی اهواز، که سوق الاهواز هم خوانده‌اند.

هرمزبان

در دوران ساسانی فرمانروای خوزستان و لرستان بود و در خلافت عمر پس از جنگهای متعدد در خوزستان اسیر شد و به مدینه اعزام گردید و در آنجا به اسلام گروید و یکی از مشاوران خلیفه در تنظیم امور دولت نوحاسته اسلامی گردید.

در آرکوشیه نیز اسکندر مقدونی شهری به نام خود بنا کرد که نزدیک به قندهار کنونی بوده است (قندهار را نباید با «گنداره» اشتباه کرد). معروفترین شهرهای هرخواتی که بطلمیوس آن را «آرکه نوری» (آرخوزیا) نامیده از این قرار است: «آزولا»، «فوکلیس» و «آرخوتوس». الکساندر پولیس که پایتخت این ولایت بود، در کنار رود «اراکوتیس» (ارغنداب) قرار داشت. «آزولا» را با «گوزار» (گذارستان واقع در هیلمند علیا) یکی می‌دانند. فوکلیس را بین غزنه و قندهار یا خود غزنه می‌دانند و شهر «بیوت» را با «بجست» یا بست یکی می‌دانند.

هرخوتیش

نام قدیم رُخج - افغانستان جنوبی تا قندهار.

هرمزد اول

کشید و در این جنگها که از ۵۷۹ تا ۵۹۰ م. به طول انجامید هیچ یک از طرفین سودی نبردند.

درباره هرمزد چهارم روایات مختلف است؛ دسته‌ای او را سفاک و گروهی او را مردی باهوش، شایسته و دادگر و حامی مستمندان معرفی کرده‌اند. ظاهراً از این نظر او را سفاک خوانده‌اند که وی برای کاستن از نفوذ بزرگان، افراد بزرگ را خوار می‌داشت و درویشان را ارج می‌نهاد و چون بر خلاف پدر خود برای منظور اصلی یعنی تسلط بر بزرگان و روحانیون روش غیر محتاطانه در پیش گرفته بود، وی را به سفاکی و شدت عمل متهم کردند.

هرمزد خرداد

یکی از سرهنگان خسروپرویز بود که برای جنگ به سوی حیره فرستاده شد و در آن نبرد از پای درآمد.

هرمزد دوم

از پادشاهان ساسانی (۳۰۲ —

از پادشاهی ساسانی (۲۷۲-۲۷۳

م.) که پس از شاپور اول به تخت نشست. وی بانی شهر هرمزد اردشیر در خوزستان بود که عربها آن را «سوق الاهواز» نامیدند. دوره پادشاهی او کوتاه بود و پس از یک سال درگذشت.

مهمترین واقعه عهد او مراجعت مانی است که در عهد شاپور ادعای پیامبری کرد. نام این پادشاه به زبان پهلوی «هرمزد» و لقبش «دلیر» بود.

هرمزد چهارم

از پادشاهان ساسانی (۵۷۹ — ۵۹۱ م.)، فرزند انوشیروان که پس از پدر بر تخت نشست. از سوی مادر نوه خاقان ترک بود و به همین مناسبت او را هرمزد ترکزاد می‌گفتند. وی گفتگوی صلحی را که در زمان پدرش با رومیان آغاز شده بود بر هم زد و بار دیگر به روم لشکر

۳۱۰ م)، جانشین و پسر نرسی. زمانی بود که ایران به علت شکست در برابر رومیان ضعیف شده و در مشرق نیز از عهده مقابله با کوشانیان بر نمی آمد، از این رو هرمزد دوم با شاهدخت کوشان ازدواج کرد تا بدین وسیله روابط ایران را با کوشان بهبود بخشد.

هرمزد پادشاهی دادگر بود و در جنگ با اعراب بحرین (احساء) که به مرزهای ایران تجاوز کرده بود کشته شد.

هُرمَزْدِیشت

نخستین یشت در اوستاست و نامزد است به نام آهورامزدا - نام خداوند. نام نخستین روز هر ماه نیز نامزد است به نام خداوند و هرمزد نامیده می شود. نامهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم ماه نیز موسوم است به نام خداوند و «دی» به معنی دادار و آفریدگار است و برخی برآنند که از آن جهت تکرار بدین شکل شده، که تقسیمی در ماه را چون هفته برساند.

پس به این شکل نام خداوند در جدول سی گانه روزها، چهار بار آمده است.

هرمز سوم

از پادشاهان ساسانی (۴۵۷-۴۵۹ م)، پس از یزدگرد دوم پسرش هرمز سوم بر تخت نشست. برادر مهترش پیروز که در سیستان حکومت داشت و خود را پس از پدر سزاوار پادشاهی می دانست با کمک اقوام شرقی به جنگ هرمز درآمد. در مدت جنگ این دو شاهزاده مادرشان ملکه «دینک» در تیسفون پادشاهی می کرد. در اواخر کار منازعه بین دو برادر، پیروز هرمز را شکست داد و او را به هلاکت رسانید.

هرمپولیس

یکی از مهمترین گُلنی های هخامنشیان در مصر.

هروانات

به معنی سلامتی، در دین زرتشت.

هرودات

خرداد، خردادامشاسپند، هاروت
در افسانه‌های سامی و ارمنی.

«خرداد در اوستا هئورواتات
Haurvatat آمده است. هئورواتات به
معنی کامل و تمام و بی نقص و بی عیب
می باشد. در سانسکریت sarva آمده.
بنابراین خرداد یعنی کمال و رسایی و
صحت. در عالم مادی پرستاری آب با
خرداد است، در اوستا یشت چهارم از
آن خرداد است و سومین ماه سال و
ششمین روز ماه نیز به اسم این فرشته
است. بنابر سنت زرتشتی، زرتشت در
خرداد روز از فروردین ماه تولد یافته
است. گل سوسن مخصوص به خرداد
است.»

(یشتها ۱ - پورداود)

«خرداد: ناه ماه سیم است از سال
شمسی و آن مدت بودن آفتاب است در
برج جوزا و نام روز ششم باشد از هر ماه
شمسی و فارسیان در این روز عید

کنند... و این جشن را جشن خردادگان
خوانند. نیک است در این روز طلب
حاجات از ملائکه و فرشته‌ها کردن وزن
خواستن و نام فرشته‌ای است که موکل
است بر آبهای روان و درختان؛ امور و
مصلحتی که در ماه خرداد واقع شود بدو
تعلق دارد و نام آتشکده‌ای بود بسیار
بزرگ و عالی» (برهان).

بیرونی در آثارالباقیه:

«خردادماه روز ششم آن روز
خرداد است و آن عیدی است که
به واسطه اتفاق دو نام خردادگان نام دارد
و معنای این نام ثبات خلق است و
خرداد ملکی است که به تربیت خلق و
اشجار و نبات و ازاله پلیدی از آبها موکل
است.

تیرماه؛ روز ششم آن خرداد است و
عیدی است که جشن نیلوفر نام دارد و
این عید مستحدث است.

هروداد: روز اول آن اریجاسوان نام
دارد و این روز پیش از اسلام هنگام
شدت گرما بود». (آثارالباقیه ترجمه
داناشرشت)

«هاروت: نام یکی از آن دو فرشته است که در چاه بابل سرازیر آویخته به عذاب الهی گرفتارند.» (برهان)

اسکندریه مصر زاییده شد. و در سال ۲۴۴ در روم درگذشت. وی در روم جای گزید و بانجام امور اجتماعی در آن شهر مشغول شد.

هرودوت (Herodote)

مورخ. وی از اهالی (هالی کارناس) مستعمره یونانی در آسیای صغیر بود و چون این شهر جزو مستملکات ایران به شمار می‌رفت وی از تبعه ایران محسوب می‌شد. مدت زندگانی او را از ۴۸۴ تا ۴۲۵ ق.م. دانسته‌اند.

وی را پدر مورخین می‌خوانند.

هرودوت سیاحت‌های زیاد در ممالک مشرق قدیم کرده و تحقیقات خود را راجع به احوال و تاریخ بعضی از این ممالک نوشته است. کتاب‌های او یکی از منابع مهم و معتبر در تاریخ محسوب می‌شود. (تاریخ هرودوت).

هرودیانوس

هرودیانوس مورخ یونانی در قرن سوم میلادی که در سال ۱۷۰ م. در

از آثار او تاریخ مفصلی است که در ۸ کتاب درباره روم نوشته و حوادث بین مرگ مارکوس اورلیوس تا اوایل جلوس امپراتور گردیانوس سوم (۲۳۸ م.) را در بردارد. این کتاب به شیوه روانی نوشته شده و مورخ در قضاوت‌های تاریخی خود نسبتاً بی‌طرف است. ولی عیبی که می‌توان بر آن گرفت آن است که به کلی از ذکر تاریخ حوادث و توضیح درباره نام‌های جغرافیایی غفلت کرده است. او درباره مرگ کمودوس و پرتیناکس شرح مفصل داده است. این کتاب توسط استاونهانگن در ۱۹۲۲ به طبع رسیده است. این کتاب از منابع مهم تاریخ اشکانی است و علاوه بر ذکر حوادث اخیر اشکانی، کیفیت انقراض آن دولت و تغییر سلسله ایران و انتقال آن به ساسانیان و حوادث دیگر به تفصیل در آن آمده است.

وزیر بزرگ بود.

هریرود

هزاره‌ها

ایرانیان باستان تاریخ را به دوره‌های دوازده هزار ساله بخش کرده بودند. در یکی از این دوره‌های دوازده هزار ساله، هزاره‌های هفتم و هشتم و نهم، دورهٔ پیشدادیان و آغاز کیان بود که هزاره‌ها به نام کیومرث و جمشید، بیوراسب، و فریدون نامگذاری شده، و در سر هزارهٔ دهم زردشت آمده بود و هزارهٔ دهم به نام او بود.

ایرانیان همچنین هر پیشوای دینی را ویژهٔ یک هزاره می‌دانستند و برای هر هزارهٔ نو چشم به راه یک پیشوای تازه بودند که دین را استوار و جهان را نو کند، و برای ماندهٔ دورهٔ دوازده هزار ساله از آمدن سه دین‌آور نوید یافته بودند: یکی در هزارهٔ یازدهم، دیگری برای هزارهٔ دوازدهم، و سومی را برای پایان جهان و رستاخیز مردگان.

این فکرها از زمانهای بسیار کهن در

از کوه بابا در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و از ناحیه غور گذشته پس از مشروب کردن هرات به شمال متوجه شده خط سرحدی ایران کنونی را تشکیل می‌دهد. و در قسمت سفلا به تجن موسوم گشته وارد ریگزار خوارزم می‌گردد.

هزاربذ (Hazarabaz)

وزیر بزرگ، رئیس تشکیلات مرکزی عصر ساسانی.

در زمان هخامنشیان این لقب هزاربته بود که به یونانی «خیلیارخوس» یعنی «نگاهبان فوج هزار نفری» گفته می‌شد.

هزاربنده

لقب مهرنرسی.

هزارپت

یا هزار بذ رئیس تشکیلات مرکزی

آنها به ده هزار تن می‌رسید که از زمان داریوش بوجود آمد.

هزاره چهارم ق.م.

زمانی بود که بشر به طور غیر محسوس داخل عهدی گردید که با استعمال زیادتر فلزات مشخص شده، افق افکار وی درباره جامعه نوبنیاد وسعت یافته است.

هزاره دوم ق.م.

در آغاز این هزاره در ایران، ایرانیان رفته رفته از هم نژادان آریایی دیگر خود، هندیان و سکاها، جدایی گرفته، از موطن مشترک آریاییان در سرزمینهای شرق فلات ایران به درون این فلات پناهنده‌اند.

هژیر

عبدالحسین هژیر فرزند محمد

وثوق خلوت همایونی در سال ۱۲۸۱ هـ.

ش. در تهران متولد شد. پس از اتمام

میان ایرانیان رایج بود و بازتاب آنها را در اوستا نیز می‌خوانیم، ولی در خودگاهان یا سرودهای زردشت، در آنچه به دست ما رسیده، چیزی درباره هزاره‌ها نیست و آنها که باید بیایند و جهان را نوکنند همه سوشیانس خوانده شده‌اند که معنای آن «رهاننده» است و در نوشته‌های پهلوی «سوتگر»، «سوتمند» و «بختار» آمده که «بخشنده گناهان» است.

در اوستای غیر گاهانی و در نوشته‌های پهلوی سوشیانس به پایان زمان و آخر هزاره دوازدهم برده شده و نام او در اوستا (یشت ۱۳، بند ۱۲۹) «آسَتَوَتِ اِرَت» آمده است. سوشیانسهای هزاره‌های یازدهم و دوازدهم در اوستا (یشت ۱۳، بند ۱۲۸) «اُخْشِیتِ اِرَت» و «اُخْشِیتِ نِمه» و در پهلوی هوشیدر و هوشیدرامه آمده است.

هزاره یثی تیش (هزارپت)

فرمانده گارد محافظ شاه که شمار



عبدالحسین هژیر

تحصیلات مقدماتی و متوسطه در مدرسه اقدسیه، وارد مدرسه عالی علوم سیاسی شد و بعد از فارغ التحصیلی به مدت هشت سال سمت مترجمی زبان روسی در سفارت اتحاد جماهیر شوروی را عهده دار بود. وی به زبانهای عربی، روسی و فرانسه مسلط بود و با زبانهای آلمانی و انگلیسی نیز آشنایی داشت.

هژیر با معرفی سرتیپ امیر خسروی، رئیس بانک ملی، مورد توجه رضاشاه قرار گرفت و بعدها تنها کسی بود که از راز و رمز ثروت و حسابهای رضاشاه در بانکهای خارجی آگاهی و به آنها دسترسی داشت. وی در کابینه های فروغی، سهیلی و قوام وزارت پیشه و هنر و بازرگانی را عهده دار شد. سپس در کابینه سهیلی که پس از سقوط دولت قوام تشکیل شد، وزارت راه را به عهده گرفت. در کابینه محمد ساعد وزیر کشور بود. در کابینه ابراهیم حکیمی که پس از سقوط کابینه مرتضی قلی بیات

تشکیل شد، به وزارت دارایی رسید و در کابینه های دوم، سوم و چهارم احمد قوام همچنان وزارت دارایی را عهده دار بود. عبدالحسین هژیر در ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ ه. ش. مأمور تشکیل دولت شد و کابینه خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

هژیر در آبان ماه ۱۳۲۷ ه. ش. از

۸. وزیر پست و تلگراف و تلفن: نادر آراسته.
۹. وزیر اقتصاد ملی: دکتر فخرالدین شادمان آقاخان اشرفی.
۱۰. وزیر کشاورزی: جواد بوشهری - دکتر فخرالدین شادمان.
۱۱. وزرای مشاور: مصطفی عدل - جمال امامی.
- * معاون پارلمانی: لطفعلی معدل.

کابینه عبدالحسین هژیر

۱. وزیر دادگستری: محمدعلی نظام مافی - عباسقلی گلشایان.
۲. وزیر امور خارجه: موسی نوری اسفندیاری.
۳. وزیر کشور: خلیل فهیمی - عبدالحسین هژیر.
۴. وزیر جنگ: سپهد احمد امیر احمدی.
۵. وزیر دارایی: امان‌الله اردلان - محمدعلی وارسته.
۶. وزیر فرهنگ: دکتر منوچهر اقبال.
۷. وزیر بهداری: دکتر عباس ادهم.
- هفت کشور
- هفت کشور
- هفت کشور

هیئتاسپش

همان گشتاسب و ویشتاب است.

هشترخانیه: ← جانیه

هفت امشاسپند یشت

دارای ۱۵ بند در ستایش
امشاسپندان است. «یکی از مطالب
یشتها».

«در نامه پهلوی دین آکاسیه که بندهشن خوانده می شود، در فرگرد هشتم درباره هفت کشور چنین آمده:

اندر دین گوید که زمین سی و سه سر تک (گونه) است. آن گاه که تیشتر باران فروبارید، از آن دریا پدید آمد، زمین در همه جا نم بگرفت و هفت پاره گردید. آن پاره که در میان جای داده شده، در بزرگی به اندازه شش پاره دیگر است که گرداگرد آن را فرا گرفته. آن شش پاره با هم به اندازه یک پاره میانکی است که خونیرس است. به آن پاره ها کشور نام نهادند زیرا هر یک را کشی است.

پاره ای که به کست خراسان است کشور ارزه arezah است.

پاره ای که به کست خوروران است، کشور سوه savah است.

آن دو پاره که به کست نیمروز است کشور فردتپش fradatapš و کشور ویدتپش vidatapš است و آن دو پاره که به کست اپاختر است کشور وئورورشت

Vourubaršt است و آنکه در میان آنهاست خونیرس Xvaniras خوانند. اینک چند سطری از مقدمه شاهنامه ابومنصوری: هرکجا آرامگاه مردمان بود به چهار سوی جهان از کران تا کران این زمین را ببخشیدند و به هفت بهر کردند و هر بهری را یکی کشور خواندند. نخستین را ارزه خواندند، دوم را شبه خواندند، سوم را فرددش خواندند، چهارم را ویددش خواندند، پنجم را ووربرست خواندند، ششم را وورجرت خواندند، هفتم را که میان جهان است خنرس بامی خواندند و خنرس بامی این است که ما بدواندیریم و شاهان او را ایرانشهر خواندندی...

(ویسپرد - پورداود)

هَفْتَنَ یِشت

دومین یشت در اوستا می باشد. این یشت در واقع امشاسپنتا a mesha Spenta یشت می باشد. منظور از هفتن یشت، یشتی است که ویژه هفت امشاسپندان

است. اما این عنوان دلیل بر آن نیست که هر یک از امشاسپندان دارای یشتی جداگانه نبوده‌اند، چون در شمار یشت‌ها، بلافاصله «اَرْدِیْبهشت یشت» یشتِ ویژه «اَشا وَهَشتَ Asha-Vahishta» قرار دارد و پس از آن خرداد یشت، یا یشت ویژه یکی دیگر از امشاسپندان = هَئورَوَات Haurvatat قرار دارد. با قرینه‌ای که به دست است، یشت ویژه بهمن، نیز موجود بوده که امروزه برگردان پهلوی آن نیز در دست می‌باشد و تحت عنوان «زَنْدِ وَهُومَنْ یَسَنْ Zand-e Vohuman Yasn» زَنْدِ بهمن یشت» مشهور است. پس از جمله بخش‌هایی از اوستای قدیم که به دست ما نرسیده، یشت‌های سایر امشاسپندان می‌باشد.

هفتواد

از پادشاهان دست‌نشانده اشکانی که سکه‌هایی به نام خود می‌زدند و در کرمان و نواحی آنجا حکومت داشتند. هفتواد در نبرد با اردشیر پاپکان شکست خورده و از بین رفت.

هکاتم پیلِس

بایتخت اشکانیان که به صد دروازه مشهور بوده است، که واقع در حوالی دامغان امروزی می‌باشد.

هکاتمنوس

بنابر روایت دیودور، هکاتمنوس از طرف اردشیر دوم مأمور جنگ با اوگوراس شاه سالامین شد، ولی وضع او در این جنگ چندان مشخص نیست.

هکاتومپیلوس

همان شهر صد دروازه است که در جنوب غربی دامغان کنونی بوده است.

هکاتومنوس

ساتراپ ایالت کاری ۳۹۵-۳۶۷ پ.م.

هگمتانه

همدان.

هلاکو خان

مؤسس سلسله ایلخانیان در ایران (۶۵۱ — ۶۶۳ ه. ق.). برادر منگوقاآن. وی در ۶۵۲ ه. ق. با سپاهی عظیم جهت برانداختن اسماعیلیه (فداییان اسماعیلیه) به ایران آمد. در آغاز برای سراسر ایران پیغام فرستاد که منگوقاآن به او فرمان برانداختن اسماعیلیه را داده است و هر یک از شما در این امر با من یاری نماید، ولایت آنان محفوظ خواهد ماند. هلاکو در بهار ۶۵۲ از جیحون گذشت و در ناحیه سمرقند با امیر ارغون فرمانروای خراسان که عظاملک جوینی دبیر او بود رو به رو شد. امیر ارغون، جوینی را به خدمت هلاکو گماشت. هلاکو در اوایل سال ۶۵۵ عازم بغداد شد دارالخلافة را در ۶۵۶ محاصره کرده و بغداد را متصرف و خلیفه المستعصم بالله با سه پسر خود به خدمت هلاکو رسید و تسلیم او گشت.

هلاکو مردم بغداد را به بهانه سرشماری به خارج شهر کوچ داد و همگی را کشت و خود در نهم صفر به بغداد وارد شد و آن شهر تاریخی پانصد ساله به باد غارت رفت و مستعصم و پسرش را به قتل رسانید و به این ترتیب دولت پانصد و پنج ساله عباسی را برانداخت. هلاکو بعد از این واقعه عازم آذربایجان شد و شهر مراغه را پایتخت خویش ساخت و در نوزدهم ربیع الاول سال ۶۶۳ در کنار رود جغتو در آذربایجان بمرد. او را که در آن زمان بیش از ۴۸ سال نداشت در نزدیکی دهخوارقان به خاک سپردند.

هلال

۱۲۴۱ ق. مریم از زنان شاعر. وی دختر محمدتقی میرزا حسام السلطنه و همسر اللهیارخان آصف الدوله، صدراعظم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ — ۱۲۵۰ ق.) بود. هلال خواندن و نوشتن و فنون شعر و ادب را فرا گرفت و گهگاه شعر می سرود.



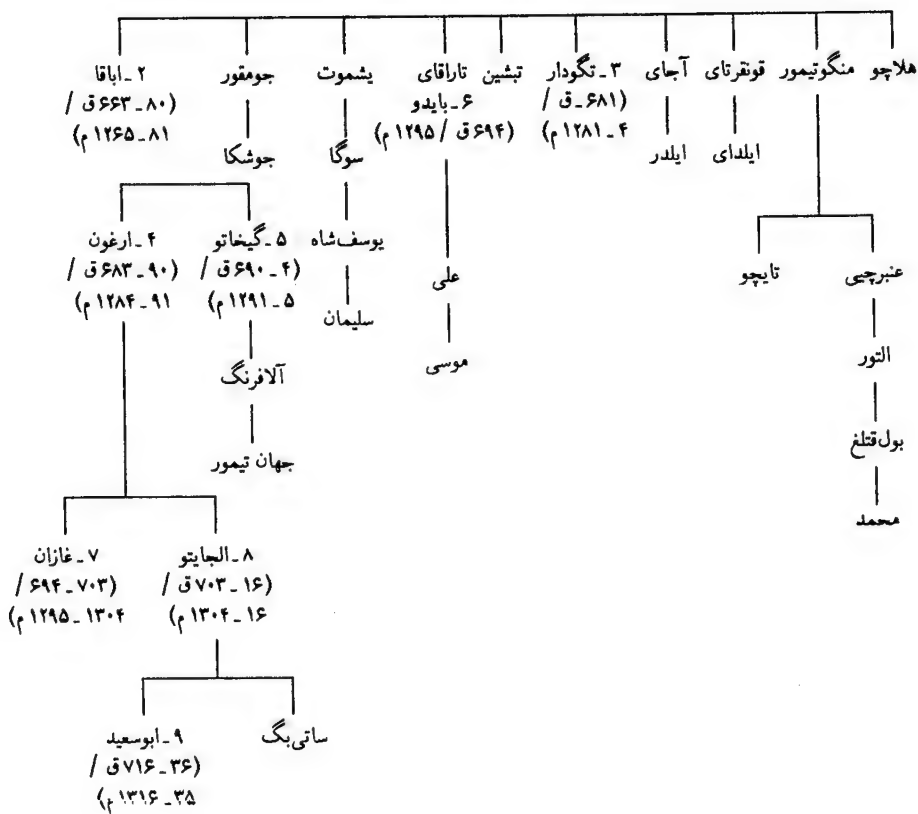
سکه نقره هلاکو خان، ضرب... سال...
 روی سکه: قآن الاعظم هلاکو خان، ایلخان
 (موزه ایران باستان - تهران)
 عکس سه برابر بزرگ شده



پشت سکه:
 لااله الا الله، وحده لا شریک له، محمد رسول الله

هلاکو

(۶۳-۶۵ ق / ۱۲۵۶-۱۲۵۷ م)



هلنوفیل

به معنی دوست یونان؛ اشکانیان نظر به اینکه با سلوکی‌ها در جنگ بودند برای جلب یونانیان مقیم ایران خود را «هلنوفیل» می‌خواندند و در روی غالب سکه‌های خود این کلمه را نقش می‌نمودند.

هلنیسم

عصر هلنیسم و مقطع زمانی گسترش آن را از سال ۳۰ پیش از میلاد نوشته‌اند. اخیراً در مفهوم هلنیسم دگرگونی به وجود آمده و تعاریف پیشین را بر این روند فرهنگی به کار نمی‌برند. «درویزن» هلنیسم را نفوذ فرهنگ یونانی در فرهنگ مشرق و مغرب و حتی فرهنگ روم می‌داند. وی بر این باور است که تکامل و تحولات بعدی تمدن مشرق مدتها تحت تأثیر این نفوذ قرار داشت. این روند در طول زمان معتبر و متداول بودن زبان یونانی در

خارج از سرزمینهای اژه‌ای تا بیرون رانده شدن یونانیان از ترکیه در سال ۱۹۲۳ میلادی با شتابی متفاوت، ادامه داشت. بیشترین تأثیر فرهنگ هلن بر فرهنگهای دیگر در مقطع زمانی حکومت و حضور یونانیان در خارج از یونان تا پیدایش بیزانس بر اثر تقسیم روم به دو بخش شرقی و غربی و پس از آن گسترش مسیحیت تا به سرزمینهای عربی، گذاشته شد. این تأثیر، بر فرهنگ بخش شرقی روم (بیزانس) نیز قابل توجه است. از نظر سیاسی با در نظر گرفتن تاریخچه شکل‌گیری دولتهایی که نتیجه جنگهای دیادوخ بودند، روند هلنیسم از سرزمین یونان و تفکر یونانی مایه می‌گرفت. این تنها یک حرکت فرهنگی محض یا سیاسی صرف نبود، بلکه این دو عنصر مکمل یکدیگر در تعقیب این هدف بودند. تأثیر هلنیسم در مشرق از جمله در ایران، باختر و هند قابل توجه بوده است و ادامه آن تا زمانی بود که رومیان مصر را از امپراتوری

اسکندر جدا کرده و از بطالسه گرفتند، یعنی هلنيسم تا شمال آفريقا نیز تأثیرات خود را گذاشت. تماس کارتاژها با مصر و سیسیل و اروپای قدیم، آنان را از تأثیرپذیری از هلنيسم بی نصیب نگذاشت، (سال ۳۰۰ پیش از میلاد مسیح). هانیبال سرزمینهای حوضه دریای مدیترانه را اتحادیه‌ای علیه روم تلقی می‌کرد. روم بنابراین در سال ۲۰۰ پیش از میلاد وارد سنت هلنيسم شده و در آن قرار گرفت. سرانجام پمپه و آتونئوس هلنيسم را به زوال بردند. در روند هلنيسم تحولات و جوهر فرهنگهای مشرق، یونان و مقدونیه به موازات هم در حرکت بوده‌اند. در کنار پولیسهای هلنی که در مقایسه با دولتهای کوچک تحت فرمان مقدونیه از قوانین مدونی برای مردم برخوردار نبودند، شاهان با عناوین خدا - شاه در رأس قدرت بودند. نظام پادشاهی متکی بر مجریان و مدیران وابسته به خود او بوده که از او حقوق دریافت کرده و سازمان

دربار این شاه دارای یک اداره مالی دقیق و مستحکمی بوده است. منابع مالی چنین تشکیلاتی عمدتاً ثروت‌مندان و زمینداران، مالیاتها و سایر دریافتیهای پولی بود که به شاه تعلق می‌گرفت. نیروی کار در چنین نظام اقتصادی از بومیان و بردگان تأمین می‌شد و بازرگانی خارجی، توسط دولت هدایت شده و در قالب سیاست اقتصادی - مالی مشخصی بود. چنین دولتی دارای نیروی نظامی ثابت و مزدور (موقت) بود. نیروی دائم توسط شخصی که منصوب شاه بود فرماندهی و اداره می‌شد. چنین شخصی پس از شاه فرمانده کلیه نیروهای دفاعی بود. تنها مقدونیه و پرگام دارای خدمت وظیفه اجباری برای جوانان بود. در سرزمینهای سلوکی نشین فراخوانی عمومی جهت خدمت در جنگ معمول بود. در کنار سیاستها و ضوابط اقتصادی یونانی، شیوه‌های شرقی نیز بودند و اقتصاد شاهی به این ترتیب به پیش می‌رفت.

قشر کارگر و تولیدکننده، مزدبگیران و بردگان، خارج و دور از زندگی فرهنگی بوده و به همین دلیل با هلنیسم و هلنیزه شدن تماس و ارتباطی نداشتند. همین طور حاشیه نشینان، ساکنان مناطق کویری، استپهای آسیای صغیر و مناطق کوهستانی، هلنیسم را عمیقاً لمس نمی کردند. حاملان فرهنگ و اقتصاد هلنی یا به سخن دیگر دارندگان زندگی فرهنگی و اقتصادی هلنی، شهروندان مالک یا به سخن دیگر طبقه بورژوا، پولیسهایی که دارای زبان و آداب و سنن، ساختمانها، کارمندان و نظام اداری و مدارس و مجامع هستند، بوده اند. پولیسها اصولاً بر امور کشاورزی و تولیدات کارگاهی متمرکز بوده و به تجارت نیز می پرداختند و مانند پولیسهای عصر شکوفایی یونان نبودند. آنها دارای یک نظام خودگردان بودند. رجال برجسته کشوری به عنوان نمایندگان پادشاه و نیز در کنار او، در امر شهرسازی شرکت مؤثر داشتند.

شهرهای قدیمی یونان با همان سیاستهای یونان کهن اداره می شدند. این نظریه در مراحل اجرایی آن شامل شهرهای قدیمی حاشیه آسیای صغیر نیز می شد، زیرا پیش از مقدونیان نیز یونانیان در آنجا حضور داشتند. شهرهای یونانی الزاماً از سده سوم پیش از میلاد در ردیف شهرهای قدیمی که زبان، آداب و سنن یونانی در آنها متداول بود، شناخته شده اند. رومیان با صادر کردن اعلامیه آزاد کردن این شهرها، آنها را از مقدونیان گرفته و از سال ۱۹۶ ق.م. ضمیمه امپراتوری خود کردند.

روابط این دولتها با توجه به تحولاتی شکل می گرفت. جنگها، پیمانهای اتحاد، ائتلافها و ضرورتاً ازدواجهایی سیاسی در دو خانواده سلطنتی، خط مشی و تحولات سیاسی و دیپلماسی را تعیین می کرد. اندیشه و اعتماد به نفس مقدونی که اصالت یونانی داشت، برای مدت درازی در نزد شاهان یونان پس از اسکندر اعتبار خود

را حفظ کرد.

رهبری آنتی‌گون) به ویژه در سرزمینهای

هدف آنها از جنگ با دشمنان، از بین بردن دشمن نبود، بلکه هدف این بود که وی را به طرف خود آورده و او را با خود متحد کنند و ضرورتاً سرزمین او را بگیرند. تنها مشکلی که یونانیان داشتند و با همه معیارهای آنان بیگانه بود قوم گالات بود که با پیشروی خود در سال ۲۷۹ پیش از میلاد حاکمیت مقدونیه را در هم شکست. با این عمل گالاتها (گالیه)، جنبشهای استقلال طلبی در متصرفات یونانیان آغاز شد و سِلته‌ها (سلتیه‌ها، کِلته‌ها) در اروپای مرکزی بر جریان هلنيسم اثر گذاشتند. گالاتهای آسیای صغیر و امپراتوری تیلوس در رأس سلتهای شرقی قرار داشتند. سیاست خارجی در این هنگام سه مرحله داشت. در سدهٔ سوم پیش از میلاد «سیستم یا نظام اداره امور توسط قدرتهای بزرگ، همراه با توازن و برابری که در آن مصر (بطالسه)، سلوکیان (به رهبری سلوکوس) و مقدونیان (به

اژه‌ای، معتبر بود. کارتاژ و سیسیل نیز از سیاست هلنی پیروی می‌کردند. جدا شدن باختر و پارت از قلمرو سلوکیان، نخستین دگرگونی مهیب برای سلوکیان بود. به دنبال آن حمله روم به سیسیل ضربه دیگری بر سلوکیان وارد کرد. آنتیوخوس سوم می‌خواست سیاستهای خود را همانند اسکندر مقدونی بکند، ولی شرایط و زمان اجازه این کار را به او ندادند و سلوکیان در سال ۶۴ پیش از میلاد به پایان عمر سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خود رسیدند. خودکامگی و خودمختاری پولیسهای یونانی از باختر و ماد شروع شد و سیاست تجزیه امپراتوری بیش از پیش شتاب گرفت. تجزیه امپراتوری سلوکی ناشی از نابسامانی عملکرد شاهان این سلسله بود، نه نتیجه تأثیرات و پیشرویهای روم.

در یک جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت که اسکندر مقدونی به عظمت

را اعدام کنند و پدر وی پارمنیون که یکی از دوستان و از رجال برجسته نظامی سپاه اسکندر مقدونی بود، متعاقب اعدام پسرش فیلوتاس، به قتل رسید.

اسکندر مقدونی اخلاقاً خود را مدیون خانواده داریوش سوّم می دانست و از این رو بسوس را به جرم قتل داریوش، اعدام کرد.

فاتح مقدونی با بستن پیمان همسری با رکسانه دختر شاهزاده سغدی، سیاست آشتی خود را با ایرانیان آغاز نمود. وی بر این اساس مراسم ویژه دربار پارسیان را به اجرا درآورد و تداوم آن را حفظ کرد. و در برابر عروس ایرانی زانو زد، وی احتمالاً به خاطر عدم تفاهم فرهنگی بابسیاری از مقدونیان از جمله با کالیستن همکلاسی سابق او که با وی با هم در کلاسهای دروس ارسطو دائی کالیستن شرکت می کردند، ناگزیر از نشان دادن عکس‌العملهای خشن و جدّی بود. کالیستن نویسنده کتاب «زُمان اسکندر»

تمدّن و فرهنگ شرقیان پی برده بود و با سقوط دولت هخامنشی، در این پیشرفت فرهنگی وقفه دهشتناکی روی داد و زمینه را برای مهاجمه فرهنگی جانشینان اسکندر در ایران (سلوکیان) فراهم کرد. اسکندر مقدونی غیر از ایران، سرزمینهای دیگری را نیز فتح کرد، ولی به فرهنگ و معرفت ایرانیان و غنای تمدّن این مردم بهای ویژه‌ای داد. غنا و قدمت تمدّن و فرهنگ، سنن و آداب ایرانیان آنچنان فاتح مقدونی را مجذوب کرده بود که وی با ساقط کردن امپراتوری هخامنشی، اصلاً مغرور نشد. اسکندر پس از کشته شدن داریوش سوّم به دست بسوس ساتراپ باختر، عنوان پادشاهی ایران را بر خود نهاد و کوشید که خود را به سلاله هخامنشیان نزدیک کند. به همین دلیل «لباس شاهان هخامنشی» را به تن کرد و همین کار اسکندر، موجب خشم بسیاری از مقدونیان شد. یکی از این مخالفان «فیلوتاس» بود که اسکندر دستور داد او

به دستور وی اعدام گردید. اعدام کالیستن را به سال ۳۲۷ پیش از میلاد نوشته‌اند. داعیه الهیّت داشتن اسکندر را کالیستن به جامعه یونان منتقل کرده بود. فاتح مقدونی در همان سال به خاطر همین اختلافها در بینش و سلايق خود با یاران خود خشمگینانه دستور داد کلیتوس (Klytos) که از دوران کودکی با وی دوست بود را نیز اعدام نمایند.

فیلیپ پنجم پادشاه مقدونی در اوایل سدهٔ دوم پیش از میلاد، نام پسر ارشدش را که جانشین وی گردید و علاقه‌مند به بازگرداندن وحدت به جامعه یونان باستان بود، را «پارسی» گذاشته بود. اسکندر مقدونی تصمیم داشت که پارسیان و مقدونیان را در هم آمیخته و در قالب واحدی به عنوان طبقه بالا و ممتاز جامعه یونان درآورد. وی این اقدام را در سال ۳۲۴ پیش از میلاد آغاز نمود و پس از فوت ناگهانی وی در سال ۳۲۳ پیش از میلاد و آغاز جنگهای دیادوخ در همان سال فوت اسکندر،

طبعاً سیاستهای دیگری اعمال می‌شد و سرانجام با تأسیس دولت سلوکی و روی کار آمدن سلوکوس یکم، هنوز سیاستهای اسکندر در ذهن جانشینان وی بود. سلوکوس نیز خود را ابتدا شاه ایران اعلام کرد و چه در زمان حیات اسکندر و نیز پس از آن همسران ایرانی برگزید. اسکندر آنچنان اعتمادی به ایرانیان داشت که در زمان حیاتش جوانان ایرانی را با امتیازات برابر با جوانان مقدونی، وارد ارتش خود کرد. او در مجمع عوام یونان به عنوان شاه پارسی در آسیا خوانده می‌شد. نه تنها نظامیان ایرانی با مقدونیان متساوی الحقوق قلمداد می‌شدند، بلکه ایرانیان و مقدونیان از حقوق اجتماعی برابری برخوردار شدند.

گفتنی است که پیش از به قدرت رسیدن اسکندر مقدونی، در یونان اختلاف و تضاد به نحو گسترده وجود داشته است.

خاندان حکومتی چه در آتن و

اسپارت و چه در مقدونیه و مناطق دیگر عمدتاً برای کسب قدرت و به دست آوردن امتیازات بیشتر به بدترین توطئه‌ها متوسل می‌شدند و نبرد علیه دشمنان خود را که پایه و اساس آن همین دسیسه‌ها است، را «جنگ مقدس» می‌نامیدند و تحت این عنوان، کشتارهای وسیع می‌کردند. یکی از این به اصطلاح جنگهای مقدس از سال ۳۵۶ تا ۳۴۶ پیش از میلاد علیه «فُکها» درگرفت. جنگ علیه فُکها به این دلیل صورت گرفته بود که فُکها متهم به بی‌حرمتی به حریم معبد دلف (دلفی) شده بودند. فیلیپ مقدونی پدر اسکندر چنین جنگی را به راه انداخته بود. فیلیپ مقدونی و پس از وی پسرش اسکندر قدرت خود را در انسجام وحدت اقوام دیگر یونانی با مقدونیان می‌دانستند. این اقوام عبارت بوده‌اند از: هلنها، اسپارته‌ها، مقدونی‌ها، آتنی‌ها و ایونی‌ها. در همان جنگ مقدس، آتن و اسپارت که پیشتر، نبردهای سهمگین با هم داشته‌اند از

جمله جنگهای پلوپونز و مانند آن، هم‌اکنون با هم متحد شده و حتی از فُکها جانبداری می‌کردند ولی دسیسه‌های فیلیپ مقدونی، احساسات فرهنگی یونانیان را تحریک نموده و نبرد را از فُکها برد و سرزمینهای متعددی را به وسیله اینگونه توطئه‌ها به دست آورد، از جمله پوته‌دای و تسالی، متون، ستاژیر و آلینت.

گفتنی است که ستاژیرزادگاه ارسطو فیلسوف ناتورالیست، شاگرد افلاطون و استاد اسکندر و کالیستن است. فیلیپ مقدونی کوشید تا یونانی‌ها را علیه ایرانیان متحد کرده و جنگ مشترکی علیه پارسیان را در پیش گیرند. این جنگ را جنگ علیه بربرها نامیدند، یعنی جنگ علیه کسانی که زبان و تمدن آنها با یونانیان تفاوت دارد. هلنها که مردمانی هنرمند و فنی بودند، مقدونیان را انسانهایی کودن و بی‌هتر می‌دانستند. سربازان هلنی در جنگهای اسکندر علیه ایرانیان، به هنگام احداث پلی بر روی

مغلوب را مقدّم به تحمیل سلطه سیاسی و نظامی به آنان می‌دانست.

همای

همای نام یکی از دختران کی گشتاسب است که به اسارت ارجاسب درآمد و اسفندیار او را با به آفرین آزاد کرد. همای در اوستا به صورت هومایا یا هومیا یا هومایه یا هومیه آمده و به معنی فرخنده و همایون است. در فروردین یشت به فروهرش درود فرستاده شده است. در پهلوی هماک گویند.

همای

به روایت بندهشن، پادشاهی همای سی سال بود. در شاهنامه سلطنت او سی و دو سال آمده است. لقب همای را فردوسی چهارزاد و گروهی چهارآزاد و طبری شهر آزاد نوشته‌اند. بعضی از مورخان قدیم اسلامی چون حمزه، نام دیگری برای همای ذکر کرده‌اند که شمیران است، که

رودخانه‌ای در لبنان به این مطلب صراحتاً اشاره کرده‌اند. به این ترتیب وقتی اسکندر ایران را به خاطر عدم اشراف داریوش سوم (۳۳۶-۳۳۱ پیش از میلاد) آخرین پادشاه هخامنشی، بر مسائل نظامی و از جمله بر نظام فرماندهی در جنگ گرفت، با مردمانی پیشرفته دارای قوانین و نظام اداری و دیگر ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی قابل تحسین روبرو گردید. اسکندر وقتی چنین ایرانی را گرفت نتوانست از این همه پیشرفت چشم‌پوشد و آنها را به کنار بگذارد، لذا بر آن شد که دو قوم مقدونی و ایرانی را در هم ادغام کرده و خلأهای فرهنگی یونانیان را بدین وسیله پر کند. اسکندر برای اینکار دلایل موجهی داشت که از بابل و مصر به این صورت بهره‌نگرفت و خود را شاه بابل یا مصر بنامید. بلکه خود وی و یونانیان و به ویژه مجمع ملّی یونان او را شاه پارسی در آسیا نامیدند. اسکندر تحمیل سلطه فرهنگی یونانیان به ملل

بی تناسب با نام سمیرامیس ملکه داستان آشور نیست. برخی از مورخان اسلامی نام همای را، خمانی یا خمای نوشته اند.

بنابه روایت فردوسی بهمن را پسری به نام ساسان بود، ولی شاه وصیت کرد که جانشین او کسی است که از همای دختر وزن او تولد شود. همای پس از مرگ بهمن به تخت نشست و سه ماه بعد پسری آورد، که او را داراب نامیدند. چون ملکه نمی خواست که از سلطنت کناره گیرد او را در صندوق نهاده در آب فرات افکند، و گزاری وی را از آب برآورد و او را داراب نامید و پس از اینکه به حد رشد رسید، و آوازه دلاوری او را در جنگ با روم شنید، همای او را خواست و پادشاهی را به او داد.

همدان

همدان نخستین پایتخت ایران است. این شهر در زمان نخستین

شاهنشاه ماد یعنی دیاکو به پایتختی برگزیده شد. درباره وجه تسمیه نام این شهر اختلاف است. پیش از تأسیس دولت ماد این شهر «آکه سائیا» نام داشت و به معنی شهر کاسی ها یا کوسی از اقوام قبل از آریاییها بود. یونانیان آن را «اکباتان» می خواندند که در سنگ نبشته های هخامنشی هگماتانا آمده که به قول بعضی از باستان شناسان مرکب از دو جزء هنگ (به معنی جای) و متا (به معنی گرد آمدن و اجتماع) است و روی هم به معنای محل تجمع و گرد آمدن است. ظاهراً نام اصلی همدان «آمادانا» بوده است چون آشوری ها مادها را «آمادا» می نامیدند و لفظ «آن» در زبانهای ایرانی پساوند مکان است؛ بنابراین همدان به معنای مکان و جایگاه مادها است. هرودوت مورخ یونانی بنای شهر همدان را به دیوکس (دیاوکو) نخستین پادشاه ماد نسبت می دهد. این پادشاه که در قرن هفتم پیش از میلاد می زیست همدان را به پایتختی خود

برگزید و کاخی شگفت و مستحکم به صورت دژی هفت قلعه در هم بساخت. این قلعه‌ها هر یک در درون یکدیگر قرار گرفته بودند و دیوار هر دژی را به رنگی درآورد. دیوار اول را سفید، دیوار دوم را سیاه، سوم را ارغوانی، چهارم را آبی، پنجم را سرخ نارنجی و ششم را به رنگ زرین درآورد و در درون آن هم کاخی بلند برای سکونت شخص شاه بساخت. سکنه شهر در بیرون حصارها سکنی داشتند. آخرین دیوار قلعه به وسعت شهر آتن بود و این قصر دارای سیصد تا هزار اتاق بود و هر اتاقی را هشت درب آهنی بوده است. ظاهراً گفتار هرودوت اغراق‌آمیز می‌باشد. پولی بیوس مورخ یونانی (۲۰۴-۱۳۲ ق.م) می‌نویسد: در دامنه کوه الوند که بیونانی آن را اورونتس گویند، کاخ عجیب و محکم شاهی قرار داشت. مساحت زمین زیر کاخ شاهی در حدود ۱۳۰۰ متر است. وضع ساختمانی و آرایشهای آن به توصیف در

نمی‌آید. چوبهایی که در آن به کار رفته از زر و سیم و درها و ستونها و رواقها با هزاران گونه کنده کاری و نقش و نگار آراسته شده و یک تیر چوبی عاری از زیور و یک دیوار بی‌پیرایه در آن یافت نمی‌شود. حتی کاشیهایی که زینت‌بخش دیوارهای درونی قصر است با پوششی از آب نقره سیم‌اندود گشته و همه چوبها از جنس سرو و کاج می‌باشد.

یکی دیگر از بناهای جالب همدان در پیش از اسلام کاخ «آناهیتا» بوده که تا زمان آنتیوخوس کبیر (۲۰۹ ق.م) از خرابی آن جلوگیری بعمل می‌آمده است. بعداً به امر آن پادشاه، ورقه‌های طلا و نقره ستونهای معبد مزبور و آجرهای مطلای آن را کنده و ذوب نمودند و از نقره و طلای خالص که به‌دست آمد بالغ بر چهار هزار تالان سکه زدند که معادل یک میلیون پوند رایج کنونی بود. اسکندر پس از غلبه بر ایران به معبد آناهیتا دستبرد زد و ورقه‌های طلای ستونها و دیوارها را به

ستونی از سنگ به نام اردشیر دوم در همدان کشف گردیده که ترجمه آن بدین قرار است:

«چنین گوید اردشیر، شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورها، شاه این سرزمین پسر داریوش شاه. داریوش شاه پسر اردشیر شاه، شاه شاهان شاه کشورها، شاه این سرزمین پسر داریوش پسر اردشیر شاه، اردشیر پسر خشایارشا و خشایارشا پسر داریوش شاه، این کاخ را به لطف اهورامزدا و ناهید و مهر من ساختم. هر مزد و ناهید و مهر مرا از همه بدیها حفظ فرمایند و آنچه من ساختم از گزند و آسیب محفوظ دارند.

غیر از این کتیبه ها نفائسی از طلا و نقره در همدان پیدا شده است.

به مسافت دورتر از گنجنامه در قسمت بالاتر دامنه الوند بنایی از عهد ساسانی به نام «مطبخ خسرو» وجود دارد که ویرانه آن باقی است.

همدم السلطنه پهلوی

بزرگترین دختر رضاشاه و همسر

غارت برد. هفستیون محبوبه یونانی اسکندر در دومین ورود آن سردار به همدان وفات کرد. «داریوش، شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورها پسر ویشتاسب هخامنشی. داریوش شاه گوید این است کشوری که من دارم از سکستان آن طرف سفد تا کوشا (حبشه) از هند تا سارد (آسیای صغیر) که آن را اهورامزدا بزرگترین خدایان به من داده است. اهورامزدا مرا و خاندانم را پاس دارد».

این لوح ظاهراً اکنون در خزانه جواهرات بانک ملی تهران است. قطعه ای شکسته از دهانه ظروف نقره که قطر دهانه آن هفت سانتی متر و نیم و طول بلندترین قسمت آن دوازده سانتی متر می باشد. ضمناً اشیاء دیگری در تپه هگمتانه به دست آمده یکی که باقی مانده، عبارت ریخته ای به خط میخی بر روی آن ظرف شکسته بدین صورت خوانده می شود.... شاه که برای سرای شاهی درست نمود.

سنگ نبشته اردشیر دوم: قطعه ته

را آفرید و نام آن همشفثمیدمگاه است».

هندواروپایی

مللی هستند که مساکن آنها از هند تا اقصی بلاد اروپاست. یعنی در اروپا کلیه سکنه آن به استثنای مردمانی که از نژادهای دیگرند (مانند ترکها، مجارها، فینها، سامویدها و یهودها) و در آسیا فقط هندیهای آریایی - ایرانیها به معنی اعم (کلیه مردمانی که از شعبه ایرانی آریایها منشعباند) و آرامنه.

هنگ افراسیاب

قصر زیرزمینی افراسیاب پادشاه تورانی.

هوآر (کلمان)

شرق شناس فرانسوی (۱۸۵۴ - ۱۹۲۶).

هوارزمی

نامی است که در سنگ نبشته نقش

اول او صفیه (تاجماه) بود که در سال ۱۲۹۱ متولد شد. او دارای سه فرزند به نامهای امیررضا آتابای - سیمین آتابای و سیروس آتابای بود. او پس از مرگ رضاشاه از شوهرش طلاق گرفت و پس از مدتی از ایران اخراج شد.

همسپثمیدیم

همسپتمدم، نام گاهنبار ششم است.

گاهنبار همسپتمدم یا hamaspathmaedayā اوستایی در سید و شصت و پنجمین روز سال واقع می شود و پنج روز آخر سال جشن همسپتمدم است. ایرانیان قدیم می پنداشتند که انسان در این گاهنبار آفریده شده است. این جشن به فروهرها اختصاص دارد و در این هنگام است که فروهرهای درگذشتگان برای سرکشی بازماندگان خود بر زمین فرود می آیند.

«اول لواحق زائده اول گاهنبار ششم است و در این روز بود که خداوند مردم

رستم در کتیبه داریوش بزرگ آمده و
غرض از آن خوارزم است. این واژه در
اوستا به صورت خوا یریزم آمده است.
خوارزم یکی از کهنترین سرزمینهای
تاریخی و مهد تمدن ایران باستان است.
پیش از آنکه پادشاهی ماد در پایان سده
هشتم پیش از میلاد در مغرب ایران
به وجود آید گروهی از ایرانیان در آنجا
شهریاری داشتند.

هوئوسا

زن شاه گشتاسب از خاندان نوذران
است.

هوتخشان

گروه پیشه‌وران و کارگران در عصر
اوستایی.

هوخت

گفتار نیک. یکی از سه اصل دین
زرتشتی است و همواره هومت و
هوخت و هوورشت با هم آمده‌اند.

هوایی ریزیم

خوارزم که در اوستا «هوایی ریزیم»
و در سنگ نبشته داریوش نوشته شده و
در کتاب استرابون «خوارزمی‌ای» آمده
همان خوارزم و خیه است. این ایالت با
نام باستانی خوارزمیا بر کران سفلی
آمودریا قرار داشت و پس از حمله مغول
به خیه معروف شد.

هورپتیل - سلسله (۱۳۵۰-۱۳۳۰ ق.م.)
با انقراض سلسله اپرتی، ایلام
جزئی از متصرفات دولت کاسی بابل
گردید و حاکمانی از سوی این دولت
اداره امور ایلام را به دست گرفتند. با
شروع دوره دوم فترت، اقوام مختلفی به
ایلام کوچ کردند و در آنجا ساکن شدند.
با وجود سلطه درازمدت بیگانگان

بنابر اساطیر ایرانی پادشاهان
خوارزم از نوادگان کیخسرو بودند و
در قصری به نام «فیر» می‌زیستند.

بر ایلام در دوران فترت، از سلطنت شاهی ایلامی به نام تپتی - اهر در حدود سال ۱۴۰۰ ق.م. اطلاع داریم. پایتخت حکومت او شهر شوش بود. سنگنوشته بزرگی از وی به دست آمده است که در آن خود را آزادکننده کشور ایلام از تسلط شاهان کاسی بابل خوانده و اطلاع داده است که معبدی از آجر پخته برای خدای اینشوشینک ساخته است. از سرنوشت تپتی - اهر اطلاعی نداریم ولی از قرائن چنین برمی آید که سلطنت او به وسیله کاسیهای بابل به آخر رسیده است. دوره دوم فترت در سال ۱۳۵۰ ق.م. پایان گرفت و سرانجام حکومت ایلامی ایجاد شد. تنها شاه این حکومت هورپتیل نام داشت که قوم هوری بود. هوریاها قومی غیر آریایی بودند که در شمال زاگرس سکونت داشتند. هورپتیل به بابل حمله کرد و چهار سال بر بخشهایی از سرزمین بابل حکومت کرد. اما در جنگ با آشور - اوبلیط اول، شاه آشور، شکست خورد و به طرف ایلام

عقب نشینی کرد.

در سال ۱۳۳۰ ق.م. کوریگلزوی دوم، شاه کاسی بابل، با مغلوب کردن هورپتیل سرزمین ایلام و شهر شوش را فتح کرد. هورپتیل تسلیم و حکومت وی منقرض شد.

هوردت

(۱) خرداد، نام یکی از امشاسپندان است که موکل ماه خرداد است، (۲) نام ماه خرداد و نام روز ششم از هر ماه است.

هوری

در شمال غربی بابل قدیم، قومی به نام سوباری بوده اند. در این سرزمین در حدود دو هزار سال ق.م. اقوام مختلفی من جمله هوری ها ساکن بوده اند. هوری ها از اصل در نواحی مجاور دریای خزر ساکن بودند و از آنجا متوجه سوریه شدند. متون بازمانده از آنان نشان می دهد که خود آنان قفقازی، اما



چند نمونه از ظروف هوری که در نوزی پیدا شده

یا فصل بوده است.

هوسرو

خسرو، خوش نام، خوش آوازه،
نیکنام، مشهور، محترم. در سانسکریت
susravas آمده است. عنوانی است که به
چند تن از شاهان ساسانی داده شده
است.

هوش بام

نماز یا دعای هوشبام در خرده
اوستاهایی که میان زرتشتیان ایران رایج
است.

طبقه حاکم بر آنان هند و اروپایی بوده و
همان میتانی ها هستند که استفاده از
اسب را به آنان آموخته اند. نام خدایان
هند و اروپایی نیز در کتیبه های آنان دیده
می شود. پایتخت قوم هوری ها ظاهراً
اورفا بوده است.

هوسپارم نسک

نام یکی از نسکهای اوستای قدیم
است که بنابر دینکرت شامل
هیربدستان و نیرنگستان بوده و در آن از
موضوعاتی مانند خانواده و ازدواج و
مالکیت سخن می رفته و دارای ۶۴ کرده

خواهد کرد.»

(یشتها ۲، ص ۱۰۱ - پورداود)

نام دختری که به هوشیدرماه آبستن خواهد شد در اوستا و نگهوفدري vanhu-fedhri آمده و در سد در بندهش نام او «وهبد» آمده است.

هوش قوری

هنگامی که از مرز ایران و عراق وارد می‌شویم نخستین بنایی که به چشم می‌خورد در فاصله ۲۲ کیلومتری از مرز کنار جاده تهران بغداد خرابه‌های قصر شیرین است که خسروپرویز برای زن محبوبش شیرین در اینجا کاخ مجللی ساخته بود که در سال ۶۲۸ م. به دست هراکلیوس امپراتور روم به آتش کشیده و ویران شد. یک آتشیگاه در کنار آن قرار داشت که آن را چهار قابو یعنی چهار در گویند.

در چهار گوشه اطاق هنوز گوشوارهای طاقی که سابقاً اطاق را می‌پوشانیده دیده می‌شود. این بنا را با

هوشتر ماه

هوشیدرماه، نام یکی از موعودهای دین زرتشتی است که در هزاره دوم پیش از رستاخیز ظهور خواهد کرد.

«اوخشیت نمه uxšyat-nomah یعنی

پروراننده نماز و نیایش. امروزه اوشیدر ماه یا هوشیدرماه گویند. در آغاز هزاره دوازدهمین دگرباره دوشیزه‌ای از خاندان بهروز در دریاچه هامون تن خویش شسته بارور خواهد شد و پس از نه ماه هوشیدر ماه متولد خواهد شد و به سن سی سالگی به رسالت خواهد رسید. در هنگام ظهور وی خورشید بیست شبانه‌روز در میان آسمان غیر متحرک خواهد ایستاد. در عهد سلطنت روحانی هوشیدرماه ضحاک از کوه دماوند زنجیر گسیخته دست بستم و کینه خواهد گشود و به فرمان اهورامزدا یل‌نامور گرشاسب نریمان از دشت زابلستان برخاسته آن ناپاک را هلاک

سنگ تراشیده و ملاط ماسه و آهک ساخته بودند. در شمال آتشگاه، کاخ خسرو دوم دیده می شود که آن را کاخ خسرو نامند. هنوز دالانهایی که به جای پی برای تختگاه کاخ ساخته شده بود دیده می شود. این کاخ در شرق، یک مهتابی و یک ایوان وسیع داشته و با یک گنبد، پوشیده شده بوده است.

در فاصله پنج کیلومتری قصر شیرین در محلی موسوم به هوش قوری آثار بنای دیگری منسوب به خسرو دوم دیده می شود.

هوشنگ

نام او در اوستا هوشنگه Haosangha آمده و به قول یوستی Justi معنی نام او فراهم سازنده منازل خوب می باشد. اسم وی چنانکه برخی از فرهنگ نویسان پنداشته اند مرکب از هوش و فرهنگ نیست و منشأ این لغت سازی این شعر شاهنامه است:

گرانمایه را نام هوشنگ بود

تو گفتی همه هوش و فرهنگ بود.
در اوستا هوشنگ با صفت پرذاته Paradhata (پیشداد) آمده که به معنی قانون گزار نخستین می باشد. عنوان پیشداد در شاهنامه از هوشنگ تازاب به پادشاهان یک سلسله اطلاق می شود. در دین کرد آمده که هوشنگ خواجه جهان بود و دو ثلث دیوان را بکشت و رسم زراعت و کشاورزی را به مردم بیاموخت. در بندهشن آمده که هوشنگ و گورک نخستین پدر و مادر ایرانیان بودند. بنا به زات اسپرم از کتب پهلوی مهاجرت ایرانیان از خونیرث (کشور مرکزی آریاها) به کشورهای خارجی در زمان هوشنگ روی داد و این مهاجرت روی گرده گاو نری موسوم به سرسئوک انجام گرفت. سه آتش بر روی این گاو روشن بود و چون مهاجران می خواستند از دریا بگذرند این آتشها به دریا ریخت و گوهر آنها یکی بود و به سه بهره شد و دوباره در سه جای فروزان گشت و به آذر فرنبغ (آتش موبدان در فارس) و آذر

گشنسب آتش پادشاهان و ارتشتاران (در آذربایجان) و آذربیر زین مهر (آتش کشاورزان در خراسان) موسوم گشت. در بندهشن آمده که هوشنگ پسر فرواک پسر سیامک پسر مشیک پسر گیومرث بود.

در شاهنامه هوشنگ از پادشاهان پیشدادی است که پس از گیومرث ۴۰ سال پادشاهی کرد و انتقام پدر خویش سیامک را از دیوان بکشید و آتش را او پیدا کرد و جشن سده را که در دهم بهمن و پنجاه روز به نوروز مانده است او بنیاد نهاد. آن داستان چنین است که روزی ماری را دید و شاه به سوی وی سنگی انداخت. آن سنگ بر سنگ دیگر آمد و اخگری از آن بر جست و به گیاهان خشک که در گرد آن بودند رسید و آتش گرفت. شاه به این واقعه فال نیک زد و جشنی به نام سده بر پا کرد. فردوسی فرماید:

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ
دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ

نشد مار کشته ولیکن زراز
پدید آمد آتش از آن سنگ باز
هر آن کس که بر سنگ آتش زدی
ز او روشنایی پدید آمدی
کریستنن دانمارکی در کتاب
«نخستین بشر و نخستین شاه» می نویسد
که پرذاته با کلمه پارالاتس Paralatos نام
سکایی برابر و از یک ریشه است. وی
هوشنگ را همان تارگیاتس Targiatos
می داند که نخستین بشر سکایی است و
پدرخاندان پارالاتایی است که همان
پیشداد باشد و معتقد است که ایرانیان
پیش از ظهور زرتشت این افسانه را از
قوم سکاهای که قومی آریایی بودند
گرفته اند.

هوکر

نام کوهی است در ایران زمین.
«هوکر در اوستا هوکثیره نام بلندترین
قله کوه هربرز (البرز) است و رود
اردویسور از بالای آن به بلندی هزار قد
آدمی سرازیر گشته به دریای فراخکرت

فرو می‌ریزد. معنی لفظی هوکثیریہ خوب کنش است.»

(یشتها ۱، ص ۱۴۸ - پورداد)

هولاکو: — هلاکو خان

همای دخترکی گشتاسپ است که در فروردین یشت به فروهر او درود فرستاده شده است. این دختر با خواهرش اسیر ارجاسپ تورانی می‌گردند و برادرشان آنها را نجات می‌بخشد.

هومان

هومان پهلوان تورانی پسر ویسه و برادر پیران است که سپهد افراسیاب بود. شکل کهن‌تر آن hōman است. این واژه هم‌ریشه است با گیاه معروف هوم
hōm

«در یادگار زیران آمده است که کی‌گشتاسپ برای تشویق لشکریانش چنین گفت: کیست در میان شما ایرانیان که از زیر انتقام بکشد تا من دختر خود همای را که در کشور زیباترین زن است بدو دهم و از برای او در کاخ زیر جای سازم و او را سپهد لشکر گردانم.»

هومای

هما، همای، نام خاص است به معنی فرخنده و همایون. همای دختر فرمه ماه freh mah از خاندان موبدان است که نامش در بخش ۳۱ بندهشن آمده است.

(یشتها ۱، ص ۳۹۱ - پورداد)
«همای نام یکی از خواهران اسفندیار است که ارجاسپ او را اسیر کرده در قلعه رویین دژ نگاه داشته بود و نام دختر بهمن بود. (برهان)

همای دختر وهومن vohuman (=)

بهمن) ملقب به چهره آزاد که سی سال سلطنت کرد.

هومبان هلثش سوم

آخرین پادشاه عیلامی ۶۴۸ تا ۶۴۲

ق.م.

هومبن

وی در رأس خدایان ایلام قرار داشت و در سراسر ایلام پرستش می شد. او همسر الهه های پینیکی و کی ریریش محسوب می شد.

هومبن — تهره: — ایلام نو

هومتنام

نام یکی از نیایشهای اوستایی است که با این واژه شروع می شود.

هوم (هنومه)

هوم که در دنیای مینوی ایزد است و در دنیای گیتی گیاه، دشمنان را دور می سازد، درمانبخش است و سرور گیاهان به شمار می آید. همتای هندی آن «سومه» است که هم گیاه است و هم خدا.

هوم آسمانی را پسر اورمزد به شمار آورده اند و او را موبدی آسمانی

دانسته اند که همانند موبدان به خدایان فدیه نثار می کند. فشردن آیینی این گیاه، باپدیده های آسمانی همچون تابش خورشید و بارش باران پیوستگی دارد. فشردن این گیاه نوعی قربانی غیر خونین است. قربانی شدن او موجب شکست شر است. این گیاه خود به خود نیرو می دهد و شفا می بخشد و اگر آن را تقدیس کنند نیروی معجزه آسا پیدا می کند.

هوم را که در مراسم دینی تقدیس می کنند نمادی می دانند از «هوم سپید». هوم سپید که آن را گوگرن نیز می خوانند گیاهی اساطیری است که در ته دریای فراخکرد می روید و بی مرگی می آورد و در بازسازی جهان یا فرشگرد به کار خواهد آمد. اهریمن برای از میان بردن هوم سپید وزغی را در دریای فراخکرد به وجود آورده و در مقابل، اورمزد دوماهی مینوی را مأمور نگاهبانی آن کرده است.

به چهار مردی که جزء نخستین

فشارندگان هوم هستند فرزندان شایسته‌ای عطا می‌شود: ویونگهان، جمشید را می‌یابد؛ آبتین (آئفیان) صاحب فریدون می‌شود؛ سیریت (نَریته) گرشاسب را و پوروشسب، زردشت را به پاداش می‌گیرند.

در هوم شخصیت جنگنده‌ای را نیز می‌توان تصوّر کرد که با شر مبارزه می‌کند. او ایزدی است که خود در مراسم قربانی، قربانی می‌شود تا مردمان زندگی بیابند. حضور ایزدی او در روی زمین در گیاه تقدیس شده‌ای که به صورت طبیعی در کوهها می‌روید آشکار است.

هوم یشت

بیستمین یشت اوستا هوم یشت نام دارد. هوم در اوستا «هُئومَه Haoma» که نام گیاهی مقدس است و هم نام پارسایی. ستایش هوم در این یشت فقط در دو بند آمده است، اما «هوم یشت» را هنگام تدوین اوستا در یسناها جا داده‌اند

ویسناهای نهم، دهم و یازدهم که هوم یشت نامیده می‌شود، در واقع همان هوم یشت است. از نامهای سی‌گانه روزها، روزی نامزد به این نام نمی‌باشد.

هووخ شتر

هووخشتر به سال ۶۳۳ قبل از میلاد مسیح به تخت سلطنت سلسله ماد نشست. در این هنگام اوضاع «ماد» خطرناک بود، ولی او به خوبی تشخیص داد که بی‌درنگ باید اصلاحاتی بکند و توجه خود را قبل از هر چیز به تقویت سپاه معطوف داشت و قشونی با اسلوب آشوری ترتیب داد. هووخ شتر پس از تجهیز سپاه به آسور حمله برد و با اینکه آسوریه‌ها سخت پافشاری کردند، سرانجام سردار آسور شکست خورد و قشون ماد داخل آسور شد و نینوا پایتخت آسور را محاصره کرد و چون معلوم بود که به واسطه استحکامات نینوا محاصره آن به طول خواهد انجامید هووخ شتر قسمتی از قشون خویش را

مأمور کرد تا جلگه‌های حاصلخیز آسور را اشغال کنند، زیرا تصمیم گرفته بود که دشمن را منهدم و نام آسور را از صحنه روزگار محو سازد. سپاه ماد با موفقیت پیش می‌رفت و نزدیک بود پایتخت دولت بزرگ آسور سقوط کند که ناگهان خبر تاخت و تاز حکام در آذربایجان و صفحات مجاور آن به شاه ماد رسید، و او چاره‌ای نداشت جز آن که محاصره نینوا را ترک گوید و به حفظ مملکت خود پردازد. این بود که با سپاه خود قصد دشمن کرد و در نزدیکی دریاچه ارومیه با «سکاها» به جنگ پرداخت و شکست خورد و مجبور شد شرایط سنگین آن را بپذیرد.

تاخت و تاز سکاها در ایران به قول هرودوت بیست و هشت سال طول کشید. هووخ شتر، پادشاه یا سردار سکاها را که «ماری‌یس» خوانده می‌شد با تمام سران سپاه سکایی مهمان کرد و همه آنها را در حال مستی بکشت و پس از این نیرنگ با آنها جنگید و چون سپاه

سکاها بی‌سرپرست بودند شکست خورده از ماد خارج شدند. هووخ شتر پس از اینکه سکاها را از ایران راند، باز به فکر اجرای نیت دیرین خود یعنی انقراض آسور افتاد و گویا اتحادی با پادشاه بابل کرده، کار آسور را یکسره کرده و آسور را میان خود و پادشاه بابل تقسیم کرد. سپس با لیدیه جنگ کرد و این جنگ مدت پنج سال به طول انجامید. سپس «سون‌سیوس» پادشاه «کیلکیه» و «بخت‌النصر» پادشاه بابل تصمیم گرفتند که رود هالیس سر حد دولتین گردد. پس از آن، واقعه مهمی روی نداد و یک سال بعد از انعقاد صلح در سال ۵۸۵ ق.م. مسیح درگذشت.

هووی

دختر فرشوستر و همسر اشوزرتشت است.

هوویشکا

پس از کنیشکای بزرگ مشهورترین

پادشاهان کوشانی است و قلمرو سلطنت او در هند بود. وی معاصر کنشکای دوم در افغانستان است و مانند جدش کنشکای اول در ترویج و تبلیغ آیین بودا سعی بلیغ کرد.

هویدا

امیرعباس هویدا فرزند حبیب‌الله در سال ۱۲۹۵ ه. ش. در تهران متولد شد. وی به واسطه مأموریت‌های پدرش در کشورهای عربی، در این کشورها بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بیروت به انجام رساند. بعد از خاتمه تحصیل در بیروت، به انگلستان و سپس بلژیک رفت و در دانشگاه آزاد بروکسل ثبت‌نام کرد و در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و تاریخ تحصیلات عالی خود را به پایان رساند. در سال ۱۳۲۱ ه. ش. به ایران مراجعت کرد و در وزارت امور خارجه استخدام شد. هویدا در سال ۱۳۲۴ ه. ش. در اولین مأموریت سیاسی خود به خارج از



هویدا

کشور، در پاریس با حسنعلی منصور آشنا شد و در همین زمان بود که خبر جنجال برانگیز شرکت عده‌ای از اعضای سفارت ایران در پاریس و از جمله هویدا و چند نفر از ایرانیان سرشناس دیگر، در قاچاق مواد مخدر، در روزنامه مردم ایران، ارگان حزب توده منتشر شد.

مناصب هویدا تا قبل از رسیدن به مقام نخست‌وزیری، عبارت بود از: کنسولیاری ایران در سرکنسولگری

اشتوتگارت آلمان، ریاست دفتر و منشی‌گری مخصوص عبدالله انتظام (وزیر امور خارجه کابینه حسین علاء) در سال ۱۳۲۹ ه. ش. خدمت در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به مدت پنج سال، رایزن سفارت ایران در ترکیه در سال ۱۳۳۵ ه. ش. عضویت در هیئت مدیره شرکت نفت از سال ۱۳۳۷ ه. ش. و وزارت دارایی کابینه علی منصور در سال ۱۳۴۲ ه. ش. بعد از ترور منصور، شاه در میان تعجب همه، هویدا را مأمور تشکیل کابینه نمود. امیرعباس هویدا نیز در ۱۱ بهمن ۴۳ کابینه خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

از جمله مهمترین وقایع دوران نخست‌وزیری هویدا عبارت بودند از: واقعه کاخ مرمر و ترور شاه در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴، برگزاری انتخابات دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی و دوره پنجم مجلس سنا، تشکیل مجلس

مؤسسان دوم و اصلاح چند اصل متمم قانون اساسی، استقلال بحرین، برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله، لغو قرارداد کنسرسیوم نفت، تشکیل مجدد سازمان بازرسی شاهنشاهی، افزایش بی سابقه میزان خریدهای تسلیحاتی از غرب و به‌ویژه آمریکا و انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در مورد رفع اختلافات ایران و عراق.

سرانجام پس از ۱۳ سال و تشکیل ۷ کابینه، دوره نخست‌وزیری هویدا در مرداد ۱۳۵۶ به پایان رسید. هویدا تا اواسط شهریور ۱۳۵۷ وزیر دربار بود تا اینکه در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ طبق ماده ۳۵ حکومت نظامی بازداشت و در باشگاه شیان که متعلق به ساواک بود، زندانی شد. وی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ توسط نیروهای انقلاب از باشگاه شیان به مدرسه علوی و چند روز بعد به زندان قصر انتقال یافت و در فروردین ۱۳۵۸ پس از محاکمه، اعدام شد.

۸. وزیر راه: مهندس حسن شالچیان،

مهندس جواد شهرستانی، مهندس
ابراهیم فرح بخشیان.

۹. وزیر بهداشت: دکتر جمشید آموزگار،

دکتر منوچهر شاهقلی، پروفیسور
انوشیروان پویان. دکتر شجاع‌الدین
شیخ‌الاسلام‌زاده.

۱۰. وزیر پست و تلگراف و تلفن:

مهندس فتح‌الله ستوده، دکتر کریم
معمدی.

۱۱. وزیر اقتصاد: دکتر علینقی

عالیخانی، هوشنگ انصاری.

۱۲. وزیر کشاورزی: سپهد اسماعیل

ریاحی، دکتر حسن زاهدی، دکتر
ایرج وحیدی، منصور روحانی.

۱۳. وزیر کار و امور اجتماعی: عطاء‌الله

خسروانی، دکتر عبدالمجید
مجیدی، امیرقاسم معینی، دکتر
منوچهر آزمون.

۱۴. وزیر اطلاعات: سرلشکر حسن

پاکروان، هوشنگ انصاری، جواد
منصور، دکتر محمد سام، حمید

اسامی وزرا و معاونان هویدا در کابینه‌های

او از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶

۱. وزیر دادگستری: دکتر باقر عاملی،

دکتر جواد صدر، منوچهر پرتو،
صادق احمدی، غلامرضا کیانپور.

۲. وزیر امور خارجه: عباس آرام،

اردشیر زاهدی، عباسعلی
خلعت‌بری.

۳. وزیر کشور: دکتر جواد صدر،

عبدالرضا انصاری، عطاء‌الله
خسروانی، حسن زاهدی، محمد
سام، دکتر جمشید آموزگار،
امیرقاسم معینی.

۴. وزیر جنگ: سپهد اسدالله صنیعی،
ارتشبد عظیمی.

۵. وزیر دارایی: امیرعباس هویدا، دکتر
جمشید آموزگار.

۶. وزیر فرهنگ و هنر: مهرداد پهلبد.

۷. وزیر آموزش و پرورش: دکتر هادی

هدایتی، خانم فرخ‌رو پارسا، دکتر
احمد هوشنگ شریفی، دکتر منوچهر
گنجی.

- رهنما، دکتر غلامرضا کیانپور، کریم پاشا بهادری.
۱۵. وزیر آبادانی و مسکن: دکتر هوشنگ نهاوندی، غلامرضا نیک‌پی، دکتر محمد یگانه، دکتر کورس آموزگار، مهندس همایون جابر انصاری.
۱۶. وزیر آب و برق: مهندس منصور روحانی، ایرج وحیدی، حکمت.
۱۷. وزیر مشاور در امور استخدای: دکتر منوچهر گودرزی، دکتر حسین کاظم‌زاده.
۱۸. وزیر مشاور در امور پارلمانی: دکتر ناصر یگانه، محمود قوام صدری، دکتر عزت‌الله یزدان‌پناه، دکتر ضیاء‌الدین شادمان.
۱۹. وزرای مشاور: دکتر محمود کشفیان، دکتر محمد نصیری، دکتر عبدالعلی جهانشاهی، جواد منصور، دکتر هادی هدایتی، دکتر منوچهر کلالی.
۲۰. معاون نخست‌وزیر در جلب سیاحان: دکتر قاسم رضایی.
۲۱. معاون نخست‌وزیر: دکتر غلامرضا نیک‌پی، سپهبد تقی مشاور، دکتر فرهنگ مهر، احمد کاشفی، یدالله شهبازی، دکتر حسین تدین، کریم پاشا بهادری.
۲۲. معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت کشور: سپهبد نعمت‌الله نصیری.
- * معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف: نصیر عطار، دکتر منوچهر آزمون، محمدحسین احمدی.
- * وزیر مشاور و معاون اجرایی: غلامرضا نیک‌پی، دکتر هادی هدایتی.
- * معاون نخست‌وزیر و رئیس دفتر بودجه: عبدالمجید مجیدی، دکتر حسین کاظم‌زاده، دکتر علی هزاره.
- * وزیر علوم و آموزش عالی: دکتر مجید رهنما، دکتر حسین کاظم‌زاده، دکتر منوچهر شاهقلی،

- * دکتر عبدالحسین سمیعی.
- * وزیر تولیدات کشاورزی و مواد
مصرفی: دکتر عبدالمجید مجیدی،
دکتر منوچهر گودرزی، سپهد
اسدالله صنیعی.
- * وزیر منابع طبیعی: مهندس ناصر
گلسرخی.
- * وزیر اصلاحات ارضی و تعاون
روستایی: دکتر عبدالعظیم ولیان،
مهندس رضا صدقیانی.
- * وزیر مشاور و سرپرست سازمان
برنامه: مهندس صفی اصفیا،
عبدالمجید مجیدی.
- * نایب نخست وزیر و وزیر مشاور در
امور عمرانی و اقتصادی: مهندس
صفی اصفیا.
- * وزیر مشاور و مسئول طرح حمل و
نقل: دکتر منوچهر گودرزی.
- * وزیر بازرگانی: دکتر فریدون
مهدوی، دکتر منوچهر تسلیمی.
- * وزیر صنایع و معادن: فرخ
نجم آبادی.
- * معاون نخست وزیر و سرپرست
سازمان انرژی اتمی: دکتر اکبر
اعتماد.
- * معاون نخست وزیر و سرپرست
تربیت بدنی: منوچهر قره گوزلو،
سپهد پرویز خسروانی، سپهد
مصطفی امجدی، سپهد علی
حجت کاشانی.

هیئتهای مؤتلفه اسلامی

هیئتهای مؤتلفه اسلامی گروهی از
جوانان و روحانیون متدینی بودند که در
جریان قیام پانزده خرداد به اندیشه ایجاد
یک تشکّل اسلامی برای فعالیتهای
سیاسی و فرهنگی در خط رهبریهای
امام خمینی افتادند. این گروه پس از
تبعید امام خمینی در سال ۴۳، شاخه ای
نظامی تشکیل داد و تصمیم به ترور
سران حکومت و دست اندرکاران رژیم
گرفت. نخستین اقدام، ترور حسنعلی
منصور نخست وزیر وقت بود که با
موفقیت انجام شد، اما رژیم موفق

است. در میان خرلخها طایفه‌ای هم به نام «ابدال» یا «یفتل» بوده است. چینان سرزمین خرلخ را بر خرلخهای کوهستان تیانشان اطلاق می‌کردند، و به جای ابدال «یه تا» یا «یپ تا» گفته‌اند.

هیوآن تسیانگ سیاح معروف چینی که در سالهای ۶۳۰-۶۴۵ از سرزمین هفتالیان دیدار کرده است، نام ساکنان تخارستان بزرگ را به صورت «هی - ما - تالو» نوشته است. وی این کلمه را سانسکریت دانسته، و به چینی به معنای «مردم دامنه کوههای برف‌دار» تفسیر کرده است. این بیان روشن‌گر آن است که مراد از «هی - ما - تالو» همان خرلخ (خارلخ) بوده، زیرا معنای «قارلیق» نیز به ترکی «ساکنان سرزمین برف آکند یا برف‌دار» است. در این باره مارکوارت در کتاب وهرود و ارنگ نوشته که اراضی واقع بین جیحون و رود کاشغر را ترکان خرلخ می‌خواندند.

کاملترین معلومات درباره هیاطله را می‌توان از آثار مورخ مشهور

به‌دستگیری اعضای این شاخه و به‌طور کلی بیش از یکصد نفر از اعضای این هیئت‌ها شد و آنان را در دادگاه نظامی به‌محاکمه کشاند و چهار نفر از اعضای این گروه را به‌نامهای محمد بخارایی، مرتضی نیک‌نژاد، رضا صفارهرندی و حاج صادق امانی را به اعدام و عده‌ای دیگر از جمله مهدی عراقی را به حبسهای طولانی محکوم ساخت. ارتباط مستحکم با روحانیت از جمله ویژگیهای این تشکل سیاسی بوده است.

هیاطله

درباره هیاطله، زکی ولیدی می‌نویسد: نام هفتالیها در تواریخ اسلامی به صورت هیاطله آمده است. این کلمه در شاهنامه فردوسی به اقتضای وزن شعر «هیتال» ذکر شده، و جمع آن هیتالیان آمده است. نام دو طایفه از هفتالیان در آثار خوارزمی خرلخ و گنجینه (خنجینه) ذکر شده که کسور ایشان طخیرستان به ضم طاء بوده

داشته‌اند، در تخارستان به «یتی - ال» (یدی ایل) وهیتال، و از طرف ایرانیان به «هفت ایل» نامیده شده باشند، همانند قبیله «سکز» متشکل از هشت قبیله «سکز اوغوز» که در میان مغولان به نام مغولی نایمان شهرت یافتند.

سیاح دیگر چینی به نام سونگ یو هنگام عبور از ممالک هفتالیان در سال ۵۱۷ اقوام فرمانروای آنجا را به نام «تیه‌لو» خوانده، و گفته است که از سوی شرق تا ولایت ختن، و از غرب تا حدود ایران، و از شمال تا تکین در تحت نفوذ آنان بوده است. مارکوارت پایتخت هیاطله را شهر «پوآتین» می‌نویسد و اضافه می‌کند که ظاهراً معنی این نام قلعه یا ارک شاهی بوده است.

نام هیاطله در زبان یونانی اپتالو، و جمع آن افتالیته و به سریانی افتالیت و به ارمنی هپتال و به پهلوی هفتالان آمده است. در منابع چینی نام پادشاه هیاطله «یه - ئی تالی تو» آمده که در سال ۵۱۶ م. سفراتی به دربار چین به نانکن اعزام داشت.

مسعودی به دست آورد. وی از فتوحات آنان در ایران، و حکومتی که در سال ۷۶۵ میلادی در ترکستان تشکیل داده بودند، آگاهیهای سودمندی می‌دهد. مسعودی از قومی به نام هیاطله تنها در سفد بین سمرقند و بخارا در محلی به نام «کشانیه» یاد کرده است و احتمال دارد که آنان همان خرنلخهای بخارا بوده باشند.

مسعودی در مواردی دیگر تنها از خرنلخها سخن به میان آورده، و با آنان یک قبیله ترک دیگر را به نام «الیدی» (یدی) نیز ذکر کرده است. از ایشان در منابع چینی به نام «ایتا، اتا، ادا» همراه با خرنلخها در حوادث سال ۶۷۳ و همچنین در حوادث ۷۶۳ م. نام رفته است، که در آن زمان هر دو قبیله در شمال قانسو، لیانغ، چاو، و کوههای آلاشان یک ولایت مستقل تشکیل داده و تابع حکومت «نه او یغور» بوده‌اند.

ممکن است جامعه هفتالیان که در شرق نام ترکی «یدی» به معنی هفت

پروکوپوس مورخ رومی می‌نویسد: «هیاطله قومی هستند از نژاد هونها، ولی به واسطه بعد مسافتی که با آنان دارند هیچ گاه با اقوام دیگر نژاد مزبور آمیزش نمی‌کنند. سرزمین هیاطله در شمال ایران واقع است، و شهر آنان که «گورگور» نام دارد، درست در مجاورت خط سرحدی ایرانیان بنا گردیده و به همین جهت غالباً بر سر مسائل مرزی میان این دو کشور نزاع و نبرد برپاست. هیاطله مانند دیگر طوایف هون چادرنشین نیستند و ییلاق و قشلاق نمی‌کنند و مدتهاست که در سرزمین حاصلخیزی اقامت گزیده‌اند. در میان نژاد هونها تنها این طایفه هستند که پوست سفید دارند، و قیافه آنان زشت و بدمنظر نیست و مدتی است که از حال توحش بیرون آمده، و به مدنیت گراییده‌اند. حکومت آنان پادشاهی است، و چون در کشور آنان قوانینی نیز وضع گردیده است، معاملات ایشان با خود و همسایگانشان بر اصول مساوات

و عدالت استوار است و از این حیث فرق بسیاری با رومیان و ایرانیان ندارند. در میان بزرگان و توانگران آنان رسم است که همواره بیست تن یا بیشتر، ندیم و همنشین برای خود برمی‌گزینند و در همه دارایی خود به آنان یک قسم حق شرکت می‌دهند و در مجالس و میهمانیها آنها را باخود می‌برند، ولی ضمناً عادت بر این جاری شده که وقتی یکی از بزرگان نامبرده بمیرد، همه آن ندیمان را زنده در آتش می‌افکندند و ایشان را با خود وی بگور می‌سپارند.

هفتالیان بعد از مهاجرت از ایالت کانسوی چین به غرب آسیا، از برادران یوئه‌چی خود در آسیای مرکزی جدا شده، و مدتی در حوالی کوههای تبت سکونت نمودند، و در حدود سال ۴۲۵ میلادی از سواحل چپ جیحون گذشته، و اولین سلطنت هفتالی را در تخارستان تأسیس کردند، و از تخارستان تا مرو را که شامل ولایات قطغن و بدخشان، بلخ و سغد می‌شد به تدریج به تصرف در

آوردند. نخستین پادشاه ایشان افتالو در ۴۲۵ با این لقب تاج شاهی بر سر گذاشت. وی با دوست و پنجاه هزار سپاه از جیحون گذشته به ایران حمله آورد. در این زمان بهرام پنجم با لشکری اندک در مرو به وی شبیخون زد و او را شکست داده بکشت.

پادشاه معاصر فیروز، اخشنوار نام داشت، که در منابع عربی و فارسی که به خداینامک منتهی می‌گردد اسم او «اخشونوار» و «اخشووان» یا «خوشونواز» (خوشنواز) آمده است. چنین به نظر می‌رسد که این اسمها همه تحریف کلمه خشوان است که در سغدی به معنی شاه می‌باشد. اخشنوار در طول ۴۶۵ به سلطنت نشست و از بزرگترین پادشاهان هفتالی است. وی زمستان را در بلخ (تخارستان)، و تابستان را در بدخشان اقامت داشت. در دوره ساسانیان پادشاهان آن سلسله مکرراً با هیاطله درگیر بودند.

هیپارخی: — آپارخی

هیت

هیت یکی از مناطق آباد و از پادگانهای مهم حاشیه صحرای عربستان بود که در روزگار انوشیروان و شاید هم پیش از او یکی از مراکز پنجگانه‌ای بود که برای اقامت موقت سفیرانی که از خارج به دربار ایران می‌آمده‌اند معین شده بود، تا در آنجا هدف از مأموریت خود را برای نماینده دولت روشن سازند و آن‌گاه خبر ورود آنها و هدف از اجازه آنها را با تشریفات رسمی به پایتخت برسانند.

هی توسر

خدای آفتاب در مذهب سکاها.

هیتی‌ها

از مردمان شمال غربی ایران قدیم بودند. موطن ایشان آسیای صغیر در

منطقه رود هالیس و کشورشان خاطی و پایتخت آن «خطوشش» در نود مایلی شرقی آنکارا در بوغازکوی بود و بعداً اقوامی از ایشان به طرف جنوب و مشرق منتشر شدند و میتانی‌ها که قومی از ایشان بودند قبل از دیگران شروع به مهاجرت کردند. پس از آن هیتی‌ها به معنای اخص حرکت کردند (قرن ۱۵ ق.م.) و بعد در قرن یازدهم قبل از میلاد نهضت مردمان دیگر آسیای صغیر شروع شد. در میان آنان بعضی طوایف آریایی به معنای اعم، هند یا اروپایی بودند. این مهاجرتها انقلابی در عالم قدیم پدید آورد که دامنه آن تا مصر کشید و کشور بزرگ هیتی‌ها را جاروب کرد و به جای آن دولتهای کوچکی تشکیل گردید تا اینکه دولت کیلیکیه و بعد لیدیه در قرن نهم ق.م. تأسیس شد و تقریباً در هزار سال پیش از میلاد در حدود جنوبی آسیای صغیر دولتهای هیتی و آرامی و در مشرق آن دولت وان یا «اورارتو» وجود داشتند، که با

آسوری‌ها در زد و خورد بودند. این دولت و دولت هیتی و آرامی را نهضت مردمان هند و اروپایی منقرض کرد. از هیتی‌ها آثاری در تل‌العمرنه مصر و بغازکوی در پتیریا Pateria پایتخت قدیم هیتی‌ها که در کاپادوکیه نزدیک آنکارا در مشرق آسیای صغیر واقع بود، کشف شده است. آثار بغازکوی از دفاتر اکدها است. از کلیه آثار مکشوفه به خط میخی، سعی، کرده‌اند که عقیده عمومی را راجع به آن قوم اختیار کنند. ولی چیزی که قبول اکثریت را دارا باشد، نگفتند. بعضی هم مانند هممل Hommel تصور می‌کند که آثاری از نفوذ زبان هیتی‌ها در زبان گرجی فعلی مانده است. پرفسور مار عقیده دارد که اثراتی از این زبان در زبان ارمنی هم مشاهده می‌شود. آثاری هم از هیتیها در سوریه و نقاط دیگر آسیای صغیر به دست آمده است. این نوشته‌ها ایدئوگرامی و نموداری است. و تصور می‌کنند که هیتی‌ها پیش از اقتباس خط

بود. پادشاه بزرگ را «یاتلابارناش» می‌گفتند پادشاه بزرگ، خود را پدر ملت می‌دانست، و شاه پس از مرگ عنوان خدایی پیدا می‌کرد. هیتی‌ها خشونت آشوریه‌ها را نداشته و نسبت به دشمنانی که به اطاعت ایشان در می‌آمدند رثوف بودند.

هیرید

در اوستا (aethrapaiti) روحانیون آتشگاه. به معنی آموزگار و معلم است، و چون پیشوایان زرتشتی به تعلیم نیز می‌پرداختند کلمه مزبور در مورد روحانیون زرتشتی نیز به کار رفته است.

هیریدستان

هیریدستان را معمولاً جزء نیرنگستان به شمار آورده‌اند، زیرا در نسخه‌های خطی، هیریدستان مقدم بر نیرنگستان می‌آید و نیز از این جهت که هر دو متن از نظر سبک نگارش

میخی از مردم بین‌النهرین، به این خط می‌نوشتند. بعضی علما موطن اصلی هیتی‌ها را آسیای صغیر و مخصوصاً کاپادوکیه می‌دانند. در ایوک و بغازکوی معابد و آثار بزرگی از آنان یافته‌اند و در همین جا هم بایگانی هیتی‌ها (در حدود ۱۳ هزار قطعه مکتوب) به دست آمده است. این دفاتر حاوی هزاران سند است و مانند قسمتی از اسناد تل‌العمرنه مصر می‌باشد. همل و ادوارد میر Edward Meyer عقیده دارند، که اسامی بعضی از امرای قسمت جنوبی فلسطین چنانکه در تل‌العمرنه دیده می‌شود صورت آریایی دارد. کتیبه‌های هیتی‌ها بعضی به خط میخی و برخی به خط هیروگلیفی است (که تا اندازه‌ای غیر از هیروگلیفی مصر است. از علمای معروف هیتی‌شناس هرزنی Horzny (۱۸۷۹-۱۹۵۲) است که از مردم چکسلواکی بود.

امپراتوری هیتی‌ها ملوک‌الطوایف

هماننداند. هیربدستان مربوط به تحصیلات و مطالعات هیربدی و وظائف و تکالیف هیربدان است. این متن خصوصاً از جهت در برداشتن مطالبی در مورد تحصیلات دینی زنان در خور توجه است. نیرنگستان شرح قوانین آیینهای دینی است و در آن از هوم، درون (نان دعا خوانده)، برشم (شاخه‌های مقدس که در هنگام مراسم دینی در دست می‌گرفتند)، نثارها و چگونگی فراهم آوردن و آماده کردن آنها، قربانی‌ها، موارد برگزاری آیینهای دینی و دعا‌های مخصوص آنها به تفصیل سخن رفته است.

هیرکان (Hyrkan)

از خانوادهٔ توویاد (۱۷۵-۱۷۴ پ.م.) که خانه‌ای در کنار اردن ساخت که نمای آن به سبک هنر هخامنشی بود.

هیرکانی

در اوستا «وهرکانه» و استرابون آن را «هیرکانیا» و موسی خورن «ورکان» می‌نویسد و به عربی جرجان و به پارسی گرگان می‌باشد. این ایالت از شمال به دریای کاسپین که آن را به نام این ایالت دریای گرگان می‌گفتند و از جنوب به پارت و از مغرب به ماد و از مشرق به مرو محدود بود. استرابون ساکنین هیرکانی را «ماردی» یا «آمارد» (آملی) و تپوری (طبری) می‌نامد.

از شهرهای هیرکانی، «کومیسن» که پیارسی کومس و بعربی قومس شده است می‌باشد. این شهر در نزدیکی دامغان بوده است.

نام این محل در اوستا «چخره» آمده که آن را با شاهرود تطبیق کرده‌اند. دیگر از شهرهای معروف هیرکانی صد دروازه است که آن را به یونانی هکاتوم پولیس می‌خوانده‌اند. ظاهراً طبرستان و

کادوسیان (گیلان) جزو این ایالت
محسوب می شده است. دیگر از
شهرهای عمده آن «زدرکرته» بوده است
که در نزدیکی استرآباد کنونی واقع بوده
است.

هیستوریا

کتاب معروف هرودت.

هیر و گلیف

نوعی خط که به معنی «خط
کاهنان» است و نشان دهنده اعضای
مذهبی نویسان در مصر باستان.

هیندوش

نام قدیم مملکت سِند.

ی

ی ثونَ

نام قدیم یونانیهای آسیای صغیر.

یاتسویچ: — گراتیان یاتسویچ

یادگار بزرگمهر

اندرزنامه‌ای است از بزرگمهر
بُختگان، وزیر دانای انوشیروان. متن با
مقدمه‌ای در معرفّی بزرگمهر از زبان
خود او (با ضمیر اول شخص) آغاز
می‌گردد که در آن پس از ذکر القاب
خویش، می‌آورد که این رساله را به
فرمان خسرو (انوشیروان) به این منظور

تألیف کرده و در گنج شاهی نهاده است
که بتواند موجب بهبود فرهنگ کسانی
باشد که شایستگی پذیرش آن را دارند.
سپس شرحی در بی‌دوامی امور گیتی و
ثبات و دوام پارسایی و کارهای نیک
می‌آورد و متذکّر می‌گردد که خود او
پیوسته در پرداختن به پارسایی و برهیز
از گناه کوشا بوده است. (بندهای ۱ تا
۴). آن‌گاه متن اصلی اندرزنامه آغاز
می‌گردد.

اندرزها به صورت سؤال و جواب است.
سؤالاها را مؤلف خود طرح می‌کند و

خود به آنها پاسخ می‌گوید. این سؤالها درباره چگونگی فضیلت (= هنر) یا رذیلت (= آهو: عیب) یا درباره دارنده آن است. بندهای ۸۵ تا ۱۰۴ درباره فضائل و متشابهات آنهاست که اصطلاحاً «برادران دروغین» نامیده می‌شوند. این متشابهات در حقیقت رذائل هستند. مثلاً رادی (= بخشندگی) فضیلت است ولی اسراف، که متشابه یا برادر دروغین آن است، رذیله به شمار می‌رود.

یادگار زیریران

کتابی است از مجموعه ادبیات که به زبان پهلوی به آن ایاتکار زیریران، «تکار زیریران» نیز گفته‌اند. و آن رساله‌های حماسی و مذهبی است مشتمل بر قریب ۳۰۰۰ کلمه، که ظاهراً در حدود قرن ۶ م. تدوین شده است. این کتاب در زمان اشکانیان تغییراتی در آن راه یافته و به وضع فعلی درآمده. ظاهراً کلماتی که برای توضیح و تفسیر اشعار این منظومه آورده شده است وارد متن کتاب گردیده و گویند این منظومه

بعضی از اندرزهای این مجموعه از نوع اندرزهای اخلاقی تجربی و بعضی از نوع اندرزهای دینی زردشتی است و در آنها اصطلاحات دینی زردشتی به کار رفته است (مانند بندهای ۴، ۱۲، ۱۳، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۱۹۵ و غیره). این اندرزنامه در دوران اسلامی نیز از شهرت و اهمیت برخوردار بوده است. ترجمه بیشتر بخشهای آن به عربی در جاویدان خرد تحت عنوان «مااخترته من آداب بزرگمهر» آمده است و فردوسی

دوره اشکانیان، که اساس رساله فعلی
یادگار زیراست به تقلید و بر اثر
منظومه‌ای که در دوره هخامنشیان
منظوم گردیده به وجود آمده است.
موضوع کتاب جنگ میان ایرانیان و
تورانیان (گشتاسب و ارجاسب) بر سر
دین زرتشت می‌باشد. پهلوان این
داستان زیر، برادر و سپهسالار
گشتاسب است که به دست ویدرفش
جادو کشته می‌شود، ولی پسر او بستور،
ویدرفش را به قتل می‌رساند، و
ارجاسب به توران می‌گریزد. این رساله
در ادبیات ایران تأثیر کرده است و دقیقی
از آن متأثر گردیده و در شاهنامه نیز این
تأثیر نمایان است.

یارغو

دادرسی قضایی در حکومت
مغول.

یارغوچی

کلمه مغولی به معنی قاضی و

مدافع و حاکم قانون.

یارغو: — دیوان شرع و یارغو

یارق تیمور

از امرای امیر تیمور گورکانیان.

یازیلیکایا

پرستشگاه هیتی نزدیک به
غارکوی.

یاسا

واژه‌ای مغولی به معنی: مجموعه
قوانین (قاعده و قانون) مخصوصاً قوانین
چنگیزخان که به دستور چنگیز نوشته
شد و دستور داد آن قوانین را به خط
اویغوری بنویسند و در خزانه خاندان
خود بایگانی نمایند.

یاساهای چنگیز حتی پس از بر
افتادن مغولان از ایران از طرف تیموریان
نیز مورد احترام و رعایت بود.

یاساهای غازانی

غازان‌خان گذشته از مسلمانی، پادشاهی لایق و مقتدر بود. وی یاسای چنگیزی را که رو به فراموشی می‌رفت دیگر باره احیا کرد و قوانین تازه‌ای بر آن افزود که به نام یاساهای غازانی معروف شد که عبارتند از:

۱- اصلاح وضع آشفته مالیات که بیش از دو سال از رعیت مالیات نگیرند و به هرولایتی یک نفر مستوفی اعزام داشت تا املاک را ممیزی و جمع آنها را نزد ایلخان بفرستند.

۲- ساختن چاپارخانه در هر سه فرسنگ.

۳- ممنوع کردن رباخواری و بهره بردن از پول.

۴- یکنواخت کردن مسکوکات و عیار سکه‌ها در تمام شهرهای ایلخانی.

۵- یکسان نمودن مقیاسات و اوزان در سراسر کشور.

۶- برای آباد کردن اراضی فرمان داد از

مالیات هرولایت را به عنوان

قیمت بذر و مصارف زراعت در

اختیار حکام بگذارند که در نتیجه

این تدبیر جمیع اراضی بایر رو به

آبادی گذاشت.

۷- امنیت راهها از دستبرد راهزنان

توسط راهداران.

۸- ممنوع کردن شرب خمر در ملاً عام

و تنزل دادن مهریه دختران.

۹- اصلاح قوانین قضایی.

۱۰- اصلاح پرداخت وظیفه لشکریان.

ذکر این نکته ضرورت دارد که

نظрهای خیرخواهانه خواجه

رشیدالدین فضل‌الله وزیر با تدبیر او در

وضع این اصلاحات مؤثر بوده است.

یاسا: — یاساهای غازانی

یاقوت

ابو عبد الله یاقوت بن

عبد الله الرومی الحموی ملقب به

شهاب‌الدین در بلاد روم تولد یافت.

از تألیفات یاقوت «معجم البلدان»
بیشتر معروف است. این کتاب که در
جغرافیا نوشته شده در ۶۲۱ به اتمام
رسید.

امروز سیر دریا نام دارد.
پام
واژه‌ای مغولی به معنی: مرکز
پست، چاپارخانه و پاسدارخانه.

یاقوت ترکان

نام دختر براق حاجب از امرای
گورخان قراختای که در کرمان سلطنت
می‌کرد و در سال ۶۳۴ درگذشت.
ترکان خاتون زوجه اتابک سعدبن
ابوبکر بن سعدبن زنگی، دختر اتابک
یزد قطب‌الدین محمود شاه و مادرش
یاقوت ترکان دختر براق حاجب مؤسس
سلسله قراختایان کرمان بود.

یحیی بن معاذ بلخی

ابوزکریا یحیی بن معاذ بلخی یا
رازی از مشایخ بزرگ تصوف ایرانی که
در سال ۲۴۶ یا ۲۵۸ ه. ق. وفات یافته
است.

یُرتچی

منصبی در عهد قاجار، و آن کسی
بود که جای اردو و جای چادرشاه و
اعیان هر طبقه را معلوم می‌کرد.

یاقوت حموی ← یاقوت

یاقوتی

امیر یاقوتی پسر داود چغری بیک و
برادرزاده سلطان طغرل سلجوقی بود.

یرلیغ = یرلیق

به معنی فرمانهای قانونی در دولت
مغول.

یاکزارت (سیمون)

یرلیقها حاوی تمغا یعنی مهرخان با
مرکب سیاه یا آب طلا بود و کسی که

رودی که در دریای آرال می‌ریزد و

مأمور مهر کردن یرلیقه‌ها و فرمانها بود او را تمغاچی می‌گفتند.

یزته‌ها

از دستیاران درجه دوم اهورامزدا در دین زرتشت که معاونین امشسپندان می‌باشند.

یزد

اولین بنای یزد را به اسکندر مقدونی نسبت می‌دهند و می‌گویند هنگامی که اسکندر به ری می‌رفت در یزد، زندانی ساخت که آن را «کته» می‌گفتند، و در آن چاهی بود که بزرگان را در آن چاه زندانی می‌کردند. چون ساختمان این زندان پایان یافت گروهی از مردم را به کار حفاظت زندانیان گماشت و گروهی دیگر را به کار زراعت و ساختمان مشغول کرد و قناتی به نام دهاباد در آن شهر جاری ساخت.

یزدگرد یکی از شاهنشاهان ساسانی است که او را باید بانی شهرها

نماید می‌نویسند: در سر راه خود به خراسان زمینی زیبا دید و گفت من در اینجا شهری به نام خدا خواهم ساخت که همان یزدان شهر است. بنایان در کار آمدند و اخترشناسان زیج برداشتند به طالع سنبله طرح عمارتی بینداختند و به کار مشغول شدند و چون به نام یزدان می‌ساخت آن را یزدان کرت نام نهاد. اسم او که شاپور بود به یزدگرد مشهور شد و این خطه به یزد معروف گردید.

شاپور که بعدها لقب یزدگرد یافت روزی ستاره‌شناسان را طلب فرمود و گفت مدت عمر و سبب مرگ مرا بیان کنید. ایشان در یک جا جمع شده و بعد از تأمل بسیار امان خواسته به عرض رسانیدند که تو را یک سال دیگر از عمر مانده است و فوت تو در خراسان به ولایت طوس برکنار چشمه سبز خواهد بود. او سوگند یاد کرد که من هرگز متوجه طوس و چشمه سبز نشوم و چون شش ماه از این معنی بگذشت دماغش بگشود و خون روان گشت و به هیچ وجه

باز نمی‌ایستاد. اطباء از معالجه عاجز آمده به اتفاق گفتند که تواز حکم یزدانی سر توانی پیچید. علاج در آن است که به خدا بازگردی و توبه کنی و متوجه ولایت طوس شوی و آن آب بر سر نهی تا این خون باز ایستد. چون تدبیر دیگر ندانست در محفه نشست و با امر او لشکر متوجه خراسان شد. چون بدین عمارت که او را کثه می‌خواندند فرود آمد. اعتدال هوای آن سرزمین در او اثر کرده خون از دماغ او باز ایستاد و اندک توانایی در جسد او پدید آمد. گفت این زمین مبارک است و من آنجا شهری می‌سازم. بنایان و اخترشناسان، طالع سنبله را اختیار نمودند و بنایان در آن طالع شروع در عمارت شهر نمودند و چون به نام یزدان می‌ساخت او را یزدان کرت نام کرد و اسم خود را که شاپور بود به یزدگرد مبدل کرد و بعد از آن این خطه به یزد اشتها یافت و چند قنات جاری کرده عمارت و بساتین ساخته متوجه خراسان گشت و به طوس آمده بر کنار

چشمه سبز رفته روبروی خاک نهاده و از گذشته ندامت برد و آب چشمه بر سر کرده خون از دماغش به کلی باز ایستاد. به حال صحت آمد و بر کنار چشمه لشکرگاه ساخت و دو ماه در آنجا بود. بعد از دو ماه روزی در خیمه نشسته بود که ناگاه اسبی نیکو چنانچه رایض فلک مثل او ندیده بود در حوالی خیمه‌اش از چشمه بیرون آمد و به هر طرف می‌دوید. شاه را آن اسب به غایت مرغوب و پسندیده نمود و امر فرمود که آن اسب را به کمند بگیرند و لشکر هر چند سعی نمودند نتوانستند او را گرفتن. آخر الامر یزدگرد خود متوجه شده است او را به آواز حزین بخواند و اسب رام او شد. شاه زین و نمدزین طلب داشت و بر پشت اسب گذاشت و چون خواست که پا را بر او افکند، اسب چنان لگدی بر سینه او زد که در حال طایر روحش از قفس بدن در پرواز آمده به عالم بقاء خرامید؛ اسب خود را فشانده، زین و نمدزین را از خود جدا کرده خود را در

آب چشمه انداخت و ناپدید شد. غریو از لشکر برخاست نموده فزع اکبر بر عالمیان ظاهر گردید و این خبر وحشت‌انگیز به اطراف و اکناف رسید. معماران که به عمارت یزد مشغول بودند دست از عمارت داشتند و عمارت نیمه‌کاره بماند. این داستان را سعید بن به‌طریق و ابن قتیبه و دیگران نیز ذکر کرده‌اند که مبتنی بر ترجمه ابن المقفع از خداینامه است.

بعضی این روایات را افسانه می‌دانند و در این عقیده‌اند که پادشاه در نتیجه سوء قصدی کشته شد و قاتلین لگد زدن اسب را از خود جعل کردند تا حقیقت امر مکتوم بماند. نولد که می‌نویسد این واقعه بایستی در گرگان اتفاق افتاده باشد نه در طوس و گوید که قتل این پادشاه بر اثر توطئه بزرگان کشور که دشمن او بودند روی داده و این افسانه را از آن جهت اختراع کرده‌اند که کسی آگاه نشود. ایشان اقامت یزدگرد را در محل دوردستی مغتنم شمرده و خود

را از دست او که موافق طبعشان نبوده رهایی بخشیده‌اند و بدین ترتیب او را مانند دو پادشاه پیش از وی بکشند. این ناحیه در قدیم‌ترین اثر جغرافیایی فارسی یعنی حدود العالم کته نامیده شده است. ابن بلخی، یزد و اعمال آن: مید، ناین، کته، فهرج... را جملگی از پارس می‌داند که ابتدای حد کوره اصطخر است. آب آن همه از کاریز و هوای آن معتدل است اما به حکم آنکه بر کنار بیابان است میل به گرمی دارد و میوه‌ها از همه انواع باشد. ابن حوقل یزد را بزرگترین ناحیه ایالت اصطخر می‌نویسد که شهر «کته» کرسی آن است. لسترچ می‌نویسد یزد در زمان قدیم «کته» نام داشته است و چون نام یزد به شهر گذاشته شد نام کته را بر ولایت یزد اطلاق کردند و به آن حومه یا حومه یزد گفتند. در معجم البلدان نیز کته کوره یزد و یزد کوره اصطخر آمده است. اصطخری نیز یزد را بزرگترین ناحیه ایالت اصطخر می‌نویسد.

بعد از یزدگرد، بهرام پنجم معروف به بهرام گور به پادشاهی رسید و او را پسری آمد که یزدگرد نامش کرد و یزد را به اقطاع او داد و یزدگرد چون به بیست سالگی رسید با حرم و خاصیان متوجه یزد شد و بنایان را مأمور عمارت آن شهر کرد. به این ترتیب کار ناتمام یزدگرد اول که به سبب مرگ ناگهانی او نیمه کاره مانده بود به دست یزدگرد دوم پایان یافت و از همه ممالک خانه کوچ طلب فرمود و در یزد مقیم گردانید و چون زمین حاصلخیز و با اهمیتی بود بسیاری خود را در آنجا وطن ساختند و بین این جماعت سه سرهنگ بود یکی بیدار دیگری عقدار و سومی میبدار و هر یک دهی ساخت. بیدار «بیده» عقدار «عقده» میبدار «میبد» که هر سه در کنار دریای ساوه بود و تا همدان و یزد کشیده شده بود و بندر آن بارجین «بارگین» بوده است.

در بعضی از کتابها ساختمان میبد را به موبد میرقباد برادر انوشیروان نسبت

می دهند. یزدگرد دوم در یزد بناهای عالی ساخت. مقنیان آورد و چند قنات و کاریز جاری ساخت؛ از جمله قنات یزدآباد، دهاباد و بارین آباد. و به فرمان او در یک فرسنگی شهر دخمه ای از سنگ در کوه مشهور به «دو دلبه» بریدند که در آنجا آب جاری بوده است.

یزدگرد دو پسر داشت فیروز و بلاش و چون بهرام گور دارفانی را وداع گفت و یزدگرد بر تخت سلطنت جلوس کرد یزد را به اقطاع به دو پسر خود واگذار کرد. فیروز و بلاش به یزد آمدند و مال و شهر و ولایت را قسمت کردند و در یک فرسنگی طرف جنوبی شهر جهت حفظ اموال و ائقال، حصنی عالی ساختند و مال را در آنجا جمع آوردند و کوتوالی در آنجا نشاندند. آثار آن حصن در زمان تألیف تاریخ یزد باقی و مشهور به دژ دو برادران بود. مردم به عزم سیر بدانجا روند و زیارتگاه مردم یزد به شمار می رفت.

می نویسند زمانی که بهرام گور

گرفتار جنگ با خاقان چین بود مدت چند ماهی از بهرام خبری نبود. در این موقع یزدگرد که در یزد بود محض احتیاط از یزد خارج شد و در صحرایی در خارج از شهر خیمه زد و منتظر اخبار بود. در این موقع همسر او وضع حمل کرده پسری به دنیا آورد و در همان موقع مبهتری از راه خراسان رسید و خبر پیدا شدن بهرام و فتح بزرگ او برخان چین را به او داد. یزدگرد خرم و شادان گردید و فرزند را فیروز نام نهاد و آن محل را «ریگ فیروزی» خواند و به همین نام نیز شهرت یافت. فیروز بعدها که بزرگ شد و حکومت یزد را یافت آبادیهای زیادی در اطراف یزد، مانند: فیروزآباد مجومرد، فیروزآباد میبد بنا نهاد و بلاش برادرش نیز باغات مصفا و قصور عالی بنا کرد و آتشگاهی ساخت و آن را بلاشگرد نام کرد که بعدها به ابوالعسکر معروف گشت.

یزد در زمان قباد ساسانی و پسرش انوشیروان نیز آبادیهای زیادی بر آن

اضافه شد. قباد نذر کرده بود که اگر بار دوم به پادشاهی برسد آتشگاهی بزرگ در شهر یزد بسازد. این آتشگاه معتبر را در ناحیه میبد ساخت و از هفت آتشخانه بزرگ به آنجا آتش آورد. این هفت آتشخانه، آتشخانه فارس، آتشخانه بلخ، آتشخانه نسا، آتشخانه آذربایجان، آتشخانه اصفهان، آتشخانه غزنین و آتشخانه تیسفون بوده است و این شهر را هفت آذر نام کردند.

انوشیروان یزد را به اقطاع دخترش مهرنگار، فرزندی که از دختر خاقان چین داشت (انوشیروان از دختر خاقان چین دو فرزند داشت دختری به نام مهرنگار و پسری به نام هرمزد) داد، و چون مهرنگار مالک رقاب یزد گردید عاملان و مقنیان به یزد فرستاد و عمارت بسیار در این شهر کرد در هشت فرسنگی شهر دهی معتبر ساخت که فوق العاده آباد و وسیع بود و آن را به نام خود «مهرگرد» نامید. بعدها این ناحیه «مهریجر» خوانده شد و ولایتی دیگر

در حوالی شهر میبد به نام مهرجرد «مهرگرد» بنا نهاد و برادرش هرمزد نیز در یک فرسخی «مهریگرد»، ولایتی ساخت و آن را «هرمزد» نام نهاد که بعدها به خورمیز «خورمز» شهرت یافت.

مهرنگار دختر انوشیروان قناتی در کنار قصبه مهریگرد جاری ساخت و آن را «مهریادین» نام گذاشت. در اطراف آن، محله بزرگ و معتبری ساخت و به مهرآباد موسوم گردانید و تمام این آبادیها در نهایت وسعت و خوبی عمارات و بستانها به اتمام رسید. می نویسند از زمان مهرنگار به بعد پادشاهان تمام یزد و ولایات، بعضی از وجوهای قصبات را، خصوصاً جزیه مجدسیان این ولایت را، به اقطاع و تیول و ممد معاش ملکه حرم عنایت می فرمایند.

خسروپرویز در دوران زمامداری

خود یزد را به دو دختر خود پوراندخت و آذرمیدخت داد و این دو نیز در آبادی

این محل کوشیدند. پوراندخت در قهستان یزد ولایتی آباد و زیبا به نام «پوران کرد» بنا کرد که بعدها به پوران یشت اشتها یافت و شهری آباد بود و زمینی حاصلخیز بوده است، و آذرمیدخت چون به سلطنت رسید «ابرند» نام را مأمور یزد کرد تا اموال یزد را ضبط کند و او را گفت که یزد خاص من است و آن را عمارت کن. او از خواص و سرهنگان او بود و ولایتی به نام «ابرند آباد» احداث کرد و دژی محکم بر آن ساخت و بساتین و بیوتات و کشتخوان مهیا کرد و قنات و کاریزها روان ساخت و مردم بسیار به آنجا کوچاند، و این ناحیه را به نام ایران دخت، ایران آباد خواند که بعدها به سرهنگ ایران آباد مشهور شد. در زمان تألیف تاریخ یزد «ابرند آباد» نامیده می شد، و نیز قریه اردان در قهستان یزد نیز از ساخته های آن سرهنگ است.

یزد خواست

نخستین اثر تاریخی که پس از ورود

به خاک فارس می‌توان از آن نام برد ویرانه‌های قلعه کهن ایزد خواست است که به مسافت ۱۴۱ کیلومتری اصفهان واقع می‌باشد. این قلعه بر فراز صخره‌ای رسوبی در کنار درهٔ عریض کم عمقی در محاذات جلگه قرار گرفته به وسیله پل کهنه‌ای از جانب جنوب با خارج راه پیدا می‌کند. درون آن، خانه‌های کوچک و کوچه‌های تنگ می‌توان یافت که همان وضع دورهٔ ساسانیان را نشان می‌دهد. چهار طاقی عهد ساسانی را که آتشکده قلعه بوده، در اوایل قرن نهم هجری به مسجد تبدیل نموده‌اند.

یزدکرت: ← یزدگرد سوم

یزدگرد اول

از پادشاهان ساسانی (۳۳۹-۴۲۱ م.) پسر شاهپور سوم که پس از مرگ بهرام چهارم بر تخت نشست. وی نسبت به مسیحیان که زردشتیان با ایشان دشمنی داشتند به مهربانی رفتار

می‌کرد. موبدان زرتشتی او را یزدگرد بزهکار لقب دادند که به عربی آن را ایزد جردالائیم ترجمه کرده‌اند. یزدگرد در آغاز سلطنت خود فرمانی درباره آزادی مسیحیان ایران صادر کرد (۴۰۹ م.) و جمعی از همه مسیحیان ایران و روم در شهر سلوکیه تشکیل شد. ولی مسیحیان گستاخی کرده آتشکده‌های زرتشتی را خراب کردند و شاه ایران ناچار شد که امر به تنبیه این اخلدگران بدهد.

یزدگرد دوم

از پادشاهان ساسانی فرزند بهرام پنجم که پس از پدر بر تخت نشست (۴۳۹-۴۵۷ م.) و در زمان او صلحی که ایران با روم کرده بود دیگر باره تثبیت شد. از وقایع زمان او حمله قومی از اقوام هونهای سفید به نام کیداریان به مشرق ایران است. وی آنان را در ناحیه ماوراءالنهر شکست داد. یزدگرد دوم در صدد برآمد تا از اشاعه و گسترش مذهب مسیحیت در ارمنستان جلوگیری

کند، به همین جهت وزیرش (مهرنرسی) اعلامیه‌ای در ردّ آیین عیسی انتشار داد. وی نسبت به یهودیان نیز سخت‌گیری می‌کرد و به موجب فرمانهایی که در سالهای ۴۵۴-۴۵۵ صادر کرد مقرر گردید که یهودیان روز شنبه را عید نگیرند.



سکه یزدگرد سوم، ضرب مرو

یزدگرد سوم (یزدکرت)

این شاهنشاه پسر شهریار از زنی زنگی و نوه خسرو پرویز بود که به‌طور گمنام در حدود استخر پارس می‌زیست. بزرگان استخر او را پادشاه خواندند، و در آتشکده آنجا که معروف به آتشکده اردشیر بود تاج بر سرش نهادند. هواخواهانش به تیسفون روی آوردند و به یاری رستم فرخ‌زاد، آن شهر را گرفتند، و فرخ‌زاد خسرو را از تخت بزیر آورده هلاک ساختند. به این ترتیب همه کشور ایران برای آخرین بار در زیر فرمان یزدگرد سوم درآمد (۶۳۲ م.). در این زمان بزرگان صاحب نفوذ عبارت

بودند از: رسته‌م Rustahm و برادرش فرخ‌زاد یا خوره‌زاد که منصب دریگ‌بند Darighbadh ریاست امور دربار را داشت و زاذویه Zadhôe رئیس خدمتگزاران بودند. همین شخص اخیر بود که سابقاً

مسلمانان از بنی امیه بیزار و متنفر شدند. در مدینه که هنوز عده‌ای از اصحاب رسول خدا در آن می‌زیستند جنبشی سخت علیه بنی امیه برپا شد. یزید مسلم بن عقبه را به سرکوبی مردم مدینه فرستاد و شامیها مدینه را قتل و غارت کردند. (۲۶ ذی حجه ۶۳ هجری). سپس یزید، حصین بن نمیر را برای سرکوبی عبدالله بن زبیر به مکه فرستاد و آن شهر را محاصره کرد ولی در این میان خبر مرگ یزید بر رسید (ربیع الاول ۶۴ هجری) و حصین دست از محاصره آن برداشت.

یساغل

گارد ملی دولت تیموریان از افرادی با نام یساغل و قراچریک یا قراقولوق تشکیل شده بود.

یساولان صحبت

در سلسله صفویه یساولان صحبت شاه، همیشه از میان امیرزادگان بزرگ و

فرخ‌زاد خسرو را به تخت نشانید. چنانکه گفتیم پدر رستم سپاهبد فرخ هرمزد می‌خواست با به زنی گرفتن آرمیدخت به پادشاهی رسد، ولی سر خود را به باد داد. اما پسرش رستم انتقام او را کشید. مورخان ارمنی این پدر و پسر را «ایشخان» آذربایجان خوانده‌اند که در زبان ارمنی به معنی «امیر» است. وقتی که یزدگرد به شاهی رسید، تمام آثار انقراض در ناصیه دولت ساسانی پدیدار بود. یزدگرد، شاه کم تجربه و ناتوانی بود و نمی‌توانست در چنین زمانی ایران را در مقابل قوم تازه نفس عرب حفظ کند.

یزید بن معاویه

پس از معاویه پسرش یزید به خلافت نشست (۶۴ - ۶۰ ه. ق.). یزید جوانی فاسق و فاجر بود و برخلاف پدرش معاویه که رعایت ظاهر اسلام را می‌نمود، وی متجاهر به فسق بود.

پس از شهادت حسین بن علی (ع)

در این جزء از اوستا جای دارد. یسنا به معنی نماز و جشن هم به کار رفته است. واژه جشن فارسی که به معنی روز سرور و شادمانی و عید است از ریشه یسنا می باشد.

یسنا: ← اوستا

یسوکای بهادر

پدر چنگیزخان مغول. رئیس و خان قبیله «قیات».

یشتن

ستایش کردن، نیایش کردن، پرستیدن، دعا کردن، احترام کردن، برپا کردن مراسم دعا، به جای آوردن مراسم مذهبی.

«یشتن به لغت زند و پازند به معنی زمزمه کردن و چیزی را خواندن باشد بر طعام و آن عبادتی است مغان را در وقت طعام خوردن».

معتبر انتخاب می شدند و از هشت یا نه تن بیشتر نبودند. آنها در مجالس خصوصی شاه به جای ایشیک آقاسی باشی خدمت می کردند و در مجالس عام پیش روی شاه می ایستادند و خدمت این مجالس با ایشیک آقاسیان بود. یساوولان صحبت همگی زیردست ایشیک آقاسی باشی بودند و عنوان ایشان را در مراسلات مقرب الحضرة می نوشتند. هنگام خدمت، چماقهای منقوش و زرین به دست می گرفتند و کارشان بیشتر راهنمایی سفیران بیگانه به کاخ شاهی، گذراندن پیشکشها و هدیه های حکام از نظر شاه و اجرای دستورهای او بود.

یسنا

در اوستا عموماً منظور از یسنا نیایش و ستایش است که در پهلوی یزشن شده است. یسنا مهمترین جزو اوستای موجود است. و سرودهای گاتها که قدیمترین قسمت کتاب مقدس است

یشتها

سرودهایی که برای خدایان مذهب مزدا ساخته شد. (در ایران شرقی برای میترا و آناهیتا) و سپس وارد مذهب زرتشت گردیده و سرودهای دیگری به وسیله کاهنان و موبدان دین زرتشت به آن اضافه گردیده است. در یشت‌های کهن اشاره‌هایی به تاریخ قدیم ایرانیان و ایرانیان پیش از زرتشت وجود دارد که باستانی قسمت اوستاست.

یشتها: — اوستا

یعقوب لیث صفاری

وی در آغاز به فرقه عیاران بستگی داشت و از رویگری که شغل پدرش بود دست برداشته و به راهزنی پرداخت. در سال ۲۳۲ با همدستان خویش به صالح بن نصرکه از مطوعه سیستان بود پیوست. صالح به یاری او بر شهر (بست) تسلط یافت و به جنگ خوارج

بیرون شد. پیشوای خوارج سیستان در این زمان مردی به نام عمار بود. صالح دو سرهنگ خود، یعقوب و درهم را به جنگ او فرستاد. ایشان عمار را شکست دادند و سپس یعقوب با صالح اختلاف پیدا کرده با سه برادرش بر وی شوریدند و سرانجام او را منهزم ساختند. پس از آن سردار دیگر صالح که درهم نام داشت دعوی حکومت کرد. یعقوب درهم را نیز شکست داده او را به زندان انداخت و در محرم ۲۴۷ هجری به امارت نشست. وی پس از جنگها و لشکرکشیهای فراوان در سال ۲۵۷ ه. ق. توسط معتمد برادر خلیفه عباسی امارت بلخ، طخارستان، سیستان و رود سند را رسماً به یعقوب تفویض کرد و در تعقیب آن کابل و بست را گرفت. سپس عزم تسخیر نیشابور (دارالملک طاهریان) را نمود و در سال ۲۵۹ ه. ق. آن شهر را تحت تصرف خود درآورده به امارت طاهریان خاتمه داد و در ۲۶۵ ه. ق. مبتلا به مرض قولنج شد و در

جندیشاپور درگذشت.

یعقوبیان

پادشاهان و فرمانروایان سلسله صفاری که پس از یعقوب لیث به سلطنت رسیدند مانند عمر و لیث، خلف بن لیث، محمد بن لیث، لیث بن علی، علی بن لیث و...

یغون

گروهی متشکل از ۱۰۰ نفر سپاهی که در دستگاه لشکری مغول بودند.

یفتالی: — آخشنوار

یفتالیان: — هیاطله

یفرم خان

از ارامنه ترکیه و از سران مجاهدین قفقازیه و از اعضای حزب داشناکسیون ارامنه بوده که در سال ۱۳۲۷ ه. ق. در جزیره سپاهیان محمدولیخان سپهدار

یمه نوین

از امرای چنگیزخان مغول که با سبتهای نوین به تعقیب سلطان جلال الدین خوارزمشاه مأمور شدند.

یمین الدوله

بهرام شاه غزنوی ابن مسعود بن ابراهیم بن مسعود بن محمود بن سبکتکین.

اعظم برای گرفتن تهران به همراه وی از رشت به تهران رهسپار گردید و در جنگهای قزوین، کرج، بادامک و فتح تهران رشادتهایی از خود بروز داد و پس از فتح تهران و خلع محمد علیشاه به سمت ریاست اداره شهربانی منصوب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ ه. ق. در جنگی که با سالارالدوله و هواخواهان او در نواحی غرب صورت گرفت کشته شد و جسدش به تهران حمل گردید و در مدرسه ارامنه مدفون شد.

دوران زندیه که در دوره‌های گذشته نیز وجود داشته است.

یمین الدوله و امین الملة

لقب محمود سبکتکین غزنوی.

یوستی‌نوس

یوستی‌نوس مورخ رومی که ظاهراً در زمان آنتونیوس مقدس (۱۳۸-۱۶۱ م.) در قرن دوم میلادی می‌زیست. وی مورخ مستقلی نیست بلکه تاریخ‌گالیا و رومی پمپیوس تروگوس را که هستیوریه‌فیلی پیکه نام داشته، به همان زبان لاتین خلاصه کرده و هستیوریا روم فیلیپی کاروم یعنی تاریخ فیلیپ نامیده است. این کتاب تاریخی، عمومی است و ملخصی از ۴۴ کتاب گمشده تروگوس می‌باشد و سبب آنکه به نام فیلیپ نامگذاری شده این است که تروگوس ابتدا می‌خواسته درباره فیلیپ مقدونی و خانواده او کتابی بنویسد و سپس از آن فکر منصرف شده تاریخ مفصلی درباره عالم آن روز نوشته است. این کتاب حوادث بین تأسیس دولت آسور را تا

ینالتکین

۱- عنوان جانشینان بعضی از ملوک ترک بوده است.

۲- احمد ینالتکین، از درباریان سلسله غزنوی.

یورت

واژه‌ای مغولی به معنی قلمرو، ملک، تیول.

یورتچی

کسی که محل چادر زدن لشکر شاهزادگان یا کاروان را تعیین می‌کند؛ کسی که وظیفه‌اش رسیدگی به وضع یورت است.

یوزباشی

(صدباشی) از مناصب ارتشی

لشکرکشیهای روم به مشرق در بردارد. نویسندگان قرون بعد که از کتاب یوستی نوس استفاده کرده‌اند به این خلاصه به نظر نیک نمی‌نگرند و او را متهم ساخته‌اند که نسخه اصل یعنی کتاب تاریخ تروگوس را پس از خلاصه کردن در آتش انداخته و از بین برده است. یوستی نوس چون این اتهام را پیش‌بینی می‌کرد در چند جای کتاب خود، از پمپوس تروگوس نام برده و صریحاً در مقدمه تلخیص خود گفته: «چنانکه عده‌ای از رومیان، تاریخ آن کشور را به زبان یونانی نوشته‌اند، تروگوس خواست تاریخ یونان و دیگر اقوام را به زبان لاتین نویسد... و من کتاب او را گل چین کرده دسته‌گلی ترتیب داده‌ام.»

بنابراین مطالبی که اعم از تاریخ و افسانه در کتاب یوستی نوس آمده خلاصه‌ای از نوشته‌های تروگوس می‌باشد و خود وی چیزی بر آن نیفزوده است. این کتاب شیوه‌ای فصیح و روان

دارد و از منابع مهم تاریخ اشکانی شمرده می‌شود و این تنها اثر جامعی است که از تاریخ پارتیان و باکتریان (باختریان) به دست ما رسیده است. این اثر، وقایع را تا سال نهم پیش از میلاد بر دارد. اما بر اثر سهل‌انگاری یوستی نوس که آن را تلخیص کرده وقایع بین سالهای ۹۴ تا ۵۵ پیش از میلاد عمداً یا سهواً از کتاب افتاده است. از این جهت در میان سلسله حوادث خلایی حاصل شده است. در بسیاری از جاهای آن تاریخ، مطلب به قدری مجمل است که بر اثر همان اختصار به نظر محرف و مغلوط جلوه می‌کند. خوشبختانه در بسیاری از موارد، مقدمات و دیباچه‌هایی که تلخیص‌کننده بر آن کتاب نوشته، حقایق و اطلاعاتی موثق به دست می‌دهد و مطالب مجمل را با توضیحاتی روشن می‌سازد.

از بهترین چاپها و ترجمه‌های این کتاب طبعی است که توسط پیروبو آتار از خانواده پانکوک با متن لاتین و ترجمه

فرانسه در دو جلد در ۱۸۲۷ منتشر شده است.

با وی بودند، و پوشنگ از مصعب بن زریق بسته بودند».

یوسف البرم (قیام)

در سال ۱۶۰ هـ رستاخیز دیگری در سرزمین خراسان به وجود آمد. او در امر به معروف و نهی از منکر می کوشید و کردار خلفای عباسی را انتقاد می کرد و بر ضد سلسله عباسیان اعلان قیام داده بود. رهبر این قیام مردی به نام یوسف بن ابراهیم بود که به یوسف البرم معروف بود و پیروان زیادی دور خود جمع کرد. ون فلوتن می نویسد: مردم را به نیکی و پرهیز از بدی دعوت می کرد و جز این مقصودی نداشت.

رستاخیز یوسف چندان دوامی نیاورد و در همان سال قیام خاموش شد. یوسف به دست لشکریان یزید عامل خلیفه در خراسان گرفتار، و در بغداد کشته شد. طبری والیعقوبی می نویسند: که المهدی خلیفه عباسی در آن روز به قدری خشمگین بود که به یوسف دشنامهای غلیظ می داد و ناسزا می گفت.

الیعقوبی او را از موالی بنی ثقیف بخارا می نویسد، که پیروان زیادی داشته، و برخلاف سلطه عباسیان اعلان قیام کرده بود.

یوسف برم: — جنبش یوسف برم
یوسف ثقفی: — حجاج بن یوسف
ثقفی

یوسفوس فلاویوس

یوسفوس فلاویوس مورخ یهودی پسر متاتیاس که در سال ۳۷ میلادی فرماندار کل، قدرت نظامی و اداری ساتراپی را به عهده داشت و امور مالی

گردیزی می نویسد: «یوسف ثقفی حروری بیرون آمده بود اندر روزگار حمید، و حکیم طالقانی و بومعاذ فریابی

را مأمورین مخصوص مالی که مستقیماً تحت نظر پادشاه انجام وظیفه می نمودند که اکنون خوانده می شد و تا اندازه ای مطیع فرماندار کل بودند اداره می کردند. هر یک از ساتراپی ها از لحاظ اقتصادی و سیاسی با یکی از مراکز سه گانه دولت ارتباط داشت. ساتراپیهای آسیای صغیر مرکز مشترکی داشتند که همان شهر سارد در لیدی بود. مرکز ساتراپیهای سوریه در انطاکیه قرار داشت، و ساتراپیهای بین النهرین و ایران مرکزشان بابل و سپس سلوکیه واقع در کنار دجله بود. پادشاه، ریاست عالیّه کلیه ادارات دولتی را داشت و قدرتش نامحدود بود. از جمله کتابهای وی:

۱- تاریخ جنگ یهودیان.

۲- قدمت یهود.

۳- زندگینامه.

یونان

نام وزیر انوشیروان بوده است. نام وی به اتفاق شش تن دیگر که روزی در خدمت انوشیروان بوده اند در نامه جاودان خرد آمده است.

یونس سمنانی

خواجه یونس سمنانی از وزیران نامی دولت سربداران. وی وزیر پهلوان حسن دامغانی یازدهمین فرمانروای سربداران بوده است که در موقع تسلط درویش عزیز مجدی (مشهدی) و خواجه علی مؤید در سبزوار دستگیر شده و به بهانه خونخواهی میرزا لطف الله باشتینی به قتل رسیده و در سبزوار به دار کشیده شد (سال ۷۶۶ هجری).

ضمائم

پادشاهان و حکمرانان ایران از آغاز تا پایان عصر پهلوی (شاخه های اصلی)

پادشاهان ماد

- | | |
|--------------|----------------------------|
| ۷۰۸-۷۰۱ ق.م. | ۱-۱- دیاکو پسر فرورتیش |
| ۶۵۵-۶۳۳ ق.م. | ۲-۲- فرورتیش پسر دیاکو |
| ۶۳۳-۵۸۴ ق.م. | ۳-۳- هوخستر پسر فرورتیش |
| ۵۸۵-۵۵۰ ق.م. | ۴-۴- ایخ توویگو پسر هوخستر |

پادشاهان هخامنشی

- | | |
|--------------|---------------------------------|
| ۵۵۹-۵۲۹ ق.م. | ۵-۱- کوروش اول پسر کمبوجیه |
| ۵۲۹-۵۲۲ ق.م. | ۶-۲- کمبوجیه پسر کوروش |
| ۵۲۱-۴۸۶ ق.م. | ۷-۳- داریوش اول پسر ویشتاسب |
| ۴۸۶-۴۶۵ ق.م. | ۸-۴- خشایارش اول پسر داریوش اول |

- ۹-۵- اردشیر اول پسر خشیارشا
 ۱۰-۶- خشیارشای دوم پسر اردشیر اول
 ۱۱-۷- داریوش دوم پسر اردشیر اول
 ۱۲-۸- اردشیر دوم پسر داریوش سوم
 ۱۳-۹- اردشیر سوم پسر اردشیر دوم
 ۱۴-۱۰- ارشک پسر اردشیر سوم
 ۱۵-۱۱- داریوش سوم نوه داریوش دوم
- ۴۶۴-۴۲۴ ق.م.
 ۴۲۴- ق.م.
 ۴۲۴-۴۰۴ ق.م.
 ۴۰۴-۳۶۰ ق.م.
 ۳۵۹-۳۳۸ ق.م.
 ۳۳۸-۳۳۶ ق.م.
 ۳۳۶-۳۳۰ ق.م.

پادشاهان سلوکیان

- ۱۶-۱- لزیماک - سردار مقدونی، آسیای صغیر و مقدونیه را تصرف کرد
 ۱۷-۲- کاساندر - سردار اسکندر که یونان را تصرف کرد
 ۱۸-۳- بطلمیوس - سردار اسکندر که مصر را تصرف کرد
 ۱۹-۴- سلوکوس که مؤسس سلسله سلوکیدها بود و در سال ۳۱۲ ق.م.
 ساتراپهای ایران را تصرف کرد

- ۲۰-۵- آنتیوخوس اول (سوتر)
 ۲۱-۶- آنتیوخوس دوم
 ۲۲-۷- سلوکوس دوم (کالی نیکوس)
 ۲۳-۸- سلوکوس سوم (سوتر)
 ۲۴-۹- آنتیوخوس سوم (کبیر)
- (۲۸۱-۲۶۳ ق.م.)
 (۲۶۱-۲۴۶ ق.م.)
 (۲۴۶-۲۲۶ ق.م.)
 (۲۲۶-۲۲۳ ق.م.)
 (۲۳۳-۱۸۷ ق.م.)

دیگر پادشاهان سلوکی

۱۷۴ - ق.م.	۲۶-۲ - غاصبی Heliadole
۱۷۵ - ق.م.	۲۷-۳ - آنتیوخوس چهارم
۱۶۴ - ۱۶۲ ق.م.	۲۸-۴ - آنتیوخوس پنجم
۱۶۲ - ۱۵۰ ق.م.	۲۹-۵ - دمتریوس سوتر
۱۵۰ - ۱۴۵ ق.م.	۳۰-۶ - الکساندر بالاس
۱۴۹ - ۱۴۵ ق.م.	۳۱-۷ - دمتریوس دوم (نیکاتور)
۱۴۵ - ۱۴۲ ق.م.	۳۲-۸ - آنتیوخوس ششم (دیونیس اپیغان)
۱۴۲ - ۱۳۸ ق.م.	۳۳-۹ - تریفون (دیودوت)
۱۳۹ - ۱۳۸ ق.م.	۳۴-۱۰ - آنتیوخوس هفتم (سی دت)
۱۲۸ - ۱۳۳ ق.م.	۳۵-۱۱ - الکساندر زی تیاس
۱۲۵ - ۹۶ ق.م.	۳۶-۱۲ - آنتیوخوس هشتم (کری پس)
۱۱۶ - ۹۵ ق.م.	۳۷-۱۳ - آنتیوخوس نهم (سیزیک)
۹۶ - ۹۵ ق.م.	۳۸-۱۴ - سلوکوس ششم (اپی فان)
۹۲ - ۸۳ ق.م.	۳۹-۱۵ - فیلیپ
۹۲ ق.م.	۴۰-۱۶ - آنتیوخوس دهم (فیلادلف)
۹۵ - ۸۸ ق.م.	۴۱-۱۷ - دمتریوس سوم (فیلوپاتر)
۹۴ - ۸۲ ق.م.	۴۲-۱۸ - آنتیوخوس یازدهم (دیونیس)
۸۴ - ۸۳ ق.م.	۴۳-۱۹ - آنتیوخوس دوازدهم
۸۰ - ۶۹ ق.م.	۴۴-۲۰ - تیگران پادشاه ارمنستان
۶۸ - ۶۴ ق.م.	۴۵-۲۱ - آنتیوخوس آسیایی

پادشاهان اشکانی

۲۵۶ - ۲۵۳ ق.م.

۴۶-۱ - ارشک پسر فری یاپیت

- ۴۷-۲- تیرداد پسر فری یاپیت ۲۵۳-۲۱۴ ق.م.
- ۴۸-۳- اردوان اول پسر تیرداد ۲۱۴-۱۹۶ ق.م.
- ۴۹-۴- فری یاپیت ۱۹۶-۱۸۱ ق.م.
- ۵۰-۵- فرهاد اول پسر تیرداد ۱۸۱-۱۷۳ ق.م.
- ۵۱-۶- مهرداد اول برادر فرهاد اول ۱۷۳-۱۳۶ ق.م.
- ۵۲-۷- فرهاد دوم پسر مهرداد اول ۱۳۶-۱۲۸ ق.م.
- ۵۳-۸- اردوان دوم پسر فری یاپیت ۱۲۹-۱۲۴ ق.م.
- ۵۴-۹- مهرداد دوم (کبیر) پسر اردوان دوم ۱۲۴-۸۷ ق.م.
- ۵۵-۱۰- ساناتروک پسر مهرداد اول ۷۷-۶۹ ق.م.
- ۵۶-۱۱- فرهاد سوم پسر ساناتروک ۶۹-۶۰ ق.م.
- ۵۷-۱۲- مهرداد سوم پسر فرهاد سوم ۶۰-۵۶ ق.م.
- ۵۸-۱۳- ارد اول پسر فرهاد سوم ۵۵-۳۷ ق.م.
- ۵۹-۱۴- فرهاد چهارم پسر ارد اول ۳۷-۱ ق.م.
- ۶۰-۱۵- فرهاد پنجم پسر فرهاد چهارم ۱-۲ م.
- ۶۱-۱۶- ارد دوم (محققاً معلوم نیست) ۲-۶ م.
- ۶۲-۱۷- وانان اول پسر فرهاد چهارم ۷ م.
- ۶۳-۱۸- اردوان سوم پسر ارد دوم ۱۶-۵۱ م.
- ۶۴-۱۹- واردان پسر اردوان سوم ۱۵-۱۶ م.
- ۶۵-۲۰- گودرز پسر گیو ۱۶-۵۱ م.
- ۶۶-۲۱- وانان پسر ارد دوم ۱۶-۵۱ م.
- ۶۷-۲۲- بلاش اول پسر وانان دوم ۷۷-۵۱ م.
- ۶۸-۲۳- خسرو (بعضی او را پسر پاکر می دانند) ۱۰۷-۱۳۷ م.

- ۶۹-۲۴- بلاش دوم (محققاً معلوم نیست)
 ۱۳۳-۱۹۱ م.
 ۷۰-۲۵- بلاش سوم پسر بلاش دوم
 ۱۳۳-۱۹۱ م.
 ۷۱-۲۶- بلاش چهارم پسر بلاش سوم
 ۱۹۱-۲۰۷ م.
 ۷۲-۲۷- بلاش پنجم پسر بلاش چهارم
 ۲۰۷-۲۱۶ م.
 ۷۳-۲۸- اردوان پنجم پسر بلاش چهارم
 ۲۱۶-۲۲۴ م.

پادشاهان ساسانی

- ۷۴-۱- اردشیر اول پسر بابک
 ۲۱۲-۲۲۶ م.
 ۷۵-۲- شاپور اول پسر اردشیر اول
 ۲۴۱-۲۷۱ م.
 ۷۶-۳- هرمز اول پسر شاپور اول
 ۲۷۱-۲۷۲ م.
 ۷۷-۴- بهرام اول پسر شاپور اول
 ۲۷۱-۲۷۵ م.
 ۷۸-۵- بهرام دوم پسر بهرام اول
 ۲۷۵-۲۸۲ م.
 ۷۹-۶- بهرام سوم پسر هرمز اول
 ۲۸۲ م.
 ۸۰-۷- نرسی پسر شاپور اول
 ۲۸۲-۳۰۱ م.
 ۸۱-۸- هرمز دوم پسر نرسی
 ۳۰۱-۳۱۰ م.
 ۸۲-۹- آذر نرسی پسر هرمز دوم
 ۳۱۰ م.
 ۸۳-۱۰- شاپور دوم (ذوالاکتاف) پسر هرمز دوم
 ۳۱۰-۳۷۹ م.
 ۸۴-۱۱- اردشیر دوم پسر شاپور دوم
 ۳۷۹-۳۸۳ م.
 ۸۵-۱۲- شاپور سوم پسر شاپور دوم
 ۳۸۴-۳۸۸ م.
 ۸۶-۱۳- بهرام چهارم پسر شاپور دوم
 ۳۸۸-۳۹۹ م.
 ۸۷-۱۴- یزدگرد اول پسر شاپور دوم
 ۳۹۹-۴۲۰ م.
 ۸۸-۱۵- بهرام پنجم پسر یزدگرد اول
 ۴۲۰-۴۳۸ م.

شاهانی که سلسله ساسانی نبودند

- ۱۱۱- ۱- خسرو از خویشاوندان یزدگرد اول
۴۲۰ م.
۱۱۲- ۲- بهرام ششم، سردار ایرانی رئیس خانواده مهرداد
۵۹۰ م.
۱۱۳- ۳- بیتام حاکم خراسان
۵۹۲-۵۹۶ م.
۱۱۴- ۴- شهربراز سردار خسرو پرویز
۶۲۹ م.

نام خلفای اموی و مدت خلافت هر یک از این سلسله جمعاً با خود معاویه

۱۴ تن که خلیفه اول آنها سفیانی و بقیه مروانی بودند

به شرح زیر به خلافت رسیدند

- ۱۱۵- ۱- معاویه بن ابی سفیان
۴۱-۶۰ ه. ق.
۱۱۶- ۲- یزید بن معاویه
۶۰-۶۴ ه. ق.
۱۱۷- ۳- معاویه ثانی
۶۴ ه. ق.
۱۱۸- ۴- مروان بن حکم
۶۴-۶۵ ه. ق.
۱۱۹- ۵- عبدالملک مروان
۶۵-۸۶ ه. ق.
۱۲۰- ۶- ولید بن عبدالملک (ولید اول)
۸۶-۹۶ ه. ق.
۱۲۱- ۷- عمر بن عبدالعزیز
۹۶-۱۰۱ ه. ق.
۱۲۲- ۸- یزید بن عبدالملک (یزید دوم)
۱۰۱-۱۰۵ ه. ق.
۱۲۳- ۹- هشام بن عبدالملک
۱۰۵-۱۲۵ ه. ق.
۱۲۴- ۱۰- ولید بن یزید (ولید دوم)
۱۲۵-۱۲۶ ه. ق.
۱۲۵- ۱۱- مروان بن محمد بن مروان
۱۲۸-۱۳۲ ه. ق.

طاهریان

- ۱۲۶- ۱- طاهر بن حسین ذوالیمینین
 ۱۲۷- ۲- طلحة بن طاهر
 ۱۲۸- ۳- عبدالله بن طاهر
 ۱۲۹- ۴- طاهر بن عبدالله
 ۱۳۰- ۵- محمد بن طاهر
- ۲۰۶- ۲۰۷ هـ.ق.
 ۲۰۷- ۲۱۳ هـ.ق.
 ۲۱۳- ۲۳۰ هـ.ق.
 ۲۳۰- ۲۴۸ هـ.ق.
 ۲۴۸- ۲۵۹ هـ.ق.

سادات علوی طبرستان و مدت امارت هر یک

- ۱۳۱- ۱- حسن بن زید حسنی (داعی کبیر) ۲۵۰- ۲۷۰ هـ.ق.
 ۱۳۲- ۲- محمد بن زید
 ۱۳۳- ۳- حسن بن علی حسینی (ناصر کبیر)
 ۱۳۴- ۴- حسن بن قاسم حسنی (داعی صغیر)
- ۲۷۰- ۲۸۷ هـ.ق.
 ۳۰۱- ۳۰۴ هـ.ق.
 ۳۰۴- ۳۱۶ هـ.ق.

امرای صفاری و مدت زمامداری هر یک

- ۱۳۵- ۱- ابویوسف یعقوب بن لیث
 ۱۳۶- ۲- عمرو بن لیث
 ۱۳۷- ۳- ابوالحسن طاهر بن محمد بن عمرو بن لیث
 ۱۳۸- ۴- لیث بن علی بن لیث
 ۱۳۹- ۵- ابوعلی محمد بن علی بن لیث
 ۱۴۰- ۶- ابو جعفر احمد بن محمد بن خلف
 ۱۴۱- ۷- ابو احمد خلف بن احمد
- ۲۴۷- ۲۶۵ هـ.ق.
 ۲۶۵- ۲۸۷ هـ.ق.
 ۲۸۷- ۲۹۶ هـ.ق.
 ۲۹۶- ۲۹۸ هـ.ق.
 ۲۹۸ هـ.ق.
 ۳۱۱- ۳۵۲ هـ.ق.
 ۳۵۲- ۳۹۳ هـ.ق.

سامانیان و مدت زمامداری هر یک

۱۴۲- ۱- اسماعیل بن احمد	۲۷۹- ۲۹۵ ه. ق.
۱۴۳- ۲- احمد بن اسماعیل	۲۹۵- ۳۰۱ ه. ق.
۱۴۴- ۳- نصر بن احمد	۳۰۱- ۳۳۱ ه. ق.
۱۴۵- ۴- نوح بن نصر	۳۳۱- ۳۴۳ ه. ق.
۱۴۶- ۵- عبدالملک بن نوح	۳۴۳- ۳۵۰ ه. ق.
۱۴۷- ۶- منصور بن نوح	۳۵۰- ۳۶۶ ه. ق.
۱۴۸- ۷- نوح بن منصور	۳۶۶- ۳۸۷ ه. ق.
۱۴۹- ۸- منصور بن نوح	۳۸۷- ۳۸۹ ه. ق.
۱۵۰- ۹- عبدالملک بن نوح	دوازدهم صفر تا دهم ذی القعدة ۳۸۹ ه. ق.
۱۵۱- ۱۰- ابوابراهیم اسماعیل منتصر بن نوح	کشته شدنش در ربیع الاول ۳۹۵

امرای زیاری و مدت زمامداری هر یک

۱۵۲- ۱- ابوالحجاج مرداویج بن زیار	۳۱۶- ۳۲۳ ه. ق.
۱۵۳- ۲- ابوطاهر وشمگیر بن زیار	۳۲۳- ۳۵۷ ه. ق.
۱۵۴- ۳- ظهیرالدوله بهستون بن وشمگیر	۳۵۷- ۳۶۶ ه. ق.
۱۵۵- ۴- شمس المعالی ابوالحسن قابوس بن وشمگیر	۳۶۶- ۴۰۳ ه. ق.
۱۵۶- ۵- فلک المعالی منوچهر بن قابوس	۴۰۳- ۴۲۳ ه. ق.
۱۵۷- ۶- نوشیروان بن منوچهر	۴۲۳- ۴۳۵ ه. ق.
۱۵۸- ۷- جستان بن نوشیروان	۴۳۵- ه. ق.

امرای دیلمی عراق و خوزستان و کرمان

- ۱۵۹ - ۱ - عزالدوله بختیار
 ۱۶۰ - ۲ - عضدالدوله
 ۱۶۱ - ۳ - شرفالدوله بن عضدالدوله
 ۱۶۲ - ۴ - بهاءالدوله بن عضدالدوله
 ۱۶۳ - ۵ - سلطانالدوله بن بهاءالدوله
 ۱۶۴ - ۶ - مشرفالدوله بن بهاءالدوله
 ۱۶۵ - ۷ - ابوطاهر جلالالدوله بن مشرفالدوله
 ۱۶۶ - ۸ - ملک رحیم ابوکالیجار
 ۱۶۷ - ۹ - قوامالدوله بن بهاءالدوله
 ۱۶۸ - ۱۰ - ابوکالیجار بن سلطانالدوله
 ۱۶۹ - ۱۱ - ابو منصور فلا دستون ابوکالیجار
- ۳۵۶ - ۳۶۷ هـ. ق.
 ۳۶۸ - ۳۷۲ هـ. ق.
 ۳۷۲ - ۳۷۹ هـ. ق.
 ۳۷۹ - ۴۰۳ هـ. ق.
 ۴۰۳ - ۴۱۵ هـ. ق.
 ۴۱۲ - ۴۱۶ هـ. ق.
 ۴۱۶ - ۴۳۵ هـ. ق.
 ۴۲۷ - ۴۴۰ هـ. ق.
 ۴۰۳ - ۴۱۹ هـ. ق.
 ۴۱۹ - ۴۴۰ هـ. ق.
 ۴۴۰ - ۴۴۸ هـ. ق.

امرای دیالمه فارس

- ۱۷۰ - ۱ - عمادالدوله، ابوالحسن علی بن بویه
 ۱۷۱ - ۲ - عضدالدوله، ابوشجاع پناه خسروین رکنالدوله
 ۱۷۲ - ۳ - شرفالدوله، ابوالفوارس شیر ذیل بن عضدالدوله
 ۱۷۳ - ۴ - صمصامالدوله، ابوکالیجار مرزبان بن عضدالدوله
 ۱۷۴ - ۵ - بهاءالدوله ابونصر بن عضدالدوله
 ۱۷۵ - ۶ - سلطانالدوله ابوشجاع بن بهاءالدوله
 ۱۷۶ - ۷ - عمادالدوله ابوکالیجار مرزبان بن سلطانالدوله
 ۱۷۷ - ۸ - ملک رحیم ابونصر خسرو فیروز بن ابوکالیجار مرزبان
- ۳۲۰ - ۳۳۸ هـ. ق.
 ۳۳۸ - ۳۷۲ هـ. ق.
 ۳۷۲ - ۳۷۹ هـ. ق.
 ۳۷۹ - ۳۸۸ هـ. ق.
 ۳۸۸ - ۴۰۳ هـ. ق.
 ۴۰۳ - ۴۱۵ هـ. ق.
 ۴۱۵ - ۴۴۰ هـ. ق.
 ۴۴۰ - ۴۴۷ هـ. ق.

امرای غزنوی و مدت زمامداری هر یک

الف - غزنویان آلپتکین یا غزنویان قبل از آل ناصر

- ۱۷۸ - ۱ - آلپتکین ۳۵۱ - ۳۵۲ ه. ق.
 ۱۷۹ - ۲ - اسحاق بن آلپتکین ۳۵۲ - ۳۵۵ ه. ق.
 ۱۸۰ - ۳ - پلکاتکین ۳۵۵ - ۳۶۴ ه. ق.
 ۱۸۱ - ۴ - پیری تکین ۳۶۴ - ۳۶۶ ه. ق.

ب - غزنویان آل ناصر یا غزنویان آل سبکتکین

- ۱۸۲ - ۱ - سبکتکین ۳۶۶ - ۳۸۷ ه. ق.
 ۱۸۳ - ۲ - اسماعیل بن سبکتکین ۳۸۷ - ۳۸۹ ه. ق.
 ۱۸۴ - ۳ - محمود بن سبکتکین ۳۸۹ - ۴۲۱ ه. ق.
 ۱۸۵ - ۴ - محمد بن محمود ربیع الثانی تا شوال ۴۲۱ ه. ق.
 ۱۸۶ - ۵ - مسعود بن محمود ۴۲۱ - ۴۳۲ ه. ق.
 ۱۸۷ - ۶ - مودود بن مسعود ۴۳۲ - ۴۴۱ ه. ق.
 ۱۸۸ - ۷ - مسعود دوم ۴۴۱ (مجموعاً مدت دو ماه)
 ۱۸۹ - ۸ - علی بن مسعود ۴۴۱ (مجموعاً مدت دو ماه)
 ۱۹۰ - ۹ - عبدالرشید بن محمود ۴۴۴ - ۴۴۴ ه. ق.
 ۱۹۱ - ۱۰ - فرخزاد بن مسعود بن محمود ۴۴۱ - ۴۵۱ ه. ق.
 ۱۹۲ - ۱۱ - ابراهیم بن مسعود بن محمود ۴۵۱ - ۴۹۲ ه. ق.
 ۱۹۳ - ۱۲ - مسعود بن ابراهیم (مسعود سوم) ۴۹۲ یا ۵۰۸ یا ۵۰۹ ه. ق.
 ۱۹۴ - ۱۳ - شیرزاد ۵۰۸ یا ۵۰۹ (چند ماه)

- ۱۹۵-۱۴- ارسلان بن مسعود بن ابراهیم
 ۵۰۹-۵۱۱ ه. ق.
 ۱۹۶-۱۵- بهرامشاه بن مسعود
 ۵۱۱-۵۵۲ ه. ق.
 ۱۹۷-۱۶- خسرو بن بهرامشاه
 ۵۴۸-۵۵۲ یا ۵۵۵ ه. ق.
 ۱۹۸-۱۷- خسرو ملک بن خسرو شاه
 ۵۵۵-۵۸۳ ه. ق.

امرای غور و مدت امارت هر یک

- ۱۹۹-۱- سیف الدین سوری بن ملک عزالدین حسین
 ۵۴۳-۵۴۴ ه. ق.
 ۲۰۰-۲- علاء الدین بن ملک عزالدین حسن
 ۵۴۴-۵۵۶ ه. ق.
 ۲۰۱-۳- سیف الدین بن محمد بن علاء الدین
 ۵۵۶-۵۵۸ ه. ق.
 ۲۰۲-۴- غیاث الدین محمد بن بهاء الدین سام بن حسین
 ۵۵۸-۵۵۹ ه. ق.
 ۲۰۳-۵- معزالدین محمد بن بهاء الدین سام بن حسین
 ۵۵۹-۶۰۲ ه. ق.
 ۲۰۴-۶- غیاث الدین بن محمود بن غیاث الدین محمد
 ۶۰۲-۶۰۷ ه. ق.
 ۲۰۵-۷- بهاء الدین سام بن غیاث الدین محمود
 ۶۰۷-۶۰۷ ه. ق.
 ۲۰۶-۸- علاء الدین آتسز بن علاء الدین حسین
 ۶۰۷-۶۱۰ ه. ق.
 ۲۰۷-۹- علاء الدین محمد بن شجاع الدین علی بن عزالدین حسین
 ۶۱۰-۶۱۲ ه. ق.

پادشاهان سلاجقه بزرگ و مدت سلطنت هر یک

- ۲۰۸-۱- رکن الدوله ابوطالب طغرل بن میکائیل بن سلجوقی
 ۴۲۹-۴۵۵ ه. ق.
 ۲۰۹-۲- آلب ارسلان محمد بن چغری
 ۴۵۵-۴۶۵ ه. ق.
 ۲۱۰-۳- معزالدین ابوالفتح ملکشاه بن آلب ارسلان
 ۴۶۵-۴۸۵ ه. ق.
 ۲۱۱-۴- برکیارق ملکشاه
 ۴۸۵-۴۹۸ ه. ق.
 ۲۱۲-۵- سنجر بن ملکشاه
 ۵۱۱-۵۵۲ ه. ق.

سلاجقه کرمان و مدت زمامداری هر یک

- ۲۱۳- ۱- عمادالدین قره ارسلان قاوردین چغری بیک
 ۴۳۳-۴۶۵ ه. ق.
- ۲۱۴- ۲- کرمانشاه بن قاورد
 ۴۶۵-۴۶۷ ه. ق.
- ۲۱۵- ۳- حسین بن قاورد
 ۴۶۷- ه. ق.
- ۲۱۶- ۴- رکن الدین سلطان شاه بن قاورد
 ۴۶۷-۴۷۷ ه. ق.
- ۲۱۷- ۵- تورانشاه بن قاورد
 ۴۷۷-۴۹۰ ه. ق.
- ۲۱۸- ۶- ایرانشاه بن تورانشاه
 ۴۹۰-۴۹۵ ه. ق.
- ۲۱۹- ۷- ارسلانشاه بن کرمانشاه
 ۴۹۵-۵۳۷ ه. ق.
- ۲۲۰- ۸- مغیث الدین محمد
 ۵۵۱-۵۶۲ ه. ق.
- ۲۲۱- ۹- مغیث الدین طغرل شاه بن محمد
 ۵۵۱-۵۶۲ ه. ق.
- ۲۲۲- ۱۰- بهرامشاه بن مغیث الدین طغرل
 ۵۶۲-۵۷۰ ه. ق.
- ۲۲۳- ۱۱- ارسلان دوم فرزند مغیث الدین طغرل
 ۵۶۲-۵۷۰ ه. ق.
- ۲۲۴- ۱۲- ترکان شاه بن مغیث الدین طغرل
 ۵۶۲-۵۷۰ ه. ق.
- ۲۲۵- ۱۳- سلطان محمد دوم فرزند بهرام شاه
 ۵۷۰-۵۸۳ ه. ق.

سلاجقه عراق و مدت زمامداری هر یک

- ۲۲۶- ۱- مغیث الدین ابوالقاسم محمود بن ملکشاه
 ۵۱۱-۵۲۵ ه. ق.
- ۲۲۷- ۲- غیاث الدین داود بن محمود
 ۵۲۵-۵۲۶ ه. ق.
- ۲۲۸- ۳- رکن الدین ابوطالب طغرل دوم بن سلطان محمد
 ۵۲۶-۵۲۹ ه. ق.
- ۲۲۹- ۴- معزالدین ابوالفتح مسعود بن سلطان محمد
 ۵۲۹-۵۴۷ ه. ق.
- ۲۳۰- ۵- معزالدین ابوالفتح ملکشاه دوم پسر سلطان محمود رجب تاذی القعهده
 ۵۴۷- ه. ق.

- ۲۳۱- ۶- غیاث الدین ابوشجاع محمد پسر سلطان محمد
۵۴۷-۵۵۴ ه. ق.
- ۲۳۲- ۷- غیاث الدین ابوشجاع سلیمان شاه پسر سلطان محمود
۵۵۴-۵۵۶ ه. ق.
- ۲۳۳- ۸- رکن الدین ابوالمظفر ارسلان شاه پسر طغرل دوم
۵۵۶-۵۷۱ ه. ق.
- ۲۳۴- ۹- رکن الدین ابوطالب طغرل سوم پسر ارسلان شاه
۵۷۱-۵۹۰ ه. ق.

اتابکان آذربایجان و مدت زمامداری هر یک

- ۲۳۵- ۱- شمس الدین ایلدگز
۵۴۱-۵۶۸ ه. ق.
- ۲۳۶- ۲- نصرت الدین محمد جهان پهلوان پسر ایلدگز
۵۶۸-۵۸۲ ه. ق.
- ۲۳۷- ۳- مظفرالدین عثمان قزل ارسلان پسر ایلدگز
۵۸۲-۵۸۷ ه. ق.
- ۲۳۸- ۴- نصرت الدین ابوبکر پسر جهان پهلوان
۵۸۷-۶۰۷ ه. ق.
- ۲۳۹- ۵- مظفرالدین ازبک پسر دیگر جهان پهلوان
۶۰۷-۶۲۲ ه. ق.
- ۲۴۰- ۶- اتابک خاموش قزل ارسلان پسر مظفرالدین ازبک
۶۲۲-۶۲۶ ه. ق.

خوارزمشاهیان و مدت زمامداری هر یک

- ۲۴۱- ۱- قطب الدین محمد بن انوشته کین
۴۹۰ یا ۴۹۱-۵۲۱ ه. ق.
- ۲۴۲- ۲- علاء الدین ابوالمظفر آتسز بن قطب الدین محمد
۵۲۱-۵۵۱ ه. ق.
- ۲۴۳- ۳- تاج الدین ابوالفتح ایل ارسلان بن آتسز
۵۵۱-۵۶۸ ه. ق.
- ۲۴۴- ۴- جلال الدین محمود سلطان شاه بن ایل ارسلان
۵۶۷-۵۶۸ ه. ق.
- ۲۴۵- ۵- علاء الدین تکش بن ایل ارسلان
۵۶۸-۵۹۶ ه. ق.
- ۲۴۶- ۶- سلطان علاء الدین محمد بن علاء الدین تکش
۵۹۶-۶۱۷ ه. ق.
- ۲۴۷- ۷- جلال الدین منکبرنی بن علاء الدین محمد
۶۱۷-۶۲۸ ه. ق.

ایلخانان ایران و مدت زمامداری هر یک

- ۲۴۸- ۱- هولاکو ۶۵۱-۶۶۳ ه. ق.
- ۲۴۹- ۲- اباقاخان پسر هولاکو ۶۶۳-۶۸۰ ه. ق.
- ۲۵۰- ۳- سلطان احمد تگودار ۶۸۱-۶۸۳ ه. ق.
- ۲۵۱- ۴- ارغونخان پسر اباقا ۶۸۳-۶۹۰ ه. ق.
- ۲۵۲- ۵- گیخاتو پسر اباقا ۶۹۰-۶۹۴ ه. ق.
- ۲۵۳- ۶- بایدو خان پسر طرغای بن هولاکواز جمادی الاول ۶۹۴ تا ذی القعدة ۶۹۴ ه. ق.
- ۲۵۴- ۷- غازان خان پسر ارغون ۶۹۴-۷۰۳ ه. ق.
- ۲۵۵- ۸- اولجایتو پسر ارغون ۷۰۳-۷۱۶ ه. ق.
- ۲۵۶- ۹- ابوسعید پسر اولجایتو ۷۱۶-۷۳۶ ه. ق.
- ۲۵۷- ۱۰- ارباگوئون نوه تولی خان از سیزدهم ربیع الاول ۷۳۶ تا چهارم شوال ۷۳۶ ه. ق.
- ۲۵۸- ۱۱- موسی خان پسر بایدو از چهارم شوال ۷۳۶ تا چهارم ذی الحجه ۷۳۶ ه. ق.
- ۲۵۹- ۱۲- محمدخان پسر منگوتیمور بن هولاکو ۷۳۶-۷۳۸ ه. ق.
- ۲۶۰- ۱۳- ساتی بیگ دختر اولجایتو ۷۳۹-۷۴۱ ه. ق.
- ۲۶۱- ۱۴- شاه جهان تیمور پسر آلافرنگ بن گیخاتو ۷۳۹-۷۴۰ ه. ق.
- ۲۶۲- ۱۵- سلیمان خان پسر یشموت بن هولاکو ۷۴۱-۷۴۵ ه. ق.
- ۲۶۳- ۱۶- طغایتیمورخان ۷۴۶-۷۵۳ ه. ق.
- ۲۶۴- ۱۷- انوشیروان عادل ۷۴۴-۷۵۶ ه. ق.

ملوک آل کرت و مدت زمامداری هر یک

- ۲۶۵- ۱- ملک شمس الدین پسر ابی بکر کرت ۶۴۳-۶۷۶ ه. ق.

ضمائم	۲۶۸۸	فرهنگ توصیفی
-------	------	--------------

۲۶۶-۲- ملک رکن‌الدین پسر ملک شمس‌الدین	۶۷۷-۷۰۵ ه.ق.
۲۶۷-۳- ملک فخرالدین پسر ملک رکن‌الدین	۷۰۵-۷۰۶ ه.ق.
۲۶۸-۴- ملک غیاث‌الدین پسر ملک فخرالدین	۷۰۶-۷۲۹ ه.ق.
۲۶۹-۵- ملک شمس‌الدین دوم غیاث‌الدین	۷۲۹-۷۳۰ ه.ق.
۲۷۰-۶- ملک حافظ پسر غیاث‌الدین	۷۳۰-۷۳۲ ه.ق.
۲۷۱-۷- ملک معزالدین پسر غیاث‌الدین	۷۳۲-۷۷۱ ه.ق.
۲۷۲-۸- ملک غیاث‌الدین دوم پسر معزالدین	۷۷۱-۷۸۳ ه.ق.

جانشینان ملک غیاث‌الدین

۲۷۳-۱- شمس‌الدین محمد	۷۲۹-۷۳۰ ه.ق.
۲۷۴-۲- ملک حافظ	۷۳۰-۷۳۲ ه.ق.
۲۷۵-۳- ملک معزالدین حسین	۷۳۲-۷۷۱ ه.ق.

اتابکان فارس و مدت زمامداری هر یک

۲۷۶-۱- سنقر بن مودود	۵۴۳-۵۵۸ ه.ق.
۲۷۷-۲- زنگی بن مودود	۵۵۸-۵۷۱ ه.ق.
۲۷۸-۳- تکلّه پسر زنگی	۵۷۱-۵۹۱ ه.ق.
۲۷۹-۴- طغرل پسر سنقر بن مودود	۵۹۱-۵۹۹ ه.ق.
۲۸۰-۵- سعد پسر زنگی	۵۹۹-۶۲۳ ه.ق.
۲۸۱-۶- ابوبکر پسر سعد	۶۲۳-۶۵۸ ه.ق.
۲۸۲-۷- سعد پسر ابوبکر	۶۵۸-۶۶۰ ه.ق.
۲۸۳-۸- محمد پسر سلقر بن سعد	۶۶۰-۶۶۱ ه.ق.

- ۲۸۴- ۹- سلجوق شاه پسر سلغر
۲۸۵- ۱۰- آیش خاتون دختر سعدبن ابی بکر
۶۶۰- ۶۶۲ ه. ق.
۶۶۲- ۶۸۴ ه. ق.

ملوک شبانکاره و مدت زمامداری هر یک

- ۲۸۶- ۱- فضلویه پسر علی بن حسن
۲۸۷- ۲- نظام الدین یحیی
۲۸۸- ۳- نظام الدین محمود پسر نظام الدین یحیی
۲۸۹- ۴- قطب الدین مبارز اول
۲۹۰- ۵- ملک مظفر الدین محمد پسر قطب الدین مبارز
۲۹۱- ۶- قطب الدین مبارز دوم پسر ملک مظفر الدین محمد
۲۹۲- ۷- نظام الدین حسن پسر ملک مظفر الدین محمد
۲۹۳- ۸- نصرت الدین ابراهیم پسر ملک مظفر الدین
۲۹۴- ۹- جلال الدین طیب شاه
۲۹۵- ۱۰- بهاء الدین اسماعیل برادر طیب شاه
۲۹۶- ۱۱- نظام الدین حسن پسر جلال الدین طیب شاه
۲۹۷- ۱۲- نصرت الدین ابراهیم پسر بهاء الدین اسماعیل
۲۹۸- ۱۳- ملک رکن الدین حسن
۲۹۹- ۱۴- تاج الدین جمشید پسر بهاء الدین اسماعیل
۳۰۰- ۱۵- ملک اردشیر
۴۵۸- ۴۵۹ ه. ق.
۴۵۹- ه. ق.
۶۲۲- ه. ق.
۶۲۴- ۶۵۸ ه. ق.
۶۲۳- ۶۵۸ ه. ق.
۶۵۹- ۶۶۲ ه. ق.
۶۶۲- ۶۶۴ ه. ق.
۶۶۴- ۶۸۱ ه. ق.
۶۸۱- ۶۸۸ ه. ق.
۶۸۸- ۷۲۵ ه. ق.
۷۲۵- ه. ق.
۷۳۵- ۷۴۲ ه. ق.
۷۳۵- ۷۴۲ ه. ق.
۷۴۲- ۷۵۶ ه. ق.

اتابکان یزد و مدت زمامداری هر یک

- ۳۰۱- ۱- ظهیر الدین ابو منصور فرامرز پسر علاء الدوله کاکویه
۴۴۳- ه. ق.

- ۳۰۲-۲- علاءالدوله پسر ظهیرالدین ۴۸۸-ه.ق.
- ۳۰۳-۳- امیر فرامرز پسر علاءالدوله ۴۸۸-۵۳۵ه.ق.
- ۳۰۴-۴- اتابک سام و برادرش عزالدین ۵۳۶-۵۷۶ه.ق.
- ۳۰۵-۵- علاءالدوله پسر سام ۵۷۶-۶۲۵ه.ق.
- ۳۰۶-۶- قطب الدین محمود شاه پسر عزالدین ۶۲۵-۶۵۰ه.ق.
- ۳۰۷-۷- شاه علاءالدین پسر قطب الدین ۶۵۰-۶۶۲ه.ق.
- ۳۰۸-۸- یوسف شاه پسر شاه علاءالدین ۶۶۲-۶۹۰ه.ق.
- ۳۰۹-۹- حاجی شاه پسر یوسف شاه ۶۹۰-۷۱۸ه.ق.

قراختائیان کرمان و مدت زمامداری هر یک

- ۳۱۰-۱- براق حاجب پسر سلدوز ۶۱۹-۶۳۲ه.ق.
- ۳۱۱-۲- رکن الدین مبارک خواجه پسر براق ۶۳۲-۶۴۸ه.ق.
- ۳۱۲-۳- قطب الدین محمد برادرزاده براق ۶۴۸-۶۵۶ه.ق.
- ۳۱۳-۴- سلطان حجاج پسر قطب الدین ۶۵۶-۶۶۶ه.ق.
- ۳۱۴-۵- عصمت الدین قتلغ ترکان زوجه قطب الدین ۶۵۶-۶۸۱ه.ق.
- ۳۱۵-۶- جلال الدین سیورغتمش پسر قطب الدین ۶۸۱-۶۵۶ه.ق.
- ۳۱۶-۷- صفوة الدین پادشاه خاتون دختر قطب الدین ۶۹۱-۶۹۴ه.ق.
- ۳۱۷-۸- مظفرالدین محمد پسر سلطان حجاج ۶۹۴-۷۰۲ه.ق.
- ۳۱۸-۹- قطب الدین شاه جهان پسر سیورغتمش ۷۰۲-۷۰۳ه.ق.

امرای خاندان اینجو و مدت زمامداری هر یک

- ۳۱۹-۱- امیر شرف الدین محمود شاه اینجو ۷۰۳-۷۳۶ه.ق.

- ۳۲۰-۲- امیر جلال الدین مسعود شاه پسر امیر شرف الدین ۷۰۴-۷۴۲ ه. ق.
 ۳۲۱-۳- امیر جلال الدین ابواسحاق پسر امیر شرف الدین ۷۴۲-۷۵۸ ه. ق.

زامداران آل مظفر و مدت زمامداری هر یک

- ۳۲۲-۱- امیر مبارزالدین محمد بن غیاث الدین حاجی ۷۶۰-۷۳۲ ه. ق.
 ۳۲۳-۲- شاه محمود پسر امیر مبارزالدین محمد ۷۶۰-۷۷۷ ه. ق.
 ۳۲۴-۳- سلطان عمادالدین احمد پسر امیر مبارزالدین محمد ۷۶۰-۷۹۵ ه. ق.
 ۳۲۵-۴- شاه نصرت الدین یحیی پسر امیر مبارزالدین محمد ۷۶۰-۷۹۵ ه. ق.
 ۳۲۶-۵- شاه شجاع پسر امیر مبارزالدین محمد ۷۶۰-۷۸۶ ه. ق.
 ۳۲۷-۶- سلطان زین العابدین پسر شاه شجاع ۷۸۶-۷۹۰ ه. ق.
 ۳۲۸-۷- شاه منصور پسر شاه مظفر بن امیر مبارزالدین محمد ۷۹۰-۷۹۵ ه. ق.

اتابکان لر بزرگ و مدت زمامداری هر یک

- ۳۲۹-۱- ابوطاهر ۵۵۰-۶۰۰ ه. ق.
 ۳۳۰-۲- اتابک هزاراسب پسر ابوطاهر ۶۰۰-۶۲۶ ه. ق.
 ۳۳۱-۳- عمادالدین پهلوان پسر هزاراسب ۶۲۶-۶۴۶ ه. ق.
 ۳۳۲-۴- نصرت الدین کلچه پسر هزاراسب ۶۴۶-۶۴۹ ه. ق.
 ۳۳۳-۵- تکه پسر هزاراسب ۶۴۹-۶۵۶ ه. ق.
 ۳۳۴-۶- شمس الدین البارغو پسر هزاراسب ۶۵۶-۶۷۲ ه. ق.
 ۳۳۵-۷- یوسف شاه پسر الب ارغوان ۶۷۲-۶۸۸ ه. ق.
 ۳۳۶-۸- افراسیاب پسر یوسف شاه ۶۸۸-۶۹۵ ه. ق.
 ۳۳۷-۹- نصرت الدین احمد پسر یوسف شاه ۶۹۵-۷۳۰ ه. ق.

- ۳۳۸-۱۰- یوسف شاه دوم پسر نصرت الدین احمد
 ۳۳۹-۱۱- افراسیاب دوم پسر نصرت الدین احمد
 ۳۴۰-۱۲- نورالوردین سلیمان شاه پسر اتابک احمد
 ۳۴۱-۱۳- پشنگ بن سلغر شاه پسر اتابک احمد
 ۳۴۲-۱۴- پیر احمد پسر اتابک پشنگ
 ۳۴۳-۱۵- ابوسعید پسر پیر احمد
 ۳۴۴-۱۶- شاه حسین پسر ابوسعید
 ۳۴۵-۱۷- غیاث الدین کیکاووس پسر هوشنگ
 ۷۳۰-۷۴۰ ه. ق.
 ۷۴۰-۷۴۶ ه. ق.
 ۷۴۶-۷۵۷ ه. ق.
 ۷۵۷-۷۹۲ ه. ق.
 ۷۹۲-۷۹۸ ه. ق.
 ۸۲۰ ه. ق.
 ۸۲۰-۸۲۷ ه. ق.
 ۸۲۷-؟ ه. ق.

اتابکان لر کوچک و مدت زمامداری هر یک

- ۳۴۶-۱- شجاع الدین خورشید پسر ابوبکر
 ۳۴۷-۲- سیف الدین رستم برادرزاده ابوبکر
 ۳۴۸-۳- ابوبکر پسر محمد
 ۳۴۹-۴- عزالدین پسر گرشاسب
 ۳۵۰-۵- حسام الدین خلیل پسر بدر
 ۳۵۱-۶- بدرالدین مسعود
 ۳۵۲-۷- تاج الدین شاه پسر حسام الدین خلیل
 ۳۵۳-۸- عزالدین حسین پسر بدرالدین
 ۳۵۴-۹- فلک الدین حسین پسر بدرالدین
 ۳۵۵-۱۰- جمال الدین خضر پسر تاج الدین
 ۳۵۶-۱۱- حسام الدین عمر پسر جمال الدین
 ۳۵۷-۱۲- صمصام الدین محمود برادر حسام الدین
 ۵۸۰-۶۲۱ ه. ق.
 ۶۲۱-؟ ه. ق.
 ؟ ه. ق.
 ؟ ه. ق.
 ؟-۶۴۰ ه. ق.
 ۶۴۰-۶۵۸ ه. ق.
 ۶۵۸-۶۷۷ ه. ق.
 ۶۷۷-۶۹۲ ه. ق.
 ۶۷۷-۶۹۲ ه. ق.
 ۶۹۲-۶۹۳ ه. ق.
 ۶۹۳-۶۹۵ ه. ق.
 ۶۹۵-۶۹۳ ه. ق.

۳۵۸-۱۳	عزالدین محمود پسر عزالدین حسین	۶۹۵-۷۱۶ ه. ق.
۳۵۹-۱۴	دولت خاتون	۷۱۶-؟ ه. ق.
۳۶۰-۱۵	عزالدین حسین دوم برادر دولت خاتون	۷۱۶-۷۳۰ ه. ق.
۳۶۱-۱۶	شجاع‌الدین محمود پسر عزالدین حسین دوم	۷۳۰-۷۵۰ ه. ق.
۳۶۲-۱۷	ملک عزالدین پسر شجاع‌الدین	۷۵۰-۸۰۶ ه. ق.
۳۶۳-۱۸	سید احمد پسر ملک عزالدین	۸۰۷-۸۱۵ ه. ق.
۳۶۴-۱۹	شاه حسین عباسی	۸۱۵-۸۷۳ ه. ق.
۳۶۵-۲۰	شاه رستم عباسی	۸۷۳-؟ ه. ق.
۳۶۶-۲۱	اغور شاه رستم	؟ ه. ق.
۳۶۷-۲۲	جهانگیر بن رستم	؟-۹۴۹ ه. ق.
۳۶۸-۲۳	رستم خان پسر جهانگیر	۹۴۹-؟ ه. ق.
۳۶۹-۲۴	محمدی بک پسر جهانگیر	؟ ه. ق.
۳۷۰-۲۵	شاهوردی بن محمد	؟-۱۰۰۶ ه. ق.

امرای چوپانی و مدت زمامداری هر یک

۳۷۱-۱	امیر شیخ حسن کوچک بن تیمورتاش بن امیر چوپان	۷۳۸-۷۴۴ ه. ق.
۳۷۲-۲	ملک اشرف برادر شیخ حسن	۷۴۴-۷۵۸ ه. ق.

امرای ایلکانی و مدت زمامداری هر یک

۳۷۳-۱	امیر شیخ حسن بزرگ پسر امیر حسین بن آق‌بوقابن ایلکانی	۷۴۰-۷۵۷ ه. ق.
۳۷۴-۲	سلطان شیخ اویس پسر شیخ حسن	۷۵۷-۷۷۶ ه. ق.
۳۷۵-۳	سلطان حسین پسر شیخ اویس	۷۷۶-۷۸۴ ه. ق.

- ۳۷۶-۴- سلطان احمد پسر شیخ اویس
 ۳۷۷-۵- شاه ولد پسر شیخ علی بن شیخ اویس
 ۳۷۸-۶- سلطان اویس پسر شاه ولد
 ۳۷۹-۷- سلطان محمود پسر شاه ولد
 ۳۸۰-۸- سلطان حسین پسر علاءالدوله بن سلطان احمد
 ۷۸۴-۸۱۳ ه. ق.
 ۸۱۳-۸۱۴ ه. ق.
 ۸۱۴-۸۲۴ ه. ق.
 ۸۲۴-۸۲۷ ه. ق.
 ۸۲۷-۸۳۶ ه. ق.

اسامی سربداران و مدت زمامداری هر یک

- ۳۸۱-۱- خواجه عبدالرزاق باشتینی پسر خواجه فضل الله
 ۳۸۲-۲- خواجه وجیه الدین مسعود برادر خواجه عبدالرزاق
 ۳۸۳-۳- آقا محمد آی تیمور
 ۳۸۴-۴- کلوا سفندیار
 ۳۸۵-۵- خواجه شمس الدین برادر عبدالرزاق
 ۳۸۶-۶- خواجه شمس الدین علی چشمی
 ۳۸۷-۷- خواجه یحیی کرابی
 ۳۸۸-۸- خواجه نظیر کرابی برادر خواجه یحیی
 ۳۸۹-۹- پهلوان حیدر قصاب
 ۳۹۰-۱۰- میرزا لطف الله پسر خواجه مسعود
 ۳۹۱-۱۱- پهلوان حسن دامغانی
 ۳۹۲-۱۲- خواجه نجم الدین علی مؤید
 ۷۳۶-۷۳۸ ه. ق.
 ۷۳۸-۷۴۵ ه. ق.
 ۷۴۵-۷۴۷ ه. ق.
 ۷۴۷-۷۴۹ ه. ق.
 ۷۴۹-۷۴۷ ه. ق.
 ۷۴۹-۷۵۳ ه. ق.
 ۷۵۳-۷۵۹ ه. ق.
 ۷۵۹-۷۶۰ ه. ق.
 ۷۶۰-۷۶۱ ه. ق.
 ۷۶۱-۷۶۲ ه. ق.
 ۷۶۲-۷۶۶ ه. ق.
 ۷۶۶-۷۸۸ ه. ق.

امرای طغاتیاموری و مدت زمامداری هر یک

- ۳۹۳-۱- طغاتیامور خان نوه جوجی پسر چنگیز خان
 ۷۳۷-۷۵۴ ه. ق.

- ۳۹۴-۲- لقمان شاه پسر طغاتی‌مور
 ۳۹۵-۳- پیرک شاه پسر لقمان شاه
 ۳۹۶-۴- سلطان علی پسر پیرک شاه
 ۷۶۱-۷۹۰ ه. ق.
 ۷۹۰-۸۱۰ ه. ق.
 ۸۱۰-۸۱۲ ه. ق.

امرای آق‌قویونلو و مدت زمامداری هر یک

- ۳۹۷-۱- امیر حسن بیک
 ۳۹۸-۲- سلطان خلیل پسر امیر حسن
 ۳۹۹-۳- یعقوب بیک پسر حسن بیک
 ۴۰۰-۴- بایسنقر پسر یعقوب
 ۴۰۱-۵- رستم پسر مقصود بن حسن بیک
 ۴۰۲-۶- احمد پسر اغورلو محمد بن حسن بیک
 ۴۰۳-۷- الوند بیک پسر یوسف بن حسن بیک
 ۴۰۴-۸- سلطان مراد پسر یعقوب بن حسن بیک
 ۸۷۲-۸۸۲ ه. ق.
 ۸۸۲-۸۸۳ ه. ق.
 ۸۸۳-۸۹۶ ه. ق.
 ۸۹۶-۸۹۷ ه. ق.
 ۸۹۷-۹۰۲ ه. ق.
 ۸۹۷-۹۰۲ ه. ق.
 ۹۰۳-۹۰۷ ه. ق.
 ۹۰۳-۹۰۸ ه. ق.

امرای قراقویونلو مدت زمامداری هر یک

- ۴۰۵-۱- قرایوسف پسر فرامحمد
 ۴۰۶-۲- اسکندر پسر قرایوسف
 ۴۰۷-۳- جهان‌شاه پسر قرایوسف
 ۴۰۸-۴- حسن‌علی میرزا پسر جهان‌شاه
 ۸۱۰-۸۲۳ ه. ق.
 ۸۲۳-۸۳۹ ه. ق.
 ۸۳۹-۸۷۲ ه. ق.
 ۸۷۲-۸۷۳ ه. ق.

پادشاهان صفوی و مدت سلطنت هر یک

- ۴۰۹-۱- شاه اسماعیل اول
 ۹۰۵-۹۳۰ ه. ق.

- ۴۱۰-۲- شاه طهماسب اول پسر شاه اسماعیل اول
 ۴۱۱-۳- شاه اسماعیل دوم پسر شاه طهماسب اول
 ۴۱۲-۴- سلطان محمد خدابنده پسر شاه اسماعیل دوم
 ۴۱۳-۵- شاه عباس اول پسر سلطان محمد خدابنده
 ۴۱۴-۶- شاه صفی پسر صفی میرزا نوه شاه عباس اول
 ۴۱۵-۷- شاه عباس دوم پسر شاه صفی
 ۴۱۶-۸- شاه سلیمان پسر شاه عباس دوم
 ۴۱۷-۹- شاه سلطان حسین پسر شاه سلیمان
 ۴۱۸-۱۰- شاه طهماسب دوم پسر شاه سلطان حسین
 ۴۱۹-۱۱- شاه عباس سوم پسر شاه طهماسب دوم

پادشاهان افشاریه

- ۴۲۰-۱- نادرشاه افشار
 ۴۲۱-۲- عادل شاه
 ۴۲۲-۳- ابراهیم شاه
 ۴۲۳-۴- شاهرخ شاه

پادشاهان زند و مدت سلطنت هر یک

- ۴۲۴-۱- کریمخان
 ۴۲۵-۲- ابوالفتح خان پسر کریمخان
 ۴۲۶-۳- علیمردان خان
 ۴۲۷-۴- محمدعلی خان پسر کریمخان

- ۴۲۸-۵- صادق خان برادر کریمخان
 ۴۲۹-۶- علیمرادخان
 ۴۳۰-۷- جعفرخان پسر صادق خان
 ۴۳۱-۸- صید مرادخان
 ۴۳۲-۹- لطفعلی خان
- ۱۱۹۳-۱۱۹۶ ه.ق.
 بار دوم ۱۱۹۶-۱۱۹۹ ه.ق.
 ۱۱۹۹-۱۲۰۲ ه.ق.
 ۱۲۰۲-۱۲۰۳ ه.ق.
 ۱۲۰۳-۱۲۰۹ ه.ق.

سلسله قاجاریه

- ۴۳۳-۱- آغامحمدخان
 ۴۳۴-۲- فتحعلیشاه
 ۴۳۵-۳- محمدشاه
 ۴۳۶-۴- ناصرالدین شاه
 ۴۳۷-۵- مظفرالدین شاه
 ۴۳۸-۶- محمدعلی شاه
 ۴۳۹-۷- احمدشاه
- ۱۲۱۱-۱۲۰۰ ه.ق.
 ۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه.ق.
 ۱۲۶۴-۱۲۵۰ ه.ق.
 ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه.ق.
 ۱۳۲۴-۱۳۱۳ ه.ق.
 ۱۳۲۷-۱۳۲۴ ه.ق.
 ۱۳۴۳-۱۳۲۷ ه.ق.

سلسله پهلوی

- ۴۴۰-۱- رضاشاه
 ۴۴۱-۲- محمدرضاشاه
- ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش.
 ۱۳۵۷-۱۳۲۰ ه.ش.

فهرست اعلام

آ

آبدالونیموس: ۱۸	آثلیان: ۳۴۳
آبروکوماس: ۶۲	آبادان: ۱۶۰۸، ۱۳۹۳، ۱۴۳، ۵۰
آبریزان: ۱۹، ۹۴۴	آباده زرتشت: ۱۳
آب ریزکان: ۱۹، ۹۰۹، ۱۹، ۷۸۹	آباقا: ۱۶۶۱، ۸۹۱
آبسکون: ۱۹	آباقاخان: ۱۳، ۱۲۶، ۴۳۴، ۵۵۳
آبشنا: ۱۹	۷۹۷، ۱۳۴۹، ۱۵۰۶، ۱۵۰۸، ۲۱۸۷
آبش خاتون: ۲۰، ۱۸۹، ۲۲۰، ۲۲۱	آباقاخان مغول: ۸۴۷
۲۲۴	آبانگان: ۱۶
آبی دوس: ۳۸۵	آبانگاه: ۱۶، ۲۱
آبیس: ۲۰	آبان یشت: ۱۶، ۲۷۷
آپادانا: ۸۳۵، ۱۶۷۸، ۱۷۱۹، ۲۰۴۴	آبتین: ۱۸
۲۰۴۹	آبخاز: ۱۸

آپارخی: ۲۰، ۲۶۴۳	آتروبات: ۲۲، ۳۷
آپارخیا: ۳۱۰	آتروبات: ۲۳، ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۳۸۲
آپارخی‌ها: ۲۰	آتروباتاکان: ۴۳
آپارنی: ۳۲۸	آتروباتاکان: ۲۳، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷
آپاما: ۲۳۴۰	آتروباتگان: ۳۷، ۴۳، ۳۸۲، ۵۸۹
آپامه‌آ: ۲۰	۲۲۵۷
آپامه‌سن: ۲۳۴۰	آتروبات ماراسپندان: ۲۳
آپاورتا: ۳۳۸	آتروباتن: ۲۳، ۳۷، ۳۸۲، ۷۵۴
آپاورتن: ۳۳۸، ۱۲۵۴	۲۲۳۳، ۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۶۰
آپ بیان اسکندرانی: ۲۱	۲۲۶۸، ۲۳۷۸، ۲۵۶۵
آپدانه: ۲۰۵۷	آتروباتنه: ۱۷۶۸
آپرنها: ۷۸۷	آتروباتکان: ۱۵۸۷
آپولون: ۴۲۱، ۱۱۵۱، ۲۲۷۶	آتروباتخس: ۲۳
آپی: ۲۲	آتروباتخشیه: ۲۳
آپیان: ۳۴۳	آتروبات: ۲۴۱۹
آتالیق: ۲۲	آتسز: ۲۳
آتالیق غازی: ۲۲	آتس سا: ۱۸۹۰
آتبین: ۳۱	آتش: ۲۲، ۲۹
آتخش ای واهرامان: ۲۲	آتش آذران: ۲۴
آتخش و خشنیتار: ۲۲	آتش آمار دبیر: ۲۴
آتر: ۲۲، ۲۹	آتش آیینی: ۲۴
آترینان: ۲۲	آتش بهرام: ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۶

آتش بهرام ایزد: ۲۹	آتشکده دره شامی: ۲۸
آتش دادگاه: ۲۴	آتشکده دزمارین: ۲۸
آتشدان: ۲۵	آتشکده سنگی: ۲۹
آتشدان سنگی: ۲۴	آتشکده کشاورزان: ۳۰
آتشکده: ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۴۵	آتشکده مسجد سلیمان: ۲۹
آتشکده آذر فرنیغ: ۴۵	آتشکده میل اژدها: ۲۹
آتشکده جره: ۲۸	آتشکده نوبهار: ۶۴۵
آتشکده ری: ۲۸، ۸۲۸	آتشکوه: ۲۹
آتشکده شهر اردشیر: ۲۷	آتش مقدس: ۲۵
آتشکده ها: ۲۵	آتش نیایش: ۲۹
آتشکده آتشکوه: ۲۵	آتش ورهرام ایزد: ۲۹
آتشکده آذر: ۲۵	آتن: ۵۴، ۵۵، ۱۴۹، ۷۶۵، ۹۸۴
آتشکده آذر برزین مهر: ۲۵، ۲۹	۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۳۲، ۱۱۸۸، ۱۵۸۵
۲۴۳۱	۲۰۳۷، ۲۰۹۷، ۲۶۲۲
آتشکده آذر فرنیغ: ۲۵، ۲۱۶۷	آتنی ها: ۵۴، ۶۷، ۲۶۱۹
آتشکده آذر گشسب: ۲۷، ۷۵۴	آتور بورزین میترا: ۳۰
آتشکده آذر گشسب: ۳۸، ۱۷۱۱	آتور بات: ۳۰، ۴۴
آتشکده اصفهان: ۲۷	آتور پاتکان: ۳۰
آتشکده بازه هور: ۲۷، ۵۹۸	آتور پاتگان: ۲۲۶۰
آتشکده بهرام: ۲۵۳۸	آتور فرنیغ: ۳۱
آتشکده بیشابور: ۲۷	آتور گوشنسب: ۳۱
آتشکده جره: ۲۸	آتوس: ۵۴

فهرست اعلام	۲۷۰۲	فرهنگ توصیفی
آتوسا: ۱۱۸۷، ۱۹۱۷	آخوسالار: ۳۴	
آتونی: ۳۱	آخوند خراسانی: ۳۴	
آتویانه: ۳۱	آخوندزاده: ۲۳۴۷	
آتویه: ۳۱، ۳۲	آخوند ملامحمدکاظم خراسانی:	
آتیلا: ۹۸۱	۲۳۲۲	
آثارالباقیه: ۲۰۹، ۱۲۳۳، ۱۹۲۰،	آدراپانا: ۶۴۹	
۲۶۰۲، ۲۲۳۲، ۲۲۳۱	آدران: ۲۴	
آثارالبلاد: ۲۶۸	آدران یا آذران: ۳۴	
آثارالعجم: ۳۲، ۱۹۱۳	آدریاد مهراسپند: ۳۴	
آتویه: ۳۱، ۳۲	آدریاتیک: ۱۲۶۲	
آجودان باشی: ۳۲	آدریان: ۲۱	
آخالگوری: ۳۲	آدریان پولیس: ۸۵۰	
آخایایی: ۱۵۰	آدیابن: ۳۴، ۳۸، ۹۸، ۳۳۵، ۳۳۷،	
آخای خالا: ۳۲	۹۹۵، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱،	
آخشنو: ۳۲	۲۵۶۳، ۲۰۲۸	
آخشنواز: ۳۳، ۲۶۶۵	آدیابنه: ۳۵	
آخورآماردبیر: ۳۳	آذن: ۳۵، ۳۶	
آخورئد: ۳۴	آذرایین: ۳۶	
آخورید سردار: ۳۴	آذرافروز: ۳۶	
آخورید: ۳۴	آذران: ۲۴	
آخورپتان: ۳۴	آذرانشاه: ۳۶	
آخورپتان سردار: ۳۴	آذریاد: ۲۲، ۳۷، ۴۴، ۴۶	

آذرباد زرادستان: ۳۷	آذر خوره: ۱۹
آذرباد فرنیغ: ۴۶۳	آذر شیب: ۴۵
آذربادگان: ۳۰	آذر شیب: ۴۵
آذربادماراسپند: ۳۷	آذر فرنیغ: ۲۵، ۳۵، ۴۵، ۴۶، ۱۶۳۲،
آذربایجان: در بیشتر صفحات آمده است	۱۹۱۸، ۲۱۹۲، ۲۲۸۶، ۲۶۲۹
آذربایجان شرقی: ۲۷، ۵۲۹، ۲۴۸۶	آذر فروبا: ۴۴
آذربایجان شمالی: ۱۴۷۹	آذر کیوان: ۴۵
آذربایجان شوروی: ۷۹۲، ۱۹۱۴	آذرگان: ۴۶
آذریافان: ۳۰	آذرگشسب: ۴۵، ۴۶، ۳۷۲، ۶۷۹،
آذریایگان: ۳۹، ۲۰۹۰، ۲۱۷۲	۱۰۶۳، ۲۵۲۷، ۲۵۹۹
آذرید: ۲۳، ۳۷، ۴۳، ۴۴	آذرگشسب: ۱۶۳۵، ۲۱۷۳
آذرید مهراسپند: ۴۴	آذرگشسب: ۴۵، ۸۴۷، ۲۱۲۸
آذریرزین: ۴۴، ۲۴۵۵	آذرگشسب شیز: ۴۴
آذریرزین مهر: ۴۴، ۴۶، ۶۷۱، ۲۱۶۷	آذرگشسب: ۳۱
آذر بهرام: ۳۶، ۴۴	آذر مهر: ۴۶
آذرییجان: ۳۷	۹۴۵
آزپاد زرتشتان: ۴۴	آذر نیغ: ۴۶
آزپادمهراسپندان: ۳۷، ۴۴	آذر نرسه: ۴۶
آزپیرا: ۴۵	آذر نرسی: ۴۶
آذر جشن: ۴۵	آذر نوش: ۴۷
آذر جشن اول: ۴۵	آذر وان: ۴۷
	آذر هرمز: ۴۷

آذرهرمزد: ۱۶۳۲	آرامیها: ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۹۰، ۶۵۹
آذری: ۳۹	آران: ۵۲، ۱۱۰، ۲۵۴، ۵۹۲، ۸۸۱
آراخوزیه: ۴۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۲۲۵۴	۲۲۳۳
آراخوسیه: ۲۰۱۳، ۲۰۱۵	آرانشاهان: ۵۲
آراد: ۴۸	آرانگ: ۵۱۸
آارات: ۶۰، ۶۱، ۲۶۱، ۳۴۰، ۴۷۶	آرانیان: ۵۲
۱۳۵۳، ۲۲۳۴، ۲۵۳۸	آریاکس: ۵۳، ۲۲۳۴
آراشتی: ۴۸	آریاکیس: ۲۲۵۵
آراشکیان: ۴۸	آریل: ۲۵۶۳
آراکس: ۲۵۷	آریلا: ۵۳
آراکسس: ۱۳۵۳	آرتاسیراس یغپت: ۲۰۴۰
آراکوزی: ۴۸	آرتاکزاستا: ۶۱
آرال: ۱۴۳۳، ۲۲۷۵	آرتاکس: ۵۳
آرام جان بیگم: ۴۸	آرتاکساتا: ۵۳
آرام نهرایم: ۲۳۳۹	آرتاکسرکسس لونگی مانوس: ۲۰۳۶
آرامی: ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۸۵، ۳۹۵، ۴۲۴	آرتاگزاس: ۵۳
۶۲۴، ۷۳۶، ۱۱۹۳، ۱۳۷۲، ۲۴۷۷	آرتامیتا: ۳۳۷
۲۵۶۵	آرتاوردیه: ۲۰۱۶
آرامی امپراتوری: ۱۳۷۲	آرتمیتا: ۱۲۸۳
آرامیان: ۴۹، ۵۰، ۸۶، ۵۷۹، ۶۵۹	آرتمیزون: ۵۴
۱۳۷۱، ۱۳۷۲	آرتور میلسپو: ۱۹۹۹
آرامیه: ۵۰	آرتیستن: ۵۵

آرواسدان: ۳۳۹	آرتیستون: ۵۵
آرهیم پاسا: ۶۲	آرتیشتاران: ۵۵
آریا: ۶۲	آرتیکاس: ۵۵
آریادخت: ۶۲	آرتی میتا: ۱۳۲۶
آریارات: ۶۲، ۲۰۲۰	آرجرونیان: ۵۵، ۸۶۲، ۱۱۶۱
آریارامنه: ۶۲	آرخوزیا: ۱۵۳۳، ۲۳۹۸، ۲۵۹۸
آریارمنا: ۱۰۶۴، ۲۵۸۳	آرخوزیای قدیم: ۲۵۶۳
آریامتروپولیس: ۶۳	آردینی: ۵۵
آریامنا: ۲۵۸۴	آرزاکس: ۲۷۲
آریامنس: ۲۰۲۰	آرزو: ۵۶
آریان: ۶۴، ۶۵، ۱۲۱۹	آرسان: ۵۶
آریاننا: ۶۲، ۶۳، ۵۸۹، ۵۹۴، ۷۳۶	آرسس: ۵۶
آریاننا الکسندریا: ۶۳	آرسی: ۲۱۱۸
آریاننداس: ۶۳	آرسیت: ۵۶
آریانندس: ۶۳، ۵۶۵، ۵۶۶	آرسی نوا: ۳۸۵
آریاندوس: ۶۳	آرش: ۵۷
آریانوس: ۶۴	آرشام: ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۱۴۵، ۲۳۱۲
آریانها: ۶۵، ۵۳۵، ۲۳۴۶	آرگون: ۵۳۵
آریا ورته: ۵۱۵	آرگیشتی: ۵۹، ۶۱
آریاها: ۶۵، ۵۲۴، ۷۵۵، ۱۲۷۱	آرمینیا: ۶۱
۱۸۱۵، ۱۸۱۷، ۲۱۷۷، ۲۴۳۶	آرنواز: ۶۱
۲۶۲۹	آرواتس: ۱۷۷۶

فهرست اعلام	۲۷۰۶	فرهنگ توصیفی
آریاهای ایرانی: ۷۳۰، ۷۹۱، ۹۶۴	آریوبرزن: ۶۹، ۲۰۲۰	
۱۸۱۶، ۱۸۱۵	آرییه: ۶۹	
آریایی: ۶۵، ۵۲۹، ۶۸۲، ۷۵۵، ۷۵۶	آز: ۷۱	
۷۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۹۴۶، ۱۳۵۴	آزاد: ۷۱، ۷۲	
۱۴۰۸، ۱۴۸۰، ۱۵۹۷، ۱۷۲۳	آزادان: ۷۲، ۷۳	
۱۸۱۶، ۲۰۲۸، ۲۰۳۲، ۲۱۲۶	آزادبیک سلیمان خیل: ۷۳	
۲۱۲۸، ۲۱۴۱، ۲۱۵۹، ۲۲۷۱	آزاد پیدرک: ۷۲، ۷۳	
۲۳۹۹، ۲۶۰۵، ۲۶۲۴، ۲۶۲۶	آزادخان: ۷۳، ۳۱۶	
۲۶۴۴	آزادخان افغان: ۳۷۶، ۲۰۳۵	
آریایان: ۶۵، ۲۶۰۵	آزادشاذ: ۷۳	
آریایی نژاد: ۸۹۲	آزادکار: ۷۲	
آریاییها: ۶۲، ۶۸، ۱۸۱، ۲۶۷، ۱۷۶۸	آزادمرد: ۷۳	
۲۶۲۱، ۲۵۵۰	آزرمدخت: ۱۹۱۰	
آریاییهای ایرانی: ۱۸۱۷	آزرمیدخت: ۷۳، ۷۴، ۱۴۲۵، ۲۶۶۲	
آریبال: ۶۶	آزس: ۷۴	
آزیرمنه: ۲۱۶۸	آزدهاک: ۲۲۳۴	
آزیزانتها: ۶۶	آزدهاک: ۷۵	
آری سانتها: ۲۲۳۴	آزی: ۷۵، ۱۵۶، ۳۰۱	
آریستاگر: ۶۶	آزی دهاک: ۲۱۳۰	
آریستاگوراس: ۶۸	آسارهادون: ۷۵	
آرین: ۶۸	آساک: ۷۵، ۳۳۵	
آریو بارزانس: ۳۱۷	آساگارتا: ۵۲۳	

آستان قدس رضوی: ۸۰۰، ۱۶۱۷	آسوریک: ۷۷، ۷۸۱
آستیاک: ۲۱۳۰	آسوریها: ۵۲۳، ۶۵۹، ۸۸۹، ۲۰۳۹
آستیاگ: ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۵۷۶	۲۶۳۳
آستیاگس: ۷۵	آسیا: ۱۴۹، ۴۱۰، ۲۴۷۱
آسروان: ۲۲، ۷۶	آسیاتیکوس: ۷۷، ۱۵۲
آسک: ۷۶	آسیای شرقی: ۱۹۷۹
آسمان: ۷۶	آسیای صغیر: ۵۰، ۶۷، ۷۷، ۱۱۱
آستنار: ۷۶	۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۲۶۱
آسنی: ۷۶	۳۰۹، ۳۴۲، ۳۸۶، ۴۷۴، ۵۶۸، ۶۹۱
آسوریانی: ۳۱۳	۶۹۲، ۷۳۵، ۷۵۵، ۷۵۷، ۷۶۸، ۷۶۹
آسوربانی پال: ۶۰، ۸۶، ۸۷، ۹۰	۸۴۹، ۸۵۱، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۷۸، ۸۹۵
۵۸۰، ۲۴۷۷، ۲۰۹۴	۹۱۰، ۹۲۱، ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۹۹۷
آسور جدید: ۷۶	۱۰۱۷، ۱۰۲۵، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲
آسور: ۳۴، ۷۶، ۸۱، ۸۶، ۲۰۹، ۲۴۱	۱۰۶۱، ۱۰۷۶، ۱۱۰۰، ۱۱۸۹
۷۱۰، ۸۷۸، ۱۱۹۰، ۱۲۶۵، ۲۵۳۸	۱۱۹۱، ۱۳۱۱، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶
۲۵۹۱، ۲۶۳۳، ۲۶۳۴	۱۲۶۷، ۱۳۵۹، ۱۴۱۳، ۱۴۲۴
آسور قدیم: ۵۳، ۷۷	۱۴۲۵، ۱۴۹۷، ۱۵۰۵، ۱۵۲۸
آسور نصیر پال: ۷۷، ۸۶	۱۵۲۹، ۱۵۳۱، ۱۵۳۵، ۱۵۳۸
آسور نصیر پال: ۲۰۳۶	۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲
آسور وسطی: ۷۷	۱۵۴۴، ۱۶۰۶، ۱۷۲۵، ۱۷۳۳
آسوری: ۱۳۶۹، ۱۸۶۴، ۲۰۵۳	۱۸۱۲، ۱۸۷۲، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷
آسوریان: ۶۵۹	۱۹۳۳، ۱۹۳۶، ۱۹۴۷، ۱۹۶۱

۵۷۷، ۵۵۰، ۵۴۹، ۵۴۷، ۵۴۰، ۴۷۶	۲۰۳۸، ۲۰۳۱، ۲۰۲۴، ۲۰۲۰
۹۱۶، ۸۰۹، ۶۲۹، ۵۹۹، ۵۸۱، ۵۸۰	۲۱۰۱، ۲۱۰۰، ۲۰۹۸، ۲۰۹۷
۱۱۸۹، ۱۱۶۱، ۱۱۶۰، ۱۰۷۹	۲۲۲۳، ۲۲۱۸، ۲۱۴۲، ۲۱۰۹
۱۴۳۹، ۱۴۱۳، ۱۳۱۰، ۱۳۰۲	۲۲۹۰، ۲۲۲۶، ۲۲۲۵، ۲۲۲۴
۱۶۸۵، ۱۶۶۴، ۱۶۶۲، ۱۴۷۹	۲۴۷۱، ۲۴۳۶، ۲۴۲۷، ۲۳۳۳
۲۰۰۶، ۲۰۰۴، ۱۹۲۰، ۱۷۴۵	۲۶۰۳، ۲۵۹۲، ۲۴۷۵، ۲۴۷۴
۲۰۱۴، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸، ۲۰۰۷	۲۶۴۳، ۲۶۲۳، ۲۶۱۶، ۲۶۱۵
۲۱۰۸، ۲۱۰۲، ۲۰۶۸، ۲۰۳۶	۲۶۶۹، ۲۶۴۹، ۲۶۴۵، ۲۶۴۴
۲۲۵۶، ۲۲۴۲، ۲۲۳۷، ۲۲۲۳	آسیای کوچک: ۲۲۱۸، ۲۱۶۶
۲۳۲۳، ۲۲۷۸، ۲۲۵۹، ۲۲۵۸	آسیای مرکزی: ۱۵۴، ۸۵۵، ۱۰۲۴
۲۶۲۶، ۲۵۷۴، ۲۴۱۰	۱۲۴۸، ۱۵۱۴، ۱۵۸۴، ۱۷۷۰
آشوریانی پال: ۸۷، ۲۱۸۷	۲۶۴۲
آشور جدید: ۸۴، ۸۷	آسیای میانه: ۱۵۳۴، ۱۵۴۷، ۲۲۳۶
آشور قدیم: ۳۵، ۸۴، ۹۰، ۳۳۷	۲۴۷۴
آشور میانه: ۹۱	آسیای وسطی: ۶۶، ۷۵۲، ۲۱۱۴
آشور نصیرپال: ۹۱، ۹۳	۲۳۹۷
آشور وسطی: ۸۴	آسیه خانم: ۸۰
آشوری: ۶۱، ۵۸۲، ۸۸۵، ۱۲۰۷	آشتیانی: ۸۰، ۱۰۷۳
۲۰۰۲، ۱۸۱۶، ۱۴۷۹، ۱۴۱۲	آشور سنه: ۸۰
۲۱۳۵، ۲۰۷۰، ۲۰۰۵، ۲۰۰۳	آشکار: ۶۰۳
۲۲۷۸، ۲۲۴۴، ۲۲۴۳، ۲۲۱۶	آشور: ۵۰، ۶۱، ۷۵، ۸۱، ۸۴، ۸۵
۲۶۳۳، ۲۴۱۰	۸۶، ۹۰، ۱۰۵، ۲۰۱، ۲۵۱، ۳۱۳

آشوریان: ۸۱۲، ۱۲۷۹، ۱۲۹۵،	آفریسیا: ۳۸۵
۱۷۴۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵،	آفریقا: ۱۹۳، ۳۸۴، ۴۱۰، ۹۴۲،
۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۲۹،	۱۲۶۵، ۲۳۷۰، ۲۵۷۹، ۲۵۸۰،
۲۰۳۳، ۲۲۳۶، ۲۲۳۷، ۲۲۳۸،	۲۵۸۱
۲۲۴۲، ۲۲۵۶	آفریکانوس: ۹۷
آشوری‌ها: ۱۴۱، ۵۳۹، ۵۵۰، ۵۹۸،	آفرین پیغامبر زردشت: ۹۸
۷۳۵، ۷۴۶، ۱۳۶۴، ۲۵۷۲، ۲۶۲۱،	آفرینگان: ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
۲۶۴۵	آفرینگان دهمان: ۹۸، ۹۹
آشوکا: ۹۳، ۹۴، ۲۰۹۱	آفرینگان رپیتوین: ۹۹
آشین: ۲۰۱۲	آفرینگان گاتا: ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
آصف الدوله: ۹۴، ۲۴۴۹	آفرینگان گهنبار: ۹۹
آخاباجی: ۹۵	آفرینها: ۱۰۰
آخابیگم طباطبایی: ۹۵	آقاآن: ۱۰۲
آقاجری: ۹۶، ۱۰۰	آقا ابراهیم شیخ الاسلام: ۱۰۰
آقاجی: ۹۶	آقا بزرگ تهرانی: ۸۰۰
آغاز تاریخ: ۹۶	آقاجری: ۹۶، ۱۰۰
آغاسلطان: ۹۶، ۹۷	آقاخان امین‌الصحه: ۲۴۱۹
آغا کوچک: ۹۷	آقاخان بیگدلی: ۱۰۰
آغامحمدخان: ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۳۰۶	آقاخان کرمانی: ۱۲۴۵
آغامحمدخان قاجار: ۴۹۹، ۹۳۱	آقاخان نوری: ۱۰۰، ۲۴۴۴
آغری داغ: ۲۳۴۰	آقازاده: ۱۰۸۷
آفاق جلایر: ۹۷	آقاسی باشی: ۱۹۶۰

آقامحمد: ۲۳۵۶	آکد پاتسی: ۷۱۰
آقامحمدخان: ۱۸۶، ۱۰۶۸، ۱۳۴۱،	آکدی: ۱۴۱
۱۹۶۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۲۲۱۸	آکروپل: ۱۶۷۸
آقا محمدخان: ۲۲۱۷	آکسفورد: ۲۴۶۳، ۲۲۷۷
آقامحمدخان قاجار: ۱۰۱، ۲۴۲،	آکیتو: ۱۰۵
۱۱۱۳، ۱۲۲۶، ۱۶۱۷، ۱۷۱۷،	آکیناکس: ۱۰۵
۱۸۴۸، ۱۹۶۰	آگاتانجلوس: ۱۰۶
آقاولان: ۱۰۲	آگاتانز: ۱۰۶
آقبوقابهار: ۱۰۲	آگاش: ۱۰۶
آقبوقاجلایر: ۱۰۲	آگنی: ۱۰۷
آقچه: ۱۰۲	آگیاری: ۲۴
آق سنقر: ۱۰۳، ۲۲۱، ۱۸۵۳	آل آفریغ: ۱۶۳۲
آق سنقریک: ۶۳۸	آل ابیطالب: ۱۶۹۲
آقشاه: ۱۰۳	آل اخشید: ۱۰۷
آق قویونلو: ۱۰۳، ۲۴۵، ۳۷۴، ۴۱۷،	آلاداغ: ۱۳۵۵
۴۸۳، ۶۱۷، ۶۱۸، ۱۰۳۳، ۱۰۳۸،	آلارود: ۴۷۶
۱۱۳۷، ۱۲۲۳، ۱۳۳۴، ۱۶۱۱،	آل افراسیاب: ۱۰۷، ۵۶۳، ۸۶۹
۱۶۶۰، ۱۷۲۶، ۱۸۴۰	آلافرنک: ۱۰۳۷
آق قویونلوها: ۸۶۸	آلافرنک: ۱۰۷
آکاد: ۴۸۲، ۵۳۹	آل البتکین: ۱۸۷۴
آکادی: ۵۳۸	آل الیاس: ۱۰۷
آکادیها: ۱۵۵۵	آلان: ۵۲، ۱۱۰، ۸۸۱، ۱۰۰۱، ۲۱۹۳

آلانها: ۶۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۲۵۷، ۳۵۸	۱۰۹۰، ۱۱۴۰، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷
آل اینجو: ۱۶۴۴	۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۴۲، ۱۴۸۹
آلب ارسلان: ۱۱۱، ۱۲۳۰، ۱۴۸۸	۱۵۱۹، ۱۵۲۴، ۱۵۸۳، ۱۶۴۳
۱۴۸۹، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۷	۱۶۵۸، ۱۶۶۱، ۱۷۱۴، ۱۷۱۹
۱۴۹۸، ۱۵۰۵، ۱۵۱۵، ۱۵۷۳	۱۷۷۵، ۱۸۱۸، ۱۸۵۲، ۱۸۵۷
۱۶۳۷، ۱۷۷۳، ۱۹۳۸	۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۲، ۱۹۵۸
آلب ارسلان بن طغرل: ۱۴۹۶	۲۳۷۲، ۲۳۷۴، ۲۳۸۶، ۲۴۵۶
آلب ارغو: ۲۱۹۶	آلبینوس: ۲۰۲۳
آلبانی: ۱۱۱، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷	آل پادوسیان: ۹۵۰
۱۴۱۷، ۲۲۶۴، ۲۳۸۸، ۲۵۴۸	آلپ ارسلان: ۱۵۴۴، ۱۶۱۶
آلبانیا: ۵۷۳، ۵۷۵	آلپتگین: ۱۴۳۸
آلبانی ها: ۲۵۵، ۹۹۴	آلتاجو: ۲۳۲
آل باوند: ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۶۱، ۱۴۴۸	آلتایی: ۳۳۵
۱۷۶۴، ۱۷۶۶، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳	آل تیان: ۱۱۷
آل باوند: ۱۸۵۱	آلتمغا: ۱۱۷
آلبتگین: ۱۴۴۲	آلتوننتاش: ۱۱۸، ۱۰۶۹، ۱۲۳۳
آل برمک: ۱۱۴	۱۸۴۲
آل برهان: ۱۱۴، ۶۲۹، ۶۶۴، ۷۹۶	آلتوننتاش خوارزمشاه: ۲۴۴
آل بویه: ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۹۴، ۱۹۸	آلتین تپه: ۱۱۸
۴۰۵، ۴۴۲، ۶۷۶، ۱۶۰۳، ۲۲۹۵	آل جستان: ۱۱۸
آل بویه: ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۹۶، ۲۰۶	آل جلایر: ۱۱۸، ۱۶۳۱، ۱۸۱۴
۳۲۸، ۳۹۶، ۳۹۷، ۶۵۵، ۹۴۳	۱۸۳۴

فهرست اعلام	۲۷۱۲	فرهنگ توصیفی
آل جلایر: ۲۴۳، ۵۰۴، ۵۶۲، ۶۱۶	۱۶۶۲، ۱۸۱۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵	
۹۵۳، ۱۰۹۵، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸	۱۸۲۸، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷	
آل جنفه: ۱۱۸	۱۹۰۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱	
آل خاقان: ۱۰۷، ۱۱۸، ۵۶۳، ۸۱۱	آل صاعد: ۱۲۱	
۱۷۷۸	آل طاهر: ۱۲۱، ۱۲۳۲، ۱۷۵۸	
آل خجند: ۱۱۸، ۱۲۱، ۲۴۳۴	آل طولون: ۲۳۷۳	
آل دابویه: ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۴۹	آل عباس: ۴۱۶، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲	
آل رستم: ۲۵۸۰	۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۲۱۳۲، ۲۲۸۸	
آل زنگی: ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۲۲۳	آل عباسی: ۱۷۹۸	
۱۸۵۳	آل عثمان: ۱۴۹۸، ۱۸۷۲	
آل زیار: ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۹۹، ۶۰۳	آل عراق: ۱۲۱، ۱۲۳۶، ۲۰۲۴	
۱۷۶۵، ۱۹۴۲، ۱۹۵۷، ۲۵۰۹	آل علی (ع): ۲۱۱، ۲۲۸۸، ۲۵۲۷	
۲۵۵۲	آل غور: ۶۸۱	
آل ساسان: ۱۱۹	آل فریغون: ۱۲۱، ۱۲۲، ۶۶۲، ۶۶۳	
آل سامان: ۱۰۷، ۱۱۹	۱۰۳۶، ۱۹۳۶	
آل سبکتکین: ۱۸۶، ۸۰۸، ۸۶۹	آل قارن: ۱۲۲، ۱۲۷	
آل سفیان: ۲۳۷۰	آل قارود: ۱۴۹۴، ۱۴۹۵	
آل سلجوق: ۱۴۸۶، ۱۴۹۶	آل قارون: ۱۱۱	
آل سلجوق: ۱۲۰، ۸۰۶، ۸۵۷	آل قاورد: ۱۲۲	
۱۴۸۸، ۱۳۲۰	آل کاکویه: ۱۲۲، ۱۲۴، ۲۲۵	
آل شنسب: ۱۲۰، ۶۷۶، ۷۹۸	آل کُرت: ۱۲۶، ۱۳۴۹، ۱۶۶۰	
۱۰۸۹، ۱۵۲۵، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹	۱۹۰۰، ۲۴۰۲، ۲۴۰۳، ۲۵۹۵	

آلکساندر سور: ۹۷۶	آلن چارلز ترات: ۱۳۳، ۸۵۲
آل گاویره: ۱۲۷، ۱۲۵۰	آل نصر: ۱۵۵۷
آل لیث: ۱۲۸	آل نصر: ۱۱۴۳
آلمان: ۱۲۸، ۲۵۸، ۲۹۹، ۱۶۴۷	آل وردان: ۱۳۴
۲۰۸۷، ۲۱۲۴، ۲۲۹۴، ۲۳۰۷	آماتونت: ۱۳۴
۲۳۲۵، ۲۳۴۳، ۲۴۳۶، ۲۵۲۹	آمادا: ۲۶۲۱
آلمان شمالی: ۶۶	آمادانا: ۲۲۳۸
آلمانها: ۲۲۹۳	آمادای: ۱۳۴
آلمانی: ۶۵۳، ۱۳۷۲، ۲۲۹۳، ۲۳۰۹	آمارد: ۱۳۴
آل مأمون: ۱۲۸	آماردها: ۶۵
آل محتاج: ۱۲۸	آماردی: ۱۳۴، ۱۳۵۵
آل مروان: ۱۲۹	آمازیس: ۱۳۴، ۷۶۱، ۹۸۴، ۲۰۴۰
آل مسافر: ۱۲۹، ۱۲۹۹	۲۴۷۵، ۲۴۷۴، ۲۴۷۳، ۲۰۴۱
آل مظفر: ۱۲۶، ۱۳۰، ۲۲۵، ۷۹۸	آمپه: ۶۷
۹۲۰، ۹۴۳، ۹۵۳، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹	آمد: ۱۳۵، ۲۶۶، ۱۰۰۶
۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱	آمریکا: ۵۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۲۹۸، ۲۹۹
۱۶۳۴، ۱۷۱۸، ۱۹۹۰، ۲۰۸۱	۳۷۹، ۵۰۴، ۹۵۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۴
۲۱۹۹، ۲۳۶۹	۱۱۱۹، ۱۳۳۰، ۱۳۶۸، ۱۴۱۸
آل مؤید: ۱۳۲، ۱۷۷۳	۱۸۲۰، ۱۸۳۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴
آلن: ۱۳۳	۱۸۹۱، ۱۹۱۴، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲
آل ناصر: ۳۱۲، ۶۴۶، ۷۹۰، ۱۱۸۵	۲۰۸۶، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۵
۱۵۲۳، ۱۸۰۶، ۱۸۷۳	۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۳، ۲۳۰۸

آمیانونوس مارسلینوس: ۱۲۴۸، ۶۶۵	۲۳۴۷، ۲۳۶۹، ۲۴۲۰، ۲۶۳۶
آمی تیس: ۱۴۴	آمریکایی: ۱۵۳، ۴۵۴، ۱۳۳۹
آمیرته: ۱۴۴، ۱۴۵	۱۹۹۹، ۲۰۲۲، ۲۰۳۸، ۲۰۸۶
آمیرته دوّم: ۱۴۵	۲۵۹۸
آمین تاس: ۱۲۶۲، ۲۳۸۸	آمل: ۱۸۲، ۵۸۹، ۵۹۳، ۷۵۰، ۱۹۷۳
آمین مارسلن: ۱۳۶، ۱۵۵۱	۲۱۴۲
آناتو: ۱۴۶	آمیانونوس مارسلینوس: ۱۳۵
آناتولیوس: ۹۸۲	آمین مارسلن: ۱۳۷
آناستاسیا: ۱۴۶	آمنه بیگم: ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹
آناستاسیوس: ۱۰۰۵	آمنه بیگم مجلسی: ۱۳۷
آناهیت: ۲۱۲۸	آمودریا: ۱۳۹، ۱۴۰، ۴۹۷، ۶۰۳
آناهیتا: ۱۴۶، ۲۷۲، ۳۰۸، ۳۳۷	۷۵۲، ۸۳۱، ۸۴۸، ۱۰۳۹، ۱۱۶۴
۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۱، ۲۳۷۲، ۲۶۲۲	۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۶، ۲۲۸۵
۲۶۶۴	۲۶۲۵
آناهیت یشت: ۲۷۷	آمور: ۱۴۱
آنالتسید: ۱۴۷، ۱۴۸	آموری: ۱۴۱
آنالتسیداس: ۱۴۶، ۱۴۷، ۷۹۲، ۹۰۹	آموریان: ۵۷۷
آنالتکیداس: ۱۴۸	آموزگار: ۱۴۲، ۱۴۳، ۹۶۶
آنتونی شرلی: ۱۴۹، ۸۸۲، ۱۶۴۵	آمون: ۳۸۴
آنتونیوس: ۲۱، ۹۸۳، ۱۹۳۱، ۲۰۲۳	آموی: ۲۰۱۱
آنتیالکیداس: ۱۴۸	آمویه: ۱۴۰
آنتی پاتر: ۱۴۹	آمیانونوس: ۵۲۳

۱۹۳۲	آنتیگون: ۱۵۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۹
آنتیوخوس یکم: ۱۵۴۰	۱۷۳۶، ۲۳۹۰، ۲۳۹۱
آنتیوکوس چهارم: ۲۰۲۰	آنتیگون دُسون: ۲۳۹۰
آنتیوکوس دوم: ۲۰۲۰	آنتیگونوس: ۱۵۰
آنتیوکوس سوم: ۴۲۱	آنتیگونوس اول: ۱۴۹
آندرگدار: ۶۵۱	آنتیگونوس سوم: ۱۵۰
آندلس: ۲۵۷۹، ۲۵۸۰	آنتیوخوس: ۱۵۱، ۱۵۲، ۳۴۶، ۳۶۸
آنزان: ۲۸	۱۵۳۳، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۵۶
آنشار: ۱۵۲	آنتیوخوس اول: ۱۵۰، ۷۳۳
آنشهریک: ۱۵۳	آنتیوخوس پنجم: ۱۵۰، ۱۸۰
آنطاکیه: ۲۵۲۳	آنتیوخوس چهارم: ۱۵۱، ۲۲۰، ۷۳۴
آنکارا: ۲۱۸۰	۱۵۴۲
آنو: ۱۵۳، ۵۸۱، ۲۳۳۶	آنتیوخوس دوازدهم: ۱۵۳۸
آنوبانی‌نی: ۲۴۹۲	آنتیوخوس دوم: ۱۵۱، ۷۹۵
آنوناکی: ۴۷۱	آنتیوخوس دوّم: ۱۵۴۱
آوارها: ۱۵۳، ۱۵۶	آنتیوخوس سوم: ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۰
آوان: ۱۵۶	۱۵۳۳، ۳۶۴
آوجی: ۱۵۶	آنتیوخوس سوّم: ۱۵۴۱، ۱۵۴۲
آوریل داریوش: ۲۰۱۶	آنتیوخوس ششم: ۱۵۲
آویسنا: ۱۹۷	آنتیوخوس کبیر: ۱۵۱، ۱۵۲
آهورامزدا: ۱۳۵۴	آنتیوخوس هشتم: ۱۵۴۳، ۲۱۶۵
آهی: ۱۵۶	آنتیوخوس هفتم: ۷۷، ۱۵۲، ۳۶۸

آیت الله آخوند خراسانی: ۱۵۶	آیت الله عظمی بروجرد: ۹۵
آیت الله العظمی امام خمینی (ره): ۲۳۰۹	آیت الله قمی: ۱۵۷
آیت الله العظمی میلانی (ره): ۱۶۸	آیت الله کاشانی: ۱۷۲، ۱۷۳، ۴۵۴
آیت الله بروجردی: ۱۳۹، ۱۵۷	۷۸۳، ۱۰۸۵، ۱۳۵۲، ۲۰۳۴
۱۶۸، ۶۲۹، ۶۸۵	آیت الله محمد بهشتی: ۶۸۵
آیت الله حائری: ۱۵۹	آیت الله محمد کاظم مجتهد خراسانی: ۱۷۱
آیت الله خمینی: ۱۵۷، ۶۲۰، ۱۲۲۵	آیت الله میرزا حسین نائینی: ۱۷۴
آیت الله سید حسن مدرس: ۹۵۸	آی تغمش: ۲۳۶۶
آیت الله سید عبدالله بهبهانی: ۱۶۵	آی تیمور: ۱۷۴، ۲۳۰۰، ۲۳۰۱
۶۷۷	آیری بر: ۶۲
آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای: ۱۶۵	آیسن: ۲۱۸
آیت الله سید محمد طباطبایی: ۱۷۱	آیه الله العظمی خامنه‌ای: ۱۶۹
۱۷۶۴	آیه الله بروجردی: ۲۳۲۶
آیت الله سید محمود طالقانی: ۱۷۵۵	آیه الله خامنه‌ای: ۱۶۸
آیت الله شاه آبادی: ۱۶۰	آیین: ۹۸
آیت الله شیخ جعفر محلاتی: ۱۷۱	آیین اوستایی: ۱۷۴
آیت الله شیخ محمد حسین مجتهد برازجانی: ۱۷۱	آیین بذ: ۱۷۵
آیت الله طالقانی: ۱۷۲، ۵۹۷، ۵۹۸	آیین پت: ۱۷۵
۱۹۸۷	آیین گشسب: ۱۷۶
	آیین میترا: ۳۴۲
	آیین نامک: ۱۷۶

آیین نامه: ۱۷۶	آئیرینه: ۱۸۱
آیین ودایی: ۲۴۶۷	آئیرینه وَئجه: ۱۸۱
آیین هوشنگ: ۱۷۶	ائیریو: ۱۸۱
آیین سکندری: ۱۷۶	ائیرئوخشت: ۱۸۲
	ائیریوشین: ۱۸۲
	آئیسروثریم گاه: ۱۸۲
	آ: ۱۸۳
	آباختَر: ۱۶۹۵
	اباقا: ۱۹۵۶
	اباقاخان: ۱۸۸، ۱۰۳۶، ۱۹۵۶
	۲۴۰۳، ۲۱۹۷
	ابخاز: ۱۱۱، ۱۱۷۶
	ابخازشاه: ۱۸۳
	ابخازیان: ۱۸۳
	ابداگاسا: ۱۸۳
	ابدالی: ۱۲۷۶
	ابراهیم: ۱۰۷۹
	ابراهیم ابن سیمجور: ۲۱۳
	ابراهیم ادهم: ۱۸۳
	ابراهیم اینال: ۱۸۳
	ابراهیم بن مالک اشتر: ۲۳۲۰، ۲۳۲۱
	ابراهیم بن مالک اشتر نخعی: ۲۰۱۷
إثا: ۱۵۳، ۱۷۹، ۲۳۳۶	
آئت: ۱۷۹	
آئثریه: ۱۷۹	
ائریانائوجا: ۵۱۸	
آئشمه: ۱۷۹	
ائوپاتور: ۱۵۰، ۱۸۰	
ائوتروپیوس: ۱۸۰	
ائوتودموس: ۱۸۰	
آئوروت آسپ: ۱۸۰	
آئوروساز: ۱۸۰	
آئورونت: ۱۸۰، ۴۱۷	
آئیرمان: ۱۸۱	
آئیریامن: ۱۸۱	
ائیریان وئجه: ۱۸۱، ۴۸۶، ۵۱۸	
آئیریآوه: ۱۸۱	

ابراهیم حصیری: ۱۸۴، ۱۱۱۴	آبرویر: ۱۸۷
ابراهیم حکیمی: ۱۸۴، ۲۳۲۴	ابریشم: ۱۵۴
ابراهیم خان: ۱۸۴، ۳۷۴	آبش خاتون: ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۴۳۹
ابراهیم خان اعتمادالدوله: ۹۳۲	۸۷۲
ابراهیم خان افشار ظهیرالدوله: ۱۸۴	ابغوران: ۱۴۰۸
ابراهیم خان بغایری: ۱۸۴	أبله: ۱۸۹
ابراهیم خان جوانشیر: ۱۰۳۳	ابن ابی الحديد: ۱۸۹
ابراهیم خان دولو: ۱۸۵	ابن ابی توبه: ۱۹۰
ابراهیم خان زند: ۱۸۵	ابن اثیر: ۱۹۰، ۲۷۷، ۸۵۶، ۸۵۸
ابراهیم خان ظهیرالدوله: ۱۸۵	۸۶۲
ابراهیم خان قاجار ظهیرالدوله: ۱۸۵	ابن اسحاق: ۱۹۰
ابراهیم سیمجور: ۱۰۹، ۱۸۶	ابن اسفندیار: ۱۹۱
ابراهیم شاه: ۱۳۹۰	ابن الاثیر: ۱۹۰
ابراهیم شاه افشار: ۱۸۶، ۱۸۹۳	ابن العبری: ۱۹۱
ابراهیم شیخ الاسلام: ۱۸۶	ابن الفقیه: ۵۷۳
ابراهیم غزنوی: ۱۸۶، ۹۲۴، ۱۸۰۳	ابن المقفع: ۱۷۶
ابراهیم کلانتر: ۱۸۶	ابن المقفع: ۱۹۱، ۲۶۵۶
ابرشهر: ۳۰، ۷۸۷، ۱۱۶۸	ابن النّدیم: ۱۹۳، ۱۴۱۵
آبرشهر: ۱۸۷	ابن بابویه: ۱۹۳، ۹۵۸، ۱۱۱۹
آبرقباد: ۱۸۷	۱۸۹۲، ۲۳۰۵
ابرقو: ۱۲۴، ۱۶۱۹، ۱۷۸۷	ابن بطوطه: ۱۹۳، ۴۰۶
ابرقیه: ۱۳۹۸	ابن بقیه: ۱۹۴

ابن بلخی: ۱۸۸۶، ۱۹۴	ابن عَبَّاد: ۱۹۸
ابن بی‌بی: ۱۹۴	ابن عبری: ۱۹۱، ۱۹۹
ابن جهیم: ۱۹۴	ابن عطَّاش: ۱۹۹
ابن حمویه: ۱۹۴	ابن عمید: ۱۹۹
ابن حوقل: ۲۷، ۳۹، ۱۹۴، ۶۲۴	ابن فقیه: ۶۴۷، ۲۰۷۱، ۲۵۴۹
۶۴۷، ۶۶۹، ۷۷۵، ۱۱۶۱، ۱۲۱۳	ابن فهد: ۲۳۵۴
۲۰۷۲، ۲۲۰۴، ۲۵۴۴، ۲۵۹۷	ابن قتیبه: ۱۹۹
ابن خاقان: ۱۹۵	ابن لیث بن نصر بن سیار: ۱۳۲۲
ابن خردادبه: ۶۵۶	ابن محمد بن انوشنگین: ۲۳
ابن خردادبه: ۱۹۵، ۶۶۹، ۷۵۰	ابن مسکویه: ۲۰۰، ۲۰۳۰
ابن خلدون: ۱۹۶، ۸۰۶، ۱۳۶۱	ابن مقفع: ۱۹۲
ابن خلکان: ۱۹۶	ابن مقفَع: ۴۶۴، ۲۰۳۰، ۲۰۸۰
ابن رسته: ۵۷۴	ابن ملجم: ۱۸۳۵
ابن روح: ۱۹۶	ابن ندیم: ۲۰۰، ۱۳۹۶
ابن سوخرا: ۱۹۷۲	ابن نوبخت: ۲۰۱، ۲۵۰۴
ابن سهرک: ۹۳۵	ابن واضح: ۲۰۱
ابن سهلان: ۱۹۶	ابن واضح یعقوبی: ۹۷۴
ابن سیار: ۱۹۷	ابن هُشام: ۲۱۵
ابن سینا: ۱۹۷، ۲۱۴، ۱۷۸۵، ۲۲۹۱	ابن یمین: ۲۰۲
ابن شبيب طائی: ۱۹۷۶	ابواسحاق ابراهیم بن البتگین: ۲۰۲
ابن طباطبا: ۲۲۸۷	ابواسحاق اینجو: ۵۶۶
ابن طقطقی: ۱۴۷۶، ۱۹۸	ابواسحاق جهان‌الدین شاه اینجو:

۲۰۲	ابوالفتح ابراهیم: ۸۴۶
ابوالحسن: ۱۹۷۳	ابوالفتح خان: ۵۷۲، ۱۸۵۰
ابوالحسن اصفهانی: ۲۰۳	ابوالفتح خان بختیاری: ۵۷۲
ابوالحسن تمیمی: ۱۳۹۶	ابوالفتح خان زند: ۲۰۵، ۱۸۵۰
ابوالحسن حموئی: ۱۱۳۷، ۱۱۳۸	ابوالفتح علی بن محمد بن عمید: ۲۰۵
ابوالحسن سیمجور: ۲۰۳، ۲۰۷	ابوالفتح منصور بن داراب شیرازی:
۲۱۴، ۱۰۸۸، ۱۵۹۸، ۱۸۰۹، ۲۵۰۵	۲۰۵
ابوالحسن طاهر بن محمد: ۲۰۳	ابوالفتح میرزا قاجار: ۱۴۳۴
ابوالحسن عبداللّه بن عتبی: ۱۸۱۱	ابوالفدا: ۸۸۳
ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی	ابوالفداء: ۲۰۵
الشافع: ۲۳۴۵	ابوالفرج اصفهانی: ۲۰۶
ابوالحسن مزنی: ۲۰۳	ابوالفرج ساجی: ۲۰۶
ابوالحسین: ۱۰۸۸	ابوالفرج سگری: ۲۰۶، ۶۶۰
ابوالحسین عتبی: ۱۰۸۸	ابوالفضل بلعمی: ۳۲۰، ۲۳۶۶
ابوالساج: ۲۰۳، ۱۴۱۱	ابوالفضل بیهقی: ۲۱۷
ابوالطیب: ۲۰۴	ابوالفضل محمد ابن حسین بیهقی:
ابوالعباس: ۲۲۹۱، ۲۳۷۴	۷۰۸
ابوالعباس خوارزمشاه: ۱۰۸۲	ابوالفضل محمد بن احمد حاکم: ۲۰۶
ابوالعباس سامانی: ۲۰۴	ابوالفضل محمد بن عزیز: ۲۱۶
ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی:	ابوالفیض خان: ۵۷۲
۲۰۴	ابوالقاسم بابر: ۵۷۵، ۵۷۶
ابوالفتح: ۲۰۵	ابوالقاسم خان قراغوزلو: ۲۳۵۰

ابو القاسم درگزینی: ۱۲۷۷، ۱۴۹۴	ابو حاتم رازی: ۲۰۹
ابو القاسم سیمجور: ۲۰۷، ۶۳۹	ابو حنیفه: ۱۱۴۱
ابو القاسم قائم مقام: ۸۰۰	ابو حنیفه دینوری: ۲۴۹
ابو القاسم کثیر: ۲۰۷	ابو دلف: ۲۰۹، ۶۴۷
ابو المظفر: ۲۱۶	ابو ریحان: ۴۵، ۹۴۶، ۹۶۶، ۱۱۷۴
ابو المظفر چغانی: ۲۰۷	۲۲۳۱، ۲۲۹۱، ۲۴۵۳
ابو المعالی النحاس اصفهانی: ۲۰۷	ابو ریحان بیرونی: ۲۰۹، ۱۲۳۷
ابو الهیجا: ۱۳۵۱	۲۳۱۹، ۲۴۳۸
ابو الهیجاء بن ربیب الدوله: ۸۶۳	ابو زید بلخی: ۲۰۹
ابوبابا: ۲۰۷	ابو سعید: ۱۰۳، ۱۱۸، ۵۵۱، ۱۲۲۹
ابوبکر: ۱۹۸۲، ۲۳۶۶، ۲۴۸۶	۱۴۰۱، ۱۴۱۰، ۱۶۳۳، ۱۷۷۱
ابوبکر بن ابی صالح: ۲۰۸	۱۸۰۴
ابوبکر بن سعد: ۲۰۸	ابو سعید ابو الخیر: ۱۵۰۴
ابوبکر چغانی: ۲۰۸	ابو سعید اریا خان: ۱۴۱۰
ابوبکر خرازی: ۱۲۲	ابو سعید بهادر: ۲۱۰
ابوبکر لر: ۲۰۸	ابو سعید بهادر خان: ۵۶۶، ۶۷۴
ابوبکر محمد بن یحیی: ۳۹۱	۱۰۹۷، ۱۶۳۳، ۱۸۲۷
ابو جعفر: ۲۰۲۵، ۲۰۳۵	ابو سعید تیموری: ۱۰۳، ۱۰۳۸
ابو جعفر: محمد بن یعقوب رازی:	۲۱۸۴
۲۰۸۰	ابو سعید خسرو شاه: ۲۱۰
ابو جعفر محمد صیمری: ۲۰۸	ابو سعید گورکان: ۲۱۰
ابو جعفر منصور: ۳۸۹، ۱۴۷۴، ۲۰۱۰	ابو سعید گورکانی: ۵۷۶

- ابوسعید لری: ۷۸۸، ۲۱۰
 ابوسفیان: ۲۳۷۰
 ابوسلمه: ۲۰۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰
 ابوسلمه خلال: ۱۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۰
 ۱۴۷۶، ۲۵۲۱
 ابوسلیمان چغری بیگ: ۱۰۴۸
 ابوسهل خجندی: ۲۱۱
 ابوسهل زوزنی: ۱۳۹۵، ۲۱۲
 ابوسهل سیمجور: ۲۱۲
 ابوسهل مسیحی: ۲۲۹۱
 ابوسهل هامازاسب: ۱۰۶۰
 ابوشجاع بویه: ۱۱۵
 ابوطاهر: ۲۱۹۴
 ابوطاهر فضلویه: ۲۱۲
 ابوطاهر قرمطی: ۲۳۸۶
 ابوظلحه منصور بن مسلم: ۲۱۳
 ابوطیب مصعبی: ۲۳۶۵
 ابو عبدالله جیهانی: ۲۴۸۵، ۲۰۹
 ابو عبید جوزجانی: ۱۲۴
 ابوعلی: ۱۸۰۹، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۸۰۹
 ابوعلی پسر ماکولا: ۲۱۳
 ابوعلی چغانی: ۶۵۹، ۲۱۳، ۱۸۶
 ۱۰۴۷، ۱۰۹۰
 ابوعلی حسن بن بویه: ۱۳۴۲
 ابوعلی خطیر: ۲۱۳
 ابوعلی دامغانی: ۲۱۳
 ابوعلی سیمجور: ۱۵۹۸، ۲۱۳
 ۱۸۸۵، ۲۵۰۵
 ابوعلی سیمجوری: ۱۰۸۸
 ابوعلی سینا: ۱۲۳، ۱۹۸، ۲۱۴
 ۲۰۳۵
 ابوعلی شقیق بلخی: ۲۱۴
 ابوعلی محمد بلعمی: ۶۴۶، ۲۱۴
 ابوعلی مسکویه: ۲۳۴۵، ۲۱۴
 ابوعلی معدل بن علی: ۲۱۵
 ابو غالب محمد بن علی: ۲۱۵
 ابوکالیجار: ۱۷۸۷، ۱۷۱۵
 ابولؤلؤ: ۲۱۵
 ابو محفوظ معروف بن فیروز: ۲۳۷۴
 ابو محمد عبد الملک: ۲۱۵
 ابو مسلم: ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۳۱۳
 ۶۲۲، ۶۷۴، ۹۶۶، ۹۶۸، ۱۲۰۸
 ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۵۴۸
 ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۴۱۲

آپاختر: ۲۱۷	۲۵۲۱، ۲۵۲۰، ۲۵۱۹
اپارخی: ۱۵۳۱	ابومسلم خراسانی: ۲۱۵، ۴۱۱
اپارخیا: ۳۱۰	۶۶۰، ۶۷۳، ۱۲۸۷، ۱۳۲۶، ۱۴۷۴
آپام نیات: ۲۱۷، ۲۱۸	۱۴۷۵، ۱۹۷۷، ۲۳۴۶، ۲۴۱۵
آپام نیات یا بُرزایزد: ۲۱۷	ابومظفر محمد بن ابراهیم: ۲۱۶
آپدانه: ۱۲۷۸	ابومعشر بلخی: ۱۴۱۵، ۱۴۱۶
اپرتی: ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۶۲۵	ابومنصور بیستون: ۲۱۶
اپرتی دوم: ۱۶۰۰	ابومنصور محمد بن عزیز: ۲۱۶
اپرسن: ۲۱۹	ابومنصور موریانی: ۲۱۷
اپرگ: ۲۱۹	ابونصر: ۱۹۸۹
اپرنک: ۱۸۷	ابونصر احمد بن اسماعیل سامانی:
اپرنیان: ۲۱۹	۲۴۵
اپستاک: ۲۱۹	ابونصر عراق: ۲۲۹۱
آپسو: ۲۱۹	ابونصر مشکان: ۲۱۷، ۷۰۸، ۱۳۹۵
اپلودروس: ۲۲۰	۲۳۵۶
اپیغانس: ۲۲۰	ابهر: ۱۲۹، ۳۲۷، ۶۵۸، ۱۱۳۶
اپیفانس: ۱۵۱، ۲۲۰	۱۴۱۱، ۱۴۷۰، ۲۰۹۰، ۲۳۷۵
اتابک: ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴	آبهرگ: ۲۱۷
۲۲۷، ۲۳۰، ۳۸۶، ۷۹۷، ۹۳۵	ابی الساج: ۱۱۶۱
۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۲۳۶۰، ۲۴۸۷	ابی عباد ثابت بن یحیی رازی: ۲۱۷
اتابک آتش خاتون: ۲۲۰	ابیورد: ۵۷۲
اتابک آذربایجان: ۲۲۱	آپاختر: ۴۳، ۴۷، ۲۱۷

۱۶۱۶	اتابک آق سنقر: ۲۲۱
اتابکان لر: ۳۸۶، ۱۳۳۵، ۱۶۱۶،	اتابک ابوبکر: ۲۳۱، ۲۳۰
۲۱۹۹	اتابک اعظم: ۲۲۱، ۴۵۰
اتابکان لرستان: ۲۲۲، ۲۲۴	اتابک افراسیاب: ۲۱۹۷، ۲۱۹۸
اتابکان لر کوچک: ۲۰۸، ۷۹۷،	اتابک افراسیاب اول: ۳۷۳
۱۶۳۶، ۱۶۳۱، ۱۳۳۵	اتابکان: ۱۱۹، ۲۰۸، ۲۲۰، ۲۲۱
اتابکان موصل: ۱۰۳، ۱۸۵۳،	۲۲۲، ۲۲۵، ۳۷۳، ۱۰۸۹، ۱۳۴۸،
اتابکان یزد: ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۲۴،	۱۴۶۷، ۱۵۵۱، ۱۶۳۴، ۱۷۸۷،
۱۲۹۶، ۲۲۵	۱۸۱۴، ۱۸۵۳، ۲۲۰۷، ۲۴۰۶
اتابک ایلدگز: ۲۲۱، ۲۸۱، ۱۰۳۷،	اتابکان آذربایجان: ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵،
۱۶۴۲	۲۲۶، ۱۰۳۷، ۱۶۵۹
اتابک بُزابه: ۱۳۶۶	اتابکان دمشق: ۱۵۰۰، ۱۷۷۴
اتابک خاموش قزل ارسلان بن ازیک:	اتابکان زنگی: ۲۲۲
۲۲۵	اتابکان سلاجقه: ۶۷۱
اتابک سعد: ۲۲۷	اتابکان سلغری: ۲۰، ۲۲۳
اتابک سعد بن ابی بکر: ۲۰	اتابکان سنجار: ۱۱۹، ۲۲۳
اتابک سعد بن زنگی: ۲۲۶	اتابکان شام: ۱۱۹
اتابک سنقر: ۲۲۴، ۲۱۹۴	اتابکان شبانکاره: ۲۲۳
اتابک شمس الدین آلب ارغو: ۲۱۹۶	اتابکان فارس: ۲۰، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳،
اتابک فارس: ۱۲۵، ۲۲۶، ۲۱۹۴	۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۳، ۴۳۹،
اتابک قطب الدین طغرل: ۲۲۸	۸۷۲، ۱۵۲۶، ۲۱۹۵
اتابک لر بزرگ: ۲۱۰	اتابکان لر بزرگ: ۲۱۲، ۷۶۴، ۷۸۷،

اتابک محمد: ۲۲۹	اترپاته: ۴۴
اتابک محمد بن سعد بن ابوبکر: ۲۲۸	آتزت: ۲۳۴
اتابک محمد شاه بن سلفر شاه بن	اترک: ۱۳۵۵
سعد بن زنگی: ۲۲۹	اتروان: ۲۳۴
اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد:	اتروپاتگان: ۵۹۲
۲۲۹	اتره: ۲۳۴
اتابک مظفرالدین زنگی: ۲۳۶۷	اتریش: ۷۶۵
اتابک مظفرالدین زنگی بن مودود:	اتریشی: ۱۳۶۲، ۲۰۳۰
۲۳۱	اتسز: ۲۳۶، ۲۳۷، ۱۸۲۴، ۲۳۰۲
اتابک مظفرالدین سعد بن ابوبکر بن	آتن: ۱۴۸
سعد بن زنگی: ۱۴۶۷	اتنه: ۲۳۷، ۲۵۱
اتابک مظفرالدین سنقر: ۲۳۶۷	اثنی عشریه: ۳۲۱، ۱۵۸۳
اتابک مظفرالدین سنقر بن مودود:	آثورا: ۲۴۱
۲۳۲	اثورنان: ۲۴۱
اتابک مظفرالدین نکلته بن زنگی: ۲۳۳	اثیم: ۲۴۱
اتابک نصره الدین احمد: ۲۱۹۸	اجتماعیون و عامیون: ۱۰۸۶
اتابک یزد: ۲۳۲	اجوجه ابکچی: ۲۴۱
اتابک یوسف شاه: ۱۲۵	اجیبی: ۲۴۲، ۶۱۴
اتاق فرهاد: ۲۳۳	احدی: ۱۰۸۳
أتانا: ۲۳۳	احسائی: ۲۴۲
اتحاد جماهیر شوروی: ۱۵۸۴	احسان الله خان: ۱۳۶۷
اترار: ۲۳۳، ۲۳۴	احسن التقاسیم: ۲۴۲

احمد بن فهد علی: ۲۳۵۴	احسن التواریخ: ۲۴۲، ۸۱۳
احمد بن متوکل: ۲۳۷۳	احشویروش: ۲۴۲
احمد بن واضح اصفهانی: ۵۷۳	احمد: ۱۴۳۶
احمد بن یوسف: ۲۴۵	احمد آباد: ۲۳۶۱، ۲۳۶۳
احمد بهبهانی: ۱۳۸	احمد ابن اسد سامانی: ۲۴۲
احمد بیک نورکمال: ۲۴۵	احمد ابن حسن میمندی: ۲۴۳
احمد بیگ ترکمان: ۲۴۵	احمد ابن علی: ۵۶۴
احمد جلایر: ۲۴۳	احمد ابن علی مشغری: ۱۰۷۹
احمد خاقان: ۲۴۵	احمد احسائی: ۱۷۰۹
احمد خان ابدالی: ۲۴۵، ۲۴۶	احمد ایلکانی: ۲۴۳
احمد رضا پهلوی: ۲۴۵	احمد بن ابی خالد: ۲۴۳
احمد روحی: ۲۳۴۷	احمد بن ابی یعقوب اصفهانی: ۹۷۴
احمد سامانی: ۲۴۵، ۱۵۹۸	احمد بن اسماعیل: ۲۴۸۵
احمد شاه درانی: ۲۴۶، ۳۷۶، ۱۲۷۶	احمد بن اسماعیل سامانی: ۲۴۳
احمد شاه: ۲۴۵، ۷۸۲، ۱۲۹۰	احمد بناکتی: ۶۴۷
۱۳۴۰، ۱۸۱۹، ۱۸۳۰، ۱۹۶۳	احمد بن حامد: ۲۴۴
۲۴۶۵	احمد بن حسن میمندی: ۲۴۷، ۲۳۴۵
احمد شاه قاجار: ۲۴۶، ۱۸۱۹، ۱۹۶۳	احمد بن حمویه: ۲۴۴
احمد طوسی: ۲۴۷	احمد بن خضرویه بلخی: ۲۴۴
احمد عبدالصمد شیرازی: ۲۴۷	احمد بن سهل: ۲۴۴
احمد عتبی: ۱۰۴۱	احمد بن طولون: ۴۰۷
احمد عتبی: ۲۵۰۵	احمد بن عبدالصمد: ۲۴۴

احمد قاسمی: ۱۴۱۸	اخشورش: ۲۴۲
احمد قوام: ۲۴۷	اخشوریش: ۳۲
احمد کسروی: ۲۰۷۵	اخشید: ۱۰۷
احمدلر: ۷۸۷	اخشید: ۷۵۴
احمد متین دفتری: ۲۴۸	اخشیکت: ۲۵۰
احمد مسکویه: ۲۴۸	أخوس: ۲۵۰
احمد میرزا: ۲۳۱۴	اخی یک: ۲۵۰
احمد میرزای گورکانی: ۲۴۸	ادادینراری: ۲۵۱
احمدیل: ۲۴۸	ادارسه: ۲۵۷۹، ۲۵۸۰
احمد یلیان: ۴۳، ۲۴۸، ۲۴۸۷	ادب: ۲۵۱
احمد ینالتکین: ۲۶۶۶	آدپه: ۲۵۱
اخبارالصوال: ۱۳۰۲	ادرگ: ۲۳۲۹
اخبارالطوال: ۲۴۹	ادریسیان: ۲۵۸۰
اخبار و وقایع دارالخلافة تهران: ۲۴۹	ادس: ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۳۹، ۹۷۸، ۹۹۹، ۲۳۴۰
اختر: ۲۴۹	ادس: ۹۸۸
اختر کاویان: ۲۵۰	ادسا: ۵۱، ۲۵۳، ۳۳۸، ۶۲۴، ۱۶۰۶
اخراجات: ۲۵۰	ادسا: ۲۵۴، ۴۵۷
أخس: ۲۵۰	ادوارد برون: ۲۵۴، ۶۲۳
أخسی: ۲۵۰	ادیب الملک فراهانی: ۲۵۱
اخسیکت: ۲۵۰	ادیب الممالک: ۲۵۴
اخسیکت: ۲۵۰	اذنیه: ۸۵۰
اخشنوان: ۳۳، ۲۵۰	

اراسک: ۱۳۵۳	ارپه خان: ۲۵۹، ۲۶۰
اراضی مفتوحه: ۲۵۴	ارت: ۲۶۰، ۲۶۴
اراک: ۱۵۹، ۱۲۶۴، ۱۸۱۳، ۲۳۲۴	ارتاباز: ۱۰۱۲
۲۴۵۱	ارتاکساتا: ۲۶۱، ۳۴۰
اراکوسیا: ۵۲۶	ارتبازان: ۲۶۱
ارامنه: ۶۰۲	ارتبان: ۲۷۵
ازان: ۲۵۴	ارتخستره: ۲۶۱
اران: ۳۸، ۱۲۹، ۲۲۱، ۲۵۴، ۲۵۵	ارتخشر: ۲۶۱
۶۲۴، ۶۳۶، ۶۵۸، ۱۲۷۱، ۱۲۹۹	ارتخشیر: ۶۶۵
۱۳۲۵، ۱۳۴۴، ۱۴۱۰، ۱۴۲۸	ارتخشیر پاپکان: ۲۰۲۹
۱۴۳۵، ۱۵۸۷، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲	ارتخشیر کرفک کرتار: ۲۷۳
۱۸۹۱، ۱۹۸۲، ۲۰۹۰	ارتشتاران: ۲۶۱، ۲۶۳۰
لران سپهبد: ۲۵۸	ارتشومر: ۲۶۱
لرانشهر: ۵۳۵	آرتنا: ۲۶۱
اران وینارت کوات: ۲۵۸	ارتوان: ۲۶۱
ارانی: ۱۰۸۷، ۲۵۸	آرت وژده: ۲۶۱
آریای: ۲۵۹	ارتوقاپو: ۲۶۲، ۲۰۶۶
اریایه: ۲۳۳۹	ارتوقاپوی: ۲۶۲
اریل: ۷۶۴	ارتوقیان: ۲۶۲
ارین: ۲۵۹	ارت وهیشت: ۲۶۲
اریل: ۵۳، ۳۳۸، ۲۲۷۴	ارته باذ: ۲۶۳
اریاخان: ۲۵۹، ۲۶۰، ۵۵۱، ۱۲۳۰	ارته پان: ۲۷۵

ارته خستر: ۲۶۴	۵۹۶، ۶۳۸، ۶۵۸، ۱۴۳۲، ۱۵۱۰
ارته کاماس: ۲۶۴	۱۶۳۶، ۱۶۹۵، ۱۷۲۵، ۱۷۳۳
آرته وردیه: ۲۰۱۷	۲۳۶۷
آرت یش: ۲۶۴	اردستان: ۲۳۲۲
ارتیشتاران: ۲۶۵	اُرد سوم: ۳۴۲
ارجاسب: ۲۶۵، ۲۶۶، ۵۰۸، ۱۲۴۷	اردشیر: ۵۶، ۱۴۸، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۶۹
۲۱۶۷، ۲۴۶۶، ۲۶۲۰، ۲۶۵۱	۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۳۰، ۴۲۵، ۴۷۴
ارجاسب: ۲۶۵، ۶۷۴، ۷۸۱، ۱۳۷۸	۵۹۴، ۶۲۷، ۶۴۳، ۶۶۵، ۶۶۷، ۷۲۷
ارجاسب تورانی: ۱۳۷۶، ۱۳۸۱	۸۹۶، ۹۰۶، ۹۰۹، ۹۱۱، ۹۷۵، ۹۷۶
ارجان: ۷۶، ۲۶۶، ۷۲۷، ۱۹۹۲	۹۷۷، ۱۱۵۰، ۱۱۶۷، ۱۱۷۳، ۱۲۴۳
۲۵۲۳، ۲۲۰۴	۱۲۶۸، ۱۲۸۶، ۱۴۲۱، ۱۶۶۶
ارجه تاسپا: ۲۶۶	۱۶۶۷، ۱۷۴۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۶
ارچ: ۲۶۶	۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۵۴، ۲۰۵۸
ارخ: ۴۸۲، ۱۵۶۸، ۲۱۷۷	۲۰۶۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۹، ۲۴۶۶
إِرْخَش: ۲۶۷	۲۵۲۴، ۲۵۴۰، ۲۶۶۱
آرد: ۴۸، ۲۶۷	اردشیر آرتاشس: ۲۶۸
آرد: ۳۶۸	اردشیر اول: ۲۶۸، ۶۸۰، ۷۳۵، ۷۸۰
اردا: ۲۶۷	۸۹۵، ۱۳۷۷، ۱۸۸۷، ۱۸۸۹، ۲۲۲۵
آرداشک سیزدهم: ۱۰۰۹	۲۲۷۶، ۲۴۹۸، ۲۵۸۴
ارد اول: ۲۶۷	اردشیر اول ساسانی: ۷۳۴
ارداویرافنامه: ۲۶۷، ۲۶۸	اردشیر بابکان: ۱۴۶، ۲۶۹، ۳۳۸
اردبیل: ۳۸، ۲۶۸، ۲۷۷، ۵۹۲، ۵۹۳	۳۴۴، ۴۲۱، ۶۶۴، ۱۲۲۲

۲۶۰۹، ۲۵۸۴، ۲۴۶۸، ۲۱۱۹	۱۳۲۳، ۱۲، ۴۳، ۱۳۲۵۱۲۳۷
اردشیر دوم هخامنشی: ۱۳۰۲، ۹۰۹	۱۴۱۹، ۱۴۲۱، ۱۵۵۳، ۱۶۰۴
اردشیر زاهدی: ۱۳۶۸، ۲۷۴، ۲۷۳	۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۲۰۲۹، ۲۰۶۹
اردشیر ساسانی: ۲۰۲۴، ۷۷۳	۲۴۹۴، ۲۴۸۰، ۲۴۳۸، ۲۱۶۹
اردشیر سوم: ۲۷۵، ۲۵۰، ۱۴۸، ۵۶	اردشیر بابکان ساسانی: ۱۹۴۳
۶۰۴، ۸۹۶، ۱۴۲۵، ۱۶۸۲، ۱۷۳۶	اردشیر بغابیش: ۲۰۳۷
۲۵۸۴، ۲۰۵۴، ۱۸۸۷	اردشیر بهمن: ۲۶۹
اردشیر مویده مویده: ۲۷۵	اردشیر پاپکان: ۷۳۰، ۹۰۲، ۱۱۵۰
اردشیر هخامنشی: ۶۸۷	۱۲۸۶، ۱۲۸۹، ۱۳۶۲، ۱۸۸۶
اردوان: ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۷۶	۲۶۰۹، ۲۳۹۸
۳۳۰، ۳۶۴، ۶۴۳، ۱۰۲۹، ۱۹۳۳	اردشیر جی: ۲۷۰، ۲۷۱، ۱۰۳۹
۲۴۳۰، ۲۰۳۶، ۲۰۲۸	اردشیر خان شادلو: ۵۸
اردوان اول: ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۳۶۴	اردشیر خرّه: ۲۷۲، ۱۶۹۵، ۱۸۸۶
اردوان پنجم: ۲۷۶، ۳۴۴، ۳۵۹	اردشیر خوره: ۶۰۲، ۷۲۶، ۷۲۷
۶۴۳، ۷۸۰، ۱۷۶۴	۷۲۸، ۷۲۱۵، ۱۲۵۱، ۱۲۵۳، ۲۵۲۳
اردوان پنجم اشکانی: ۱۳۲۴، ۱۴۲۱	اردشیر دراز دست: ۸۳۵، ۱۱۶۷
۱۹۴۳	اردشیر دوم: ۵۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۷۲
اردوان دوم: ۲۷۶، ۳۴۶	۲۷۳، ۲۷۵، ۷۷۲، ۷۹۲، ۱۰۱۸
اردوان سوم: ۲۷۷، ۳۴۲، ۱۹۱۸	۱۳۰۲، ۱۳۲۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱
اردوانیان: ۲۷۷	۱۲۸۶، ۱۴۰۹، ۱۶۰۷، ۱۶۸۲
اردوان یکم: ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۴۸	۱۷۴۸، ۱۸۸۷، ۱۹۱۷، ۲۰۵۷
اردوبالغ: ۴۹۷	۲۰۷۵، ۲۰۹۲، ۲۰۹۷، ۲۱۰۰

اردوی خان زند: ۲۰۳۵	ارس: ۶۱، ۳۴۰، ۳۷۰، ۱۳۵۳،
اردوی سور: ۱۷، ۲۱۲۸	۱۹۶۰، ۲۲۵۶، ۲۴۸۶
اردوی سورناهید: ۱۶	ارساسیا: ۱۰۴۶
اردوی سورناهید: ۲۷۷	ارسطو: ۳۱۷، ۷۶۲، ۲۶۱۹
آرذویسور نیایش: ۲۷۷	ارسلان: ۶۱۰، ۱۲۳۵، ۱۷۶۶
اردویل: ۲۷۷	ارسلان ابن طغرل: ۲۸۱، ۱۰۳۷
اردهان: ۱۹۹۲	ارسلان ارغون: ۲۸۱
اردیبهشت: ۳۰، ۲۶۲، ۲۷۸، ۲۱۵۵	ارسلان جاذب: ۲۸۲
اردیبهشت امشاسپند: ۳۶	ارسلان حاجب: ۲۸۲
اردیبهشتگان: ۲۷۸، ۳۲۵	ارسلان خان ابن علی: ۲۸۲
اردیبهشت ماه: ۲۲۳۱	ارسلانشاه: ۲۲۱، ۱۳۴۵، ۱۷۷۵
اردیبهشت یشت: ۲۷۸	ارسلانشاه بن کرمانشاه بن قاورد:
اردیشت: ۱۸، ۲۷۹، ۳۶۸	۱۳۹۶
آرد یکم: ۳۴۷	ارسلان شاه سلجوقی: ۱۹۹۷، ۲۰۸۱
اررا: ۲۸۰، ۱۱۲۹	ارسلانشاه غزنوی: ۱۵۲۵
ارزروم: ۶۰، ۲۸۰، ۹۲۱، ۱۸۹۵	ارسلان طغرل: ۱۹۸۸
ارزروم: ۱۲۴۲	ارسلان یالو: ۲۸۲
ارزن: ۲۸۰	ارشاک: ۳۳۷
ارزنجان: ۹۲۱، ۱۸۱۲	ارشام: ۱۳۲۹، ۲۵۸۳، ۲۵۸۴
ارزنة الروم: ۲۴۰۰	ارشامه: ۱۸۸۶
آرژو: ۲۸۱	ارشتات: ۳۲۵
ارژنگ: ۲۸۱	ارشکان: ۱۲۸۲

فرهنگ توصیفی	۲۷۳۲	فهرست اعلام
۱۵۱، ۱۳۵، ۱۲۹، ۱۱۱، ۱۰۶، ۸۵		ارشک دوم: ۹۰۸
۲۷۳، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۱، ۲۵۶، ۲۲۲	۴۲۴، ۳۴۶، ۲۱۹، ۱۵۱	ارشک:
۳۵۹، ۳۵۸، ۳۴۱، ۳۳۸، ۳۰۸، ۲۸۰	۱۹۹۳، ۱۷۱۸، ۱۲۶۸	
۴۷۶، ۴۳۲، ۴۰۸، ۳۸۵، ۳۶۷، ۳۶۳	۱۰۴۶، ۳۳۶	ارشکیه:
۶۴۲، ۶۴۱، ۶۲۵، ۶۲۴، ۵۹۲، ۵۷۴	۲۸۰	ارض الروم:
۶۸۱، ۶۸۰، ۶۵۸، ۶۵۷، ۶۴۹، ۶۴۴	۲۴۱۸، ۵۲۶، ۹۳	ارغنداب:
۸۷۹، ۸۶۲، ۷۸۷، ۷۶۹، ۷۶۸، ۶۹۳	۲۱۷۴	ارغنده:
۹۷۸، ۹۷۷، ۹۷۶، ۹۷۵، ۹۱۶، ۸۸۱	۸۹۱، ۸۱۵، ۶۱۶، ۱۳۰	ارغون:
۹۹۵، ۹۹۴، ۹۹۲، ۹۹۱، ۹۸۸	۲۱۹۸، ۲۱۹۷، ۱۲۲۸، ۱۰۳۶	
۱۰۲۷، ۱۰۲۵، ۱۰۱۳، ۱۰۰۵	۲۶۱۰	
۱۱۷۸، ۱۱۷۷، ۱۰۲۹، ۱۰۲۸	۱۸۱۹	ارغون آقا:
۱۱۹۱، ۱۱۸۳، ۱۱۸۰، ۱۱۷۹	۱۴۷۰، ۷۱۵، ۱۸۸	ارغون خان:
۱۲۶۵، ۱۲۶۱، ۱۲۴۲، ۱۲۳۷	۲۴۰۱، ۱۷۷۲، ۱۵۰۸	
۱۴۲۲، ۱۴۲۱، ۱۴۱۲، ۱۲۹۹	۱۲۵	ارغون خان مغول:
۱۴۴۴، ۱۴۳۵، ۱۴۲۸، ۱۴۲۳	۱۰۹۶، ۴۴۸	ارغونشاه:
۱۴۷۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۲، ۱۴۴۶	۵۷۷	ارک:
۱۵۵۰، ۱۵۳۷، ۱۵۳۲، ۱۴۷۹	۷۲۸، ۷۲۷، ۲۶۶	ارگان:
۱۵۸۶، ۱۵۸۲، ۱۵۶۷، ۱۵۶۲	۹۰۶	ارگبذ:
۱۶۰۸، ۱۶۰۶، ۱۶۰۴، ۱۵۸۷	۱۳۷۹	ارگ شهر:
۱۷۰۱، ۱۷۰۰، ۱۶۵۸، ۱۶۳۹	۳۸۵	ارمانیوس دیو جانس:
۱۹۴۵، ۱۹۳۹، ۱۹۳۳، ۱۹۳۱	۵۹۲	ارمن:
۲۰۰۷، ۱۹۷۶، ۱۹۷۴، ۱۹۶۱	۶۱، ۶۰، ۵۳، ۳۸، ۳۵، ۳۴	ارمنستان:

فهرست اعلام	۲۷۳۴	فرهنگ توصیفی
۱۷۲۳، ۱۷۲۶	اسپارت: ۵۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۹۱۰،	
ازیک خان: ۶۳۶	۹۱۱، ۱۰۳۲، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۲۰۹۷،	
ازیکستان: ۱۴۰، ۵۱۸، ۱۲۴۸	۲۱۰۷، ۲۰۹۸	
ازیک‌ها: ۵۲۴	اسپارتاکوس: ۱۴۸۳	
ازیک‌ها: ۱۹۶۱	اسپارته‌ها: ۲۶۱۹	
ازپاتگان: ۳۸۲	اسپارتیان: ۲۴۷۲، ۲۴۷۰	
ازپ دوسزار: ۲۹۸	اسپارته‌ها: ۱۹۱۶	
ازپ قیصری: ۲۹۸	اسپاکا: ۵۴۰	
ازمیر: ۱۵۳۵	اسپانبر: ۲۳۲۲	
ازوان: ۶۰	اسپانیا: ۷۶۲، ۱۶۲۵، ۱۸۲۰، ۲۵۸۰	
ازهارى: ۲۹۸، ۲۹۹، ۷۸۵	اسپاهید: ۱۴۴۴	
ازیرین‌گاه: ۳۰۱	اسپزگان و گاوشگان: ۳۰۲	
ازیلزس: ۳۰۱	اسپنت مینو: ۱۷۴	
اژدهاک: ۷۵، ۳۰۱، ۹۵۶، ۱۲۴۳	اسپنته مینو: ۳۰۲	
اژدی‌دهاک: ۳۰۲	اسپنجروش: ۳۰۲	
اژدی‌هاک: ۳۵، ۳۶	اسپندارمذ: ۳۰۲، ۳۰۳، ۹۴۴	
اژه: ۲۰۳۱	اسپ‌وارگان: ۳۰۳	
اژی: ۷۵، ۳۰۱	اسپه: ۳۰۴، ۱۱۶۱	
اژی‌دهاک: ۷۵، ۳۰۱، ۷۰۷	اسپهان: ۲۵۲۳	
اژیدهاک: ۱۷۴۳	اسپهید: ۱۴۴۴	
اژیدهاکا: ۳۰۲	اسپهیدان: ۳۰۴، ۳۰۶	
اسارت والرین: ۹۹۹	اسپهیدان تبرستان: ۱۴۴۸	

۱۳۲۵، ۷۳۳، ۷۳۲، ۷۲۸، ۷۲۷	اسپهبد فیروز: ۱۵۴۸
۲۰۶۳، ۲۰۵۸، ۱۹۴۴، ۱۸۸۶	اسپهبدیه: ۳۰۶، ۶۱۶
۲۵۲۳	اسپهبدان: ۸۸۰
استخر فارس: ۶۴۴، ۲۳۳۷	اسپین تازا: ۳۰۶
استخری: ۳۹، ۳۰۹	استائوین: ۳۰۶
استر: ۳۱۱	استاتمس پارتیک: ۵۳۸
استرآباد: ۳۱۵، ۴۴۵، ۵۷۵، ۶۴۰	استاتیرا: ۳۰۶
۱۴۴۱، ۱۳۶۳، ۱۱۶۸، ۱۰۲۳	استاتیرا: ۶۲۷، ۱۲۵۵
۱۷۷۲، ۱۷۷۱، ۱۶۰۹، ۱۴۴۴	استاجلو: ۳۰۶، ۳۰۷، ۷۵۸، ۱۹۸۹
۱۹۵۹، ۱۹۵۸، ۱۸۲۴، ۱۷۸۶	استادسیس: ۱۱۸۲
۲۳۶۰، ۲۳۱۶، ۱۹۹۴، ۱۹۶۱	استاد مطهری: ۲۳۲۶، ۲۳۲۸، ۲۳۲۹
۲۴۹۲، ۲۴۵۰	استال: ۳۰۷
استرآباد کنونی: ۲۶۴۷	استالین: ۱۸۴۳، ۲۰۸۷، ۲۰۸۹
استرآبادی: ۱۷۰۷	۲۳۲۵
استرآباد: ۱۱۰۹، ۱۱۱۳، ۱۸۲۲	استانبول: ۱۲۴۵، ۱۷۶۳، ۲۳۰۹
استرابن: ۷۴۷	۲۳۷۱
استرابو: ۲۱۷۲	استاندس: ۳۰۷
استرابون: ۶۲، ۶۹، ۳۰۹، ۳۳۴	استانما: ۳۰۸
۷۳۰، ۶۶۵، ۵۹۴، ۵۲۴، ۳۳۸، ۳۳۶	استبداد صغیر: ۴۶۷، ۴۶۹، ۱۰۸۶
۲۴۲۳، ۲۱۷۴، ۱۵۳۲، ۱۲۳۶	۱۷۳۳، ۱۴۷۰، ۱۳۱۸
۲۶۴۶، ۲۶۲۵	استبد: ۳۰۸
استراتک: ۳۱۰	استخر: ۲۳۲، ۳۰۸، ۶۰۴، ۷۲۶

- استراتونیسه: ۲۰۳۱
 استراليا: ۱۲۵۷
 استنداران: ۳۰۴
 آستوت: ۳۱۲
 استوت: ۳۱۲
 استودان: ۱۷۸۲، ۱۷۵۱، ۳۱۲
 استوناوند: ۱۹۹۲
 آستوویذودتو: ۳۱۲
 آستوها: ۳۱۲
 آستویداد: ۳۱۲
 استویداددیو: ۵۳۷
 اسحاق: ۳۱۲
 اسحاق ابن البتکین: ۳۸۷، ۳۱۲
 اسحاق ترک: ۲۰۰۲، ۳۱۳، ۳۱۲
 اسحاق نبی (ع): ۹۷۲
 اسحاقیه: ۲۱۳۳
 اسدآباد: ۲۱۸۷، ۲۰۷۰
 اسدآباد همدان: ۲۳۶۶
 اسدالله خان: ۳۷۷
 اسدالله علم: ۱۰۸۷، ۳۷۹، ۳۱۳
 اسدالله غفارزاده: ۱۰۸۶
 اسدالله کیانی: ۲۱۲۵
 اسدالله مرعشی: ۱۴۰۱
 اسدبن طغانشاه خراسانی: ۱۴۵۹
 اسدبن عبدالله قسری: ۱۴۳۶
 اسرئن: ۲۳۴۰
 اسرائیل: ۵۲۵
 اسرائیل ابن سلجوق: ۳۱۳
 اسرحدون: ۲۰۰۹، ۳۱۳، ۸۷، ۸۶
 آسرو: ۳۱۳
 اسروئن: ۹۸، ۵۱
 اسروشنه: ۱۶۳۵، ۷۵۴، ۳۱۴، ۸۰
 اسرون: ۳۱۴
 اسروهه: ۳۳۹
 اسطیرون: ۳۸۷
 اسفار: ۱۳۹۶، ۳۱۴
 اسفار ابن شیرویه: ۱۷۶۵
 اسفارین شیرویه: ۱۰۹۴، ۳۱۴
 ۱۳۹۵
 اسفار بن شیرویه: ۲۳۲۹
 اسفراین: ۲۳۱۸، ۳۳۳
 اسفراینی: ۳۱۴
 اسفندارمذ: ۹۴۵
 اسفندیار: ۲۷۰، ۲۶۵، ۴۷، ۳۶

۲۳۸۹، ۲۳۹۳، ۲۳۹۶، ۲۶۱۴	۳۱۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۱۱۶۶، ۲۱۶۸
۲۶۱۷، ۲۶۱۸، ۲۶۱۹، ۲۶۲۰	۲۴۳۲، ۲۱۶۹
اسکندر اول: ۲۳۸۹	اسفندیار بزرگمهر: ۱۹۸۷
اسکندربن قابوس: ۱۳۹۶	اسفندیاری: ۳۱۵
اسکندریگ منشی: ۳۱۵	اسفهلان: ۳۱۵، ۱۴۴۹
اسکندر خان زند: ۳۱۵	اسکایی ها: ۳۱۵، ۱۴۳۲، ۲۱۱۸
اسکندر دوم: ۲۳۸۹	اسکندر: ۱۸، ۲۳، ۳۰، ۳۷، ۶۲، ۶۳
اسکندر سوم: ۳۱۷	۶۵، ۶۹، ۱۴۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۵
اسکندر شیخی: ۳۷۳	۳۱۶، ۳۱۹، ۳۹۹، ۴۷۴، ۵۹۰، ۵۹۱
اسکندر قراقویونلو: ۳۱۶	۵۹۴، ۵۹۵، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۹۲
اسکندر کبیر: ۶۴، ۳۱۷، ۱۲۷۸	۷۳۵، ۷۴۶، ۷۵۷، ۷۶۲، ۸۱۰، ۹۳۴
۲۵۹۶، ۲۳۹۶، ۲۱۷۰	۹۷۹، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۷۹، ۱۱۴۸
اسکندر گورکانی: ۳۱۶	۱۲۱۲، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۳۲
اسکندر مقدونی: ۵۳، ۱۴۹، ۳۱۷	۱۲۳۷، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶
۵۸۱، ۶۲۷، ۷۳۱، ۷۳۳، ۸۱۲، ۸۳۱	۱۲۶۷، ۱۲۸۹، ۱۳۸۶، ۱۴۴۹
۸۳۳، ۹۷۹، ۱۰۲۱، ۱۲۱۵، ۱۲۶۸	۱۵۲۷، ۱۵۲۹، ۱۵۳۱، ۱۵۳۳
۱۳۱۳، ۱۳۷۸، ۱۴۰۸، ۱۵۳۹	۱۵۳۴، ۱۵۳۹، ۱۵۴۱، ۱۶۱۷
۱۷۶۸، ۲۰۹۷، ۲۱۰۹، ۲۱۲۶	۱۶۸۲، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۷۹
۲۳۸۷، ۲۳۹۰، ۲۵۶۶، ۲۶۱۶	۱۸۷۵، ۱۹۰۵، ۱۹۱۷، ۱۹۳۷
۲۶۱۷، ۲۶۱۸، ۲۶۵۴	۱۹۹۴، ۲۰۲۰، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰
اسکندر منشی: ۳۱۹	۲۰۴۳، ۲۰۷۵، ۲۱۲۷، ۲۱۷۰
اسکندرنامه: ۳۱۹	۲۱۷۴، ۲۱۸۲، ۲۲۷۴، ۲۲۷۵

اسکندری: ۳۱۹	۱۴۳۲، ۱۴۶۸، ۱۴۷۰، ۱۴۸۸
اسکندریه: ۱۹۶، ۳۰۹، ۳۱۷، ۶۳۴	۱۵۰۳، ۱۵۸۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۵
۱۵۲۹، ۱۶۳۲، ۲۱۷۴، ۲۴۴۳	۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۷۰، ۱۶۹۰
۲۶۰۳	۱۷۱۹، ۱۷۲۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۷
اسکندریه مصر: ۱۵۳۴	۱۸۱۳، ۱۸۲۱، ۱۸۷۰، ۱۸۷۴
اسکولاکس: ۱۲۱۷	۱۹۱۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۴، ۲۰۰۱
اسکیت: ۲۰۰۹	۲۰۲۲، ۲۰۲۹، ۲۰۷۱، ۲۳۲۳
اسکیتها: ۲۰۰۸، ۲۰۰۹	۲۳۲۷، ۲۳۳۵، ۲۳۷۳، ۲۴۴۶
اسلام: ۳۹، ۴۶، ۷۱، ۱۲۰، ۱۲۱	۲۵۲۱، ۲۵۵۵، ۲۵۵۹، ۲۵۸۲
۱۲۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱	۲۵۹۹، ۲۶۶۲
۲۴۹، ۳۰۵، ۳۹۱، ۴۴۰، ۴۵۲، ۴۶۴	اسلام آباد: ۱۰۷۹
۴۸۴، ۵۱۴، ۵۲۵، ۵۶۳، ۵۸۸، ۶۰۴	اسلامبول: ۲۴۹، ۱۲۹۳
۶۱۳، ۶۲۸، ۶۳۳، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷	اسلامی: ۲۰۱، ۳۸۴، ۴۶۰، ۵۱۴
۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۱، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۷۹	۵۲۶، ۶۰۴، ۶۴۷، ۷۳۶، ۷۸۰
۸۰۰، ۸۱۶، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۹	۱۱۵۳، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۲۸۰
۸۷۰، ۸۷۷، ۸۹۱، ۹۶۸، ۱۰۷۸	۱۳۸۱، ۱۵۴۶، ۱۶۰۴، ۱۷۶۴
۱۰۸۰، ۱۰۸۷، ۱۱۰۰، ۱۱۵۴	۱۹۱۳، ۲۰۲۹، ۲۱۳۶
۱۱۶۴، ۱۱۷۹، ۱۱۸۱، ۱۲۲۱	اسماعیل: ۳۸۲، ۳۸۳، ۷۵۸، ۱۴۳۶
۱۲۲۲، ۱۲۳۲، ۱۲۳۸، ۱۲۸۱	۱۷۱۸، ۱۷۲۶، ۱۹۱۰، ۲۱۷۰
۱۲۸۳، ۱۳۱۵، ۱۳۲۴، ۱۳۵۸	اسماعیل آقا سیمیتقو: ۱۹۹۹
۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۹۱	اسماعیل ابن بدرالدین لؤلؤ: ۵۶۲
۱۳۹۴، ۱۳۹۷، ۱۴۱۵، ۱۴۱۹	اسماعیل اول: ۱۷۲۸

اسماعیل اول صفوی: ۳۷۳، ۳۷۴، ۱۹۸۴، ۲۲۸۷، ۲۳۴۰، ۲۳۴۱	۱۷۲۴، ۱۶۲۷، ۶۸۴
۲۶۱۰، ۲۴۸۳	اسماعیل خوجانی: ۳۲۰
اسماعیلیه: ۱۳۴۸، ۱۳۴۷	اسماعیل دوم: ۳۲۰
اسماعیلیه الموت: ۶۳۱	اسماعیل دوم صفوی: ۱۶۲۳
اسمعیلیان: ۴۰۳	۲۰۰۲، ۱۷۲۷، ۱۶۵۸
اسمعیلیه: ۳۹۰	اسماعیل سامانی: ۳۲۰
اسفندیار: ۲۵۰۸	اسماعیل سوم: ۵۷۲
اسنوند: ۲۱۲۸	اسماعیل صفوی: ۱۰۳۳، ۱۵۱۳
آسنیه: ۳۲۴	۱۸۱۲
اسواران: ۷۲	اسماعیل غزنوی: ۱۵۲۳
اسوان: ۳۸۴	اسماعیل میرزا: ۱۵۱۳
اسوتی: ۱۳۵۳	اسماعیلی: ۳۲۱، ۳۹۶، ۱۹۰۳
اسود: ۷۲	۲۰۸۲، ۲۱۷۰
آسهنگاه: ۳۲۴	اسماعیلیان: ۱۳۹۴، ۱۴۷۱، ۱۶۱۶
اشاقه‌باش: ۳۲۴، ۱۲۹۱، ۱۸۹۳	۱۶۳۳، ۱۹۸۴، ۱۹۹۲، ۲۳۷۵
۲۰۰۲، ۱۹۶۱	۲۴۹۱
اشاوهشتا: ۳۲۵	اسماعیلیه: ۱۰۳، ۲۰۷، ۲۰۹، ۳۲۱
اشاوهشته: ۳۲۵	۴۱۳، ۶۰۲، ۶۳۱، ۷۹۹، ۸۸۱
اشتات: ۳۲۵	۱۰۷۸، ۱۰۹۱، ۱۱۰۸، ۱۱۱۴
آشتاد: ۳۲۵	۱۱۶۵، ۱۱۷۱، ۱۲۶۹، ۱۲۷۱
آشتاد یشت: ۳۲۵	۱۴۴۲، ۱۴۸۹، ۱۸۹۱، ۱۹۱۳
اشراف یا سالار: ۷۵۶	

۱۲۷۲، ۱۲۵۸، ۱۱۹۵، ۱۱۸۳	اشرف: ۳۷۸، ۱۷۸۰
۱۴۴۵، ۱۳۷۳، ۱۳۲۹، ۱۲۸۵	اشرف افغان: ۱۱۶۷، ۲۴۵۹
۱۷۴۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۴، ۱۵۵۳	اشرف الدین حسینی: ۳۲۷
۱۹۱۲، ۱۹۰۹، ۱۸۸۹، ۱۸۶۹	اشرف پهلوی: ۳۲۷، ۷۷۹، ۱۳۱۹
۱۹۳۱، ۱۹۳۰، ۱۹۲۹، ۱۹۲۷	اشرف چوپانی: ۳۲۷
۱۹۴۷، ۱۹۴۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۲	اشروسنه: ۲۰۴، ۳۱۴، ۴۰۸
۲۰۲۸، ۲۰۲۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۱	اشعری: ۳۲۸
۲۰۵۸، ۲۰۵۵، ۲۰۳۹، ۲۰۳۱	اشعریه: ۶۰۳
۲۱۱۸، ۲۱۱۳، ۲۰۹۱، ۲۰۶۴	اشک: ۳۲۸
۲۲۷۷، ۲۲۳۷، ۲۲۰۹، ۲۲۰۴	اشکانی: ۲۸، ۲۹، ۳۴، ۷۵، ۹۸
۲۴۳۱، ۲۴۳۰، ۲۳۹۷، ۲۳۷۹	۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۸۰، ۲۵۲، ۲۵۳
۲۵۵۶، ۲۴۷۸، ۲۴۵۴، ۲۴۵۳	۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۳۰۳
۲۵۶۶، ۲۵۶۵، ۲۵۶۱، ۲۵۵۷	۳۰۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷
۲۶۰۹، ۲۶۰۳، ۲۵۹۵، ۲۵۶۸	۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۸
اشکانیان: ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۸	۳۵۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۸۹
۲۷۷، ۲۶۹، ۲۵۳، ۲۲۰، ۱۵۲، ۱۵۱	۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۵، ۴۶۴، ۵۱۴، ۵۳۸
۳۳۷، ۳۳۵، ۳۳۱، ۳۲۸، ۳۱۰، ۳۰۸	۶۲۱، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳
۳۶۸، ۳۶۳، ۳۶۱، ۳۴۴، ۳۴۱، ۳۴۰	۶۴۴، ۶۵۲، ۶۶۷، ۶۹۱، ۷۲۱، ۷۳۰
۶۳۳، ۵۰۸، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۱۹، ۳۸۹	۷۴۳، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۶۲، ۷۶۷، ۷۶۸
۷۵۴، ۷۴۶، ۷۲۴، ۷۲۱، ۶۹۱، ۶۵۱	۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۰، ۸۱۰، ۸۸۷، ۸۹۶
۹۱۱، ۹۰۷، ۸۸۸، ۸۸۶، ۷۸۰، ۷۷۷	۸۹۷، ۸۹۸، ۹۱۱، ۹۴۶، ۹۸۶
۱۲۱۶، ۱۱۴۸، ۱۰۴۶، ۱۰۱۲، ۹۱۳	۱۰۰۹، ۱۰۱۲، ۱۰۲۹، ۱۱۵۱

تاریخ ایران	۲۷۴۱	فهرست اعلام
۱۲۱۸، ۱۲۲۲، ۱۲۸۲، ۱۲۸۹	آشموغ: ۳۶۸	
۱۲۹۶، ۱۳۱۲، ۱۳۸۴، ۱۴۲۱	اشمیت: ۸۲۲	
۱۵۲۹، ۱۵۳۴، ۱۵۵۰، ۱۹۰۵	اشو: ۳۶۸	
۱۹۱۸، ۱۹۴۷، ۱۹۷۱، ۲۰۲۸	اشوزرتشت: ۲۶۳۴	
۲۰۲۹، ۲۲۹۷، ۲۳۷۲، ۲۳۷۶	اشوزرتشت اسپنتمان: ۲۳۳۹	
۲۳۷۸، ۲۵۲۹، ۲۵۵۶، ۲۵۵۷	آشون: ۳۶۸	
۲۵۶۴، ۲۵۹۵، ۲۶۰۹، ۲۶۱۳	اش وهیشت: ۳۶۸	
۲۶۵۰	آشه وهیشته: ۲۶۴	
اشک اول: ۳۴۸	آشی: ۳۶۸	
اشک بیست و دوم: ۶۴۲	اصطخر: ۳۶۹، ۷۲۸، ۷۳۱، ۱۳۴۳	
اشک بیست و هفتم: ۳۵۹	۱۶۵۷، ۲۳۴۵، ۲۶۵۶	
اشک بیست و یکم: ۲۵۵۸	اصطخر فارس: ۱۷۲۵	
اشک پانزدهم: ۱۹۳۰	اصطخری: ۷۶، ۱۹۵، ۲۵۵، ۳۶۹	
اشک پنجم: ۱۱۵۲	۶۴۷، ۶۶۶، ۶۶۷، ۱۱۷۵، ۱۲۱۳	
اشک چهاردهم: ۱۳۲۹	۱۳۲۴، ۱۴۶۵، ۱۶۳۵، ۲۰۷۱	
اشک چهارم: ۱۹۳۷	۲۶۵۶	
اشک دوازدهم: ۲۴۳۱	اصفهان: ۲۷، ۹۶، ۹۷، ۱۱۵، ۱۱۸	
اشک دوم: ۹۰۸، ۱۲۵۴	۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۵۶	
اشک سوم: ۲۷۶	۲۰۱، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۳۰، ۲۷۳، ۳۰۹	
اشک سوم: ۱۵۴۱	۳۱۶، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۷۷	
اشک نهم: ۲۴۳۰	۳۷۸، ۳۹۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۶۹، ۵۰۹	
اشکودا: ۲۰۰۸	۵۴۱، ۵۷۲، ۶۱۹، ۶۲۸، ۶۷۹، ۷۰۳	

فهرست اعلام	۲۷۴۲	فرهنگ توصیفی
۷۳۱، ۷۶۵، ۷۸۸، ۸۶۲، ۸۷۴، ۹۲۰	۲۰۸۲، ۲۱۳۰، ۲۱۸۴، ۲۱۹۸	
۹۳۷، ۹۷۳، ۱۰۲۶، ۱۰۶۲، ۱۰۷۲	۲۲۰۱، ۲۲۰۴، ۲۲۳۴، ۲۲۳۸	
۱۰۸۰، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۵۵	۲۲۶۳، ۲۳۰۶، ۲۳۲۰، ۲۳۲۲	
۱۱۶۶، ۱۲۶۴، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷	۲۳۳۰، ۲۳۴۴، ۲۳۴۶، ۲۳۵۲	
۱۳۱۸، ۱۳۲۵، ۱۲۵۵، ۱۳۴۴	۲۳۶۱، ۲۴۴۰، ۲۴۴۹، ۲۴۵۰	
۱۳۴۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰	۲۴۸۶، ۲۴۹۴، ۲۵۲۴، ۲۶۵۸	
۱۳۸۲، ۱۳۹۰، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶	اصفهانی: ۱۴۱۶	
۱۴۷۲، ۱۴۸۹، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰	اصفهدان: ۱۲۷، ۳۰۴، ۲۱۴۲	
۱۵۱۶، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۴	اصلان خان: ۲۰۳۵	
۱۵۳۳، ۱۵۴۶، ۱۶۰۹، ۱۶۱۱	اصلاندوز: ۳۷۰، ۹۷۷، ۱۸۹۴	
۱۶۱۳، ۱۶۱۶، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹	اصلانی: ۳۷۰	
۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵	اصل ۴ ترومن: ۲۷۴	
۱۶۲۷، ۱۶۳۱، ۱۶۴۶، ۱۷۰۶	اصل چهارم ترومن: ۶۰۰	
۱۷۱۶، ۱۷۲۲، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹	اصول کافی: ۲۴۰۱	
۱۷۳۰، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۶۶	آطروش: ۳۷۰	
۱۷۷۳، ۱۷۷۵، ۱۷۸۰، ۱۷۸۷	اطروش: ۳۷۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۴	
۱۸۱۸، ۱۸۲۳، ۱۸۴۳، ۱۸۴۸	اعتضاد السلطنه: ۳۷۰	
۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲	اعتماد الدوله: ۳۷۰، ۱۰۷۱، ۱۷۲۹	
۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۸۰، ۱۸۹۳	۲۳۷۱، ۲۳۱۴، ۲۰۰۱	
۱۸۹۵، ۱۸۹۹، ۱۹۰۱، ۱۹۳۳	اعتماد السلطنه: ۳۷۱، ۱۹۹۴، ۲۳۳۷	
۱۹۳۷، ۱۹۷۵، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵	اعتمادزاده: ۳۷۱	
۲۰۲۴، ۲۰۳۳، ۲۰۳۵، ۲۰۷۴	اعراب: ۵۲۶، ۶۵۹، ۶۷۰، ۶۷۳	

تاریخ ایران	۲۷۴۳	فهرست اعلام
۶۷۴، ۸۱۳، ۸۸۵، ۱۰۰۵، ۱۰۲۳	افریقا: ۶۳، ۴۸۱، ۵۳۵، ۹۸۸، ۱۶۹۴	
۱۰۳۰، ۱۱۷۲، ۱۱۷۹، ۱۳۶۲	۲۰۴۱، ۱۸۱۲	
۱۸۱۲، ۱۹۴۴، ۱۹۸۹، ۲۰۴۱	افریقای شمالی: ۶۵۹	
۲۱۰۸، ۲۱۴۳، ۲۲۸۷	افسوس: ۶۷	
اعلان: ۲۳۲۵	افشار: ۳۷۴، ۳۷۶، ۶۴۰، ۱۹۸۶	
اگریرث: ۳۷۱	۱۹۸۹	
افاغنہ: ۱۲۷۶، ۱۵۱۲، ۱۷۲۲	افشار بکشلو: ۳۷۴	
افتالیتو: ۳۷۲	افشار قرخلو: ۳۷۴	
افتالیتوس: ۳۷۲	افشاری: ۵۴۱، ۲۳۴۱	
افراسیاب: ۱۶، ۲۶۵، ۳۷۱، ۳۷۲	افشاریہ: ۱۸۶، ۳۷۶، ۷۰۳، ۸۱۳	
۷۸۸، ۸۲۸، ۹۰۹، ۱۱۶۲، ۱۳۶۳	۹۳۹، ۱۳۴۲، ۱۳۵۹، ۱۳۶۳، ۱۳۸۶	
۱۳۶۶، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۹۰۶	۱۷۳۱، ۱۷۹۶، ۲۴۰۰، ۲۴۶۱	
۲۱۲۹، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۴۰	۲۵۰۰	
۲۱۴۴، ۲۱۶۰، ۲۱۶۴، ۲۱۷۲	افشین: ۲۰۴، ۳۷۶، ۴۰۸، ۴۰۹	
۲۴۱۶، ۲۴۱۷، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷	۴۶۴، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۲۴۵، ۲۲۹۱	
۲۶۲۴	افضل الدین محمد کرمانی: ۳۷۶	
افراسیاب تورانی: ۸۶۹، ۲۱۲۷	افغان: ۲۴۶، ۴۰۰، ۸۱۲، ۱۸۶۲	
افراسیاب چلاوی: ۳۷۳	۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۲۱۷، ۲۴۶۱	
افراسیاب دوم: ۳۷۳	افغانان غلجہ زایی: ۳۷۷، ۱۸۷۶	
افراسیابیان مازندران: ۳۷۳	۲۳۱۸، ۲۰۰۲	
افروز: ۳۶	افغانستان: ۹۳، ۹۴، ۱۳۹، ۲۰۲	
آفروغ: ۳۷۳	۲۴۶، ۳۶۳، ۳۷۷، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶	

۲۵۲۴، ۱۵۳۴، ۱۲۱۷	۷۵۲، ۶۵۲، ۶۴۵، ۶۳۳، ۵۹۶، ۵۹۳
اکباتانا: ۲۲۶۸، ۲۲۳۳، ۳۸۲	۹۵۸، ۹۳۲، ۹۳۱، ۸۷۷، ۷۹۳، ۷۶۴
اکباتان: ۱۳۲۷، ۸۳۳، ۷۱۴، ۳۳۷	۱۳۵۵، ۱۳۵۳، ۱۲۶۴، ۱۳۲۷
۲۲۶۰، ۲۱۰۷، ۱۶۶۵، ۱۵۳۳	۱۳۵۶، ۱۴۰۹، ۱۶۲۱، ۱۶۳۴
۲۶۲۱، ۲۲۶۳	۱۸۶۰، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶
اکبرشاه: ۵۷۷	۱۸۷۷، ۱۸۸۷، ۱۸۹۶، ۱۹۴۵
اکتاویوس: ۲۰۲۳	۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴
اگد: ۵۴۰، ۵۰۲، ۵۰۱، ۴۸۰، ۳۸۲	۲۱۱۹، ۲۲۴۷، ۲۳۷۱، ۲۴۲۲
۲۰۹۵، ۲۰۹۳، ۱۵۷۷، ۱۵۰۷، ۵۷۷	۲۴۶۲، ۲۵۲۴، ۲۵۳۱، ۲۵۹۸
۲۴۷۸، ۲۱۷۸، ۲۱۷۷، ۲۱۳۵	۲۵۹۹، ۲۶۰۴
آگدی: ۱۳۷۲، ۵۳۶، ۴۹۹، ۲۳۷	افغانها: ۱۷۸۰، ۵۲۵، ۵۲۴
۲۰۴۹، ۲۰۴۴، ۱۶۳۶، ۱۴۱۲	افغانی: ۵۶۵، ۳۷۷
۲۰۹۵، ۲۰۹۳	افلاطون: ۲۰۹۶، ۷۶۵، ۶۰۰، ۴۹۴
اکدیان: ۲۱۳۴، ۳۸۳	۲۳۳۷، ۲۰۹۷
اکدیها: ۳۸۲	اقبال: ۳۷۹، ۳۷۸، ۱۴۲
اکراد یزیدی: ۹۶۶، ۳۸۲	اقطاع: ۲۶۵۹، ۲۳۸۶، ۱۶۰۱، ۳۸۱
اکسوس: ۸۴۸	اقطاع دیوانی: ۳۸۱
اکومن: ۳۸۳	اقطاع شخصی: ۳۸۱
اکونوم: ۳۸۳	اقطاع لشکری: ۳۸۱
آگه تش: ۳۸۳	اقطاعی: ۳۸۱
اگباتانا: ۷۱۴، ۷۱۲	اکیانوس اطلس: ۳۶۹
اگتای: ۴۹۶	اکیانوس هند: ۱۲۱۳، ۹۴۳، ۹۴۰

الگتای قآن: ۳۸۳، ۴۹۶	التزام نامه: ۳۸۷
آگنی: ۳۵	التون تمغا: ۳۸۷
آگنی: ۱۲۷۲	التهدیب الاحکام: ۳۸۷
آگوست: ۲۱۱۵	آلجاتیو: ۱۱۲۱
آگوم دوم: ۳۸۳	آلجاتیو: ۱۳۳۷، ۱۵۱۸
آگیت: ۳۸۴	آلجاتیو سلطان محمد خدا بنده:
الاثار الباقیه: ۱۱۷۴	۱۴۱۰
الاستبصار: ۳۸۵	آلجایتو: ۱۳۰، ۲۱۰، ۲۶۰، ۳۸۷
الأغانی الکبیر: ۲۰۶	۵۵۳، ۶۷۴، ۱۰۶۷، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰
الامر بالله: ۲۱۲۳	۱۶۳۳، ۱۷۸۰، ۱۸۴۵، ۱۹۰۰
ال ایوانیه: ۲۳۶۷	۲۴۰۳، ۲۵۵۳
البارسلان: ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۷، ۶۰۸	الجبیل: ۴۳
۶۰۹، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۴۸، ۱۶۴۰	الجزایر: ۲۵۸۱
۲۴۹۰، ۲۴۰۷، ۲۴۰۰	الحضر: ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۶۰، ۳۸۷
البارغو: ۳۸۶	۱۴۴۶، ۲۵۰۹
البتکین: ۳۱۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۶۴۶	الحضر الجدید: ۳۸۹
۷۹۶، ۱۶۰۸، ۱۸۷۴	الراشد بالله: ۳۸۹
البتگین: ۲۰۲	الراضی بالله: ۳۹۰، ۳۹۱
البرز: ۳۸۷، ۱۳۶۳، ۱۹۹۲، ۲۱۴۳	الران: ۲۵۷
البلدان: ۲۰۲	الریانوس: ۲۰۶۰
البورز: ۳۸۷	الصولی: ۳۹۱
البتکین: ۳۸۶، ۳۸۷	الطایع بالله: ۳۹۱

القائم بن القادر: ۳۹۸	الطنبور: ۱۹۹۲
القادر: ۳۹۸	العبيد: ۳۹۳، ۳۹۲
القادر بالله: ۳۹۸	الغ بتكجي: ۳۹۳
القاص ميرزا: ۱۷۲۷، ۲۰۰۲	الغ بيك: ۱۸۲۲
القاهر بالله: ۳۹۸	الغ بيگ: ۳۹۴
الكارنامج فى سيرة انوشروان: ۲۰۲۹	الغو: ۶۳۰
الكافى: ۳۹۹، ۲۰۸۱	ال غور: ۶۱۲
الكساندر: ۶۸، ۳۷۲، ۴۰۱، ۹۷۵	الفانتين: ۳۹۴
الكساندر بالاس: ۴۲۱	القبای آرامی: ۷۷۹، ۱۸۹۰
الكساندر سور: ۹۷۵	القبای اوستا: ۳۹۴
الكسندر: ۳۹۹	القبای اوستایی: ۷۳۶
الله وردیخان: ۳۹۹	القبای پهلوی: ۳۵۹
الله وردی خان: ۴۲۸	القبای پهلوی اشکانی: ۳۹۵، ۷۸۰
الله وردیخان: ۱۶۰۲	القبای تدمری: ۳۹۵
اللهیارخان: ۹۵	القبای سومری: ۱۸۸۷
اللهیارخان آصف الدوله: ۳۹۹، ۱۹۶۳، ۱۴۳۴	القبای فارسی: ۱۸۸۷، ۲۰۴۴، ۲۰۴۶
اللهیارخان ابدالی: ۴۰۰	القبای مانوی: ۳۹۵
اللیل: ۱۱۳۳	القبای میخی: ۱۸۸۷، ۲۰۴۴، ۲۰۴۶
المپياس: ۴۰۱	۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۲
المتقى بالله: ۴۰۱	الفهرست: ۲۰۰
المتوكل بالله: ۲۲۹۲	القائم بامرالله: ۳۹۵
	القائم بامراله: ۱۲۴

المحمره: ۴۰۲، ۱۱۷۲	المكتفى بالله: ۲۳۹۱
المسالك و الممالك: ۱۹۵	المنتصر بالله: ۴۱۲
المسترشد بالله: ۴۰۲	الموت: ۴۱۲، ۴۱۳، ۶۳۱، ۹۴۳
المستضئى بامرالله: ۴۰۲	۱۰۹۱، ۱۱۶۵، ۱۳۴۸، ۱۴۷۱
المستظهر بالله: ۴۰۳، ۶۱۰	۱۴۸۹، ۱۸۲۶، ۱۹۹۲، ۲۳۷۵
المستعصم بالله: ۴۰۳، ۱۲۱۰، ۲۶۱۰	المهتدى بالله: ۴۱۳
المستعين بالله: ۴۰۴	المهدى: ۴۱۵، ۲۰۱۱
المستكفى بالله: ۴۰۵	الناصرالدين بالله: ۴۱۵
المستنجد بالله: ۴۰۵	الواقدي: ۴۱۷
المستنصر بالله: ۳۹۷، ۴۰۶	الوند: ۱۸۰، ۴۱۷، ۱۳۵۳، ۲۰۴۹
المطيع بالله: ۴۰۶	الوندبيك: ۱۰۳
المعتز بالله: ۴۰۶	الوندبيگ: ۴۱۷
المعتصم بالله: ۴۰۷، ۲۲۹۰	الويترا: ۴۱۷، ۴۱۸
المعتضد: ۴۱۰، ۱۳۲۲	الهند: ۲۰۹
المغازى: ۴۱۷	الياس: ۱۱۰
المقتدر: ۲۳۸۶	الياس بن اسد سامانى: ۱۷۷۸
المقتدى: ۴۱۰	الى پى: ۴۱۸
المقتدى بالله: ۴۱۰	اليس: ۴۱۸، ۹۷۷
المقتفى لامرالله: ۴۱۱	اليسع: ۱۱۰
آلمقديسى: ۴۱۱	اليمايى: ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴
المقنع: ۴۱۱، ۴۱۲، ۱۱۷۲، ۱۴۴۹	اليمايان: ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲
المكتفى: ۲۳۸۶، ۲۳۹۲	امارت: ۱۶۱۶

- امام باقر (ع): ۱۶۹۰
امام جعفر صادق: ۲۵۰۳
امام جعفر صادق (ع): ۱۴۷۶
امام جواد (ع): ۱۸۴۰، ۲۳۰۵
امام حسام‌الدین عمرابن عبدالعزیز
ابن مازه: ۱۰۸۹
امام حسن (ع): ۱۰۹۳، ۴۲۷، ۱۱۱۱
امام حسن عسگری (ع): ۴۲۹
امام حسن مجتبی (ع): ۲۳۰۳
امام حسین (ع): ۴۲۷، ۱۱۰۹، ۱۱۱۱، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲
۱۸۳۶، ۲۰۱۶، ۲۲۹۲، ۲۳۲۰
۲۴۱۵
امام خمینی (ره): ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۸
۱۶۹، ۴۲۷، ۶۲۰، ۷۸۴، ۱۱۰۳
۱۷۵۶، ۲۰۲۱، ۲۰۲۳، ۲۳۶۵
۲۶۳۹
امام رضا (ع): ۴۲۷، ۴۷۳، ۱۶۹۱
۱۸۴۰، ۲۱۸۴، ۲۳۰۵، ۲۵۲۱
امامزاده بی‌بی زبیده: ۴۲۷
امامزاده بی‌بی علیه‌خاتون: ۴۲۷
امامزاده جعفر: ۱۹۹۴
امام زین‌العابدین (ع): ۱۶۹۲
امام سجاد (ع): ۴۲۷، ۱۸۳۶
امام صادق (ع): ۲۴۲۴
امام عسگری (ع): ۱۰۹۳
امام علی‌النقی (ع): ۴۰۷
امام علی (ع): ۴۲۷
امام‌قلی‌خان: ۴۲۸، ۱۶۲۲
امام‌قلی قرقلوی افشار: ۴۲۹
امام‌قلی میرزای افشار: ۴۲۹
امام کاظم (ع): ۹۴۸، ۲۴۲۳
امام محمدباقر (ع): ۴۲۹، ۹۴۷
۲۳۰۳
امام محمدتقی (ع): ۴۲۹
امام موسی کاظم: ۱۷۲۴
امام مهدی: ۴۲۹
امام هادی (ع): ۴۳۰، ۱۰۹۲
امامی: ۴۳۰
امان‌الله‌خان: ۴۳۱
امان‌الله‌خان افغان: ۴۳۰
امپراتور روم: ۹۹۱، ۱۱۸۳، ۱۴۲۲
امپراتوری اشکانی: ۷۳۴
امپراتوری چین: ۱۵۵

امپراتوری روم: ۱۰۳۱، ۱۶۰۸	امرای طاهری: ۱۷۵۹
امپریالیسم آمریکا: ۱۳۵۲	امرای غوری: ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۱۲
امّ جعفر: ۴۳۱	امرای فضلویه: ۲۱۹۶
امرای آل بویه: ۱۱۶	امرای کرت: ۴۳۴
امرای احمدیلان: ۲۴۸	امرای لر بزرگ: ۲۲۰۸
امرای ارومی: ۴۳۲، ۴۳۳	امرای لرستان: ۲۲۴
امرای اسماعیلی الموت: ۳۲۲	امرای مرند: ۴۳۵
امرای الموت: ۴۱۳	امرای مغول: ۱۸۴۰
امرای اندراب: ۴۳۳	امراتات: ۴۳۶
امرای ایلکانی: ۱۱۸	امرداد: ۴۳۶، ۴۳۷
امرای ایلکانی: ۴۳۳	امریکایی: ۶۰۰
امرای ایلکانی: ۹۵۳	امّ سلّمه: ۴۳۷
امرای بامیان: ۶۱۴	امشاسپند: ۳۶، ۲۷۹، ۴۳۷، ۶۸۹
امرای بنی دلف: ۶۵۶	۹۴۴، ۱۱۷۰، ۱۳۶۴، ۱۴۶۴، ۱۶۹۸
امرای تفلیس: ۴۳۳	امشاسپندان: ۲۶۲، ۲۷۸، ۲۷۹
امرای تیموری: ۹۲۲	۴۳۷، ۴۳۸، ۴۶۱، ۴۹۰، ۶۸۷، ۸۸۵
امرای دیلمی: ۱۲۳	۱۲۴۳، ۱۳۶۴، ۱۳۸۴، ۱۴۴۷
امرای زنگی: ۱۱۹	۱۴۶۲، ۱۵۵۸، ۱۵۸۵، ۱۶۳۵
امرای ساسانی: ۱۵۶۰	۲۱۳۷، ۲۱۶۱، ۲۶۰۷، ۲۶۰۸
امرای سامانی: ۱۴۳۸	امشپاسپندان: ۲۶۰۹
امرای شیبانی: ۳۱	امشوسپند: ۴۳۸
امرای صفاری: ۱۷۲۲	امّ کلثوم روغنی قزوینی: ۴۳۸

امیران تفلیس: ۴۳	اُم کلثوم کوکبی: ۴۳۹
امیرانشاه سلجوقی: ۴۴۲	ام کلثوم کوکبی: ۲۱۱۹
امیران فارسوس: ۴۳	املش: ۴۳۹
امیران مرند: ۴۳	امنوگ ویزویشنیه: ۴۳۹
امیران نریز: ۴۳	اموکانشاه: ۱۴۳۰
امیر اولوس: ۴۹۹، ۴۴۲	اموی: ۱۸۰۳، ۱۷۹۹، ۶۳۳
امیربرزیه: ۲۰۱۱	امویان: ۱۷۱۴، ۱۴۷۴، ۱۰۷۷، ۴۴۰
امیر بهادر جنگ: ۴۴۳	۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۳، ۲۵۸۰
امیربیک کججی مهردار: ۴۴۳	امیرابومنصور: ۸۶۲
امیر پیرحسین چوپانی: ۱۷۸۶، ۲۴۲۵	امیراحمد نباکتی: ۴۴۰
امیر تومان: ۴۴۳	امیرارجمند: ۴۴۰
امیر تیمور: ۴۸، ۴۸۱، ۶۷۲، ۷۸۸، ۹۵۱، ۹۵۲، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۳۵۹، ۱۳۷۹، ۱۴۵۴، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۵۱۶، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۲۰، ۱۶۳۰، ۱۶۴۴، ۱۷۷۴، ۱۷۸۵، ۱۸۵۱، ۱۸۷۵، ۱۹۸۲، ۱۹۸۶، ۲۱۲۵، ۲۱۶۳، ۲۳۳۵، ۲۴۹۱	امیر اسدالله علم: ۴۴۰، ۱۸۳۰
امیر تیمورتاش: ۱۰۶۱، ۱۰۹۷، ۱۹۷۸، ۲۴۰۱	امیر اسماعیل سامانی: ۱۰۹۲، ۱۴۳۶، ۲۳۰۳
امیر تیمور گورکانی: ۱۲۷، ۱۲۲۸،	امیر اصلان خان قرخلو: ۴۴۰
	امیرالامرای: ۳۹۱
	امیرالامراء: ۴۴۲
	امیرالایکاه: ۵۶۲
	امیرالمؤمنین علی (ع): ۴۷۳، ۱۱۱۴، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۲۰۱۱
	امیران ارومی: ۴۳
	امیران بنی بانیجور: ۶۵۴

۱۶۵۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۸، ۱۹۶۲	۱۶۱۵، ۱۸۸۳، ۲۰۷۷
۱۹۶۳، ۲۰۳۰، ۲۰۳۲، ۲۱۱۲	امیر تیمور گورکانیان: ۲۶۵۱
۲۳۱۲، ۲۳۶۶، ۲۴۲۶، ۲۴۴۰	امیر تیمور گورگان: ۱۶۴۴
۲۴۵۱، ۲۴۶۲، ۲۵۰۲	امیر جرجان: ۱۹۵۷
امیر محمد بن عباس غوری: ۱۹۸۹	امیر چوپان: ۶۳۵، ۱۰۶۱، ۲۴۰۱
امیر مسعود: ۲۳۰۰	امیر شاه حسین اصفهانی: ۴۴۴
امیر مسعود سربداری: ۲۲۱۶	امیر شجاع: ۱۶۳۹
امیر مظفر دوم: ۱۶۳۰	امیر شیخ حسن ایلکانی: ۱۵۴۵
امیر موصل: ۱۸۸۲	امیر شیخ حسن جلایر: ۶۳۵
امیر نصر دوم سامانی: ۱۱۰۸	امیر شیخ حسن چوپانی: ۱۰۹۷
امیر نصر سامانی: ۱۰۹، ۱۳۹۶	امیر عباس هویدا: ۴۴۴، ۱۱۰۲
۲۵۵۲	۱۳۱۹
امیر نظام: ۳۲	امیر عبدالرزاق سربداری: ۱۸۲۸
امیر نوح بن منصور سامانی: ۱۸۸۵	امیر علی شیر نوایی: ۹۷، ۴۴۴، ۴۴۵
امیر نوح سامانی: ۱۰۸۸	۲۴۳۹
امیر نویان: ۴۴۷	امیر فائق: ۱۸۸۵
امیر وجیه الدین مسعود: ۴۴۷	امیر قره یوسف: ۲۱۸۲
امین: ۲۰۹، ۴۵۱، ۲۵۸۱	امیر قماج امیرالامرای ملک شاه: ۲۳۷۵
امین احمد رازی: ۴۴۹	امیر کاشغر: ۲۲
امین التجار: ۴۴۹	امیر کبیر: ۱۰۰، ۱۰۱، ۴۰۰، ۴۴۵
امین الدوله: ۱۹۶۳، ۲۳۴۷	۵۹۷، ۶۷۳، ۹۲۷، ۱۰۳۲
امین الدوله کازرونی: ۴۴۹	۱۲۵۷۱۱۵۹، ۵۶، ۱۲، ۱۳۶۲

- امین الدوله محمود: ۲۳۱۹
 امین الدین محمود: ۴۴۹
 امین السلطان: ۴۴۹، ۱۳۳۱، ۱۹۸۵، ۲۳۴۷، ۲۳۴۹، ۲۳۵۸
 امین الضرب: ۴۵۱
 امین مارسلن: ۹۱۶
 امینی: ۴۵۳، ۴۵۴، ۱۱۰۲
 آنائیتیس: ۱۷
 اناست: ۴۵۵
 اناستاسیوس: ۱۴۶
 اناطولی: ۸۶۸
 آناهیتا: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱۸، ۲۴۶۷، ۲۴۶۸
 آناهید: ۴۵۵، ۵۷۷
 انبار: ۴۵۵، ۷۹۰
 انباردارباشی: ۴۵۶
 انبارگبد: ۴۵۶
 انتاکیه: ۴۵۷، ۱۱۴۸
 انتاکیه کالیره: ۴۵۴، ۴۵۶
 انتالسیداس: ۱۴۷
 انجور: ۴۵۸
 انجمن بوعلی سینا: ۴۵۷
 انجمن سقراط: ۴۵۷
 انجمن ماهانه دینی: ۲۳۲۸
 انجمن مخفی: ۴۵۸
 انجمن ولایتی: ۴۶۹
 انجو: ۴۵۸، ۴۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷
 ائدر: ۴۵۹
 اندراب: ۴۳۳
 اندرز آتورپات مارسپندان: ۴۵۹
 اندرز آذرباد: ۴۶۳
 اندرز آذرباد مار سپندان: ۴۵۹
 اندرز اوشنردانا: ۴۵۹
 اندرز اوشنرداناک: ۴۵۹
 اندرز بد: ۴۶۰
 اندرز بزرگمهر: ۴۶۳
 اندرز بهزاد فرخ پیروز: ۴۶۰
 اندرز پوریوتکیشان: ۴۶۰
 اندرز خسرو قبادان: ۴۶۱
 اندرز دانایان به مزدیسنان: ۴۶۱
 اندرز دستوران به بهدینان: ۴۶۲
 اندرز زاوشنرداناک: ۴۶۲
 اندرزگر: ۴۶۲
 اندرزنامه تحفه الوزرا: ۴۶۳

انقلاب آذربایجان: ۴۶۷	اندرزنامه‌ها: ۴۶۴
انقلاب اسلامی: ۲۹۹، ۵۰۵، ۷۸۵	اندرزهای مَزَدَک: ۴۶۴
۱۷۵۶، ۱۰۸۳	اندلس: ۱۲۰۸، ۱۸۳۳، ۱۹۸۶
انقلاب اسلامی ایران: ۷۴۱، ۲۵۱۰	اندریمان‌کاران: ۴۶۵
۲۵۱۱	اندریمان‌کاران سردار: ۴۶۵
انقلاب اصفهان: ۴۶۸	اندریمشک: ۷۴۵
انقلاب ایران: ۲۷۱	انزان: ۴۶۶، ۱۶۸۴، ۲۱۷۸
انقلاب بختیاری: ۴۶۹	انزانی: ۴۶۶
انقلاب سفید: ۷۸۴	انزو: ۴۶۶
انقلاب گیلان: ۴۶۹	انساب‌الاشراف: ۶۴۰
انقلاب مشروطه: ۱۴۶۹، ۱۵۸۱	انس‌الوجود: ۳۸۴
۲۴۴۶، ۲۴۲۰، ۱۸۶۶	انسان پیش از تاریخ: ۴۶۶
انقلاب مشروطیت: ۲۵۰۸	انشار: ۲۱۹، ۹۰۶
انکی: ۴۷۱	انشان: ۲۸، ۴۶۶، ۵۵۰، ۷۳۳، ۷۴۶
انگروه مینو: ۱۷۴، ۴۷۱	۱۸۶۴
انگلستان: ۲۴۹، ۲۷۱، ۷۹۲، ۷۹۳	انطاکیه: ۱۳۵، ۱۳۶، ۴۹۴، ۴۹۵
۹۱۸، ۹۳۲، ۹۳۳، ۱۲۲۴، ۱۳۲۰	۵۹۵، ۸۶۸، ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۹۹
۱۳۲۵، ۵، ۱۲۴، ۱۲۵۷، ۱۲۸۰:	۱۰۳۱، ۱۴۲۱، ۱۴۹۵، ۱۵۳۱
۱۳۵۲، ۱۳۵۶، ۱۴۶۵، ۱۵۷۹	۱۵۵۹، ۲۲۱۸، ۲۲۷۷، ۲۳۴۰
۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۷۲۸، ۱۸۲۰	۲۶۶۹، ۲۴۰۲
۱۸۲۹، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۲	انطاکیه خارکس: ۲۳۴۰
۱۸۶۳، ۱۸۹۷، ۱۹۱۴، ۱۹۲۵	اَنُغْران: ۴۶۶

انگیلانا: ۴۷۱	۱۹۶۴، ۲۰۸۵، ۲۲۱۳، ۲۳۷۱
انلیل: ۴۷۱، ۲۳۳۶	۲۴۳۶، ۲۴۶۲، ۲۵۲۹، ۲۶۳۵
ان نوناکی: ۴۷۱	انگلیس: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۷۱، ۲۷۱
انو: ۴۷۲	۲۹۹، ۴۶۸، ۴۶۹، ۵۹۷، ۹۳۱، ۹۳۸
انوشبرد: ۲۸۱، ۴۷۲، ۷۴۵، ۱۹۹۵	۱۰۳۲، ۱۰۴۳، ۱۰۸۶، ۱۳۶۸
انوشتکین: ۶۴۰، ۱۲۳۵، ۱۴۹۲	۱۶۲۵، ۱۶۴۵، ۱۷۰۹، ۱۸۴۳
۱۹۹۰	۱۸۵۸، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳
انوشروان: ۲۰۲۹، ۲۰۳۰	۱۸۹۲، ۲۰۸۴، ۲۲۱۱، ۲۲۱۴
انوشیران: ۴۷۲	۲۳۰۷، ۲۳۰۸، ۲۳۱۲، ۲۳۱۷
انوشیروان: ۲۹، ۷۲، ۷۶، ۱۲۲، ۱۲۸	۲۳۱۹، ۲۳۴۲، ۲۳۴۷، ۲۳۴۹
۱۹۳، ۲۵۸، ۲۷۵، ۵۶۷، ۵۷۳، ۵۷۴	۲۳۵۱، ۲۳۵۲، ۲۳۶۲، ۲۳۶۸
۶۳۲، ۶۶۷، ۶۷۸، ۷۴۹، ۷۷۳	۲۳۷۱، ۲۴۱۳، ۲۴۲۱، ۲۴۲۲
۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۶۲، ۱۱۶۶	۲۴۶۴، ۲۵۱۵، ۲۵۳۱
۱۱۸۲، ۱۱۸۴، ۱۲۱۵، ۱۲۲۱	انگلیسیها: ۱۷۱، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳
۱۳۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۴۱، ۱۵۵۶	۹۳۴، ۱۰۸۶، ۱۱۵۷، ۱۸۲۴، ۱۸۶۰
۱۵۸۷، ۱۶۵۰، ۱۷۲۱، ۱۷۸۵	۱۸۶۲، ۱۹۱۵، ۲۰۹۵
۱۹۷۴، ۲۰۷۹، ۲۴۳۴، ۲۵۵۱	انگلیسی: ۶۵۳، ۹۳۳، ۱۰۹۰
۲۵۸۲، ۲۶۴۹، ۲۶۵۸، ۲۶۵۹	۱۲۷۴، ۱۳۱۱، ۱۳۲۵، ۱۳۳۹
۲۶۶۹	۱۶۲۱، ۱۶۴۵، ۱۶۹۶، ۱۷۹۷
انی: ۱۳۵۳	۱۸۳۰، ۲۰۴۶، ۲۲۱۱
اوازیس: ۳۸۴	انگلیسیها: ۷۸۲، ۱۳۱۸، ۱۸۶۰
اواغ زن: ۴۷۴	۲۵۴۳

اوآگوراس: ۱۴۷	۲۶۴۴
اوآگوراس اول: ۴۷۴	اورارتوئیان: ۲۰۹۳
اوان: ۱۸۶۴، ۴۷۴	اورارتوها: ۲۱۷۷
اوباشان: ۲۳۵۱	اورارتویی: ۱۵۵۲، ۲۲۴۶، ۲۲۸۰
اوپانیشادها: ۵۱۲	اورارتویی خلدی: ۲۳۶۶
اوپک: ۱۴۲	اوراق سلطان بیگم: ۴۸۰
اوتکین: ۴۷۴	اورانامو: ۴۸۰
اوتوخگال: ۴۷۴	اورتاگنس: ۴۸۰
اوتوخگل: ۵۰۳	اورت و هیش: ۴۸۰
اوتوهگال: ۴۸۲	اورخون: ۸۵۵
اوجان: ۱۴۱۰	اورشلیم: ۳۸۴، ۵۸۰، ۶۸۷، ۹۸۹
اوخْشْتَر: ۴۷۴	۹۹۷، ۱۲۶۸، ۱۵۴۷، ۱۶۹۳
اودْگ: ۴۷۴	اورفا: ۵۱، ۲۵۳، ۳۳۹، ۴۵۷، ۲۳۴۰
اودونداریاشی: ۴۷۵	اورفه: ۲۵۳، ۱۰۷۹، ۲۰۳۱
اور: ۳۹۳، ۴۷۵، ۴۸۳، ۵۰۰، ۵۳۹	اورک: ۲۱۸۹
۵۷۷، ۱۲۱۴، ۱۵۶۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۱	اورگنج: ۴۸۱، ۱۰۳۹، ۱۲۳۵، ۲۱۶۳
۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶	اورلین: ۱۰۰۱
اورارتو: ۵۵، ۶۰، ۶۱، ۴۷۶، ۹۰۳	اورلیوس ویکتور: ۴۸۱
۱۳۵۸، ۱۴۶۲، ۱۵۵۲، ۲۰۰۶	اورمزد: ۳۵، ۳۰۲، ۳۶۸، ۴۸۲، ۵۰۳
۲۱۸۱، ۲۲۳۶، ۲۲۳۹، ۲۲۵۶	۵۰۷، ۶۸۳، ۹۲۹، ۱۲۳۹، ۱۴۴۸
۲۲۵۷، ۲۲۷۸، ۲۲۸۰، ۲۲۸۴	۱۴۶۳، ۱۵۵۸، ۲۰۶۳، ۲۱۸۱
۲۴۰۹، ۲۴۱۰، ۲۴۱۶، ۲۵۹۲	۲۴۸۳، ۲۶۳۲

اورنامو: ۴۸۲	،۹۰۶ ،،۹۰۸ ،،۹۲۳ ،،۹۶۳ ،،۱۱۶۲
اورنگ زیب: ۱۶۲۸	،،۱۱۶۹ ،،۱۱۸۹ ،،۱۱۹۲ ،،۱۱۹۳
اوروسا: ۴۸۲	،،۱۲۲۵ ،،۱۲۳۶ ،،۱۲۳۹ ،،۱۲۴۰
اوروک: ۴۷۴ ،،۴۸۲ ،،۴۸۳ ،،۴۹۹	،،۱۲۴۲ ،،۱۳۳۵ ،،۱۲۴۳ ،،۱۲۷۸
،،۵۰۳ ،،۹۶۲ ،،۱۱۳۱ ،،۱۵۶۸ ،،۲۰۹۴	،،۱۲۸۹ ،،۱۲۹۰ ،،۱۳۰۲ ،،۱۳۰۴
اوروہ: ۴۸۳ ،،۴۸۶	،،۱۳۱۵ ،،۱۳۳۳ ،،۱۳۵۳ ،،۱۳۶۳
اورہا: ۵۱ ،،۳۳۹ ،،۲۳۴۰	،،۱۳۶۹ ،،۱۳۷۸ ،،۱۳۸۳ ،،۱۳۸۴
اورھی: ۲۵۳	،،۱۳۸۵ ،،۱۴۰۷ ،،۱۴۳۵ ،،۱۴۵۰
اوزکند: ۱۸۱۰	،،۱۴۶۴ ،،۱۵۵۹ ،،۱۵۶۰ ،،۱۵۷۳
اوزون حسن: ۴۸۳ ،،۱۲۲۳ ،،۱۵۰۸	،،۱۶۳۲ ،،۱۶۳۵ ،،۱۶۹۸ ،،۱۶۹۹
۱۵۱۲	،،۱۷۴۳ ،،۱۷۸۱ ،،۱۷۸۳ ،،۱۸۱۵
اوزون حسن آق قویونلو: ۱۵۱۰	،،۱۸۱۶ ،،۱۸۸۹ ،،۱۹۰۸ ،،۱۹۱۴
اوزون حسن بایندری: ۱۰۳۸	،،۱۹۱۸ ،،۱۹۲۸ ،،۱۹۳۴ ،،۲۰۳۹
اوزون حسن: ۸۴۶ ،،۱۱۰۱ ،،۱۳۳۴	،،۲۰۴۳ ،،۲۱۲۴ ،،۲۱۲۸ ،،۲۱۲۹
اوزن فلندن: ۴۸۴	،،۲۱۳۵ ،،۲۱۳۶ ،،۲۱۴۴ ،،۲۱۴۵
آوستا: ۱۹ ،،۳۱ ،،۴۷ ،،۷۵ ،،۱۴۰ ،،۱۷۴	،،۲۱۴۶ ،،۲۱۴۷ ،،۲۱۵۱ ،،۲۱۵۵
،،۱۷۹ ،،۱۸۱ ،،۲۱۹ ،،۲۳۴ ،،۲۶۴ ،،۲۶۵	،،۲۱۵۶ ،،۲۱۶۰ ،،۲۱۶۶ ،،۲۱۷۱
،،۲۷۸ ،،۲۷۹ ،،۳۰۲ ،،۳۱۲ ،،۳۴۲ ،،۳۶۸	،،۲۱۷۴ ،،۲۱۸۲ ،،۲۲۲۰ ،،۲۲۳۱
،،۳۷۱ ،،۳۷۲ ،،۳۹۴ ،،۴۵۹ ،،۴۶۴ ،،۴۸۰	،،۲۲۳۳ ،،۲۲۶۹ ،،۲۲۸۷ ،،۲۳۳۹
،،۴۸۴ ،،۴۸۶ ،،۴۹۰ ،،۵۱۴ ،،۵۱۸ ،،۵۸۹	،،۲۴۱۶ ،،۲۴۱۹ ،،۲۴۳۵ ،،۲۴۸۳
،،۵۹۳ ،،۵۹۵ ،،۶۳۵ ،،۶۸۶ ،،۷۵۹ ،،۷۷۲	،،۲۴۸۴ ،،۲۵۲۷ ،،۲۵۴۱ ،،۲۵۴۴
،،۷۷۳ ،،۷۹۱ ،،۸۷۹ ،،۸۹۶ ،،۹۰۱ ،،۹۰۲	،،۲۵۴۶ ،،۲۵۵۶ ،،۲۵۶۸ ،،۲۵۹۵

اوکتای: ۱۰۴۹	۲۵۹۸، ۲۶۰۲، ۲۶۰۵، ۲۶۰۸
اوکتای خان: ۲۲۹۶	۲۶۲۰، ۲۶۲۵، ۲۶۲۸، ۲۶۲۹
اوکتای قآن: ۳۸۳، ۴۹۶، ۸۰۴	۲۶۳۳، ۲۶۴۵، ۲۶۴۶، ۲۶۶۳
۱۱۵۹	اوستای قدیم: ۲۶۰۹
اوگدمان: ۱۲۶۸	اوستایی: ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۹۴، ۴۳۷
اوکسوس: ۱۳۹، ۱۴۰، ۴۹۷	۴۸۶، ۶۸۷، ۸۸۷، ۹۲۳، ۱۰۶۳
اوگتای: ۸۷۱، ۱۹۴۵	۱۱۶۹، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۳۰۰
اوگتای قآن: ۱۹۵۱، ۱۹۹۱	۱۳۶۹، ۱۳۷۴، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵
اَوَگِمَدَیچا: ۴۹۷	۱۹۱۶، ۱۹۲۷، ۲۱۶۰، ۲۵۵۵
اوگوستوس: ۲۰۲۳	۲۵۶۱، ۲۶۲۵
اولتن: ۴۹۷	اوستی: ۴۹۴
اولجایتو: ۴۹۸، ۲۳۰۷	اوسرئن: ۳۴
اول صفوی: ۱۰۶۷	اوشهین گاه: ۳۲۴
اولوس: ۴۹۹	اوسیوس: ۴۹۴
اولهی: ۴۹۹	اوشار: ۳۷۴
اولیویه: ۴۹۹	اوش بام: ۴۹۵
اوما: ۴۹۹، ۱۳۶۳	اوشتوئیت: ۴۹۵
اومانیش: ۲۰۱۴	اوشهین گاه: ۴۹۶
اون: ۵۰۰، ۵۰۱	اوغوزها: ۸۵۶
اون باشی: ۵۰۰	اوکاراکالا: ۳۴۸
اونتاش گال: ۵۰۰	اوکتاویانوس: ۱۹۳۱
اوهرمرد: ۵۰۳	اوکتاویس: ۱۹۳۱

فهرست اعلام	۲۷۵۸	فرهنگ توصیفی
اویرات: ۲۳۷۹	اهورامزدا: ۱۷۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۵۰۳	
اویس: ۵۰۴	۵۰۶، ۶۳۵، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۴، ۷۰۵	
اویس اول ایلکانی: ۵۰۴	۷۳۳، ۷۴۷، ۹۴۴، ۹۵۶، ۱۱۶۹	
اویس ایلکانی: ۱۴۳۲، ۵۰۴	۱۳۷۶، ۱۴۴۸، ۱۴۶۴، ۱۵۸۵	
اویس جلایر: ۵۰۴	۱۷۴۸، ۱۷۵۰، ۱۹۲۷، ۲۰۶۶	
اویس دوم جلایر: ۵۰۴	۲۱۴۴، ۲۱۵۷، ۲۱۶۳، ۲۱۶۷	
اویسی: ۵۰۴، ۵۰۵	۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۳۳۵، ۲۴۰۳	
اویغور: ۵۰۵، ۸۱۱، ۸۶۶، ۲۳۷۹	۲۴۳۶، ۲۴۵۵، ۲۴۸۴، ۲۴۹۴	
اویغورها: ۸۵۶، ۸۵۵	۲۴۹۸، ۲۶۰۱، ۲۶۲۳، ۲۶۲۸	
اویغوری: ۸۸۵، ۵۰۶	۲۶۵۴	
اویماق: ۱۹۹۶، ۵۰۶	اهورای: ۵۰۷	
اویماقات: ۵۰۶	اهورای مزدیز: ۵۰۷	
اهریمن: ۷۱، ۱۷۴، ۳۸۳، ۴۶۰	اهورمزد: ۵۰۷	
۴۷۱، ۵۰۶، ۱۷۴۴، ۱۷۸۲، ۲۱۴۴	اهورمزد: ۷۰۹، ۹۶۴، ۱۳۷۶	
۲۴۳۹	۱۳۷۷، ۱۴۶۳	
اهریمه: ۵۰۶	اهوره مزد: ۱۷، ۴۹۰، ۱۳۲۴، ۱۹۲۱	
آهلموغ: ۳۶۸	۲۰۴۶، ۲۰۴۸، ۲۰۶۱، ۲۰۶۵	
اهمدان: ۴۳	اهوره مزد: ۲۰۴۶	
اهواز: ۵۰۹، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۳۲۳	آهونوز: ۵۰۷	
۱۳۴۳، ۱۳۶۷، ۱۳۹۳، ۱۸۱۸	ایاتکار زیریان: ۵۰۷	
۱۹۰۲، ۲۳۳۰، ۲۳۵۵، ۲۳۷۴	ایاسریم: ۵۰۸	
اهورا: ۲۱۷	ایاسریم گاه: ۵۰۸	

ایران باستان: ۱۲۳۸	ایاغچی: ۵۰۸
ایران باستان: ۴۳، ۱۷۶، ۲۵۵، ۳۲۵	ایالت پارت: ۱۵۱
۴۶۶، ۴۹۵، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۹۶، ۶۸۲	ایبری: ۶۱، ۵۰۹، ۱۰۴۵، ۲۲۴۶
۱۰۹۴، ۱۳۱۱، ۱۴۴۷، ۱۴۶۳	۲۵۴۷
۱۴۶۴، ۱۵۶۷، ۱۹۴۳، ۲۰۴۴	ایبریا: ۱۴۲۲، ۱۴۲۳
۲۲۸۵، ۲۴۲۳، ۲۴۸۳، ۲۵۴۷	ایبری‌ها: ۵۰۹
۲۶۲۵	ایپسوس: ۱۵۰
ایران خوره شاپور: ۱۶۰۷	ایپیر: ۵۴۹
ایران زمین: ۲۶۶	ایتالیا: ۱۳۶، ۷۵۵، ۷۶۲، ۱۰۲۲
ایران‌شاه: ۲۵۷، ۱۴۲۸	۱۶۴۶، ۲۴۱۴، ۲۴۴۵
ایران شاه: ۵۳۵	ایتالیایی: ۲۰۳۲، ۲۳۶۶
ایران‌شاه ابن تورانشاه: ۵۳۵	ای تومن: ۴۸۶
ایران‌شاه سلجوقی: ۵۳۵	ایختوویکو: ۲۱۳۰
ایران‌شهر: ۵۳۵، ۵۹۳، ۲۶۰۸	ایختوویگو: ۷۵، ۲۲۳۴
ایران‌شهر: ۷۵۰	ایدئوگرافی: ۵۰۹
ایران قدیم: ۱۳۳۶، ۲۳۰۲	ایدو: ۱۸۳
ایران ویج: ۲۵۵	ایذج: ۵۰۹
ایران ویج: ۲۱۷۶، ۲۱۷۷	ایذودور خاراکیسی: ۳۳۷
ایران هخامنشی: ۹۲۳	ایذه: ۲۸، ۵۰۹، ۲۲۰۴
ایرانی: ۴۳، ۱۴۵، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۰۱	ایران: در بیشتر صفحات آمده است.
۲۱۷، ۳۷۷، ۳۸۲، ۴۹۴، ۵۱۳، ۵۱۵	ایران آسان کرت‌کوات: ۵۱۵
۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۵۱، ۵۶۳، ۶۴۶	ایران از آغاز تا اسلام: ۲۱۸۷

ایزدان: ۲۴۲۸	۷۳۰، ۷۴۸، ۸۰۰، ۸۸۵، ۹۵۶، ۹۸۹
ایزد بانو: ۲۱۸	۱۱۴۸، ۱۱۷۲، ۱۳۱۹، ۱۳۵۳
ایزدی: ۲۱۸	۱۳۵۶، ۱۳۷۱، ۱۳۷۹، ۱۴۱۱
ایزرش: ۵۳۷	۱۴۳۹، ۱۵۲۹، ۱۵۷۵، ۱۸۱۹
ایزکيه: ۵۳۷	۱۹۷۲، ۲۰۲۰، ۲۰۲۴، ۲۰۲۷
ایزیدور خاراکی: ۲۵۹۸، ۲۵۶۱	۲۰۶۰، ۲۱۲۷، ۲۱۳۷، ۲۱۴۶
ایسوس: ۱۰۲۱، ۹۷۹، ۵۳۸	۲۲۴۸، ۲۴۲۱، ۲۵۴۸، ۲۵۶۵
ایسیدور خاراکی: ۵۳۸	۲۶۲۰، ۲۶۲۴
ایسین: ۵۳۹	ایرانیان: در بیشتر صفحات آمده است.
ایشی ایرا: ۵۳۸	ایرانیان باستان: ۲۶۰۴، ۲۷۸
ایشی ایرا: ۵۳۸	ایرانیان قدیم: ۱۲۹۵، ۱۶۹۴، ۲۵۰۲
ایشپاکای: ۲۰۰۹، ۲۰۰۸، ۵۴۰، ۵۳۹	ایرانیها: ۱۰۰۶، ۱۳۸۱، ۲۶۲۴
ایشپاکای اسکیت: ۲۰۰۹	ایرانی ها: ۱۲۱۷، ۱۹۱۶
ایشپوینی: ۵۴۰	ایرج: ۱۸۱، ۲۶۶، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷
ایشتار: ۵۴۰	۲۴۱۶، ۲۱۸۱
ایشتر: ۲۵۲۵، ۲۴۶۸، ۲۱۸۹	ایرج اسکندری: ۱۰۸۲، ۱۰۸۳
ایش—توویگو: ۳۰۱، ۵۴۰، ۲۱۰۳	ایرمتام: ۵۳۶، ۵۳۵
۲۱۰۸، ۲۱۰۷، ۲۱۰۵، ۲۱۰۴	ایرمتام ها: ۵۳۷
ایشتو ویگو: ۷۳۳	ایروان: ۵۲، ۱۱۰، ۵۳۷، ۹۷۸
ایشخان: ۴۳	۱۶۲۲، ۱۶۲۵، ۱۸۶۰، ۱۹۶۱
ایشکا: ۲۰۹۰	ایزد: ۳۵
ایشکوزا: ۲۰۰۸	

۲۱۳۲، ۱۶۰۰، ۱۲۰۰	ایشم: ۵۳۹
ایلامیها: ۲۱۸، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۳۸	ایشنی کرب: ۵۴۱
۵۳۹، ۵۵۰، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۶۰۰	ایشنیکرب ولگمر: ۵۴۱
۲۱۲۸، ۱۷۱۲، ۱۶۶۳	ایشیک: ۱۹۶۰
ایل بیگی: ۵۵۰	ایشیک آقاسی: ۵۴۱
ایلچی: ۵۵۰	ایشیک آقاسی باشی: ۲۶۶۳
ایلچیان: ۱۰۴۵	ایغوری: ۲۶۱
ایلچی خانه: ۵۵۱	ایگی: ۵۴۱
ایلخان: ۲۲۱، ۵۵۳، ۱۸۰۴	ایل ارسلان: ۵۴۵، ۱۳۸۲، ۱۵۱۵
ایلخانان: ۲۱۰، ۲۶۱، ۴۹۸، ۶۱۶	۱۸۲۵، ۲۳۰۲
۸۷۷، ۸۹۱، ۱۸۷۰، ۲۱۴۲	ایل ارسلان بن اتسز خوارزمشاه: ۸۶۷
ایلخانان ایران: ۱۳	ایل ارسلان خوارزمشاه: ۲۴۰۴
ایلخانان کوچک: ۵۵۱، ۱۰۶۲	ایلام: ۱۵۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۳۱۳، ۴۲۲
ایلخانان مغول: ۹۵۸، ۱۸۴۶، ۲۲۹۶	۴۷۴، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۴۱
۲۴۰۱، ۲۳۴۴	۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۱۱۹۹
ایلخان مغول: ۹۳۰	۱۵۸۷، ۱۵۹۷، ۱۶۰۰، ۱۶۳۶
ایلخانی: ۵۵۳، ۱۰۶۲، ۱۶۱۵	۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۸۴، ۱۸۱۲
۱۷۸۶، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۱۹	۲۱۸۷، ۲۴۸۲، ۲۶۲۵، ۲۶۲۶
۲۱۹۸، ۲۱۹۷، ۱۸۷۰	۲۶۳۲
ایلخانیان: ۲۵۹، ۳۲۷، ۵۵۳، ۶۷۴	ایلام کهن: ۴۱۹
۱۰۳۷، ۱۰۶۱، ۱۰۹۵، ۱۷۷۱	ایلام نو: ۵۴۷
۱۷۷۲، ۱۸۲۷، ۱۸۴۵، ۱۹۵۶	ایلامی: ۵۰۱، ۵۴۱، ۵۴۹، ۱۱۹۹

۲۰۳۸	۱۹۸۰، ۲۰۸۲، ۲۱۸۷، ۲۲۰۸
ایناروس لیبایی: ۷۱۰	۲۶۱۰
ایناق خان: ۵۶۶، ۱۳۸۶	ایلخانیان مغول: ۱۴۹۸، ۱۵۴۴
اینالجب: ۲۳۴	۱۸۴۱
اینانج: ۱۳۴۷	ایلدز: ۶۰۷
اینجو: ۴۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷	ایلدگز: ۲۲۵، ۵۶۱، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵
اینچو: ۵۶۶، ۵۶۷	۱۶۵۹، ۱۸۷۸، ۱۸۸۱، ۱۹۸۸
ایندرا: ۵۶۷، ۱۲۷۲	ایلدگریان: ۲۲۶
ایندیکا: ۶۴، ۲۰۴۴	ایلک: ۵۶۳
اینشوشی: ۵۶۷	ایلکان نریان: ۵۶۲
اینشوشیناک: ۱۰۴۷	ایلکانی: ۵۰۴، ۶۱۶، ۱۶۳۱، ۱۷۷۱
اینشوشینک: ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۶۷	۱۸۳۴، ۱۷۹۵
۱۶۶۴، ۲۵۲۲، ۲۶۲۶	ایلکانیان: ۵۶۲، ۹۵۲، ۱۷۹۵
ایوان کسری: ۹۱۳، ۱۷۵۴	ایلک خان: ۲۰۴، ۵۶۴، ۶۳۹، ۱۴۴۲
ایوان مداین: ۵۶۷، ۵۶۸	۱۷۷۳، ۱۸۱۰
ایوبیان: ۲۲۳	ایلک خانیان: ۱۰۷، ۲۴۵، ۲۸۲
ایوک زن: ۵۶۸	۵۶۳، ۵۶۵، ۶۳۷، ۸۱۱، ۸۷۱
ایونی: ۷۷، ۵۶۸	۱۱۵۳، ۱۷۷۸، ۱۸۴۱، ۱۹۱۳
ایونیه: ۲۶۱۹	ایلک خانیان ترکستان: ۶۳۷
ایویس روتریم گاه: ۵۶۸	ایلک خانیه: ۵۶۳، ۵۶۵
ایوین نامگ: ۱۷۶	ایماق: ۵۶۵
اوشه: ۴۹۶	ایناروس: ۱۴۵، ۲۶۹، ۵۶۵، ۲۰۳۷

بابکیه: ۱۱۷۲

بایل: ۵۰، ۵۳، ۸۴، ۸۷، ۹۰، ۹۱،

۱۴۸، ۲۰۱، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۷۶، ۳۰۲،

۳۱۷، ۳۳۵، ۳۶۰، ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۶۶،

۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۷۷،

۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۸،

۶۱۸، ۶۴۴، ۶۵۵، ۷۳۵، ۷۴۰، ۷۶۰،

۷۸۱، ۸۰۹، ۸۹۳، ۸۹۴، ۹۷۶، ۹۸۴،

۱۱۲۲، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۴۸،

۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۲۵۹،

۱۲۶۵، ۱۲۹۱، ۱۳۲۳، ۱۳۷۱،

۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۹، ۱۴۱۳،

۱۴۴۶، ۱۵۰۶، ۱۵۳۱، ۱۵۳۴،

۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۵۵، ۱۵۶۸،

۱۶۶۲، ۱۶۶۴، ۱۷۴۰، ۱۸۶۵،

۲۰۱۲، ۲۰۱۶، ۲۰۲۹، ۲۰۳۳،

۲۰۳۹، ۲۰۶۸، ۲۰۹۴، ۲۱۰۴،

۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۱۹، ۲۱۳۴،

۲۱۷۸، ۲۲۲۳، ۲۲۳۴، ۲۲۳۷،

۲۲۵۸، ۲۲۶۰، ۲۲۷۴، ۲۲۷۵،

۲۳۳۳، ۲۴۳۰، ۲۴۳۶، ۲۴۷۴،

۲۴۷۸، ۲۵۷۲، ۲۵۷۶، ۲۵۹۱،

ب

باب: ۵۷۱، ۵۸۸

بابا: ۱۳۵۶

باباخان: ۱۸۶، ۵۷۲

باباخان بختیاری: ۵۷۲

باباخان چاوشلو: ۵۷۱، ۵۷۲

باباطاهر عریان: ۲۰۸۶

باباعلی بیگ: ۵۷۲

باب‌الابواب: ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵

باب‌الباب: ۵۷۱

بابانوذر: ۵۷۵

باب ایل = بابل: ۵۷۵

بابر: ۵۷۵

بابرنامه: ۲۵۳۰

بابک: ۴۰۹، ۵۷۷، ۱۱۶۷، ۱۱۷۲،

۱۴۱۹، ۲۲۷۵، ۲۲۹۱

بابکان: ۵۱۰

بابک خرم‌الدین: ۱۹۹۵

بابک خرم‌دین: ۴۳۵، ۵۷۷، ۱۱۷۱

بابکیان: ۱۱۷۲

باختریان: ۲۱۱۶	۲۶۶۹، ۲۶۲۶، ۲۶۲۰
باختریس: ۶۴۵	بابلی: ۲۱۹، ۲۳۵، ۵۰۹، ۵۸۰، ۵۸۲
باختریش: ۵۹۴	۶۲۹، ۸۸۵، ۱۱۳۸، ۱۳۶۹، ۱۳۹۹
باخذی: ۴۸۶، ۵۱۸، ۵۸۹، ۵۹۴	۱۴۱۳، ۲۰۱۹، ۲۰۶۴، ۲۴۶۸
۵۹۵	۲۵۳۸، ۲۵۲۵
باخمري: ۵۹۶	بابلیان: ۶۴۴، ۱۷۴۵، ۲۱۰۸
باد: ۵۹۶	بابلی‌ها: ۶۵۹
بادان پیروز: ۵۹۶	بابلیها: ۸۸۸، ۸۸۹
بادغیس: ۶۳، ۵۹۶، ۷۵۰، ۷۵۴	بابیروش: ۵۸۷
۲۵۹۸	بابیلونی: ۵۸۷
باریاب: ۵۹۶	بابیه: ۵۸۷، ۶۷۵، ۲۴۵۰، ۲۴۶۲
بارید: ۵۹۶	باتانا: ۶۴۹
بارتولد: ۲۵۹۷، ۷۳۰، ۲۵۷	باتوخان: ۵۸۸
بارخانه: ۵۹۶	باتورانیان: ۶۲۵
بارزشاهسواران: ۲۱۲۱	باجروان: ۵۸۸
بارناکا: ۲۰۰۳	باختر: ۳۸، ۱۴۱، ۲۱۷، ۳۶۳، ۳۶۴
بارومیان: ۲۵۴۷	۳۶۶، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳
بارون جرج رویتز: ۱۳۶۰	۵۹۴، ۵۹۵، ۶۴۵، ۱۰۰۹، ۱۱۸۹
بارون جولوس دو رویتز: ۱۳۵۹	۱۱۹۰، ۱۲۶۴، ۱۳۸۲، ۱۵۳۱
بارون گومنز: ۵۹۷	۱۶۳۲، ۱۹۱۴، ۲۰۳۶، ۲۰۳۹
بازرگان: ۵۹۷، ۵۹۸، ۲۴۲۸	۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۹، ۲۱۳۱
بازی‌ها: ۵۹۸	۲۳۹۷، ۲۶۱۳، ۲۶۱۶

باسارگون: ۵۹	باکتریان: ۲۱۱۴
باسکاها: ۱۸۱۶	باکتریانا: ۶۰۳
باش این شوشناک: ۵۹۹	باکتریر: ۵۹۴
باشت قوطا: ۱۴۰۸	باکتری نا: ۵۹۴
باشتین: ۱۴۵۲، ۱۸۰۴	باکراتونی: ۱۱۶۱
باشتینی: ۵۹۹	باکریا: ۱۵۱
باشگاه روتاری: ۶۰۲	باکو: ۵۲، ۱۱۰، ۴۷۰، ۶۲۴، ۱۸۵۹
باشگاههای روتار: ۱۳۵۲	۲۳۰۹
باطنیا: ۲۰۷	باگوآس: ۶۰۴
باطنیه: ۳۲۱، ۶۰۲، ۱۲۷۱	باگواس: ۵۶
باغدیس: ۱۱۶۴	بالتازان: ۶۰۴، ۶۴۴
باغشاه: ۲۳۵۱	بالکان: ۶۸، ۱۲۹۲
باغ گلستان: ۲۰۲۶	بامداذ: ۶۰۴
باقر پیرنیا: ۱۹۸۷	بامشاد: ۶۰۴
باقرخان: ۶۰۲، ۱۴۳۴، ۱۴۴۹	بامیان: ۱۲۰، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۷
۱۴۵۰	۶۱۳، ۶۱۴، ۶۵۷، ۷۵۰، ۱۰۸۹
باقلانی: ۶۰۲	۱۳۲۷، ۱۱۶۹، ۱۸۲۶، ۱۹۰۱
باکالیجار: ۶۰۳	۲۱۱۷
باکالیجار کوهی: ۶۰۳	بامیکان: ۶۰۴
باکترا: ۵۹۵	بانک اجیبی: ۶۱۴
باکتریا: ۱۵۲، ۶۰۳، ۶۴۵، ۱۷۶۸	بانک استقراضی روس: ۶۱۴
۲۱۰۲	بانوگشسب: ۶۱۴، ۶۱۵، ۷۶۳

باورد: ۶۱۵، ۷۵۰	بجنورد: ۵۷، ۳۳۳، ۳۳۵
باوندیان: ۱۱۱، ۱۱۲، ۶۱۵، ۶۱۶	بحارالانوار: ۶۱۸، ۱۶۹۱، ۲۳۰۲
۲۳۳۴، ۲۱۴۲	بحر احمر: ۳۸۵، ۱۲۲۱، ۲۴۷۷
۱۵۵۶	۲۵۶۹
۱۳۹۳	بحرالعلوم: ۶۱۸
۱۶۸	بحر خز: ۶۲، ۷۲۱، ۷۵۱، ۹۳۴
بایتوز: ۶۱۶	بحرین: ۱۹۳، ۴۲۸، ۵۶۶، ۶۶۷
بایدو: ۶۱۶، ۷۱۵	۹۴۳، ۱۲۲۲، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۹۸۴
بایدو آغول: ۶۱۶	۲۶۰۱، ۲۵۲۴
بایدو خان: ۲۶۰، ۹۵۹، ۱۲۲۶	بخارا: ۲۲، ۱۱۴، ۲۰۲، ۳۰۹، ۳۱۳
۱۷۷۲، ۲۰۸۲	۳۲۰، ۳۲۱، ۵۷۲، ۶۳۰، ۶۳۷، ۶۳۹
بایرام بیگ: ۳۸۳	۷۵۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۵۹، ۸۷۷
بایزید ایلکانی: ۶۱۶، ۶۱۷	۹۳۵، ۹۴۸، ۹۷۳، ۱۰۸۸، ۱۰۹۰
بایزید بسطامی: ۶۱۷، ۶۳۳	۱۱۴۷، ۱۱۵۹، ۱۱۶۵، ۱۱۶۹
بایزید جلایر: ۶۱۶، ۶۱۷	۱۲۶۴، ۱۲۷۰، ۱۳۲۲، ۱۳۷۳
بایسنقر: ۶۱۷	۱۴۳۶، ۱۴۷۳، ۱۵۴۶، ۱۵۶۰
بایسنقر ترکمان: ۶۱۷	۱۶۱۳، ۱۶۲۱، ۱۸۴۹، ۱۸۵۸
بایسنقر تیمور: ۱۳۷۳	۱۸۸۵، ۲۰۱۱، ۲۱۶۵، ۲۴۳۹
بایسنقر میرزا: ۱۸۴۹	۲۴۸۰، ۲۴۸۵، ۲۵۰۵، ۲۶۶۸
بایقرا: ۶۱۸	بخت النصر: ۳۸۴، ۶۱۸، ۱۷۴۰
بایکال: ۲۳۷۹	بخت النصر اول: ۷۴۰
بتریه: ۱۳۹۸	بختگان: ۶۱۸

براز: ۹۹۳، ۱۴۲۵	بختنصر: ۶۱۸
برازبنده: ۶۲۲	بخت نصر: ۶۱۸
برازجان: ۱۷۱	بختنصر دوم: ۶۱۸
برازجانی: ۶۲۲	بختیار: ۴۵۴، ۶۱۹، ۶۲۰، ۱۴۴۰
براشکانشاه: ۱۴۳۰	۱۶۰۶
براق: ۱۹۸۰	بختیاری: ۱۳۴، ۴۱۹، ۴۶۸، ۱۸۴۹
براق حاجب: ۶۲۲، ۸۷۱، ۱۹۹۱	۲۳۵۲، ۲۳۱۷
برامکه: ۴۵۲، ۶۲۹، ۶۴۵، ۲۵۷۶	بختیارها: ۲۲۰۲
براون: ۶۲۳	بختیشوع: ۶۲۱
برج سکوت: ۱۲۷۴	بدخش: ۶۲۱
برج طغرل: ۶۲۳	بدخشان: ۳۳، ۷۵۰، ۸۳۱، ۱۴۵۹
برخارا کس: ۱۲۲۲	۱۷۵۹، ۲۱۱۸، ۲۲۸۵، ۲۶۴۲
بردسیر: ۱۰۹، ۲۵۴۰	بدخشن: ۶۲۱، ۲۵۶۱
بردیا: ۵۸۹، ۵۹۳، ۶۲۳، ۷۱۱، ۷۱۲	بدرابن حسویه: ۶۲۱
۷۱۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۰، ۷۶۱	بدرالدین مسعود لُر: ۱۰۸۹
۱۵۸۹، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۲	بدرخان زند: ۱۹۹۶
بردیای دروغین: ۶۲۳	بدشخ: ۶۲۱
بردیمان: ۶۲۳	بدلیسی: ۶۲۱
بردیه دروغین: ۲۰۱۵	بدیشخ: ۶۲۱
برذعه: ۶۲۴	بدیع الزمان میرزا: ۷۰۴
بُرزایزد: ۲۱۷	برادران شرلی: ۶۲۲، ۱۶۲۴، ۱۶۴۵
برزویه: ۶۲۵	۱۷۲۸

برهان قاطع: ۱۶	برزویه طبیب: ۱۱۸۳
بریتانیا: ۵۸، ۱۳۳، ۲۷۱، ۸۱۳،	برزین مهر: ۲۵، ۶۲۶، ۶۷۰
۱۶۲۱، ۱۸۴۴، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷،	برُس: ۶۲۶
۲۴۴۶	برسم: ۶۲۶
برید: ۶۳۰	برسینه: ۶۲۷
بریگاد قزاق: ۲۳۵۱	برقه: ۳۸۴
بریهه: ۶۳۰	برکیارق: ۱۲۴، ۲۰۵، ۴۰۳، ۶۲۷،
بزاید: ۱۳۶۱	۸۰۰، ۸۷۳، ۱۸۱۴، ۱۸۴۷
بزرگمهر: ۴۶۵، ۶۳۱، ۱۷۸۵، ۲۵۵۱،	برکیارق بن ملکشاه: ۱۴۹۶
۲۶۴۹	برکیارق سلجوقی: ۱۹۰۲، ۲۴۵۶
بزرگهمز: ۶۶۹	برگسانشاه: ۱۴۳۰
بزمان: ۲۱۲۱	برلن: ۲۵۸
بزیش: ۶۳۲	برمکیان: ۱۱۴، ۱۹۶، ۶۲۹
بس: ۶۳۲	بروجرد: ۹۵، ۱۲۳، ۱۵۶، ۱۷۸۷،
بساسیری: ۳۹۷	۲۲۰۱
بُست: ۶۳۳، ۱۴۴۲	بروجردی: ۶۱۸، ۱۲۹۲
بستان السیاحه: ۶۳۳	بروس: ۶۲۶
بسطام: ۶۱۷، ۸۲۷، ۱۷۷۱، ۲۵۶۸،	بروسوس: ۲۱۰۷
بسطامی: ۶۳۳	بروکسل: ۲۶۳۵
بشاپور: ۱۴۰۸	برهان الدین: ۶۲۹، ۸۰۲
بصره: ۳۹، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۰،	برهان الدین عبدالحمید کرمانی: ۶۳۰
۲۳۰، ۴۱۴، ۴۵۳، ۶۵۴، ۶۶۴، ۹۳۶،	برهان الدین مسعود بیگ: ۶۳۰

۴۱۱، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۴	۱۶۵۵، ۱۳۹۳، ۱۲۲۱، ۱۲۱۹
۶۲۱، ۴۵۳، ۴۵۲، ۴۳۶، ۴۱۵، ۴۱۲	۲۳۷۲، ۲۳۷۰، ۱۹۰۸، ۱۷۱۷
۹۲۱، ۸۶۱، ۶۵۸، ۶۴۰، ۶۳۰، ۶۲۲	۲۵۲۰، ۲۴۵۲، ۲۴۰۱
۱۱۷۲، ۱۱۴۱، ۱۱۲۱، ۱۱۰۵، ۹۵۹	بصمه: ۶۳۳
۱۲۹۶، ۱۲۸۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۳	بصمه: ۶۳۳
۱۳۴۳، ۱۳۲۶، ۱۲۹۸، ۱۲۹۷	بطائح: ۶۳۳
۱۴۹۲، ۱۴۷۰، ۱۴۴۹، ۱۴۴۳	بطالسه: ۲۶۱۴، ۱۵۳۹
۱۶۴۳، ۱۶۳۰، ۱۶۰۸، ۱۵۱۱	بظلمیوس: ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۶۳
۱۷۵۸، ۱۷۱۶، ۱۶۹۶، ۱۶۴۵	۱۵۴۰، ۱۳۵۳، ۱۲۱۳، ۶۳۴، ۵۲۳
۱۷۹۵، ۱۷۷۵، ۱۷۶۳، ۱۷۵۹	۲۳۸۹، ۲۱۷۴، ۱۸۷۴، ۱۷۳۶
۱۸۱۸، ۱۸۰۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۶	۲۳۹۳
۱۸۶۳، ۱۸۶۲، ۱۸۵۶، ۱۸۲۹	بظلمیوس اول: ۱۴۹
۱۹۰۸، ۱۸۹۹، ۱۸۸۳، ۱۸۷۹	بظلمیوس سوم: ۱۵۲۹
۲۱۶۴، ۲۱۳۴، ۱۹۷۸، ۱۹۷۳	بظلمیوس سوم: ۱۵۴۱
۲۳۷۳، ۲۳۵۶، ۲۳۲۲، ۲۲۸۷	بَغ: ۶۳۴
۲۴۴۴، ۲۴۰۵، ۲۴۰۱، ۲۳۷۴	بغابوخش: ۲۰۳۷
۲۵۸۱، ۲۵۷۹، ۲۵۷۷، ۲۴۶۲	بغابیش: ۲۰۳۸، ۱۲۶۲
۲۶۱۰	بغابوخشه: ۱۷۷۷
بغداد خاتون: ۶۷۵، ۶۳۶، ۶۳۵، ۲۱۰	بغازکوی: ۲۱۸۷
بغراق: ۱۷۵۶، ۶۳۶	بَغان یَسْت: ۱۳۸۴
بغراخان: ۲۵۰۵، ۱۸۸۵، ۶۳۷، ۱۰۷	بغداد: ۳۰۹، ۱۹۹، ۱۹۴، ۱۹۰
بغراخان ثانی: ۵۶۳	۴۰۱، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۱، ۳۹۰

بغراخان هارون: ۸۵۹	بلاساغون: ۶۴۰، ۶۴۱، ۸۵۹، ۱۹۸۰
بغستان: ۶۳۷	بلاش: ۷۲، ۲۷۶، ۳۶۰، ۶۴۱، ۶۴۲
بغستان: ۶۳۷	۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۷، ۲۰۹۱
بقایی: ۲۳۶۹	بلاشان: ۶۴۱
بقایی کرمانی: ۲۳۱۵	بلاش اول: ۳۵۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳
بقراط: ۲۰۳۱	۱۱۸۳، ۱۲۵۸، ۱۳۷۸
بکناشیه: ۶۳۹	بلاش پنجم: ۳۴۴، ۳۴۸، ۶۴۲، ۶۴۳
بکتغدی: ۶۳۹	بلاش چهارم: ۲۷۶، ۳۴۳، ۳۴۴
بکتوزن: ۱۴۳۸	۳۴۸، ۳۵۹، ۶۴۲، ۶۴۳، ۱۴۴۵
بکتوزون: ۶۳۹، ۱۸۱۰	بلاش دوم: ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۵۸، ۶۴۳
بکراین ابی وائل: ۱۳۱۳	بلاش سوم: ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۵۸، ۶۴۳
بکرخه: ۱۳۵۵	۶۴۴
بکشلو: ۶۴۰	بلاشگانشاه: ۶۴۴، ۱۴۳۰
بگابوخش: ۲۰۳۷	بلاش یکم: ۳۴۲، ۳۴۳
بگدلی: ۶۴۰	بلتشر: ۶۴۴
بگرام: ۲۱۱۴	بلخ: ۳۳، ۶۲، ۱۲۱، ۱۸۳، ۲۴۴
بگیستانا: ۶۴۰	۳۶۳، ۳۸۶، ۴۳۳، ۴۷۴، ۵۸۹، ۵۹۳
بل: ۶۴۰	۵۹۴، ۵۹۵، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۲۸، ۶۴۴
بلادگورخانیان: ۸۶۷	۶۴۵، ۶۵۴، ۶۶۲، ۶۸۰، ۷۵۰
بلادری: ۳۹، ۲۶۸، ۶۴۰، ۷۵۰	۱۰۳۶، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۹۰
۱۲۲۲، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۴۸۲	۱۳۲۷، ۱۳۷۶، ۱۴۲۱، ۱۴۳۶
۲۵۴۹	۱۴۴۳، ۱۴۵۹، ۱۵۳۳، ۱۵۶۲

۱۶۱۳، ۱۷۵۹، ۲۰۴۳، ۲۱۱۹، بناکت: ۶۴۶	
۲۱۲۳، ۲۱۳۹، ۲۱۶۸، ۲۴۳۹، بناکتی: ۶۴۷	
۲۴۹۰، ۲۵۲۰، ۲۵۴۵، ۲۵۹۵، بنای ناهید: ۶۴۷، ۲۴۶۸	
۲۵۹۶، ۲۶۴۲، ۲۶۴۳، ۲۶۶۴، بندرانزلی: ۱۰۸۷، ۱۸۲۹	
بلخی: ۱۳۷۱، بندر بوشهر: ۵۸۸	
بلده: ۲۱۲۴، بندر پارس: ۶۵۱	
بلژیک: ۲۶۳۵، بندر پلوزیوم: ۳۸۴	
بلشویکها: ۱۰۸۶، بندر دیلم: ۱۳۲۴	
بل عاصی: ۲۰۱۲، بندر عباس: ۴۵، ۱۰۰	
بلعمی: ۶۴۶، ۸۰۷، بند قیصر: ۶۵۱	
بلغار: ۸۶۵، بندک: ۱۵۳، ۶۵۲، ۱۳۶۰	
بلکاتکین: ۶۴۶، ۷۹۰، ۱۸۷۴، بند دوسارا: ۶۵۲	
بل مردوک: ۷۴۰، بندون: ۱۴۳۰	
بلوچستان: ۴۸، ۹۴، ۵۲۶، ۵۲۹، بندوی: ۶۵۲	
۸۹۳، ۱۱۵۶، ۱۲۱۷، ۱۵۳۱، ۱۸۳۱، بندهش: ۶۵۲	
۲۳۹۲، ۲۴۲۲، ۲۵۲۴، بُندهشن: ۵۱۳، ۲۰۳۳، ۲۱۲۳	
بلوچها: ۱۶۱۹، بنقازی: ۳۸۴	
بلوهر و بوذاسف: ۶۴۶، بنگال: ۹۳	
بلیو: ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، بنوطاهر: ۶۵۳، ۱۷۵۸	
بم: ۵۳۵، ۱۴۴۳، بنی اسرائیل: ۵۱، ۵۲۵	
بمبئی: ۱۳۷۶، ۱۸۲۹، بنی افغان: ۵۲۵	
بنارس: ۲۳۴۵، بنی امیه: ۶۶۰، ۱۴۳۶، ۱۴۷۴	

فهرست اعلام	۲۷۷۲	فرهنگ توصیفی
۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۵۴۵، ۱۶۴۳،	بنی غناز: ۶۶۲	
۱۷۹۹، ۱۸۰۳، ۱۸۰۹، ۲۰۱۶،	بنی فریغون: ۶۶۲	
۲۱۳۲، ۲۳۲۰، ۲۵۲۰، ۲۵۲۱،	بنی فضلویه: ۲۲۳، ۱۶۳۴	
۲۶۶۲	بنی کاکویه: ۶۶۳، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷،	
بنی بانیجور: ۶۵۴	۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۴۷	
بنی پادوسبان: ۶۵۵	بنی کعب: ۶۶۳	
بنی تمیم: ۱۳۹۳	بنی لحم: ۱۲۴۰	
بنی ثقیف: ۱۲۳۱	بنی مازه: ۱۱۴، ۶۶۴	
بنی حام: ۶۵۵	بنی نوبخت: ۲۰۱	
بنی حسنویه: ۶۵۵، ۶۵۶	بنی هاشم: ۴۱۵، ۴۳۹، ۱۷۹۹، ۲۰۱۰،	
بنی دابویه: ۶۵۶، ۱۲۴۹، ۱۷۶۴،	بواتابل: ۶۶۴	
۱۹۰۸	بوت: ۳۸۵، ۶۶۴	
بنی دلف: ۶۵۶، ۱۸۰۶	بوداق خان: ۵۶۶، ۱۳۸۶	
بنی رشید: ۶۵۶، ۶۵۷، ۱۶۰۹	بودایی: ۴۶، ۶۱۴، ۶۴۵، ۲۰۹۱،	
بنی ساج: ۴۳، ۶۵۷، ۶۵۸	۲۱۱۴	
بنی سام: ۶۵۸	بودیها: ۶۶۹، ۲۲۳۴	
بنی سیمجور: ۶۵۹	بوذرجمهر: ۶۳۱، ۶۶۹	
بنی عباس: ۱۰۷، ۱۹۲، ۲۱۰، ۶۶۰،	بوراسب: ۶۷۰	
۱۱۸۲، ۱۴۳۸، ۱۴۷۴، ۱۴۷۸،	بوران: ۶۷۰	
۱۶۴۳، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۹۸،	بورزن میتر: ۶۷۰	
۲۵۲۱، ۲۲۹۲، ۲۲۸۸	بورسین: ۵۳۹	
بنی عباسی: ۸۱۱	بوری تکین: ۷۹۰	

بوزابه: ۶۷۱	بهافریدبن: ۹۶۶
بوزدپدرکی آذر: ۶۷۱	بهافریده: ۶۷۵، ۹۶۸
بوستان: ۱۹۲۵	بهاییه: ۶۷۵
بوسها: ۶۷۱، ۲۲۳۴	بهاءالدوله: ۶۰۸، ۱۹۰۲
بوشنج: ۶۷۱، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۷۵	بهاءالدین: ۶۷۵
بوشهر: ۱۷۱، ۳۹۳، ۷۴۱، ۹۳۲	بهاءالدین جوینی: ۶۷۵
۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۸۹۶، ۲۱۳۱	بهاءالدین دیلمی: ۶۷۶
۲۴۶۲، ۲۵۲۹، ۲۵۳۱	بهاءالدین زکریا: ۶۷۶
بوشیانستا: ۶۷۲	بهاءالدین سام: ۶۷۷، ۱۸۲۴
بوعلی سینا: ۴۵۷	بهاءالدین سام اول: ۶۷۶
بومسلم رازی: ۶۷۲	بهاءالدین سام دوم: ۶۷۶
بون دهیشن: ۶۷۲	بهاءالدین سام سوم: ۶۷۶
بوهرلر: ۶۷۳	بهاءالدین غوری: ۶۰۵
بویب: ۶۷۳	بهاءالدین قراعثمان: ۱۰۳
بویهیان: ۳۹۶	بهبهان: ۳۳۰، ۷۲۸، ۸۹۶، ۱۳۲۴
به آفرید: ۶۷۳، ۹۶۶	بهبهانی: ۲۰۳، ۶۷۷
به آفرین: ۶۷۴	بهترک: ۶۷۸
به آمد قباد: ۲۶۶	بهرام: ۲۴، ۲۹، ۴۴، ۶۷۸، ۶۷۹
بهائیه: ۶۰۶	۶۸۰، ۶۸۲، ۶۸۳، ۷۴۹، ۹۸۰، ۹۸۱
بهادرخان: ۶۷۴، ۱۷۷۱	۹۸۲، ۲۱۲۶، ۲۵۳۸، ۲۵۴۷
بهارجشن: ۶۷۵	بهرام آذربهان: ۶۷۸
بهافرید: ۹۶۸	بهرام اول: ۶۷۸، ۷۴۸، ۱۰۰۰

بهرام ششم: ۶۷۹	۱۴۲۱، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵
بهرام گوز: ۱۱۵، ۶۷۹، ۹۳۹، ۱۱۴۴، ۱۲۴۰، ۱۴۲۳، ۱۸۹۰، ۲۰۲۶، ۲۰۶۴	بهرام پنجم: ۳۷۲، ۶۷۹، ۹۳۹، ۹۷۹، ۹۸۲، ۱۱۴۴، ۱۸۹۰، ۲۶۶۰
بهرام گور: ۳۷، ۹۷۹، ۱۱۴۴، ۱۱۶۶، ۱۲۳۸، ۱۳۲۱، ۱۴۶۵، ۲۱۶۶، ۲۴۳۲، ۲۴۱۱	بهرام چوبین: ۶۷۹، ۷۴۹، ۱۱۸۴، ۱۲۸۷، ۱۴۳۶، ۱۴۴۱، ۲۵۵۸
بهرام ورجاوند: ۶۸۱	بهرام چوبینه: ۱۷۶، ۷۷۴، ۹۸۷، ۱۵۶۷
بهرامی: ۶۸۴	بهرام چهارم: ۶۸۰، ۲۰۶۹، ۲۶۶۰
بهرام یشت: ۶۸۳	بهرام چهارم ساسانی: ۲۰۷۰
بهروزه خانم: ۶۸۴	بهرام دوم: ۶۸۰، ۷۴۸، ۱۰۰۱
بهزاد: ۶۸۴	۲۰۵۴، ۲۰۶۱، ۲۴۹۳، ۲۴۹۹
بهشتی: ۶۸۵	بهرام روز: ۲۲۳۱
بهشتیان: ۲۴۵۵	بهرام سوم: ۶۸۰، ۶۸۱، ۱۴۷۸
بهشهر: ۲۰۷۷	۱۴۸۳
بهمن: ۳۶، ۶۸۶، ۶۸۸	بهرام شاه: ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۸۱، ۱۵۸۸
بهمن بن اسفندیار: ۲۷	۲۳۳۴، ۲۱۲۵
بهمن جادویه: ۹۸۴	بهرامشاه بن مسعود: ۶۱۱
بهمن گان: ۶۸۷	بهرامشاه غزنوی: ۶۰۵
بهمن نامه: ۶۸۸	بهرامشاه غزنوی: ۶۸۱، ۱۵۱۳
بهمن یشت: ۶۸۹	۱۸۲۵، ۱۵۸۸
بهیزک: ۶۹۰	بهرام شاه غزنوی: ۲۶۶۵

بیشاپور: ۱۴۶، ۶۹۸، ۲۵۲۳	بی بی آتون: ۳۱
بیشاپور: ۱۸۸۶، ۱۹۴۳	بی بی زبیده: ۶۹۱
بی شاپور: ۲۱۱۱	بی تاکسا: ۶۳
بیغار: ۷۰۳	بیت المقدس: ۲۱۰۸، ۱۰۲۲، ۴۹۴
بیغو: ۷۰۳	بیت سلوکوس: ۶۹۱
بیگ: ۷۰۳	بیتکچی: ۶۹۲
بیگلربیگی: ۷۰۳	بی تی نیه: ۷۹، ۶۹۲، ۱۳۱۱، ۲۴۵۳
بیگم جان خانم: ۷۰۳	بیدخش: ۶۹۳
بیگه سلطان بیگم: ۷۰۴	بیرام خان: ۵۷۷
بیلقان: ۷۰۴	بیرام شاه: ۶۹۳
بیم: ۷۰۴	بیرجند: ۱۵۵۳، ۱۸۳۱
بین النهرین: ۵۰، ۶۱، ۸۱، ۱۳۵	بیرونی: ۱۹، ۶۹۰، ۲۶۰۲
۱۴۶، ۱۴۹، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۵۴، ۲۵۵	بیزانس: ۶۸، ۱۵۳، ۱۸۳، ۳۸۹، ۶۹۳
۲۵۹، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۵۹، ۳۸۲	۸۶۵، ۱۸۱۲، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۲۶۱۳
۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۵۶، ۴۷۵، ۴۹۹	بیژن: ۶۱۴، ۶۱۵، ۲۴۵۴
۵۰۰، ۵۰۳، ۵۱۵، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۱	بیستون: ۴۷، ۳۵۸، ۴۹۹، ۶۳۷
۵۷۷، ۵۷۹، ۵۹۶، ۶۴۳، ۶۵۹، ۶۶۳	۶۴۰، ۶۹۳، ۷۱۷، ۷۴۶، ۷۴۷، ۸۸۸
۶۷۳، ۷۰۵، ۸۹۲، ۹۰۵، ۹۲۰، ۹۵۳	۹۳۶، ۱۱۸۹، ۱۲۶۴، ۱۳۲۵، ۱۳۴۹
۹۵۹، ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۸۰، ۹۸۸، ۹۹۵	۱۴۷۸، ۱۴۸۴، ۱۵۸۹، ۱۷۴۷
۹۹۹، ۱۰۰۱، ۱۰۰۶، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲	۱۸۶۵، ۱۸۷۹، ۱۸۸۶، ۲۰۵۲
۱۰۱۳، ۱۰۱۷، ۱۰۲۲، ۱۰۲۷	۲۲۰۷، ۲۲۵۴، ۲۲۶۰، ۲۵۵۵
۱۱۲۲، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۸۳	۲۵۶۶، ۲۵۷۰

بیہق: ۷۰۸	،۱۲۷۱	،۱۲۰۲	،۱۱۹۵	،۱۱۸۴
بیہقی: ۷۰۸، ۸۶۳	،۱۴۱۲	،۱۳۶۹	،۱۳۲۶	،۱۲۷۳
	،۱۴۴۶	،۱۴۴۵	،۱۴۲۲	،۱۴۲۱
	،۱۵۴۴	،۱۵۴۱	،۱۵۳۸	،۱۵۳۱
پ	،۱۸۱۳	،۱۶۸۵	،۱۵۶۸	،۱۵۵۶
پٹورو چیستا: ۷۰۹	،۲۰۱۵	،۲۰۰۶	،۱۸۶۳	،۱۸۵۴
پٹیشا: ۷۰۹	،۲۰۷۸	،۲۰۷۷	،۲۰۶۸	،۲۰۳۳
پائرہ: ۷۱۰	،۲۱۰۷	،۲۰۹۶	،۲۰۹۴	،۲۰۹۳
پائزہ: ۷۴۲	،۲۱۷۸	،۲۱۵۱	،۲۱۴۲	،۲۱۳۴
پاپای: ۷۱۰	،۲۳۳۹	،۲۳۳۶	،۲۱۹۳	،۲۱۸۷
پاپرم: ۷۱۰	،۲۵۲۰	،۲۴۸۷	،۲۴۳۴	،۲۳۸۷
پاپروس: ۱۴۵	،۲۵۶۴	،۲۵۶۳	،۲۵۶۲	،۲۵۲۵
پاتانہا: ۵۲۴		۲۶۶۹	،۲۶۴۵	،۲۵۷۱، ۲۵۶۶
پاتریک: ۷۱۰		۲۵۶۳	،۴۷۵	بین النہرین جنوبی:
پاتسی: ۷۱۰				بین النہرین خاص: ۷۰۷
پاتکوسپان: ۷۱۱				بین النہرین شمالی: ۹۷۷، ۱۰۲۹
پاتی: ۷۱۱				بین النہرین علیا: ۳۳۷
پاتی سیت: ۷۱۱، ۷۱۳				بین النہرین غربی: ۹۹۷
پادشاہان سکایی: ۱۴۸۱				بین النہرینی: ۲۴۸۰
پادشاہ بزرگ سلجوقی: ۶۲۸				بیوراسب: ۷۰۷، ۱۲۸۷
پادشاہ خاتون: ۷۱۴، ۷۱۶				بیوس: ۷۶۲
پادشاہ زن: ۷۱۶، ۱۳۹۴				بیوک سردار: ۷۰۷

فهرست اعلام	۲۷۷۷	تاریخ ایران
پارت: ۳۸، ۱۸۷، ۲۷۷، ۳۲۸، ۳۳۱		پادشاه ساسانی: ۴۲۱
۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۶۶، ۳۶۷، ۴۲۱		پادکوسان: ۷۱۷
۵۸۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۴		پادکوست: ۷۱۶، ۷۱۷
۷۷۹، ۹۰۷، ۱۰۱۳، ۱۰۲۹، ۱۱۴۹		پادگس: ۳۰۵
۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۲۶۴، ۱۵۴۱		پادگسبان: ۳۰۴
۱۷۱۷، ۱۹۰۵، ۱۹۳۱، ۱۹۴۷		پادگسپان: ۲۳۳۰
۲۰۱۵، ۲۰۲۸، ۲۲۳۶، ۲۳۴۰	۱۷۶۴، ۷۲۱، ۷۱۷، ۶۵۵	پادوسبانونان:
۲۳۹۷، ۲۴۳۰، ۲۵۶۷، ۲۶۱۶		پادوسبان دوم: ۱۶۹۷
۲۶۴۶	۱۲۵۰، ۷۵۰، ۷۱۷	پادوسبان: ۷۱۷، ۷۵۰، ۱۲۵۰
پارتها: ۱۳۷، ۳۳۹، ۶۴۵، ۷۵۴، ۷۷۷		پادوسبان سوم: ۷۱۷
۹۰۱، ۱۴۳۳، ۱۷۶۹، ۱۹۰۵، ۲۱۱۹		پادوسپان: ۷۱۷، ۷۲۱
۲۳۹۷		پادوسپانونان: ۱۴۴۸
پارتی: ۴۹، ۳۴۰، ۳۸۹، ۴۱۹، ۵۱۰		پادوسپانیان: ۱۲۸
۶۲۴، ۷۲۱، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۷۷، ۸۸۶		پاذگوسپان: ۱۷۶۴
۸۸۷، ۱۱۵۱، ۱۳۶۹، ۱۵۴۳، ۱۵۵۳		پاذوسبان: ۱۶۳۲
۱۵۷۷، ۲۰۵۵، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹		پاراب: ۸۵۷
۲۰۶۱، ۲۰۶۵، ۲۴۳۰، ۲۵۰۹		پاراپامیزا: ۲۱۷۴
۲۵۵۶، ۲۵۶۴، ۲۵۶۵		پارایتاکنه: ۷۳۱
پارتیا: ۳۲۸		پارتاتوآ: ۲۰۰۸، ۲۰۰۹
پارتیان: ۳۲۸، ۳۴۶، ۶۹۱، ۷۲۱	۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۳۸	پارتاکنا:
۷۲۴، ۱۱۴۸، ۱۲۱۸، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴		۲۲۶۳، ۲۳۹۶
۲۲۱۹، ۲۴۸۳		پارتاکنها: ۷۲۱، ۲۲۳۴

پارسیه: ۳۴، ۳۸، ۷۲۱، ۷۴۷، ۹۰۷،	پارسیه: ۷۳۱، ۷۵۵، ۸۳۱
۹۷۵، ۱۰۱۶، ۱۲۱۸، ۱۹۰۵، ۲۵۶۳،	پارسیها: ۲۰۹۱
۲۵۶۵، ۲۵۶۹، ۲۵۹۲	پارسی: ۴۷، ۴۹۹، ۵۰۹، ۵۳۶، ۶۲۶،
پارث: ۱۷۱۷	۷۳۰، ۷۴۴، ۱۰۰۴، ۱۲۲۰، ۱۳۸۵،
پارثه: ۲۰۱۵	۱۴۰۹، ۱۶۶۹، ۲۱۰۱، ۲۲۵۳
پارثه‌ها: ۲۰۱۶	پارسیان: ۲۱، ۱۷۶، ۱۸۲، ۴۱۷،
پارثیا: ۷۲۶	۶۷۸، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۲، ۷۵۵،
پارسارگاد: ۲۹	۷۵۶، ۹۴۵، ۱۰۰۳، ۱۲۲۰، ۱۲۷۹،
پارسایان: ۲۵۷۰	۱۵۶۲، ۱۶۶۶، ۱۶۶۹، ۱۷۷۷،
پارس: ۱۴۶، ۲۶۶، ۳۳۵، ۵۲۵، ۷۲۶،	۱۷۷۸، ۱۹۲۰، ۱۹۲۹، ۲۰۱۴،
۷۲۷، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳،	۲۰۱۶، ۲۱۰۰، ۲۱۶۳، ۲۲۷۶،
۷۳۵، ۷۵۵، ۹۷۶، ۱۰۱۹، ۱۰۲۷،	۲۳۳۳، ۲۳۳۴، ۲۴۷۱، ۲۵۴۶،
۱۱۵۲، ۱۱۸۹، ۱۲۱۳، ۱۲۴۴،	۲۶۱۷
۲۶۶۱۲۶۴، ۱۰، ۱۳۶۲، ۱۴۴۲،	پارسی باستان: ۲۶۴، ۱۳۶۹، ۱۹۲۸،
۱۵۳۱، ۱۶۷۰، ۱۹۰۷، ۱۹۳۷،	۲۴۳۸
۲۰۱۲، ۲۰۱۷، ۲۰۵۸، ۲۰۷۰،	پارسی باستانی: ۱۸۸۷
۲۲۳۴، ۲۲۵۱، ۲۲۶۳، ۲۲۶۴،	پارسی دری: ۷۳۶
۲۴۷۲، ۲۵۲۳، ۲۵۶۱، ۲۵۶۳،	پارسی قدیم: ۲۰۶۴
۲۵۸۳، ۲۵۶۵	پارسیک: ۷۳۵
پارسیوآ: ۵۲۳، ۷۳۵، ۱۳۶۴، ۲۰۰۶،	پارسیوانها: ۵۲۵
۲۲۵۹، ۲۲۴۱، ۲۰۰۷	پارسیها: ۷۳۱، ۷۵۶، ۸۸۹، ۲۰۴۱،
پارسیوماش: ۷۳۵	۲۵۸۴، ۲۵۸۳، ۲۱۳۰

پارشمن: ۷۳۵	پاش: ۷۴۰
پارکوراوی: ۷۳۵	پاشا: ۹۷۹
پارمنیون: ۷۳۵	پافلاگونی: ۱۲۵۰
پارمیدا: ۷۳۶	پافلاگونیه: ۷۹، ۷۴۰
پارمیس: ۷۳۶	پافلاگینه: ۶۹۲
پاروپارانیسانا: ۶۳، ۷۳۶	پاکر: ۳۸، ۷۴۰، ۹۸۳
پاروساتیس: ۲۱۰۹	پاکروان: ۷۴۰، ۷۴۱
پاری تاک: ۶۳	پاکستان: ۷۴۱، ۷۴۸، ۱۳۵۴
پاری تاکنه: ۶۳	پاکور: ۳۵۹
پاریس: ۶۲۰، ۷۴۱، ۷۷۶، ۱۹۴۲	پالثولیتیک: ۱۸۱۷
۲۳۴۲، ۲۳۷۱، ۲۴۴۹	پالمیر: ۳۳۸، ۳۳۹، ۷۴۲، ۲۵۶۵
پازارگاد: ۵۲۱، ۷۳۲، ۷۵۵، ۲۱۰۹	پامیر: ۷۵۲، ۱۸۸۷، ۲۵۶۹
۲۲۰۷	پان ایرانیست: ۷۴۲
پازند: ۳۰، ۷۳۶، ۷۴۴، ۱۳۸۵	پان ایرانیسم: ۷۴۲
۱۶۵۷، ۲۱۵۷، ۲۴۵۵	پانتیالیان: ۷۴۲
پازند: ۱۳۸۵	پانزده خرداد: ۷۴۲
پاسارگادای: ۷۳۳، ۷۴۰	پانیونیوم: ۵۶۸
پاسارگاد: ۵۲۱، ۷۳۶، ۷۴۰، ۸۴۸	پایتخت: ۹۸۵
۱۲۴۹	پایزه: ۷۱۰، ۷۴۲
پاسارگاده‌ها: ۵۱۹	پایکلی: ۲۰۶۵
پاسارگادیان: ۷۴۰	پایکولی: ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۸۱، ۲۰۶۵
پاسکوویچ: ۲۱۶۴	پایکویی: ۷۵۱

فهرست اعلام	۲۷۸۰	فرهنگ توصیفی
پایگان: ۷۴۳	پرسپولیس: ۳۹۳، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۲	
پایگان سالار: ۷۴۴	۷۵۴، ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۴۶، ۲۰۱۷	
پتا: ۳۸۴	۲۰۵۶	
پتاسیم: ۵۳۵	پرسپه: ۳۸، ۳۳۸، ۳۳۹، ۷۵۴	
پتشخوارگر: ۷۴۴، ۷۴۵	پرستک‌بذ: ۷۵۵	
پتشخوارگر شاه: ۲۱۴۳	پرسیس: ۷۵۵	
پدشخوارگر: ۲۴۶۶	پرسیکا: ۲۲۵۵	
پدشخور: ۱۹۰۹	پرش: ۷۵۵	
پدیشه گاه: ۷۴۵	پرشیا: ۷۲۶، ۷۳۱، ۷۵۵	
پدشخوارشاه: ۷۴۵	پرکساسپ: ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۵۶	
پدشخوارگر: ۷۴۴، ۷۴۵	پرگام: ۷۵۷، ۱۵۴۰	
پرآت میشان: ۷۴۵	پرگاموس: ۷۵۷	
پراگماتیا: ۷۴۵	پرنیان: ۲۱۹	
پرتوآ: ۷۴۶	پروان: ۷۵۷	
پرتقالیان: ۴۲۸	پرپرس: ۲۱۱۵	
پرثو: ۷۴۶، ۷۵۴	پروتوتی: ۲۰۰۸	
پرثوه: ۳۲۸، ۳۳۱، ۷۲۱، ۷۴۶، ۷۴۷	پروشات: ۱۸۸۷، ۲۱۰۹	
۷۵۴	پروکپ: ۷۵۷	
پردیکاس: ۲۳، ۱۴۹، ۱۷۳۶، ۲۰۲۰	پرویز: ۱۸۷، ۱۱۸۴، ۱۳۷۹	
۲۳۸۸، ۲۳۸۹	پرویز خوانساری: ۱۹۸۷	
پرژیا: ۷۵۵	پرویز راجی: ۷۵۷	
پرس: ۷۲۶، ۷۵۵	پرویز نیکخواه: ۱۴۱۸	

پشتو: ۱۴۰۹	پری پایت: ۳۴۶
پشتیان سالار: ۷۶۳	پری تکان: ۲۲۳۸
پشتیگان: ۷۶۳	پریچارد: ۵۲۴
پشتیگان سالار: ۷۶۳	پریچهره: ۷۵۷
پشتیگبان: ۷۶۳	پریخان خانم: ۱۶۱۲
پشتیگبان سالار: ۷۶۳	پریخان خانم: ۷۵۸، ۷۵۹، ۱۲۴۶
پشدات: ۷۶۳	۱۵۱۳
پشن: ۷۶۳	پریدخت: ۷۵۹
پشنگ: ۳۷۲، ۶۱۴، ۷۶۳، ۱۱۶۲	پریزاد خانم: ۷۵۹
۲۰۷۷، ۱۳۶۳	پریستاتیس: ۱۴۷، ۷۶۰
پشنگ لُر: ۷۶۳، ۷۸۷	پریکلس: ۲۳۸۹
پشوتن: ۷۶۴	پریمتی: ۷۶۰
پطرزبورگ: ۱۱۸۶، ۲۳۵۸	پزشک احمدی: ۱۹۲۵
پطرکبیر: ۱۵۱۲، ۱۷۸۰	پسامتیخ سوم: ۷۶۰
پَعمان: ۷۶۴	پستالتیک سوم: ۲۰۴۱
پقیدا: ۷۶۴	پسر قائم مقام اول: ۱۹۵۰
پکتیا: ۷۶۴	پسیخانی: ۲۴۹۹
پکتی یس: ۷۶۴	پسیخانیان: ۷۶۲
پکن: ۱۱۵۹، ۱۴۱۷	پسیخانیه: ۲۴۹۹
پلاته: ۷۶۵، ۱۰۲۶	پشتخوارگر: ۱۷۶۴
بل الله وردیخان: ۷۶۵	پشتکوه: ۱۷۱۰، ۲۱۷۷
پل چینود: ۵۳۷، ۲۵۶۷	پشت گشتاسپان: ۷۷۵

پنج گاه: ۷۷۲	پل خواجو: ۷۶۵
پنج نامک زرتشت: ۷۷۲	پل دختر: ۷۶۵
پنج تَنَتَرَه: ۷۷۳	پلوپزنز: ۱۴۹
پنی: ۷۷۳	پلوپونز: ۱۰۳۲، ۷۶۵
پوئه چی ها: ۳۴۶	پلوپونس: ۹۰۳
پورانا: ۵۱۲	پلوتارک: ۳۰۷، ۳۴۳، ۵۱۵، ۷۶۵
پوران دخت: ۷۷۳	۱۳۰۲، ۸۹۵
پورسان: ۷۷۳	پلوزیرا: ۲۰۴۱
پورقباد: ۷۷۳	پلوزیوم: ۷۶۱
پورکاوس: ۷۷۴	پله ایستوسین: ۵۳۴
پورگشسب: ۷۷۴	پله ایستوسین: ۵۳۴
پورمغان: ۷۷۴	پلینوس: ۷۶۶
پوروچیست: ۷۷۴	پمپه: ۷۶۸، ۱۵۴۴
پوروچیستا: ۷۷۴	پناباد: ۱۹۸۵
پوروش: ۷۷۴	پنت: ۷۶۸
پوروشسب: ۷۷۴	پنتیاله ها: ۵۱۹
پوزانیاس: ۷۷۴	پنجاب: ۷۴، ۳۶۶، ۵۹۲، ۱۲۶۱
پوسنگ: ۷۷۵	۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۵۲۵، ۲۱۱۸
پوشنگ: ۷۷۵، ۱۲۳۲، ۱۷۵۷	۲۳۹۷، ۲۴۲۲، ۲۴۲۳
۱۷۷۵، ۱۷۵۸	پنجاب هند: ۲۱۷۵
پولاک: ۷۷۵	پنج اشکوبه: ۲۰۲۷
پولو: ۱۹۹۶	پنجاه و سه نفر: ۷۷۰

فهرست اعلام	۲۷۸۳	تاریخ ایران
۱۲۰۰، ۱۲۳۹، ۱۲۸۸، ۱۳۰۰		پولوس: ۷۷۶
۱۳۰۵، ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۲۴۷		پولیس: ۷۷۶
۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۶۸، ۱۲۷۰		پولیه‌نوس: ۷۷۶
۱۲۷۶، ۱۲۸۳، ۱۳۵۲، ۱۳۷۰		پومپیوس: ۱۵۲
۱۳۷۴، ۱۳۷۸، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴		پونت: ۷۷۶، ۱۵۳۲
۱۳۸۵، ۱۴۳۹، ۱۴۴۱، ۱۴۵۰		پونتوس: ۷۴۰
۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴		پهل شاهسدان: ۳۳۱
۱۵۷۴، ۱۶۰۳، ۱۶۸۷، ۱۶۹۲		پهلز: ۷۵۴
۱۶۹۴، ۱۶۹۶، ۱۷۱۰، ۱۷۸۰		پهلوان حسن: ۱۲۲۹
۱۸۳۱، ۱۸۸۸، ۱۹۰۶، ۱۹۱۱		پهلوان حسن دامغانی: ۷۷۷
۱۹۱۲، ۱۹۲۷، ۱۹۳۴، ۱۹۳۷		پهلوانی: ۷۷۹
۱۹۸۷، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۵۵	۲۱۷۵، ۷۷۷، ۷۳۵، ۱۸۳	پهلوها:
۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹		۲۵۵۶
۲۰۶۱، ۲۰۶۷، ۲۰۸۰، ۲۱۲۲	۱۷۶، ۱۶۵، ۴۹، ۳۴، ۲۳	پهلوی:
۲۱۲۳، ۲۱۲۹، ۲۱۳۵، ۲۱۳۷	۳۳۴، ۳۲۸، ۳۱۹، ۲۶۹، ۲۶۵، ۱۹۲	
۲۱۴۷، ۲۱۵۲، ۲۱۵۴، ۲۱۵۷	۴۶۰، ۴۵۹، ۴۵۷، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۳۵	
۲۱۶۰، ۲۱۶۲، ۲۱۶۶، ۲۱۷۳	۵۱۴، ۵۱۳، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۶۲، ۴۶۱	
۲۱۹۱، ۲۲۱۰، ۲۲۱۵، ۲۲۳۲	۶۸۹، ۶۷۱، ۶۶۹، ۶۵۳، ۶۴۶، ۶۲۵	
۲۲۳۳، ۲۲۹۵، ۲۳۳۵، ۲۴۱۵	۷۶۲، ۷۶۱، ۷۵۱، ۷۴۵، ۷۴۳، ۷۴۱	
۲۴۱۹، ۲۴۵۵، ۲۴۶۶، ۲۴۹۸	۸۰۷، ۷۸۲، ۷۷۹، ۷۷۷، ۷۷۳، ۷۷۲	
۲۵۰۶، ۲۵۲۷، ۲۵۴۳، ۲۵۴۴	۹۶۳، ۹۱۷، ۹۰۵، ۸۹۹، ۸۷۹	
۲۵۴۶، ۲۵۴۷، ۲۵۵۱، ۲۵۵۵	۱۱۶۹، ۱۱۶۵، ۱۱۶۳، ۱۰۳۳	

فهرست اعلام	۲۷۸۴	فرهنگ توصیفی
۲۵۵۹، ۲۵۶۶، ۲۶۰۰، ۲۶۰۵	پیروز دخت: ۷۸۹	
۲۶۰۹، ۲۶۶۳	پیروز دوم: ۱۴۲۵	
پهلوی اشکانی: ۵۲، ۷۷۹، ۷۸۰	پیروز شاپور: ۷۸۹	
۷۸۱، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲	پیروز کواذ: ۲۵۶	
پهلوی اشکانی مانوی: ۷۸۱	پیروزگرد: ۷۹۰	
پهلوی ساسانی: ۷۸۲، ۹۱۰	پیره: ۷۹۰	
پهلوی سکستان: ۱۳۷۹	پیری: ۶۴	
پهلوی هزوارش: ۴۹	پیری تکین: ۶۴۶، ۷۹۰، ۱۸۷۴	
پهله: ۷۷۹	پیریخان خانم: ۷۹۰	
پهلیزگ: ۷۸۷	پیشاور: ۶۱۳، ۱۴۴۳، ۱۶۲۱، ۲۱۱۴	
پیامبر اسلام (ص): ۱۱۱۴، ۱۱۱۵	۲۱۷۴	
۱۱۱۶، ۱۱۴۱، ۱۳۷۳، ۱۶۹۲	پیشترا: ۷۹۰	
۱۸۰۷، ۱۸۱۲، ۱۸۳۵	پیشداد: ۷۶۳، ۷۹۱	
پیبه شهیم: ۷۰۹	پیشدادی: ۱۸۱، ۷۷۳، ۷۹۱، ۲۱۴۴	
پیتري: ۷۱۱	پیشدادیان: ۷۹۱، ۱۸۱۵، ۱۹۰۸	
پی تی: ۷۸۷	۲۶۰۴، ۲۱۶۲	
پیران گُشسب: ۷۸۸	پیشکار: ۷۹۱	
پیرتنتاکس: ۲۰۲۳	پیشه وری: ۷۹۲	
پیر جمالی: ۷۸۸	پیلسم: ۷۹۲	
پیر محمد جهانگیر: ۷۸۸	پیمان آنتالسیداس: ۷۹۲	
پیرنیا: ۲۳۵۹	پیمان سعدآباد: ۷۹۲، ۹۵۸	
پیروز: ۲۳۲۹	پینیکیر: ۷۹۳	

پیوراسب: ۷۹۳	تاج الملک: ۷۹۹
	تاج الملک ابوالغنائم: ۸۰۰
	تاج قزلباش: ۱۶۴۷
	تاج ماه بیگم: ۸۰۰
تثودور: ۹۹۴	تاجیک: ۵۲۵، ۸۰۰
تئوس: ۱۵۱، ۵۶۸، ۷۹۵	تاجیکستان: ۱۳۹، ۷۴۸، ۱۴۷۳
تابغور: ۷۹۵	تاجیک ها: ۵۲۴
تابها: ۱۳۵۳	تاجیکها: ۵۲۵
تابیت تی: ۷۹۵	تارابی: ۸۰۰، ۸۰۲، ۸۰۳، ۲۰۰۲
تابیتی: ۷۹۵	تارم: ۱۲۳، ۹۴۳
تاتار: ۲۰، ۵۰۶، ۷۹۵، ۲۳۷۹	تاریخ آسور: ۲۰۴۳
تاتارها: ۵۲۴	تاریخ اشکانی: ۹۳۸
تاج الاسلام: ۷۹۶	تاریخ اشکانیان: ۳۴۴
تاج الدوله: ۷۹۶	تاریخ ایران: ۱۰۱، ۲۵۴، ۲۰۴۳
تاج الدین: ۷۹۷	تاریخ بیداری ایرانیان: ۲۴۶۶
تاج الدین ابوطالب شیرازی: ۷۹۷	تاریخ بیهقی: ۸۰۸، ۸۱۳، ۸۱۵
تاج الدین شاه لڑ: ۷۹۷	تاریخ جهان آرا: ۸۱۱
تاج الدین شیرازی: ۷۹۷	تاریخ جهانگشا: ۸۱۱
تاج الدین عراقی: ۷۹۸	تاریخ حزین: ۸۱۱
تاج الدین محمود: ۷۹۸	تاریخ رشیدی: ۸۱۲
تاج الدین یلدز: ۷۹۸	تاریخ سلوکی: ۸۱۲
تاج السلطنه: ۷۹۸	تاریخ صغیر: ۱۰۷۹

تاریخ صفویه: ۱۳۵۹	تازیانشاه: ۱۴۳۰
تاریخ طبری: ۲۱۴، ۶۴۶، ۱۷۶۷	تاسیتوس: ۱۳۶
۱۹۰۸	تاش تپه: ۱۵۵۱
تاریخ عالم آرای عباسی: ۱۱۵۵	تاش خاتون: ۸۱۴
تاریخ عضدی: ۲۵۳۸	تاشکند: ۶۴۶، ۱۵۶۳، ۱۵۸۴، ۱۷۰۱
تاریخ فیلفوس: ۸۱۲	تالار تیموری: ۲۵
تاریخ کبیر: ۱۰۷۹	تالار عاج: ۲۰۲۷
تاریخ گردیزی: ۸۱۲	تالبوت: ۸۱۵، ۲۴۵۱
تاریخ گزیده: ۱۱۳۷	تاورنیه: ۱۶۱۹، ۱۷۲۹
تاریخ گیتی گشا: ۸۱۲	تاهیا: ۲۱۱۸
تاریخ محمدی: ۸۱۳	تاهیس ماساد: ۸۱۵
تاریخ مسعودی: ۸۰۸، ۸۱۳	تایجو: ۸۱۵
تاریخ مشهد: ۳۷۱	تایمنی: ۸۱۵
تاریخ معتضدی: ۸۱۳	تب: ۸۱۵
تاریخ معجم: ۲۴۸۷	تبانیان: ۱۱۷، ۸۱۵
تاریخ نگارستان: ۸۱۳	تبت: ۱۴۰، ۱۳۵۴
تاریخ هراکلی: ۱۴۴۳	تبرستان: ۱۸۲، ۲۱۷۰
تاریخ یزدگردی: ۸۱۳	تبرک: ۸۱۹، ۹۳۷
تاریخ: ۲۰۹۰	تبریز: ۳۷، ۱۲۶، ۱۶۶، ۱۹۸، ۴۰۰
تاریخ: ۱۴۵	۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۸۴، ۵۲۹
تازیاسس: ۱۴۰۷	۶۰۲، ۶۱۶، ۶۱۷، ۹۵۳، ۹۵۶، ۹۶۸
تازیان: ۲۲۳۳	۹۶۹، ۹۷۸، ۹۸۵، ۱۱۰۱، ۱۱۰۸

تپه زاغه: ۸۲۲	۱۳۱۸، ۱۲۷۱، ۱۲۴۵، ۱۱۸۶
تپه سنگ چخماق: ۸۲۷	۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۱۰، ۱۴۴۹
تپه سیالک: ۳۹۲	۱۴۵۰، ۱۴۶۸، ۱۵۸۱، ۱۶۱۱
تپه گوران: ۵۳۰، ۸۲۸	۱۶۲۰، ۱۶۲۲، ۱۶۲۵، ۱۷۰۳
تپه گیان: ۳۹۳، ۱۴۴۱	۱۷۰۷، ۱۷۲۶، ۱۷۷۲، ۱۷۹۵
تپه موسیان: ۹۵۹	۱۷۹۶، ۱۸۳۵، ۱۸۴۲، ۱۸۶۶
تپه میل: ۸۲۸	۱۸۷۰، ۱۹۱۲، ۱۹۸۲، ۲۰۸۳
تپه یحیی: ۸۲۸	۲۱۹۸، ۲۲۳۹، ۲۳۱۶، ۲۳۴۶
تتش: ۱۸۴۷	۲۳۵۷، ۲۳۶۱، ۲۳۶۷، ۲۳۶۸
تتی وی بیس: ۸۳۰	۲۴۰۱، ۲۴۰۵، ۲۴۰۶، ۲۴۴۰
تجارب الامم: ۲۱۴، ۱۳۳۲	۲۴۴۵، ۲۴۵۱، ۲۴۶۱، ۲۴۶۵
تجارب السلف: ۸۳۰، ۲۴۸۷	تبریزی: ۸۱۹
تجر: ۲۰۵۷	تبس: ۳۸۴، ۳۸۵
تجن: ۳۲۸	تپورستان: ۳۶۰، ۵۸۹، ۵۹۳، ۱۷۶۴
تجر: ۲۰۴۴	۲۳۹۷
تحفة الزائرین: ۲۳۰۲	تپورها: ۸۱۹، ۱۷۶۸
تحفة سامی: ۸۳۰	تپوری: ۲۶۴۶
تحفة السامی: ۱۴۳۹	تپه بدهورا: ۸۲۰
تحفة العالم: ۸۳۱	تپه جمشیدی: ۸۲۰
تخارستان: ۶۵۴، ۷۵۰، ۷۵۱، ۸۳۱	تپه حاجی فیروز: ۸۲۰
۱۱۶۸، ۱۷۶۹، ۲۶۴۰، ۲۶۴۱	تپه حسنلو: ۸۲۱
۲۶۴۳، ۲۶۴۲	تپه حصار: ۳۹۲، ۸۲۲، ۲۱۷۱

تخاریان: ۱۱۷۴	تدمر: ۳۳۹، ۷۴۲، ۸۴۹، ۱۰۰۰
تخت جمشید: ۲۰، ۴۸۴، ۶۵۱	۲۴۷۷
۷۴۷، ۷۵۴، ۷۶۵، ۷۸۰، ۸۳۱، ۸۳۳	تذکره القبور: ۹۷
۸۴۶، ۸۸۸، ۸۹۲، ۹۷۹، ۱۰۶۳	ترات: ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۲
۱۲۶۴، ۱۲۷۸، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵	ترازخداه: ۱۴۳۰
۱۷۱۸، ۱۸۸۶، ۲۰۴۴، ۲۰۵۱	تراژان: ۲۱، ۳۸۷
۲۰۵۲، ۲۰۵۷، ۲۰۵۹، ۲۰۶۱	تراس: ۹۹۰
۲۰۶۳، ۲۱۲۰، ۲۵۹۸	تراکیا: ۱۵۰
تخت رستم: ۸۴۷	تراکیه: ۵۵، ۲۳۸۷، ۲۳۸۸، ۲۳۸۹
تخت سلیمان: ۲۷، ۳۱، ۳۷، ۳۸	ترایانوس: ۲۱، ۲۲۷۷
۳۳۸، ۳۸۲، ۵۹۲، ۷۴۰، ۸۴۷	تریت جام: ۳۳۳
۱۶۳۷، ۱۷۱۱، ۱۹۰۵، ۱۹۸۹	تریت حیدریه: ۲۷، ۳۳۳
۲۱۷۱، ۲۱۷۳	تریت کورش: ۶۴
تخت طاقدیس: ۸۴۸	ترجان: ۴۸۳
تخت طاووس: ۲۱۲۰	ترخان: ۹۶
تخت قباد: ۸۴۸	ترشیز: ۳۳۳
تخت مادر سلیمان: ۸۴۸	ترفان: ۱۸۸۸
تخته کلاه: ۸۴۸	ترقی خواه: ۱۰۸۵
تَحْمَ اَرْپ: ۸۴۸	ترقیخواهان: ۱۹۸۷
تَحْمَ سپاد: ۸۴۹	ترک: ۸۷۱، ۱۱۵۳، ۱۴۳۸
تخمورپ: ۸۴۹، ۹۰۴	ترکان: ۳۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۰۸، ۳۲۱
تُخوار: ۸۴۹	۳۳۵، ۳۹۱، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۲، ۶۱۳

۲۶۴۱، ۲۵۹۵، ۲۵۶۹، ۲۴۸۸	۸۶۸، ۸۶۶، ۸۶۳، ۸۵۲، ۸۰۰، ۷۵۲
ترکستان چین: ۱۵۶۲، ۱۸۸۸	۸۷۰، ۹۵۰، ۱۱۷۵، ۱۱۸۳، ۱۴۳۶
ترکمان: ۷۵۸، ۸۶۳	۱۵۲۶، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵
ترکمانان: ۳۹۷، ۸۶۲، ۸۶۳، ۱۰۲۴	۱۵۶۷، ۱۶۳۹، ۱۹۹۱
۱۰۴۸، ۱۲۹۶، ۱۴۳۴، ۱۴۸۶	ترکان افراسیابی: ۸۷۱
۲۴۶۲، ۲۱۳۹، ۱۹۶۱، ۱۵۲۶	ترکان خاتون: ۱۸۷، ۲۳۲، ۶۷۷
ترکمانان سلجوقی: ۲۸۲، ۱۸۴۲	۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳
ترکمانان غز: ۳۷۴، ۱۱۵۲	۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۹۵۱
ترکمانان قراقویونلو: ۹۵۳	۱۸۷۲، ۲۳۰۲، ۲۶۵۳
ترکمانچای: ۱۷۹۸، ۱۹۶۲، ۲۱۶۴	ترکان سلجوقی: ۸۶۳
ترکمن: ۱۰۳، ۳۷۴، ۸۶۱، ۱۷۲۳	ترکان عثمانی: ۲۲، ۱۱۳۷، ۱۵۰۵
ترکمستان: ۱۳۹، ۱۹۳، ۷۴۸، ۷۷۹	۱۶۲۴
۱۴۲۸	ترکان غربی: ۸۶۸
ترک نژاد: ۱۸۷۳	ترکان غز: ۶۱۳، ۸۶۱، ۱۵۱۴
ترکها: ۲۰۳۱، ۲۶۲۴	۲۴۰۷، ۱۸۸۰
ترکی: ۴۴۴، ۵۶۵، ۱۲۰۰، ۱۵۵۰	ترکستان: ۲۲، ۲۳۳، ۲۸۲، ۴۰۷
ترکیه: ۱۶۴، ۵۰۵، ۷۹۳، ۹۳۶، ۹۵۸	۵۲۳، ۵۲۵، ۵۶۳، ۵۹۳، ۶۳۰، ۶۳۷
۱۰۷۰، ۱۱۰۳، ۱۲۶۱، ۱۲۷۳	۸۶۷، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۸۱، ۹۰۹
۱۹۲۴، ۲۰۲۳، ۲۰۶۸، ۲۳۴۰	۱۰۴۳، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۵۹
۲۴۱۴، ۲۶۱۳، ۲۶۳۶، ۲۶۶۵	۱۴۳۰، ۱۵۲۷، ۱۵۵۶، ۱۵۷۴
ترکیه: ۹۸۶	۱۷۷۰، ۱۸۴۱، ۱۸۸۷، ۱۹۶۱
ترمذ: ۸۷۸، ۱۴۳۰	۱۹۷۹، ۲۰۹۰، ۲۱۷۹، ۲۳۷۳

۱۱۷۵، ۱۴۶۸، ۱۸۲۹، ۲۱۲۹	ترموپیل: ۱۵۴۲، ۱۵۲
۲۵۴۹، ۲۵۴۸، ۲۱۶۰	ترموزا: ۸۷۸
تفنگچی آفاسی: ۸۸۱، ۸۸۲	تروتسکی: ۲۱۶۳
تفنگچی باشی: ۸۸۲	تروک پمپه: ۱۳۰۲
تقویم: ۸۸۲	تروگ پمپه: ۸۷۸
تقویم البلدان: ۲۰۶، ۸۸۳	تروگوس پمپیوس: ۸۷۹
تقویم اوستایی: ۸۸۳	ترومئیتی: ۸۷۹
تقویم اویغوری: ۸۸۵	ترویا: ۸۷۸
تقویم ایران: ۸۸۶	ترباذ: ۱۴۷، ۸۷۹
تقویم جلالی: ۸۱۳، ۸۸۶، ۸۸۷	تريستانا: ۱۳۵۳
تقویم هجری قمری: ۸۸۷	تزوک بابری: ۸۸۰
تقویم هخامنشی: ۸۸۸	تسوک: ۸۸۰
تقی الدین اوحدی: ۸۸۹	تشیع: ۸۰۳، ۱۷۲۴، ۲۵۰۰
تقی الدین محمد اصفهانی: ۸۸۹	تشیع اثنی عشری: ۱۰۹۷، ۱۴۵۱
تقی خان دُرانی: ۸۸۹	۱۷۰۶
تقی زاده: ۸۹۰، ۱۰۸۴	تعلیمیه: ۳۲۱
تکريت: ۲۴۴	تغایتمورخان: ۸۸۱، ۱۷۷۱
تکش: ۱۲۴، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۹۱	تغاجاز: ۹۰۴
۱۸۲۵، ۱۵۱۵، ۱۳۴۷	تغاجارنویان: ۹۰۳
تکش خان: ۲۴۹۱	تغاریگ: ۸۸۱
تکش خوارزمشاه: ۱۳۴۷	تفرش: ۱۸۱۳
تکلز: ۱۹۸۹	تفلیس: ۵۳، ۱۰۶، ۴۳۳، ۴۷۰، ۶۲۴

تنگلوش: ۸۹۸	تکوداز: ۸۹۱
تنگوز: ۱۹۷۹	تکودار احمد: ۸۹۱
تنگه ترموپیل: ۹۸۴	تکودارخان: ۱۰۳۶، ۱۰۲
تنگه هرمز: ۱۲۱۱، ۱۲۱۲	تگین: ۸۹۱
تنگه سوئز: ۱۲۱۲	تل بگو: ۸۹۲
تنه گورس: ۸۹۹	تمبره: ۸۹۳
توئن: ۲۱۱۷	تمدن سومری: ۸۹۴
توابین: ۲۳۱۹	تمرخان: ۱۹۷۵
توپچی باشی: ۸۹۹	تمغا: ۸۹۴
توخگال: ۲۱۷۸	تمغاچی: ۱۷۷۸
تُور: ۹۰۰	تمغای یشم: ۸۹۴
تورات: ۲۰۳۶	تموجین: ۱۰۴۸، ۸۹۵
توران: ۱۴۰، ۳۸۶، ۵۰۸، ۸۶۹، ۹۰۰	تمیستوکل: ۵۴، ۵۵، ۸۹۵، ۲۰۳۷
۱۱۸۹، ۱۴۰۷، ۱۴۲۱، ۱۴۲۸	۲۲۷۶
۲۱۳۰، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸	تمیستوکلس: ۱۰۰۲
۲۱۴۴، ۲۴۱۷، ۲۶۵۱	تِن: ۸۹۵
توران پشت: ۹۰۰	تَنسر: ۸۹۶
توران دخت: ۹۰۰	تنکابن: ۴۷۰، ۲۳۱۵، ۲۳۱۷
توران‌شاه: ۸۶۴، ۱۴۲۸	تنگ چوگان: ۸۹۶، ۱۶۰۴
تورانی: ۷۸۷، ۱۳۷۸	تنگستان: ۱۳۱۷
تورانیان: ۵۷، ۵۰۸، ۶۴۵، ۹۰۱	تنگستانیها: ۲۵۲۹
۱۷۱۰، ۱۷۲۳، ۱۷۶۹، ۱۹۱۲	تنگ سروک: ۸۹۶

تومان: ۹۰۴	۲۱۳۷
تومی ریس: ۹۰۴	تورج: ۹۰۱
تون: ۹۰۴	تورفان: ۹۰۲
تونس: ۳۹۶، ۲۵۸۰	تورک: ۱۳۶۳
تونگوز: ۱۹۷۹	تورکیشه: ۸۵۶
توّه: ۹۰۴	تورکیوتها: ۱۵۴
تهران: ۵۸، ۱۰۰، ۱۴۲، ۱۹۱، ۲۷۱،	تورگیش: ۸۵۵
۲۷۳، ۲۷۴، ۲۹۸، ۳۱۵، ۳۷۰، ۳۷۴،	تورگیش ها: ۸۵۶
۳۷۸، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۳۷، ۴۴۹، ۴۵۳،	تورنگ تپه: ۹۰۲
۴۵۴، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۵۰۴، ۵۰۵،	توروس: ۵۰، ۱۲۷۳، ۱۵۵۹، ۱۹۰۵،
۵۰۸، ۵۲۱، ۵۹۳، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۶۴،	۲۳۴۰
۶۷۷، ۷۴۰، ۷۸۲، ۸۱۶، ۸۲۸، ۹۳۲،	تورون پشت: ۹۰۲
۹۳۸، ۹۵۶، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۹۸،	توّز: ۹۰۲
۱۰۲۶، ۱۰۷۰، ۱۰۷۲، ۱۰۸۶،	توزون: ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۵،
۱۰۸۷، ۱۱۵۶، ۱۱۸۲، ۱۱۸۶،	توس: ۹۰۲، ۲۰۳۳
۱۲۵۶، ۱۲۸۱، ۱۲۹۲، ۱۳۱۹،	توسیدید: ۷۷۵، ۹۰۳
۱۳۲۷، ۱۳۳۰، ۱۳۵۶، ۱۴۱۸،	توشپا: ۹۰۳
۱۴۳۲، ۱۴۳۴، ۱۴۴۸، ۱۴۶۸،	توشمال باشی: ۹۰۳
۱۴۶۹، ۱۵۱۷، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶،	توغوز اوغوز: ۸۵۶
۱۵۷۸، ۱۵۸۱، ۱۶۶۱، ۱۶۹۸،	توکومونگ: ۸۶۱
۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۳۷، ۱۷۶۱،	تولی: ۹۰۳، ۱۰۴۹
۱۷۶۲، ۱۷۷۹، ۱۸۲۰، ۱۸۴۵،	تولی خان: ۵۵۳، ۲۴۱۶

فهرست اعلام	۲۷۹۳	تاریخ ایران
۱۸۱۵، ۱۷۸۳، ۱۷۸۲، ۱۳۶۵	۱۸۶۶، ۱۸۵۹، ۱۸۵۱، ۱۸۴۸	
۲۱۶۲	۱۹۱۵، ۱۹۱۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۴	
تهمورس: ۸۴۸	۱۹۷۶، ۱۹۵۰، ۱۹۳۹، ۱۹۲۳	
تهمورس زیناوند: ۸۴۹	۲۰۸۹، ۲۰۸۷، ۲۰۲۳، ۱۹۹۸	
تیا مت: ۹۰۵	۲۱۶۴، ۲۱۵۹، ۲۱۲۴، ۲۰۹۷	
تی بریوس: ۲۰۲۰	۲۲۱۴، ۲۲۱۲، ۲۲۱۱، ۲۱۷۱	
تیبو: ۵۲۹	۲۲۶۰، ۲۲۱۸، ۲۲۱۶، ۲۲۱۵	
تیپوریا: ۹۰۶	۲۳۱۵، ۲۳۱۴، ۲۳۱۲، ۲۲۹۴	
تی تروست: ۱۹	۲۳۲۵، ۲۳۲۲، ۲۳۱۷، ۲۳۱۶	
تیر: ۹۰۶	۲۳۴۶، ۲۳۴۱، ۲۳۲۸، ۲۳۲۶	
تیرا: ۹۰۶	۲۳۵۱، ۲۳۵۰، ۲۳۴۹، ۲۳۴۷	
تیرداد اول: ۱۷۱۸، ۹۰۸، ۹۰۷، ۸۸۶	۲۳۵۹، ۲۳۵۷، ۲۳۵۶، ۲۳۵۳	
تیرداد دوم: ۱۹۳۱، ۹۰۸، ۱۰۶	۲۳۶۸، ۲۳۶۳، ۲۳۶۱، ۲۳۶۰	
تیرداد: ۳۳۹، ۳۳۸، ۲۷۵، ۱۰۶	۲۴۶۲، ۲۴۴۹، ۲۴۴۶، ۲۴۴۳	
۹۰۸، ۹۰۷، ۶۸۱، ۳۶۳، ۳۴۶، ۳۴۰	۲۴۶۶، ۲۴۶۵، ۲۴۶۴، ۲۴۶۳	
۱۹۹۳، ۱۷۴۷، ۱۲۵۴، ۱۰۲۷	۲۶۰۵، ۲۵۴۲، ۲۵۱۴، ۲۴۹۰	
تیرگان: ۹۰۹، ۹۰۸، ۱۹	۲۶۶۵	
تیری باذ: ۹۰۹	تهماسب: ۷۷۳، ۷۹۱، ۲۵۰۷	
تیریش ت: ۹۰۹	تهماسب دوم: ۹۷۸	
تیریکان: ۲۱۷۸	تهمتن: ۱۰۸۹	
تیزاسب: ۲۱۸	تهمورث: ۸۴۹، ۹۰۴	
تیسافرن: ۱۹۱۶، ۱۰۳۲، ۹۱۱، ۹۱۰	تهمورث: ۹۰۵، ۹۶۵، ۱۳۲۴	

تیگلت پلسر اول: ۹۱۶	۲۱۱۰
تیگلت پلسر: ۸۵، ۸۶، ۱۶۵۸	تیسفون: ۵۴، ۱۸۹، ۲۶۷، ۳۳۶
تیلشوری: ۲۰۰۳	۳۴۴، ۳۶۰، ۴۵۵، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴
تیلوتا: ۹۱۶	۶۸۰، ۶۹۱، ۷۹۰، ۹۱۱، ۹۱۳، ۹۳۶
تیماگوراس: ۱۳۴	۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۰۱
تیمور: ۲۰، ۱۳۰، ۳۹۴، ۶۱۷، ۶۴۷	۱۰۰۵، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۲۲۱
۹۱۸، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۵۲، ۱۰۸۰	۱۲۷۳، ۱۲۷۶، ۱۳۰۱، ۱۴۲۱
۱۲۳۵، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۵۴۶	۱۴۲۲، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۶۹۴
۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۷۸۵، ۱۷۸۸	۱۷۵۴، ۱۹۷۰، ۲۰۲۸، ۲۰۴۴
۱۷۹۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۶، ۲۱۸۰	۲۱۴۹، ۲۲۸۴، ۲۳۲۲، ۲۳۴۰
۲۵۹۵، ۲۳۳۴	۲۴۶۹، ۲۵۱۱، ۲۵۵۶، ۲۵۵۷
تیمور بختیار: ۷۴۱، ۱۱۴۰	۲۵۶۳، ۲۶۰۱، ۲۶۵۸، ۲۶۶۱
تیمورتاش: ۲۶۱، ۳۲۷، ۹۱۷، ۹۱۸	تیشتر: ۲۲۰، ۹۱۵، ۹۱۶
۱۰۶۱، ۱۷۰۲، ۱۹۲۵	تیشتر: ۹۱۴
تیمورخان: ۱۶۱۵	تیشتریه: ۹۱۶
تیمورشاه: ۲۱۲۶	تیکلت پلسر سوم: ۵۸۰
تیمورگورکانی: ۸۴۶	تیگران: ۱۵۵۰
تیمورلنگ: ۹۱۸، ۹۲۲، ۱۸۱۲	تیگران اول: ۱۵۳۸
۲۴۰۳	تیگلات پالسر اول: ۷۷
تیموری: ۳۷۷، ۶۳۰، ۹۴۸، ۱۱۵۳	تیگلات پالسر چهارم: ۷۶
۱۱۹۲، ۱۴۰۱، ۱۵۰۸، ۱۵۱۰	تیگلات پلسر: ۸۷
۱۵۸۳، ۱۶۴۴، ۱۶۶۱، ۱۸۰۶	تیگلات پلسر اول: ۹۰

ثریا اسفندیاری: ۹۲۳	۱۸۵۵، ۱۸۸۱، ۱۸۸۳، ۱۹۰۲،
ثریت: ۹۲۴	۱۹۳۸، ۱۹۹۰، ۲۳۱۸، ۲۳۵۴،
ثریتی: ۹۲۴	۲۴۸۸، ۲۴۸۹، ۲۴۹۱، ۲۵۴۴،
ثعالبی: ۹۲۴	تیموریان: ۲۲، ۳۱، ۲۱۰، ۲۴۷،
ثقفی: ۹۲۴	۲۴۸، ۳۲۰، ۳۹۴، ۷۰۴، ۷۸۸، ۹۱۸،
ثقة الاسلام: ۹۲۴، ۲۰۸۱	۹۲۲، ۱۰۸۰، ۱۲۳۵، ۱۲۸۳، ۱۳۷۳،
ثقة الملك: ۹۲۴	۱۵۴۷، ۱۶۸۶، ۱۷۷۲، ۱۸۲۰،
ثمان كهزه: ۹۲۴	۱۸۲۲، ۱۸۴۹، ۱۹۱۳، ۱۹۷۶،
ثورواهر: ۹۲۵	۱۹۷۸، ۱۹۸۰، ۲۰۹۲، ۲۶۵۱،
ثهت گوش: ۹۲۵، ۱۴۰۹	۲۶۶۲

تیموناكس: ۱۳۴

تیوخوس سوتر: ۶۲۶

تیدودزیوس: ۱۳۶

تیول: ۲۳۸۶، ۳۸۱،

تیهمت: ۱۱۲۷، ۱۱۲۸،

ج

جابانی: ۹۲۷

جاجرم: ۳۳۷

جاحظ: ۹۲۷

جاندنگون: ۹۲۸

جاندنگوی: ۹۲۷

جاندنگویان: ۹۲۷، ۹۲۸

جارچیان: ۹۲۸

جارچیان توپخانه: ۹۲۸

جارچیان دیوان: ۹۲۸

ث

ثائربالله: ۹۲۳

ثامانیان: ۹۲۳

ثرائثون: ۹۲۳

ثریا: ۱۳۵۶، ۱۳۵۷

جاری: ۹۳۵	جارچی باشیگری: ۹۲۸
جاودان نامه: ۹۳۵	جاروب خان: ۹۲۸
جاودانیان: ۳۹	جارودیه: ۱۳۹۸
جاولی: ۹۳۵	جام: ۹۳۰
جاوه: ۱۹۳	جاماسب: ۷۰۹، ۷۷۴، ۹۲۸، ۹۲۹
جاویدان: ۹۳۵	۱۴۲۳
جاویدان نامه: ۱۰۸۰	جاماسب نامه: ۱۸۸۹، ۹۲۹
جاویدانیان: ۱۱۷۲	جاماسب: ۱۹۱۳
جباخانه: ۹۳۵، ۹۳۷	جامبو دوئیپا: ۲۱۱۵
جبادارباشی: ۹۳۵	جام جم: ۹۳۰
جبال: ۱۲۳، ۹۳۶، ۱۳۴۴	جامع التواریخ: ۸۰۸، ۸۱۲، ۹۳۰
جبرئیل ابن بختیشوع: ۶۲۱	جامع الطبین: ۱۹۷۶
جبعلی منصور: ۱۳۲۸	جامع عتیق شیراز: ۹۳۰
جبغو: ۹۳۶	جام کیخسرو: ۹۳۰
جبل: ۹۳۷	جامگی: ۹۳۰
جبل الطارق: ۱۹۹۳	جانا پادا: ۹۳۱، ۲۱۷۷
جبه خانه: ۹۳۷	جانب ایران: ۲۷۱
جبه دارباشی: ۹۳۷	جان مالکوم: ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴
جبهه ملی: ۵۹۷، ۶۲۰، ۹۳۷، ۹۳۸	۱۸۶۳، ۱۸۶۱
۲۰۸۶، ۲۱۵۹	جانوسپار: ۹۳۴
جرجان: ۵۷۵، ۷۵۱، ۸۱۰، ۱۱۶۸	جانه: ۲۱۷۷
۱۲۹۸، ۱۷۶۴، ۱۷۷۲، ۱۷۷۵	جانی بیگ: ۳۲۷، ۹۳۵

جزیره العرب: ۹۴۰	۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۲۳۳۰
جزیه: ۹۴۳	جرجانی: ۳۹۱، ۱۴۱۶
جستانیان: ۱۱۸، ۹۴۳، ۱۲۹۹، ۲۰۹۰	جرجانیه: ۴۸۱
جسر: ۹۴۴	جرج راولینسون: ۵۲۴، ۹۳۸
جشن اسپندارمذ: ۹۴۴	جرج لنچافسکی: ۹۳۸
جشن تیرگان: ۹۰۶، ۹۴۴	جرجن: ۱۹۷۹
جشن سده: ۹۴۴، ۱۴۵۱	جرشان: ۱۴۲۸
جشنسده: ۹۴۵	جرشانشاه: ۱۴۲۸
جشن سیدسور: ۱۵۸۴	جرماز: ۹۳۸
جشن سیرسور: ۹۴۵	جرمانی ها: ۵۱۹
جشن فروردین: ۹۴۵	جره: ۲۸، ۹۳۹
جشن مهرگان: ۱۹۳۵، ۲۴۳۸	جزایر سامس: ۷۷
جشن نوروز: ۹۴۵، ۲۴۳۸	جزایر ساموس: ۵۶۸
جعفر برمکی: ۴۳۱	جزیره: ۳۹
جعفر بن محمد (ع): ۹۴۷	جزیره کیش: ۱۲۱۵
جعفر پیشه‌وری: ۱۰۸۷	جزیره موریس: ۲۴۵، ۷۸۲
جعفر تبریزی: ۸۱۹، ۹۴۸	جزیره الفانتین: ۳۸۴
جعفرخان زند: ۹۴۸	جزیره بالکان: ۸۶۸
جعفر شریف امامی: ۴۵۴، ۹۴۸	جزیره بحرین: ۱۵۲
۲۲۱۲	جزیره خارک: ۹۳۴، ۱۸۶۰، ۲۵۳۱
جغتای: ۶۳۰، ۱۰۴۹، ۱۱۵۹	جزیره سینا: ۹۴۲
جغتای خان: ۱۷۵۹	جزیره قبرس: ۷۹۲، ۱۹۷۶

جلاز: ۹۵۲، ۲۳۷۹	جغتایی: ۱۹۶۱
جلایریان: ۱۱۸، ۴۳۳، ۵۶۲، ۸۶۸	جغری: ۹۴۸
۹۵۲، ۹۵۳، ۱۰۹۵	جغری بیک: ۱۲۴
جلال العیون: ۲۳۰۲	جغری بیک سلجوقی: ۲۳۳۵
جلولاء: ۹۵۶	جغری خان: ۹۴۸
جم: ۷۰۴، ۹۵۶، ۹۶۳، ۹۶۵، ۲۳۱۸	جلاب: ۱۰۷۹
جمال الدین: ۹۵۸	جلال آل احمد: ۱۰۸۵
جمال الدین اصفهانی: ۱۲۱	جلال الدوله: ۹۵۰
جمال الدین دستجردانی: ۹۵۹	جلال الدوله ملکشاه سلجوقی: ۸۸۶
جمال واعظ: ۹۵۹	جلال الدین: ۲۴۰۶
جمدت نصر: ۸۹۳، ۹۵۹، ۹۶۱	جلال الدین ابوالفضل درگزینی: ۹۵۰
جمشید آموزگار: ۱۴۳، ۹۶۶	جلال الدین تورانشاه: ۹۵۰
جمشید: ۳۵، ۶۱، ۲۳۴، ۲۸۰، ۳۱۷	جلال الدین خوارزمشاه: ۸۶۵، ۹۵۰
۳۶۹، ۴۷۵، ۵۱۳، ۷۰۴، ۷۵۷، ۷۹۱	۱۶۴۴، ۲۶۶۵
۹۰۵، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۶، ۱۱۶۶	جلال الدین سیورغتمش: ۹۵۱
۱۲۷۹، ۱۳۲۴، ۱۳۶۵، ۱۶۵۷	جلال الدین محمد استرآبادی: ۹۵۱
۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲	۱۹۹۷
۱۸۱۵، ۲۰۴۴، ۲۱۶۱، ۲۵۷۰	جلال الدین منکبرنی: ۲۳۶۷
جمشیدی: ۵۶۵	جلال بن سلام بن بهرام شاه طبری: ۹۵۱
جمک: ۹۶۶	جلال کیا: ۹۵۲
جمیز موریه: ۱۸۶۲	جلال مخلص: ۹۵۲
جنابی: ۹۶۶	

جنگ جام: ۹۸۴	جناح دمکرات: ۸۹۰
جنگ جسر: ۹۴۴، ۹۸۴	جناح شیخان: ۹۶۶
جنگ جلولا: ۹۵۶، ۹۸۵	جناشک: ۱۹۵۹
جنگ جمل: ۱۸۳۵	جنبش اکراد یزیدی: ۹۶۶
جنگ چالدران: ۶۸۴، ۹۸۵، ۱۰۴۴	جنبش به آفریدیان: ۹۶۶
جنگ حران: ۹۸۶	جنبش تبریز: ۹۶۸
جنگ خرونه: ۹۸۶	جنبش حمزه آذرک: ۹۶۹
جنگ خسرو پرویز: ۹۸۷	جنبش گیلان: ۹۷۲
جنگ خوار: ۹۹۸	جنبش یوسف برم: ۹۷۳، ۲۶۶۸
جنگ دستگرد: ۹۹۸، ۱۲۸۳	جندیشاپور: ۶۲۱، ۷۴۵، ۹۷۴، ۹۷۵
جنگ دیرالعاقول: ۱۲۹۸	۱۶۰۶
جنگ ذات السلاسل: ۱۰۲۳	جنگ آریلا: ۵۳
جنگ زاب: ۱۰۰۱، ۱۳۶۱	جنگ اصلاندوز: ۹۷۷
جنگ سالامیس: ۱۰۰۲، ۱۴۳۵	جنگ الیس: ۴۱۸، ۹۷۷
جنگ صفین: ۱۸۳۵	جنگ ایروان: ۵۳۷، ۹۷۸
جنگ قادسیه: ۱۰۰۴، ۱۲۷۷	جنگ ایسوس: ۵۳۸، ۹۷۹
۱۶۹۱، ۱۹۷۱	جنگ باسمنج: ۹۷۹
جنگ قطوان: ۱۲۴، ۲۴۰۷	جنگ پاکر: ۷۴۰، ۹۸۳
جنگ کاداش: ۲۰۲۷	جنگ پروان: ۷۵۷، ۹۸۳
جنگ کاداش: ۱۰۰۹	جنگ پلاته: ۹۸۳
جنگ کاره: ۱۰۰۹، ۱۰۷۹، ۲۰۳۰	جنگ ترموپولس: ۸۷۸، ۹۸۳
جنگ کرانیک: ۲۱۵۹	جنگ تمبره: ۹۸۴

جنگ کرنال: ۱۰۱۷	جنگهای پلوپونز: ۱۰۳۲
جنگ کریمه: ۲۵۳۰	جنگهای کریمه: ۱۰۳۲، ۲۰۷۵
جنگ کوناکسا: ۱۰۱۸	جنگ همدان: ۱۰۳۳
جنگ گرانیک: ۱۰۱۸	جوانشیر: ۵۷۵، ۱۰۳۳
جنگ گرانیکوس: ۳۱۷، ۱۰۱۹	جواهر کلام: ۱۰۷۹
جنگ گوگمل: ۵۳، ۱۰۱۹	جو جُن: ۱۰۳۳
جنگ لازیکا: ۱۰۲۱، ۱۱۸۳	جوجی: ۱۰۳۳، ۱۰۴۹، ۱۹۹۱
جنگ ماراتن: ۱۰۲۳، ۲۲۷۰	جوجی خان: ۵۸۸، ۱۰۳۳
جنگ مذار: ۱۰۲۳، ۲۳۲۳	جورجانان: ۱۰۳۶
جنگ مرو: ۱۰۲۳	جوری: ۱۰۳۶
جنگ ملازگرد: ۱۰۲۴، ۲۴۰۰	جوزجان: ۶۶۲، ۱۰۳۶، ۱۱۶۹
جنگ مورچه خورت: ۱۰۲۵	۱۴۲۷
جنگ مهماندوست: ۱۰۲۶، ۲۴۳۴	جوزجانان: ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۲۱۶
جنگ میکال: ۱۰۲۶، ۲۴۵۳	۱۲۳۲، ۲۵۲۰
جنگ میله: ۱۰۲۷	جوزجانی: ۱۰۳۶
جنگ نرسی: ۱۰۲۷	جوشکا: ۲۱۱۴
جنگ نصیبین: ۱۰۲۹، ۲۴۸۸	جولیوس دو روتر: ۱۳۶۰
جنگ نمارق: ۱۰۳۰، ۲۵۰۲	جوینی: ۸۰۱، ۱۰۳۶
جنگ نهاوند: ۱۰۳۰، ۱۸۹۱	جهان پهلوان: ۱۰۳۶
جنگ نهروان: ۱۸۳۵	جهان تیمور: ۱۰۳۷، ۱۵۴۵
جنگ واجرود: ۱۰۳۰	جهان خاتون: ۱۰۳۷
جنگ والرین: ۱۰۳۱	جهانسوز: ۱۰۳۸

جهانشاه: ۱۰۳۸	چارلز الیسون: ۱۰۴۳
جهانشاه صالح: ۱۴۲	چارلز زرنی: ۸۲۰
جهانگشای نادری: ۱۰۳۸، ۲۴۵۰	چاشت خوران: ۱۰۴۳
جهلم: ۱۳۵۵	چاکر: ۱۰۴۳، ۱۰۴۴
جیحون: ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱	چاکرزن: ۱۰۴۴، ۱۰۴۷
۳۳۵، ۳۷۲، ۳۸۶، ۴۸۱، ۵۱۸، ۵۸۹	چال ترخان: ۲۹
۵۹۴، ۵۹۵، ۶۰۳، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۵۲	چالدران: ۹۸۵، ۹۸۶، ۱۰۴۴، ۱۶۱۱
۸۴۸، ۸۵۸، ۹۰۰، ۹۸۱، ۱۰۳۹	۲۰۲۴
۱۰۴۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۲۳۲	چاندارا گوپتا: ۱۰۴۴
۱۲۳۷، ۱۲۶۴، ۱۳۲۷، ۱۴۲۳	چاندارا گوپتا: ۱۵۳۹
۱۴۲۴، ۱۴۳۰، ۱۴۵۴، ۱۴۵۶	چاو: ۱۰۴۵
۱۴۷۳، ۱۴۹۵، ۱۵۸۴، ۱۷۶۹	چاوئه هی هئو: ۲۱۱۴
۱۷۷۵، ۱۹۰۷، ۲۰۹۰، ۲۱۱۷	چاوا ایرانی: ۱۰۴۴
۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۲۸۵، ۲۳۹۶	چاوچینی: ۱۰۴۵
۲۵۴۴، ۲۵۴۵، ۲۶۴۲، ۲۶۴۳	چاولی: ۱۰۴۵
جیهانی: ۱۰۳۹، ۱۰۴۱	چترال: ۱۳۵۳
چ	چخماق: ۸۲۷
چاپارخانه: ۱۰۴۳، ۲۶۵۳	چربی: ۱۰۴۵
چاچ: ۸۰، ۱۴۳۶، ۱۵۶۳، ۱۵۸۴	چرچیل: ۱۸۴۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۷
۲۲۸۵	۲۳۲۵
	چرکس: ۱۰۴۵
	چش پش: ۲۰۸۳

چشمک: ۱۰۴۵	۲۴۱۶، ۲۶۵۱
چشمه علی: ۸۹۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶	چنگیزخان: ۲۳۳، ۴۹۶، ۵۸۸، ۶۲۳، ۱۵۵۹
چغازنبیل: ۵۰۰، ۱۰۴۶، ۱۳۹۹	۷۹۶، ۸۰۱، ۸۱۱، ۸۷۱، ۸۷۵، ۸۷۶
۲۱۳۲	۸۹۵، ۹۰۳، ۹۲۴، ۹۴۸، ۱۰۴۸
چغان خدا: ۱۴۳۰	۱۰۴۹، ۱۲۳۳، ۱۵۰۶، ۱۷۵۹
چغان خدا: ۱۰۴۷	۱۷۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۸۴
چغانی: ۱۰۴۷	۱۹۵۱، ۱۹۷۹، ۲۱۶۳، ۲۳۷۹
چغانیان: ۸۰، ۱۲۸، ۱۴۱، ۲۰۷	۲۶۵۱
۶۰۶، ۷۵۰، ۱۰۴۷، ۱۴۳۰، ۱۵۲۵	چنگیزخان مغول: ۴۷۴، ۱۱۵۹
۱۹۷۶، ۲۲۸۵	۲۲۹۶، ۲۶۶۳، ۲۶۶۵
چغرز: ۱۰۴۷	چوبین: ۱۴۲۴
چغری: ۱۰۴۸	چوپان بیک: ۱۰۶۱
چغری بیک: ۶۰۹، ۱۴۸۸، ۱۸۵۳	چوپانی: ۱۷۷۱
چغری بیک داود: ۱۱۱، ۶۰۹	چوپانیان: ۸۶۸، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲
چغری بیگ: ۱۰۴۸	۱۵۰۶
چناران: ۵۷۵	چوگان: ۷۰۳
چندراگوپتا: ۱۵۲۸	چول: ۵۷۳
چندره گوپتا: ۶۵۲، ۲۴۲۳	چهارباغ: ۱۰۶۲
چنگیز: ۲۳۰، ۴۱۶، ۴۹۶، ۴۹۷	چهارطاق: ۱۰۶۲
۹۰۴، ۹۵۲، ۹۸۳، ۱۰۳۳، ۱۸۷۲	چهارمحال بختیاری: ۲۴۸۹
۱۸۷۵، ۱۹۴۵، ۱۹۵۱، ۱۹۹۱	چهرزاد: ۶۸۶
	چهل دختران: ۱۰۶۲

چهلستون: ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۲۰۲۴

چیچست: ۱۰۶۳، ۲۰۴۲

چیستا: ۳۶۹، ۱۰۶۳

چیش پش اول: ۱۰۶۳، ۲۵۸۴

چیش پش اول: ۲۵۸۳

چیش پش دوم: ۱۰۶۴

چیش پش دوم: ۲۵۸۳

چیش پیش: ۴۶۶، ۲۵۸۶

چین: ۱۵۴، ۱۹۳، ۷۵۹، ۷۸۸، ۸۵۵

۱۰۶۹، ۱۱۵۳، ۱۱۵۹، ۱۲۲۱

۱۲۲۲، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۵۲۷

۱۵۶۲، ۱۵۶۴، ۱۷۷۳، ۱۹۵۱

۱۹۷۹، ۲۰۹۰، ۲۱۱۴، ۲۱۳۸

۲۳۴۵، ۲۳۷۹، ۲۴۸۴

چینابو: ۱۳۵۵

چینوات: ۱۰۶۴

چینوت: ۳۱۲، ۱۰۶۴

چینود: ۴۶۰

چین ویتراگ: ۱۰۶۴

چینی: ۱۳۶۲، ۱۴۳۲، ۱۹۷۹

۲۱۱۴، ۲۱۱۷

ح

حائری زاده: ۲۳۶۹

حاتام تی: ۱۸۶۴

حاتم اصم: ۱۰۶۷

حاج ابراهیم خان کلانتر: ۱۰۶۷

حاج ابراهیم کلانتر: ۲۴۴۲

حاجب الدوله: ۱۰۶۸

حاجب بزرگ: ۱۰۶۸

حاجب سالار: ۱۰۶۹

حاجب سباشی: ۱۴۴۲

حاج زین العابدین مراغه‌ای: ۲۳۴۷

حاج سید مصطفی خمینی: ۱۴۳

حاج شیخ عبدالکریم حائری: ۱۵۹

حاج شیخ محمد واعظ: ۲۳۴۹

حاج شیخ مهدی نوری: ۲۱۲۴

حاج صادق امانی: ۲۶۴۰

حاج علی رزم آرا: ۱۰۶۹

حاج علیقلی خان کازرونی: ۱۸۴۸

حاج لطفعلی بیگ آذربیدلی شاملو:

فهرست اعلام	۲۸۰۴	فرهنگ توصیفی
حاج مهدیقلی هدایت: ۱۰۶۹،	حاجیه: ۱۰۷۴	
۲۵۹۵	حافظ: ۲۲۱۴	
حاج میرزا آقاسی: ۲۳۱۲	حافظ ابرو: ۱۴۰، ۸۴۶، ۱۰۷۴	
حاج میرزا حسن شیرازی: ۶۷۷،	حامیه: ۲۳۴۶	
۱۳۳۱	حبشه: ۱۲۶۵، ۱۳۱۰، ۲۶۲۳	
حاج میرزا حسین نوری: ۱۷۰۸	حبل المتین: ۱۰۷۵	
حاجی آباد: ۷۳۱، ۷۸۰، ۱۸۸۹،	حبیب السیر: ۱۰۷۵، ۱۲۳۸، ۲۰۷۳	
۲۰۵۸	حبیب الله خان ساعدالدوله سردار:	
حاجی ابراهیم: ۲۲۱۷	۲۳۱۵	
حاجی ابراهیم خان شیرازی: ۱۰۷۱	حبیب ایرانی: ۱۰۷۶	
حاجی باباخان: ۵۷۲	حتیان: ۱۰۷۶	
حاجی بیگ: ۱۰۷۲	حجاج: ۱۹۱، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸،	
حاجیعلی رزم آرا: ۱۳۳۰	۱۵۴۵، ۲۳۹۲	
حاجی محمد ابراهیم خان شیرازی:	حجاج بن یوسف بن مطر: ۶۳۴	
۱۰۷۱	حجاج بن یوسف ثقفی: ۱۹۱، ۱۰۷۶،	
حاجی میرزا آغاسی: ۱۰۷۲	۱۳۹۱	
حاجی میرزا آقاسی: ۱۴۳۴، ۱۹۵۰،	حجاج بن یوسف ثقفی: ۲۶۶۸	
۱۹۶۳	حجاری شیخ خان: ۱۰۷۸	
حاجی میرزا جواد مجتهد: ۱۴۰۲	حجاری شیخ خان: ۱۰۷۸	
حاجی میرزا حسن: ۸۰	حجاز: ۱۹۳، ۹۴۱، ۱۰۸۰، ۱۷۰۲	
حاجی میرزا حسن: ۱۰۷۳	حجت: ۱۰۷۸	
حاجی واشنگتن: ۱۰۷۴	حجر الاسود: ۲۳۸۶	

حزب دمکرات قوام: ۲۳۶۹	حُجَریه: ۱۰۷۸
حزب دموکرات: ۱۰۸۴	حجة الاسلام دکتر محمد ابراهیم
حزب رستاخیز: ۱۰۸۴	آیتی: ۲۳۲۸
حزب زحمتکشان: ۱۰۸۵	حجة الوداع: ۷۱
حزب زحمتکشان ایران: ۲۳۶۹	حدود العالم: ۷۵۱
حزب سوسیالیست: ۱۰۸۵، ۱۵۴۶	حران: ۳۳۸، ۳۶۴، ۱۰۷۹، ۱۸۵۳
حزب عدالت: ۱۰۸۶	حرّان: ۱۰۰۹
حزب کمونیست: ۱۰۸۶	حرشی: ۱۹۷۳
حزب کمونیست آلمان: ۷۷۰	حُر عاملی: ۱۰۷۹
حزب کمونیست ایران: ۷۷۰، ۷۷۱	حروفیه: ۱۰۷۹
حزب ملل اسلامی: ۱۰۸۷	حُرّه خُتلی: ۱۰۸۰
حزب ملیون: ۱۰۸۷، ۱۱۰۲	حرّة کالجی: ۱۰۸۲
حزب باش: ۱۰۸۸	حزب: ۱۲۲۴
حزین: ۱۰۸۸	حزب اجتماعیون: ۳۲۰
حسام الدوله: ۱۰۸۸، ۱۹۵۸	حزب ایران: ۱۰۸۲
حسام الدوله ابوالعباس تاش حاجب:	حزب ایران نوین: ۱۱۰۲
۱۰۸۸	حزب توده: ۳۱۹، ۳۲۰، ۶۸۴، ۷۴۲
حسام الدوله تاش: ۱۰۸۸، ۱۸۸۵	۹۳۸، ۱۷۶۷، ۱۹۱۸، ۱۹۲۵، ۲۰۸۶
حسام الدین: ۱۰۸۹	۲۳۰۸، ۲۵۱۰، ۲۶۳۵
حسام الدین خلیل لر: ۱۰۸۹	حزب توده ایران: ۱۰۳۳، ۱۰۸۲
حسام الدین عمر لُر: ۱۰۸۹	حزب حاکم ملیون: ۱۰۸۳
حسام الدین غوری: ۱۰۸۹	حزب دمکرات: ۲۳۶۹

حسن پیرنیا: ۱۰۹۴، ۲۳۵۸، ۲۵۸۶	حسن آشتیانی: ۱۰۹۰
حسن تکین: ۱۰۹۵	حسن ابن سهل: ۱۰۹۰
حسن جلایر: ۱۰۹۱، ۱۰۹۵، ۶۳۵	حسن ابن فیروزان: ۱۰۹۰
حسن جوری: ۴۴۷، ۱۰۳۶، ۱۰۹۵، ۲۳۳۴	حسن ابن محمد: ۱۰۹۱
حسن چوپان: ۱۰۹۷	حسن ارسنجان: ۱۹۸۷
حسن چوپانی: ۱۸۸۳	حسن اطروش: ۳۷۰
حسن دامغانی: ۱۰۹۸	حسن افشار: ۱۹۸۷
حسن روملو: ۱۰۹۹	حسن امامی: ۲۶۰۷
حسن ستوده: ۱۰۸۷	حسن ایلكانی: ۱۰۹۱، ۱۰۲
حسن صباح: ۱۹۹، ۳۲۱، ۴۱۳	حسن بزرگ امید: ۱۰۹۱
۶۳۱، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۶۵، ۱۴۷۱	حسن بن زید: ۱۰۹۱، ۱۲۷۰
۱۹۰۳، ۲۱۲۳	حسن بن زید علوی: ۱۲۷۰، ۲۵۵۹
حسن عسگری (ع): ۱۰۹۲	حسن بن سدیدالدین: ۱۱۲۱
حسنعلی بیگ: ۱۱۰۰	حسن بن سهل: ۶۷۰
حسن علی ذکرة السلام: ۱۱۰۰	حسن بن عدوین: ۳۸۳
حسنعلی قراقویونلو: ۱۱۰۰	حسن بن علی (ع): ۱۰۹۱، ۱۰۹۲
حسنعلی منصور: ۱۱۰۱، ۱۱۰۲	۱۰۹۳
۱۱۰۳، ۱۸۳۲، ۲۳۲۸، ۲۴۱۲	حسن بن قاسم علوی: ۱۰۹۴، ۱۲۷۰
۲۴۱۴، ۲۶۳۵	حسن بن میکال: ۱۱۰۴
حسن غزنوی: ۵۷۶، ۱۱۰۴	حسن بیک روملو: ۱۰۹۴
حسن فیروزان: ۱۰۹۰، ۱۰۹۱	حسن بیگ روملو: ۱۳۵۹
	حسن پاکروان: ۷۴۰، ۷۴۱

حسین (ع): ۱۱۱۱، ۱۸۳۶	حسنک: ۱۱۰۴، ۱۱۰۵
حسین علاء: ۳۷۸، ۱۱۰۱، ۱۳۶۸	حسن کر: ۳۷۰
۱۸۲۱، ۱۸۳۰	حسنک قرمطی: ۱۱۰۵
حسینعلی میرزا: ۱۷۸۳	حسنک وزیر: ۲۱۲، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵
حسینعلی میرزا فرمانفرما: ۱۱۱۲	حسنلو: ۱۱۰۵
حسین غوری: ۶۷۶، ۱۵۸۸	حسن نویان: ۹۵۸
حسین فردوست: ۱۳۳، ۱۱۱۳	حسنویه: ۱۷۵۷، ۱۸۹۹
۱۹۱۱	حسنیه: ۱۳۹۸
حسینقلی خان جهانسوز: ۱۰۳۸	حسین ابن علاءالدوله: ۱۱۰۷
۱۸۹۴، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲	حسین ابن علی مروودی: ۱۱۰۸
حسینقلی خان قاجار: ۱۱۱۳	حسین امامی: ۴۳۰، ۱۱۰۸
حسین کیانی: ۲۱۲۵، ۲۱۲۶	حسین ایلکانی: ۱۱۰۸
حسین میرزا بایقرا: ۴۴۵	حسین بایقرا: ۱۱۰۹، ۱۵۱۷
حسینیه ارشاد: ۲۳۲۹	حسین بن علی: ۲۳۲۰
حسینیه ارشاد تهران: ۱۸۴۶	حسین بن علی (ع): ۱۱۰۹، ۲۰۱۶
حشاشین: ۱۱۱۴	۲۰۱۷، ۲۵۱۴، ۲۶۶۲
حشایارشا: ۵۹۴	حسین بن مهران: ۱۱۱۱
حشیشیه: ۳۲۱، ۱۱۱۴	حسین پیرنیا: ۲۳۵۸
حصار: ۱۱۱۴	حسین خان زنگنه: ۱۱۱۱
حصار دامغان: ۲۱۲۱	حسین خان سپهسالار: ۱۱۱۲
حصارلیق: ۸۷۸	حسین خان شاملو: ۱۱۱۲، ۱۶۲۲
حصیری: ۱۱۱۴	حسین سلجوقی: ۲۰۶۹

حضرت: ۶۳۰	حکمت اشراق: ۴۶
حضرت ابراهیم خلیل: ۲۳۴۰	حکم نویس: ۱۱۱۸
حضرت حسن مجتبی (ع): ۱۰۹۳	حکیم: ۱۹۷۶
حضرت حسین (ع): ۱۶۹۱	حکیم الممالک: ۱۱۱۸
حضرت رضا (ع): ۲۳۰۴	حکیم باشی: ۱۱۱۸
حضرت عبدالعظیم: ۲۸، ۱۷۴، ۴۴۳	حکیمی: ۱۱۱۸
۱۲۸۲، ۱۵۷۹، ۱۵۸۱، ۱۷۶۲	حلب: ۹۱، ۱۹۶، ۱۸۵۴
۲۴۴۱، ۲۳۴۷	حلوان: ۱۲۸، ۶۶۲، ۹۸۵، ۱۱۲۱
حضرت علی (ع): ۱۱۰۹، ۱۱۱۶	۱۳۲۶
۱۸۷۶، ۲۳۷۰	جلّه: ۱۱۲۱
حضرت عیسی: ۹۸۹، ۹۹۷	حلیه المتقین: ۲۳۰۲
حضرت فاطمه زهرا (س): ۱۱۱۴	حماد بن شاپور: ۱۱۲۲
حضرت محمد (ص): ۲۰۲، ۸۸۷	حماسه آفرینش: ۱۱۲۲
۱۱۱۵	حماسه اررا: ۱۱۲۹
حضرت معصومه (س): ۱۵۹	حماسه انزو: ۱۱۳۲
۱۷۰۹، ۱۸۹۸	حمد الله: ۶۲۴
حضرت مهدی (عج): ۱۹۶	حمد الله مستوفی: ۲۵۵، ۴۱۳، ۵۸۸
حضر موت: ۹۴۳، ۱۵۸۸	۶۲۵، ۶۴۸، ۷۰۴، ۸۴۶، ۱۰۶۳
حضر: ۵۴	۱۱۳۶، ۱۱۴۲، ۱۴۹۷، ۱۵۸۴
حفیر: ۱۱۱۸	۲۵۴۱، ۲۳۴۳، ۲۰۷۱
حق الیقین: ۲۳۰۲	حمد الله مستوفی قزوینی: ۲۳۴۱
حکمت: ۱۱۱۸، ۱۳۵۶	حمزه: ۹۶۹، ۹۷۱، ۹۷۲

حمزه آذرک: ۹۷۰	حوربها: ۵۷۹
حمزه اصفهانی: ۱۱۳۷، ۱۳۲۴	حوزه علمیه قم: ۲۵۱۳
حمزه الحمدانی: ۲۰۱۲	حوش کوری: ۱۱۴۱
حمزه بیگ ترکمان: ۱۱۳۷، ۱۸۴۰	حوض السلطان: ۱۹۳۹
حمزه آذرک: ۱۱۳۷	حیات القلوب: ۱۱۴۱، ۲۳۰۲
حمزه اصفهانی: ۶۲۵، ۱۱۷۳،	حیانیه: ۲۱۳۳
۱۳۲۳، ۱۳۹۶، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶،	حیدر سرمداری: ۲۲۱۶
۲۳۳۰، ۲۴۲۹، ۲۴۵۳، ۲۵۴۰	حیدر عمو اوغلی: ۱۰۸۷
حمزه خارجی: ۱۲۳۲	حیدر قصاب: ۱۰۹۸، ۱۱۴۱، ۱۲۲۸،
حمزه بن آذرک: ۹۷۲	۱۲۳۰، ۱۲۳۱
حمص: ۱۳، ۱۸۵۴	حیدری: ۱۱۴۲، ۲۴۹۱
حمورابی: ۸۴، ۵۷۹، ۱۱۳۸، ۱۱۴۰،	حیدریه: ۱۹۸۹
۱۴۳۸، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۵۵،	حیره: ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۲۴۰
۱۶۶۲، ۱۹۷۵، ۲۰۹۴	
حموی: ۹۱۳، ۱۱۴۰	
حمویه کوسه: ۱۱۴۰	
حمیدرضا پهلوی: ۱۱۴۰	خاپیرتی: ۱۱۴۷
حنبللی: ۱۱۴۰	خاتام تی: ۱۱۴۷
حنبلیان: ۳۹۷	خات کاپ تا: ۳۸۴
حنفی: ۱۱۴۱	خاتون: ۱۱۴۷
حنفیان: ۱۲۱	خاراسن: ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۱
حنیفه: ۱۷۹۹	خاراکس: ۳۴۰، ۵۳۸، ۱۱۴۸، ۱۱۵۲،

خ

خالصه: ۱۱۵۴	۲۴۳۳، ۱۲۱۸، ۱۲۱۶
خالکدو: ۱۴۲۵	۳۴۰: خاراکسن:
خالو حسین: ۱۱۵۶	خارخاریان: ۲۰۰۶
خالو حسین دشتی: ۱۱۵۶	خارک: ۷۲۸
خالوقریان: ۱۱۵۷، ۲۴۴۷	خازم: ۲۰۱۰
خام تام تی: ۱۱۴۷	خازم بن: ۲۰۱۱
خان: ۱۱۵۷، ۱۱۵۹	خازم بن خزیمه: ۲۰۰۹
خان آبان: ۱۱۵۹	خاص یک: ۱۱۵۲
خانات: ۱۱۵۹	خاصه: ۱۱۵۳
خان احمد گیلانی: ۲۰۰۲	خاقان: ۶۱۵، ۱۱۴۷، ۱۱۵۳، ۱۱۵۷
خانبالق: ۱۹۵۱	۱۱۷۹، ۱۱۷۶
خانبالیق: ۱۱۵۹	خاقانات: ۱۵۵
خان خیوه: ۱۱۵۹	خاقانات شرقی: ۱۵۵
خاندان آرجرونیان: ۴۳	خاقان سعید: ۱۱۵۳
خاندان اینجو: ۲۱۹۹	خاقان صاحبقران: ۱۱۵۳
خاندان باکراتونی: ۴۳، ۶۰۳	خاقان کبیر: ۱۱۵۳
خاندان جغتای: ۱۹۸۵	خاقان محمودخان: ۱۱۵۳
خاندان جلایر: ۱۰۲	خاقان ها: ۱۱۵۳
خاندان شبانکاره: ۶۵۶	خالد: ۶۰
خاندان فضلویه: ۲۱۹۹	خالد برمکی: ۱۴۷۷، ۱۱۵۳
خاندان نوذری: ۲۵۰۷	خالد بن ولید: ۹۷۷، ۱۰۲۳
خانقاه قلندر شاه: ۲۳۴۳	خالصات: ۱۱۵۴

خاندقین: ۲۲۳۷	خدای نامه: ۱۱۶۵
خان مغول: ۶۷۵	خدایچه سلطان: ۱۱۶۶
خانوارى: ۱۱۶۳	خذروان: ۱۱۶۷
خاور: ۱۱۶۳	خراجی: ۱۳۸۲
خاورمیانہ: ۱۳۷۲، ۱۳۶۹، ۵۲۱	خرادبرزین: ۱۱۶۷
خاوری الیستر: ۸۲۰	خُزاردشیر: ۱۱۶۷
خاوری هر سین: ۸۲۰	خراسان: در بیشتر صفحات آمده است
خایدالو: ۱۱۶۴	خراسان بزرگ: ۱۵۴۶
ختای: ۱۹۷۸	خراسانی: ۱۵۴۸، ۱۱۶۹
ختل: ۱۴۱	خراسانیان: ۲۵۸۱، ۱۴۷۷
خُتل: ۱۱۶۴	خرداد: ۱۱۷۰، ۱۱۶۹، ۸۸۷
ختلاب: ۱۴۱	خردادگان: ۱۱۷۰
ختلان: ۱۵۲۵، ۱۱۶۴	خردادیشت: ۲۶۰۹، ۱۱۷۰
خجستان: ۱۱۶۴	خرداذبه: ۷۱۷
خجستانی: ۱۱۶۵، ۱۱۶۴	خردمدینان: ۱۱۷۱
خجند: ۱۵۸۴، ۹۵۲، ۱۱۸	خرده اوستا: ۴۹۴، ۴۸۴، ۱۱۷۰
خجندة: ۱۱۶۵	۱۹۲۰، ۱۵۸۵
خجندی: ۱۱۶۵	خرز: ۷۵۰
خدابنده: ۱۷۹۸، ۱۷۲۷	خرقان: ۲۱۱۲
خداتها: ۱۱۶۵	خرم: ۱۱۷۱
خدامرادخان زند: ۸۸۹	خرم آباد: ۱۴۴۲، ۱۱۶۴، ۵۲۹
خداینامه: ۱۱۶۵	

خزستان: ۱۱۷۴، ۱۱۷۵	۱۴۵۴، ۱۸۶۴، ۲۲۰۷
خزرها: ۹۹۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸	خُرم باش: ۱۱۷۱
خزعل خان: ۱۱۸۱	خرمدین: ۲۲۹۱
خزیمه: ۱۱۸۲، ۲۰۱۱	خرم دینان: ۴۰۲
خزیمه بن خازم: ۴۳۲	خرمدینان: ۴۳۲، ۱۱۷۱، ۱۴۶۱
خسرو: ۳۵۹، ۹۸۸، ۹۹۲، ۹۹۳	۱۵۷۳، ۲۵۸۱
۹۹۴، ۹۹۶، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴	خرم دینان: ۵۷۷، ۱۱۷۲، ۱۲۳۰
۱۳۹۷، ۲۳۳۸، ۲۶۶۱	۲۰۰۲
خسروئن: ۱۴۴۶	خرم روز: ۱۱۷۳
خسروانوشیروان: ۵۷۳، ۸۹۹، ۱۵۴۹	خرمشهر: ۲۴۶۳
خسروانوشیروان: ۳۸، ۴۶، ۴۶۱	خرمیان: ۹۳۵
۶۲۵، ۷۷۳، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۱۸۲	خرمیه: ۱۱۷۱
۱۲۵۳، ۱۳۶۲، ۱۳۷۸، ۱۳۸۶	خروشچف: ۵۸
۱۳۹۶، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴	خرونه: ۱۱۷۳
۱۵۶۵، ۱۵۸۷، ۱۶۹۴، ۱۷۵۳	خُره شاپور: ۱۱۷۳
۱۷۵۴، ۲۱۴۲	خزاعه: ۱۷۵۹
خسرو اول: ۱۳۸۱، ۱۵۶۶، ۲۳۹۸	خزران: ۱۵۶
خسرو اول انوشیروان: ۲۳۹۸	خزر: ۳۳۰، ۳۶۰، ۴۳۹، ۵۷۲، ۵۷۳
خسرو پرویز: ۲۵، ۵۳، ۵۴، ۷۱، ۷۴	۸۸۱، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۷۹
۲۵۷، ۶۳۲، ۶۴۸، ۷۶۰، ۷۷۳، ۸۴۹	۱۱۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۹۸، ۱۳۵۳
۸۸۴، ۹۰۰، ۹۱۳، ۹۴۵، ۹۸۷، ۹۸۹	۱۳۶۳، ۱۴۲۴، ۱۴۶۵، ۱۹۷۶
۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸	۲۱۱۹، ۲۲۳۳، ۲۲۷۱

۱۱۴۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۴، ۱۱۷۹،	خسرو شاه غزنوی: ۱۱۸۵
۱۱۸۵، ۱۱۸۷، ۱۲۷۷، ۱۳۱۳،	خسرو ملک غزنوی: ۱۱۸۵
۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵،	خسرو میرزای قاجار: ۱۱۸۶
۱۴۴۴، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۴،	خسرو وریدگ: ۱۱۸۷
۱۶۵۵، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۷،	خشایار ویریا: ۱۱۸۷
۱۷۱۰، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۸۰۷،	خشایارشا: ۳۱، ۳۲، ۵۴، ۵۵، ۱۳۴،
۱۹۱۰، ۱۹۹۵، ۲۰۷۲، ۲۱۶۶،	۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۳۱۱، ۴۹۸، ۵۶۵،
۲۱۶۹، ۲۲۶۹، ۲۴۳۴، ۲۵۵۲،	۶۸۷، ۸۳۵، ۸۹۵، ۱۰۰۲، ۱۱۸۷،
۲۵۹۹، ۲۶۰۰، ۲۶۲۸، ۲۶۵۹،	۱۱۸۸، ۱۳۱۰، ۱۵۰۱، ۱۶۱۴،
۲۶۶۱،	۱۷۴۰، ۱۸۸۷، ۱۹۳۶، ۲۰۳۶،
خسرو پرویز دوم: ۱۵۶۶	۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴،
خسرو پنجم: ۱۱۸۴، ۱۴۲۵،	۲۰۴۶، ۲۰۴۹، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲،
خسرو تیرداد: ۹۷۷	۲۰۵۳، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۶۴،
خسرو چهارم: ۱۴۲۵	۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۱۴۲، ۲۱۶۹،
خسرو خان: ۱۱۸۴	۲۲۲۶، ۲۳۳۳، ۲۳۸۹، ۲۳۹۵،
خسرو خان گرجی: ۱۱۸۴	۲۵۸۶، ۲۶۲۳،
خسرو دوم: ۶۸۰، ۱۱۸۵، ۱۷۵۱،	خشایارشا اول: ۲۵۸۴
۲۵۴۸، ۲۵۶۸، ۲۶۲۹،	خشایارشا دوم: ۲۵۸۴
خسرو سوم جوانشیر: ۱۴۲۵	خشایارشا: ۲۶۹، ۱۱۸۸، ۲۴۹۸،
خسرو شاه: ۶۱۲	۲۵۸۲
خسرو شاه: ۶۱۳	خشایار شاه: ۱۶۸۲
خسرو شاه دیلمی: ۱۱۸۵	خشایارشای اول: ۱۳۷۷

خط عیلامی: ۱۰۴۷	خشایشی دهیو: ۱۱۸۸
خط عیلامی مقدم: ۱۱۹۵	خستَر: ۱۱۸۸
خط مانوی: ۱۲۰۰	خستریاون: ۱۱۸۸
خط میخی اگدی: ۱۲۰۰	خسترو سوک: ۱۱۸۹
خط میخی: ۱۲۰۰، ۱۱۹۹، ۱۸۹۴	خستره: ۱۱۸۹، ۳۸۴
۱۲۰۲، ۱۳۲۵، ۱۵۶۸، ۲۰۶۴	خستریته: ۱۱۹۲، ۱۹۰۵
۲۶۴۵، ۲۶۴۴، ۲۶۹۸	خستریته دوم: ۲۰۱۳
خطوط میخی: ۶۳۱	خشوٹ: ۱۱۹۲
خط هیروگلیف: ۱۲۰۷	خضر: ۱۰۸۹
خط یونانی: ۲۴۱۸، ۲۲۷۶	خضر بخشایش: ۱۱۹۲
خلخال: ۱۷۷۲	خط آرامی: ۱۲۰۰
خلع القاهر بالله: ۳۹۰	خط ارمنی: ۲۴۲۴
خلف: ۱۲۰۹	خط اوستایی: ۱۱۹۳
خلفای اموی: ۱۲۹، ۱۲۰۹، ۲۵۷۹	خطای: ۱۹۷۸
خلفای بنی عباس: ۴۳۰، ۲۴۲۴	خط پهلوی: ۴۹، ۵۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۵
خلفای راشدین: ۱۲۰۹، ۱۲۱۰	۱۷۴۸، ۲۴۹۳، ۲۴۹۴
۲۳۶۹	خط پهلوی آرامی: ۷۳۳
خلفای عباسی: ۳۲۰، ۳۹۸، ۴۰۹	خط پهلوی اشکانی: ۸۹۷
۴۱۵، ۴۳۱، ۴۴۲، ۶۵۶، ۱۳۰۸۹۴۷	خط ترسیمی: ۱۱۹۹
۱۲۹۹، ۰، ۱۲۷، ۱۴۴۹، ۱۷۵۶	خط تصویری: ۱۱۹۵، ۱۱۹۹
۱۸۱۲، ۱۸۳۳، ۲۲۹۲، ۲۳۷۲	خط دین دبیره: ۱۳۰۰
۲۴۱۱، ۲۴۲۶، ۲۵۷۵، ۲۵۸۱	خط سغدی: ۱۱۹۵

۲۴۷۷، ۲۴۷۸، ۲۵۲۴، ۲۵۲۵،	۲۶۶۸
۲۵۴۰، ۲۵۵۸، ۲۵۹۱	خلفای فاطمی: ۳۹۶، ۱۱۰۰، ۱۴۴۹
خلیج هرمز: ۱۲۱۷	خلفای مصر: ۱۲۱۱
خلیفه فاطمی: ۳۹۷	خلف بن لیث: ۲۶۶۵
خلیفه عباسی: ۳۰۵، ۳۹۷، ۴۳۲،	خلم: ۱۴۱
۴۳۵، ۴۳۶، ۶۵۷، ۸۶۳، ۱۳۹۲،	خلیج: ۵۷۷
۲۱۹۶، ۲۴۲۷، ۲۴۸۲، ۲۶۶۴،	خلیج اسکندرون: ۹۷۹
۲۶۶۸	خلیج ایسوس: ۹۹۰
خلیفه الخلفا: ۱۲۲۳	خلیج پارس: ۱۲۱۲
خلیل: ۱۲۲۳	خلیج سوئز: ۳۸۴
خلیل ترکمان: ۱۲۲۳	
خلیل طهماسبی: ۱۷۳	خلیج فارس: ۵۰، ۶۴، ۱۰۰، ۱۵۲،
خلیل ملکی تبریزی: ۱۲۲۳	۱۸۹، ۲۳۰، ۳۳۵، ۵۱۵، ۵۸۰، ۵۸۷،
خمسه: ۳۷۴	۷۲۸، ۷۳۱، ۷۵۵، ۸۴۹، ۹۳۴، ۹۴۰،
خموراپی: ۲۱۸	۹۴۳، ۱۱۴۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳،
خمین: ۱۵۹	۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷،
خمینی: ۶۸۵، ۱۲۲۵	۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱،
خنجری: ۲۳۳۳	۱۲۲۲، ۱۲۶۲، ۱۳۱۷، ۱۳۵۵،
خندق: ۱۱۱۶	۱۵۱۲، ۱۵۳۱، ۱۵۳۴، ۱۶۲۵،
خوالایریم: ۱۲۲۵	۱۶۳۳، ۱۷۲۸، ۱۸۶۲، ۱۹۰۵،
خواجه باشی: ۱۲۲۵	۱۹۳۹، ۲۰۳۴، ۲۱۱۶، ۲۱۷۴،
خواجه تاجدار: ۱۲۲۶	۲۲۱۷، ۲۳۴۰، ۲۴۰۲، ۲۴۰۲،

- خواجه جمال‌الدین دستجردانی: ۱۲۳۰
 ۱۲۲۶ خواجه نجیب‌الدین: ۱۲۳۰
 خواجه نصرالله باشتینی: ۱۰۹۸
 خواجه نصیرالدین طوسی: ۱۹۰، ۱۱۲۱
 خواجه نظام‌الملک: ۳۸۵، ۳۸۶
 ۷۹۹، ۱۲۳۰، ۱۵۷۳، ۲۴۹۰
 خواجه نظام‌الملک طوسی: ۸۷۱، ۲۴۹۱
 خواجه یحیی سمنانی: ۱۴۰۱
 خواجه یحیی کراوی: ۱۲۳۰
 خوارج: ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۱۰۷۶، ۱۲۳۱، ۱۷۷۸، ۲۵۱۹، ۲۶۶۴
 خوارزم: ۲۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۹۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۴۸۱، ۵۱۸، ۶۳۰، ۶۴۵، ۶۷۷، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۴، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۱، ۹۰۱، ۹۵۱، ۹۹۸، ۱۰۳۳، ۱۰۳۹، ۱۰۸۰، ۱۱۰۹، ۱۱۶۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۲۲۵، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۳۲۳، ۱۳۹۵، ۱۴۲۱، ۱۴۷۸، ۱۵۱۵
 خواجه جمال‌الدین دستجردانی: ۱۰۳۷
 خواجه شمس‌الدین زکریا: ۱۲۲۶
 خواجه شمس‌الدین علی: ۱۲۲۶
 خواجه عبدالحی: ۱۲۲۸
 خواجه عبدالله انصاری: ۵۶۶
 خواجه علاء‌الدین: ۱۲۲۸
 خواجه علاء‌الدین علی قهستانی: ۲۴۹۱
 خواجه علیشاه: ۱۳۳۸، ۱۴۱۰
 خواجه علی مؤید: ۱۰۹۹، ۱۲۲۹، ۱۸۵۱، ۲۴۵۶، ۲۶۶۹
 خواجه عمادالدین محمود کرمانی: ۱۲۲۹
 خواجه غیاث‌الدین: ۱۲۳۰، ۱۸۸۳
 خواجه غیاث‌الدین محمد: ۱۲۲۹
 خواجه قطب‌الدین طاوس سمنانی: ۱۹۹۰
 خواجه قوام‌الدین: ۱۹۹۷
 خواجه محمدابن حسن: ۱۳۹۵
 خواجه محمود: ۲۳۱۸

خوارزمیان: ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۴۱۲	۱۶۰۸، ۱۶۳۲، ۱۶۸۷، ۱۶۹۶
خوارزمیش: ۱۲۳۶	۱۷۵۹، ۱۸۰۸، ۱۸۲۵، ۱۸۵۷
خوارزمی‌ها: ۲۵۹۲	۱۹۳۶، ۱۹۹۰، ۲۰۱۱، ۲۲۵۴
خواسپ: ۱۳۵۵	۲۲۸۵، ۲۲۹۶، ۲۳۰۲، ۲۴۰۴
خواف: ۱۳۰، ۳۳۳، ۱۰۹۶	۲۵۴۵، ۲۶۰۴، ۲۶۲۵
خوافی: ۱۲۳۸	خوارزمشاه: ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۸، ۲۲۲
خواندمیر: ۱۲۳۸	۲۲۷، ۲۳۳، ۲۵۰، ۴۱۶، ۶۰۷، ۶۳۰
خوانسالار: ۱۲۳۸	۸۶۶، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۷، ۱۳۴۶
خوایت‌ودت: ۱۲۳۸	۱۳۴۸، ۱۶۰۸، ۱۶۴۴، ۱۷۷۳
خوبوشکیه: ۵۳۷	۱۸۳۴، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۹۴۵
خوتک‌دس: ۱۲۳۸	۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۱۶۳، ۲۴۰۵
خوجانی: ۱۲۳۸	خوارزمشاه تکش‌خان: ۲۴۹۱
خودسرای زن: ۱۲۳۸	خوارزمشاهی: ۲۳۷، ۱۳۴۷، ۱۹۹۰
خورا: ۷۲۸	۲۱۹۵، ۲۴۸۶
خوربرآن: ۱۲۳۹	خوارزمشاهیان: ۲۳، ۳۰۶، ۴۱۶
خورتاکان: ۶۳	۴۸۱، ۵۴۵، ۵۶۴، ۶۴۰، ۸۶۵، ۸۷۱
خورتکان: ۲۵۹۶	۱۲۳۳، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۳۱۳
خوردت: ۱۲۳۹	۱۵۰۰، ۱۵۱۵، ۱۸۲۵، ۱۸۷۶
خورزاد: ۱۲۳۹	۱۹۱۳، ۲۱۶۳، ۲۲۹۱، ۲۳۰۲
خورشیدتابان: ۱۲۳۹	۲۴۰۷، ۲۴۰۸
خورشیدیان: ۲۲۰۷	خوارزمشاهیان قدیم: ۱۲۱
خورشید یشت: ۱۱۷۰، ۱۲۳۹	خوارزمی: ۹۵۱، ۱۲۳۳، ۱۳۷۱

خوزهرستان: ۱۲۴۴	خورنق: ۱۴۵۱، ۱۲۴۰، ۱۱۴۴
خوسروک: ۲۱۲۸	خوروبوت: ۱۲۴۰
خووج: ۱۲۴۴	خوروران: ۱۲۴۰
خویدوگدس: ۱۲۴۴	خوره: ۱۲۴۳، ۱۲۴۲
خویشکاری ریدگان: ۱۲۴۴	خوزستان: ۱۸۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۱۵
خیابانی: ۱۸۶۷، ۱۲۴۵، ۱۲۴۴	۲۱۹، ۲۲۶، ۲۶۶، ۲۸۱، ۳۳۵، ۳۳۸
خیاط خانه: ۲۰۱۸	۳۷۴، ۳۷۷، ۳۹۰، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۵۳
خیام: ۲۲۱۵	۴۷۲، ۶۶۳، ۷۴۵، ۷۷۱، ۸۸۱، ۸۸۳
خیبر: ۵۲۵	۹۷۴، ۱۱۵۶، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲
خیبرالملک: ۱۲۴۵	۱۱۹۰، ۱۲۴۱، ۱۳۲۳، ۱۳۲۵
خیزر: ۴۰۸	۱۳۴۰، ۱۲۴۴، ۱۲۷۷، ۱۲۸۰
خیزرین کاوس: ۱۲۴۵، ۳۷۶	۱۲۹۰، ۱۲۹۹، ۱۳۶۷، ۱۵۰۰
خیرات الحسان: ۳۷۱	۱۵۰۱، ۱۵۵۹، ۱۵۹۹، ۱۶۱۸
خیرالنساء بیگم: ۱۲۴۶	۱۸۱۸، ۱۸۲۳، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴
خیزران: ۴۱۵	۱۸۶۶، ۱۸۸۰، ۱۹۸۴، ۱۹۹۲
خیزن: ۳۸۹	۲۱۷۷، ۲۱۸۴، ۲۱۹۷، ۲۲۰۲
خی کپتا: ۳۸۴	۲۲۰۴، ۲۲۸۷، ۲۳۳۰، ۲۳۵۴
خیوس: ۵۶۸، ۷۷	۲۳۵۵، ۲۳۵۶، ۲۳۷۲، ۲۳۷۳
خیون: ۱۲۴۷	۲۳۸۷، ۲۴۱۵، ۲۴۳۳، ۲۴۸۹
خیوه: ۲۲، ۱۱۵۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳	۲۵۲۳، ۲۵۲۴، ۲۵۶۳، ۲۵۶۵
۲۶۲۵، ۱۲۴۸، ۱۲۳۶	۲۵۹۱، ۲۵۹۹

داذهرمز: ۱۲۵۳

دارالبطیخ: ۱۲۵۵

دارابگرد: ۱۶۳۳، ۱۲۵۶، ۷۲۸، ۷۲۶

داراب: ۱۲۵۵، ۱۲۵۴

دارابگرد: ۷۲۸، ۷۲۷، ۷۲۶، ۴۵

۱۱۶۱، ۱۸۸۶، ۱۹۹۴، ۲۰۶۹

۲۵۲۳

دارادانل: ۵۴

دارا: ۱۲۵۳، ۹۸۸، ۹۸۷، ۳۳۹، ۳۳۸

۱۷۱۸، ۱۲۵۴

دارالخلافة ناصری: ۱۲۵۶

دارالفنون: ۷۶۵، ۶۷۳، ۴۴۷، ۳۷۸

۱۱۱۸، ۱۲۵۶، ۱۲۹۲، ۱۳۶۰

۱۳۶۲، ۱۸۱۵، ۱۸۶۵، ۲۰۳۲

۲۰۸۲، ۲۱۱۲، ۲۳۴۶، ۲۳۶۶

۲۵۳۱، ۲۴۴۹، ۲۴۴۸

دارایان: ۱۲۵۷

دارای: ۱۲۵۷

داردانل: ۱۹۳۶

دارسی: ۱۲۵۷

دارمستتر: ۲۴۳۵

داروغه دفترخانه: ۱۲۵۸

د

دائو دختر: ۱۲۴۹

دائیتی: ۱۲۴۹

دابوان: ۱۲۷

دابویان: ۶۵۶

دابویه: ۱۲۷، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰

دابویهیان: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۵۰

داتام: ۱۲۵۰

داتامس: ۲۶۳

داتیس: ۱۲۵۱

دادرشیش: ۲۰۱۵، ۲۰۱۶

دادستان مینوی خرد: ۱۲۵۲

دادو: ۱۲۵۲

دادیگ: ۴۹۴

داذبه: ۱۹۱

داذ دبیر: ۱۲۵۲

داذ شاهپور: ۱۲۵۳

داذفرخ: ۱۲۵۳

داذگشسب: ۱۹۱

داذور: ۱۲۵۳

۲۰۴۶ ، ۲۰۴۴ ، ۲۰۴۳ ، ۲۰۳۹	داروغه: ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۲۰۰۱
۲۰۵۲ ، ۲۰۵۱ ، ۲۰۴۹ ، ۲۰۴۸	داروغه فراشخانه: ۱۲۵۸
۲۰۶۴ ، ۲۰۵۷ ، ۲۰۵۶ ، ۲۰۵۴	داروی خرسندی: ۱۲۵۸
۲۲۵۳ ، ۲۲۲۴ ، ۲۱۸۲ ، ۲۱۷۴	داره: ۱۲۵۸
۲۳۳۳ ، ۲۲۷۵ ، ۲۲۷۴ ، ۲۲۵۴	داریوش: ۳۷، ۴۷، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۶۶
۲۴۹۸ ، ۲۴۷۰ ، ۲۳۹۲ ، ۲۳۳۹	۶۷، ۶۸، ۷۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۳۳
۲۵۹۸ ، ۲۵۹۲ ، ۲۵۹۰ ، ۲۵۵۵	۲۶۱، ۲۶۳، ۳۰۲، ۳۰۶، ۴۷۴، ۴۹۸
۲۶۲۵ ، ۲۶۲۳ ، ۲۶۰۵	۵۲۱، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۸۷، ۵۸۹
۸۸۸ ، ۸۳۱ ، ۷۳۶ ، ۵۵	دارپوش اول: ۵۵، ۷۳۶، ۸۳۱، ۸۸۸
۱۳۱۱ ، ۱۲۵۸ ، ۱۱۸۷ ، ۱۰۶۴	۷۷۶، ۷۷۹، ۸۳۵، ۸۴۹، ۹۷۹
۱۶۱۴ ، ۱۵۹۰ ، ۱۳۷۷ ، ۱۳۲۹	۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۱، ۱۰۲۳
۲۲۴۸ ، ۲۲۲۱ ، ۲۰۵۷ ، ۲۰۱۴	۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷
۲۵۸۴ ، ۲۵۸۳ ، ۲۴۹۸ ، ۲۳۸۸	۱۲۳۶، ۱۲۸۵، ۱۲۸۸، ۱۲۵۳
۱۲۸۲ ، ۶۲	دارپوش اول هخامنشی: ۶۲، ۱۲۸۲
۱۴۶۳	۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۶، ۱۲۶۸
۱۲۵۳ ، ۱۲۵۱ ، ۳۳۳	دارپوش بزرگ: ۳۳۳، ۱۲۵۱، ۱۲۵۳
۲۱۶۸ ، ۲۰۵۳ ، ۲۰۵۲ ، ۱۵۳۲	۱۳۷۹، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹
۲۶۲۵ ، ۲۵۸۴ ، ۲۵۶۸	۱۴۲۵، ۱۴۴۵، ۱۴۸۴، ۱۶۶۸
۱۴۵ ، ۵۶	دارپوش دوم: ۵۶، ۱۴۵
۱۰۳۲ ، ۷۵۹ ، ۲۷۲	دارپوش دوم: ۲۷۲، ۷۵۹، ۱۰۳۲
۱۸۸۷ ، ۱۶۶۷ ، ۱۶۶۵ ، ۱۲۶۸	۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹
۲۱۰۹ ، ۲۱۰۴ ، ۲۰۴۳ ، ۱۹۱۶	۲۰۲۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸

۲۳۰۳، ۱۸۳۳	۲۵۵۹، ۲۵۵۸، ۲۴۹۸، ۲۲۵۵
داغستان: ۱۸۴، ۱۸۵، ۴۲۹، ۹۹۸، ۲۵۸۴	
۱۲۷۰، ۱۴۶۷، ۱۸۵۹، ۲۱۹۲	داریوش سوم: ۶۲۷
۲۲۱۰	داریوش سوم: ۲۶۱۷، ۲۶۲۰
داغستانی: ۱۸۹۳	داریوش سوم: ۵۳، ۵۶، ۳۰۷، ۳۱۷
دالاهو: ۱۳۹۷	۶۴۵، ۷۳۳، ۷۷۹، ۸۴۶، ۹۷۹
دالیان: ۲۲۵۷	۱۰۱۹، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۷
داماتوس: ۱۴۸	۱۲۶۸، ۱۴۰۹، ۱۴۳۲، ۱۴۴۹
دامدات نسک: ۱۲۷۰	۲۰۵۷، ۲۰۶۷، ۲۱۲۷، ۲۲۲۶
دامغاچی: ۱۲۷۱	۲۵۸۴
دامغان: ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶	داریوش سوم هخامنشی: ۶۹
۳۳۷، ۳۹۲، ۷۲۱، ۸۲۲، ۱۰۶۲	داریوش کبیر: ۵۸۱، ۱۰۲۷، ۲۱۲۷
۱۰۹۰، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۶۸	۲۴۹۸، ۲۴۹۹
۱۴۴۱، ۱۶۲۷، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸	داریوش هخامنشی: ۷۳۶، ۲۳۳۶
۱۸۲۲، ۲۰۰۱، ۲۱۷۰، ۲۶۰۹	داریوش یکم: ۱۳۹۵، ۲۱۹۱
۲۶۴۶	داریوش: ۱۳۶۲
دامغانی: ۱۲۷۱	داشتیه: ۱۲۶۹، ۲۴۱۰
دامکینا: ۱۲۷۱، ۲۳۳۶	داشتن: ۱۲۶۹
دانشگاه کمبریج: ۲۵۴، ۱۳۱۹	داعی: ۱۲۶۹، ۱۲۷۰
دانوب: ۹۷۵	داعی صغیر: ۳۱۴، ۱۰۹۴، ۱۲۷۰
دانوب سفلی: ۶۶	۱۷۶۵
داودابن محمود سلجوقی: ۱۲۷۱	داعی کبیر: ۲۴۶، ۱۲۷۰، ۱۷۶۴

داود چغری بیک: ۲۶۵۳	دخمه مادی: ۱۲۷۵، ۲۰۰۲
داوس: ۱۲۷۱	دخیو: ۱۲۷۵
داهر: ۱۲۷۲	درآمارکار: ۱۲۷۶
داهه: ۱۲۷۲، ۳۳۴، ۳۲۸	دراز دست: ۲۰۶۷، ۲۵۰
داهی: ۱۴۰۷، ۳۲۸	دراگا: ۵۱۸
دایی تیک: ۵۱۸	دران درید: ۱۲۷۶
دبیر اصطلیل شاهی: ۳۳	دراندرزید: ۱۲۷۶
دبیران: ۱۲۷۲	دراندرزپت: ۱۲۷۶
دبیران مهیشت: ۱۲۷۲	دراندرزپتیه: ۱۲۷۶
دجله: ۳۵، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۹۰، ۱۸۱	درانگبانا: ۱۲۷۶
۱۸۷، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸	درانگ: ۱۲۷۶
۳۹۲، ۴۰۵، ۵۷۷، ۵۸۷، ۶۳۰، ۶۳۳	درانگیانا: ۵۲۶
۷۰۷، ۹۱۴، ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۹۰	درانی: ۱۲۷۶، ۲۱۲۶
۱۰۰۵، ۱۰۲۸، ۱۱۴۸، ۱۱۸۴	درایک: ۱۲۷۶
۱۲۱۴، ۱۲۱۹، ۱۲۲۱، ۱۲۶۵	دریند: ۱۱۰، ۵۲، ۱۸۵۹
۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۳۵۳، ۱۴۴۶	درزنیدان: ۲۳۲۲
۱۵۵۱، ۱۶۵۵، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵	درستبذ: ۱۲۷۷
۲۱۰۷، ۲۲۵۹، ۲۲۷۵، ۲۳۴۰	درستبذ گابریل: ۱۲۷۷
۲۵۱۰، ۲۵۶۲، ۲۵۶۶، ۲۶۶۹	درفش: ۱۲۷۷
دحیه: ۱۲۷۴	درفش کاویان: ۱۲۷۷
دخمه داودختر: ۱۲۷۵	درگزینی: ۱۲۷۷
دخمه: ۱۲۷۴	درنکیانا: ۲۳۹۶

دریاچه ارومیه: ۷۳۲، ۱۹۰۳، ۲۲۳۵،	درنگیا: ۱۲۷۷
۲۴۱۰	درنگیان: ۱۲۷۸
دریاچه چی چست: ۲۱۶۰	درنگین: ۱۳۸۰
دریاچه خوارزم: ۸۶۷	درنگینه: ۱۲۷۸، ۶۹
دریاچه وان: ۵۳۷	دروازه: ۷۲۱
دریاچه هامون: ۱۹۳۹، ۲۳۹۷	دُرُواسپا: ۱۲۷۹
دریای آرال: ۱۴۱، ۷۲۱، ۷۴۷، ۲۶۵۳	دُرُواسپ: ۱۲۷۹
دریای احمر: ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۴۲۴	درواسپ یشت یا گوش: ۱۲۷۹
دریای اریتره: ۵۱۹، ۱۲۱۸	دروپیکها: ۱۲۷۹
دریای اژه: ۹۹۰، ۱۲۶۵، ۲۲۱۸	دروسیان: ۱۲۷۹
دریای پارس: ۱۲۱۳	دروغی: ۷۱۳
دریای خزر: ۱۹، ۳۸، ۵۲، ۸۶، ۱۱۰،	دره شهر: ۱۲۷۹
۵۲۱، ۳۶۴، ۳۳۵، ۳۲۸، ۱۵۵، ۱۱۱	دره گز: ۳۳۳
۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۲، ۵۹۲، ۷۱۷، ۷۲۱،	دره رود قره سو: ۲۲۵۶
۷۴۷، ۸۵۷، ۸۶۵، ۹۸۱، ۱۰۲۳،	دره سند: ۹۶۱
۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۲۷۲،	دره نیل: ۹۶۱
۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۳۵۵، ۱۴۲۷،	دره المعالی: ۱۲۸۰
۱۵۰۶، ۱۵۶۵، ۱۷۳۰، ۱۷۶۴،	دریاچه آرال: ۱۰۳۹
۱۸۶۱، ۱۹۲۹، ۱۹۳۹، ۱۹۷۵،	دریاچه سوان: ۱۲۸۱
۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۲۳۵، ۲۲۷۵،	دریاچه وان: ۵۵، ۲۴۰۰
۲۴۷۸، ۲۵۶۹، ۲۵۹۱	دریاچه آرال: ۱۰۳۹، ۲۴۰۲
دریای خوارزم: ۱۰۳۹	دریاچه اران: ۸۵۷

دریای سرخ: ۹۴۲	دژ سمیران: ۱۲۸۲
دریای سیاه: ۱۴۸، ۵۱۹، ۶۹۲، ۷۴۰،	دستگرد: ۵۳، ۱۲۸۳
۷۶۸، ۹۹۱، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۲۶۴،	دستور: ۱۲۸۳
۱۴۱۳، ۱۴۲۸، ۲۱۱۹، ۲۱۳۳،	دشتستان: ۱۳۱۹، ۲۲۱۸
۲۱۶۰، ۲۴۴۳، ۲۵۹۲	دشت قبچاق: ۱۰۳۳
دریای عمان: ۶۲، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸،	دشت قزوین: ۱۲۸۳
۱۲۳۱، ۱۲۶۲، ۱۹۳۹، ۲۳۰۶،	دشت کویر: ۲۲۶۱
۲۴۰۲، ۲۵۲۴، ۲۵۵۸، ۲۵۹۱	دشت لوت: ۲۱۲۰
دریای گرگان: ۳۳۱، ۳۳۳، ۱۲۶۲،	دشت مُرغاب: ۲۰۶۳
۱۲۸۲، ۱۹۳۹، ۲۶۴۶	دشت مغان: ۱۰۰
دریای مدیترانه: ۳۸۶، ۷۴۰، ۲۳۷۰،	دشت میشان: ۱۲۱۶
۲۵۸۰	دشتی: ۱۲۸۳
دریای مرمر: ۱۰۱۸	دقوزخاتون: ۱۲۸۴
دریای مرمره: ۲۴۵۳	دکان داود: ۱۲۸۴، ۲۰۷۰
دریایسها: ۵۲۳	دکتر ارانی: ۲۵۸، ۲۵۹
دری: ۱۲۸۱	دکتر اقبال: ۱۱۰۲
دریک: ۵۹۰، ۱۲۸۲	دکتر پولاک: ۷۷۵
دَریگ بند: ۱۲۸۲	دکتر تقی ارانی: ۷۷۰
دَریه: ۱۳۸۱	دکتر محمد مصدق: ۷۸۲، ۹۳۷،
دزفول: ۷۴۵، ۱۷۴۱، ۲۲۰۲	۲۵۰۸
دزمارین: ۱۲۸۲	دکتر مصدق: ۷۴۲، ۹۳۸، ۱۳۶۸،
دژ ارشکان: ۱۰۴۶، ۱۲۸۲	۲۳۶۲، ۱۵۸۲

دمتریوس دوم: ۱۵۰	دکتر یدالله سحابی: ۵۹۸
دندانقان: ۱۰۴۸، ۱۲۸۸	دکسی پوس: ۱۲۸۵
دنکرت: ۱۲۸۸	دکن: ۹۳
دنگمو: ۱۲۹۰	دلشادخاتون: ۶۳۶
دنگهویتی: ۱۲۹۰	دلواری: ۱۲۸۵
دوانیقی: ۱۱۵۴	دلوس: ۲۰۳۷
دوباشروجد: ۱۲۹۰	دلیران تنگستان: ۱۲۸۵
دوراسرو: ۱۲۹۰	دمارات: ۱۲۸۵
دوزق: ۱۲۹۰	دمارت: ۱۲۸۵
دوره ساسانی: ۱۶۹۳، ۱۶۹۷	دماوند: ۵۸۹، ۵۹۳، ۱۱۵۴، ۱۲۸۶
دوستعلیخان معیرالممالک: ۲۰۲۷	۱۴۲۷، ۱۷۴۴، ۱۹۷۳، ۲۱۷۰
دوست محمدخان مشیرالدوله:	دمتریوس: ۳۶۸، ۱۵۳۹، ۱۹۳۲
۱۹۶۳	دمتریوس سوتن: ۱۵۰
دولت روم: ۲۱	دمرگان: ۱۶۸۲، ۱۵۵۲، ۱۲۸۷
دولت عباسی: ۴۰۹	دمشق: ۵۱، ۹۱، ۱۲۹، ۱۹۶، ۱۹۹
دولو: ۳۲۵، ۱۲۹۱	۳۰۸، ۴۰۶، ۴۳۹، ۹۸۹، ۱۶۹۹
دولو قاجار: ۱۲۹۰	۲۱۰۸، ۱۸۵۴
دَوَلوی قاجار: ۹۵	دمکراتها: ۲۱۵۹
دومة الجندال: ۱۲۹۱، ۲۴۶۹	دمورگان: ۱۲۲۳
دهایا: ۵۲۱	دموکدس: ۱۲۸۸
دهـ خدا: ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳	دمتریوس: ۱۴۹، ۱۵۲
۱۲۹۴	دمتریوس اول: ۱۵۰

دهقان: ۵۱۴	دیرنيس: ۱۲۹۸
دهلی: ۹۲۰، ۱۰۱۷، ۱۸۲۶، ۲۱۲۰	دیلمان: ۱۰۹۱، ۱۲۹۸، ۲۴۶۶، ۲۵۲۱
دهمان آفرین: ۱۲۹۴	
دهیویت: ۱۲۹۵	دیلم: ۵۹۳، ۹۲۳، ۹۴۳، ۱۲۹۸
دهیو: ۱۲۹۵	۱۴۶۲، ۲۵۷۸
دیاکو: ۱۲۹۵، ۱۳۱۱، ۱۹۱۹، ۲۲۳۴	دیلمستان: ۹۴۳، ۱۴۳۵
دیاواکو: ۲۶۲۱	دیلمقان: ۹۴۳
دیاپتین: ۱۲۹۵	دیلمی: ۸۶۲
دیادوخ‌ها: ۲۰۳۰	دیلمیان ری: ۱۱۵
دیاریکر: ۱۰۳، ۱۳۵، ۲۵۳، ۶۶۹	دیلمیان: ۱۹۶، ۴۱۰، ۱۲۹۹، ۱۸۱۱
۱۲۷۳، ۱۲۹۶	دیلمیان عراق: ۱۱۵
دیاکو: ۱۲۹۵، ۱۹۰۵	دیلمیان فارس: ۱۱۵
دیاکونوف: ۱۲۳۷، ۱۵۳۴	دیناور: ۱۳۶۴
دیالمه: ۱۱۵، ۶۶۳، ۱۲۹۶، ۱۸۲۳	دین بودا: ۲۵۶۹
دیالمه کالویه: ۱۲۹۶	دین دبیره: ۱۳۰۰
دیالمه اصفهان: ۱۲۹۶، ۱۸۹۹	دین دبیری: ۳۹۴
دیالمه بغداد: ۱۲۹۶	دین زردشتی: ۷۳۵
دیالمه ری: ۱۲۹۷	دین: ۱۲۹۹
دیالمه فارس: ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۸۵۲	دینکرت: ۱۲۸۸، ۱۳۰۰
دیالمه کرمان: ۱۲۹۸	دینکرد: ۵۱۳
دیاله: ۱۲۸، ۱۳۵۳، ۲۲۶۰	دینگ: ۱۳۰۱
دیرالعاقول: ۱۰۰۱، ۱۲۹۸	دیئن: ۱۳۰۱

دیون مسامس: ۱۳۰۹	دینور: ۹۳۶
دیوان مظالم: ۱۳۰۹	دینوری: ۱۳۰۲، ۱۹۹
دیوان و دروجان: ۱۳۰۹	دین یشت: ۱۳۰۲، ۱۳۰۳
دیوان وزارت: ۱۳۱۰	دیو: ۳۰
دیوان یام: ۱۳۱۰	دیوان استیفا: ۱۳۰۶
دیودورس سیسیلی: ۱۳۱۰	دیوان اشراف: ۱۳۰۶، ۲۳۴۶
دیودورسیسیلی: ۶۳، ۲۵۹۶	دیوان انشا: ۱۳۰۶
دیوسلطان روملو: ۱۳۱۱	دیوان اینجو: ۵۶۷، ۱۳۰۶
دیووکس: ۱۳۱۱، ۱۹۰۵، ۲۲۳۴، ۲۶۲۱	دیوان برید: ۶۳۰، ۱۳۰۶
دیوکلسین: ۱۰۰۱، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸	دیوان بیگی: ۱۳۰۷
۱۴۲۲	دیوان خالصات: ۱۳۰۷
دیوکلسین: ۲۰۲۳	دیواندره: ۱۴۰۳
دیولافوآ: ۱۳۱۱	دیوان دلای: ۱۳۰۷
دیون کاسیوس: ۱۳۱۱	دیوان رسائل: ۱۳۰۷
دیه نو: ۸۵۸	دیوان رسالت: ۱۳۰۸
	دیوان: ۳۰، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶
	دیوان شرع و یارغو: ۱۳۰۸
	دیوان صاحب الشرطه: ۱۳۰۸
ذ	دیوان عرض: ۱۳۰۸
ذخیره خوارزمشاهی: ۱۳۱۳	دیوان قضات ممالک: ۱۳۰۹
ذوالاکتاف: ۱۱۷۳	دیوان قضا: ۱۳۰۹
ذوالریاستین: ۱۳۱۳، ۱۹۳۸	دیوان کرکیراق: ۱۳۰۹

ذوالفقارخان افشار: ۱۸۴۹	رازی: ۱۳۲۱
ذوالقدر: ۱۹۸۹	راسا: ۱۳۵۳
ذوالقرنین: ۱۳۱۳، ۲۱۱۱، ۲۳۳۶	راسپورگان: ۸۶۲
ذوالیمینین: ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۷۸،	راست روشن: ۱۳۲۱
۱۸۰۷	راشد باجی: ۳۸۹
ذوقار: ۱۳۱۳	راضی بالله: ۱۳۲۲
	رافع بن لیث: ۸۶۰، ۲۵۸۱
	رافع بن هرثمه: ۱۳۲۲، ۱۸۵۷، ۲۳۰۳
ر	راگا: ۱۳۲۳
رئوچ: ۱۳۱۵	رام اردشیر: ۱۳۲۵
رئیسعلی دلواری: ۱۱۵۷، ۱۲۸۵،	رام اردشیر هرمزد: ۱۳۲۳
۱۳۱۵، ۲۵۲۹	رامان: ۱۳۲۳
رئیسعلی: ۱۷۱، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹	رامانیان: ۱۳۲۳، ۱۶۳۲
رابرت بریدوود: ۸۱۹	رام برزین: ۱۳۲۳
رابرت شرلی: ۱۳۱۹، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶،	رامتین: ۱۳۲۳
۱۶۴۸، ۱۶۴۷	رامنز: ۱۳۲۳
راجی: ۷۵۷، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰	رامسس دوم: ۱۰۰۹
راحة الصدور: ۱۳۲۰، ۱۳۲۶	رام کواذ: ۱۳۲۳
رادهرمز: ۱۳۲۱	رامهومز: ۲۵۲۳
راديوکرين: ۱۳۲۱، ۲۰۶۷	رامهرمزد اردشیر: ۱۳۲۴
رازاتس: ۹۹۸، ۹۹۶	رامهرمزد: ۷۶، ۱۳۲۳
راز سهریه: ۱۳۲۱	رام یشت: ۱۸

رام یشت: ۱۳۲۴	رث ایشتر: ۱۳۲۸
رامیشن ای ارتخشر: ۱۳۲۵	رجال ناصری: ۲۷۲
راندویان: ۱۳۲۵	رجایی: ۱۶۸
ران: ۱۳۲۵	رجعلی منصور: ۱۱۰۱، ۲۴۱۳
راولین سن: ۶۹۸	رُحَج: ۲۵۹۹
راولینسن: ۷۴۳، ۱۳۲۵	رخج: ۴۸، ۱۱۹۰، ۱۳۲۸، ۱۵۲۸
راولینسن: ۱۳۲۵	۱۵۳۱، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۵۹۸
راولینسون: ۳۳۷، ۱۵۵۲، ۲۳۹۹	ردآسپ: ۱۳۲۹
راوندیان: ۱۳۲۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰	ردس: ۲۰۳۱
راوندی: ۱۳۲۵	رُدگُون: ۱۳۲۹
راوندیه: ۶۲۲	رزم آرا: ۳۷۸، ۱۳۲۹، ۱۳۶۸، ۱۸۲۱
ربابه مرعشی: ۱۳۲۷	۱۸۳۱، ۲۳۱۵، ۲۵۰۴
رباط خان: ۲۱۲۱	رژی: ۱۳۳۱، ۲۴۵۱
رب النوع عیلامیها: ۱۶۱۰	رساله اردشیر: ۱۳۳۱
رب النوعهای کاسی: ۱۴۱۱	رساله روزها: ۱۳۳۲
ربیع ابن زیاد: ۱۳۷۹	رساله ابن فضلان: ۸۵۷
رَبیتوین: ۱۳۲۷	رستاقی: ۱۳۳۳
رَبیت وین گاه: ۱۳۲۸	رستم بن مرزبان: ۱۲۳
رَبیثوین: ۱۳۲۷	رستم بیگ ترکمان: ۲۴۵
رتبیل: ۱۳۲۸، ۲۱۱۷	رستم بیگ ترکمان: ۱۳۳۴
رتبیل ها: ۲۱۱۴	رستم خان: ۱۳۳۴
رته ئشترو: ۲۶۱، ۱۳۲۸	رستم دار: ۱۲۸، ۱۳۳۴

رستم: ۱۳، ۶۱۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۹۰۰،	رشیدی: ۵۶۳
۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۴۸۶، ۲۱۳۶،	رشیدیان: ۱۳۳۸
۲۱۳۸، ۲۱۶۲، ۲۳۹۵، ۲۴۲۹،	رضاخان: ۱۳۳، ۱۷۲، ۳۲۰، ۳۷۰،
۲۴۳۲، ۲۵۷۹،	۷۷۰، ۷۷۱، ۷۸۲، ۷۹۲، ۸۹۰، ۹۱۷،
رستم شاه لر: ۱۳۳۵	۹۱۸، ۱۰۸۷، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۳۳۸،
رستم فرخزاد: ۲۶۶۱	۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۶۷،
رستم فرخزاد: ۹۸۴، ۱۰۰۵، ۱۰۳۰،	۱۴۶۲، ۱۵۴۶، ۱۵۸۲، ۱۹۱۱،
۱۲۹۱، ۱۹۱۰،	۱۹۲۵، ۱۹۶۳، ۲۳۲۲، ۲۳۲۳،
رستم فرخ هرمزد: ۷۴	۲۳۵۹
رستم لر: ۱۳۳۵	رضاخانی: ۱۰۸۲
رسته: ۹۳۶	رضا رادمنش: ۱۰۸۳
رسول اکرم (ص): ۱۱۱۴	رضاشاه: ۲۴۵، ۳۲۷، ۷۸۲، ۹۱۷،
رسولخانه: ۱۳۳۵	۹۵۷، ۱۰۸۲، ۱۱۴۰، ۱۳۳۸، ۱۳۴۱،
رشت: ۴۷۰، ۴۷۱، ۱۰۶۷، ۱۳۱۸،	۱۳۶۷، ۱۸۰۶، ۱۸۴۲، ۱۸۷۶،
۱۹۸۷، ۲۲۵۸، ۲۳۱۵، ۲۴۴۵،	۱۸۹۱، ۱۹۲۴، ۲۰۸۶، ۲۲۹۴،
۲۴۴۶	۲۳۰۷، ۲۳۱۸، ۲۴۱۳، ۲۶۰۶،
رشکان: ۱۳۳۵	۲۶۲۳
رشک جنان: ۱۳۳۵	رضاعباسی: ۱۳۴۱
رشک: ۱۳۳۵	رضاقلی خان: ۱۰۶۹
رشن: ۱۳۳۵	رضاقلی خان قاجار: ۱۳۴۱
رشیدالدین فضل الله: ۱۳۳۷، ۲۳۴۱،	رضاقلی خان هدایت: ۱۱۵۹، ۱۳۵۹،
رشید و طوط زمخسری: ۲۴	رضاقلی میرزا: ۳۷۴، ۵۷۲، ۹۹۸،

۱۳۶۳	رکن الدین علاءالدوله: ۱۲۵
رضاقلی میرزای افشار: ۱۳۴۲	رکن الدین کرت: ۱۳۴۸، ۱۹۰۰
رضاییه: ۱۳۶۴	رکن الدین مبارک: ۱۹۹۱
رضی الدین نیشابوری: ۵۶۳	رکن السلطنه: ۱۳۴۹، ۲۰۰۱
رکسانه: ۶۲۷	رگا: ۴۸۶، ۱۳۴۹
رکن الدوله: ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۸۱۰	رگیانا: ۳۸۲
۱۸۵۲، ۱۸۱۸	رم: ۱۵۸۵، ۲۴۲۴
رکن الدوله بویه: ۹۵۰	رنج آل عباسی: ۲۰۱۱
رکن الدوله خمارتکین: ۱۴۱۶	روئین دژ: ۱۳۴۹
رکن الدوله دیلمی: ۵۱۰، ۱۰۹۰	روادیان: ۴۳، ۱۳۴۹
۱۲۹۷، ۱۳۴۲، ۱۸۰۹، ۱۸۱۱	روانگان دبیر: ۱۳۵۲
۱۸۹۹، ۱۹۵۷	روانگان دبهر: ۱۳۵۲
رکن الدین: ۱۹۹۱، ۲۱۲۵	روایات: ۱۳۵۲
رکن الدین ابوالمظفر ارسلان شاه بن	روایات هیمیداشوهیشتان: ۱۳۵۲
طغرل: ۱۳۴۴	روتار: ۱۳۵۲
رکن الدین ابوطالب بن ارسلان: ۱۳۴۵	روحانیان: ۷۶
رکن الدین برکیارق: ۶۲۷	روحانیت مبارز: ۱۳۵۲
رکن الدین حسن ابن هزاراسب: ۱۳۴۷	روحانیون زرتشتی: ۲۳۹۹
رکن الدین خورشاه: ۱۳۴۷	رود آبدیز: ۱۳۵۲
رکن الدین سام: ۱۲۴، ۱۲۵	رودابه: ۲۴۲۹
رکن الدین صاین: ۱۳۴۸	رود اترک: ۳۳۳
رکن الدین صلاح کرمانی: ۱۳۴۸	رود ارس: ۲۵۵، ۲۲۳۴، ۲۲۶۴

رودبار: ۲۳۷۵	روسها: ۷۹۳، ۱۸۲۴، ۱۸۵۹، ۱۹۱۵،
رود جیحون: ۸۶۷	۲۳۱۷، ۲۴۴۶
رود دیاله: ۹۹۷، ۲۲۵۹	روسی: ۱۰۸۷، ۱۵۸۱، ۱۷۹۷،
رودس: ۲۳۷۰	۱۸۶۱، ۲۳۰۹، ۲۴۲۱، ۲۶۰۶
رود سند: ۱۲۱۷، ۱۵۳۳، ۲۱۷۴،	روسیه: ۵۸۸، ۶۱۴، ۷۵۵، ۸۶۸،
۲۶۶۴	۹۱۷، ۹۳۴، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۳۳،
رود فرات: ۱۰۱۷	۱۰۸۶، ۱۱۷۴، ۱۱۸۰، ۱۲۶۱،
رود کال بیس: ۲۰۳۱	۱۲۸۰، ۱۵۱۲، ۱۵۸۲، ۱۶۲۸،
رود گرانیک: ۱۰۱۸	۱۷۸۰، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۹۷،
رود مرو رود: ۲۳۳۶	۱۹۶۴، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۳۱۶،
رود نیل: ۹۹۰	۲۳۵۸، ۲۳۶۸، ۲۴۲۱
رود ولگا: ۱۴۷۸	روضه الصفا: ۶۴۵، ۱۰۷۵، ۱۳۵۸،
رود هالیس: ۲۲۳۴	۲۳۰۲، ۲۴۳۹، ۲۴۴۰
روزنامه اطلاع: ۱۳۵۶	روضه الصفاى ناصرى: ۱۳۵۹
روزنامه ادب: ۱۳۵۶	روم: ۲۱، ۲۲، ۳۰، ۵۰، ۶۴، ۹۷،
روزنامه مرد امروز: ۲۳۱۴	۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۸۰، ۲۰۹،
روزولت: ۲۰۸۷، ۱۸۴۴، ۲۰۸۹،	۲۶۷، ۲۷۶، ۳۰۳، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۸،
۲۳۲۵	۳۶۷، ۳۸۹، ۴۵۵، ۴۹۵، ۶۴۲، ۶۴۴،
روس: ۴۰۰، ۱۵۱۲، ۲۲۱۰، ۲۳۱۲،	۶۷۹، ۶۷۹، ۷۶۵، ۷۵۷، ۷۳۰، ۶۸۰،
۲۳۱۳، ۲۳۴۲، ۲۳۴۳، ۲۳۴۷،	۷۸۷، ۸۸۱، ۹۵۸، ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۸۰،
۲۳۵۲، ۲۳۶۸، ۲۴۲۲، ۲۴۴۸،	۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۷، ۹۹۴، ۹۹۷، ۹۹۹،
روستا: ۸۸۰	۱۰۰۰، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸،

تاریخ ایران	۲۸۳۳	فهرست اعلام
۱۰۰۹، ۱۰۱۱، ۱۰۱۴، ۱۰۱۷	رومیان: ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۵۳، ۳۵۹	
۱۰۲۱، ۱۰۲۳، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸	۳۸۷، ۸۶۲، ۹۷۷، ۹۸۲، ۱۰۰۷	
۱۰۳۱، ۱۱۴۴، ۱۱۶۱، ۱۱۷۴	۱۰۱۴، ۱۱۴۹، ۱۳۶۱، ۱۴۲۳	
۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳	۱۵۰۵، ۱۵۳۷، ۱۵۶۴، ۲۰۲۸	
۱۱۸۴، ۱۲۵۵، ۱۳۱۲، ۱۳۶۱	۲۱۱۹، ۲۳۹۱، ۲۵۴۸، ۲۵۵۸	
۱۴۲۱، ۱۴۴۶، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲	۲۶۰۰، ۲۶۴۲	
۱۵۵۱، ۱۵۶۶، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷	رومیها: ۷۵۷، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۸۰	
۱۵۸۵، ۱۶۰۴، ۱۶۰۸، ۱۷۷۳	۱۰۱۴، ۱۰۱۶	
۱۹۱۲، ۱۹۲۷، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲	رومی ها: ۲۰۲۰	
۱۹۳۳، ۲۱۹۲، ۲۲۲۱، ۲۴۰۶	رویسان: ۱۲۸، ۵۸۹، ۷۱۷، ۱۹۷۳	
۲۴۳۰، ۲۴۸۰، ۲۶۰۳، ۲۶۵۲	۲۴۶۶، ۲۱۷۰	
۲۶۶۰	رویتز: ۱۳۵۹، ۱۳۶۰	
رومانیکا: ۲۱	رها: ۲۳۴۰	
روم شرقی: ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۹۷۸	ری: ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۰	
۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۵۶۵، ۲۳۳۷	۳۲۱، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۲۷	
رومگان: ۲۳۲۲	۵۸۹، ۵۹۳، ۶۲۸، ۶۴۱، ۶۵۸، ۶۵۹	
روملو: ۱۳۵۹، ۱۹۶۱، ۱۹۸۹	۹۴۳، ۱۰۴۳، ۱۰۴۶، ۱۱۹۰، ۱۲۹۷	
رومن گیرشمن: ۶۵۰، ۲۱۸۷	۱۳۲۷، ۱۲۶۴، ۱۲۷۰، ۱۲۸۳	
رومی: ۴۵۶، ۵۰۹، ۹۷۵، ۱۰۷۹	۱۲۸۶، ۱۲۹۶، ۱۳۴۴، ۱۳۴۶	
۱۳۵۹، ۱۵۳۸، ۲۰۲۳، ۲۱۱۵	۱۳۷۰، ۱۴۳۲، ۱۴۶۲، ۱۴۹۳	
۲۳۳۶، ۲۱۱۶	۱۵۱۹، ۱۵۲۴، ۱۵۴۸، ۱۵۸۴	

۱۷۱۹، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۷۵،	
۱۷۸۷، ۱۷۹۵، ۱۸۲۳، ۱۸۸۱،	ز
۱۸۹۳، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۷۳،	
۲۰۱۶، ۲۲۶۰، ۲۲۹۲، ۲۲۹۶،	زئوتز: ۱۳۶۱
۲۳۲۰، ۲۳۳۰، ۲۴۱۹، ۲۴۸۶،	زاب: ۱۳۶۱
۲۵۲۰، ۲۶۵۴،	زاب سفلی: ۹۹۶
ریاحین الشریعه: ۱۳۸	زاب صغیر: ۳۵
ریاض العارفین: ۱۷۰۷	زاب طهماسب: ۱۳۶۱
ری باستان: ۲۹	زاب کبیر: ۳۵
ریبورتز: ۲۷۰	زابلدیسن: ۱۳۶۱
ریتون: ۱۳۶۰	زابل: ۳۰۹، ۷۴۶، ۷۵۷، ۱۳۳۳،
ریدرز: ۱۳۶۰	۱۳۶۲، ۱۶۹۶، ۱۷۹۶، ۲۱۶۹
ریسک: ۱۳۶۰	زابلستان: ۱۳۶۲، ۱۷۴۵، ۱۷۹۶،
ریشارخان: ۱۳۶۰	۱۸۷۴، ۲۱۱۷، ۲۵۲۴
ریشهر: ۲۶۹، ۱۶۰۷	زابلشاه: ۱۴۲۸
ریگ ودا: ۵۱۵، ۹۶۳، ۲۵۴۶	زاپارتهنن: ۱۳۶۲
ریگ ودا: ۱۵۵۹	زاپاورتهنن: ۱۹۹۳
ریمسین: ۱۵۰۷	زاپلستان: ۱۳۶۲
ریمنی ششو: ۹۰	زاتوردات: ۱۳۶۲
ریو اردشیر: ۷۲۷	زاتی: ۱۳۶۲
ریوشاز: ۱۴۳۰	زادالمعاد: ۲۳۰۲
ریوند: ۳۰	زادانخره: ۱۳۶۲

زاهد خاتون: ۱۳۶۶، ۱۳۶۷	زادان فرخ: ۱۳۶۳
زاهدی: ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۹۳۸، ۲۰۹۵	زاد رکارتا: ۱۳۶۳
زاینده رود: ۸۱۹، ۱۳۶۹	زاد سپرم: ۵۱۳، ۲۵۴۴
زبان: ۱۴۶۵	زادشم: ۱۳۶۳
زبان آرامی: ۱۱۹۳، ۱۲۴۰	زاگرس: ۸۵، ۱۲۸، ۴۱۸، ۵۲۳، ۵۲۷
زبان آشوری: ۲۲۸۳	۵۲۹، ۷۳۵، ۹۸۵، ۱۴۱۳، ۱۵۵۶
زبان اکدی: ۱۳۶۹	۱۶۸۴، ۱۹۳۹، ۲۰۳۲، ۲۲۳۶
زبان اوستایی: ۴۸۶، ۲۵۵۹	۲۳۲۳
زبان ایلامی: ۴۷	زاگروس: ۲۲۵۹
زبان پارسی: ۳۹، ۲۰۵۳	زاگی زی: ۱۳۶۳
زبان پهلوی اشکانی: ۸۹۷	زال: ۶۸۶، ۱۳۵۳، ۱۳۶۳، ۱۴۳۶
زبان پهلوی: ۶۳۱، ۶۵۲، ۷۷۲، ۷۷۹	۱۴۸۶، ۲۱۶۲، ۲۴۲۹
۹۰۲، ۹۲۹، ۱۱۸۳، ۱۲۵۱، ۱۵۶۲	زالخان جلایر: ۱۳۶۳
۱۶۹۳، ۱۶۹۵، ۲۰۶۰، ۲۰۶۵	زال زروستان: ۱۳۶۳
۲۲۳۳، ۲۴۹۳، ۲۶۵۰	زالوب آب: ۱۳۶۴
زبان سریانی: ۶۲۴	زاماسب: ۱۳۶۴
زبان سفدیان: ۱۵۶۲	زامل: ۱۴۱
زبان عربی: ۳۹	زاموآ: ۱۳۶۴، ۲۲۳۷، ۲۲۵۸، ۲۲۵۹
زبان فارسی: ۲۲۹، ۲۳۱، ۳۱۵، ۸۷۰	زامیاد: ۱۳۶۴
۱۳۱۳، ۱۳۲۵، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲	زامیاد یشت: ۱۸، ۲۱۸، ۷۰۵، ۱۳۶۴
۲۴۴۹	زاوول: ۱۳۶۲
	زاهدان: ۱۳۷۹، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷

زبان ودایی: ۱۴۳۹	زرتشت آدریاد: ۱۳۷۴
زبانهای هند و اروپایی: ۱۴۳۹	زرتشت آدریاد: ۱۳۷۴
زبان یونانی: ۲۱، ۳۵۹	زرتشتان: ۴۴، ۷۷۲
زیده التواریخ: ۱۰۷۴، ۱۳۷۳	زرتشتی: ۱۹، ۲۲، ۱۹۵، ۲۶۷، ۳۵۹
زیده التواریخ بایسنقری: ۱۳۷۳	۴۳۷، ۴۹۰، ۶۳۵، ۶۴۵، ۷۴۴، ۷۶۴
زبیده: ۶۷۰	۹۶۸، ۱۰۶۴، ۱۱۸۳، ۱۳۷۴، ۱۴۲۳
زراسپ: ۱۳۷۳	۱۴۳۶، ۱۴۵۱، ۱۴۶۴، ۱۵۴۸
زرافشان: ۵۱۸، ۱۳۷۳	۲۱۵۱، ۲۲۳۲، ۲۳۹۹، ۲۴۰۰
زرتشت: ۴۴، ۴۸، ۱۸۰، ۲۶۵، ۲۶۹	۲۵۰۷، ۲۵۰۸، ۲۶۰۲، ۲۶۲۵
۳۰۲، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۵، ۳۶۸، ۴۳۶	۲۶۲۸، ۲۶۴۵، ۲۶۶۰
۴۶۴، ۴۸۶، ۵۰۶، ۵۶۸، ۶۰۳، ۶۲۶	زرتشتیان: ۳۴، ۹۸، ۴۸۴، ۱۲۷۴
۶۴۵، ۶۷۵، ۶۷۸، ۷۰۴، ۷۳۶، ۷۷۲	۱۲۷۵، ۱۳۳۴، ۱۳۷۴، ۱۴۵۰
۷۷۳، ۷۷۴، ۸۷۸، ۸۹۶، ۹۰۸، ۹۶۷	۲۰۶۸، ۲۰۷۶، ۲۱۵۳، ۲۳۳۴
۱۰۶۴، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۳۰۲	۲۶۲۷
۱۳۲۸، ۱۳۷۴، ۱۳۸۴، ۱۴۴۷	زرتشتیگری: ۶۲۶
۱۶۸۸، ۱۷۴۳، ۱۸۱۵، ۱۹۱۶	زرتوشت: ۱۳۷۴
۱۹۳۳، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۴۴	زرتوشت: ۱۳۷۴
۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۵۹	زرتوشت: ۱۳۷۴
۲۱۶۰، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۳۳۸	زرخردی: ۱۰۷۸
۲۳۳۹، ۲۴۰۴، ۲۴۱۹، ۲۴۲۸	زردتشتی: ۴۶
۲۴۵۵، ۲۵۸۲، ۲۶۰۱، ۲۶۰۲	زردتشتیان: ۱۲۷۴
۲۶۳۰، ۲۶۵۱، ۲۶۵۴، ۲۶۶۴	زردشت: ۱۷، ۹۴، ۹۸، ۲۸۰، ۳۹۱

زرد کوه: ۱۳۶۹	۴۳۷، ۴۶۳، ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۱۲، ۵۹۳
زرن: ۱۳۷۸	۷۴۴، ۷۶۴، ۹۲۸، ۹۲۹، ۱۰۴۵
زهران: ۱۳۷۹	۱۰۶۳، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۷۹
زَرمَن: ۱۳۷۹	۱۲۸۳، ۱۳۰۴، ۱۳۷۴، ۱۳۷۶
زرمهر: ۱۹۷۵، ۱۹۷۱	۱۳۷۷، ۱۳۸۶، ۱۸۹۰، ۱۹۲۱
زرنج: ۱۳۷۹، ۱۷۷۱، ۲۰۶۸	۲۰۵۹، ۲۱۲۷، ۲۱۴۷، ۲۱۵۱
زرنکا: ۲۵۹۸	۲۱۶۲، ۲۱۶۸، ۲۱۸۱، ۲۲۷۵
زرنک: ۱۲۶۴	۲۳۳۷، ۲۴۳۳، ۲۵۴۳، ۲۵۴۴
زرنگ: ۴۸، ۳۳۳، ۱۱۸۹، ۱۴۸۶	۲۵۵۲، ۲۵۶۱، ۲۶۰۴، ۲۶۰۵
۲۵۶۳	زردشتی: ۱۷، ۲۵، ۳۵، ۱۹۱، ۱۹۲
زرنگ بود: ۲۱۵۱	۲۰۰، ۴۶۰، ۴۸۸، ۵۱۲، ۵۱۴، ۶۲۴
زرنگیانا: ۱۳۸۰	۶۷۳، ۶۷۴، ۷۳۴، ۷۶۱، ۸۸۵، ۹۲۹
زروان: ۱۳۸۰	۱۰۲۱، ۱۱۶۹، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸
زروانداز: ۱۳۸۰	۱۴۲۱، ۱۶۳۲، ۱۶۵۷، ۱۶۹۵
زروانیه: ۱۳۸۰، ۱۳۸۱	۱۸۸۸، ۱۸۹۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۷
زرین: ۱۳۷۹، ۱۳۸۱	۲۱۲۷، ۲۱۴۳، ۲۱۴۶، ۲۲۶۹
زَرَّیَه: ۱۳۸۱	۲۴۳۳، ۲۶۵۰
زَعِیمُ الحُجَاب: ۱۳۸۲	زردشتیان: ۳۱۲، ۴۶۰، ۴۸۶، ۵۱۴
زکی خان: ۲۰۵، ۱۳۸۲، ۱۳۸۶	۵۹۴، ۶۷۳، ۷۶۱، ۱۰۶۳، ۱۲۳۳
۱۸۴۹	۱۳۷۱، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸، ۱۶۳۲
زکی خان زند: ۵۶۶	۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۲۱۵۷، ۲۲۶۹
زامداران آشور: ۹۱	۲۲۸۷، ۲۵۶۱، ۲۶۶۰

فهرست اعلام	۲۸۳۸	فرهنگ توصیفی
زمامداران بابل: ۵۸۲	۱۷۱۸، ۱۸۴۸، ۱۸۵۰، ۱۹۴۹	
زمخشری: ۱۲۳۳	۲۰۳۵، ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۹۵	
زناده: ۶۲۹	۲۴۰۰	
زنبرک: ۱۳۸۲	زنگان: ۱۳۹۱، ۱۶۱۱، ۲۰۹۰، ۲۳۷۵	
زنبرکچی باشی: ۱۳۸۲	زنگی ابن مودود: ۱۳۹۱	
زنبیل: ۱۳۸۳، ۱۳۲۸	زنگیان: ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳	
زنتو: ۱۳۸۳	۱۳۹۴، ۲۰۱۱	
زنتویت: ۱۳۸۳	زن ممتاز: ۱۳۹۴	
زنتومه: ۱۳۸۳	زنهگو: ۱۳۹۴	
زنجان: ۱۲۹، ۳۱۴، ۶۵۸، ۹۴۳	زوپیروس: ۱۳۹۴، ۱۳۹۵	
۱۰۷۴، ۱۱۳۶، ۱۴۱۱، ۱۶۱۱	زوزن: ۱۹۹۲	
۱۸۵۱، ۲۲۵۸	زوزنی: ۱۳۹۵	
زند: ۳۱۵، ۶۲۷، ۷۴۴، ۸۱۳، ۱۳۸۳	زهاب: ۱۳۹۵، ۲۲۵۹	
۱۳۸۵، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۶۳۲	زیادبن ابیه: ۲۳۷۰	
۲۰۷۴، ۲۳۴۱	زیادبن صالح: ۲۰۱۱	
زندان سلیمان: ۱۳۸۳	زیار: ۲۳۲۹	
زند اوستایی: ۱۳۸۳	زیاریان: ۱۱۹، ۱۲۹۹	
زَئِدَوَهْمَنْ یَسْن: ۱۳۸۵	زیتل بیگ توشمال باشی شاملو:	
زندیق: ۱۳۸۶	۱۴۱۵	
زندیه: ۳۱۵، ۵۴۱، ۷۰۳، ۸۸۲، ۹۴۸	زیتون خاتون: ۱۳۹۶	
۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۶۳۰، ۱۷۰۱	زیج شهریاران: ۱۳۹۶	

زیج منیژه: ۱۳۹۷

زیج: ۱۳۹۷

ژ

زید بن صالح: ۲۰۱۱

زید بن علی: ۳۱۳، ۲۵۱۹

زید بن علی بن الحسین (ع): ۱۳۹۷

زیدیان: ۱۳۹۷

زیدیه: ۱۳۹۷، ۱۸۳۳

زئریز: ۱۳۹۹

زیک: ۱۳۹۹

زیکیرتو: ۵۲۳

زیگورات: ۴۸۰، ۱۰۴۷، ۱۳۹۹

۱۶۵۸

س

زین الاخبار: ۸۱۲، ۱۴۰۱

زین الاسلام: ۱۹۸۹

زین الدین سید علی مرعشی: ۱۴۰۱

زین العابدین سنابادی: ۱۴۰۱

زین العابدین (ع): ۱۶۹۰، ۱۸۳۳

۱۸۳۶

زینب پاشا: ۱۴۰۱، ۱۴۰۲

زینوبیا: ۸۵۱

زیویه: ۱۲۲۳، ۲۲۳۹

ژاپن: ۱۰۶۹

ژنرال دوگل: ۲۳۲۵

ژنرال گاردان: ۱۸۶۱، ۱۹۶۴

ژوزف: ۱۴۰۵

ژولین: ۷۸۹

ژوهانسبورگ: ۲۴۵، ۷۸۲، ۱۳۴۱

۱۸۰۶

سته پی تیش: ۱۴۰۷

سائیس: ۳۸۴

سائینی: ۱۴۰۷

ساباسس: ۱۴۰۷

سابق: ۱۴۰۸

سابوز: ۱۴۰۸

سابورالاعظم: ۱۴۰۸

سابورالاکبر: ۱۴۰۸

سابورالجنود: ۱۴۰۸

سابور خُره: ۱۴۰۸	سادات: ۴۱۰
سابیکتاس: ۱۴۰۸	سادات مرعشی: ۱۴۱۱
ساپاردا: ۱۴۰۸، ۲۰۰۵	ساراگور: ۱۴۱۱
ساتاگوش: ۱۴۰۸	ساریوغ: ۱۴۱۲
ساتاگید: ۹۲۵، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۲۵۹۸	سارت: ۱۴۱۲
ساتاگیدیه: ۲۰۱۳، ۲۲۵۴	سارتاأل: ۱۴۱۲
ساتراپ: ۳۱۰، ۳۸۳، ۱۱۸۹، ۱۴۰۹	سارته‌ها: ۱۴۱۲
۱۵۳۱، ۲۰۱۴، ۲۱۲۷	سارد: ۶۷، ۸۷۹، ۹۸۴، ۱۳۲۷
ساتراپ باختَر: ۲۰۱۴	۱۴۱۲، ۱۶۶۵، ۱۶۶۹، ۱۷۷۶
ساتراپ پارت: ۲۰۱۵	۱۷۷۸، ۲۰۶۷، ۲۲۲۴، ۲۲۷۰
ساتراپ در هرخواستیش: ۵۳۶	۲۶۶۹
ساتراپ لیدیا: ۲۱۰۹	ساردیس: ۲۱۰۷
ساتراپ نشین: ۲۲۵۴	ساردین: ۶۸
ساتراپ نشینها: ۲۰، ۳۱۰	سارگن: ۳۸۲، ۴۹۹، ۵۷۷، ۱۴۱۳
ساتراپ ویوان: ۵۳۶	۲۴۱۰
ساتراپ‌ها: ۱۴۸	سارگن اول: ۱۴۱۲
ساتی برزن: ۱۴۰۹	سارگن دوم: ۷۶، ۸۶، ۸۷، ۱۴۱۳
ساتی بک: ۱۰۶۱، ۱۹۷۸	۱۵۴۷، ۱۶۵۰، ۱۶۶۳، ۲۳۶۶
ساتی بیک: ۱۵۴۵، ۱۷۷۱	سارگون: ۵۰۱، ۵۰۲، ۲۲۴۲
ساتی بیگ: ۵۵۱، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱	سارگون دوم: ۵۴۷، ۲۲۸۱، ۲۲۸۳
ساجیان: ۲۰۴، ۱۴۱۱	سارگون دوم: ۲۲۸۰
ساخ: ۱۴۱۱	ساروبیگ: ۱۴۱۵

۶۷۱، ۶۶۹، ۶۶۸، ۶۶۷، ۶۵۳، ۶۵۰	ساروپیره: ۱۴۱۵
۶۹۳، ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۹۰، ۶۸۹، ۶۷۸	ساروتقی: ۱۴۱۵
۷۴۴، ۷۳۵، ۷۳۱، ۷۲۷، ۷۰۳، ۶۹۸	ساروج: ۱۴۱۵
۷۶۳، ۷۵۵، ۷۵۴، ۷۵۲، ۷۵۱، ۷۵۰	ساروسلطان بیگدلی: ۱۴۱۵
۹۴۴، ۹۰۱، ۸۸۸، ۸۸۵، ۸۸۳، ۷۷۹	ساروق: ۱۴۱۵
۱۱۴۷، ۱۰۴۴، ۱۰۴۳، ۱۰۳۳، ۹۷۵	سارویه: ۱۴۱۵، ۱۴۱۶
۱۱۸۵، ۱۱۷۱، ۱۱۶۱، ۱۱۵۳	سازۀ خاتون: ۱۴۱۶
۱۲۳۹، ۱۲۳۸، ۱۲۱۲، ۱۱۹۳	ساری: ۲۳۳۴
۱۲۷۶، ۱۲۷۴، ۱۲۵۳، ۱۲۴۱	ساری‌گا: ۶۳
۱۳۲۳، ۱۲۹۰، ۱۲۸۷، ۱۲۷۷	سازمان مخفی نوید: ۲۵۱۰
۱۳۷۴، ۱۳۶۲، ۱۳۵۲، ۱۲۵۰	ساسان: ۱۷۷، ۶۸۶، ۱۴۱۹، ۲۶۲۱
۱۴۱۹، ۱۳۸۵، ۱۳۸۴، ۱۳۸۳	ساسان‌الاصغر: ۱۴۱۹
۱۴۸۹، ۱۴۶۵، ۱۴۵۱، ۱۴۴۴	ساسان‌الاکبر: ۱۴۱۹
۱۷۸۰، ۱۷۶۷، ۱۶۴۹، ۱۶۰۴	ساسان‌بن بهمن: ۱۴۱۹
۱۹۱۲، ۱۹۱۰، ۱۹۰۹، ۱۸۸۶	ساسان قارین: ۱۴۱۹
۱۹۹۳، ۱۹۷۱، ۱۹۷۰، ۱۹۴۵	ساسانی: در بیشتر صفحات آمده
۲۰۷۰، ۲۰۳۰، ۱۹۹۵، ۱۹۹۴	است
۲۱۲۳، ۲۱۱۷، ۲۱۱۶، ۲۰۸۰	ساسانیان: ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۳۴
۲۱۶۰، ۲۱۴۷، ۲۱۴۳، ۲۱۳۱	۳۸، ۴۳، ۴۷، ۵۵، ۷۳، ۱۱۱، ۱۵۳
۲۱۸۲، ۲۱۷۶، ۲۱۷۳، ۲۱۶۹	۱۷۵، ۱۷۶، ۲۱۹، ۲۳۴، ۲۵۸، ۲۶۸
۲۳۶۶، ۲۳۳۶، ۲۳۳۳، ۲۲۳۳	۲۷۵، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۸۹، ۴۶۳، ۴۶۴
۲۴۱۵، ۲۳۹۸، ۲۳۷۸، ۲۳۷۶	۴۶۵، ۴۷۴، ۶۰۲، ۶۳۱، ۶۴۰، ۶۴۳

سالاریان: ۴۳، ۱۲۹، ۱۱۶۱، ۱۴۳۴	۲۴۱۹، ۲۴۷۸، ۲۵۲۳، ۲۵۲۸
سالامیس: ۹۸۳، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳	۲۵۴۰، ۲۵۵۰، ۲۵۸۳، ۲۵۹۵
۱۴۳۵	۲۵۹۷، ۲۶۴۳، ۲۶۶۰
سالامین: ۱۴۷، ۴۷۴، ۴۹۸، ۱۵۰۲	ساترون: ۳۸۷
۱۷۳۵، ۲۶۰۹	ساعد: ۳۷۸، ۲۳۰۹
سام: ۱۳۶۳، ۱۴۳۵، ۱۴۳۹، ۱۴۸۶	ساعداالملک: ۱۴۳۲
۲۱۶۱، ۲۴۱۷، ۲۴۸۳	ساغون: ۶۳۷
سامان: ۱۴۳۰، ۲۳۳۳	ساقی یلغور: ۱۴۳۲
سامان خداه: ۱۴۳۰، ۱۴۳۶	ساکاسیتیان: ۵۲۶
سامانی: ۱۸۶، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۹	ساک سی نیان: ۱۴۳۲
۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۴۳، ۲۴۴، ۳۲۰	ساک ها: ۱۴۳۲
۳۲۱، ۳۸۶، ۶۳۹، ۶۵۹، ۷۴۵، ۸۷۱	ساگارت: ۱۴۳۳
۱۰۸۸، ۱۱۴۰، ۱۱۶۴، ۱۴۳۳	ساگارتیان: ۲۲۴۷
۱۴۳۶، ۱۴۴۳، ۱۵۱۹، ۱۶۱۳	ساگارتی ها: ۳۳۳
۱۷۱۹، ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۱۰	ساگارتی یه: ۱۴۳۳
۱۸۱۱، ۱۸۸۵، ۱۹۱۳، ۱۹۷۸	ساگارت ها: ۵۲۳، ۵۲۱
۲۴۸۵، ۲۵۰۵	ساگاسیت ها: ۵۲۶
سامانیان: ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۸۶	سالار: ۱۴۳۳، ۱۴۳۴
۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳	سالار آخور: ۱۴۳۴
۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۴۴، ۲۴۵، ۳۳۳	سالارالدوله: ۱۴۳۴، ۲۳۵۲
۳۸۶، ۳۹۶، ۴۷۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۶۴۶	سالار پرده: ۱۴۳۴
۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۷۷	سالار ملی: ۶۰۲

سانخریب: ۱۴۳۹	۱۰۹۲، ۱۰۹۱، ۱۰۴۱، ۱۰۳۹
سانسکریت: ۳۱، ۷۵، ۱۸۱، ۶۲۵،	۱۳۰۷، ۱۲۷۰، ۱۱۶۴، ۱۱۳۷
۶۷۵، ۷۷۳، ۱۱۸۳، ۱۱۹۱، ۱۳۰۴،	۱۴۴۹، ۱۴۳۸، ۱۴۳۶، ۱۴۱۱
۱۳۵۴، ۱۳۶۹، ۱۴۳۵، ۱۴۳۹،	۱۷۲۱، ۱۷۱۹، ۱۵۲۳، ۱۴۸۸
۲۱۲۲، ۲۱۶۰، ۲۴۳۵، ۲۴۵۵،	۱۸۰۸، ۱۸۰۳، ۱۷۷۲، ۱۷۶۷
۲۵۴۵، ۲۵۹۹، ۲۶۲۷،	۱۸۵۷، ۱۸۳۳، ۱۸۱۱، ۱۸۱۰
سان‌گی بوتو: ۲۲۵۶	۱۸۹۹، ۱۸۷۶، ۱۸۷۴، ۱۸۷۲
ساواک: ۵۸، ۵۹، ۷۴۱، ۷۸۴، ۱۱۴۰،	۲۱۶۰، ۱۹۵۹، ۱۹۵۸، ۱۹۰۹
۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۸۴۱،	۲۴۸۰، ۲۳۷۳، ۲۳۱۹
۱۹۰۴	سامرا: ۱۰۹۲، ۲۲۷۵، ۲۴۵۱
ساوجبلاغ: ۲۳۶۰	سامراء: ۱۷۶۱
ساوول: ۱۴۴۱، ۱۴۶۵،	سامره: ۴۰۴، ۴۰۸، ۱۱۷۲، ۲۲۹۳،
ساوه: ۱۴۴۲	۲۳۷۳
ساوه‌شاه: ۱۴۴۱	سامریون: ۱۴۱۳
سبارس: ۱۴۴۲	سامسوایلونا: ۱۴۳۸
شباشنی: ۱۴۴۲	سام میرزا: ۸۳۰، ۱۴۳۹، ۱۶۲۱،
شباشنی تکین: ۱۴۴۲	۱۷۲۷، ۱۷۳۱، ۲۰۰۲،
سبزعلی خان زند: ۱۴۴۲	سام میرزا صفوی: ۲۰۷۳،
سبزواز: ۳۳۳، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۴۱،	سامه: ۱۴۳۹
۱۱۴۲، ۱۳۲۲، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲،	سامی: ۸۴، ۱۱۴۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱،
۱۶۲۴، ۱۷۰۴، ۱۷۷۱، ۱۸۰۵،	۱۳۷۸، ۱۷۴۵، ۲۱۷۸، ۲۳۳۹،
۲۳۰۰، ۲۴۳۲، ۲۶۶۹،	سامیها: ۴۹، ۵۷۹، ۱۶۶۲، ۲۳۴۶،

سپنتمدگاه: ۱۴۴۷	سبعیه: ۱۴۴۲، ۳۲۱
سپننه مئینو: ۱۴۴۷	سبکتکین: ۱۲۰، ۲۰۴، ۲۱۴، ۶۳۳
سپندارمد: ۱۴۴۷، ۱۳۶۴، ۳۶۸	۷۹۰، ۱۰۸۲، ۱۴۳۸، ۱۵۲۳، ۱۸۱۸
سپندداتان: ۶۸۶	۲۵۰۵
سپندمینو: ۱۴۴۸، ۴۳۸	سبکتکین غزنوی: ۱۲۲، ۶۱۶
سپهبد: ۱۴۴۸، ۱۴۴۴	سبکتگین: ۱۴۴۲، ۱۴۴۳
سپهدار اعظم: ۱۹۹۸	سبکری: ۱۴۴۳
سپهدار تنکابنی: ۱۴۴۸	سبوس: ۱۴۴۳، ۱۴۴۴
سپهر: ۱۴۴۸	سپاکو: ۱۴۴۴
سپهرداد: ۱۴۴۹	سپانلو: ۱۴۴۴
سپهرکاشانی: ۱۴۱۶	سپاهبد: ۱۴۴۸
سپهسالار: ۱۴۴۹، ۱۲۹۱	سپاهبد: ۱۴۴۴
سپیتمه: ۱۳۷۴	سپاه داذور: ۱۴۴۴
سپید جامگان: ۱۴۴۹، ۴۱۲	سپاه مقدونی: ۶۹
سپیددز: ۱۴۴۹	سپاهیان بی مرگ: ۱۴۴۴
سپیدرود: ۲۲۷۱، ۱۳۴	سپته سندو: ۱۳۵۳
ستارخان: ۱۴۴۹، ۶۰۲، ۱۴۵۰	سپته سندهو: ۱۳۵۴
۲۰۸۳	سپتیم سور: ۱۴۴۵
ستاوزند: ۱۴۵۰	سپ تیموس: ۳۸۷
ستایش سیروچک: ۱۴۵۰	سپترگ دیو: ۱۴۴۷
ستجلوبا: ۱۳۵۵	سپنتارمایتی: ۱۴۴۷
سترابون: ۱۴۵۰، ۱۵۳۸	سپنتامینو: ۱۴۴۷، ۱۳۷۶، ۴۳۸

ستروخانها: ۲۲۳۴، ۱۴۵۰	سریداران کرمان: ۲۰۱۱، ۱۴۵۹
ستگیدیه: ۴۷	سربه داران: ۱۲۲۹، ۱۲۳۱، ۱۸۰۴
سته تئیر: ۱۴۵۰	سرپرسی سایکس: ۱۹۹۳
سجستان: ۷۵۰، ۷۷۷، ۸۸۳، ۱۲۷۸	سرپل ذهاب: ۱۲۸۴، ۱۳۹۷
۲۳۹۴، ۲۱۱۸	سرجان ملکم: ۱۱۴۳
سخایی: ۱۴۱۷	سرحدون: ۵۸۰
سدرد: ۱۴۵۰	سرخ جامگان: ۱۱۷۲، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲
سدرزن: ۱۴۵۱	سرخ دم: ۱۴۶۲
سده: ۱۴۵۱	سرخس: ۳۳۳، ۵۹۶، ۷۵۰، ۱۴۶۲
سدرزن: ۱۴۵۱	سردار سپه: ۹۵۷، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱
سرئوشه: ۱۴۵۱	۱۳۶۷، ۱۴۶۲، ۱۹۲۴، ۲۴۴۷
سر آنتونی: ۱۶۴۵	سردور دوم: ۱۴۶۲
سراب: ۱۵۵۲	سردیوان: ۱۴۶۲
سربازان یونانی: ۹۸۴	سرگوراوزلی: ۱۸۵۹
سربدار: ۱۲۲۷، ۱۴۶۰، ۱۸۰۵	سرمته ها: ۱۴۶۲
سربداران: ۴۲۷، ۴۴۷، ۷۷۷، ۹۶۶	سرنائیک: ۱۴۶۲
۱۰۹۷، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۴	سروردانا: ۵۰۷
۱۴۶۱، ۱۶۶۰، ۱۷۰۲، ۱۷۷۱	سروستان: ۲۰۲۶
۱۷۷۲، ۱۸۴۷، ۱۸۵۱، ۲۲۱۶	سروش: ۳۰، ۱۴۶۳
۲۳۳۴، ۲۵۰۰، ۲۵۲۲، ۲۶۶۹	سروش یشت: ۱۴۶۴
سربداران سمرقند: ۱۴۵۴، ۱۴۵۹	سرّوه: ۱۴۶۵
۲۰۱۱	سرهارفورد جونز: ۱۸۶۲

۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵	سریان: ۵۱، ۳۱۹، ۵۱۵، ۱۴۶۵
۱۵۶۶، ۱۵۷۷، ۲۱۷۶، ۲۲۵۴	سريت: ۱۴۶۵
۲۶۴۲	سریر: ۱۴۶۵
۱۳۷۱، ۷۴۸، ۱۵۴، ۷۲، ۴۹: سغدی	سعدآباد: ۷۹۳
سغدی: ۱۵۵، ۱۱۸۹، ۱۴۷۲	سعدابن ابوبکر: ۱۴۶۷
۱۴۷۳، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴	سعدابن ابی وقاص: ۱۴۶۸
سغدی: ۱۳۷۳	سعدابن علی قمی: ۱۴۶۸
سغدی: ۱۵۶۰	سعدالدوله: ۱۴۶۸، ۱۴۶۹
سغدی: ۵۹۴	سعدالدوله یهودی: ۱۴۷۰
سغدی: ۲۵۹۲	سعدالدین عنایت الله خوزانی: ۱۴۷۱
سفاح: ۷۹۰، ۱۰۰۲، ۱۲۰۸، ۱۴۷۳	سعدالدین محمد ساوجی: ۱۴۷۱
۱۴۷۵، ۱۴۷۷	سعدالملک آبی: ۱۵۶، ۱۴۷۱
سفاکین: ۳۲۱	سعدبن ابوبکر: ۲۲۹، ۸۷۲
سفره چی باشی: ۱۴۷۸	سعدبن ابی وقاص: ۱۰۰۵
سفکیان: ۱۵۵۱	سعدبن زنگی: ۲۲۸
سفیدنچ: ۱۴۷۸	سعد زنگی: ۱۴۷۱
سقراط: ۴۵۷، ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۶۶	سعد وقاص: ۹۸۵
سقر: ۱۴۰۳	سعدی: ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۲۱۴، ۲۲۱۵
سکائی: ۳۰۱	سعید نفیسی: ۸۶۱
سکائی: ۶۸، ۱۵۷۷، ۲۴۷۰	سغد: ۲۲۸۵
سکاست: ۱۴۸۶	سغد: ۵۹۱، ۸۰۱، ۱۱۹۰، ۱۲۶۷
سکاکی: ۱۴۷۸	۱۴۲۷، ۱۴۷۲، ۱۵۳۱، ۱۵۶۰

سکاییه: ۶۶	سکان شاه: ۶۸۰، ۶۸۱
سکاییه‌ها: ۷۷۷	سکانشاه: ۷۱۷
سکایی‌ها: ۱۴۸۰	سکانشاه: ۱۴۷۸
سکزاوغوز: ۲۶۴۱	سکاوند: ۱۷۵۱
سکستان: ۶۸۱، ۷۵۱، ۷۷۷، ۱۳۰۱،	سکاها: ۲۲، ۶۲، ۱۰۵، ۳۳۵، ۳۴۶،
۱۴۸۳، ۱۷۶۹، ۲۱۱۸، ۲۳۹۶،	۳۶۳، ۳۶۷، ۵۳۹، ۶۰۳، ۶۹۳،
۲۳۹۸، ۲۵۴۰، ۲۶۲۳،	۷۲۱، ۷۷۷، ۷۹۵، ۸۱۵، ۱۱۶۸،
سکندر گجسته هرومایی: ۲۳۳۶	۱۲۳۷، ۱۲۵۵، ۱۲۶۱، ۱۲۷۲،
سکوژ: ۱۴۸۳	۱۲۷۸، ۱۲۸۵، ۱۳۷۹، ۱۴۲۲،
سکونخا: ۱۴۸۳	۱۴۳۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹،
سگانشاه: ۱۴۲۸، ۱۴۸۳	۱۴۸۰، ۱۴۸۳، ۱۷۱۷، ۱۷۶۸،
سگریه: ۱۴۸۴	۱۸۱۶، ۲۱۰۹، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹،
سگز: ۱۴۸۶	۲۱۳۰، ۲۲۳۸، ۲۳۸۸، ۲۳۹۴،
سگسار: ۱۴۸۶	۲۳۹۷، ۲۵۰۶، ۲۵۴۵، ۲۵۹۱،
سلاجقه بزرگ: ۱۵۰۴	۲۶۰۵، ۲۶۳۰، ۲۶۳۴، ۲۶۴۳،
سلاجقه روم: ۱۵۰۴، ۱۸۱۲	سکایان: ۱۴۸۰، ۲۰۱۴، ۲۱۰۲،
سلاجقه: ۱۱۱، ۲۰۵، ۲۴۵، ۳۸۵،	سکایی: ۶۱، ۷۴، ۳۳۴، ۵۱۹، ۵۹۵،
۵۶۴، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۶۳، ۶۷۲،	۷۲۴، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۷۷،
۸۶۹، ۹۳۵، ۱۰۴۸، ۱۰۹۵، ۱۱۵۳،	۹۰۱، ۱۴۶۲، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۷۱۷،
۱۲۸۸، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۴۸۶،	۱۷۶۹، ۱۷۸۳، ۲۱۱۳، ۲۱۴۱،
۱۴۸۸، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶،	۲۲۷۰، ۲۳۹۷، ۲۴۱۸، ۲۵۵۷،
۱۵۰۰، ۱۵۱۵، ۱۵۲۵، ۱۵۴۴،	۲۶۳۰

سلاطین صفویه: ۲۹۸	۱۶۳۴، ۱۶۳۹، ۱۷۶۶، ۱۷۷۰
سلجوق: ۱۴۸۸، ۱۵۵۶	۱۷۷۳، ۱۸۲۶، ۲۰۴۳، ۲۱۵۱
سلجوق بن دقاق: ۱۵۰۲، ۱۵۰۳	۲۴۰۷، ۲۴۹۱
سلجوقشاه: ۲۰، ۱۲۵، ۱۸۷، ۲۲۰	سلاجقه شام: ۱۵۰۴
۲۳۲، ۸۷۲، ۱۸۸۲	سلاجقه عراق: ۱۵۰۴، ۱۸۸۰
سلجوقی: ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۸۳، ۱۹۰	سلاجقه کرمان: ۱۴۹۴، ۱۵۰۴
۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۲، ۳۸۱، ۳۸۵	۱۵۱۶، ۱۸۱۷، ۲۰۶۹
۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۷، ۴۱۱، ۴۴۲، ۵۶۱	سلاجقه: ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۸۸۳
۵۶۴، ۷۹۷، ۸۷۳، ۱۰۴۸، ۱۰۶۲	سلاجقه بزرگ: ۱۴۸۶، ۱۴۹۵
۱۲۰۷، ۱۲۵۵، ۱۲۷۱، ۱۳۷۸	سلاجقه خراسان: ۱۴۹۵
۱۳۹۶، ۱۴۹۴، ۱۵۰۵، ۱۵۱۳	سلاجقه روم: ۱۳۲۰، ۱۳۲۶، ۱۴۸۶
۱۵۵۱، ۱۶۳۴، ۱۶۴۳، ۱۶۸۶	۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸
۱۶۸۷، ۱۷۱۸، ۱۷۴۵، ۱۷۷۴	سلاجقه شام: ۱۴۸۶، ۱۵۰۰
۱۷۷۵، ۱۷۸۷، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴	سلاجقه عراق: ۸۰۶، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵
۱۸۲۵، ۱۸۴۷، ۱۸۵۳، ۱۸۵۸	۱۳۴۷، ۱۴۸۶، ۱۵۰۰، ۱۸۷۹
۱۸۷۵، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۹۰۰	۱۸۸۲، ۲۴۸۶
۲۱۲۵، ۲۲۹۷، ۲۳۰۵، ۲۴۰۰	سلاجقه کرمان: ۱۴۹۵، ۱۷۷۵
۲۴۰۲	۲۰۷۰
سلجوقیان: ۸۷۷	سلاسل قلعه: ۱۵۰۱
سلجوقیان بزرگ: ۱۵۱۳	سلاطین پافوس: ۷۴۰، ۱۵۰۱
سلجوقیان روم: ۱۱۱، ۱۵۰۵	سلاطین سالامین: ۱۵۰۲
سلجوقیان: ۹۶، ۱۲۰، ۲۱۷، ۲۴۸	سلاطین سلجوقی: ۱۵۰۴

سلسله دوم سیمشکی: ۱۵۹۹	۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۰۸، ۳۰۶، ۲۸۰
سلسله زندیه: (۱۰۷۱، ۱۰۷۲)	۴۱۰، ۶۰۹، ۶۲۸، ۶۵۶، ۸۷۷
سلسله صفاری: ۲۱۵	۱۳۲۶، ۱۴۶۸، ۱۴۸۶، ۱۵۰۲
سلسله صفوی: ۱۵۱۲	۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۱۴، ۱۵۵۶
سلسله قاجاریه: ۱۰۷۲	۱۶۳۷، ۱۶۴۰، ۱۶۴۳، ۱۸۵۵
سلسله ماد: ۲۶۳۳	۱۸۷۲، ۱۸۸۰، ۱۹۰۳، ۱۹۹۷
سلطان: ۱۵۰۷	۲۴۲۰، ۲۴۹۰، ۲۵۰۹
سلطان ابراهیم: ۶۱۰	سلجوقیان شام: ۱۵۰۵
سلطان ابوسعید: ۱۳۰، ۵۶۲، ۶۳۶	سلجوقیان عراق: ۱۰۲، ۱۸۱۵
۲۳۷۵، ۱۵۰۸	سلجوقیان کرمان: ۱۲۲، ۱۵۰۶
سلطان ابوسعید بهادرخان: ۱۸۴۵	سلجوقی عراق: ۱۳۴۵
سلطان احمد: ۶۱۷، ۹۵۳، ۱۹۸۲	سلدوز: ۸۲۰، ۱۵۰۶
سلطان احمد ایلکانی: ۶۱۶	سلسله ایسین: ۵۳۹
سلطان احمد تکودار: ۱۵۰۸	سلسله گوتیوم: ۱۵۰۷
سلطان احمد جلایر: ۱۹۸۲	سلسله گورکانی: ۲۵۹۵
سلطان الدوله: ۱۹۰۲	سلسله لارسا: ۱۵۰۷
سلطان اویس: ۱۱۰۸، ۱۲۳۰، ۱۵۰۸	سلسله های نیسین: ۱۵۰۷
سلطان اویس ایلکانی: ۱۵۰۹	سلسله اتابکان: ۱۴۷۲
سلطان اویس جلایر: ۶۱۶، ۶۹۳	سلسله اغالبه: ۲۵۸۰
۱۶۲۰، ۱۱۰۸	سلسله اول سیمشکی: ۱۵۹۹
سلطان بایزید: ۱۵۰۹	سلسله ایلکانی: ۱۶۳۱
سلطان بخت آغا: ۱۵۰۹	سلسله تیموریان: ۱۱۰۹

سلطان بهرامشاه غزنوی: ۱۹۹۱	سلطان حیدر صفوی: ۶۱۸
سلطان تکش خوارزمشاه: ۱۳۲	سلطان حیدر میرزا: ۱۵۱۳
سلطان تیموری: ۵۷۵	سلطان حیره: ۹۸۰
سلطان جلال الدین: ۹۵۱، ۲۴۰۶	سلطان زاده: ۱۰۸۷
سلطان جلال الدین خوارزمشاه: ۲۴۰۵	سلطان سلیم اول: ۱۷۲۷، ۱۸۱۲
سلطان جلال الدین علی بن سام: ۶۰۶	سلطان سلیم عثمانی: ۶۸۴
سلطان جنید: ۱۵۱۰، ۱۵۱۲، ۱۷۲۴	سلطان سنجر: ۱۲۴، ۱۹۰، ۲۰۵
سلطان حسین: ۳۲۶، ۳۷۷، ۱۱۰۸	۴۰۲، ۸۶۳، ۹۰۳، ۱۰۸۹، ۱۵۱۳
۱۱۰۹، ۱۱۸۵، ۱۵۱۲، ۱۶۱۹	۱۵۴۹، ۱۸۱۴، ۲۳۳۵، ۲۳۷۵
۱۶۲۰	۲۴۰۷، ۲۴۸۸
سلطان حسین ایلکانی: ۱۶۲۰	سلطان سنجر سلجوقی: ۱۷۷۰
سلطان حسین بایقرا: ۶۱۸، ۶۸۴	۱۹۰۳، ۲۱۸۴، ۲۴۶۳
۷۰۴، ۱۳۵۸، ۱۵۱۰	سلطان شاه: ۱۵۱۵
سلطان حسین ثانی: ۱۵۱۱	سلطان شاه سلجوقی: ۱۵۱۶، ۲۰۷۰
سلطان حسین صفوی: ۱۳۳۴	سلطان شبلی: ۱۵۱۶
۱۵۱۱، ۱۶۱۳، ۱۸۹۳	سلطان شمس الدین: ۶۰۶
سلطان حسین میرزا تیموری: ۱۸۸۴	سلطان صاحبقران: ۱۵۱۷
سلطان حسین میرزا تیموری: ۱۹۹۷	سلطان صدرالدین موسی: ۱۳۵۹
۲۰۸۱	سلطان طغرل سلجوقی: ۱۹۹۷
سلطان حیدر: ۶۳۸، ۱۵۱۲، ۱۶۱۱	سلطان عثمانی: ۱۱۳۷
۱۷۲۴	سلطان علاءالدین حسین غوری:

سلطان غیاث الدین: ۶۲۳	۱۱۰۴، ۱۳۹۵، ۱۴۸۸، ۱۵۱۹
سلطان غیاث الدین محمود غوری:	۱۵۲۳، ۱۸۰۶، ۱۸۷۶، ۲۱۳۹
۱۸۲۸، ۷۹۸	۲۲۹۵
سلطان محمد: ۵۷۵، ۶۱۱، ۷۵۸	سلطان مراد میرزا حسام السلطنه:
۸۷۵، ۱۴۷۲، ۱۶۲۹، ۱۷۲۸، ۱۹۸۰	۱۵۱۹
۱۹۹۰، ۲۳۴۵	سلطان مسعود: ۶۰۹، ۹۲۴، ۱۸۴۲
سلطان محمد الجایتو: ۱۰۶۱	سلطان مسعود اول غزنوی: ۶۳۹
سلطان محمد ایلکانی: ۱۱۰۷	۱۸۴۲، ۱۴۸۸
سلطان محمد خداپسنده: ۳۸۷	سلطان مسعود خطبه: ۸۶۳
۱۵۱۸، ۱۸۴۵	سلطان مسعود سلجوقی: ۷۹۷، ۹۳۵
سلطان محمد خوارزمشاه: ۱۱۲	۱۵۵۱، ۱۸۵۲، ۲۲۹۶
۲۲۶، ۲۲۸، ۶۳۰، ۷۹۸، ۸۶۵، ۸۷۱	سلطان مسعود شاه اینجو: ۱۰۳۷
۹۵۰، ۱۰۴۹، ۱۹۹۲، ۲۴۰۸	سلطان مسعود غزنوی: ۲۴۳، ۱۴۴۲
سلطان محمد خوارزم شاه: ۶۲۳	سلطان معزالدین محمد سام: ۶۱۳
سلطان محمد صفوی: ۱۲۴۶، ۱۶۲۲	سلطان مودود غزنوی: ۲۴۴
سلطان محمد میرزا: ۴۸	سلطانیات: ۱۵۲۰
سلطان محمود: ۲۰۴، ۲۸۲، ۶۳۹	سلطانیه: ۴۹۸، ۶۱۶، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹
۷۰۸، ۹۲۴، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۶۰۸	۱۵۲۰، ۱۶۲۰، ۱۷۰۳، ۱۷۷۱
۱۸۲۳، ۲۲۹۱، ۲۳۴۵	۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۸۵۱
سلطان محمود بن سلجوقی: ۱۶۵۹	سلغر: ۲۲۳، ۱۵۲۶
سلطان محمود غزنوی: ۳۱۳، ۵۶۲	سلغریان: ۲۲۰، ۱۵۲۶
۶۰۴، ۶۵۹، ۸۱۵، ۸۶۲، ۱۰۸۰	سلغوریان: ۱۳۴۸

۱۱۴۸، ۱۱۵۰، ۱۲۱۶، ۱۳۶۲	سلم: ۱۴۰۷
۱۵۲۸، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۵	سلمان استاجلو: ۱۵۲۶
۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳	سلوکوس: ۱۵۱، ۵۹۱، ۶۵۲، ۱۵۲۸
۱۹۱۴، ۲۲۹۴، ۲۴۲۳، ۲۴۳۰	۱۵۲۹، ۱۵۴۱، ۱۷۳۷، ۲۱۹۱
۲۵۶۳، ۲۵۶۴، ۲۶۱۶	۲۶۱۶
سلوکیان: ۲۰، ۱۵۲، ۳۰۸، ۳۱۰	سلوکوس اول: ۳۱۱، ۷۳۳، ۱۵۲۷
۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۴۶، ۳۶۱، ۳۶۳	۲۵۲۲
۳۶۸، ۳۸۳، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۵۶	سلوکوس اول: ۲۳۸۹، ۲۳۹۰
۷۲۱، ۸۱۲، ۱۱۴۸، ۱۲۹۸، ۱۴۰۹	سلوکوس پنجم: ۱۵۲۸
۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸	سلوکوس چهارم: ۱۵۲۸
۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳	سلوکوس دوم: ۱۹۹۳، ۲۰۳۸، ۱۵۲۸
۱۵۵۶، ۱۵۸۵، ۱۹۰۷، ۱۹۴۲	سلوکوس دوم: ۱۵۴۱
۲۱۱۴، ۲۱۶۵، ۲۱۹۱، ۲۳۸۹	سلوکوس سوم: ۱۵۲۹
۲۶۱۶، ۲۶۱۷	سلوکوس ششم: ۲۲۰، ۱۵۲۹
سلوکی ها: ۲۷۶، ۴۱۹، ۵۹۱، ۸۱۰	سلوکوس نیکاتور: ۲۰، ۱۵۳۱، ۲۴۲۳
۹۰۱، ۹۰۷، ۱۲۱۸، ۱۵۴۴، ۱۹۰۵	۲۵۶۳
۲۰۲۰	سلوکوس نیکاتور: ۸۱۲، ۱۵۴۴
سلوکیه: ۳۸، ۳۱۱، ۳۳۶، ۳۴۴	۲۵۱۰، ۲۳۹۰
۳۶۰، ۵۸۷، ۶۹۱، ۶۹۲، ۹۱۱، ۹۱۴	سلوکوس یکم: ۱۵۳۹، ۲۶۱۸
۹۹۶، ۱۰۰۵، ۱۰۰۹، ۱۰۱۳، ۱۱۴۸	سلوکی: ۱۳۴، ۱۵۱، ۲۵۲، ۲۷۶
۱۲۱۸، ۱۲۴۱، ۱۲۷۳، ۱۳۲۶	۳۱۱، ۳۴۶، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۴۱۹
۱۴۴۶، ۱۵۲۹، ۱۵۳۱، ۱۵۴۴	۴۲۲، ۵۹۱، ۷۳۴، ۷۷۶، ۸۸۶

۲۲۵۹	۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۲۱۹۱، ۲۳۲۲
سمپلگما: ۱۵۴۶	۲۳۴۰، ۲۳۹۰، ۲۵۶۶
سمردیس: ۳۱، ۷۶۰	سلیمان: ۱۴۹۳
سمرقند: ۸۰، ۲۴۵، ۳۹۴، ۵۱۸	سلیمان ابن داود: ۱۵۴۴
۷۵۱، ۸۵۹، ۸۶۶، ۸۷۷، ۹۰۱، ۹۱۸	سلیمان ابن کثیر: ۱۸۰۳
۹۲۰، ۱۰۸۹، ۱۱۵۳، ۱۱۶۵، ۱۲۶۴	سلیمان اول صفوی: ۱۵۱۱
۱۳۲۲، ۱۳۷۳، ۱۴۲۷، ۱۴۳۰	سلیمان بن صرد خزاعی: ۲۳۲۰
۱۴۳۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۸	سلیمان خان: ۱۴۱۱، ۱۵۴۵، ۱۸۸۴
۱۴۵۹، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۵۱۳	سلیمان خان مغول: ۱۵۴۴
۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۶۰، ۱۵۶۲	سلیمان دوم: ۴۴۲
۱۵۶۷، ۱۶۱۱، ۱۶۸۸، ۱۷۰۱	سلیمان شاه: ۱۸۸۰
۱۷۷۰، ۱۸۰۵، ۱۸۴۹، ۱۸۵۸	سلیمان شاه ایوایی: ۱۰۸۹
۱۹۳۸، ۲۰۷۷، ۲۰۷۶، ۲۱۸۰	سلیمان شاه سلجوقی: ۱۵۰۰
۲۳۷۰، ۲۴۸۵، ۲۶۱۰	سلیمان صفوی: ۱۸۴۷
سمرقندی: ۵۶۳، ۱۱۴۲	سلیمان عبدالملک: ۱۵۴۵
سمرویز: ۲۰۳۹	سلیمان قریشی: ۲۰۱۲
سمنان: ۳۳۵، ۱۰۹۰، ۲۲۶۳	سلیمان کیانی: ۲۱۲۶
سمنانی: ۱۵۴۷	سلیمان محسن اسکندری: ۱۰۸۲
سمنگان: ۵۹۵	سلیمان میرزا: ۱۵۴۵، ۱۵۴۶
سمودراگپتا: ۲۱۱۷	سلیمان نام: ۵۶۴
سمیرجیه: ۱۵۶۲	سلیمانیه: ۷۴۲، ۹۳۶، ۱۲۶۵
سمیرم: ۲۴، ۲۲۰۴	۱۳۹۸، ۲۰۶۵، ۲۲۳۷، ۲۲۵۸

سناخریب: ۱۵۴۷، ۳۱۳، ۸۶	سنقرین مودود: ۱۵۵۱
سنایی غزنوی: ۶۱۲	سنگارا: ۱۵۵۱
سنباد: ۱۵۴۸، ۱۱۶۱	سنگایان: ۱۵۵۱
سنتروک: ۱۹۳۲، ۱۵۴۹، ۳۶۳، ۳۴۱	سنگنبشته داش تبه: ۱۵۵۱، ۱۲۶۹
سنجار: ۱۸۵۳، ۶۹۳، ۲۲۳، ۱۱۹	سنگنبشته کیلی شین: ۱۵۵۲
سنجان: ۵۳۵	سنگنبشته نشتیان: ۲۴۸۵، ۱۵۵۲
سنجر: ۶۱۲، ۶۱۱، ۱۳۲، ۲۴، ۲۳	سمنار: ۱۵۵۴، ۱۲۴۰
سنج: ۱۵۱۳، ۸۸۱، ۸۶۷، ۸۶۴، ۶۱۳	سندج: ۲۲۵۹، ۲۲۴۱
سنج: ۱۵۱۴، ۱۵۴۹، ۱۷۱۸، ۱۸۸۰	سوئیس: ۱۲۹۳، ۱۵۸۲، ۲۳۰۷
سنج: ۱۹۰۲، ۱۸۸۲	۲۳۶۱
سنجرین ملک‌شاه اول: ۱۴۹۶	سواد: ۱۵۵۴
سند: ۲۶۴۷	سوان: ۱۵۵۴، ۱۵۸۶
سندباد: ۱۵۴۹	سویار: ۷۰۷
سندباد نامه: ۱۵۵۰، ۱۵۴۹	سویاری: ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۲۶۲۶
سندروک: ۱۵۵۰، ۳۴۷	سویاریها: ۱۵۵۵
سند: ۶۱۳، ۵۵۳، ۵۱۸، ۳۳۵	سویاشی: ۱۵۵۶
سند: ۱۲۶۴، ۱۳۵۴، ۱۴۳۰، ۱۸۵۶	سوتر: ۱۵۰، ۱۵۴۰، ۱۵۵۶
سند: ۲۰۹۰، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶	سوترزن: ۱۴۵۱
سند: ۲۴۲۲، ۲۱۵۸، ۲۱۱۹	سوترنه: ۲۶۱
سندیکالیستها: ۱۰۸۲	سوخر: ۱۹۷۲، ۱۲۲
سنسکریت: ۲۱۴۷، ۲۰۷۹، ۱۷۷۹	سوخرائیان: ۱۵۵۷، ۱۵۵۶
سنقرابن مودود: ۱۳۹۱	سودابه: ۱۵۵۷

۲۶۶۹، ۲۶۴۴، ۲۵۹۰	سوریاتو: ۷۰۷
سوره‌ای: ۱۴۱۳	سورستان: ۱۵۵۷
سوزنی: ۵۶۳	سُور سخن: ۱۵۵۷
سوزیان: ۲۵۸۴، ۲۵۸۳، ۱۵۵۹	سورن: ۱۹۷۱، ۱۵۵۸، ۱۰۴۶، ۷۵۴
سوزیانا: ۵۴۶	سورنا: ۹۸۶، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶
سوزیانای: ۵۴۶	۱۵۵۹، ۱۵۵۸
سوسارمس: ۱۵۵۹	سورن رود: ۱۵۵۹، ۱۰۴۶
سوسیالیست: ۲۱۶۳	سوریاس: ۱۵۵۹
سوشیانت: ۱۵۶۰، ۱۵۵۹، ۳۱۲	سوریان: ۲۵۸۳، ۲۲۷۵
سوشیانس: ۱۵۶۰، ۱۳۶۶، ۳۶۸	سورین: ۱۰۴۶
سو غده: ۵۱۸، ۴۸۶	سوریه: ۳۹، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۸۰، ۸۱
سو غود: ۱۵۶۰	۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۰۱، ۲۶۷
سو غوده: ۱۵۶۰، ۱۴۷۲	۳۳۹، ۳۹۵، ۵۲۴، ۵۸۰، ۶۴۰، ۷۱۲
سوق الاهواز: ۲۶۰۰	۷۳۵، ۷۵۵، ۷۶۲، ۷۸۱، ۸۵۱، ۹۷۸
سولتکین: ۳۹۱	۹۸۳، ۹۸۶، ۹۹۰، ۹۹۳، ۹۹۷
سولک تنگ: ۸۹۶	۱۰۰۹، ۱۰۱۱، ۱۰۱۷، ۱۰۲۲
سولو: ۸۵۶، ۸۵۵	۱۰۷۶، ۱۱۹۳، ۱۲۶۵، ۱۲۶۷
سوما: ۱۵۶۷، ۱۲۷۲	۱۴۱۲، ۱۴۲۵، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶
سومالی: ۲۱۳۹	۱۵۲۹، ۱۵۵۹، ۱۶۰۴، ۱۶۸۵
سومر: ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۷۵، ۲۵۱	۱۷۳۶، ۱۸۱۲، ۱۹۳۲، ۲۰۱۴
۴۹۹، ۵۰۰، ۵۳۹، ۵۴۰، ۶۴۰، ۷۱۰	۲۰۶۸، ۲۳۶۹، ۲۳۸۷، ۲۴۲۴
۹۶۱، ۱۵۰۷، ۱۵۶۸، ۱۶۰۰، ۱۶۸۲	۲۴۷۵، ۲۵۵۳، ۲۵۶۲، ۲۵۷۴

سیا: ۲۱۵۹، ۲۱۵۸، ۱۴۳۹	۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۲۰۹۳
سیاحتنامه: ۱۹۴	۲۱۹۳
سیاستنامه: ۱۵۷۳	سومری: ۱۷۹، ۲۳۴، ۲۳۷، ۴۷۱
سیاسیکین: ۵۷۴	۴۷۲، ۴۸۰، ۵۰۹، ۵۳۸، ۵۸۱، ۵۸۲
سیاق: ۱۵۷۳	۹۰۶، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۶۰۱، ۱۶۸۵
سیالک: ۲۰۳۴، ۲۰۳۳، ۱۵۳	۲۰۷۶، ۲۰۹۶، ۲۱۸۹، ۲۳۳۶
سیالک کاشان: ۲۱۲۱	۲۵۲۵
سیامک: ۲۱۴۴	سومریان: ۱۲۰۲، ۱۳۹۹، ۱۵۶۸
سیاوش: ۷۸۸، ۷۷۴، ۷۶۴، ۳۷۲	۲۱۳۴
۱۱۸۹، ۱۵۷۳، ۱۵۵۷، ۱۹۱۸	سومری‌ها: ۱۵۳، ۳۸۲، ۴۸۰، ۶۴۰
۲۱۷۶، ۲۱۴۴، ۲۱۲۸	۸۹۴، ۱۲۷۴، ۱۵۶۸، ۱۶۰۰، ۱۶۸۵
سیاوش: ۱۵۷۴	۲۵۲۵، ۲۳۴۶
سیاه تپه: ۲۱۷۱	سومنات: ۱۵۱۹، ۱۵۶۸، ۱۵۷۳
سیاه جامگان: ۱۸۰۳، ۱۵۷۵	۱۸۹۲
سییخت: ۱۵۷۵	سواتو: ۱۳۵۳
سیبری: ۲۳۷۹	سوه: ۱۵۷۳
سیبلین: ۱۵۷۶	سویس: ۲۵۹۸
سیپ پار: ۱۵۷۷، ۳۸۲	سهرورد: ۱۲۹، ۲۰۹۰
سی تاسن: ۲۳۴۰	سهروردی: ۴۶
سی تاسه: ۲۳۴۰	سهروردیه: ۶۷۶
سیت‌ها: ۹۰۱	سهند: ۲۲۵۸
سیج: ۱۵۷۷	سهیلی: ۱۵۷۳، ۲۶۰۶

سید یحون: ۸۰، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۸۱،	۱۸۴۳، ۱۸۶۷، ۱۹۹۸
۳۱۷، ۳۸۶، ۵۱۸، ۵۲۵، ۸۵۸، ۸۶۷،	سید عبدالله بهبهانی: ۸۹۰، ۱۷۶۳،
۱۰۴۳، ۱۱۶۹، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴،	۲۳۴۳
۱۴۳۳، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۵۷۷،	سید عبدالله مجتهد بهبهانی: ۶۷۷
۱۵۸۴، ۱۶۴۴، ۱۷۱۷، ۲۱۰۹،	سید عزالدین سوغندی: ۱۵۸۲
۲۱۱۸، ۲۱۳۰، ۲۳۹۶،	سید علاءالدین حسین: ۱۵۸۲
سید اسماعیل: ۲۳۲۲	سید علیمحمد: ۵۸۷
سید تس: ۱۵۲	سید علیمحمد باب: ۵۸۸
سید جمال الدین اسدآبادی: ۱۵۷۸،	سید علی محمد شیرازی: ۵۷۱، ۵۸۷
۱۸۱۳، ۲۳۴۶، ۲۴۴۱،	سید فخرالدین محمد: ۱۵۸۳
سید جمال واعظ: ۲۳۴۹، ۲۳۵۱،	سید قوام الدین مرعشی: ۱۵۸۳
سید حسن اشرف غزنوی: ۶۱۲	سید کاظم بجنوردی: ۱۰۸۷
سید حسن فراهانی: ۱۵۸۰	سید مجتبی نواب صفوی: ۲۵۰۲
سید حسن مدرس: ۲۳۴۳	سید محمد حسن میرزای شیرازی:
سید حسین امامی: ۲۵۰۴	۱۷۰۸
سید حسین تقی زاده: ۲۱۷۳	سید محمد سنگلجی: ۱۵۸۳
سید زین العابدین: ۱۵۸۰	سید محمد طباطبایی: ۱۵۸۳،
سید شریف باقی شیرازی: ۱۵۸۰	۱۷۶۱، ۱۷۶۳، ۲۴۶۶
سید ضیاء: ۱۵۸۲	سید محمد فلاح: ۲۳۵۴
سید ضیاء الدین: ۱۷۶۴	سید محمد کاظم یزدی: ۲۳۲۲
سید ضیاء الدین طباطبایی: ۱۳۳،	سید محمد ولی قره‌نی: ۱۹۸۶
۹۵۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۵۸۱، ۱۷۶۴،	سید نورالله شوشتری: ۱۵۸۳

فهرست اعلام	۲۸۵۸	فرهنگ توصیفی
سیده خاتون: ۱۲۳	۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳	
سیراف: ۱۲۱۶	۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۳۳، ۱۴۷۸	
سیراوند: ۹۶۷	۱۴۸۳، ۱۴۸۶، ۱۵۱۹، ۱۵۵۸	
سیرجان: ۱۰۹، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۸	۱۵۹۸، ۱۶۳۵، ۱۶۹۷، ۱۷۱۹	
سیر دریا: ۶۴۶، ۱۴۳۳	۱۷۲۱، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۶۹	
سیر دریا: ۱۲۳۵، ۱۵۷۷، ۱۵۸۴	۱۷۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۹۶، ۱۸۳۱	
۲۱۱۵	۱۸۵۶، ۱۸۶۳، ۱۸۷۶، ۱۹۰۸	
سیرسوز: ۱۵۸۴	۱۹۰۹، ۲۰۲۵، ۲۰۵۹، ۲۰۶۸	
سیروان: ۲۰۷۲	۲۰۶۹، ۲۱۱۸، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲	
سیروان ورود: ۱۳۵۳	۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۳۷، ۲۱۷۵	
سیروپدی: ۴۱۷، ۱۵۸۴، ۲۱۶۶	۲۱۷۶، ۲۲۷۵، ۲۳۷۰، ۲۳۷۳	
سیروزه: ۱۵۸۵	۲۳۹۴، ۲۳۹۵، ۲۳۹۷، ۲۳۹۸	
سیزیک: ۱۵۸۵	۲۴۰۳، ۲۴۰۷، ۲۴۰۸، ۲۵۲۴	
سیستان: ۶۳، ۱۰۹، ۱۸۳، ۲۱۹	۲۵۵۶، ۲۵۵۷، ۲۵۶۳، ۲۵۶۹	
۲۴۶، ۳۲۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۷۶، ۳۷۷	۲۶۰۱، ۲۶۶۴	
۴۰۷، ۴۳۴، ۴۴۲، ۴۷۱، ۵۲۶، ۶۰۸	سیستانی: ۱۴۳۵	
۶۰۹، ۶۵۴، ۶۵۹، ۶۷۲، ۶۸۶، ۶۸۸	سیستانیان: ۲۵۹۱	
۷۵۱، ۷۵۲، ۷۷۷، ۹۱۸، ۹۶۹، ۹۷۱	سیسجان: ۱۵۸۶	
۹۷۲، ۱۰۷۷، ۱۱۴۸، ۱۱۵۶، ۱۱۶۴	سیسرو: ۱۵۸۵	
۱۱۹۰، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲	سیسکان: ۱۵۸۶، ۱۵۸۷	
۱۲۶۴، ۱۲۷۶، ۱۲۷۸، ۱۳۰۱	سی سیرتو: ۲۰۰۶	
۱۳۲۲، ۱۳۲۸، ۱۳۳۳، ۱۳۶۶	سیسیل: ۲۳۷۰	

سیمشور: ۱۵۸۷	سیمجوریان: ۲۰۷، ۲۱۲، ۱۵۹۸
سیف ابن ذی یزن: ۱۵۸۷	سیمره: ۲۰۷۱
سیف الدوله: ۱۵۲۵، ۲۵۰۵	سیمری ها: ۱۵۹۹
سیف الدوله محمود: ۶۱۰	سیمشکی: ۲۱۸، ۱۵۹۹
سیف الدوله محمود غزنوی: ۱۵۸۸	سیموکاتا: ۱۶۰۰
سیف الدین سوری: ۱۵۸۸، ۱۹۹۱	سیمون: ۱۶۰۱
سیف الدین غازی: ۲۲۳	سین: ۱۶۰۱، ۱۶۶۲
سیف الدین قلاون: ۱۳	سیندخت: ۲۴۲۸
سیف الدین محمد غوری: ۱۵۸۹، ۱۹۰۱	سی نن: ۳۸۵
سیف الدین مظفر شبانکاره: ۱۵۸۹	سینوپ: ۱۸، ۱۶۰۱
سیف بن ذی یزن: ۱۲۲۱	سیواس: ۳۸۵
سیف ذی یزن: ۱۲۱۵	سیورغال: ۳۸۱، ۱۶۰۱
سیکایاتوواتیش: ۱۵۸۹	سیورغتمش: ۷۱۵، ۱۶۰۲، ۱۶۱۵، ۲۰۶۷
سیکیوتی: ۱۵۸۹	سی و سه پل: ۱۶۰۲
سیگلو: ۱۵۹۰	
سیلک: ۳۸۴، ۵۳۰، ۱۱۹۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۷	ش
سیماتش: ۱۵۹۷	شاپشال: ۲۳۵۱
سیمجور: ۲۸۲، ۶۵۹، ۱۵۹۸، ۱۸۱۱	شاپور: ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۳۱، ۱۱۷۳، ۱۳۶۱، ۱۵۵۱، ۱۶۰۳، ۱۶۰۶
سیمجور دواتی: ۱۵۹۸	۱۶۰۷، ۱۹۴۶، ۱۹۷۳، ۲۰۲۴
سیمجوری: ۶۵۹، ۶۶۰	

شاپورگان: ۱۶۰۸، ۷۸۱	۲۶۵۴، ۲۰۶۱، ۲۰۶۰
شاپیتورکورش: ۱۶۰۸	شاپور اول: ۷۸۱، ۷۸۰، ۷۶۵، ۳۸۹
شادتگین خانی: ۱۶۰۸	۸۹۶، ۱۰۲۷، ۱۰۳۱، ۱۴۰۸، ۱۴۲۱
شادشاپور: ۱۶۰۸	۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۶، ۱۹۴۵
شادقباد: ۱۶۰۸	۲۰۵۴، ۲۰۶۱، ۲۴۹۴، ۲۴۹۹
شادلو: ۱۶۰۸	۲۶۰۰
شادمان: ۱۶۰۹	شاپور اول ساسانی: ۹۱۳، ۹۷۴
شادیاخ: ۱۶۰۹	۱۲۳۸، ۱۲۸۹، ۱۹۹۴، ۲۲۸۴
شادیلو: ۱۶۰۸	شاپور بختیار: ۶۱۹، ۱۶۰۶
شاذقباد: ۹۸۵	شاپور جاماسب: ۱۶۰۶
شاران غرjestان: ۱۶۰۹، ۶۵۶	شاپور جی: ۲۷۱
شاردن: ۱۶۰۹، ۱۱۵۵، ۱۶۱۹	شاپور خُره: ۱۶۰۳، ۱۶۰۷، ۱۸۸۶
۱۷۶۶، ۱۷۲۹	شاپور خوره: ۱۰۸۹، ۱۶۰۷، ۲۱۱۱
شارستان: ۱۶۹۶، ۴۸	شاپور دوم: ۴۵۶، ۴۹۴، ۱۲۱۵
شارشاه: ۱۶۰۹، ۱۴۲۸	۱۲۴۸، ۱۳۸۱، ۱۴۰۸، ۱۶۰۷
شاطرباشی: ۱۶۱۰	۲۰۵۳، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹
شافعیه: ۱۶۱۰	شاپور دوم ساسانی: ۲۲۷۰
شالا: ۱۶۱۰، ۵۶۷	شاپور ذوالاکتاف: ۱۳۶، ۱۴۲۲
شام: ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۰، ۱۰۳، ۸۵	شاپور ساسانی: ۹۷۸، ۱۵۵۳
۱۰۰۱، ۹۴۲، ۸۵۱، ۲۱۱، ۱۹۶	شاپور سوم: ۶۸۰، ۱۶۰۷، ۲۰۵۳
۲۰۴۲، ۱۹۶۱، ۱۷۷۱، ۱۷۰۲	شاپور علیا: ۱۴۰۸
۲۴۰۶، ۲۴۰۵، ۲۱۸۰، ۲۱۳۲	شاپور فارس: ۲۷، ۱۶۰۶

شامات: ۲۵۹، ۶۵۹	۶۸۴، ۸۳۰، ۱۴۱۵، ۱۶۱۰، ۲۰۷۳،
شاملو: ۱۰۰، ۶۴۰، ۱۵۱۱، ۱۶۱۰،	۲۵۲۸
۱۹۶۱، ۱۹۸۹	شاه اسمعیل صفوی: ۱۲۳۸
شامی: ۱۶۱۰	شاهان اشکانی: ۲۷۵
شانجان: ۱۳۹۱، ۱۶۱۱	شاهان خاراسن: ۱۱۵۲
شاه اسماعیل: ۶۳۸، ۶۸۴، ۸۹۱،	شاه انزان: ۱۶۱۳
۹۷۲، ۱۴۳۹، ۱۷۰۱، ۲۳۵۵	شاه آنشان: ۴۶۶
شاه اسماعیل اول: ۶۸۵، ۱۶۱۸،	شاهان شاه: ۲۶۹
۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۸۰۷،	شاهان کاری: ۱۶۱۳
۱۹۸۸	شاهان کیلیکیه: ۱۶۱۴
شاه اسماعیل اول صفوی: ۴۴۴،	شاه بیگم: ۱۶۱۵
۹۸۵، ۱۶۱۱، ۱۶۱۵	شاه پارس: ۱۶۱۳
شاه اسماعیل دوم: ۷۵۸، ۸۸۹،	شاهپور: ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۱۰۳۱
۱۰۹۴، ۱۵۱۳، ۱۶۲۹، ۱۸۵۰،	شاهپور الحضر: ۳۸۹
۲۳۳۴	شاهپور اول: ۷۴۸، ۹۷۷، ۲۵۰۹
شاه اسماعیل دوم صفوی: ۷۵۸	شاهپور دوم: ۱۱۷۷، ۱۲۴۰
شاه اسماعیل دوم صفوی: ۶۲۱،	شاهپور دوم ساسانی: ۱۱۴۴
۸۳۰، ۱۲۴۶، ۱۶۱۲	شاهجهان: ۷۵۰، ۱۶۱۵
شاه اسماعیل سامانی: ۱۶۱۳	شاهجهان: ۱۶۲۸
شاه اسماعیل سوم: ۱۸۴۹	شاه حسین: ۱۶۱۵
شاه اسماعیل سوم صفوی: ۱۶۱۳	شاه حسین عباسی: ۱۶۱۶
شاه اسماعیل صفوی: ۲۵۰، ۵۷۵،	شاه حسین لر: ۱۶۱۶

شاهد: ۲۳۶۹	شاهسون: ۱۷۲۹
شاهد بن جراح: ۳۸۲	شاه شجاع: ۱۳۰، ۱۴۵۹، ۱۵۰۸،
شاه دبیریه: ۱۶۱۶	۱۵۰۹، ۱۵۱۶، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰،
شاهدژ: ۱۶۱۶	۱۶۲۹، ۱۶۳۱، ۱۹۹۰
شاهرخ: ۲۴۶، ۳۱۵، ۳۷۶، ۶۱۷،	شاه شجاع آل مظفر: ۱۷۹۶
۱۳۶۳، ۱۵۰۸، ۱۶۱۷، ۱۸۲۶،	شاه شجاع درانی: ۱۶۲۰
۱۹۸۲، ۱۹۸۶، ۲۴۸۸	شاه شجاع مظفری: ۱۹۹۷
شاهرخ افشار: ۳۷۴	شاه شیخ ابواسحاق اینجو: ۸۱۴
شاهرخ تیموری: ۳۹۴، ۷۵۹، ۱۱۵۳،	شاه صفی: ۴۲۸، ۱۳۹۵، ۱۶۲۱،
۱۳۷۳، ۱۶۳۱، ۱۶۶۰، ۱۸۰۵،	۱۶۲۲، ۱۶۲۷، ۱۷۰۷
۲۴۹۱، ۲۳۳۵	شاه صفی دوم صفوی: ۲۳۳۷
شاهرخ میرزا: ۱۷۷۴	شاه صفی صفوی: ۱۵۸۳
شاه رستم عباسی: ۱۶۱۷	شاه طهماسب اول: ۷۵۸، ۱۴۷۱،
شاه رکن الدین حسن: ۱۶۱۸	۱۷۲۸
شاهرود: ۳۳۳، ۵۹۳، ۸۲۷، ۹۴۳،	شاه طهماسب اول صفوی: ۴۴۳،
شاهزاده بیگم صفوی: ۱۶۱۸	۷۹۰، ۸۸۹، ۹۵۱، ۱۱۱۲، ۱۳۳۵،
شاهزاده قراقویونلو: ۲۳۵۵	۱۵۸۰، ۱۶۱۲، ۱۶۲۹، ۱۶۴۸،
شاه سلطان حسین: ۳۷۸، ۱۵۱۲،	۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۸۰۷، ۱۹۹۷،
۱۶۱۸، ۱۷۳۰	۲۳۷۵، ۲۳۱۸
شاه سلطان حسین صفوی: ۲۳۱۴	شاه طهماسب دوم: ۱۱۶۷، ۱۶۲۸،
شاه سلیمان: ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۷۰۷،	شاه طهماسب دوم صفوی: ۴۰۰،
۱۷۲۹	۱۸۹۳

تاریخ ایران	۲۸۶۳	فهرست اعلام
شاه طهماسب: ۴۰۰، ۷۵۸، ۹۷۲، ۱۰۹۴، ۱۱۵۵، ۱۲۴۶، ۱۳۱۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۴، ۱۷۸۰، ۱۹۹۷، ۲۰۰۲، ۲۳۵۶	شاه عباس دوم صفوی: ۱۶۲۷، ۲۴۴۰	شاه عباس سوم: ۱۶۲۸
شاه طهماسب صفوی: ۶۸۵	شاه عباس صفوی: ۲۲۰۸، ۲۰۷۹، ۲۴۰۰	شاه عباس سوم صفوی: ۱۶۲۸
شاه عباس: ۴۵، ۳۹۹، ۴۲۸، ۶۶۴، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۹، ۹۷۳، ۱۰۶۷، ۱۳۴۱، ۱۴۱۵، ۱۶۰۹، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۸، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۱، ۱۸۴۳، ۱۸۴۷، ۲۰۰۱، ۲۵۰۰	شاه عباس: ۲۴۰۰	شاه عباس صفوی: ۲۳۸۷
شاه عباس اول: ۳۹۹، ۸۸۹، ۹۷۳، ۱۰۶۲، ۱۲۲۳، ۱۵۸۳، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۴، ۱۷۳۱، ۱۸۴۳، ۱۹۶۱، ۲۴۴۱، ۲۴۴۳، ۲۴۴۷	شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه عباس صفوی: ۲۳۳۴
شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه محمود: ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹
شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه مرادخان: ۱۶۳۰
شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه مرادخان زند: ۱۶۲۹
شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه مقدونیه: ۱۵۰
شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه عباس اول صفوی: ۱۱۴۲	شاه منصور: ۱۳۰، ۱۶۳۰
شاه عباس بزرگ: ۳۱۹، ۱۶۰۸، ۲۴۴۲، ۱۶۲۲، ۱۶۲۹، ۱۶۲۷، ۱۶۱۹، ۱۰۶۲، ۶۳۸، ۱۰۶۲	شاه عباس بزرگ: ۳۱۹، ۱۶۰۸	شاهنامه: ۳۰، ۲۳۴، ۲۶۶، ۳۱۴، ۴۶۳، ۵۱۴، ۶۱۷، ۶۲۵، ۶۸۸، ۷۴۶، ۷۷۷، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۵، ۱۱۳۷، ۱۱۶۲، ۱۱۶۷، ۱۱۸۹، ۱۴۳۶

۱۴۴۱، ۱۴۸۶، ۱۵۷۴، ۱۶۹۷،	۱۵۸۹، ۱۶۰۳، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴،
۱۷۰۹، ۱۹۱۲، ۱۹۱۸، ۱۹۳۴،	۱۶۶۳، ۱۷۸۳، ۱۸۸۴، ۱۹۳۸،
۲۱۳۷، ۲۱۴۰، ۲۱۴۴، ۲۱۶۸،	۲۴۰۶
۲۲۲۰، ۲۴۵۳، ۲۴۸۳، ۲۵۰۷،	شبانگاه: ۹۶۷
۲۶۲۹، ۲۶۳۰، ۲۶۵۱،	شبدیز: ۱۶۳۴، ۱۷۵۱،
شاهنامه فردوسی: ۱۳۲۵،	شبرغان: ۱۶۳۴،
شاهنامه فردوسی: ۴۴۳، ۱۳۳۲،	شبلغان: ۱۴۵۹،
۱۷۸۲	شبلی: ۱۶۳۴، ۱۶۳۵،
شاهنشاه بزرگ کوشان: ۷۴۸،	شبورغان: ۱۶۳۵،
شاه نعمت الله: ۹۶۸،	شبه جزیره بالکان: ۵۹۳، ۲۳۸۷،
شاه نعمت الله ولی: ۱۶۳۰،	۲۳۸۸
شاه وردی: ۱۶۳۱،	شبه جزیره عریستان: ۴۹، ۱۹۳۹،
شاه ولد: ۱۶۳۱،	شپیک: ۱۶۳۵،
شاهی: ۱۶۳۱،	شپیکان: ۱۶۳۵،
شاه یحیی: ۱۶۳۱،	شتاراق: ۱۶۳۵،
شاهین: ۱۶۳۱،	شترور: ۱۶۳۵،
شاهیه: ۱۶۳۲،	شجاع الدین خورشید لر: ۱۶۳۶،
شایان شاه: ۱۴۳۰،	شجاع الدین مشعشعی: ۲۳۵۶،
شایست نشایست: ۱۶۳۲،	شجاع السلطنه: ۱۶۳۶،
شبانکارگان: ۱۳۲۳، ۱۶۳۲،	شجاع الملک: ۱۶۲۱،
شبانکاره ای: ۱۶۳۳،	شچیکان: ۱۶۳۶،
شبانکاره: ۱۱۶۱، ۱۲۵۶، ۱۳۴۷،	شحنه: ۱۶۳۷،

شخره: ۴۸۶	شریعتی: ۱۶۵۱
شدادیان: ۴۳، ۱۶۳۷، ۱۸۹۰	شریف امامی: ۷۸۵، ۱۱۰۲، ۱۶۵۱،
شدادیان آنی: ۱۶۳۸	۱۶۵۲
شرافت: ۱۳۵۷	شریک بن شیخ: ۲۰۱۱
شرح لمعه: ۱۶۹۹	شزی: ۱۶۵۴
شرف: ۱۳۵۸	شط العرب: ۱۲۱۴، ۱۶۵۴
شرف الدولة دیلمی: ۱۰۸۸، ۱۶۴۳	شعاع السلطنه: ۱۶۵۵، ۲۳۴۹،
شرف الدین انوشیروان: ۱۶۴۳	۲۴۲۱، ۲۳۵۲
شرف الدین علی بن رجاء: ۱۶۴۳	شعوبیه: ۶۲۹، ۱۶۵۶
شرف الدین علی سمنانی: ۱۶۴۴	شقانی: ۱۶۵۶
شرف الدین محمود شاه اینجو: ۵۶۶	شکریانو: ۱۶۵۶، ۱۹۹۵
شرفنامه: ۶۲۱	شکندگمانیگ وزار: ۱۶۵۶
شرلی: ۶۲۲، ۱۳۱۹، ۱۶۲۵، ۱۶۴۵	شکنوان: ۱۶۵۷
شروان: ۳۸، ۱۶۲۹، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹	شکوه السلطنه: ۱۶۵۷
۱۷۰۱، ۱۷۲۶، ۱۸۵۹	شکی: ۱۸۵۹
شروانشاه: ۱۴۲۸، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹	شلدوک: ۵۷۲
۱۹۱۱، ۲۴۸۶	شلمانصر اول: ۹۰
شروانشاهان: ۴۳، ۲۰۸، ۱۱۵۳	شلمنصر: ۹۱، ۱۶۵۸
۱۶۴۸، ۱۷۱۰	شلمنصر پنجم: ۱۴۱۳
شروکین: ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۶۵۰	شلمنصر سوم: ۹۳، ۵۳۷، ۱۶۵۸،
شروین: ۱۴۳۰، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱	۲۰۳۶
۲۱۴۳، ۱۹۷۲	شلیمر: ۱۶۵۸

شمس العماره: ۱۶۶۱، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷	شماخی: ۵۲، ۱۱۰، ۶۲۴
شمس المعالی: ۱۹۵۷	شمخال سلطان: ۱۶۵۸
شمس الملک بن خواجه نظام الملک	شمس: ۵۸۱
مستوفی: ۱۴۹۴	شمس الدوله: ۱۲۳
شمس الملک نصر: ۳۸۶	شمس الدوله دیلمی: ۶۵۵، ۱۶۵۸
شمس الملوک: ۱۶۶۱	شمس الدوله نصرابن علی: ۵۶۲
شمس پهلوی: ۷۸۵، ۱۶۶۲	شمس الدین: ۳۸۶، ۱۶۶۰
شمس طبسی: ۵۶۳	شمس الدین ایلدگز: ۲۲۲، ۵۶۱
شمسی: ۸۱۶، ۱۱۷۱	۱۶۵۹
شمس: ۵۸۰	شمس الدین ایلدگز اتابک: ۱۸۸۱
شمشوئیلونا: ۲۰۹۴	شمس الدین جوینی: ۶۷۵
شمشوایلوانا: ۱۶۶۲	شمس الدین زکریا: ۱۶۵۹
شمشوایلونا: ۵۸۲، ۱۶۶۲، ۲۰۷۶	شمس الدین طغرای: ۲۳۶۷
شمشی: ۸۴	شمس الدین عثمان: ۱۶۶۰
شمکوه: ۱۹۹۲	شمس الدین کرت: ۱۶۶۰
شمی: ۸۹۸	شمس الدین محمد بالیچه سمنانی:
شمی: ۱۶۶۲	۱۶۶۰
شمیران: ۱۱۱۳، ۱۲۸۳، ۱۷۶۳،	شمس الدین محمد جوینی: ۱۶۶۱
۲۵۹۶	شمس الدین محمد شیرازی: ۱۶۶۱
شنسبیان: ۱۲۰، ۱۶۶۲	شمس الدین محمد غوری: ۱۸۲۸،
شوارتسکف: ۱۹۹۹، ۲۰۸۷	۱۹۰۲
شوانکاره: ۱۶۳۳، ۱۶۶۳	شمس الدین محمد مروارید: ۱۶۶۱

تاریخ ایران	۲۸۶۷	فهرست اعلام
شوترک ناخونته اول: ۱۶۶۳	۱۳۲۷، ۱۴۸۵، ۱۵۳۴، ۱۵۵۴	
شوترک ناخونته دوم: ۱۶۶۳	۱۶۰۰، ۱۶۰۷، ۱۶۷۰، ۱۶۷۸	
شوتروک: ۵۴۹	۱۶۸۲، ۲۰۳۴، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳	
شوتروک - ناخونته: ۱۶۶۳	۲۰۵۴، ۲۰۷۲، ۲۰۹۴، ۲۱۰۸	
شوتروکی: ۱۶۶۳، ۱۶۶۴	۲۱۷۸، ۲۱۸۷، ۲۲۰۲، ۲۴۶۸	
شورباش: ۱۴۱۱	۲۶۲۶	
شورش: ۲۰۰۸	شوشتر: ۳۳۰، ۶۵۱، ۹۷۴، ۱۰۰۰	
شورش مصر: ۱۶۶۵	۱۰۳۱، ۱۶۰۶، ۲۰۷۲	
شورش یونیه: ۱۶۶۸	شوکامون: ۱۶۸۲	
شوروی: ۵۸، ۲۵۸، ۱۲۲۴، ۱۳۳۰	شول ژی: ۱۶۸۲	
۱۳۵۳، ۱۴۱۷، ۱۸۲۱، ۱۸۴۴	شوماغان: ۱۶۸۶	
۱۹۱۴، ۱۹۲۵، ۱۹۹۹، ۲۰۸۹	شهاب الدوله هارون بغراخان: ۶۳۷	
۲۱۶۰، ۲۱۹۲، ۲۳۰۷، ۲۳۰۸	شهاب الدین اسفراینی: ۱۶۸۶	
۲۳۰۹، ۲۴۰۹	شهاب الدین ثقة الحامدی: ۱۶۸۶	
شورباش: ۲۰۳۳	شهاب الدین (شمس الدین) مشرف:	
شوستر: ۱۶۷۰، ۱۷۳۴، ۱۸۲۴	۱۶۸۶	
شوستر آمریکایی: ۲۳۱۷	شهاب الدین عبدالرزاق طوسی:	
شوش: ۱۵۳، ۳۳۵، ۳۹۳، ۴۲۳	۱۶۸۶	
۴۲۴، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۳۶، ۵۴۷، ۵۵۰	شهاب الدین معزالدين محمد سام:	
۵۶۷، ۵۸۷، ۶۲۷، ۷۵۶، ۷۸۰، ۷۹۳	۶۰۶	
۸۹۲، ۹۵۹، ۱۰۳۳، ۱۰۴۶، ۱۱۴۰	شهاب الدین نسفی: ۵۶۳	
۱۱۸۹، ۱۱۹۵، ۱۲۵۹، ۱۲۸۸	شهر آمار دبیر: ۱۶۹۰	

شهرابز: ۱۸۷	شهریک: ۱۶۹۸
شهرالحضر: ۹۷۵	شهریل: ۱۶۹۸
شهریانو: ۴۲۷، ۱۶۹۰، ۱۶۹۲	شهریور: ۴۵، ۱۶۹۸
۱۸۳۶، ۲۳۲۹	شهریورگان: ۱۶۹۸
شهریانو خانم: ۱۶۹۳	شهید اول: ۱۶۹۹
شهربراز: ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵	شهید ثانی: ۱۶۹۹
شهربراز: ۱۶۹۳، ۱۶۹۷	شیبانی: ۱۶۵۰، ۱۷۰۰، ۲۳۴۰
شهر داذور: ۱۶۹۳	شیبانیان: ۴۳، ۸۷۸، ۱۲۳۵، ۱۶۹۹
شهری: ۲۹، ۲۴۹۰	شیک خان: ۲۹۸، ۱۲۳۵، ۱۷۰۱
شهری: ۶۶۴	۱۸۴۹
شهرستانی: ۱۶۹۶	شیک خان ازیک: ۱۷۲۶، ۲۱۸۱
شهر سوخته: ۱۶۹۶	شیخ ابواسحاق اینجو: ۱۳۰
شهر شاپور: ۶۹۸	شیخ احمد احسائی: ۲۴۲
شهرضا: ۲۳۲۲	شیخ احمد احسائی: ۵۸۷
شهرگور: ۱۹۱	شیخ الاسلام: ۱۷۰۱
شهر وراز: ۱۶۹۷	شیخ العمید: ۱۳۹۵
شهریان: ۱۶۹۷، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲	شیخان: ۱۷۰۱
شهریار اول: ۱۶۹۷	شیخ اویس ایلکانی: ۱۰۳۷
شهریار دوم: ۱۶۹۷	شیخ بهایی: ۱۶۲۷، ۱۷۰۲
شهریار سوم: ۱۶۹۸	شیخ بهاء الدین حسین عاملی: ۱۷۰۲
شهریار کوه: ۱۹۷۲	شیخ تاج الدین زاهد گیلانی: ۱۷۳۳
شهریاری: ۱۶۹۸	شیخ جنید: ۶۳۸

شیخ طوسی: ۳۸۵، ۳۸۷	شیخ حسن: ۱۰۹۷
شیخ عبدالله نقشبندی: ۲۳۶۰	شیخ حسن ایلکانی: ۳۲۷، ۱۴۱۰، ۱۹۷۸، ۲۴۰۱
شیخ علی: ۱۰۸۸	شیخ حسن بزرگ: ۹۵۳
شیخ علی ایلکانی: ۱۶۳۱	شیخ حسن جوری: ۴۴۷، ۱۰۹۶
شیخ علی حزین: ۱۰۸۸، ۱۷۰۶	۱۴۵۱، ۱۵۸۲، ۱۷۰۲، ۲۳۰۰
شیخعلی خان: ۸۹۰، ۱۷۰۷	شیخ حسن چوپانی: ۱۰۹۷، ۱۴۱۰
شیخ علی خان زند: ۱۰۷۴، ۱۷۰۶	۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۷۰۲، ۱۸۸۳
شیخعلیخان زنگنه: ۱۷۰۷	۱۹۷۸
شیخ فضل الله: ۱۷۰۷	شیخ حسن کوچک: ۱۴۱۰، ۱۸۸۳
شیخ فضل الله کجوری: ۱۷۰۷	شیخ حیدر: ۱۵۱۲، ۱۹۸۸
شیخ فضل الله نوری: ۱۷۰۷، ۱۷۰۹	شیخ حیدر صفوی: ۹۶۸
۲۳۵۲	شیخ خزعل: ۱۱۸۱، ۱۳۴۰، ۱۳۶۷
شیخ کلینی: ۲۴۰۱	۱۷۰۳
شیخ لطف الله: ۲۳۴۴	شیخ خسرو شاهی: ۱۷۰۳
شیخ محمد خیابانی: ۱۲۴۴	شیخ خلیفه: ۱۴۵۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳
شیخ مرتضی انصاری: ۱۰۹۰، ۱۵۷۸	شیخ راضی آل خضر: ۱۷۰۸
۱۷۰۸	شیخ شهاب الدین سهروردی: ۶۷۶
شیخ هادی: ۱۲۹۳	شیخ صدوق: ۱۹۳، ۱۶۹۰
شیخیان: ۱۲۳۱، ۲۰۷۸	شیخ صفی الدین: ۱۶۱۲، ۱۷۳۳
شیخیه: ۱۸۵، ۲۴۲، ۵۸۷، ۱۷۰۹	شیخ صفی الدین اردبیلی: ۱۷۲۴
شیداسپ: ۱۷۸۲	۱۷۲۵
شیداسب: ۱۷۰۹	

شیروانات: ۱۱۱	شیدوش: ۱۷۰۹
شیروان: ۱۵۱۲، ۱۲۷۹، ۹۷۲، ۶۲۱، ۱۶۲۵، ۲۲۰۴، ۲۱۷۳، ۱۷۱۰	شیراز: ۴۵، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۷۲، ۲۹۸، ۳۰۹، ۳۱۶
شیروانشاهان: ۱۷۱۰	شیرویه: ۷۱، ۹۹۷، ۱۳۶۲، ۱۳۹۶
شیرکان: ۱۲۴۱	شیریکان: ۱۷۱۱، ۱۶۳۶، ۱۷۱۱، ۲۱۷۱
شیریندخت: ۱۷۱۱	شیریندخت: ۱۷۱۱
شیعه اثنی عشری: ۶۱۸، ۲۴۱۶	شیعه اثنی عشری: ۱۸۹۳، ۱۸۸۳، ۱۸۹۴
شیعه اثنی عشری: ۱۴۵۱	شیعه اثنی عشری: ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۲۰۵۶
شیعه: ۳۸۷، ۲۰۶، ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۵۷، ۸۷۰، ۹۶۹، ۱۲۷۰، ۱۷۱۱، ۱۷۲۲	شیعه: ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۲۰۴
شیرخان: ۱۲۸۶	شیرخان: ۲۲۱۸، ۲۳۶۲، ۲۳۷۴
شیرزاد: ۶۱۱	شیرزاد: ۲۴۵۱، ۲۴۲۵، ۲۴۰۱
شیرسنگی: ۱۷۱۰	شیرسنگی: ۱۷۱۰
شیرسنگی: ۱۷۱۰	شیرسنگی: ۱۷۱۰
شیرصارم: ۳۸۳	شیرصارم: ۳۸۳
شیعیان ادریسی: ۲۵۸۱	

شیکاگو: ۵۹۹	
شیلانچی: ۱۷۱۲	
شیلخاک - اینشو شیناکی: ۱۷۱۲	
شیلهک - اینشو شینگ اول: ۱۶۶۳	
شمالی: ۱۷۱۲	
سیموت: ۱۷۱۲	
شیندلر: ۳۳۷	
شینک: ۱۷۱۲	
ص	
صابونچی: ۱۰۸۶	
صاحب ابن عباد: ۱۸۹۹	
صاحب اختیار: ۱۷۱۳	
صاحب الحسبه: ۱۷۱۳	
صاحب الزمام: ۱۷۱۴، ۱۷۱۳	
صاحب الزوج: ۴۱۴، ۱۳۹۲، ۱۷۱۴	
۲۳۷۳	
صاحب الشرطه: ۱۷۱۴، ۲۲۹۸	
صاحب العمل: ۱۷۱۳	
صاحب برید: ۱۷۱۴، ۱۸۵۷	
صاحب بن عبّاد: ۹۷، ۱۷۱۴	
صاحب جمع: ۱۷۱۴	
صاحب جیش: ۱۷۱۵	
صاحب دعوه: ۱۷۱۵	
صاحب دیوان: ۱۷۱۵	
صاحب دیوان رسالت: ۱۷۱۵	
صاحب عادل: ۱۷۱۵	
صاحبقران: ۱۷۱۶	
صاحبقرائیه: ۱۷۶۲	
صاحب مظالم: ۱۷۱۶	
صاحب نسق: ۱۷۱۶	
صادق خان: ۱۳۸۶، ۱۷۱۶	
صادق خان زند: ۵۶۶	
صادق طباطبایی: ۱۵۴۶	
صارم: ۳۸۳	
صبح ازل: ۱۷۱۷	
صحنه: ۲۰۷۱	
صحیفه سجادیه: ۱۸۳۷	
صدارت: ۱۷۱۷	
صلہ دروازہ: ۳۳۶، ۱۷۱۷، ۲۳۹۷	
۲۶۰۹	
صدر دوازه: ۳۳۷	
صدر: ۱۷۱۸	

۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸،	صدراعظم: ۱۸۶۶، ۲۳۵۳
۱۷۳۳، ۱۷۸۰، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱،	صدرالدین محمد اناری: ۱۷۱۸
۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۲۲۹۷، ۲۳۴۱،	صدرالمالک: ۱۷۱۸
۲۳۵۴، ۲۳۵۶، ۲۴۰۱، ۲۴۲۵،	صد ستون: ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۲۰۵۷
۲۴۳۹، ۲۴۸۴،	صراف باشی: ۱۷۱۹
صفویه: ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۷۴، ۴۷۲،	صرف جیب: ۱۷۱۹
۵۰۶، ۵۰۸، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۹۶، ۷۰۳،	صريح المِلک: ۱۷۱۹
۸۱۱، ۸۹۹، ۹۰۳، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷،	صلوک: ۱۷۱۹
۹۵۲، ۹۵۶، ۹۶۸، ۱۰۶۱، ۱۱۱۸،	صفانیان: ۱۰۴۷
۱۱۴۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۵، ۱۱۶۳،	صغیر: ۵۵۳، ۲۲۸۰
۱۲۲۳، ۱۲۵۸، ۱۳۰۷، ۱۳۵۹،	صفاری: ۱۰۹، ۲۰۳، ۲۱۵، ۱۲۰۹،
۱۴۷۸، ۱۵۰۱، ۱۵۱۰، ۱۶۰۹،	۱۷۲۱، ۱۸۵۷، ۲۶۶۵
۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۲، ۱۶۲۷،	صفاریان: ۱۲۸، ۲۴۳، ۱۱۶۵، ۱۴۱۱،
۱۷۰۷، ۱۷۱۴، ۱۷۱۷، ۱۷۱۹،	۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۵۶،
۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴،	۲۱۶۰، ۲۲۲۲، ۲۳۷۳
۱۷۲۶، ۱۷۲۸، ۱۷۳۰، ۱۷۹۶،	صفاریه: ۱۲۰
۱۷۹۷، ۱۸۱۵، ۱۸۴۹، ۱۸۹۳،	صفویان: ۲۴۹۹، ۲۵۰۰
۱۹۴۹، ۱۹۵۶، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰،	صفوی: ۹۶، ۹۷، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۷۷،
۱۹۶۱، ۱۹۶۳، ۱۹۷۵، ۱۹۸۵،	۳۸۲، ۳۸۳، ۵۴۱، ۶۴۰، ۹۷۲،
۱۹۸۸، ۲۰۰۲، ۲۰۱۸، ۲۰۲۵،	۱۰۷۹، ۱۱۴۱، ۱۲۵۸، ۱۳۹۵،
۲۰۶۶، ۲۰۷۶، ۲۱۲۵، ۲۱۷۲،	۱۴۱۱، ۱۴۱۵، ۱۵۱۳، ۱۶۱۱،
۲۲۰۸، ۲۳۰۰، ۲۳۰۵، ۲۳۵۶،	۱۶۱۸، ۱۶۲۱، ۱۶۳۷، ۱۶۴۵،

۲۳۷۵، ۲۴۰۰، ۲۴۱۱، ۲۴۳۱،	صورالاقالیم: ۲۱۰، ۳۶۹
۲۴۴۲، ۲۴۵۲، ۲۴۵۵، ۲۵۰۰،	صورة الارض: ۶۳۴
۲۵۵۱، ۲۵۵۳، ۲۶۶۲،	صوفی: ۱۷۳۸
صفی: ۱۷۳۱	صوفیه: ۶۳۹، ۶۷۶، ۱۷۳۸
صفی الدین: ۱۷۳۳	صوفیة قراباغ: ۱۹۸۹
صفی الدین اردبیلی: ۶۳۸، ۱۷۳۳،	صهیونیسم: ۲۳۲۹
صفی میرزا: ۱۶۱۹، ۱۶۲۷، ۱۷۲۹،	صیدا: ۱۸، ۴۷۴، ۱۲۶۶، ۱۵۵۹،
۱۷۳۱	۱۷۳۹، ۱۷۴۰
صفین: ۱۱۱۱	صید مرادخان: ۱۸۴۸، ۲۲۱۷
صلاح الدین ایوبی: ۱۸۵۵	صید مرادخان زند: ۱۶۳۰
صلح انتالسداس: ۸۸۰، ۱۶۱۳،	صیمره: ۱۷۴۰
صلح حدیبیه: ۱۱۱۶	
صلح کالیاس: ۱۷۳۳	
صمصام الدوله: ۱۸۹۹	
صمصام الدین محمود: ۱۰۸۹	ضحاک: ۳۵، ۶۱، ۶۲، ۲۱۸، ۲۸۰،
صمصام السلطنه: ۱۷۳۳، ۱۷۳۴،	۳۰۱، ۳۰۲، ۳۷۲، ۴۷۵، ۷۰۷، ۷۹۱،
صمصام السلطنه بختیاری: ۱۷۳۳،	۷۹۳، ۹۶۶، ۱۲۷۷، ۱۲۸۷، ۱۳۲۴،
صندوق داریاشی: ۱۷۳۵	۱۳۶۵، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵،
صنیع الدوله: ۳۷۱، ۱۰۴۶، ۱۷۳۵،	۱۸۱۶، ۱۹۰۸، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵،
صنیع الملک: ۱۷۳۵	۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۷۵، ۲۴۱۷،
صور: ۱۷۳۵	ضرابخانه: ۲۳۱۶
صوراسرافیل: ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۷۳۷،	ضیاء الملک: ۱۰۶۸

ض

ضیاء الملک احمد: ۱۷۴۵

طاهرا بن عبدالله: ۱۷۵۶

طاهرا بن محمد صفاری: ۱۷۵۶

طاهرا بن هلال: ۱۷۵۷

طاهرا بن حسین: ۱۷۵۷، ۱۹۷۳

طاهرا بن محمد صفاری: ۱۴۴۳

طاهر ذوالیمینین: ۱۲۳۲، ۱۷۵۷،

۱۷۵۸، ۱۷۵۹

طاهر مستوفی: ۱۷۵۸

طاهریان: ۱۲۱، ۴۰۷، ۶۵۳، ۶۷۲،

۱۳۲۲، ۱۴۱۱، ۱۷۲۱، ۱۷۵۶،

۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۸۱۱،

۱۸۵۶، ۲۱۶۰، ۲۳۰۳، ۲۶۶۴

طایجو: ۱۷۵۹

طایفه ابدالی: ۴۰۰

طباطبایی: ۱۵۸۳، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲،

۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۲۴۶۶

طبرستان: ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۹۱،

۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۷۰،

۴۰۹، ۵۹۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۸۱۰، ۸۸۳،

۸۹۶، ۹۰۶، ۹۷۴، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱،

۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۵۴، ۱۱۶۴،

۱۲۷۰، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۴۴،

ط

طائیس: ۳۱۷

طارم: ۲۳۷۵

طاس عدل: ۱۷۴۷

طاق اشکانی: ۱۷۴۷

طاق بستان: ۱۷۴۸، ۱۷۵۳، ۲۰۵۳،

۲۰۵۴

طاقدیس: ۱۷۵۴

طاق کسری: ۱۷۵۴

طالوف: ۲۳۴۷

طالشان: ۳۹

طالقان: ۴۳، ۱۴۱، ۳۱۴، ۵۹۶، ۷۵۰،

۷۵۴، ۸۷۶، ۹۴۳، ۱۲۳۲، ۱۶۹۰،

۱۷۱۵، ۱۷۵۶

طالقانی: ۱۷۲، ۱۷۵۵

طاووس خانم: ۷۹۶

طاهر: ۴۵۳، ۶۳۶، ۱۷۷۸، ۲۱۲۵،

۲۴۰۷

طاهرا بن خلف طاهر صفاری: ۱۷۵۶

تاریخ ایران	۲۸۷۵	فهرست اعلام
۱۳۴۶، ۱۳۶۱، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶	۱۴۳۰، ۱۷۶۹، ۱۸۲۶، ۱۸۲۸	
۱۳۹۷، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۵۳۳	۱۸۷۷، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۲۱۱۸	
۱۵۴۵، ۱۵۴۸، ۱۵۵۶، ۱۶۱۳	۲۶۶۴	
۱۶۵۱، ۱۷۱۹، ۱۷۵۶، ۱۷۶۴	طخارها: ۱۷۶۸، ۲۱۱۸	
۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۸، ۱۷۷۵	طخاری: ۱۷۷۰، ۲۱۱۸	
۱۸۰۷، ۱۸۳۳، ۱۸۸۶، ۱۹۰۸	طخاریها: ۱۷۶۹	
۱۹۱۳، ۱۹۴۱، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸	طرابوزان: ۴۸۳، ۹۹۱	
۱۹۵۹، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴	طراقای: ۱۷۷۰	
۲۱۳۹، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۲۷۵	طرخان: ۱۷۷۰	
۲۳۰۳، ۲۳۳۰، ۲۳۳۶، ۲۳۷۳	طسوج: ۹۸۵، ۱۷۷۰	
۲۳۹۷، ۲۴۶۶، ۲۵۰۹، ۲۵۲۱	طشت خانه: ۱۷۷۰	
۲۶۴۶	طعام: ۱۷۷۱	
طبرسی: ۱۷۶۶	طغاتیمر: ۴۴۸، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲	
طبرک: ۱۷۶۶، ۱۷۶۷	طغاتیمرخان: ۸۸۱، ۱۰۹۷، ۱۴۵۲	
طبری: ۲۰۰، ۷۲۸، ۱۱۵۰، ۱۲۲۰	۱۶۶۰، ۱۷۷۱، ۱۸۲۸	
۱۲۲۱، ۱۳۲۶، ۱۷۶۷، ۲۶۶۸	طغاتیمر مغول: ۱۴۵۲	
طبس: ۳۱۴، ۱۱۸۶، ۱۹۹۲	طغاتیموری: ۱۷۷۲	
طپورستان: ۱۷۶۴، ۱۷۶۸	طغاتیموریان: ۱۲۳۱	
طپورها: ۸۱۹، ۱۷۶۸	طغاتیمریه: ۱۷۷۱	
طخار: ۱۷۶۹، ۲۱۱۸	طغات: ۱۷۷۲	
طخارستان: ۱۲۰، ۵۹۶، ۶۰۶، ۶۷۶	طغاجار: ۱۷۷۳	
۷۵۰، ۷۵۴، ۸۳۱، ۱۴۲۳، ۱۴۲۸	طغاجار نوریان: ۱۷۷۲	

طغراخان: ۱۷۷۳	طغرل بیگ محمد: ۱۵۰۳
طغراخان: ۱۷۷۳	طغرل بیگ: ۱۸۳، ۱۰۴۸
طغانشاه: ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۷۷۳	طغرل بیگ سلجوقی: ۱۰۴۸، ۱۷۶۶، ۲۰۸۶
طغانشاه ابن مؤید: ۱۷۷۳	طغرل سلجوقی: ۱۲۴، ۲۳۲، ۳۹۵
طغانشاه بن مؤید: ۸۶۴	۱۷۷۴، ۱۷۸۷، ۱۹۰۱، ۲۶۵۳
طغای بوقاشیخ: ۱۷۷۳	طغرل سوم: ۱۳۴۵، ۱۷۷۵
طغای تیمورخان: ۱۲۳۱	طغرلشاه: ۱۷۷۵، ۱۸۱۵
طغای خان: ۱۷۷۴	طغرل شاه سلجوقی: ۲۱۷، ۲۰۸۱
طغتکین: ۱۷۷۴	طغرل کافر نعمت: ۱۵۲۵، ۱۷۷۶
طغرا: ۱۷۷۴، ۱۷۷۶	طغری: ۱۷۷۴، ۱۷۷۶
طغرای: ۱۹۹۶	طغراچ خان: ۱۷۷۸
طغرل: ۱۸۳، ۲۲۱، ۳۸۵، ۳۹۷	طلحه: ۱۲۳۲، ۱۷۷۸، ۱۸۰۷
۳۹۸، ۶۰۸، ۶۰۹، ۱۳۴۴، ۱۳۴۶	طلحه بن طاهر: ۱۷۷۸
۱۳۴۷، ۱۳۵۱، ۱۴۹۳، ۱۵۰۰	طلعت السلطنه: ۱۴۱۶
۱۵۴۴، ۱۶۴۰، ۱۶۵۹، ۱۷۶۷	طمغاجی: ۱۷۷۸
۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۸۷، ۱۸۸۲	طوالش: ۲۳۶۰
۱۸۸۳، ۲۳۳۵	طوبی آزموده: ۱۷۷۸
طغرل بک: ۶۳۸	طور سینا: ۵۱، ۱۱۹۳
طغرل بن میکائیل بن سلجوقی: ۱۴۹۶	طوس: ۲۸۲، ۷۵۰، ۷۵۱، ۹۰۲
طغرل بیگ: ۱۴۸۸، ۱۵۰۶، ۱۵۲۶	۱۱۶۲، ۱۴۶۲، ۱۹۰۲، ۲۱۲۹
۱۵۴۴	

۲۳۳۶، ۱۹۳۷، ۱۷۸۲، ۱۷۸۱	۲۶۵۴، ۲۵۸۲، ۲۱۳۰
طهمورث دیوبند: ۱۴۱۵، ۱۴۱۶	طوطیانوش: ۱۷۷۹
طیارات: ۱۷۸۳	طوطی نامه: ۱۷۷۹
طیب شاه: ۱۷۸۳	طوغان: ۱۷۸۰
طیبه: ۱۷۸۳	طولونی: ۴۰۷
	طهماسب: ۹۶، ۶۲۱، ۷۵۸، ۹۶۹
ظ	۱۰۲۶، ۱۳۶۱، ۱۶۲۲، ۱۷۲۷
	۱۷۸۱، ۲۳۵۶، ۲۳۰۶
ظاهریه: ۱۷۸۵	طهماسب اول: ۲۴۵، ۶۳۸، ۲۳۰۰
ظفرنامه: ۱۷۸۵، ۲۳۴۱	طهماسب اول صفوی: ۳۹۹، ۱۳۱۱
ظل السلطان: ۱۷۳۳، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶	۱۴۰۱، ۱۵۱۳، ۱۵۸۰، ۱۶۲۴
۱۸۴۵، ۱۹۳۳	طهماسب دوم: ۳۲۶، ۱۳۴۲، ۱۷۸۰
ظهیرالدوله: ۱۸۵	۱۹۶۱
ظهیرالدوله ابراهیم بن مسعود: ۶۰۹	طهماسب دوم صفوی: ۱۵۱۱، ۱۷۳۰
ظهیرالدین: ۱۷۸۷	طهماسب صفوی: ۲۴۲، ۳۲۰
ظهیرالدین ابراهیم صواب: ۱۷۸۶	۲۵۰۰
ظهیرالدین ابومنصور فرامرز: ۲۰۳۵	طهماسب قلی: ۱۷۸۱
ظهیرالدین فرامرز: ۱۲۴	طهماسب قلی خان: ۱۰۲۶
ظهیرالدین فرامرزین علاءالدوله:	طهماسب قلی خان جلایر: ۱۷۸۱
۱۷۸۷	طهماسب میرزا: ۳۷۷
ظهیرالدین محمد بابر: ۵۷۶	طهمورث: ۳۶۹، ۷۹۱، ۱۶۰۳
ظهیرالدین مرعشی: ۱۷۸۷	

ع

۱۷۹۸، ۱۸۵۹، ۱۸۹۵، ۱۹۴۹،

۱۹۵۰، ۲۴۲۶، ۲۴۴۸،

عباس میرزا قاجار: ۲۰۷۹

عباس میرزا نایب السلطنه: ۱۱۸۶،

۱۹۷۶، ۲۴۴۷،

عباس میرزا ولیعهد: ۱۷۹۷

عباسی: ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۴، ۳۹۰،

۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۴، ۶۳۴، ۶۵۴،

۱۱۵۳، ۱۱۸۰، ۱۲۰۹، ۱۲۷۳،

۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۴۷۳، ۱۷۲۰،

۱۷۹۸، ۱۸۰۳، ۱۸۱۱، ۲۲۹۱،

۲۲۹۳

عباسیان: ۱۰۷، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۵۴،

۳۰۸، ۳۱۳، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۶، ۴۴۲،

۵۹۶، ۶۱۳، ۶۲۲، ۷۵۱، ۸۷۷، ۹۶۶،

۹۶۸، ۹۷۴، ۱۰۰۱، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰،

۱۳۲۲، ۱۲۷۴، ۱۳۰۶، ۱۳۸۲،

۱۴۴۹، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵،

۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۵۸، ۱۷۹۸،

۱۷۹۹، ۱۸۰۳، ۱۹۸۴، ۲۰۰۹،

۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۲۰۷، ۲۲۸۷،

۲۲۸۸، ۲۲۸۹، ۲۲۹۰، ۲۴۱۲،

عادل آقا: ۶۱۶، ۱۶۲۰، ۱۷۹۵،

۱۷۹۶

عادل آقا شاه شجاع الدین مظفر: ۶۱۷

عادلشاه: ۳۷۴، ۴۲۹، ۹۷۳، ۱۱۰۰،

۱۱۵۵، ۱۳۸۶، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷،

۱۸۴۵

عادلشاه افشار: ۴۴۲، ۱۷۹۶

عالم آرای عباسی: ۱۵۱۳

عالی قاپو: ۱۷۹۷، ۱۸۴۳، ۲۳۴۴،

۲۴۹۴

عام الفیل: ۱۱۱۵

عباس اول صفوی: ۲۴۶۱

عباس بن عبدالمطلب: ۲۱۳۲

عباس سوم صفوی: ۱۷۳۱

عباسقلی خان: ۱۴۱۶

عباس قلی خان سپهر: ۱۴۴۸، ۲۴۶۱

عباسقلی خان سهم الملك اراکی:

۲۳۲۴

عباس میرزا: ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۹،

عبدالرضا پهلوی: ۷۸۵، ۱۸۰۶	۲۶۶۸
عبدالصبور آذریایجانی: ۱۹۷۶	عبدالجبار بن شعیب: ۲۰۱۱
عبدالعزیز: ۱۸۰۶	عبدالحسین میرزا: ۴۵۰
عبدالعزیز تیموری: ۱۸۰۶	عبدالحسین هژیر: ۱۷۳، ۱۱۰۸
عبدالعزیز سامانی: ۱۸۰۶	۱۸۰۳، ۲۵۰۴، ۲۶۰۶
عبدالقدير آزاد: ۲۳۶۹	عبدالحی ابن ضحاک ابن محمود
عبدالکریم: ۵۷۷	گردیزی: ۱۴۰۱
عبدالکریم حائری یزدی: ۱۶۲	عبدالرحمان ابن سمره: ۱۳۷۹
عبداللطیف خان شوشتری: ۸۳۱	عبدالرحمن فارسی: ۱۸۰۳
عبدالله ابن چغانی: ۱۸۰۶	عبدالرزاق: ۱۸۰۴، ۱۸۰۵
عبدالله ابن طاهر: ۱۷۵۶	عبدالرزاق باشتینی: ۷۰۸، ۱۸۰۳
عبدالله ابن عامر: ۷۰۸	عبدالرزاق بن احمد بن حسن میمندی:
عبدالله بلعمی: ۲۴۴	۱۸۰۴
عبدالله بن: ۱۹۷۳	عبدالرزاق سربرداری: ۱۸۰۵
عبدالله بن حمید: ۸۵۸	عبدالرزاق سمرقندی: ۱۸۰۵
عبدالله بن خردادبه: ۱۹۷۲، ۲۱۴۳	عبدالرزاق فضل الله: ۱۸۰۵
عبدالله بن خلافة السهمی: ۱۸۰۷	عبدالرشید: ۶۰۸، ۱۷۷۶
عبدالله بن زبیر: ۱۸۳۷، ۲۰۱۶	عبدالرشید بن محمود بن سبکتکین:
۴۰۱۷	۶۰۸
عبدالله بن سعید: ۱۹۷۳	عبدالرشید غزنوی: ۱۴۰۱، ۱۵۲۵
عبدالله بن طاهر: ۳۷۶، ۱۸۰۷	۱۸۰۶، ۱۷۷۶
عبدالله بن عباس: ۱۴۷۴	عبدالرشید محمود: ۱۸۰۶

عبدالله بن مقفع: ۲۴۱۵	عبدالله بن زیاد: ۲۳۲۰
عبدالله خان: ۳۱، ۱۸۰۷	عبدالله بن طاهر: ۱۸۵۶
عبدالله خان استاجلو: ۱۸۰۷	عبدالله طاهری: ۱۸۱۱
عبدالله عزیز: ۱۸۰۸	عتبی: ۱۰۸۸، ۱۸۱۱
عبدالله مشعشع: ۳۷۷	عتیق الله: ۱۸۱۱
عبدالله والا: ۱۹۸۷	عثمان: ۳۹، ۲۳۹۸
عبدالمطلب: ۶۶۰، ۱۷۹۹	عثمانی: ۱۰۲، ۴۶۸، ۴۸۳، ۵۸۸
عبدالملک: ۳۸۶، ۲۳۲۱	۶۸۴، ۹۸۵، ۱۰۰۴، ۱۰۳۲، ۱۱۱۲
عبدالملک اول سامانی: ۱۸۰۸	۱۳۹۵، ۱۶۱۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳
عبدالملک بن مروان: ۱۲۹، ۱۸۰۹	۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۷۴، ۱۸۱۲
۱۸۳۷	۱۸۴۰، ۱۸۴۵، ۲۱۶۵، ۲۴۴۰
عبدالملک بن نوح سامانی: ۲۳۱۹	۲۴۵۰
عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح	عثمانیان: ۱۲۴۷، ۱۶۱۰، ۱۸۱۱
سامانی: ۶۴۶	۱۸۴۳
عبدالملک دوم: ۶۳۹	عثمانیها: ۹۷۸، ۱۶۲۲، ۱۶۲۴
عبدالملک دوم سامانی: ۲۸۲، ۱۸۱۰	۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۷۲۸
عبدالملک نوح سامانی: ۱۸۱۰	عجم: ۱۸۱۲
عبدالواسع جبلی: ۶۱۲	عجمستان: ۱۸۱۲
عبرانیان: ۴۹	عذیب: ۱۸۱۳
عبری: ۳۱۹	عراق: ۴۹، ۵۰، ۸۱، ۱۲۲، ۱۶۴
عبریان: ۶۵۹	۱۶۵، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۱
عبریها: ۱۵۵۵	۲۳۲، ۳۱۶، ۴۰۲، ۴۵۳، ۵۶۷، ۵۷۶

۵۷۷، ۶۷۵، ۷۴۲، ۷۸۱، ۸۴۹، ۸۵۱	۱۹۷۱، ۱۹۷۶، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲
۸۶۲، ۹۱۱، ۹۵۸، ۱۰۳۳، ۱۰۷۶	۲۳۱۹، ۲۳۲۹، ۲۴۷۷
۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۱۰۴، ۱۱۴۳	عربستان: ۸۰، ۸۶، ۹۰، ۱۳۳، ۲۰۲
۱۱۵۴، ۱۳۲۲، ۱۲۷۳، ۱۲۹۹	۲۵۹، ۴۵۵، ۵۵۰، ۵۷۷، ۵۸۷، ۶۵۸
۱۳۵۳، ۱۳۷۰، ۱۳۸۲، ۱۳۹۶	۷۳۴، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۳، ۱۱۴۳
۱۳۹۷، ۱۴۶۸، ۱۴۸۶، ۱۴۹۵	۱۱۹۱، ۱۲۱۱، ۱۲۱۵، ۱۲۱۸
۱۵۵۷، ۱۵۸۲، ۱۶۴۴، ۱۶۵۱	۱۲۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۳۰، ۱۵۵۹
۱۶۵۵، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۲۶	۲۴۰۲، ۲۴۸۴، ۲۵۲۵
۱۷۷۵، ۱۸۱۲، ۱۸۷۸، ۱۸۸۲	عربستان خوشبخت: ۹۴۱
۱۸۸۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۸	عربی: ۵۱، ۳۱۹، ۴۵۵، ۶۴۶، ۱۷۷۹
۱۹۸۲، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۹۶	۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۶۰۶
۲۰۱۷، ۲۰۲۳، ۲۰۳۶، ۲۰۶۵	عروة الوثقی: ۱۶۰، ۱۵۷۹
۲۰۷۴، ۲۱۸۰، ۲۱۸۷، ۲۱۹۵	عزالدوله: ۱۹۴، ۱۸۱۸
۲۲۳۳، ۲۲۳۶، ۲۲۸۷، ۲۲۹۲	عزالدوله بختیار: ۳۹۱
۲۳۲۰، ۲۳۲۱، ۲۳۲۲، ۲۳۷۰	عزالدوله دیلمی: ۱۲۹۶
۲۳۷۵، ۲۳۸۷، ۲۴۴۲، ۲۴۴۹	عزالدوله دیلمی: ۱۸۹۹
۲۵۱۴، ۲۶۲۸، ۲۶۳۶	عزالدين: ۱۲۵
عراق عجم: ۱۹۱، ۳۳۵، ۱۸۱۳	عزالدين اصفهانی: ۱۹۹۷
۱۸۵۲	عزالدين حسين غوری: ۱۸۱۳
عراق قدیم: ۱۶۰۸	۱۹۰۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱
عراقین: ۱۸۱۳، ۱۹۰۸	عزالدين عبدالحمیدابن هبةالله:
عرب: ۹۷۰، ۱۱۷۲، ۱۸۱۳، ۱۹۷۰	۱۸۱۴

- عزالدين لُر: ۱۸۱۴
عزالدين لنگ: ۱۲۵
عزالدين لنگر: ۱۲۴
عزالدين مظفر: ۱۸۱۴
عزالملك پسر نظام الملك: ۱۸۱۴
عزت: ۳۵
عزيزالدين كاشاني: ۱۸۱۴
عزيزخان آجودان باشي: ۱۸۱۵
عزيزخان مكري: ۳۲
عسكري: ۲۳۷۴
عشري: ۱۳۸۲
عشق آباد: ۱۵۳، ۳۳۵، ۳۶۳، ۷۸۰
۲۴۶۳، ۲۴۸۳
عصر اوستايي: ۷۹۰، ۱۸۱۵
عصر پيشدادی: ۱۸۱۵
عصر حجر: ۱۸۱۷
عصر ديرينه سنگي: ۱۸۱۷
عصر ودایي: ۱۰۷، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲
۱۸۱۷، ۲۱۷۷
عصمت الدين: ۱۳۹۶
عصمت الملوک: ۱۸۹۱
عصمة الدين: ۱۸۱۷
عضدالدوله ديلمي: ۶۰۳، ۶۵۵
۱۸۸۵، ۱۸۱۸، ۱۲۹۶
عضدالدوله: ۱۹۴، ۳۹۱، ۷۹۷
۱۲۹۷، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۶۴۳
۱۸۱۷، ۱۸۱۹، ۱۸۹۹، ۱۹۵۸
۲۴۵۶
عضدالدوله ديلمي: ۶۲۱، ۶۷۶
۱۸۵۲
عضدالدوله فناخسرو ديلمي: ۲۰۵۷
عضدالملک: ۲۳۵۲، ۲۳۵۳
عطا: ۱۸۱۹، ۲۳۷۲
عطاملک: ۱۸۱۹
عطاملک جوینی: ۸۱۱، ۱۰۳۶
۱۸۱۹
عکا: ۵۸۸
علاف: ۱۸۲۰
علامه طباطبائی: ۲۳۲۶
علامه مجلسی: ۱۳۸، ۱۶۹۱
علامه مجلسی اول: ۱۳۷
علامه محمدتقی مجلسی: ۱۳۷
علامه حلی: ۱۱۲۱
علامه مجلسی: ۶۱۸

علامی: ۱۸۲۰	۱۸۲۶
علاءالدوله: ۱۲۳، ۱۲۴، ۸۶۲،	علاءالدین خلجی: ۱۸۲۶
۱۸۲۴، ۲۰۳۵، ۲۰۸۵	علاءالدین علی شقانی: ۱۸۲۶
علاءالدوله ابن بایسنقر: ۱۸۲۲	علاءالدین علی صانعی: ۱۸۲۷
علاءالدوله ابوکالیجار: ۱۸۲۲	علاءالدین علی میکال: ۱۸۲۷
علاءالدوله اتابک: ۱۲۵	علاءالدین غوری: ۶۳۳، ۶۸۱
علاءالدوله رعناشی: ۲۳۵۶	علاءالدین محمد: ۶۰۷، ۱۸۲۷،
علاءالدوله کاکویه: ۱۹۸، ۱۸۲۳	۲۱۸۴
علاءالدوله مسعود بن ابراهیم: ۶۱۰	علاءالدین محمد خراسانی: ۱۸۲۷
علاءالدوله ایلکانی: ۱۱۰۷	علاءالدین محمد غوری: ۱۸۲۸
علاءالدوله تیموری: ۳۹۴	علاءالدین مسعود: ۶۰۷
علاءالدوله کاکویه: ۶۶۳	علاءالدین مسعود غوری: ۱۸۲۸
علاءالدین: ۶۱۲، ۱۷۷۵، ۱۸۲۸،	علاءالسلطنه: ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰،
۱۹۹۰	۲۳۴۲، ۱۹۹۸
علاءالدین اتسز: ۱۸۲۴	عَلَم: ۱۸۳۰، ۱۸۳۱
علاءالدین تکش: ۸۹۱، ۱۸۲۵	علوی: ۲۵۸
علاءالدین تکش ابن ارسلان: ۱۷۶۶	علویان: ۱۹۸، ۳۷۰، ۳۹۶، ۴۱۰،
علاءالدین جهانسوز: ۶۷۶، ۱۸۲۴،	۴۱۲، ۴۳۴، ۴۳۹، ۹۲۳، ۱۲۷۰،
۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۹۰۱	۱۴۷۵، ۱۴۷۸، ۱۷۶۴، ۱۸۳۳،
علاءالدین جهانسوز غوری: ۱۵۱۴	۲۲۸۷، ۲۲۸۸، ۲۲۹۲، ۲۵۲۱،
علاءالدین حسین: ۶۰۵	۲۵۷۸
علاءالدین حسین غوری: ۱۸۲۵،	علویان طبرستان: ۱۲۹۹، ۱۸۳۳،

- ۲۲۹۳ علی بن مسعود غزنوی: ۱۸۳۸
 علویان فاطمی: ۱۷۹۹
 علی بن ابی طالب (ع): ۱۲۰، ۱۰۹۳
 علی ابن عیسی بن ماهان: ۱۷۵۸
 علی ابن لیث صفاری: ۱۱۰۸
 علی ابن مأمون: ۱۸۳۴
 علی اصغر خان اتابک: ۲۳۵۷
 علی اصغر خان امین السلطان: ۲۳۵۸
 علی اقبال: ۳۷۸
 علی اکبر دهخدا: ۱۸۳۴
 علی اکبر مهتدی: ۱۹۸۷
 علی الهی: ۲۳۵۵
 علی اللهیان: ۱۸۳۴
 علی ایلکانی: ۶۱۶
 علی بن ابیطالب (ع): ۱۷۱۲، ۱۸۳۵
 ۲۳۱۹ علی بن بویه: ۱۰۹۴
 علی بن حسین (ع): ۱۸۳۶
 علی بن عیسی: ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱
 علی بن لیث: ۲۶۶۵
 علی بن محمد: ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴
 علی بن محمد (ع): ۱۸۳۷
 علی بن موسی الرضا (ع): ۲۲۸۹
 علی بن موسی الرضا (ع): ۲۵۲۱
 علی بن موسی (ع): ۱۸۳۸
 علی بویه: ۱۳۹۵
 علی بهادر: ۱۸۴۰
 علی بیگ ترکمان: ۱۸۴۰
 علی پاتریک: ۷۱۰، ۱۸۴۱
 علی پادشاه: ۱۸۴۱
 علی تپه: ۵۳۲
 علی تکین: ۳۱۳، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲
 علی جلایر: ۱۸۴۲
 علی دایه: ۱۸۴۲
 علی رضا پهلوی: ۷۸۵، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲
 علیرضا عباسی: ۱۳۴۱، ۱۸۴۲
 علی سهیلی: ۱۵۷۳، ۱۸۴۳، ۲۳۰۹
 علیشاه: ۴۲۹، ۱۳۹۰، ۱۷۹۶، ۱۸۴۶
 علیشاه افشار: ۱۷۹۶
 علیشاه ظل السلطان: ۱۸۴۵
 علیشاه گیلانی: ۱۸۴۵
 علی شریعتی: ۱۶۵۱، ۱۸۴۶
 علی شمس الدین: ۱۸۴۷

علی (ع): ۱۱۱۱، ۱۱۱۵، ۱۶۹۱،	علی مؤید: ۱۰۹۹، ۱۸۵۱،
۱۷۱۲، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۵۶	علیه آتن: ۵۴
علی فرامرز: ۱۸۴۷	عمادالدوله: ۱۱۰، ۱۰۹۴، ۱۳۴۲،
علیقلی خان: ۴۲۹، ۱۱۰۰، ۱۷۹۶،	۱۳۴۳، ۱۸۱۸
۱۸۴۸	عمادالدوله دیلمی: ۱۲۹۷، ۱۸۵۲
علی قلی خان: ۱۸۴۷	عمادالدوله فرامرز: ۱۸۵۱
علیقلی خان شاملو: ۱۶۲۳، ۱۸۴۷	عمادالدین: ۲۱۹۵
علیقلی خان قاجار: ۱۸۴۸، ۱۸۹۴	عمادالدین ابوالبرکات: ۱۸۵۲
علیقلی کازرونی: ۱۸۴۸	عمادالدین الاسلام: ۱۸۵۳
علیقلی میرزا: ۳۷۰	عمادالدین پهلوان: ۱۸۵۳
علیقلی میرزا اعتمادالسلطنه: ۲۳۷۱	عمادالدین دیلمی: ۱۲۹۸، ۱۸۵۳
علی گورکانی: ۱۸۴۹	عمادالدین زنگی: ۳۹۰، ۱۸۵۳
علی محمد خان: ۱۸۴۹	عمادالدین کاتب الاصفهانی: ۱۸۵۴
علی محمد خان زند: ۱۸۴۹	عمادالدین مسعود سمنانی: ۱۸۵۵
علیمراد خان: ۱۵۱۱، ۱۸۵۰	عمارت خورشید: ۱۸۵۵
علیمراد خان بختیاری: ۱۵۱۱، ۱۸۴۹	عمارت کلاه فرنگی: ۱۸۵۵
علیمراد خان زند: ۱۸۵، ۹۴۸، ۱۱۰۰،	عمر: ۱۳۵
۱۳۴۱، ۱۸۵۰	عمران: ۵۲۶
علیمردان خان: ۱۳۹۰، ۱۶۱۳	عمرین الخطاب: ۱۸۵۶
علیمردان خان بختیاری: ۵۷۲	عمرین عبدالعزیز: ۱۸۵۵
علی منشی: ۱۸۵۱	عمر خطاب: ۹۰۴
علی منصور: ۱۸۳۱، ۲۴۱۳	عمرگز: ۱۸۵۶

عهدنامه گلستان: ۱۸۵۹، ۱۸۹۴	عمرو: ۱۰۹
عهدنامه مجمل: ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۲۲۹۸	عمرولیث: ۱۰۹، ۲۰۳، ۲۱۳، ۳۲۰، ۳۲۱، ۴۱۰، ۱۱۰۸، ۱۱۶۵، ۱۳۲۲
عیاران: ۱۸۶۳	۱۴۴۳، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۵۷
عید نوروز: ۲۴۳۸	۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۷۴، ۲۲۲۳
عیسوی: ۳۹۹	عمرولیث صفار: ۱۳۷۹
عیسویان: ۹۸۰، ۹۸۱	عمرولیث صفاری: ۱۶۱۳، ۲۲۲۲
عیسی (ع): ۳۵	عمید: ۱۸۵۷
عیسی قائم مقام: ۸۰۰	عمیدالملک کندری: ۳۸۵، ۸۷۱
عیسی مسیح: ۲۲۰۹	۱۸۵۸، ۲۰۸۶
عیلام: ۲۸، ۸۷، ۹۰، ۱۵۲، ۴۶۶، ۴۷۴، ۴۸۰، ۵۷۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۷۳۱	عنصرالمعالی: ۲۱۳۹
۷۳۳، ۱۱۴۷، ۱۱۶۴، ۱۲۰۲، ۱۴۱۲	عنصرالمعالی کیکاووس: ۱۳۹۶
۱۵۰۷، ۱۵۴۸، ۱۶۶۲، ۱۸۶۳	۱۹۵۷
۱۸۶۴، ۲۰۰۶، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴	عنه: ۱۴۶
۲۰۳۲، ۲۰۳۴، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵	عهد اردشیر: ۱۸۵۸
۲۰۹۶، ۲۱۰۵، ۲۱۳۴، ۲۱۷۸	عهدنامه صلح پاریس: ۱۸۶۰
۲۲۰۲، ۲۲۳۶، ۲۲۶۰، ۲۲۶۳	عهدنامه گلستان: ۱۸۵۸
۲۲۶۴، ۲۳۲۳، ۲۴۳۰، ۲۴۹۵	عهدنامه پاریس: ۷۳۶، ۱۸۵۹
۲۴۹۹، ۲۵۲۱، ۲۵۲۲، ۲۵۶۳	عهدنامه ترکمانچای: ۸۷۸، ۱۰۳۳
۲۵۸۳، ۲۵۶۵	۱۸۶۰، ۱۸۹۵
عیلام قدیم: ۱۱۹۰، ۱۲۴۴، ۱۲۶۴	عهدنامه فین کن اشتاین: ۱۸۶۱
	عهدنامه کیمون: ۱۸۶۱

غار کرفتو: ۲۰۶۸	عیلامی: ۲۸، ۴۹۹، ۵۳۶، ۶۹۸
غازان: ۵۵۳، ۵۷۶، ۶۱۶، ۸۰۷	۱۰۴۷، ۱۳۷۰، ۱۷۱۲، ۱۸۶۴
۸۶۸، ۹۵۹، ۱۶۱۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۳	۲۰۴۴، ۲۰۴۶، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
۱۸۷۰، ۱۹۵۶، ۲۴۰۳	۲۰۵۳، ۲۰۶۴، ۲۱۹۲، ۲۴۹۳
غازان خان: ۱۳۰، ۴۹۸، ۵۵۱، ۵۵۳	۲۶۳۱
۶۴۷، ۷۱۵، ۹۵۹، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹	عیلامیان: ۱۲۱۴، ۱۵۶۸، ۲۲۱۹
۱۱۵۹، ۱۲۲۶، ۱۲۲۸، ۱۳۰۹	عیلامی مقدم: ۱۱۹۵
۱۴۷۱، ۱۵۰۵، ۱۵۱۸، ۱۶۱۵	عیلامی ها: ۵۹۸، ۵۹۹، ۷۴۰، ۱۲۷۹
۱۷۷۳، ۱۹۰۰، ۲۰۸۲، ۲۴۰۳	۱۶۷۰، ۲۰۳۳، ۲۳۴۶
۲۶۵۲	عین التمر: ۱۸۶۵
غازیان: ۲۵۵۳	عین الحیات: ۲۳۰۲
غاشیه: ۱۸۷۲	عین الدوله: ۴۶۷، ۶۷۷، ۱۰۷۰
غایرخان: ۸۷۵، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳	۱۷۶۲، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۹۹۸
۱۹۹۱، ۲۳۱۹	۲۳۱۶، ۲۳۴۷، ۲۳۴۹، ۲۳۵۰
غدير خم: ۱۱۱۶، ۱۸۳۵	۲۳۵۷، ۲۳۶۰
غرب دامغان: ۱۵۲۹	عین القضاة همدانی: ۱۹۹۷
غربستان: ۶۵۶، ۶۵۷، ۷۵۰، ۷۵۱	عین الوردہ: ۲۳۲۰
۱۸۲۶، ۲۳۳۶	
غربستان: ۷۵۴	
غرر السیر: ۹۲۴	
غز: ۱۳۲، ۱۶۳، ۸۶۳، ۱۷۷۵	غار شاپور: ۱۶۰۴، ۱۸۸۶
غزال: ۲۳۷۲	غار کرفتو: ۱۸۶۹

غ

غزان: ۱۱۸۵، ۸۶۳، ۸۵۷	۱۸۷۳، ۱۸۹۲، ۱۹۸۴، ۲۴۰۷
غزنویان: ۹۶، ۱۲۰، ۱۸۶، ۲۰۷	۲۴۱۸
۳۱۲، ۳۸۶، ۳۹۶، ۳۹۷، ۶۰۴، ۶۰۵	غزنه: ۲۰۲، ۳۱۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۵۲۷
۶۰۹، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۶۲، ۶۷۲	۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۴۶، ۷۹۰
۶۸۱، ۷۹۰، ۸۰۸، ۸۶۹، ۸۷۷	۱۷۶۷، ۱۸۰۶، ۱۸۷۴، ۱۸۷۷
۱۰۳۶، ۱۰۷۵، ۱۱۶۴، ۱۱۸۵	۲۰۳۵، ۲۳۹۴، ۲۴۹۰، ۲۵۲۴
۱۲۳۳، ۱۲۹۷، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷	غزنین: ۱۲۰، ۱۲۱، ۳۰۹، ۴۳۳
۱۳۰۸، ۱۳۹۵، ۱۴۴۲، ۱۴۸۸	۶۰۵، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۵۶
۱۴۸۹، ۱۵۲۳، ۱۵۲۵، ۱۷۶۶	۶۷۶، ۶۸۱، ۷۹۸، ۱۰۸۱، ۱۱۰۵
۱۷۶۷، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۸۰۳	۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳
۱۸۰۵، ۱۸۵۷، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴	۱۷۵۹، ۱۷۷۶، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴
۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۲۰۴۳، ۲۱۳۹	۱۸۲۵، ۱۸۴۲، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵
۲۱۶۰، ۲۲۷۷، ۲۲۹۶، ۲۳۱۹	۲۶۵۸
غزنویان آل البتکین: ۱۸۷۳، ۱۸۷۴	غزه: ۱۸۷۵، ۲۰۴۱
غزنویان آل ناصر: ۶۳۶	غزها: ۱۵۸۹
غزنویان آل ناصر: ۱۸۷۳، ۱۸۷۴	غسانیان: ۱۴۲۴
غزنوی: ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۸۳، ۲۴۴	غلاغوش: ۱۸۷۶
۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۸۱	غلامرضا ازهاری: ۱۸۷۶
۹۲۴، ۱۰۷۵، ۱۱۸۵، ۱۳۰۶، ۱۳۷۸	غلامرضا پهلوی: ۷۸۵، ۱۸۷۶
۱۴۴۲، ۱۵۰۴، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵	غلامعلی اویسی: ۵۰۴، ۱۸۷۶
۱۵۲۶، ۱۶۰۹، ۱۷۵۸، ۱۷۷۴	غلا: ۱۱۷۱، ۱۸۷۶
۱۸۰۴، ۱۸۰۶، ۱۸۲۵، ۱۸۳۸	غلجایی: ۲۴۶

محمد: ۱۸۷۹	غلجاییان: ۱۱۸۴
غیاث‌الدین احمد اندخودی: ۱۸۸۱	غلجه: ۳۷۷
غیاث‌الدین بن: ۱۰۷۵	غلجه‌زایی: ۳۷۷، ۱۸۷۶
غیاث‌الدین پیراحمد خوافی: ۱۸۸۱	غلجه‌زاییان: ۳۷۷
غیاث‌الدین خواندمیر: ۱۳۵۹	غلجه‌زایی: ۱۸۷۶
غیاث‌الدین سالار سمنانی: ۱۸۸۳	غلزاییها: ۱۶۲۱
غیاث‌الدین علی یزدی: ۱۸۸۳،	غلیج: ۳۷۷
۲۴۲۵	غمیس: ۲۱۹۳
غیاث‌الدین محمد: ۶۰۵، ۱۴۱۰	غور: ۱۲۰، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۱۴، ۶۷۶
غیاث‌الدین محمد سام: ۱۸۲۵،	۶۷۷، ۹۴۲، ۱۱۸۵، ۱۳۴۹، ۱۸۱۴،
۱۹۰۲، ۱۸۲۸	۱۸۲۴، ۱۸۲۸، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷،
غیاث‌الدین محمد علیشاهی: ۱۸۸۳،	۱۹۰۱، ۱۹۴۵
۱۸۸۴	غور هرات: ۸۱۵
غیاث‌الدین مسعود سلجوقی: ۱۱۰۴	غوری: ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۷۶،
غیاث‌الدین منصور شبانکاره: ۱۸۸۴	۱۰۸۹، ۱۳۷۸، ۱۸۱۴، ۲۰۳۵
غیاث‌الدین میکال: ۱۸۸۴	غوریان: ۱۲۱، ۲۴۶، ۴۱۶، ۶۰۵،
	۶۱۲، ۶۱۳، ۶۷۲، ۱۷۵۷، ۱۸۷۵،
	۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۲۴۰۷، ۲۴۰۸
	غوریه: ۱۷۶۷
فائق: ۱۸۸۵	غیاث‌الدین: ۱۲۷، ۵۶۲، ۶۰۵، ۶۰۶،
فائق خاصه: ۲۰۴، ۱۸۱۰، ۱۸۸۵	۲۳۰۵
فاتح مصر: ۲۰۱۹	غیاث‌الدین ابوالفتح مسعود بن

ف

۲۰۷۲، ۲۱۳۰، ۲۱۹۲، ۲۱۹۵	فاتک: ۱۸۸۶، ۲۲۸۴
۲۲۰۲، ۲۲۴۷، ۲۲۶۳، ۲۲۸۷	فادوسپان: ۱۸۸۶
۲۳۶۲، ۲۳۷۴، ۲۳۸۶، ۲۳۸۷	فادوسپان: ۱۸۸۶
۲۴۳۰، ۲۴۶۳، ۲۴۸۹	فادوسپانان: ۳۰۴
فارسانمه: ۱۹۴، ۱۸۸۶	فارس: ۱۳، ۲۰، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۵
فارسانمه ناصری: ۱۵۰۹	۴۴، ۵۹، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۳۳
فارسانمه ناصری: ۸۱۲	۱۳۴، ۱۹۱، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۱
فارسی: ۱۴۰، ۴۶۰، ۵۲۵، ۷۷۹	۲۷۲، ۳۱۶، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۹۹، ۴۲۸
۹۶۳، ۱۱۶۹، ۱۳۵۸، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴	۵۵۳، ۵۶۶، ۵۷۶، ۵۷۷، ۶۱۸، ۶۲۷
۱۶۹۶، ۱۷۷۹، ۱۷۸۵، ۱۹۳۵	۶۶۲، ۶۷۱، ۶۷۵، ۶۹۸، ۷۳۱، ۷۵۵
۲۴۳۳، ۲۱۵۷	۸۷۴، ۸۸۳، ۹۴۳، ۹۷۱، ۱۰۲۶
فارسی باستان: ۶۴۰، ۱۴۳۹، ۱۸۸۶	۱۰۳۳، ۱۱۱۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۷
۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۲۰۴۶، ۲۰۴۸	۱۲۲۹، ۱۲۹۹، ۱۳۲۳، ۱۲۴۶
۲۰۴۹، ۲۰۵۲، ۲۳۳۵، ۲۴۱۹	۱۲۴۹، ۱۲۵۱، ۱۲۵۶، ۱۳۴۳
فارسی دری: ۱۲۸۲، ۱۸۸۷	۱۳۶۶، ۱۳۹۱، ۱۴۰۸، ۱۴۶۷
فارسی‌ریس: ۱۸۸۷	۱۴۷۲، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹، ۱۵۵۱
فارسی مانوی: ۱۸۸۸	۱۵۸۹، ۱۶۰۴، ۱۶۰۷، ۱۶۲۰
فارسی میانه: ۷۸۱، ۱۳۷۱، ۱۸۸۸	۱۶۳۳، ۱۶۴۳، ۱۷۲۶، ۱۷۵۷
فارسی میانه ترفانی: ۱۸۸۸	۱۷۸۳، ۱۷۸۶، ۱۸۴۸، ۱۸۵۰
فارسی میانه زردشتی: ۷۳۶، ۱۸۸۹	۱۸۵۶، ۱۸۷۹، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶
فارسی میانه کتیبه‌ای: ۱۸۸۸، ۱۸۸۹	۱۸۹۴، ۱۹۳۸، ۱۹۷۱، ۱۹۹۰
فارسی میانه مسیحی: ۱۸۹۰	۱۹۹۲، ۲۰۳۰، ۲۰۵۲، ۲۰۶۵

فارسی هخامنشی: ۷۷۹

فتحعلی خان قاجار: ۱۸۹۳

فارفان: ۱۹۹۵

فارس: ۱۸۹۰

فتحعلی شاه: ۹۵، ۱۸۵، ۱۸۶، ۳۹۹،

فاریاب: ۷۵۰، ۱۸۹۰

۷۹۶، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴،

فاریسوس: ۱۸۹۰

۱۰۶۸، ۱۰۷۲، ۱۱۱۴، ۱۱۸۶،

فاطمه پهلوی: ۷۸۵، ۱۸۹۱

۱۶۳۱، ۱۷۱۷، ۱۷۹۸، ۱۸۰۷،

فاطمه زهرا (س): ۱۵۷، ۱۶۳،

۱۸۰۸، ۱۸۴۵، ۱۸۴۸، ۱۸۶۱،

۱۰۹۳، ۱۱۱۵، ۱۸۵۶

۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷،

فاطمیان: ۳۹۶، ۳۹۸، ۱۳۹۴، ۱۸۳۳،

۱۹۴۸، ۱۹۵۰، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴،

فاطمیون: ۳۹۶، ۲۵۸۱

۱۹۹۶، ۲۱۲۰، ۲۳۱۲، ۲۴۴۲

فاطمیه: ۳۲۱، ۱۸۹۱

فتحعلی شاه افشار: ۳۱۶

فایق: ۱۴۳۸

فتحعلی شاه قاجار: ۸۰، ۹۷، ۳۷۰،

فتح الله پاکروان: ۷۴۰

۳۷۶، ۴۳۷، ۴۸۴، ۷۰۳، ۱۰۷۴،

فتح الله خان رشتی: ۱۸۹۱

۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۴۳، ۱۴۶۵،

فتح خان: ۱۶۲۱

۱۵۰۷، ۱۶۳۶، ۱۶۵۷، ۱۷۸۳،

فتح سومنات: ۱۵۷۳

۱۷۹۷، ۱۸۶۵، ۱۸۹۴، ۱۸۹۸،

فتحعلی: ۲۱۲۵

۱۹۰۳، ۱۹۴۸، ۱۹۶۲، ۲۴۲۶،

فتحعلی افشار: ۹۲۸

۲۴۴۲، ۲۶۱۰

فتحعلی خان: ۳۷۷، ۱۷۸۱، ۱۸۹۳،

فتح کاره: ۱۰۱۶

۱۹۶۱

فتوحات اسکندر: ۳۱۹

فتحعلی خان افشار: ۳۷۶، ۱۸۹۲،

فتوح البلدان: ۶۴۰، ۷۵۰،

فتحعلی خان داغستانی: ۲۳۱۴

فخرالدوله: ۱۲۲، ۱۳۴۴، ۱۸۱۸،

فهرست اعلام	۲۸۹۲	فرهنگ توصیفی
۱۸۸۵، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹	۲۶۰۷	
۱۹۵۸	فدایان اسماعیلی: ۴۰۲، ۱۴۹۴	
فخرالدوله: ۱۹۵۸	فدایان خلق: ۱۹۰۴	
فخرالدوله دیلمی: ۱۰۸۸، ۱۶۵۸	فدایان: ۱۲۷۱، ۱۸۲۱، ۱۹۰۳	
۱۸۲۳، ۱۸۹۸	فر: ۱۲۴۲، ۱۹۱۰	
فخرالدین عبدالله قاضی: ۱۹۰۰	فرآورت: ۲۱۲۳	
فخرالدین کاشی: ۱۹۰۰	فرائورت: ۱۹۰۵، ۲۰۱۳	
فخرالدین کرت: ۱۹۰۰	فراآتس: ۶۲۶، ۱۹۳۲	
فخرالدین گرگانی: ۱۹۰۱	فرارترس: ۱۹۰۵	
فخرالدین مبارکشاه: ۱۹۰۱	فراتافرن: ۱۹۰۵	
فخرالدین مسعود: ۶۰۵، ۱۰۸۹	فراتاکارا: ۱۹۰۵	
فخرالدین مسعود غوری: ۱۹۰۱	فرات: ۵۰، ۵۱، ۶۱، ۷۷، ۹۰، ۲۵۲	
فخرالدین نظام الملک: ۱۹۰۲	۳۱۷، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۶۰، ۳۹۲، ۳۹۳	
فخرالملک: ۱۹۰۲	۵۵۳، ۵۷۷، ۵۸۷، ۶۳۳، ۷۰۷، ۹۱۶	
فخرالملک ابوالفتح عبدالحمید	۹۷۵، ۹۹۰، ۹۹۳، ۹۹۵، ۱۰۰۵	
اردستانی: ۱۹۰۲	۱۰۱۳، ۱۰۳۱، ۱۲۱۴، ۱۲۱۷	
فخرالملک حسن پسر نظام الملک:	۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۹۱، ۱۴۴۶	
۱۹۰۲	۱۵۵۹، ۱۶۵۵، ۱۶۸۵، ۱۹۰۵	
فخرجهان خانم: ۱۹۰۳	۲۲۱۸، ۲۳۴۰، ۲۴۶۹، ۲۵۱۰	
فخریکا یا فقرکا: ۱۹۰۳	۲۵۶۲، ۲۵۶۵، ۲۵۶۹	
فدایان اسلام: ۱۷۳، ۲۴۸، ۱۱۰۲	فرات میشان: ۷۴۵	
۱۱۰۸، ۱۹۰۴، ۲۵۰۲، ۲۵۰۴	فراته دار: ۱۹۰۵	

تاریخ ایران	۲۸۹۳	فهرست اعلام
فرادا: ۲۰۱۴	۸۷۸، ۹۳۲، ۹۳۴، ۹۵۸، ۱۰۳۲	
فراداسپه: ۱۹۰۵، ۷۵۵، ۳۳۹	۱۲۸۱، ۱۳۲۹، ۱۵۸۱، ۱۶۱۹	
فراسپا: ۱۹۰۵	۱۷۷۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۹، ۱۸۴۶	
فراسیاب: ۱۹۰۶	۱۸۶۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۷، ۱۹۴۸	
فراش بند: ۲۸	۱۹۶۴، ۲۰۲۳، ۲۲۱۱، ۲۲۱۳	
فراشخانه: ۱۲۵۸	۲۲۱۴، ۲۳۰۹، ۲۳۲۵، ۲۳۴۷	
فراعنه: ۱۶۶۷	۲۳۶۹، ۲۴۳۶، ۲۴۴۳، ۲۶۰۶	
فراغنه: ۱۹۰۶	فرایرانی: ۱۲۴۲	
فراکسیون فرقه دمکرات: ۱۵۴۶	فربر: ۱۹۰۷	
فراماسون: ۱۹۰۷	فرتنفش: ۱۹۰۷	
فراماسونری: ۲۷۲، ۴۵۷، ۵۹۹	فَرْتَرک: ۱۹۰۷	
۶۰۲، ۱۹۰۶، ۲۲۱۳، ۲۲۱۵	فرتون: ۱۹۰۸	
فراماسونری انگلیس: ۲۲۱۱	فَرْجان: ۱۹۰۸	
فراماسونری ایران: ۲۲۱۳	فرج بن عثمان: ۱۹۸۴	
فراماسونی: ۲۲۱۴	فرج بن یحیی: ۱۹۸۴	
فرامرزین علی: ۱۹۰۷	فرح دیبا: ۲۲۲۸	
فراموشخانه: ۱۹۰۷	فرخ: ۱۰۸۴	
فرانسوی: ۴۸۴، ۵۰۷، ۶۶۴، ۶۷۳	فرخان: ۱۹۰۸، ۱۹۰۹	
۱۳۶۰، ۱۶۰۹، ۱۷۹۷، ۲۱۸۷	فرخ خان امین الدوله: ۲۳۷۱	
فرانسویان: ۹۳۳	فرخ خان امین الدوله کاشانی: ۲۳۷۱	
فرانسه: ۲۲، ۲۹۹، ۴۴۹، ۴۹۴، ۴۹۹	فرخزاد: ۶۰۹، ۱۵۲۵	
۵۹۷، ۵۹۹، ۶۱۹، ۶۵۳، ۷۴۱، ۷۷۶	فرخزاد بن مسعود: ۶۰۹	

فرخزاد غزنوی: ۱۷۷۶	فرس: ۱۹۱۲، ۲۳۳۵
فرخزاد هرمز: ۱۹۱۰	فرسپه: ۱۹۱۲
فرخ زروان: ۱۹۰۹	فرشت ورت: ۱۹۱۲
فرخ زند: ۱۹۰۹	فرشته نگهبان آب: ۲۰
فرخشاد: ۱۹۰۹	فرشوادگر: ۱۹۱۲
فرخشاه: ۱۹۰۹	فرشوشتر: ۱۹۱۳
فرخ شاهپور: ۶۰۲، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰	فرصت الدوله: ۳۲، ۱۹۱۳
فرخ مُرت: ۱۹۱۰	فرعون: ۹۰، ۱۴۵
فرخومرت وهرامان: ۱۹۱۰	فرغانه: ۸۰، ۲۵۰، ۷۵۴، ۱۳۷۳
فرخ هرمز: ۱۹۱۰	۱۴۲۷، ۱۴۳۶، ۱۹۱۳، ۲۱۱۸
فرخی: ۲۱۷۶	۲۲۸۵
فرخ یسار: ۱۹۱۰	فرغانه: ۱۹۱۳
فرداسپه: ۱۹۰۵	فرقان: ۱۹۸۸
فردتفش: ۱۹۱۱	فرقه دمکرات آذربایجان: ۷۹۲
فردوس: ۹۰۴	فرقه آذرکیوان: ۴۶
فردوست: ۷۴۱، ۱۹۱۱، ۲۱۵۹	فرقه اسماعیلیه: ۱۹۱۳
فردوسی: ۱۳، ۲۶۶، ۲۶۸، ۶۱۷	فرقه دمکرات: ۱۲۲۴، ۱۹۱۴
۶۸۶، ۹۵۶، ۹۶۵، ۱۱۶۲، ۱۱۶۶	فرقه دمکرات آذربایجان: ۱۹۱۳
۱۲۵۵، ۱۲۵۴، ۱۵۱۹، ۱۷۴۳	فرکلس: ۱۹۱۴
۱۹۱۲، ۲۰۶۹، ۲۱۳۶، ۲۲۲۰	فرکیانی: ۱۹۱۴
۲۴۱۶، ۲۵۰۶، ۲۶۳۰	فرگرت: ۱۹۱۴
فردوسی طوسی: ۲۳۱۹	فرمانروایان الیمایی: ۴۲۵

فرمانفرما: ۴۶۹، ۱۱۶۰، ۱۹۱۴،	فروردین: ۸۱۸، ۱۹۲۹
۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۲۳۱۷	فروردین یشت: ۱۹۲۱، ۲۴۳۲
فرن: ۱۹۱۶	فروشی: ۱۹۲۲
فرناباذ: ۱۶۶۷، ۱۹۱۷	فروغی: ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۲۲۱۴،
فرناسب: ۲۳۳	۲۲۱۵، ۲۳۱۴، ۲۶۰۶
فرناک: ۱۹۱۷	فروگیا: ۲۱۰۹
فرنَبغ: ۱۹۱۸	فرونتو: ۱۹۲۶
فرنِگرسین: ۳۷۱، ۳۷۲	فرونتینوس: ۱۹۲۷
فرنِگرسیان: ۳۷۲	فروهر: ۷۴۲، ۱۹۱۹، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸،
فرنِگیس: ۲۱۲۹	۲۵۰۱
فرنِی: ۱۹۱۶	فرّه: ۳۶
فروتن: ۱۴۱۷، ۱۹۱۸	فرهاد: ۲۶۷، ۴۲۴، ۴۲۵، ۱۹۳۱،
فروُد: ۱۹۱۸	۱۹۳۳
فروُد هووخ شتر: ۲۲۳۴	فرهاد اول: ۳۶۰، ۱۱۵۲، ۱۹۲۹
فرورازک: ۱۹۱۹	فرهاد پنجم: ۳۴۲، ۳۶۰، ۱۹۲۹،
فُرورانه: ۳۰	۱۹۳۰، ۱۹۳۱
فرورت: ۱۹۱۹	فرهاد چهارم اشکانی: ۲۶۲
فرورتیش: ۱۲۹۵، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰،	فرهاد چهارم: ۳۴۷، ۳۶۱، ۳۶۴،
۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۶	۸۷۸، ۹۰۸، ۱۳۲۹، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰
فرورتیکان: ۱۹۲۰، ۱۹۲۱	فرهاد دوم: ۲۷۶، ۳۴۶، ۳۶۷، ۱۹۳۲
فروردگان: ۱۹۲۰	فرهاد دَوَم: ۱۵۴۳
فروردیان: ۱۹۲۱	فرهاد سوم: ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۶۰،

۲۱۸۱	۲۴۳۱، ۱۹۳۲
فریدون کشاورز: ۲۳۱۵	فرهادک: ۱۹۳۲، ۱۹۳۱، ۳۶۱، ۳۴۲
فریزر: ۱۹۳۵	فرهاد و شیرین: ۱۹۳۳
فریغونیان: ۱۹۳۶، ۶۶۲	فرهاد یکم: ۳۴۸، ۳۴۶
فریگیا: ۱۹۳۶، ۱۴۹	فرهنگ: ۱۳۵۸
فریگیه: ۷۷، ۷۹، ۷۷۴، ۱۵۳۱	فرهنگ جهانگیری: ۱۹
۱۹۳۶، ۱۹۳۷	فره‌ورتیش: ۷۴۷
فریگیه سفلی: ۱۲۶۵	فریپات: ۱۹۳۳
فریگیه علیا: ۱۲۶۵	فریان: ۱۹۳۳
فریمان: ۲۵۹۶، ۲۳۲۶	فریبرز: ۲۱۳۰، ۲۱۲۹
فری‌یپات: ۱۹۳۷، ۳۶۱	فری‌پات: ۱۹۲۹
فسا: ۷۲۶، ۱۹۳۷، ۲۳۳۷	فری‌پایت: ۳۶۷
فستوس بیزانسی: ۱۹۳۷	فریحیه: ۱۹۳۳، ۱۹۳۶
فصیح‌الدین احمد خوافی: ۱۹۳۸	فریدن: ۲۲۳۸
فضل‌الله: ۱۹۷۲	فریدون پادشاه: ۲۰۳۵
فضل‌الله استرآبادی: ۱۰۸۰	فریدون جم: ۲۹۹
فضل‌الله زاهدی: ۱۳۴، ۲۷۴، ۱۹۳۸	فریدون: ۱۸، ۳۱، ۶۲، ۱۸۱، ۲۶۶
فضل‌الله سرمداری: ۱۸۴۷	۲۸۰، ۳۷۲، ۷۱۷، ۷۷۷، ۷۹۱، ۸۶۹
فضل‌بن احمد: ۳۱۴	۹۰۰، ۹۰۱، ۹۲۳، ۱۱۶۶، ۱۲۴۲
فضل‌بن سهل: ۴۵۲، ۶۷۰، ۱۹۳۸	۱۲۷۷، ۱۲۷۹، ۱۳۲۴، ۱۳۶۵
۲۲۸۸	۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۷۱۰، ۱۸۱۵
فضلویه: ۲۱۹۴، ۲۱۹۵، ۱۹۳۸	۲۱۶۲، ۲۱۶۱، ۲۰۳۹، ۱۹۳۴

فضلیویه حسنویه: ۱۹۳۸	فنیقی: ۶۷، ۷۶۰، ۱۲۱۸، ۱۲۵۱، ۲۲۸۰
فضیل بن عیاض: ۱۹۳۸	
فکتی: ۱۹۳۹	فنیقی‌ها: ۶۵۹، ۱۲۱۷، ۲۴۷۳، ۲۵۹۰
فلات: ۱۸۱۵	
فلات ایران: ۳۹۳، ۷۵۵، ۱۳۲۶	فنیقیه: ۸۵، ۴۷۴، ۹۳۷، ۱۲۶۵
۱۳۲۷، ۱۹۳۹، ۱۹۴۱، ۲۱۱۳	۱۲۶۶، ۱۵۲۹، ۱۶۱۴، ۱۷۳۵
۲۱۴۱، ۲۱۷۷، ۲۲۴۷، ۲۶۰۵	۱۷۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۲۰۰۷
فلاندن: ۴۸۴، ۶۵۰	۲۴۷۳، ۲۴۷۵، ۲۵۹۰
فلاویوس: ۶۴، ۱۹۴۱	فوروس: ۱۹۴۲
فلاویوس ائوتروپیوس: ۱۸۰	فوزیه: ۱۹۴۲
فلسطین: ۵۰، ۸۰، ۸۶، ۹۷، ۱۳۳	فوشنج: ۷۷۵، ۱۹۴۲، ۲۴۹۲
۱۵۱، ۲۹۸، ۴۹۴، ۵۸۰، ۸۴۹، ۹۸۹	فومن: ۱۰۶۷
۹۹۷، ۱۱۹۳، ۱۲۶۵، ۱۲۶۷، ۱۴۲۵	فورهیه: ۱۹۴۲
۱۴۸۰، ۱۵۰۷، ۱۵۴۷، ۱۵۵۹	فهرس العلوم: ۱۹۳
۱۵۸۲، ۲۱۰۸، ۲۴۷۵، ۲۴۷۷	فهلویون: ۱۹۴۳
فلسفه مزدک: ۲۳۳۸	فهلان: ۵۵۰، ۱۹۴۳
فلک المعالی: ۶۰۳، ۱۹۴۱	فیروز: ۲۵۶، ۶۴۱، ۷۸۹، ۱۴۱۱
فلمینگ: ۴۷	۱۴۲۸، ۱۹۴۵، ۱۹۷۶، ۲۳۳۷
فلورانس ایتالیا: ۲۰۸۳	فیروزآباد: ۱۹۱، ۲۶۹، ۲۷۲، ۱۱۷۳
فلوروس: ۱۹۴۲	۱۶۹۵، ۱۸۹۰، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴
فنیقیان: ۱۴۲، ۱۳۷۲	۲۰۲۴، ۲۰۶۴، ۲۱۷۹، ۲۶۵۸
فنیقیاینها: ۵۵۰	فیروزآباد فارس: ۱۹۹۴، ۲۰۲۴

فیروزان کرخی: ۲۳۷۴	فیلیپ چهارم: ۲۳۹۰
فیروز اول: ۱۹۴۵، ۷۵۴	فیلیپ دوم: ۱۴۹، ۳۱۷، ۸۱۲
فیروزبخت: ۷۸۹	۲۳۸۹، ۱۷۲۸
فیروز ساسانی: ۳۳	فیلیپ: ۹۸۶، ۱۳۰۱، ۱۶۰۴، ۱۸۹۱
فیروزشاپور: ۱۶۰۶، ۴۵۶	۲۳۸۹، ۲۰۷۵
فیروزشاه: ۱۸۲۶	فیلیپ مقدونی: ۲۶۳، ۲۷۵، ۲۶۱۹
فیروزکوه: ۱۲۰، ۱۲۲، ۶۰۵، ۶۷۶	۲۶۶۶
۶۷۷، ۱۱۸۶، ۱۵۵۶، ۱۵۸۹، ۱۸۲۴	فین: ۱۹۴۸، ۲۰۳۳
۱۸۲۵، ۱۸۲۸، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷	فین کاشان: ۱۹۴۸
۱۹۴۵، ۱۹۹۱، ۲۴۰۳	فین کن اشتاین: ۱۸۹۷، ۱۹۴۸
فیروزکوهی: ۵۶۵	فینیقی: ۱۱۹۳، ۱۵۰۷
فیضیه: ۲۵۱۳	فینیقیه: ۸۰، ۱۴۴، ۳۱۷، ۱۵۳۱
فیلا دلفیا: ۳۳۷	۱۵۳۵، ۱۵۴۷، ۱۵۵۹
فیلان: ۱۴۲۸	
فیلان شاه: ۱۴۲۸	
فیل سواران: ۱۹۴۵	
فیلوپاتر: ۱۵۲۸، ۱۹۴۶	قآن: ۱۱۵۷
فیلوسترآتوس: ۱۹۴۷	قائم بامرالله: ۲۰۵
فیلومارتر: ۱۹۴۷	قائم مقام: ۳۲، ۸۰۳، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰
فیلهلن: ۱۹۴۷	قائم مقام فراهانی: ۴۰۰، ۱۹۵۰
فیل هلن: ۲۵۶۶	قائن: ۷۵۱
فیلیپ پنجم: ۱۵۰، ۲۳۹۰	قائنات: ۱۹۹۲

ق

قآن: ۱۰۴۹، ۱۱۵۷، ۱۱۵۹، ۱۹۵۱،	قاجار قویونلو: ۱۹۶۰
۱۹۵۶	قاجاریه: ۳۲، ۱۸۵، ۲۴۹، ۲۵۱،
قالبق: ۱۹۵۶	۳۹۹، ۴۵۶، ۴۷۵، ۵۵۱، ۵۵۳، ۶۳۹،
قابوس: ۱۶۶۱، ۱۷۶۵، ۱۹۵۷،	۶۷۷، ۷۹۱، ۸۱۳، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲،
۱۹۵۸	۱۰۸۰، ۱۱۱۲، ۱۱۴۲، ۱۱۵۵،
قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی:	۱۱۶۳، ۱۲۲۵، ۱۳۴۰، ۱۳۵۶،
۲۱۳۹	۱۳۵۷، ۱۴۳۴، ۱۴۴۹، ۱۵۲۰،
قابوس نامه: ۱۳۹۶، ۱۹۵۷، ۲۱۳۹	۱۶۱۰، ۱۶۳۶، ۱۶۵۵، ۱۷۱۷،
قابوس وشمگیر: ۱۰۸۸، ۱۸۱۹،	۱۷۱۹، ۱۷۳۵، ۱۸۱۹، ۱۸۳۳،
۱۸۸۵، ۱۸۹۹، ۱۹۴۱، ۱۹۵۷	۱۸۴۸، ۱۸۶۶، ۱۸۹۴، ۱۹۰۹،
قابیلان بیک: ۱۹۵۹	۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰،
قاپوچی باشی: ۱۹۵۹	۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۸۹، ۲۰۲۶،
قاپوچی باشیان: ۱۹۵۹	۲۰۶۶، ۲۰۸۳، ۲۲۱۸، ۲۳۰۶،
قاجار: ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۷۲، ۳۲۴، ۴۴۳،	۲۴۱۱، ۲۴۳۱، ۲۴۴۱، ۲۴۴۳،
۵۴۱، ۵۸۷، ۸۹۰، ۹۳۲، ۱۰۶۸،	۲۴۴۸، ۲۵۰۰، ۲۵۵۱،
۱۱۸۶، ۱۲۵۶، ۱۲۹۰، ۱۳۴۱،	قادیسیه: ۱۰۰۵، ۱۴۲۱، ۱۴۶۸،
۱۳۵۹، ۱۴۳۲، ۱۴۴۴، ۱۵۴۵،	۱۸۱۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱،
۱۷۱۳، ۱۷۸۰، ۱۷۹۷، ۱۸۲۴،	قارن: ۳۰۵، ۶۴۱، ۱۵۵۷، ۱۹۷۱،
۱۸۴۵، ۱۹۰۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱،	۲۴۱۷، ۲۹۷۲،
۲۰۲۷، ۲۳۱۳، ۲۴۶۴، ۲۶۵۳،	قارن بن سوخرا: ۱۵۵۶،
قاجار دولو: ۱۹۶۰	قارن پهلو: ۷۵۴، ۱۹۷۴،
قاجار شیخ علیخان: ۱۷۰۶	قارن وند: ۱۵۵۶،

قارن‌وند: ۱۹۷۲	قباد ساسانی: ۷۸۹، ۹۲۸، ۱۰۰۵،
قارن‌وندان: ۱۹۷۴	۱۶۵۵، ۱۷۱۰، ۲۳۳۷، ۲۶۵۸
قارن‌وندان مطیع آل‌باوند: ۱۹۷۴	قبادیان: ۱۴۱، ۱۰۴۷، ۱۹۷۶
قارنیان: ۱۵۵۶، ۱۵۵۷	قبایل ایران: ۵۱۹
قارود: ۱۴۹۴، ۱۶۳۴	قبایل کنعانی: ۱۴۲
قارون: ۲۰۳۹	قبچاق: ۶۳۶، ۸۱۵، ۹۵۳، ۱۹۹۰
قاسم‌خان بختیاری: ۵۷۱	قبچور: ۱۹۷۶
قاسملو: ۳۷۴، ۱۹۷۴	قبرستان بقیع: ۹۴۸، ۲۳۰۴
قاسمی: ۱۴۱۷	قبرس: ۴۷۴، ۴۹۸، ۵۸۸، ۹۳۹،
قاضی: ۱۹۷۴	۱۲۶۶، ۱۵۰۲، ۱۶۶۹، ۱۹۷۶،
قاضی‌القضات: ۱۹۷۴	۲۰۳۸، ۲۴۷۳
قاضی عسکر: ۱۹۷۵	قُبلی: ۱۹۷۶
قانون حمورابی: ۱۹۷۵	قبیله داهه: ۳۶۷
قارود: ۴۴۲	قبیله پرنی: ۷۲۱
قاهره: ۱۳۳، ۱۹۶، ۳۹۶، ۱۳۵۶،	قبیله قضاغه: ۳۸۹
۱۹۴۲	قبچاقی: ۵۶۱
قباد: ۳۳، ۷۶، ۱۲۲، ۱۲۸، ۲۵۸،	قتلان: ۱۴۵۹
۲۸۱، ۳۱۶، ۴۶۱، ۶۴۱، ۷۴۹،	قتلغ خانیان: ۱۹۸۰
۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۱۸۳، ۱۴۲۳،	قتلغ ترکان: ۸۷۱
۱۹۷۶، ۲۰۳۹، ۲۲۲۰	قتلغ خان: ۲۳۰
قباد اول: ۹۸۲، ۱۹۷۵	قتلغ خانیان: ۶۲۳، ۱۹۷۶
قباد دوم: ۹۹۷، ۱۷۱۰، ۱۹۷۶	قتلغ خانیه: ۶۲۳

قزاسورانها: ۱۹۸۰	قتیبه بن طغشاه: ۲۰۱۲
قراعثمان: ۱۰۳، ۱۸۴۰	قجر: ۱۹۶۱
قراقولوق: ۱۹۸۰	قحطبه: ۱۹۷۶
قراقویونلو: ۳۱۵، ۳۱۶، ۹۵۳، ۱۰۳۸،	قدوسیان: ۴۳۸
۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۵۰۸، ۱۵۱۰،	قدیم کابل: ۱۱۲۱
۱۹۸۲	قرآن: ۱۰۸۷، ۱۹۷۷
قراقویونلوها: ۸۶۸	قرآن کریم: ۱۶۲
قرا محمد: ۱۹۸۶	قرا باغ: ۱۴۱۵، ۱۴۷۹، ۱۶۲۹
قرا محمد تورمش: ۶۱۷، ۱۸۳۵	۱۸۵۹، ۱۹۶۱
قرا مطه: ۳۲۱، ۴۰۶، ۶۵۸، ۱۳۹۴	قرا تکیں: ۱۹۷۸
۱۹۸۴، ۲۳۷۴، ۲۳۹۱، ۲۳۹۲	قرا جری: ۱۹۷۸
قران: ۱۹۸۵	قراجه داغ: ۴۴۲، ۲۰۳۵
قرا نمعا: ۱۹۸۵	قرا چریک: ۱۹۷۸، ۱۹۸۰
قرا هولاکو: ۱۹۸۵	قرا خانیان: ۶۴۱
قرا یوسف: ۳۱۵، ۳۱۶، ۱۶۱۷،	قرا ختائیان: ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷
۱۹۸۲، ۱۹۸۶	قرا ختای: ۱۹۷۸، ۱۹۷۹
قرا یوسف بن محمد: ۱۹۸۲	قرا ختاییان: ۱۱۴، ۶۲۳، ۸۱۱، ۸۷۸،
قرا یوسف ترکمان: ۹۲۱	۱۵۱۴، ۱۸۲۵، ۱۹۱۳، ۱۹۷۶،
قرچی ها: ۱۹۸۶	۲۳۰۲، ۲۱۷۹
قرخلو: ۳۷۴، ۱۹۸۶	قرا ختاییان کرمان: ۶۲۲، ۹۵۱،
قردین: ۱۹۸۶	۱۶۰۲، ۱۹۰۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰
قرشی: ۵۷۲	قرا خطای: ۱۹۷۸

قرطاجنه: ۱۱۹۱، ۱۲۶۶	قزل اوزن: ۱۳۵۵، ۲۲۵۸
قرقلو: ۳۷۴	قزل اوزن: ۲۲۳۵، ۲۲۳۷، ۲۲۴۷
قرقیز: ۸۵۶	قزل ایرماق: ۲۲۳۴
قرقیزستان: ۶۴۱	قزلباش: ۳۷۴، ۳۹۹، ۱۲۲۳، ۱۳۵۹
قرقیزها: ۱۹۷۹	۱۶۲۴، ۱۷۲۸، ۱۸۹۳، ۱۹۶۰
قرلق: ۲۳۷۹	۱۹۶۱، ۱۹۸۸، ۲۰۰۱
قرلون: ۸۵۸	قزلباشان: ۱۹۸۸، ۱۹۸۹
قرمس: ۲۱۲۲	قزوين: ۱۷۲، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۱
قرمطی: ۱۱۰۵، ۱۹۸۴	۳۷۴، ۳۷۸، ۴۲۸، ۴۳۱، ۶۵۸، ۷۵۸
قرمطیان: ۹۶۶، ۱۹۸۴، ۶۵۸	۸۲۲، ۸۲۵، ۸۶۳، ۱۰۳۰، ۱۱۳۶
قره بولاغ: ۱۹۹۵	۱۱۴۳، ۱۲۴۶، ۱۲۸۳، ۱۲۹۲
قره سو: ۲۲۳۸	۱۲۹۸، ۱۳۴۴، ۱۳۴۶، ۱۴۱۱
قره قویونلو: ۴۸۰	۱۵۱۸، ۱۵۷۸، ۱۶۰۸، ۱۶۲۰
قره کلیسا: ۱۹۸۶، ۲۰۷۹	۱۶۲۴، ۱۶۲۹، ۱۶۴۵، ۱۷۳۰
قره نی: ۱۹۸۶	۱۷۸۰، ۱۸۲۳، ۱۸۴۱، ۱۸۴۳
قرنین: ۲۳۳۶	۱۸۸۳، ۲۰۳۲، ۲۱۷۱، ۲۲۳۹
قریه سرابه کچو: ۲۳۲۲	۲۲۴۱، ۲۲۶۱، ۲۲۹۲، ۲۳۱۶
قریه الحدیثه: ۸۵۸	۲۳۴۱، ۲۳۵۲، ۲۳۷۵، ۲۶۶۵
قزاقان: ۲۳۵۱	قزوینی: ۶۴۷
قزل ارسلان: ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶	قس الناطف: ۹۸۵، ۱۹۸۹
۲۴۸۵	قسطنطنیه: ۶۶۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰
قزل ارسلان عثمان: ۱۹۸۸	۹۹۱، ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۲۲، ۱۲۴۰

۱۲۳۵، ۱۹۹۲	۲۴۸۳، ۲۳۷۰، ۱۸۱۲، ۱۴۲۵
قطب‌الدین محمد خوارزمشاه: ۱۹۹۰	قسطنطین: ۱۱۷۹
قطب‌الدین محمد غوری: ۶۷۶،	قشقای: ۱۳۴، ۱۳۳
۱۵۸۸، ۱۹۹۱	قشم: ۷۲۸، ۴۲۸
قطب‌الدین محمد قراختایی: ۱۹۹۱	قشیری: ۱۹۸۹
قطب‌الدین محمود: ۱۲۵	قصر ابونصر: ۸۴۷
قطب‌الدین محمودشاه: ۱۲۵، ۸۷۱	قصر شیرین: ۷۴۲، ۱۰۷۸، ۲۰۶۵
قطغن: ۲۱۱۸	قصر صاحبقرانیه: ۲۳۵۴
قطوان: ۸۷۷، ۱۰۸۹	قصر گلستان: ۲۲۹۷، ۲۳۵۰
قفقاز: ۱۸، ۳۲، ۴۳، ۵۲، ۱۱۰، ۱۱۱،	قطب‌الدین: ۲۳۶، ۸۷۱، ۱۶۱۵،
۱۳۳، ۲۵۵، ۳۵۸، ۴۲۹، ۴۹۴، ۵۵۳،	۲۴۹۱، ۱۶۲۹
۵۷۲، ۵۷۳، ۸۵۲، ۸۶۱، ۸۶۸، ۹۸۲،	قطب‌الدین ایبک: ۷۹۸
۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۸۰،	قطب‌الدین حسن غوری: ۱۹۸۹
۱۲۸۱، ۱۴۱۲، ۱۴۲۸، ۱۴۷۸،	قطب‌الدین حیدر: ۱۱۴۲
۱۴۸۰، ۱۵۶۵، ۱۵۶۷، ۱۵۸۲،	قطب‌الدین حیدرزاده: ۱۹۸۹
۱۵۸۷، ۱۶۴۸، ۱۷۲۶، ۱۷۲۸،	قطب‌الدین خوارزمشاه: ۱۳۱۳
۱۸۲۰، ۱۸۹۵، ۱۹۶۲، ۱۹۷۵،	قطب‌الدین سلیمان‌شاه: ۱۹۹۰
۲۰۳۲، ۲۱۱۹، ۲۱۴۱، ۲۱۶۰،	قطب‌الدین شاه جهان: ۱۹۹۰
۲۱۷۴، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۲۱۰،	قطب‌الدین طاوس سمنانی: ۱۹۹۰
۲۳۰۹، ۲۴۴۳، ۲۵۴۹	قطب‌الدین کرمان: ۱۹۹۱
قفقازی: ۶۰۲، ۱۰۴۵، ۲۶۲۶	قطب‌الدین کیانی: ۲۱۲۵
قفقازیه: ۸۶۷، ۲۶۶۵	قطب‌الدین محمد: ۲۲۳، ۷۱۴،

قلعه اسماعیلیه: ۱۹۹۲	قلعه شکنوان: ۳۶۹
قلعه الموت: ۲۱۷۰	قلعه عموریه: ۴۰۹
قلان: ۱۹۹۲	قلعه فارفان: ۱۹۹۵
قلج ارسلان: ۱۳۲۰، ۱۹۹۲	قلعه فردجان: ۱۲۳
قلزاییها: ۵۲۴، ۱۹۹۲	قلعه قهقهه: ۱۵۱۳، ۱۶۱۲
قلعه الموت: ۱۹۹۲	قلعه کلات: ۱۳۴۲
قلعه بزى: ۱۹۹۲	قلعه وان: ۶۱
قلعه دارا: ۱۹۹۳	قللر آقاسی: ۱۹۹۵
قلعه دحیه: ۱۲۷۴، ۱۹۹۴	قلی بیات: ۱۹۹۶
قلعه دختر: ۱۹۹۴	قلیچه: ۱۹۹۶
قلعه سپید: ۱۴۴۹، ۱۹۹۵	قم: ۹۵، ۱۰۱، ۱۴۳، ۱۵۷، ۱۶۰
قلعه فراموشی: ۱۹۹۵	۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۹۳، ۳۱۴، ۳۷۸
قلعه قهقهه: ۷۵۸، ۱۹۹۵	۴۳۱، ۱۱۱۳، ۱۵۸۱، ۱۷۶۲، ۱۸۹۵
قلعه مریم: ۱۹۹۵	۱۹۹۹، ۲۰۲۲، ۲۳۲۶، ۲۳۴۳
قلعه اردشیر: ۲۵۴۱	۲۳۴۹، ۲۳۵۳، ۲۳۶۱
قلعه اصطخر: ۳۶۹	قمر السلطنه: ۱۹۹۶
قلعه الموت: ۱۱۰۰	قمشه: ۳۱۶، ۲۳۲۲
قلعه تبرک: ۳۹۵	قندوز: ۱۴۵۹
قلعه جمهور: ۱۹۹۵	قندهار: ۴۷، ۲۴۶، ۳۲۶، ۳۷۷، ۴۰۰
قلعه دختر: ۱۹۴۵	۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۷۶۰، ۱۱۸۵
قلعه سلاسل: ۱۶۳۰	۱۱۸۹، ۱۳۲۸، ۱۳۴۹، ۱۳۶۲
قلعه شاهین: ۱۳۹۷	۱۵۱۲، ۱۵۳۴، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲

قورچیان: ۲۰۰۱	۱۶۲۸، ۱۷۳۰، ۱۸۹۶، ۱۹۹۲
قورچی باشی: ۹۳۱، ۱۳۴۹، ۲۰۰۱	۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۷۲، ۲۱۷۵
قورخانه: ۹۳۷	۲۴۵۰، ۲۵۵۷، ۲۵۷۰، ۲۵۹۸
قوریلته: ۱۰۴۹، ۴۹۶	۲۵۹۹
قوشچی باشی: ۲۴۵۲، ۲۰۰۱	قوام: ۱۵۴۶، ۲۶۰۶
قوطیان: ۲۰۰۱	قوام الدوله: ۲۰۸۵
قوللر: ۲۰۰۱	قوام الدین: ۱۹۹۶، ۲۳۳۴
قوللر آقاسی: ۳۹۹، ۹۳۱، ۱۷۲۹	قوام الدین ابوالقاسم: ۱۹۹۶، ۱۹۹۷
قوم الدین: ۲۳۳۴	قوام الدین حسین اصفهانی: ۱۹۹۷
قومس: ۳۱۴، ۶۱۷، ۷۴۶، ۷۵۱	قوام الدین درگزینی: ۱۹۹۷
۸۸۳، ۱۲۹۸، ۱۸۲۲، ۱۹۴۱، ۲۰۰۱	قوام الدین صاحب عیار: ۱۹۹۷
۲۳۹۷	قوام الدین مرعشی: ۱۷۸۷
قومش: ۱۱۶۵	قوام الدین نظام الملک خوافی: ۱۹۹۷
قوم قلعه: ۲۰۰۲	قوام السلطنه: ۱۷۲، ۲۴۷، ۱۰۸۴
قویونلو: ۳۲۵، ۲۰۰۲	۱۳۳۹، ۱۸۳۱، ۱۹۹۷، ۲۵۴۳
قهرود: ۲۰۳۳، ۲۱۹۸	قوبلای قآن: ۵۵۳، ۶۴۷، ۱۱۵۹
قُهستان: ۱۸۶، ۹۰۴، ۱۲۳۲، ۲۳۱۹	قوبیلای قآن: ۱۱۵۹، ۱۹۹۶
قُهستان: ۲۰۳، ۲۱۳، ۶۳۶، ۷۵۰	قوت الظهر: ۸۶۰
۷۵۲، ۱۰۹۶، ۱۵۹۸، ۱۷۵۶، ۱۷۷۵	قوتونویان: ۹۸۳
۱۹۹۲، ۲۱۱۲، ۲۱۲۲، ۲۶۵۹	قوچان: ۳۳۳، ۳۳۵، ۸۶۴، ۱۷۹۷
قهقهه: ۱۹۹۵، ۲۰۰۲	۱۸۲۲
قیات: ۲۳۷۹، ۲۶۶۳	قوریگی: ۲۰۰۱

- قیام اسحاق ترک: ۲۰۰۲
 قیام افغانان: ۲۰۰۲
 قیام پانزده خرداد: ۲۵۱۱، ۲۶۳۹
 قیام تارابی: ۲۰۰۲
 قیام خرم دینان: ۲۰۰۲
 قیام خشریتی: ۲۰۰۲
 قیام راندویان: ۱۳۲۵
 قیام زنگیان: ۲۰۱۱
 قیام فرورتیش: ۲۰۱۲
 قیام وهیزداته: ۲۰۱۷
 قیام یوسف البرم: ۲۰۱۸
 قیچاجی خانه: ۲۰۱۸
 قیروان: ۲۳۷۰
 قیصاریه: ۳۸۵
 قیصران روم: ۲۳۷۰
 قیصر روم: ۲۱۱۵
 قیلیچ قورچی سی: ۲۰۱۸
- کابل: ۹۴، ۵۲۷، ۶۱۳، ۱۳۵۵،
 ۱۴۰۹، ۱۴۲۸، ۱۶۲۱، ۱۸۷۴،
 ۱۸۷۵، ۱۸۹۶، ۲۰۹۲، ۲۱۱۷،
 ۲۱۱۹، ۲۱۳۱، ۲۱۷۴، ۲۴۰۳،
 ۲۴۲۳، ۲۴۲۸
 کابینه احمد قوام: ۱۹۹۹
 کابینه دکتر علی امینی: ۴۵۴
 کابینه سپهبد رزم آرا: ۱۳۳۰
 کابینه علی سهیلی: ۱۸۴۴
 کابینه غلامرضا ازهاری: ۳۰۰
 کابینه مرتضی قلی بیات: ۲۳۲۵
 کاپادوس: ۹۹۴
 کاپادک: ۲۰۲۰
 کاپادوس: ۹۸۸
 کاپادوکیه: ۶۰، ۷۹، ۱۴۸، ۳۰۹،
 ۷۶۸، ۱۰۳۱، ۱۱۸۸، ۱۱۹۱، ۱۲۵۰،
 ۱۲۶۵، ۱۴۰۸، ۱۵۳۲، ۱۶۸۷،
 ۱۶۸۸، ۱۸۹۰، ۱۹۱۷، ۲۰۲۰،
 ۲۱۰۲، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۶۴۴،
 ۲۶۴۵
 کاپکوه: ۴۳
 کاپیتولاسیون: ۱۱۰۳، ۲۰۲۱، ۲۰۴۳
- کائیریاشیه: ۲۰۱۹
 کابرین: ۲۳۷۲، ۲۰۱۹

کاراکالا: ۲۷۶، ۱۰۳۰	کاپی تولینوس: ۲۰۲۳
کارتاژ: ۵۳، ۹۹۰	کاپیچی: ۲۱۱۴
کارتاژیا: ۱۱۹۱	کات: ۱۲۱
کارخمیش: ۲۰۲۹، ۲۵۷۲	کاتر فراکتارها: ۲۰۲۳
کارکالا: ۲۰۲۸	کاتر فراکتارها: ۲۰۲۴
کارمانیا: ۶۶۴، ۶۶۵، ۷۳۱	کاث: ۱۲۱، ۲۰۲۴
کارنامک اردشیر بابکان: ۲۶۹	کاخ آپادانه: ۲۰
کارنامه اردشیر بابکان: ۱۸۸۹، ۲۰۶۹	کاخ ابیض: ۲۰۲۷
کارنتای: ۲۰۳۰	کاخ اردشیر بابکان: ۲۰۲۴
کاروس: ۱۴۲۲	کاخ چهل ستون: ۲۵، ۱۷۲۹
کاروک بند: ۲۰۳۰	کاخ خلفی: ۲۰۲۵
کارون: ۵۰۹، ۶۵۱، ۱۰۴۷، ۱۱۴۸	کاخ خورشید: ۲۰۲۵
۲۴۶۲	کاخ داریوش: ۲۰۲۵
کاره: ۳۳۸، ۹۷۵، ۹۸۶، ۹۸۸، ۲۰۳۰	کاخ ساسانی: ۲۰۲۵
کارّه: ۱۰۱۴	کاخ سعدآباد: ۷۹۳
کاری: ۷۷، ۲۰۳۱	کاخ شاپور اول: ۲۳۴۴
کاریان پارس: ۴۵	کاخ گلستان: ۱۰۱، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷
کاریه: ۱۵۳۱	کاداش: ۲۰۲۷
کازرون: ۲۸، ۱۴۶، ۲۷۲، ۵۰۴، ۶۹۸	کادوسیان: ۱۲۶۴، ۲۱۰۲، ۲۲۴۷
۷۲۶، ۷۲۸، ۹۳۹، ۱۴۰۸، ۱۶۰۷	۲۶۴۷
۲۲۰۱، ۲۰۰۱	کادوسیها: ۲۰۲۷، ۲۰۲۸
کازیک: ۲۰۳۲	کاذش شاه: ۱۴۳۰

فهرست اعلام	۲۹۰۸	فرهنگ توصیفی
کاژرپلو: ۲۰۳۲	کاشمر: ۳۷۸، ۸۵۲، ۱۱۰۰، ۱۷۵۹، ۲۳۲۳	
کاساندان: ۱۹۱۷، ۲۰۳۲، ۲۰۳۹	کاشو: ۲۰۳۳، ۲۰۳۵	
کاساندر: ۲۳۹۰	کاظم خان: ۲۰۳۵	
کاسپیان: ۲۰۳۲، ۲۲۴۷، ۲۲۶۱	کاظم خان قراجهداغی: ۲۰۳۵	
کاسپیان تپوران: ۶۵	کاکابلیمان: ۵۳۵	
کاسپین: ۷۵۲، ۱۲۸۱، ۱۹۳۹، ۲۰۳۲	کاکویه: ۱۲۳، ۶۶۳، ۱۷۸۷، ۱۹۰۷، ۲۰۳۵	
کاسک: ۲۰۳۳		
کاسوها: ۲۰۳۲		
کاسی: ۲۱۹، ۳۸۳، ۲۰۳۲، ۲۱۵۱	کاکیل: ۲۰۳۵	
۲۶۲۶	کالاتوس: ۲۰۳۶	
کاسیان: ۳۸۳، ۱۶۸۲، ۱۷۱۲	کالا: ۹۰، ۲۰۳۶	
۲۰۳۵، ۲۳۳۰	کالح: ۸۱، ۲۰۳۶	
کاسیک: ۲۰۳۳	کالسدون: ۹۸۹، ۹۹۷	
کاسیها: ۹۰۶، ۲۱۷۷، ۲۵۷۶، ۲۵۹۱	کالوس: ۲۲۲۱	
۲۶۲۱	کالیاس: ۱۷۳۳، ۱۸۶۱، ۲۰۳۶	
کاشان: ۱۰۰، ۳۷۸، ۳۹۲، ۴۳۱	۲۰۳۷	
۴۴۷، ۱۱۱۳، ۱۶۲۱، ۲۰۳۳، ۲۰۸۲	کالینیکوس: ۱۵۲۸، ۲۰۳۸	
۲۱۹۸	کالیوس: ۳۵۹	
کاشانی: ۱۷۳، ۲۰۳۴	کامبادن: ۳۸۲	
کاشغر: ۵۲۵، ۵۶۴، ۶۳۷، ۸۵۹	کامبخش: ۱۰۸۷، ۲۳۱۵	
۸۶۶، ۱۴۳۳، ۱۴۳۶، ۱۴۸۶، ۱۷۸۸	کامران: ۱۰۸۷	
۱۹۸۰، ۲۰۹۰، ۲۵۶۹، ۲۶۴۰	کامران میرزا: ۲۳۵۱	

۲۰۳۸، ۱۵۵۲	کامرون:
۲۲۵۵، ۲۲۳۴، ۲۱۰۵، ۲۰۴۳	کامناسکیر: ۴۲۴
کتریفون: ۳۳۶، ۲۰۴۴	کانرکه: ۲۱۱۵
کتک خوتای: ۲۰۴۴	کانسوی: ۲۱۱۷
کتک خوتای زن: ۲۰۴۴	کانیشکا: ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶
کتیبه بیستون: ۲۰۳۹	کاوس: ۱۹۵۷، ۲۱۲۹
کتیبه تاجر: ۲۰۴۴	کاوس پذیرشخوار شاه: ۲۳۳۸
کتیبه شاپور اول: ۱۶۸۷	کاوکیل: ۲۰۳۵
کتیبه نرسی: ۷۸۰	کاووس: ۲۱۲۶
کتیبه‌های بابلی: ۵۰	کاوه: ۲۰۳۸، ۲۰۳۹
کتیبه‌های سوئز: ۲۰۵۲	کاوه آهنگر: ۲۵۰، ۱۷۴۴
کتیبه‌های فارسی باستان: ۱۵۶۲	کاوشیان: ۱۹۷۶
کتیبه‌های کرتیر: ۱۸۸۹، ۲۰۵۴	کایلریانگ: ۸۲۰
کتیبه‌های لاج مزار: ۲۰۵۵	کبوجیه: ۲۱۰۸
کتیبه‌های میخی: ۶۰، ۱۵۵۵	کبوجیه سوم: ۱۴۴
کتیبه هرمز: ۷۸۰، ۱۸۸۹	کبیسه: ۸۱۶
کتیبه اردشیر اول: ۲۰۵۵	کتاب التنبیه: ۲۳۴۵
کتیبه آرشام: ۲۰۵۵	کتاب اندرزگر: ۲۰۴۲
کتیبه آریارمته: ۲۰۵۶	کتابچه: ۲۰۴۳
کتیبه الوند: ۲۰۵۶	کتابخانه استخر: ۲۰۴۳
کتیبه برم دلک: ۲۰۵۶	کتر: ۲۰۴۳
کتیبه بیستون: ۸۸۸، ۲۰۵۳، ۲۰۵۶	کترتزیاس: ۵۱۵، ۱۵۵۹، ۲۰۳۱
۲۳۹۲، ۲۳۳۵، ۲۲۴۴	

کدیگ آمار دبیر: ۲۰۶۶	کتیبۀ پهلوی: ۲۰۶۵
گُذمان: ۲۰۶۷	کتیبۀ تخت جمشید: ۲۰۵۶
کدؤمانوس: ۲۰۶۷	کتیبۀ تنگۀ سوئز: ۲۰۵۷
کذک بانوک: ۲۰۶۷	کتیبۀ زرتشت: ۲۵۹۵
کذک خودای: ۲۰۶۷	کتیبۀ سلوک: ۲۰۵۸
کراسوس: ۲۶۷، ۳۴۷، ۹۸۶، ۱۰۰۹	کتیبۀ شاپور: ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱
۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴	۲۰۷۶
۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۲۸، ۱۹۳۱	کتیبۀ شاپور اول: ۲۰۵۸
کراکوس: ۱۵۵۹	کتیبۀ شاپور دوم: ۲۰۵۸
کرانیکوس: ۲۱۵۹	کتیبۀ شاپور سگانشاه: ۲۰۵۹
کریلا: ۶۱۸، ۱۱۶۷، ۱۷۶۱، ۲۲۹۲	کتیبۀ کرتیر: ۲۰۶۱، ۲۰۶۳
۲۳۲۰، ۲۳۱۹، ۲۳۰۴	کتیبۀ کورش: ۲۰۶۳
کرین: ۱۳۲۱، ۲۱۷۱	کتیبۀ گنجنامه: ۲۰۶۴
کرب: ۱۳۷۶	کتیبۀ مهر نرسی: ۲۰۶۴
کرپرتر: ۲۱۲۰	کتیبۀ نرسه: ۲۰۶۴، ۲۰۶۵
کرتیر: ۲۰۵۴، ۲۰۶۳، ۲۰۶۷	کتیبۀ نرسی: ۲۰۶۵
کرتیها: ۵۲۴	کتیبۀ نقش رستم: ۲۰۶۵
کرج: ۱۸۳۱، ۲۶۶۵	کتیبۀ وان: ۲۰۶۵
کرخ میسان: ۱۲۱۶	کتیبۀ همدان: ۲۰۶۶
کرخه: ۱۳۵۵، ۲۲۶۰	کجور: ۱۲۸، ۷۱۷
کرد: ۲۰۷۰	کدخدا: ۲۰۴۴، ۲۰۶۶
کردستان: ۵۵، ۱۳۴، ۳۱۶، ۳۶۳	کدفیزس: ۲۱۱۹

۵۳۵، ۴۴۲، ۴۰۷، ۳۷۷، ۳۷۴، ۳۳۵	۷۴۲، ۶۶۹، ۶۶۳، ۶۶۲، ۶۵۵، ۵۲۷
۶۶۵، ۶۶۴، ۶۵۹، ۶۲۷، ۶۲۳، ۵۸۹	۱۱۹۰، ۱۱۸۳، ۱۱۵۶، ۹۳۶، ۷۸۱
۷۱۵، ۷۱۴، ۶۶۹، ۶۶۸، ۶۶۷، ۶۶۶	۱۳۲۶، ۱۲۶۴، ۱۲۴۱، ۱۲۲۳
۸۸۳، ۸۶۵، ۸۶۴، ۸۲۸، ۷۳۱، ۷۱۶	۱۵۰۰، ۱۴۱۳، ۱۳۵۵، ۱۳۳۹
۹۷۲، ۹۵۸، ۹۵۷، ۹۴۳، ۹۰۴، ۸۸۹	۱۷۳۹، ۱۶۲۴، ۱۶۰۸، ۱۵۸۳
۱۲۹۹، ۱۲۳۱، ۱۲۲۰، ۱۱۸۶، ۱۰۸۸	۱۹۳۵، ۱۹۳۳، ۱۸۵۰، ۱۸۰۶
۱۲۹۶، ۱۲۶۴، ۱۲۵۴، ۱۲۵۱،	۲۰۹۳، ۲۰۳۳، ۲۰۳۲، ۱۹۳۹
۱۳۹۶، ۱۳۴۳، ۱۲۹۸، ۱۲۹۷	۲۵۶۳، ۲۵۳۸
۱۴۶۱، ۱۴۶۰، ۱۴۵۹، ۱۴۲۸	گردوچین: ۲۰۶۷
۱۵۰۹، ۱۴۸۶، ۱۴۸۴، ۱۴۷۲	کردون: ۳۳۵
۱۶۳۴، ۱۶۳۳، ۱۶۱۱، ۱۵۱۶	کردها: ۵۲۴
۱۸۵۶، ۱۸۵۲، ۱۸۰۴، ۱۷۲۶	کروزوس: ۱۴۱۲، ۹۸۴، ۷۸۷، ۶۹۲
۱۹۹۰، ۱۹۸۰، ۱۹۰۹، ۱۸۹۴	۲۲۲۳، ۲۱۰۷، ۲۰۶۷
۲۰۷۳، ۲۰۶۹، ۲۰۳۹، ۱۹۹۱	کرسوز: ۲۰۶۷
۲۳۷۴، ۲۱۵۸، ۲۱۲۲، ۲۱۲۱	کرفتو: ۲۰۶۸
۲۴۶۶، ۲۴۶۵، ۲۴۰۷، ۲۳۹۸	کرکس: ۲۰۳۳
۲۵۴۱، ۲۵۴۰، ۲۵۲۴، ۲۵۲۳	کرکمیش: ۲۰۶۸، ۱۴۱۳
کرمانشاهان: ۳۳۷، ۳۳۵، ۱۲۶۴	کرکوک: ۱۳۲۶، ۱۲۶۵، ۱۲۴۱، ۳۳۸
۲۰۷۲، ۲۰۷۰، ۱۷۸۰، ۱۷۴۸	کرکوی: ۲۰۶۸
۲۲۳۹، ۲۲۳۷	کرم: ۲۰۶۹
کرمانشاه اول: ۲۰۶۹	کرمان: ۱۱۵، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۱، ۵۹
کرمانشاه دوم: ۲۰۷۰	۱۳۰، ۳۳۰، ۳۰۹، ۲۹۹، ۲۲۷، ۲۲۶

کرمانشاه: ۱۸۵، ۳۸۲، ۴۱۸، ۵۲۷،	کریمخان افغان: ۲۰۷۳
۵۲۹، ۵۳۰، ۵۷۲، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۸۰،	کریمخان برد: ۱۸۴۹
۶۹۳، ۸۲۸، ۹۷۸، ۱۰۷۸، ۱۱۶۷،	کریم خان زند: ۲۵، ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۱۵،
۱۳۲۵، ۱۳۲۹، ۱۳۶۴، ۱۴۲۸،	۳۷۴، ۳۷۶، ۵۶۶، ۵۷۲، ۷۰۳، ۸۸۹،
۱۷۵۱، ۱۷۷۸، ۱۸۲۴، ۱۹۱۵،	۹۳۱، ۱۱۰۰، ۱۱۱۳، ۱۲۵۲، ۱۳۸۲،
۲۰۵۳، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۲،	۱۳۸۶، ۱۴۴۲، ۱۵۱۱، ۱۶۱۳،
۲۱۷۱، ۲۱۷۹، ۲۲۴۱، ۲۲۵۹،	۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۲۲، ۱۸۴۹،
۲۳۴۳، ۲۳۷۲، ۲۴۴۷، ۲۴۶۸،	۱۸۵۰، ۱۸۵۵، ۱۹۶۱، ۲۰۳۵،
کرنال: ۲۰۷۳، ۲۰۲۴	۲۰۷۴، ۲۴۴۷، ۲۴۵۲، ۲۵۵۳،
کرنل: ۱۴۲	کریمه: ۸۶۵، ۲۰۷۵
کروپدی: ۴۱۷	کزنفون: ۲۰۷۵
کروزوس: ۷۹	گستی: ۷۶۱
کرومو: ۱۳۵۵	کسروی: ۲۵۰۳، ۲۵۰۴
کریستن سن: ۱۸، ۱۹، ۴۵، ۷۵۲،	گش: ۸۰
۱۳۰۴، ۱۳۲۱، ۱۳۲۴، ۲۰۷۳،	گشتی: ۲۰۷۶
۲۱۲۳	کشف حجاب: ۹۵۸
کریم الدین حبیب ساوجی: ۲۰۷۳	کشمیر: ۱۴۳۰، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵
کریم توشمال: ۱۳۸۶	کشمیرانشاه: ۱۴۳۰
کریم خان: ۷۳، ۱۸۵، ۲۰۵، ۳۱۶،	کشور دریایی: ۲۰۷۶
۵۶۶، ۱۲۲۶، ۱۳۹۰، ۱۴۴۲، ۱۶۱۳،	کعبه زردشت: ۷۲۱، ۷۸۰، ۱۷۱۳،
۱۷۰۷، ۱۸۴۹، ۱۸۹۳، ۱۹۶۱،	۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۷۶
۲۰۷۴، ۲۰۷۵	کفایة الاصول: ۲۳۱۴

کلیسای وانک: ۲۰۷۹	کلثوپاتر: ۱۵۲۸، ۴۰۱
کللیله و دمنه: ۶۱۲، ۶۲۵، ۱۵۵۰، ۲۰۷۹	کلثومنس: ۱۵۰
کُلینی: ۲۰۸۰	کلات: ۹۰۴
کمال الدین ابوشجاع زنجانی: ۲۰۸۱	کلانتر: ۲۰۷۶
کمال الدین بهزاد: ۲۰۸۱	کلاویخو: ۲۰۷۷
کمال الدین بهزاد هراتی: ۶۸۴	کَلَباد: ۲۰۷۷
کمال الدین حسین رشیدی: ۲۰۸۱	کلخید: ۶۱
کمال الدین حسین منصور: ۲۰۸۱	کلدانی: ۲۰۷۸، ۱۱۹۵، ۵۹۹، ۶۰
کمال الدین دستجردانی: ۲۰۸۱	کلدانیان: ۳۱۳، ۶۵۹، ۱۶۵۸، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۱۰۲، ۲۱۰۴
کمال الدین علی سمیرمی: ۲۰۸۲	کلدانیها: ۶۰، ۵۵۰، ۵۹۹
کمال الدین محمد خازن: ۲۰۸۲	کلده: ۲۰۹، ۵۸۰، ۵۸۷، ۶۲۶، ۶۲۹
کمال الملک: ۲۰۲۷، ۲۰۸۲	۱۲۶۵، ۱۵۵۹، ۱۵۶۸، ۱۷۴۵
کمبریج: ۱۸۲۰	۲۰۷۷، ۲۰۷۸
کـمبوجیه: ۲۰، ۶۳، ۱۳۴، ۳۸۴	کلده قدیم: ۳۳۵
۷۱۳، ۷۱۲، ۷۱۱، ۶۲۳، ۵۹۴، ۵۶۵	کلفون: ۵۶۸
۷۱۴، ۷۵۶، ۷۶۰، ۷۶۱، ۸۴۸	کلکته: ۱۰۷۵
۱۷۷۶، ۱۹۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۳۲	کلنل محمدتقی خان: ۲۰۷۸
۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲	کلو اسفندیار: ۲۰۷۸، ۲۳۰۱
۲۰۴۳، ۲۰۸۳، ۲۱۰۵، ۲۱۳۹	کلوت: ۲۱۲۱
۲۱۴۶، ۲۲۵۳، ۲۴۷۲، ۲۴۷۳	کلیتارخوس: ۸۳۳
۲۵۸۴، ۲۵۸۶	کلیسای طاطاوس: ۱۹۸۶، ۲۰۷۹

کنگاور: ۶۴۷، ۱۲۴۱، ۲۰۷۰، ۲۳۷۲	کمبروجیه دوّم: ۷۶۰
کنگریان: ۱۲۹، ۹۴۳، ۱۲۸۳، ۱۴۳۴، ۲۰۹۰	کمبروجیه دوم: ۲۵۸۴، ۲۰۴۲
کنگه: ۲۰۹۰	کمبروجیه سوم: ۲۵۸۳، ۲۰۴۲
کنیشکا: ۲۰۹۰، ۲۰۹۱	کمبروجیه اول: ۲۵۸۳، ۲۰۸۳، ۱۲۴۹
کنیشکارود: ۲۱۱۵	کمربند: ۵۳۲
کینکای دوم: ۲۰۹۱	کمونیت: ۶۸۴، ۷۷۰
کنیه بابک: ۱۹۷۴	کمونیتها: ۱۰۸۲
کواذ: ۲۰۹۱	کمونیتی: ۱۲۲۳، ۱۹۰۴
کوارترناری: ۵۳۴	کمیته مجازات: ۲۰۸۵
کوبرنیس: ۲۰۹۱	کمیته ستار: ۲۰۸۳
کوبها: ۱۳۵۳، ۱۳۵۵، ۲۰۹۲	کمیل بن زیاد: ۱۰۷۷
کوپرلیس: ۲۰۹۲	کندراس: ۵۱۸
کوتر - نهونت دوم: ۲۱۹	گندری: ۲۰۸۶
کوتوال: ۱۹۸۶، ۲۰۹۲	گنر: ۱۳۵۳
کوتی: ۲۰۹۳	کنزالاحیا: ۲۰۸۶
کوتیان: ۳۸۳، ۲۰۹۳	کنژک: ۸۴۷
کوتیر: ۲۰۹۴	کنستانتین: ۲۰۲۳
کوتیرناخوته: ۲۰۹۴	کنستانس: ۱۳۵، ۱۳۶
کوتیک - اینشوشینک: ۵۰۲، ۵۰۳	کنعانیان: ۶۵۹
کوجولا: ۲۱۱۹	کنفدراسیون: ۲۰۸۶
کوجولا کدفیزس: ۲۱۱۹	کنفرانس تهران: ۲۰۸۶
	کنکریان: ۴۳، ۱۲۹۹

کوچک جنگلی: ۱۱۵۷	۴۶۶، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۸۹، ۶۴۴، ۶۸۷
کودتای ۲۸ مرداد: ۱۸۳۱، ۲۰۹۵	۶۹۲، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۷
۲۵۱۱	۷۴۶، ۷۶۰، ۹۰۴، ۹۲۵، ۹۸۴
کودور: ۲۱۸	۱۰۱۸، ۱۲۳۷، ۱۲۵۹، ۱۲۶۸
کودورن خوندی: ۲۰۹۶	۱۲۸۶، ۱۳۱۳، ۱۳۹۴، ۱۴۱۲
کورا: ۲۱۱۹	۱۴۴۲، ۱۵۸۹، ۱۹۱۷، ۲۰۳۲
کورپایدیا: ۸۵۲، ۲۰۹۶	۲۰۳۹، ۲۰۴۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۷
کورتش: ۲۰۹۷	۲۰۷۵، ۲۰۷۸، ۲۰۹۷، ۲۱۰۵
کورش: ۲۶۴، ۵۵۰، ۷۳۱، ۷۸۷	۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰
۱۶۰۸، ۱۶۶۵، ۱۷۷۶، ۱۸۸۶	۲۱۱۹، ۲۱۳۰، ۲۲۳۴، ۲۳۳۶
۲۰۱۳، ۲۰۱۷، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸	۲۳۹۵، ۲۴۳۰، ۲۵۷۶، ۲۵۸۳
۲۰۹۹، ۲۱۰۳، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱	۲۵۸۶
۲۱۳۶، ۲۱۶۶، ۲۲۰۲، ۲۲۱۵	کروش اول: ۱۰۶۴، ۲۵۸۳، ۲۵۸۴
۲۲۵۳، ۲۴۱۱، ۲۴۷۲، ۲۴۷۴	کروش بزرگ: ۵۵، ۱۵۳۲، ۱۶۱۳
۲۴۷۶	۲۲۲۵
کورش کبیر: ۵۹۳، ۱۳۷۱، ۱۹۳۶	کروش دوم: ۴۶۶، ۱۰۶۴، ۲۰۴۲
۲۱۳۰	۲۱۰۴
کورش نامه: ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰	کروش سوم: ۲۵۸۳
۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۴	کروش صغیر: ۷۵۹
کورصول: ۸۵۶	کروش کبیر: ۵۸۰، ۱۳۱۳، ۲۰۹۶
کوروپایدیا: ۲۰۹۷	۲۲۷۵
کوروش: ۳۱، ۷۵، ۷۹، ۱۴۷، ۱۴۸	کروش کوچک: ۲۱۰۹

کوفن: ۱۳۵۵	کوروش لاشایی: ۱۴۱۸
کوفه: ۳۹، ۱۹۹، ۲۰۰، ۶۳۳، ۶۷۳، ۹۳۶، ۱۰۰۱، ۱۴۷۶، ۱۹۷۰، ۲۰۱۰، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۳۲۰، ۲۳۲۱، ۲۵۲۰، ۲۳۷۴، ۲۳۷۰	کوره اردشیر خوره: ۷۲۷
کوکبی: ۲۱۱۹	کوره: ۱۲۴۳، ۲۱۱۰
کوکتاش: ۸۶۳	کوره شاهپور خوره: ۷۲۷
کوکلوپس: ۱۴۹	کوزتیر: ۲۱۱۲
کولمان: ۲۰۰۶	کوستپان: ۲۱۱۲
کومش: ۱۱۶۸، ۳۳۷	کوسی: ۲۰۳۳
کوناکس: ۲۰۹۸	کوش: ۲۱۱۶
کوناکسا: ۱۴۸، ۱۲۸۶، ۲۱۱۹	کوشان: ۱۱۶۸، ۱۴۲۱، ۱۵۳۷، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۵۲۹
کوند: ۲۱۲۰	کوشان شاه: ۷۴۸
کوندورو: ۲۰۱۶	کوشانشاه: ۷۴۸
کوه البرز: ۳۸۷	کوشانها: ۱۴۲۳، ۲۱۲۲
کوه الوند: ۲۲۳۵	کوشانی: ۷۰۳، ۱۴۲۸، ۲۰۹۰
کوه توروس: ۱۵۲	کوشانی: ۲۰۹۱، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۳۱
کوه رحمت: ۲۱۲۰	کوشانیان: ۵۹۲، ۲۰۹۰، ۲۱۱۳
کوه رشکان: ۲۱۲۰	کوشانیان کوچک: ۲۱۱۷، ۲۱۱۶، ۲۱۱۹
کوه ریوند: ۷۷۵	کوشانی ها: ۲۵۷۰، ۲۶۰۱
کوهش: ۱۹۷۳	کوشانی کوجولا: ۲۱۱۹
کوه قارن: ۱۹۷۲	

کیا حسن: ۳۷۳	کوه قاف: ۴۳
کیا فخرالدین چلابی: ۳۷۳	کوه نور: ۲۱۲۰
کیا کزار: ۲۱۲۳	کوههای اورال: ۱۵۴
کیا کسار: ۲۰۱۳، ۲۱۰۳	کوههای تورو: ۱۵۴۲
کیان: ۲۱۲۳، ۲۱۶۲	کوههای زاگرس: ۲۲۳۴
کیان خوره: ۲۱۲۴	کوههای قفقاز: ۳۳۵، ۱۴۶۷
کیانوری: ۲۱۲۴، ۲۳۱۵	کوهیار: ۱۹۷۲
کیانیان: ۹۳۰، ۱۲۵۳، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷	کویته: ۸۹۳
۲۱۲۸، ۲۱۳۵	کویر لوت: ۲۱۲۰، ۲۳۹۴
کیانی: ۱۲۵۵، ۱۳۸۶، ۲۱۲۲	کوشانک: ۲۱۲۲
۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۴۴، ۲۱۶۶	کهر منکوقآن: ۵۵۳
کی بیارش: ۱۳۶۶، ۲۱۲۸	کهکیلویه: ۱۳۲۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۷
کی پسین: ۲۱۲۳	۲۲۰۲
کی پین: ۲۱۱۸	کهگیلویه: ۴۲۸، ۱۵۵۱
کیتن: ۲۱۲۸	کی: ۲۱۲۲
کیتن: ۲۱۲۸	کیتو چیئوخیو: ۲۱۱۴
کی خسرو: ۲۱۳۰	کی آذربوزذ: ۲۱۲۳
کی خسرو اول: ۱۴۹۷	کی آرش: ۲۱۲۳
کی خسرو جی: ۲۷۲	کیا افراسیاب بن چلاوی: ۱۴۱۱
کی خسرو: ۱۳، ۳۵، ۱۸۰، ۲۷۱، ۲۸۰	کیا بزرگ امید: ۱۱۰۰، ۲۱۲۳
۳۷۱، ۳۷۲، ۵۹۳، ۶۲۵، ۷۷۷، ۷۸۸	کیا بزرگ امید رودباری: ۶۳۱
۸۴۹، ۹۰۲، ۹۳۰، ۱۰۶۳، ۱۱۶۲	کی ایپوه: ۲۱۲۳، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹

فهرست اعلام	۲۹۱۸	فرهنگ توصیفی
۱۲۳۷، ۱۲۷۹، ۱۳۲۴، ۱۳۶۶، ۲۱۳۹		
۱۷۱۰، ۱۹۸۶، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، کیکاوس بن اسکندر: ۲۱۴۰		
۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، کیکاوس بن قابوس بن وشمگیر: ۲۱۳۹		
۲۱۳۸، ۲۱۴۴، ۲۱۶۰، ۲۲۲۰، کیکاووس: ۱۵، ۱۳۶۶، ۲۱۲۳		
۲۴۵۳، کی کا یوس: ۲۱۴۰		
کیخسرو ساسانی: ۱۲۱، کی کوات: ۲۱۴۰		
کیدار: ۲۱۳۱، کی گشتاسب: ۳۵، ۲۶۹، ۹۲۸		
کیداری: ۲۱۳۱، ۱۹۱۳، ۲۱۲۶، ۲۵۶۷		
کیداریان: ۲۱۳۱، ۲۱۱۷، ۷۸۹، کی گشتاسب کیانی: ۱۲۴۷		
کیداری ها: ۲۱۱۴، کی گشتاسب: ۲۱۴۴، ۲۶۳۱		
کی ربریش: ۲۱۳۱، کیلو پولیس: ۳۸۵		
کیسانیه: ۲۰۰۹، ۲۱۳۲، کی لوهراسپ: ۲۱۴۰		
کیستن: ۲۱۳۳، کی لهراسپ: ۲۱۲۶، ۲۱۴۱		
کیش: ۲۳۰، ۲۳۷، ۳۸۲، ۴۷۵، ۵۰۰، کیلی شین: ۲۱۴۱		
۹۵۹، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، کیلیکیه: ۶۲، ۵۸۰، ۸۸۰، ۱۲۵۰		
کیشار: ۱۵۲، ۲۱۹، ۹۰۶، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۵۴۱، ۱۶۱۴		
کیشزیم: ۲۱۳۵، ۱۶۱۵، ۲۱۴۱، ۲۲۲۶، ۲۲۷۴		
کیشه سو: ۲۰۰۵، ۲۶۴۴، ۲۵۹۰		
کیقباد: ۵۹۳، ۱۸۱۵، ۲۱۲۳، ۲۱۲۶، کی لین: ۲۱۱۷		
۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۴۰، ۲۱۶۲، کیماک: ۸۶۵		
کیکاوس: ۵۹۳، ۶۴۵، ۸۴۷، ۱۲۳۷، کیمری: ۲۰۰۸		
۱۵۵۷، ۱۵۷۴، ۱۷۱۰، ۲۱۳۶، کیمریان: ۲۰۰۸		

گیوماتی مغ: ۶۲۳	کیمری‌ها: ۶۰، ۱۶۰۱، ۲۱۴۱
گیوماته: ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۲۲۱	کی مست: ۳۸۴
گا: ۲۱۴۶	کیمون: ۲۰۳۸، ۲۱۴۲
گائوش درفشه: ۲۰۳۹	کینخواریه: ۶۱۶، ۲۱۴۲
گائیوس یولیوس ارت وزد: ۳۰	کینگو: ۲۱۴۲
گات: ۲۱۴۶	کینه خواریه: ۲۱۴۲
گاتاها: ۲۱۴۶	کیوس: ۹۱۰
گاتایی: ۲۱۴۶	کیوسییه: ۶۱۶، ۲۱۴۲
گاتو: ۲۱۴۷	کیوک: ۲۱۴۳
گاتها: ۲۶۴، ۲۷۹، ۴۸۴، ۱۳۷۶، ۱۴۴۷، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۶۶۳	کیومرث: ۳۱۲، ۷۱۷، ۷۹۱، ۲۱۴۴
گات‌ها: ۴۸۶	کیومرثیان: ۲۱۴۴
گاتاها: ۲۱۴۷، ۲۱۵۱، ۲۵۷۱	کی وبارش: ۲۱۲۸
گانه‌ها: ۹۹	کی ویشناسپ: ۲۱۴۴
گادوسپا: ۱۲۷	کی هوسرو: ۲۱۴۴
گازا: ۲۱۴۹	
گازر: ۲۱۴۹	
گاسانبار: ۲۱۴۹	
گاسان سرایشینه: ۲۱۵۱	
گاسان گفت: ۲۱۵۱	
گاسانیک: ۲۱۵۱	
گاشن: ۲۱۵۱	
	گ: <hr/>
	گئو: ۲۱۴۵
	گئوبرو: ۲۶۱
	گئوش: ۲۱۴۵
	گئومات: ۲۳۳
	گئوماتا: ۷۶۱، ۱۵۸۹، ۲۱۴۶

گالریوس: ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۴۲۲	گدروزی: ۱۵۳۱، ۲۱۵۸، ۲۳۹۴
گالی: ۲۱۵۱	گدروزی: ۱۱۸۹، ۱۵۳۳، ۲۱۵۸
گالیا: ۱۳۶	۲۱۷۶، ۲۳۹۳
گالیه‌نوس: ۸۵۱	گدروزی‌ها: ۲۳۹۴
گاماسپ: ۹۳۶، ۱۳۵۵، ۲۲۳۷	گدروسیا: ۶۶۵
گانداش: ۲۰۳۳، ۲۱۵۱	گراتیان یا تسویچ: ۲۱۵۸
گاوبارگان: ۱۲۷	گرانیک: ۱۰۱۹، ۲۱۵۹
گاوباره: ۱۲۴۹	گراتیکوس: ۱۰۱۹، ۲۱۵۹
گاورود: ۱۳۵۳	گرب: ۲۱۵۹
گاهان: ۴۸۸، ۱۴۶۳، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲	گرجستان امروز: ۶۱
گاهانبار: ۵۰۸، ۲۱۴۷، ۲۱۵۳، ۲۵۶۸	گرجستان: ۳۸، ۶۱، ۱۱۱، ۳۹۹
گاهانیک: ۴۹۴	۴۳۴، ۴۷۲، ۵۰۹، ۵۸۹، ۵۹۲، ۶۹۳
گاهنبار: ۴۹۰، ۲۱۴۹، ۲۱۵۴	۷۵۰، ۷۶۹، ۹۲۰، ۱۰۲۵، ۱۰۲۸
گایوس پلنیوس: ۱۹۹۳	۱۰۶۱، ۱۰۹۷، ۱۱۷۸، ۱۱۹۱
گبرياس: ۲۳۳۳	۱۲۶۴، ۱۳۴۵، ۱۴۱۲، ۱۴۲۲
گپ‌تس: ۳۸۵	۱۴۲۳، ۱۴۶۷، ۱۴۹۳، ۱۵۱۲
گجرات: ۵۳۵	۱۵۶۲، ۱۵۶۷، ۱۵۸۲، ۱۵۸۷
گجراتی: ۴۶۱	۱۶۲۷، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۸۵۹
گجستک: ۳۷۲	۱۹۶۱، ۱۹۷۸، ۲۱۶۰، ۲۴۸۶
گداز: ۲۱۵۸	۲۵۴۷، ۲۵۴۸، ۲۵۴۹
گدرزیا: ۱۵۲۸	گرجی: ۲۲۴۶
گدروز: ۲۱۵۸	گرجیان: ۴۳۳، ۴۳۴، ۱۰۳۸، ۱۶۲۷

تاریخ ایران	۲۹۲۱	فهرست اعلام
۲۳۶۷	،۱۱۶۴ ،،۱۱۶۸ ،،۱۱۹۰ ،،۱۲۷۰	
گردکوه: ۱۹۹۲	،۱۲۹۹ ،،۱۳۵۵ ،،۱۳۹۶ ،،۱۴۰۹	
گردیز: ۱۲۰۹	،۱۴۲۱ ،،۱۴۲۷ ،،۱۴۳۰ ،،۱۴۴۸	
گردیزی: ۱۰۴۱، ۲۱۶۰	،۱۶۸۷ ،،۱۷۰۷ ،،۱۷۱۸ ،،۱۷۷۵	
گردین: ۹۷۷	،۱۹۰۱ ،،۱۹۱۹ ،،۱۹۴۱ ،،۱۹۴۲	
گرسوز: ۳۷۱، ۲۱۲۹، ۲۱۶۰	،۱۹۵۷ ،،۱۹۶۰ ،،۱۹۷۳ ،،۱۹۷۴	
گرشاسب: ۲۳۴، ۵۱۳، ۷۹۱، ۸۸۰	،۲۱۰۲ ،،۲۱۷۹ ،،۲۳۰۳ ،،۲۳۱۰	
،۹۲۴ ،،۱۲۲۵ ،،۱۳۲۴ ،،۱۳۶۵ ،،۱۳۶۶	،۲۵۲۰ ،،۲۵۲۱	
،۱۴۳۶ ،،۱۷۸۷ ،،۲۱۲۹ ،،۲۱۳۵	گرگانج: ۴۸۱، ۱۲۳۳، ۲۱۶۳	
،۲۱۶۰ ،،۲۱۶۱ ،،۲۱۶۲ ،،۲۴۱۷	گرگانی: ۱۷۰۷	
۲۶۲۸، ۲۴۸۳	گرگانیان: ۲۰۱۶، ۲۱۱۹	
گرشاسب‌نامه: ۱۷۰۰	گرگین خان گرجی: ۱۵۱۲	
گرشاسبی: ۲۱۶۲	گرمانیانی: ۲۱۶۳	
گرشاسب: ۷۰۵، ۱۲۴۲، ۲۱۴۶	گرمگان: ۱۲۴۱	
،۲۱۶۲ ،،۲۱۷۵	گروتمان: ۲۱۶۳	
گرشاسف لز: ۱۰۸۹	گروس: ۱۴۰۳	
گرشانشاه: ۱۴۲۸	گروه خلیل ملکی: ۲۳۶۹	
گرگان: ۱۹، ۶۵، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۴	گروه سیاهکل: ۲۱۶۴	
،۳۲۰ ،،۳۲۴ ،،۳۳۳ ،،۳۳۴ ،،۳۳۶ ،،۳۳۹	گروه ۵۳ نفر: ۲۵۹، ۷۷۱	
،۳۴۶ ،،۳۶۸ ،،۴۸۱ ،،۶۰۳ ،،۶۴۲ ،،۷۴۶	گروی: ۲۱۶۴	
،۷۴۷ ،،۷۵۰ ،،۷۵۴ ،،۸۵۷ ،،۹۲۰ ،،۹۷۱	گریبایدوف: ۲۱۶۴، ۲۱۶۵	
،۹۸۱ ،،۱۰۴۳ ،،۱۰۹۰ ،،۱۰۹۱ ،،۱۱۰۹	گریپوس: ۲۱۶۵	

گشتی: ۲۱۶۹، ۲۱۷۷	گریگواز: ۱۹۷۴
گشسب: ۶۱۴	گریگور: ۱۸۹۱
گشَسَب: ۳۵	گریگوریوس مقدس: ۱۰۶
گشنسب: ۶۷۹	گزانتوس: ۲۱۶۶
گشنسب آسپاد: ۲۱۶۹	گزگا: ۸۴۷
گشنسب بنده: ۲۱۶۹	گزنفون: ۶۴، ۴۱۷، ۱۲۸۶، ۱۵۸۴
گشنسب داد: ۲۱۶۹	۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹
گشنسف: ۲۱۶۹	۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳
گشن یزداد: ۲۱۷۰	۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸
گلیایگان: ۳۷۸، ۱۶۱۶، ۲۱۹۷	۲۱۶۶، ۲۲۴۴
گـلستان: ۳۷۰، ۱۸۵۸، ۱۹۲۵	گُستهَم: ۲۱۶۶
۲۰۲۷، ۲۱۷۰	گشتاسب: ۴۵، ۹۴، ۹۸، ۱۸۰، ۲۸۰
گلون آباد: ۳۷۷	۵۰۸، ۵۹۳، ۶۸۶، ۷۰۹، ۷۷۴، ۹۲۹
گنبد: ۵۸	۱۳۲۴، ۱۳۸۶، ۱۵۷۴، ۱۷۰۹
گنبدان دژ: ۲۱۷۰	۱۹۲۱، ۲۰۵۱، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷
گنبد سلطانیه: ۲۱۷۰	۲۱۶۸، ۲۲۲۰، ۲۲۲۱، ۲۵۵۲
گنبد قابوس: ۱۹۵۹	۲۶۲۰، ۲۶۲۵، ۲۶۵۱
گنبد قابوس: ۲۱۷۰	گشتاسب: ۳۰، ۲۶۵، ۷۸۱، ۱۳۷۴
گنج آمار دبیر: ۲۱۷۰	۱۳۸۱، ۱۹۱۲، ۲۱۲۷
گنج ای شسپیکان: ۲۱۷۱	گشتاسب شاه: ۱۳۷۸
گنج تپه: ۲۱۷۱	گشتاسب شهریار: ۲۱۲۲
گنج دره: ۲۱۷۱، ۲۱۷۲	گشتک: ۲۱۶۹

گوترا: ۲۵۶۸، ۲۱۷۷، ۹۳۱	گنج شپیکان: ۱۶۳۵
گوتی: ۲۱۷۸، ۲۱۷۷، ۵۰۳	گنج شیزیکان: ۱۲۸۹
گوتیان: ۲۱۷۸، ۲۰۰۱، ۵۷۷	گنجعلی خان: ۲۱۷۲
گوتیوم: ۲۱۷۸	گنججک: ۲۱۷۳، ۲۱۷۲، ۳۸۲، ۳۷
گوتیها: ۲۱۷۷، ۵۹۸، ۵۰۳، ۵۰۲	گنجه: ۱۸۸۲، ۱۸۵۹، ۴۳۴، ۵۲
۲۱۷۸	۱۹۶۱، ۲۱۷۳، ۲۴۸۶
گوچشاه: ۲۱۷۸، ۱۴۳۰	گندار: ۲۱۷۴، ۱۱۸۹، ۷۴
گودا: ۲۱۷۸	گندرو: ۲۱۷۵
گودرز: ۶۱۴، ۳۶۶، ۳۶۰، ۳۵۸	گندوفارس: ۲۱۷۶، ۲۱۱۸، ۱۸۳
۶۱۵، ۷۶۳، ۷۸۸، ۱۷۴۷، ۱۸۶۹	گند و فاروس: ۲۳۹۸
۱۹۱۹، ۲۰۶۴، ۲۱۳۰، ۲۱۷۹	گندهارا: ۵۲۶
گودرز دوم: ۱۷۴۷، ۳۴۲	گنده و توه: ۴۷
گودرز یکم: ۳۴۱	گندیشاپور: ۹۷۴
گودین تپه: ۲۱۷۹	گنزاماردیبه: ۲۱۷۶
گور: ۲۱۷۹، ۱۹۹۴، ۷۲۶، ۵۲۵	گنزک: ۲۶۸، ۴۴
گور ارتشیر خوره: ۲۱۷۹	گنزگ: ۹۹۸
گورخان: ۲۱۷۹، ۸۷۷، ۸۶۶	گنگ: ۲۱۱۵، ۲۰۹۰
گورخان قراختای: ۲۶۵۳	گنگ دز: ۲۱۷۶
گورخان قراختایی: ۱۰۸۹	گنوستیکها: ۲۳۳۸
گورخانیان: ۸۶۹، ۸۶۶، ۸۱۱، ۶۴۱	گنول: ۲۱۷۷
گورداعی: ۲۱۷۹	گواشیر: ۲۵۴۰، ۱۰۹
گوزدن دگن: ۲۱۸۰	گوپت: ۲۱۷۷

گوردون چایلد: ۵۳۳	گوهرشاد آغا: ۳۱۶، ۷۵۹، ۱۵۰۸
گوردیون: ۲۱۸۰	گوهرشاد بیگم: ۷۵۹، ۲۱۸۲، ۲۱۸۴
گورکانی: ۳۱۶	گوهرنسب: ۲۱۸۴
گورکانیان: ۲۱۸۰، ۹۱۸	گهنبارها: ۲۱۴۹
گورگان: ۲۱۸۱	گیان: ۲۱۸۵
گورگوس: ۴۹۸	گیان نهاوند: ۲۱۲۱
گوزک: ۲۱۸۱	گیخاتو: ۱۰۷، ۱۳۰، ۶۱۶، ۷۱۵
گوزکانان: ۷۵۱	۱۰۴۵، ۱۵۱۸، ۲۱۸۷، ۲۱۹۸
گوزگانان: ۵۹۶	گیخاتو خان: ۱۷۷۲، ۱۸۱۴
گوشورن: ۲۱۸۱	گیرشمن: ۵۳۰، ۸۲۰، ۲۰۳۴، ۲۱۸۷
گوش یشت: ۲۱۸۲	گیگانشاه: ۱۴۳۰
گوگامل: ۳۷، ۳۴، ۲۳	گیگر: ۵۱۸
گوگمل: ۲۱۸۲، ۱۰۲۱	گیل: ۳۰۴
گوگوشناسب: ۲۱۸۲	گیلان: ۳۹، ۶۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۲۷
گوماتای مغ: ۵۹۴	۳۰۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۹۸
گوماته: ۲۱۸۲	۵۸۹، ۹۲۳، ۹۷۲، ۹۷۳، ۱۰۶۱
گوماته مغ: ۲۰۴۶	۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰
گوماتی: ۱۳۵۶	۱۲۶۴، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۹۷
گومل: ۱۳۵۶	۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۴۸، ۱۶۵۸
گوناتاس: ۱۵۰	۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۶۴، ۱۸۳۳
گونگخاس: ۲۱۳۱	۱۸۹۱، ۲۰۲۸، ۲۰۳۲، ۲۰۸۳
گوهرشاد: ۲۱۸۴، ۱۵۰۸	۲۱۷۰، ۲۱۸۷، ۲۱۹۷، ۲۲۹۲

لژ ژاندارک: ۲۲۱۱	۳۸۴، ۴۱۸، ۵۲۹، ۵۷۱، ۷۶۵
لژ ستاره سحر: ۲۲۱۲، ۲۲۱۴	۱۳۳۹۹۲۰، ۱۳۳۰، ۱۳۵۵، ۱۴۴۱
لژ سعدی: ۲۲۱۲	۱۴۴۲، ۱۴۶۲، ۱۴۶۷، ۱۵۰۹
لژ کسری: ۲۲۱۳	۱۶۲۴، ۱۶۳۰، ۱۸۶۴، ۱۸۶۶
لژ لافرانس: ۲۲۱۳	۲۰۳۳، ۲۱۸۷، ۲۱۹۶، ۲۱۹۸
لژ مزدا: ۲۲۱۳	۲۱۹۹، ۲۲۰۱، ۲۲۰۲، ۲۲۰۴
لژ مولوی: ۲۲۱۴	۲۲۰۷، ۲۲۳۸، ۲۲۶۰، ۲۴۸۷
لژ مهر: ۲۲۱۴	۲۵۹۹
لژ ناهید: ۲۲۱۴	لر کوچک: ۲۰۸، ۱۸۱۴، ۲۲۰۱
لژ نور: ۲۲۱۴	۲۲۰۷، ۲۲۰۸
لژ همایون: ۲۲۱۴، ۲۲۱۵	لژ کیهان: ۶۱
لسترچ: ۲۶۵۶	لژ گانشاه: ۲۲۱۰
لسترنج: ۷۲۷، ۷۵۲، ۲۵۴۹	لژگی: ۲۲۱۰
لسیت: ۲۲۱۶	لژ گیان: ۱۴۲۸، ۲۲۱۰
لشکرنویس: ۲۲۱۶	لژ گیها: ۱۵۱۲، ۱۶۱۹
لطف الله باشتینی: ۲۶۶۹	لژ آریا: ۲۲۱۰
لطف الله سریداری: ۲۲۱۶	لژ آفتاب: ۲۲۱۰
لطفعلی: ۲۱۲۵، ۲۲۱۷	لژ ابوعلی سینا: ۲۲۱۰
لطفعلی بک آذر: ۲۲۱۷	لژ اصفهان: ۲۲۱۱
لطفعلی خان: ۱۰۲، ۳۷۷، ۱۳۹۰	لژ اهواز: ۲۲۱۱
۲۲۱۷، ۲۲۱۸	لژ تهران: ۲۲۱۱
لطفعلی خان زند: ۱۶۳۰، ۲۲۱۷	لژ خیام: ۲۲۱۱

۲۵۹۶، ۲۲۲۲، ۲۲۲۱، ۲۲۲۰	لطفعلی خان زند کلانتر: ۱۸۶
لهراسپ: ۲۶۵، ۲۱۴۰، ۲۱۴۴، ۲۱۴۶	لقمان: ۱۷۷۲
لهستان: ۱۸۹۷	لکوس لی من: ۳۸۵
لیاخوف: ۲۳۵۱	لمبسر: ۱۹۹۲
لیان: ۲۱۳۱	لمسو: ۲۲۱۸
لیرال سازنده: ۱۰۸۵	لندن: ۱۸۴۳، ۱۸۲۹، ۱۸۲۰، ۱۳۲۰، ۲۴۶۳
لیسبی: ۳۸۴، ۳۸۵، ۷۱۰، ۱۴۶۲، ۲۵۹۰، ۲۴۸۴، ۲۰۹۱	لنینگراد: ۱۸۴۳
لیبیا: ۳۸۴	لودیا: ۲۱۰۷
لیبیایی: ۵۶۵، ۲۰۳۷	لودیه: ۲۲۱۸
لیث ابن علی: ۲۲۲۲، ۲۶۶۵	لوسپاس: ۱۵۰
لیث بن علی ابن لیث: ۱۵۹۸	لوسپاسخوس سلوکوس اول: ۱۴۹
لیث صفار: ۲۲۲۲	لوکولوس: ۷۶۹، ۱۰۰۹، ۱۰۱۲
لیدن: ۵۷۶	لوکیان: ۳۴۳
لیدی: ۷۷، ۷۹، ۶۹۲، ۸۹۵، ۹۱۰	لوکیانوس: ۲۲۱۸
۹۱۱، ۹۸۴، ۱۴۱۲، ۱۷۷۶، ۱۹۱۶	لولوبی: ۴۸۰، ۲۰۹۳، ۲۱۷۸، ۲۴۹۲
۱۹۳۴، ۲۰۳۱، ۲۰۶۷، ۲۱۰۴	لولوبیان: ۲۲۲۰، ۲۲۱۹
۲۶۶۹، ۲۲۷۰، ۲۲۲۳	لولوبیها: ۲۱۷۷
لیدیا: ۹۰۹، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹	لویی واندنبرگ: ۶۵۱
لیدی: ۷۷، ۱۱۹۱، ۱۲۶۵، ۱۲۶۷	لَهاک: ۲۲۲۰
۱۲۶۸، ۱۵۳۱، ۲۲۲۴، ۲۲۲۵	لهراسپ: ۱۸۰، ۳۰۴، ۵۹۳، ۶۴۵
	۲۱۶۸، ۲۱۶۷، ۲۱۴۴، ۲۱۳۰

ماتیگان هزار داستان: ۱۹۱۰	۲۴۵۳، ۲۵۷۶
ماحوزا: ۲۳۲۲	لیزماک: ۷۵۷
ماد: ۳۰، ۳۷، ۴۳، ۵۳، ۵۵، ۶۰، ۶۱،	لیسی: ۳۰۶، ۸۳۰، ۲۲۲۵، ۲۴۱۹
۷۵، ۸۶، ۱۳۴، ۲۳۳، ۳۳۶، ۳۶۱،	لیکتاس: ۲۱۱۵
۵۲۵، ۵۳۷، ۵۴۰، ۶۶۹، ۶۷۱، ۷۲۱،	لیکیه: ۷۹، ۲۲۲۶
۷۳۱، ۷۴۷، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۲،	لیلی امیر ارجمند: ۲۲۲۶، ۲۲۲۷
۱۲۴۱، ۱۲۵۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴،	لیلی بن نعمان: ۱۳۹۵، ۲۲۲۸
۱۲۶۵، ۱۲۸۴، ۱۴۵۰، ۱۴۸۵،	لیلی جهان آرا: ۲۲۲۸
۱۵۳۱، ۱۵۵۹، ۱۵۸۹، ۱۸۱۶،	لیویوس: ۲۲۲۸
۱۸۶۹، ۱۹۰۵، ۱۹۳۳، ۲۰۰۶،	
۲۰۰۷، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵،	
۲۰۱۶، ۲۰۲۰، ۲۰۷۰، ۲۰۹۳،	
۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۵، ۲۱۰۷،	
۲۱۲۳، ۲۱۲۷، ۲۱۳۰، ۲۱۴۹،	
۲۲۲۰، ۲۲۲۳، ۲۲۳۳، ۲۲۳۴،	
۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۴۲، ۲۲۴۳،	
۲۲۴۴، ۲۲۴۶، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸،	
۲۲۵۳، ۲۲۵۹، ۲۲۶۱، ۲۲۶۳،	
۲۲۶۴، ۲۲۶۸، ۲۲۷۰، ۲۲۷۸،	
۲۳۷۶، ۲۳۸۶، ۲۴۱۹، ۲۴۷۸،	
۲۵۷۶، ۲۵۹۱، ۲۶۲۱، ۲۶۳۴،	
۲۶۴۶	
	م
	مئیدیا ئیریم: ۲۲۳۱
	مئید یوک زرم: ۲۲۳۱
	مئید یوک شم: ۲۲۳۲
	مئینۆ: ۲۲۳۲
	ماتری: ۲۲۳۲
	ماتیانیان: ۶۱
	ماتیگان: ۱۹۱۰
	ماتیگان سی روز: ۲۲۳۲
	ماتیگان سی یزتان: ۲۲۳۳
	ماتیگان هزار داستان: ۷۶۲، ۲۲۳۳

ماد آتروپاتن: ۲۵۶، ۳۳۹، ۲۲۶۰	ماراتون: ۵۴
ماد آذربایگان: ۱۷۱۱	ماراسپند: ۲۲۷۷
ماداگیانا: ۲۲۶۸	ماراسپندان: ۴۴، ۲۲۷۰
ماد بزرگ: ۳۸، ۳۳۵، ۳۶۶، ۲۲۳۳	ماران: ۱۹۹۳
۲۲۳۵، ۲۲۶۸	ماریین: ۲۷
ماد سفلی: ۲۲۶۰	مارد: ۳۶۰، ۲۰۳۲
ماد کوچک: ۲۳، ۳۷، ۳۳۵، ۲۲۶۸	ماردونیا: ۲۲۷۰
۲۵۶۵	ماردها: ۱۳۴، ۲۰۳۲، ۲۲۷۱
مادها: ۳۸۲، ۵۱۹، ۷۱۴، ۷۴۶	ماردیها: ۵۲۱
۱۳۸۳، ۱۷۱۰، ۲۰۹۱، ۲۱۰۴	مارسپند: ۲۲۷۱
۲۱۳۵، ۲۱۷۹، ۲۲۳۴، ۲۲۵۶	مارسپندان: ۴۶۳
۲۲۶۸، ۲۲۷۷، ۲۴۱۰، ۲۵۶۷	مارسپند یا مَنَثَرَسَپَند: ۲۲۷۱
۲۶۲۱	مارسلینوس: ۵۲۳
مادیان هزار دادستان: ۲۲۶۸، ۲۲۶۹	مارک آنتوان: ۸۵۰، ۲۱۱۵
مادی: ۱۲۷۵، ۱۲۹۲، ۲۱۰۰، ۲۲۶۴	مارک آنتوان: ۲۱۱۵
مادیس: ۲۲۷۰	مارکسیست: ۱۹۰۴، ۲۰۸۶
مادیگان: ۲۲۷۰	مارکسیسم: ۱۲۲۴، ۱۷۶۷
مادیگان هزار دادستان: ۷۷۵	مارکوارت: ۳۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷
مادیها: ۷۶، ۸۸۹، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴	۲۴۵۳، ۲۳۷۲
۲۲۷۰، ۲۰۰۵	مارکوپولو: ۱۹۹۶
ماراپاس کاتینا: ۲۲۷۰	مارکوس: ۱۰۰۹
ماراتن: ۵۴، ۲۲۷۰	مارکوس اورلیوس: ۲۰۲۳

مارلیک: ۲۲۷۱	ماساژتها: ۹۰۴، ۲۲۷۵، ۲۲۷۶
ماروتاش: ۲۰۳۳	ماساگت‌ها: ۵۹۵
ماره‌آ: ۳۸۵	ماسبذان: ۱۲۸۰
مازندران: ۶۵، ۱۸۴، ۳۱۴، ۳۷۳	ماسپتان: ۱۲۴۱
۴۷۲، ۵۹۳، ۷۱۷، ۷۷۹، ۸۶۸، ۸۸۳	ماسپیان: ۲۲۷۶
۹۰۶، ۹۲۰، ۹۸۱، ۱۰۷۳، ۱۱۰۹	ماسپی‌ها: ۵۱۹
۱۲۴۶، ۱۳۰۵، ۱۳۳۴، ۱۳۵۵	ماسپوس: ۲۳۴۰
۱۳۶۱، ۱۳۶۷، ۱۴۱۱، ۱۴۱۵	ماکان: ۳۱۴
۱۴۶۰، ۱۴۸۶، ۱۶۱۱، ۱۶۱۶	ماکان بن کاکي: ۱۰۹، ۱۳۹۵
۱۶۱۷، ۱۶۲۳، ۱۶۲۸، ۱۷۱۷	ماکان کاکي: ۱۱۵، ۱۰۹۰، ۱۲۹۹
۱۷۶۴، ۱۷۶۸، ۱۷۷۱، ۱۷۸۰	۱۳۹۶، ۱۸۵۲، ۲۵۵۲
۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۹۷، ۱۸۱۶	ماکینوس: ۱۰۲۹
۱۸۴۸، ۱۸۵۱، ۱۸۶۶، ۱۸۹۹	ماگنزی: ۲۲۷۶
۱۹۷۲، ۱۹۹۲، ۲۱۳۸، ۲۱۴۲	ماگنسیا: ۱۵۲
۲۲۳۶، ۲۳۱۶، ۲۳۳۴، ۲۴۱۷	ماگوفونی: ۲۲۷۷
۲۴۶۳، ۲۵۵۹	مالالاس: ۲۲۷۷
۲۲۷۵، ۲۲۷۴	مال الرواج: ۲۲۷۷
۳۰۵، ۳۷۶، ۴۰۹، ۱۵۵۷	مالکه: ۲۲۷۷
۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۲۰۱۶	مالکی: ۲۲۷۷
۲۱۴۳، ۲۲۷۵	ماللهند: ۲۰۹
ماژورتالبوت: ۱۳۳۱	مامی تیارشو: ۲۰۰۳، ۲۰۰۴
ماساژت: ۲۳۹۶	مامین: ۱۹۸۶

۱۱۸، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۱۴، ۲۴۳، ۲۴۵	مانا: ۵۳۷، ۵۳۸، ۱۳۶۴
۲۵۰، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۶۴، ۴۰۷	ماناناها: ۲۱۷۷
۴۰۸، ۴۱۰، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۴	ماناییان: ۵۳۸
۵۷۶، ۶۳۰، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۱، ۷۵۰	مانترسپند: ۲۲۷۷
۷۵۲، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۵۶، ۸۵۸، ۸۵۹	مان تَن: ۲۲۷۸
۸۶۱، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۷، ۹۰۰	مانداکس: ۲۲۷۸
۹۱۸، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۵۲، ۱۰۳۶	ماندانه: ۲۱۰۵
۱۰۷۵، ۱۰۹۵، ۱۱۰۰، ۱۱۴۷	ماننا: ۶۵، ۲۲۳۶، ۲۲۷۸
۱۱۵۳، ۱۱۵۹، ۱۱۶۸، ۱۱۸۰	ماننا: ۱۴۰۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۹۳
۱۲۳۵، ۱۴۲۸، ۱۴۳۰، ۱۴۳۶	۲۲۷۸، ۲۲۸۰، ۲۲۸۱، ۲۲۸۳
۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۵۶، ۱۴۸۸	۲۲۸۴
۱۴۹۵، ۱۵۰۳، ۱۵۲۳، ۱۵۶۲	ماننایی: ۲۲۷۸
۱۵۸۴، ۱۶۰۹، ۱۶۱۳، ۱۶۱۷	مانناییان: ۲۰۰۴
۱۶۳۵، ۱۷۳۸، ۱۷۵۹، ۱۷۷۳	مانوش خورناک: ۲۲۸۴
۱۷۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۸۸، ۱۸۴۲	مانوی: ۴۶، ۱۹۲، ۵۱۳، ۶۲۹، ۷۲۱
۱۸۴۹، ۱۸۶۳، ۱۸۷۲، ۱۹۱۳	۱۸۸۸، ۱۸۶۶
۱۹۵۱، ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۲	مانویان: ۱۶۵۷، ۱۹۳۸، ۲۰۶۳
۲۰۱۱، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۳۲	مانویه: ۱۳۸۱
۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۲۸۵، ۲۳۷۳	مانی: ۳۹۵، ۵۱۳، ۷۴۵، ۹۰۲
۲۳۷۴، ۲۳۹۷، ۲۴۱۲، ۲۴۸۰	۱۳۷۳، ۱۳۸۶، ۱۶۰۸، ۱۸۸۸
۲۵۲۰، ۲۵۴۷، ۲۵۹۵، ۲۶۶۰	۲۲۸۴، ۲۲۸۵، ۲۳۳۸
ماوراء: ۷۵۱	ماوراءالنهر: ۸۰، ۹۶، ۱۰۷، ۱۰۹

۱۸۳۴، ۲۲۹۱	ماوراء دجله: ۱۰۲۸
مبارک آباد: ۱۹۶۱	ماوراء فرات: ۲۴۷۳
مبیطه: ۴۱۲	ماوراء قفقاز: ۱۱۷۴، ۱۵۵۴
متوکل: ۱۹۵، ۲۲۹۲، ۲۲۹۳	ماوراء لنهر: ۲۰۴، ۶۲۹
متین دفتري: ۲۲۹۳	ماه آفرید: ۲۲۸۵
مجامع خلق: ۲۲۹۴	ماهان کرمان: ۱۶۳۱
مجاهدین خلق: ۲۲۹۵	ماهبد: ۲۲۸۵
مجدالدوله: ۱۲۲، ۲۲۹۵	ماه تابان خانم: ۱۹۹۶
مجدالدوله دیلمی: ۲۰۳۵	ماهداد: ۲۲۸۶
مجدالدین عزالملک یزدجردی:	ماهدادان: ۴۶، ۲۲۸۶
۲۲۹۶	ماه نخشب: ۲۲۸۶
مجدالدین محمد خوافی: ۲۲۹۶	ماهوی سوری: ۲۲۸۶
مجلس سنا: ۹۵۸، ۲۲۹۹	ماهویه: ۱۴۲۷
مجلس شورای ملی: ۱۹۲۳، ۱۹۲۵،	ماه یشت: ۱۱۷۰، ۲۲۸۶
۲۲۹۷	مأذون: ۲۲۸۷
مجلس نویس شاه: ۲۲۹۷	مأمون: ۲۰۹، ۲۴۳، ۴۰۷، ۴۰۸
مجلسی: ۱۳۷	۴۵۲، ۶۲۱، ۶۷۰، ۱۰۸۲، ۱۴۳۶
مجلسی دوم: ۱۳۷	۱۵۱۹، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۸۰۷
مجله پیکار: ۲۵۸	۲۲۸۷، ۲۲۸۸، ۲۲۸۹، ۲۲۹۰
مجمع التواریخ: ۲۲۹۸	۲۲۹۱، ۲۲۹۲، ۲۳۳۵، ۲۵۸۲
مجمع الحکمتین: ۱۹۷۶	مأمون عباسی: ۲۳۳۵
مجمّل التواریخ والقصص: ۱۰۴۶،	مأمونیان: ۱۲۱، ۱۲۸، ۴۸۱، ۱۲۳۶

محمد بناکتی: ۶۴۷	۲۲۹۸
محمد بن الحسن که قائم آل محمد:	محتسب الممالک: ۳۸۷، ۲۲۹۸
۲۳۷۴	محتشم السلطنه: ۲۳۵۷
محمد بن ایل ارسلان: ۲۳۰۲	محسن صدر: ۲۲۹۹
محمد بن بلعمی: ۱۸۱۰	محقق ثانی: ۲۳۰۰
محمد بن تکش خوارزمشاه: ۱۰۴۳	محقق حلی: ۱۱۲۱
محمد بن جریر طبری: ۴۲۵، ۸۰۷،	محمد: ۱۳۹۱، ۲۳۴۵
۱۲۱۹	محمد آی تیمور: ۱۷۴، ۲۳۰۰
محمد بن حسن شیخ الاسلام: ۱۰۷۹	محمد ابراهیم امین السلطان: ۱۹۸۵
محمد بن حسن مهلبی: ۲۳۰۲	محمد بن ارسلان شاه: ۲۰۷۰
محمد بن حنفیه: ۲۰۰۹	محمد ابن بزرگ امید: ۶۳۱
محمد بن خاوندشاه: ۲۳۰۲	محمد بن صعلوک: ۲۴۶
محمد بن رائق: ۳۹۱	محمد افشین: ۶۵۷، ۱۴۱۱
محمد بن زید: ۲۳۰۳	محمد اقبال لاهوری: ۲۳۳۹
محمد بن طاهر: ۲۳۰۳	محمد ایلکانی: ۵۰۴
محمد بن علی الباقر (ع): ۱۳۹۷	محمد باقر حجازی: ۱۹۸۷
محمد بن علی بابویه: ۱۹۳، ۲۳۰۵	محمد باقر مجلسی: ۲۲۹۸، ۲۳۰۱
محمد بن علی بن عبدالله بن عباس:	محمد بخارایی: ۱۱۰۲، ۲۳۲۹،
۲۳۴۵	۲۶۴۰
محمد بن علی شلمغانی: ۳۹۰	محمد بن احمد نساوی: ۲۳۰۲
محمد بن علی (ع): ۲۳۰۳، ۲۳۰۴	محمد بن اسحاق: ۲۳۰۲
محمد بن لیث: ۲۶۶۵	محمد بن اسماعیل: ۱۹۸۴

- محمد بن مصطفی (ص): ۱۹۷۷
 محمد بن ملک‌شاه: ۲۳۰۵
 محمد بن ملک‌شاه اول: ۱۴۹۶
 محمد بن مودود: ۶۰۸
 محمد بن موسی الخوارزمی: ۸۵۷
 محمد بن میرخواند شاه: ۲۴۳۹
 محمد بن یعقوب کلینی: ۳۹۹
 محمد تقی خان پسیان: ۱۷۳۴، ۱۹۹۹
 محمد تقی (ع): ۲۳۰۴
 محمد تقی مجلسی: ۱۳۹، ۲۳۰۵
 محمد جریر طبری: ۶۴۶
 محمد حسن خان: ۳۷۱، ۱۴۳۴
 محمد حسن خان سالار: ۱۹۶۲، ۲۳۰۶
 محمد حسن خان قاجار: ۷۳، ۳۷۴
 ۱۶۱۳، ۱۷۰۶، ۱۷۲۲، ۱۸۹۴، ۲۳۰۶، ۱۹۶۱
 محمد حسن شیرازی: ۲۳۱۴
 محمد حسن قاجار: ۱۲۲۶
 محمد حسین خان قاجار: ۱۳۴۱
 محمد حنفیه: ۲۰۱۶، ۲۰۳۲، ۲۳۲۰
 محمد خان: ۱۸۹۴
 محمد خان بلوچ: ۲۳۰۶
 محمد خان سوادکوهی: ۱۲۵۲
 محمد خان قاجار: ۳۷۶، ۲۳۷۲
 محمد خان قزوینی: ۱۲۹۳
 محمد خدا بنده: ۱۱۲۱، ۲۳۰۷
 محمد خوارزمشاه: ۹۵۲، ۱۴۷۸، ۱۶۴۴، ۲۲۹۶
 محمد خوارزمشاه کوچک خان: ۲۱۷۹
 محمد خیابانی: ۱۰۷۰
 محمد رحیم خان قاجار دولو: ۱۸۲۴
 محمد رضا: ۷۸۳
 محمد رضا پهلوی: ۱۳۳، ۲۷۴، ۳۲۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۷۸۵، ۹۲۳
 ۱۰۸۴، ۱۲۹۰، ۱۷۵۶، ۱۸۰۶، ۱۹۱۱، ۱۹۲۵، ۱۹۴۲، ۲۰۹۶، ۲۲۱۵، ۲۲۲۷، ۲۲۲۸، ۲۳۰۷
 محمد رضا شاه: ۶۰۲، ۷۸۲، ۱۳۶۸، ۱۵۸۲، ۱۸۳۱، ۲۰۲۱، ۲۰۸۷
 ۲۳۶۵، ۲۲۱۵
 محمد ساعد: ۲۳۲۴
 محمد ساعد مراغه‌ای: ۲۳۰۹

تاریخ ایران	۲۹۳۵	فهرست اعلام
محمد ساعد مراغه‌ای: ۲۳۲۴	۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۳۱۸، ۱۴۴۹	
محمد سام: ۶۱۳، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶	۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۸۱، ۱۷۳۳	
۱۵۸۹	۱۷۳۴، ۱۷۶۳، ۱۸۲۹، ۱۸۶۶	
محمد سام غوری: ۱۵۲۶	۱۸۶۷، ۱۹۲۳، ۲۳۱۲، ۲۳۱۳	
محمد سلجوقی: ۱۲۷۷، ۱۴۷۱	۲۳۱۴، ۲۳۱۶، ۲۳۱۷، ۲۳۴۶	
۱۵۰۰	۲۳۵۰، ۲۳۵۲، ۲۳۵۸، ۲۳۶۰	
محمد شاه: ۱۰۰، ۵۸۷، ۷۹۷، ۱۰۷۲	۲۴۰۱، ۲۴۶۴، ۲۴۸۹، ۲۴۹۰	
۱۱۵۹، ۱۸۴۵، ۱۹۶۴، ۱۹۷۶	۲۵۳۰، ۲۶۶۵	
۲۰۲۷، ۲۳۱۲، ۲۳۳۷، ۲۴۶۲	محمد علی شاه قاجار: ۴۶۷، ۴۶۸	
محمد شاه قاجار: ۴۰۰، ۶۹۳، ۷۹۷	۴۶۹، ۱۹۶۲، ۲۳۴۶، ۲۳۴۹، ۲۳۵۰	
۸۰۰، ۱۰۷۲، ۱۱۱۲، ۱۱۱۸، ۱۱۵۹	۲۴۰۵، ۲۴۴۳	
۱۶۳۶، ۱۷۳۵، ۱۸۴۵، ۱۹۰۳	محمد علی شاه قاجار: ۱۳۳۹، ۱۴۳۲	
۱۹۴۸، ۱۹۵۰، ۱۹۶۲، ۱۹۷۶	۲۴۰۱، ۲۵۳۰	
۲۳۳۷، ۲۴۴۷، ۲۴۶۱	محمد علی فروغی: ۹۵۷، ۱۹۲۳	
محمد شاهکار: ۱۹۸۷	۱۹۲۵، ۲۲۹۹، ۲۳۱۴	
محمد شاه گورکانی: ۱۰۱۷، ۲۱۲۰	محمد علی فروغی ذکاء الملک:	
محمد (ص): ۱۹۰	۲۳۰۷	
محمد طباطبایی: ۱۷۶۳	محمد علی میرزا: ۴۴۳، ۱۲۹۴	
محمد علی درختی عارف: ۵۷	۲۳۴۹، ۲۴۴۰	
۲۳۱۲	محمد علی میرزا ولیعهد: ۲۳۴۹	
محمد علی شاه: ۲۴۶، ۴۵۰، ۴۶۹	محمد غزنوی: ۱۲۳۳، ۱۵۲۴	
۴۷۱، ۶۰۲، ۸۵۲، ۹۵۹، ۱۰۸۶	محمد غوری: ۱۸۲۴	

محمد فلاح: ۲۳۵۵، ۲۳۵۴	۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۷۳۰، ۱۷۸۰
محمدقلی مغول حصاری: ۵۷۶	۲۳۱۸
محمدکاظم خراسانی: ۲۳۱۴	محمود ایلکانی: ۵۰۴
محمد کیانی: ۲۱۲۵	محمود بن ملک‌شاه: ۷۹۹، ۱۴۹۶
محمد مسعود: ۲۳۴۵، ۲۳۱۴	محمود تارابی: ۸۰۱، ۸۰۲
محمد مصدق: ۵۸، ۷۸۳، ۱۲۲۵	محمود جم: ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸
۲۳۶۱، ۲۳۱۵	۲۴۱۳، ۲۳۱۸، ۲۲۹۹
محمد مظفر: ۷۹۸	محمود خاقان: ۱۰۹۵
محمد میرزا: ۲۴۲۶، ۲۳۱۸	محمود رضا پهلوی: ۷۸۷، ۲۳۱۸
محمد نصیر استرآبادی: ۲۴۵۰	محمود سبکتکین: ۱۹۸۴
محمدولی خان: ۲۳۱۶، ۲۳۱۷	محمود سبکتکین غزنوی: ۲۶۶۶
۲۳۱۸	محمود سلجوقی: ۳۹۰، ۱۶۴۳
محمدولی خان تنکابنی: ۲۳۱۵	محمود سیستانی: ۳۷۷
۲۳۴۲	محمود شاه: ۱۰۳۷
محمدولی قره‌نی: ۱۹۸۸، ۲۳۱۸	محمود شاه درانی: ۱۶۲۱
محمد یوسف استرآبادی: ۲۳۱۸	محمود غزنوی: ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۸
محمود: ۲۰۴، ۲۱۷، ۴۳۱، ۹۲۴	۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۷، ۳۱۴، ۶۳۹، ۸۰۸
۱۱۶۶، ۱۴۹۳، ۱۵۱۹، ۲۳۰۲	۱۴۴۲، ۱۵۶۸، ۱۵۸۴، ۱۸۰۵
۲۳۱۹، ۲۳۱۸	۱۸۱۰، ۱۸۲۳، ۱۸۴۱، ۱۸۷۵
محمود اصفهانی: ۲۳۱۸	۲۳۱۹، ۲۲۹۶
محمود افشار طوس: ۲۳۶۲	محمود غوری: ۶۷۷، ۱۸۲۴
محمود افغان: ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۳۰	محمود یلواج: ۶۳۰، ۱۸۷۲، ۱۹۹۱

۲۳۱۹	۲۲۸۰، ۱۵۵۹
محمود یلواج: ۸۰۴، ۸۰۲، ۸۰۱	مدینه: ۴۱۷، ۶۳۶، ۱۰۹۲، ۱۱۰۹،
مخبرالدوله: ۱۴۶۹	۱۶۹۰، ۱۸۳۶، ۱۹۷۱، ۲۲۷۷،
مخبرالسلطنه: ۱۰۷۰، ۹۵۷	۲۴۲۴، ۲۵۹۹
مختار: ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۱۳۲،	مدیوزرم: ۲۲۳۲
۲۳۲۰، ۲۳۲۱، ۲۵۱۹	مدیوزرم گاه: ۲۳۲۳
مختارین ابوعبید ثقفی: ۲۰۱۶،	مدیوشم گاه: ۲۳۲۳
۲۳۱۹	مذار: ۲۳۲۳
مختار ثقفی: ۹۲۴، ۱۷۹۹، ۲۳۲۱	مذهب بودا: ۲۱۱۵
مختاری: ۵۶۳	مذهب شافعی: ۱۶۱۰
مختاریه: ۲۱۳۳	مذهب شیعه: ۱۷۳۳
مختصر البلدان: ۲۰۷۱	مرئویشتنو: ۲۳۲۳
مختصر الدول: ۱۹۹	مرآت البلدان: ۱۰۴۶
مخدومش اسفار: ۲۳۳۰	مرآت السفر: ۲۳۲۴
مخلدبن حسین: ۲۰۱۱	مرآة البلدان: ۳۷۱
مدائن: ۹۱۱، ۹۳۶، ۹۳۹، ۱۰۰۵،	مراغه: ۳۷، ۳۸۲، ۳۹۰، ۴۳۲، ۵۲۹،
۱۲۲۱، ۱۴۶۸، ۲۳۲۱، ۲۵۲۰	۶۵۸، ۹۷۸، ۱۷۸۰، ۲۳۰۹
مدرس: ۲۳۲۲	مراغه ای: ۲۳۲۴
مدرسه علوی: ۲۶۳۶	مرافی ها: ۵۱۹
مدیاریم گاه: ۲۳۲۳	مراکش: ۱۳۹۷
مدیایریم: ۲۲۳۱	مرتضی: ۱۹۹۶، ۲۳۶۶
مدیترانه: ۸۰، ۹۰، ۳۹۳، ۱۴۱۳،	مرتضی انصاری: ۲۴۴۱

مردی‌ها: ۲۳۳۳	مرتضی علوی: ۲۵۹
مرزبان: ۷۲، ۲۳۳۳	مرتضی قلی بیات: ۱۹۹۶، ۲۳۲۴
مرزبان اردشیر: ۲۳۳۴	مرتضی مطهری: ۲۳۲۶
مرزبان اردشیر اسفندیار: ۲۳۳۴	مرتضی نیک‌نژاد: ۲۶۴۰
مرزبانان: ۷۸۷	مرتیه: ۲۰۱۴
مرشد قلی استاجلو: ۱۶۲۳، ۲۳۳۴	مردآوند: ۲۳۲۹
مرعشیان: ۱۴۶۰، ۱۷۸۸، ۲۳۳۴	مردآویج: ۱۱۹، ۱۹۹، ۳۱۴، ۱۳۹۵
مرغاب: ۷۳۶، ۲۳۳۶	۱۷۶۵، ۱۸۵۲، ۱۹۵۷، ۲۳۲۹
مرغیانه: ۲۰۱۴	۲۳۳۰، ۲۵۵۲
مرفیان: ۲۳۳۴	مرداب گاوخونی: ۱۳۶۹
مرکوس: ۲۳۳۴	۲۸ مرداد: ۷۸۴
مرگ ارزان: ۲۳۳۴	مرداس: ۲۳۳۰
مَرگَ رَن: ۲۳۳۵	مردانشاه: ۲۳۳۰
مرگیانا: ۵۸۹، ۵۹۵	مردبد: ۲۳۳۰
مرند: ۴۳۵	مردخره: ۲۳۳۰
مرو: ۱۵۳، ۵۹۵، ۷۵۰، ۷۵۱، ۸۶۴	مردوخ: ۱۷۹
۹۸۱، ۱۰۲۴، ۱۰۸۸، ۱۱۴۰، ۱۱۶۸	مردوک: ۵۴۷، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۱
۱۴۲۱، ۱۴۴۳، ۱۴۶۲، ۱۴۷۸	۵۸۲، ۶۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۳۰
۱۵۱۴، ۱۵۳۱، ۱۵۳۴، ۱۵۶۲	۲۱۰۸، ۲۳۳۰، ۲۴۷۷، ۲۵۷۶
۱۷۵۸، ۱۸۱۰، ۱۹۳۸، ۲۰۱۴	مردوک نادین آخه: ۲۳۳۳
۲۳۳۵، ۲۳۳۶، ۲۵۶۴	مردونیوس: ۲۳۳۳
مروئه: ۱۹۱۷	مردونیه: ۶۸

مروالرود: ۱۲۱، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۴	۲۳۳۷، ۲۳۳۸
۱۰۳۶	مزدکی: ۴۶، ۴۶۳
مروان: ۱۰۰۲، ۱۴۷۴	مزدکیان: ۷۲، ۱۲۲، ۴۶۳، ۱۱۸۳
مروان حکم: ۱۸۳۷	۱۲۵۳، ۱۴۲۳، ۲۳۳۸
مروته: ۲۳۳۶	مزدکیه: ۲۱۳۳، ۲۳۳۷
مروج الذهب: ۲۸، ۲۵۷، ۱۱۷۶	مزدیسنا: ۹۹، ۲۱۷، ۵۳۷، ۱۳۷۴
مروج الذهب و معادن الجواهر: ۲۳۴۵	۱۹۲۸، ۲۱۲۲، ۲۱۵۷، ۲۱۵۹
مروخ: ۲۱۴۲، ۲۳۳۶	۲۱۶۰، ۲۳۳۹، ۲۳۷۵، ۲۴۲۸
مرو دشت: ۷۳۱	مزدیسنان: ۵۲، ۲۶۷
مروروتیک: ۲۳۳۶	مزدیسنی: ۴۷، ۱۷۴۴
مرو رود: ۷۵۰، ۱۲۳۲	مزو پوتامی: ۲۳۴۰
مرو شاهجان: ۲۳۳۶	مزو پوتامیا: ۲۳۳۹، ۲۳۴۰
مریخ: ۱۳۵۸	مزون: ۳۳۸
مریم اقبال: ۲۳۱۸	مزیدی: ۲۳۴۰
مریم بیگم: ۲۳۳۷	مسافریان: ۱۲۸۳
مریم خانم: ۲۳۳۷	مسالک: ۲۳۳۶
مری ویت: ۸۲۰	مسالک الممالک: ۳۶۹
مزار شریف: ۱۶۳۴	مسالک و ممالک: ۷۵۰
مзда: ۳۶۸، ۵۰۷، ۱۳۸۱	مستجیب: ۲۳۴۰
مزدک: ۴۶، ۴۶۴، ۴۶۵، ۶۰۴	مسترشد: ۱۸۷۹، ۱۸۸۲
۱۱۷۲، ۱۲۳۰، ۱۳۲۶، ۱۳۸۶	مستعصم: ۴۰۳، ۲۶۱۰
۱۴۲۳، ۱۵۷۳، ۱۹۷۵، ۲۲۸۶	مستعلویه: ۳۲۱، ۲۳۴۱

۱۸۴۲، ۱۵۲۴	مستعین: ۱۷۵۶
مسعود بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی:	مستوفی: ۲۳۴۳، ۲۳۴۱، ۶۴۷
۱۳۶۷	مستوفی ارباب‌التحاویل: ۲۳۴۱
مسعود دامغانی: ۲۳۴۴	مستوفی الممالک: ۱۰۷۰، ۱۲۵۸،
مسعود سعد سلمان: ۶۱۲	۱۳۳۹، ۱۷۱۵، ۱۹۲۴، ۱۹۹۸،
مسعود سلجوقی: ۴۰۲، ۵۶۱، ۷۹۷	۲۳۱۷، ۲۳۴۱، ۲۵۴۳
۱۱۵۲، ۱۵۰۰، ۲۴۵۶	مستوفی خاصه: ۲۳۴۱
مسعود سوم غزنوی: ۱۵۲۵	مستوفی گری: ۲۳۴۱
مسعود شاه اینجو: ۵۶۶	مسجد جامع عتیق: ۲۳۴۳
مسعود غزنوی: ۱۸۴، ۲۰۸، ۲۱۷	مسجد سلیمان: ۴۱۹، ۸۹۸، ۱۲۴۹
۲۴۷، ۸۶۳، ۱۰۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۹۵	مسجد سنگی: ۲۳۴۳
۱۵۲۵، ۲۳۴۴	مسجد شاه: ۲۳۴۷
مسعود میرزا: ۱۸۴۹	مسجد شیخ لطف‌الله: ۲۳۴۴
مسعودیان: ۱۶۳۳	مسجد گوهرشاد: ۱۶۵، ۷۴۰، ۷۵۹
مسعودی تفرغز: ۸۵۷	۱۹۲۴
مسعودی: ۱۷۶، ۶۰۰، ۶۹۰، ۱۱۷۴	مس سنگی: ۲۳۴۴
۱۱۷۶، ۱۲۸۸، ۱۵۴۹، ۲۱۹۳	مسعود: ۲۰۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۱۱
۲۳۲۹، ۲۳۴۵، ۲۶۴۱	۱۴۹۳، ۱۸۷۹، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳
مسقط: ۲۳۰	۲۳۲۰، ۲۳۴۵
مسقط الرأس: ۲۰۳۱	مسعود ابن محمد ابن ملک‌شاه
مسکو: ۱۵۴۶، ۱۶۴۶، ۲۳۰۹	سلجوقی: ۶۷۱
مسکوکات: ۳۰۱	مسعود اول غزنوی: ۶۰۳، ۱۲۸۸

تاریخ ایران	۲۹۴۱	فهرست اعلام
مسکویه: ۲۳۴۵	مشروطه: ۱۵۶، ۲۷۱، ۴۴۳، ۸۹۰	
مسلمان: ۸۰۷	۱۴۶۹، ۱۶۵۵، ۱۷۶۱، ۱۷۶۳	
مسلمانان: ۶۵۷، ۱۱۷۹، ۱۴۱۲	۱۷۷۹، ۱۸۲۹، ۱۸۶۶، ۱۸۹۲	
۲۶۶۲	۲۴۶۴، ۲۵۴۲	
مسلم بن قتیبه: ۲۳۴۵	مشروطه خواهان: ۶۷۷، ۱۵۸۱	
مسلمین: ۱۲۹۱	۱۷۳۴، ۲۲۹۹، ۲۴۴۶، ۲۴۹۰	
مسلمیه: ۳۱۳، ۲۱۶	مشروطه طلبان: ۶۷۷	
مسمغان: ۱۲۸۶	مشروطیت: ۱۷۴، ۲۴۷، ۴۴۳، ۴۷۰	
مسوده: ۲۳۴۵، ۲۱۳۲	۵۵۱، ۶۷۷، ۹۲۴، ۹۵۹، ۱۰۶۹	
مسیب بن نجبه فزازی: ۲۳۲۰	۱۱۴۱، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۵۸۳	
مسیح: ۵۲، ۵۸۱، ۱۳۷۰، ۱۹۷۴	۱۷۰۸، ۱۷۳۷، ۲۰۸۳، ۲۰۸۵	
مسیحی: ۴۶، ۹۸، ۴۹۵، ۸۱۸	۲۲۹۷، ۲۲۹۹، ۲۳۴۶	
۱۵۷۷، ۱۶۴۷، ۲۰۰۱، ۲۱۶۰	مشروطیت دوم: ۱۰۷۰	
مسیحیان: ۶۹۱، ۱۴۲۲، ۲۰۶۳	مشعشع: ۲۳۵۴	
مسیحیت: ۴۸۱، ۴۹۵، ۶۲۴، ۶۶۸	مشعشعیان: ۱۵۰۱، ۲۳۵۴	
۷۶۴، ۱۱۷۶، ۱۱۸۱، ۱۲۴۰، ۱۳۶۹	مشعل داریاشی: ۲۳۵۶	
۱۳۷۸، ۲۶۱۳، ۲۶۶۰	مشکان: ۲۳۵۶	
مسیلمه: ۲۳۴۶	مشکوة الانوار: ۲۳۰۲	
مشاوره و مذاقه: ۲۳۵۰	مشکوة الحضر: ۲۳۲۴	
مشاینه: ۵۱۳	مشکین شهر: ۲۰۵۸	
مشرف: ۲۳۴۶	مشهد: ۲۷، ۵۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸	
مشرق قدیم: ۱۲۶۷، ۲۳۴۶	۳۳۳، ۳۷۸، ۴۰۰، ۴۳۷، ۴۴۵، ۵۷۶	

۱۰۹۹	۱۰۹۷	۱۰۰۹	۱۰۰۲	۱۷۰۷، ۱۶۹۷، ۱۶۲۴، ۱۰۹۶، ۷۶۰
۱۲۶۸	۱۲۶۵	۱۱۹۱	۱۱۰۵	۱۷۶۳، ۱۷۹۶، ۱۸۴۳، ۱۸۴۶
۱۵۰۲	۱۴۲۵	۱۴۰۷	۱۳۱۰	۱۸۸۹، ۲۰۳۴، ۲۳۱۴، ۲۳۲۶
۱۵۸۲	۱۵۶۶	۱۵۵۹	۱۵۴۰	۲۳۴۶، ۲۴۴۰، ۲۴۶۲
۱۷۰۲	۱۶۶۸	۱۶۶۷	۱۶۶۶	مشیرالدوله: ۹۵۷، ۱۱۱۲، ۱۳۲۹
۲۰۰۷	۱۸۱۲	۱۷۷۱	۱۷۳۶	۱۳۳۹، ۱۵۱۷، ۱۸۲۰، ۱۸۲۹
۲۰۴۰	۲۰۳۹	۲۰۳۷	۲۰۱۴	۱۹۲۴، ۲۳۴۲، ۲۳۵۶، ۲۳۵۷
۲۱۰۷	۲۰۵۷	۲۰۴۲	۲۰۴۱	۲۳۵۸، ۲۳۶۲، ۲۴۱۳، ۲۴۵۲
۲۲۷۸	۲۲۱۵	۲۱۳۹	۲۱۳۸	مشیرالسلطنه: ۱۷۶۳، ۲۳۴۲، ۲۳۵۰
۲۳۹۴	۲۳۸۷	۲۳۷۴	۲۳۴۵	۲۳۵۹، ۲۳۶۰، ۲۳۶۱
۲۴۷۲	۲۴۲۴	۲۴۲۰	۲۴۱۰	مشیه: ۵۱۳
۲۴۷۷	۲۴۷۵	۲۴۷۴	۲۴۷۳	مصدق: ۵۹۷، ۶۲۰، ۱۳۶۸، ۱۴۳۹
۲۶۱۳	۲۵۹۰	۲۵۷۴	۲۵۷۳	۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۲۹۳، ۲۳۶۱
۲۶۴۵، ۲۶۲۰، ۲۶۱۶				۲۳۶۲
مصر باستان: ۲۶۴۷				مصدق السلطنه: ۲۳۶۱
مصری: ۲۵۵۹، ۲۰۴۱				مصر: ۶۳، ۸۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸
مصریان: ۱۴۵، ۵۶۶، ۷۵۶، ۷۶۰				۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۵۰، ۲۶۹
۲۰۱۹، ۱۵۴۷				۳۱۳، ۳۱۷، ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۴
مصریها: ۱۶۶۵، ۲۰۳۷، ۲۰۴۱				۳۹۶، ۴۰۷، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۸۰، ۶۰۴
مصطفی: ۲۰۳۴				۶۵۵، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۵۵، ۷۶۰
مصطفی خمینی: ۷۸۴، ۲۳۶۵				۷۶۱، ۸۵۱، ۸۹۱، ۸۹۴، ۹۴۲، ۹۵۷
مصطفی فاتح: ۱۰۸۶				۹۶۲، ۹۸۴، ۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۷

تاریخ ایران	۲۹۴۳	فهرست اعلام
مصعب: ۲۰۱۷	۱۷۸۶، ۱۸۲۴، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰	
مصعب ابن زبیر: ۲۳۲۱	۱۸۶۶، ۱۸۹۲، ۱۹۱۵، ۱۹۹۸	
مصعبی: ۲۳۶۵	۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۳۱۶، ۲۳۴۷	
مصمغان: ۱۲۸۷، ۱۲۸۶، ۱۱۵۴	۲۳۵۰، ۲۳۵۷، ۲۳۵۸، ۲۳۶۷	
مصیصیر: ۲۳۶۶	۲۳۶۸، ۲۴۴۳، ۲۵۰۸، ۲۵۴۲	
مطیخ کسری: ۲۳۶۶	مظفرالدین شاه قاجار: ۱۴۳۴، ۱۶۵۷	
مطراتسو: ۲۳۶۶	۱۹۶۲، ۲۳۴۶، ۲۳۵۲، ۲۴۴۳	
مطلع الشمس: ۳۷۱	مظفرالدین محمد: ۱۲۵	
مطهری: ۲۳۶۶	مظفرالدین محمد قراختایی: ۱۹۹۰	
مظفرالدین: ۲۲۶، ۳۷۳، ۱۵۱۷	مظفرالدین میرزا: ۱۵۱۷، ۱۸۶۵	
۱۹۰۰	۲۳۶۰	
مظفرالدین ابوبکر: ۲۳۶۶	مظفر بقایی: ۲۳۶۹	
مظفرالدین ابوبکر بن سعد: ۲۳۶۶	مظفر بقایی کرمانی: ۲۳۱۵	
مظفرالدین ازبک بن محمد	مظفر ذوالقدر: ۲۵۰۴	
جهان پهلوان: ۲۳۶۶	مظفر سلطان: ۹۷۲	
مظفرالدین ایلدگز: ۱۹۸۸	مظفری: ۱۳۵۸	
مظفرالدین تکه: ۲۱۹۶	مظفریان: ۱۳۰، ۲۳۶۹	
مظفرالدین زنگی بن مودود: ۲۳۶۷	معاویه: ۴۴۰، ۵۷۵، ۷۷۵، ۱۲۰۸	
مظفرالدین سنقر بن مودود: ۲۳۶۷	۲۸۰۹، ۲۳۶۹، ۲۳۷۰، ۲۶۶۲	
مظفرالدین شاه: ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۰	معاویه دوم: ۲۳۷۰	
۸۵۲، ۱۱۱۹، ۱۱۸۱، ۱۲۵۷، ۱۳۵۷	معاویه بن یزید: ۲۳۷۰	
۱۵۱۷، ۱۷۳۳، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲	معاهده آنتالسیداس: ۱۶۶۶	

معاهده آنتالسیداس: ۴۷۴	مزالدین حسین: ۲۱۲۵
معاهده پاریس: ۲۳۷۱	مزالدین شیرازی: ۲۳۷۵
معبد آناهیتا: ۱۵۱، ۲۳۷۲	مزالدین محمد اصفهانی: ۲۳۷۵
معبد کابیرین: ۲۳۷۲	معصومه (ع): ۶۳۰
معبد ناهید: ۶۴۹	مُعیری: ۲۳۷۵
معتز: ۱۸۳۸، ۴۰۴	معین الدین ابونصر احمد کاشی:
معتزله: ۲۳۷۲	۲۳۷۵
معتزلیان: ۲۳۷۲	مغ: ۷۳۶، ۲۳۷۵
معتصم: ۲۴۹، ۳۷۶، ۴۰۴، ۴۰۷	مغاره سلمان: ۲۸
۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۳۵، ۸۶۰، ۸۶۱	مغازه الغز: ۸۵۷
۱۱۷۱، ۱۹۷۴، ۲۲۷۵، ۲۳۷۲	مغازه الغزیه: ۸۶۵
۲۳۷۳، ۲۵۲۷	مفاک: ۲۳۷۵
معتضد: ۴۱۰، ۲۳۷۳	مغان: ۷۶۱، ۷۶۹، ۷۷۴، ۲۱۴۳
معمد: ۴۲۹، ۴۳۰، ۲۲۹۳، ۲۳۷۳	۲۱۶۵، ۲۲۷۷، ۲۳۷۶، ۲۳۹۹
معجم البلدان: ۷۵۰، ۱۳۲۵، ۲۴۳۴	۲۴۱۹، ۲۶۶۳
۲۶۵۳	مغرب: ۱۸۳۳
معجم البلدان یا قوت حموی: ۱۶۵۴	مغستان: ۲۳۷۸، ۲۳۷۹
معروف کرخی: ۲۳۷۴	مغولان: ۱۳، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۸
معزالدوله: ۱۰۹، ۱۱۰، ۲۰۸، ۲۳۷۴	۲۳۴، ۲۶۲، ۴۸۱، ۴۹۷، ۶۱۴، ۶۴۶
معزالدوله دیلمی: ۱۲۹۶	۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۷۶، ۸۹۱، ۹۰۳
معزالدین ابوالفتح ملکشاه بن محمود:	۹۵۱، ۱۰۴۸، ۱۰۸۰، ۱۴۱۲، ۱۴۵۴
۲۳۷۵	۱۴۵۶، ۱۵۵۰، ۱۸۷۰، ۱۸۷۶

۱۹۹۱، ۲۱۲۵، ۲۱۹۵، ۲۱۹۸	۱۹۹۲، ۱۹۹۶، ۲۱۲۵، ۲۱۴۳
۲۴۰۲، ۲۴۱۷، ۲۶۴۱، ۲۶۵۱	۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۷، ۲۱۸۹
مغول: ۹۶، ۱۰۷، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۰	۲۱۹۶، ۲۳۶۷، ۲۳۷۹، ۲۴۰۳
۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۲۹، ۲۳۰	۲۴۰۸، ۲۴۱۵، ۲۴۸۳، ۲۶۲۵
۲۳۱، ۲۵۰، ۲۵۹، ۳۰۶، ۳۹۳، ۴۱۶	۲۶۶۵
۴۵۸، ۴۸۱، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۸، ۵۲۴	مغول جان: ۱۳۷۹
۵۲۷، ۵۴۵، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۶۲	مغولستان: ۲۷۷، ۴۹۷، ۵۰۵، ۷۹۵
۵۸۸، ۶۱۶، ۶۲۲، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۴۱	۸۵۵، ۸۷۷، ۱۱۷۸، ۱۳۴۸، ۱۴۵۶
۶۷۵، ۷۰۳، ۷۹۵، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳	۱۵۶۲، ۱۹۷۹، ۲۳۷۹، ۲۴۸۴
۸۰۷، ۸۱۱، ۸۱۵، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۶	مغولها: ۴۰۴، ۲۳۷۹
۸۹۱، ۸۹۴، ۹۴۳، ۹۴۸، ۹۵۱، ۹۵۲	مغولی: ۱۱۷، ۳۸۷، ۴۴۴، ۴۹۹
۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۴۹، ۱۰۶۷	۵۶۵، ۶۹۲، ۷۴۲، ۸۸۵، ۸۹۱، ۸۹۲
۱۰۷۵، ۱۰۸۹، ۱۱۴۷، ۱۱۵۵	۱۰۴۵، ۱۱۴۷، ۱۱۵۷، ۱۱۵۹
۱۱۵۹، ۱۲۲۹، ۱۲۳۱، ۱۲۵۶	۲۰۸۰، ۲۱۱۷، ۲۵۰۱، ۲۶۵۱
۱۲۸۴، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۳۴	۲۶۵۳
۱۳۴۸، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۸	مغها: ۲۲۳۴، ۲۳۸۶
۱۴۶۷، ۱۴۷۰، ۱۴۹۸، ۱۵۲۶	مغیه: ۲۳۸۶
۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۷	مقاسمه: ۲۳۸۶
۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۷۱، ۱۷۷۳	مقبل السلطنه خراسانی: ۳۷۸
۱۷۸۰، ۱۸۱۴، ۱۸۶۹، ۱۸۷۲	مقتدر: ۲۳۸۶
۱۹۰۰، ۱۹۱۳، ۱۹۵۱، ۱۹۵۶	مقدس: ۲۳۸۷
۱۹۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۹۱	مقدس اردبیلی: ۲۳۸۷

مقدس: ۶۴۷، ۲۰۷۰، ۲۳۸۷	مکه: ۴۵۳، ۵۸۸، ۹۴۱، ۱۹۳۹
مقدونی: ۱۴۹، ۱۰۱۹، ۱۰۴۴	۲۴۰۱
۲۲۹۴، ۲۳۸۷، ۲۳۸۸، ۲۵۶۵	مگابیز: ۲۶۹
۲۶۲۰	مگدوبی: ۵۳۸
مقدونیان: ۶۹، ۱۵۳۹، ۲۶۱۵	مگو: ۲۴۱۹
۲۶۱۶، ۲۶۱۷، ۲۶۱۸، ۲۶۱۹	مگوپت: ۲۳۹۹
مقدونیها: ۱۰۱۸، ۲۲۷۵، ۲۶۱۹	مگوپتان مگوپت: ۲۳۹۹
مقدونیه: ۵۵، ۶۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۲۰۹	مگوپتان مگوپتیه: ۲۳۹۹
۲۶۳، ۳۱۷، ۳۳۹، ۳۹۹، ۴۰۱، ۶۰۳	مگوپتیه: ۲۳۹۹
۷۷۶، ۱۱۹۱، ۱۲۵۴، ۱۲۶۶، ۱۴۸۳	مگوگ: ۲۳۹۹
۲۲۱۸، ۲۳۴۰، ۲۳۸۷، ۲۳۸۸	مگو مگوگان: ۲۴۰۰
۲۳۸۹، ۲۳۹۰، ۲۳۹۱، ۲۶۱۴	ملاباشی: ۲۴۰۰
مقرب الحضرة: ۱۹۶۰، ۲۳۹۱	ملاحده: ۳۲۱، ۲۴۰۰
مقرب الخاقان: ۲۳۹۱	ملاحسین بشرویه: ۵۷۱
مقفع: ۱۹۱	ملازگرد: ۱۱۱، ۳۸۵، ۲۴۰۰
مکابیان: ۱۵۱	ملاصدرا: ۱۶۲۷، ۲۴۰۱
مکابیز: ۲۳۸۸	ملاط ساروج: ۱۹۹۵
مکتفی: ۲۳۹۱، ۲۳۹۲	ملاعباس نوری طبری: ۱۷۰۷
مکران: ۷۵۱، ۱۴۲۱، ۱۴۳۰، ۱۶۰۲	ملامحمدباقر مجلسی: ۱۳۷، ۱۱۴۱
۲۳۹۲، ۲۳۹۳	۲۳۰۱
مکرانشاه: ۱۴۲۸	ملامحمدکاظم خراسانی هروی:
مکوران: ۷۵۱، ۲۳۹۹	۲۳۱۴

ملک فخرالدین کرت: ۲۴۰۳	ملکخیزی: ۵۳۸
ملک فواد: ۱۹۴۲	ملک ارسلان بن مسعود: ۶۱۰
ملکوس: ۲۴۰۴، ۲۴۰۳، ۲۳۳۴	ملک اشرف: ۲۴۰۱
ملکه ترکان: ۲۴۰۴	ملک اشرف الدین چوپانی: ۵۶۶
ملکه جهان: ۲۴۰۵	ملک اشرف چوپانی: ۲۳۴۴
ملکه خاتون: ۲۴۰۵	ملک الشعراوی: ۶۴۷
ملک هزار اسب بن ابوطاهر: ۲۱۹۴	ملک الشعراء بهار: ۱۱۱۳، ۱۰۸۴
ملکی: ۲۳۶۹	ملک المتکلمین: ۲۴۰۱
ملوک خانیه: ۲۴۰۶، ۱۰۷، ۲۴۸۰	ملک بهاء الدین سام: ۶۰۶
ملوک شبانکاره: ۲۳۲، ۱۴۷۲	ملک جلال الدین مخلص سمنانی:
۲۴۰۶، ۲۱۹۴	۲۴۰۱
ملوک فارس: ۱۶۳۳	ملکشاه: ۸۷۰، ۱۷۷۳، ۲۴۰۲، ۲۴۰۷
ملوک نیمروز: ۲۴۰۷	ملکشاه بن آلب ارسلان: ۱۴۹۶
ملیجک: ۲۴۰۹	ملکشاه بن محمود: ۱۸۸۰
ملیکشویلی: ۲۴۰۹	ملکشاه دوم: ۱۴۹۶
ممالک استخری: ۲۳۳۶	ملکشاه سلجوقی: ۲۴۵، ۶۲۸، ۷۹۹
ممسنی: ۲۴۵۴	۹۵۰، ۱۲۳۰، ۱۲۵۵، ۱۲۹۶، ۱۴۷۱
مفیس: ۲۰، ۲۴۱۰	۱۴۸۹، ۱۴۹۴، ۱۵۸۸، ۱۸۴۷
مناذره: ۱۱۴۳	۱۹۹۶، ۲۰۶۹
منایی ها: ۲۴۱۰	ملک شمس الدین محمد: ۲۴۰۲
منتصر: ۴۰۴	ملک غیاث الدین: ۲۴۰۳
منجم باشی: ۲۴۱۱	ملک فاروق: ۱۹۴۲

۲۰۶۷	منچوری: ۱۹۷۹، ۲۳۷۹
منگو قآن: ۱۲۶، ۱۹۹۶	مند: ۲۴۱۱
منگو قآن: ۶۳۰، ۸۱۵، ۲۴۰۳	مندربن نعمان: ۹۸۰
۲۴۱۶، ۲۶۱۰	مندربن نعمان: ۲۴۱۱
من لایحضره الفقیه: ۲۴۱۶	منشی الممالک: ۲۴۱۱
منوچهر ابن قابوس: ۶۰۳، ۱۷۶۶	منشی دیوان: ۲۴۱۱
منوچهر اقبال: ۳۷۸، ۱۰۸۳، ۱۰۸۸	منصور اول: ۳۸۶
۲۴۱۷، ۲۳۱۹	منصورین نوح: ۲۴۱۲
منوچهر بن قابوس: ۲۱۳۹	منصور دوانقی: ۴۱۱
منوچهر پیشدادی: ۲۲۸۵	منصور دوانیقی: ۱۶۹۴
منوچهر: ۱۸۲، ۳۷۲، ۷۹۱، ۹۰۹	منصور: ۲۱۵، ۲۱۶، ۳۷۸، ۶۲۲
۱۲۹۰، ۱۳۵۱، ۱۳۶۱، ۱۳۷۳	۸۴۶، ۸۶۳، ۱۱۵۴، ۱۳۲۶، ۱۴۷۶
۱۴۳۶، ۱۸۱۵، ۲۰۷۷، ۲۱۶۲	۱۵۴۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱
۲۲۸۴، ۲۴۱۶، ۲۴۱۷، ۲۵۰۶	۲۴۱۱، ۲۶۳۶
منوش: ۲۴۱۶	منصور سامانی: ۱۹۵۸
منهاج سراج: ۲۴۱۷، ۲۴۱۸	منصور عباسی: ۹۴۷، ۱۲۸۷، ۲۴۱۵
مونس: ۲۴۱۸	منکو: ۱۹۹۶
موالی: ۲۴۱۸، ۲۵۱۹	منکو تیمور: ۱۳
موبد: ۶۲۷، ۲۴۱۸، ۲۴۱۹	منکو قآن: ۸۱۱، ۱۹۵۶، ۲۲۹۶
موبدان: ۲۵، ۲۹، ۴۴، ۲۳۴، ۵۱۲	منگتون: ۲۴۱۵
۶۰۲، ۹۲۷، ۲۱۳۶، ۲۶۳۱	منگ غان: ۲۴۱۵
موبدان موبد: ۷۷۳، ۱۱۷۰، ۱۹۱۰	منگو تیمور: ۱۸۷، ۱۸۹، ۸۷۲

موبد موبدان: ۸۹۶	موسس خورناسی: ۲۲۷۰، ۲۲۰۹
موبد میشان: ۶۰۲	موسی: ۲۶۴۶
موتله ئیس: ۲۴۱۹	موسی بن جعفر (ع): ۲۴۲۳
موتوکن: ۱۹۸۵	موسی خان: ۲۶۰، ۹۵۸
موچول خان: ۲۴۱۹	موسی خورن: ۲۵۳، ۶۲۴، ۱۲۴۰
مودود: ۱۸۰۵، ۶۰۸	۲۴۲۴، ۱۳۳۳
مودود بن مسعود غزنوی: ۲۴۱۹	موسی خورنی: ۱۶۹۶، ۲۲۳۴
مودود غزنوی: ۱۷۵۸، ۱۳۹۵	موصل: ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۹۰، ۱۹۸
موزایا: ۲۴۲۰	۲۲۲، ۳۳۸، ۳۹۰، ۴۳۲، ۵۶۲، ۶۶۹
مورچه خورت: ۳۲۶، ۱۰۲۶، ۱۸۵۱	۶۹۳، ۸۶۳، ۱۲۷۴، ۱۸۵۴، ۱۸۸۱
۲۴۲۰	۲۵۷۲، ۲۰۳۶، ۲۰۱۷
مورگان: ۲۳۱۷	موغان: ۳۹
مورگان شوستر: ۱۶۷۰، ۲۴۲۰	موفق الدین: ۲۴۲۵
۲۴۲۲	موقان: ۱۸۵۹
مورو: ۴۸۶، ۵۱۸، ۵۹۵، ۲۴۲۲	مولاعلی: ۲۳۵۵
موریا: ۹۳، ۹۴، ۲۰۹۰، ۲۴۲۲	مولانا امیر سمرقندی: ۲۴۲۵
موریتانی: ۱۰۲۹	مولانا شمس الدین صابین قاضی:
موریس: ۹۸۷، ۹۹۲، ۱۱۸۴، ۱۸۰۶	۲۴۲۵
موزا: ۱۹۲۹	مولانا علی: ۲۳۵۴
موزه ایران باستان: ۲۵	مولتان: ۲۴۶، ۳۱۳، ۶۱۳
موزه بریتانیایی: ۸۷	مولوی: ۲۲۱۳
موزه لوور پاریس: ۲۰۵۳	موهنجودارو: ۱۳۵۴

مهریزین: ۳۰	مویزا: ۳۶۰، ۳۶۱
مهرپرستی: ۳۴۲، ۲۴۲۹	مهاباد: ۲۰۰۲
مهرداد: ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۱۰۰۹،	مهابهاراتا: ۵۱۲
۱۴۴۴، ۱۹۴۷، ۲۴۳۰، ۲۴۳۸،	مهارلو: ۱۹۳۹
۲۴۵۳	مهتدی: ۴۱۴
مهرداد اشکانی: ۳۴۲	مهدعلیا: ۱۰۰، ۱۰۱، ۷۵۹، ۱۰۶۸،
مهرداد اول: ۳۶۳، ۳۶۶، ۱۹۳۲،	۱۲۴۶، ۲۴۲۵، ۲۴۲۶، ۲۴۶۲
۲۴۳۰، ۲۵۶۱	مهدویت: ۲۳۵۴
مهرداد اول اشکانی: ۵۹۱، ۲۲۷۰	مهدی بازرگان: ۵۹۷، ۲۴۲۸
مهرداد دوم: ۳۳۰، ۳۴۶، ۳۶۷،	مهدیخان: ۱۹۷۶
۱۱۴۹، ۱۵۵۰، ۱۷۴۷، ۲۴۳۰،	مهدی خان استرآبادی: ۲۴۲۸
۲۵۵۷	مهدی عباسی: ۹۷۳
مهرداد سوم: ۳۴۷، ۳۶۱، ۲۴۳۱	مهدی عراقی: ۲۶۴۰
مهرداد ششم: ۱۹۳۲	مهر: ۴۴، ۲۴۲۸، ۲۴۵۵
مهرداد کبیر: ۳۴۷	مهرآگاوید: ۲۴۲۸
مهرداد کرت: ۲۵۶۵	مهراب: ۱۳۳۴، ۲۴۲۸
مهرداد یکم: ۳۴۱، ۳۴۶	مهراردشیر: ۲۴۲۹
مُهردار: ۲۴۳۱	مهراسپند: ۲۴۲۹
مهرسپندان: ۱۳۳۲	مهراسپندان: ۴۴، ۷۷۲، ۱۳۷۴
مُهر سرخ: ۱۱۷	مهران: ۲۵۶، ۶۴۱، ۷۸۸، ۹۸۵،
مهرگان: ۹۰۶، ۱۲۸۰، ۲۴۳۲،	۱۲۸۷، ۲۴۲۹
۲۴۳۸، ۲۴۳۶	مهربان: ۲۴۲۹

مهرنرسه: ۲۰۶۴	میتراگان: ۲۴۳۸
مهرنرسی: ۹۳۹	میتوخت: ۲۴۳۹
مهرنرسی: ۹۳۹، ۱۸۹۰، ۲۴۳۲	میثم تمار: ۱۰۷۷
۲۶۰۴	میدیارم: ۲۲۳۱
مهرنوش: ۳۶، ۶۸۶، ۲۴۳۲	میدیوزرم: ۲۲۳۱
مهرنیایش: ۲۴۳۲	میرآخور: ۳۴
مهری زنگنه: ۲۳۱۸	میرآخور باشی: ۲۴۳۹
مهریشت: ۲۴۳۲	میرانشاه: ۱۹۸۶
مهماندوست: ۱۷۳۰	میرخواند: ۲۳۰۲، ۲۴۳۹، ۲۴۴۰
مهندس فریور: ۱۰۸۲	میرداماد: ۱۶۲۷، ۲۴۴۰
میافارقین: ۲۴۳۴	میرزا آقاخان: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۹۸۶
میانداوب: ۲۲۵۸، ۲۴۱۰	۲۳۷۱، ۲۴۴۰
میانه: ۵۲۹	میرزا آقاخان: ۲۴۴۹
میبد: ۱۳۰	میرزا آقاخان کرمانی: ۱۷۶
میتانی: ۸۴، ۲۶۱، ۱۵۵۵، ۲۰۶۸	میرزا آقاخان نوری: ۲۴۲۶
۲۵۷۴	میرزا آقاسی: ۱۰۰
میتانی‌ها: ۲۴۳۴، ۲۴۳۵، ۲۶۲۷	میرزا ابراهیم: ۲۴۴۰
میترا: ۲۶۶۴، ۲۷۲	میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه:
میترائیسم: ۲۴۲۹، ۲۴۳۶	۱۹۹۷
میتراذات: ۲۴۵۳	میرزا ابوالحسن خان شیرازی: ۱۸۶۳
میتراذاتس: ۲۴۳۸	میرزا ابوالقاسم: ۲۴۶۳
	میرزا ابوالقاسم قائم مقام: ۱۹۵۰

۲۳۳۷، ۲۳۱۲	۱۹۹۶
میرزا ابوتراب: ۳۷۸	میرزا حسین خان مشیرالدوله: ۲۴۴۱
میرزا احمد خان ساعدالملک: ۱۴۳۲	میرزا حسینعلی بهاءالله: ۵۸۸
میرزا احمد خان مشیرالسلطنه: ۲۳۵۹	میرزا حسینعلی نوری: ۵۷۱
میرزا الغ بیگ: ۵۷۵	میرزا خلیل: ۵۷۵
میرزا بابر: ۵۷۵	میرزاده عشقی: ۱۳۴۰
میرزا بایسنقر: ۲۴۸۸	میرزا رضا کرمانی: ۱۹۶۲، ۲۴۴۱
میرزا بایسنقر: ۵۷۵	میرزا رفیع محمد: ۲۴۴۱
میرزا پاینده: ۵۷۶	میرزا سلطان محمد گورکانی: ۲۱۰
میرزا تقی اعتمادالدوله: ۱۴۱۵	میرزا سلمان جابری اصفهانی: ۲۴۴۱
میرزا تقی خان: ۱۴۴۸، ۲۴۴۰	میرزا سیدعلی محمد شیرازی: ۵۷۱
میرزا تقی خان امیرکبیر: ۷۷۶، ۱۰۶۸، ۱۱۶۳، ۱۴۳۲، ۲۰۲۶، ۲۴۵۱، ۲۴۶۲	میرزا سید محمد سنگلجی: ۲۴۴۲
	میرزا شاهرخ: ۵۷۵، ۲۴۴۲
	میرزا شاهرخ تیموری: ۱۸۲۲
میرزا تقی خان سپهر: ۲۴۴۱	میرزا شاه محمود بهادر: ۵۷۶
میرزا جهانگیر خان شیرازی: ۲۳۵۱	میرزا شفیع مازندرانی: ۲۴۴۲
میرزا جهانگیر گورکانی: ۷۸۸	میرزا صادق ادیب الممالک: ۲۵۴
میرزا حسینعلی نوری: ۵۸۸	میرزا صالح شیرازی: ۲۴۹، ۱۳۵۶
میرزا حسن آشتیانی: ۲۳۴۱، ۲۴۴۱	میرزا طالب خان: ۲۴۴۲
میرزا حسن مستوفی الممالک	میرزا ظل السلطان: ۱۷۸۵
آشتیانی: ۲۳۳۷	میرزا عبد الوهاب خان آصف الدوله:
میرزا حسین خان سپهسالار: ۱۳۵۹، ۲۳۵۷	

- میرزا علی اصغر خان اتابک: ۲۳۴۲،
 ۲۳۵۰، ۲۳۶۸
 میرزا علی اصغر خان امین السلطان:
 ۲۳۴۲، ۲۴۴۳
 میرزا علی اکبر خان دهخدا: ۱۲۹۱
 میرزا علی خان: ۲۴۴۳
 میرزا علی خان امین الدوله: ۲۴۴۳
 میرزا عیسی فراهانی: ۱۹۴۹
 میرزا عیسی قائم مقام: ۲۴۴۷
 میرزا کریم خان رشتی: ۲۴۴۵، ۲۴۴۶
 میرزا کوچک خان: ۱۳۶۷، ۱۹۹۸،
 ۲۴۴۶
 میرزا لطف الله شیرازی: ۲۴۴۷
 میرزا محسن خان مشیرالدوله: ۲۳۵۷
 میرزا محمد: ۲۳۵۹
 میرزا محمد جعفر اصفهانی: ۲۴۴۷
 میرزا محمد حسن شیرازی: ۱۰۹۰
 میرزا محمد حسین فراهانی: ۲۴۴۷
 میرزا محمد خان: ۲۳۵۹
 میرزا محمد خان سپهسالار: ۲۴۴۷،
 ۲۴۴۸
 میرزا محمد خان قاجار: ۲۳۷۲
 میرزا محمد شفیع مازندرانی: ۲۴۴۸
 میرزا محمد طیب: ۱۹۷۶
 میرزا محمد علی خان: ۲۴۴۸
 میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی:
 ۲۴۶۵
 میرزا مسیح استرآبادی: ۲۴۴۸
 میرزا ملکم خان: ۲۳۴۶، ۲۴۴۹
 میرزا ملکم خان ناظم الدوله: ۱۹۷۵
 میرزا مهدی خان: ۲۴۵۰
 میرزا مهدی خان استرآبادی: ۱۰۳۸،
 ۲۴۵۰
 میرزا نصرالله: ۲۳۵۶، ۲۳۵۷
 میرزا نصرالله خان: ۲۳۵۷، ۲۳۵۸
 میرزا نصرالله خان مشیرالدوله:
 ۲۳۴۹، ۲۳۵۲، ۲۳۵۷، ۲۳۵۸
 میرزا هدایت الله: ۲۳۴۱
 میرزا یحیی: ۵۸۸، ۱۷۱۷، ۲۴۵۰
 میرزای شیرازی: ۲۷۱، ۴۷۳، ۸۱۵
 ۱۴۰۱، ۱۷۶۱، ۲۴۵۰
 میرزا یعقوب: ۱۹۷۵

میرزا یوسف مستوفی الممالک:	مینو: ۲۴۵۵
۲۳۴۱، ۲۳۷۱، ۲۴۵۱	مینوآب: ۲۴۵۵
میرشکارباشی: ۲۴۵۲، ۲۰۰۱	مینواوزور: ۲۴۵۵
میر علیشیر نوایی: ۱۲۳۸	مینوخرد: ۲۴۵۵
میر عماد: ۱۶۲۷	مینورسکی: ۷۰۴، ۱۱۷۶، ۱۵۵۲
میرفندر سکی: ۱۶۲۷	مینوی: ۲۲۳۲
میر مرادابن میرزاخان: ۱۴۱۱	میوس: ۳۸۵
میر مهنا: ۲۴۵۲	میهمان داریاشی: ۲۴۵۵
میرویس: ۱۷۳۰	مؤیدان مؤید: ۲۰۷۶
میسور: ۹۴	مؤتلفه: ۲۴۱۹
مسیه: ۷۹، ۱۲۶۵، ۲۴۵۳	مؤتمن الملک: ۲۳۵۸
میشان: ۷۴۵، ۱۱۵۰، ۱۴۲۸، ۲۴۳۳	مؤید آل ابه: ۱۳۲
میشانشاه: ۱۴۲۸	مؤید آی ابه: ۸۶۴
میشیگان: ۲۰۳۸	مؤید آی به: ۱۷۷۳
میکائیل: ۱۵۰۳، ۱۷۷۴	مؤید الاسلام: ۱۰۷۵
میکائیل ابن سلجوق: ۱۴۸۸	مؤیدالدوله: ۱۸۱۸، ۱۸۹۹، ۱۹۵۸،
میکال: ۲۴۵۳	۲۴۵۶
میل ازدها: ۲۴۵۴	مؤیدالدوله دیلمی: ۲۰۵، ۱۰۸۸،
میلسپو: ۲۳۲۵، ۲۴۵۴	۱۸۹۹، ۱۲۹۶
میمند: ۲۷۲	مؤیدالدین محمد قمی: ۲۴۵۶
مین باشی: ۲۴۵۴	مؤیدالدین مرزبان: ۲۴۵۶

نادرقلی: ۳۲۶، ۴۲۹، ۹۷۸، ۹۹۸،	مؤیدالملک: ۶۰۶
۱۰۲۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷	
نادرقلی افشار: ۴۰۰	
نادره بانو: ۲۴۶۱	ن
نارامسین: ۲۰۹۳، ۲۰۹۵، ۲۱۷۸	نثارخوس: ۷۳۱، ۲۳۹۳
نارسس: ۹۸۷	نثیریا: ۳۷۲
نارین یام: ۲۴۶۱	نائینی: ۲۴۵۹
ناسخ التواریخ: ۱۴۴۸، ۲۴۴۱، ۲۴۶۱	نابوریمانی: ۲۰۰۶
ناصرالدوله: ۶۵۵	ناپلئون: ۱۸۹۷، ۱۹۴۸، ۱۹۶۴
ناصرالدین: ۶۲۱، ۱۴۴۲	نادر: ۳۷۴، ۹۹۸، ۱۰۱۷، ۱۱۰۰،
ناصرالدین سبکتکین: ۱۸۰۸	۱۱۱۲، ۱۳۲۷، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷،
ناصرالدین سیرافی: ۱۳۶۷	۲۰۳۵، ۲۱۲۶، ۲۲۱۷، ۲۳۰۶
ناصرالدین شاه: ۸۰، ۴۴۹، ۴۷۳،	نادرشاه: ۷۳، ۱۰۰، ۱۸۴، ۱۸۶،
۱۰۶۸، ۱۰۷۳، ۱۰۱۶۰، ۱۳۳۱،	۳۱۵، ۳۷۴، ۴۲۹، ۴۴۰، ۵۷۱، ۵۷۲،
۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۴۳۴،	۶۳۳، ۶۶۴، ۸۱۲، ۹۳۹، ۱۱۵۵،
۱۴۴۸، ۱۴۶۹، ۱۵۰۱، ۱۵۱۷،	۱۳۴۲، ۱۵۰۱، ۱۶۱۷، ۱۷۲۲،
۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۷۶۱، ۱۷۸۶،	۱۷۳۱، ۱۷۸۱، ۱۷۹۶، ۱۸۷۵،
۱۸۲۴، ۱۸۲۹، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶،	۱۸۹۲، ۱۹۳۵، ۲۰۲۵، ۲۰۳۵،
۱۹۱۵، ۱۹۳۳، ۱۹۳۵، ۱۹۴۲،	۲۰۷۳، ۲۱۲۵، ۲۲۱۰، ۲۴۵۹،
۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۹۸، ۲۰۲۶،	نادرشاه افشار: ۱۰۰، ۱۸۶، ۲۴۶،
۲۰۲۷، ۲۰۸۲، ۲۳۱۶، ۲۳۲۴،	۳۷۴، ۱۰۲۶، ۱۰۳۹، ۱۱۰۰، ۱۱۱۱،
۲۳۴۱، ۲۳۶۰، ۲۳۶۸، ۲۴۰۹،	۱۳۴۲، ۱۶۱۹، ۱۶۲۸، ۱۸۵۵،
۲۴۱۹، ۲۴۲۶، ۲۴۴۱، ۲۴۴۳،	۲۱۲۰، ۲۴۲۸، ۲۴۴۲،

نانا: ۲۴۶۷	۲۴۴۵، ۲۴۴۷، ۲۴۴۸، ۲۴۴۹
نانایا: ۴۱۹، ۴۲۱	۲۴۵۱، ۲۴۵۲، ۲۴۶۲، ۲۴۶۳
ناهید: ۲۴۶۷، ۲۴۶۸، ۲۶۲۳	۲۴۶۴
نایمان: ۲۳۷۹، ۲۶۴۱	ناصرالدین شاه قاجار: ۴۷۲، ۶۱۴
نایین: ۷۲۸	۶۲۳، ۷۹۸، ۱۲۵۶، ۱۲۸۰، ۱۳۲۷
نبرد بویب: ۶۷۳، ۲۴۶۸	۱۵۲۰، ۱۶۵۷، ۱۶۶۱، ۱۷۱۶
نبرد پلاته: ۲۴۶۹	۱۷۳۵، ۱۸۹۸، ۱۹۶۲، ۱۹۸۵
نبرد جسر: ۲۴۶۸	۲۳۴۶، ۲۳۴۷، ۲۳۶۷، ۲۴۰۵
نبرد دومة الجندال: ۲۴۶۹	۲۴۴۰، ۲۴۴۸
نبرد ماراتن: ۲۴۶۹	ناصرالدین طاهر: ۲۴۶۳
نبرد مصر: ۲۴۷۲	ناصرالدین منشی: ۸۶۴
نبطی: ۵۱	ناصرالملک: ۱۹۳۵، ۲۳۱۷، ۲۳۴۲
نبطیها: ۵۵۰	۲۳۵۰، ۲۳۵۱، ۲۴۶۳، ۲۴۶۴
نبطی ها: ۲۴۷۷	ناصرخسرو: ۶۵۶، ۸۶۵، ۱۶۶۱
نبو: ۲۴۷۷	ناصرکبیر: ۱۰۹۱، ۱۰۹۲
نبولسر: ۸۶، ۵۸۰، ۶۱۸	ناصرکبیر: ۱۲۹۹
نبودکد نصر: ۵۹۹	ناصری: ۶۰۶، ۱۰۶۸، ۱۲۰۷
نبوکد: ۵۸۰	۱۳۵۸، ۱۴۴۹، ۲۱۲۵، ۲۴۶۵
نبوکدنزر: ۲۴۷۸	ناظر: ۲۴۶۵
نبوکد نصر: ۸۷، ۶۱۸، ۷۴۰	ناظرباشی: ۲۴۶۵
نبوکد نصر دوم: ۵۸۰، ۲۰۶۸	ناظم الاسلام کرمانی: ۲۴۶۵
نبونید: ۶۴۴، ۲۴۷۸	نامخواست: ۲۴۶۶
نبونیدوس: ۲۱۰۷	نامه تنسر: ۲۴۶۶

نرگال: ۵۸۱	نَپیر: ۲۴۷۸
نرگل: ۲۴۸۰	نجد: ۲۴۷۸
نمرتوم: ۱۹۳۹	نَجف: ۸۰، ۹۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۶،
نریز: ۲۴۸۲	۱۷۲، ۴۵۳، ۴۷۳، ۱۰۹۰، ۱۱۴۳،
نریمان: ۲۴۸۳، ۲۴۱۷، ۲۱۶۲	۱۵۷۸، ۲۰۲۲، ۲۳۱۴، ۲۳۵۵،
نرئوسنگ: ۲۴۸۳	۲۳۶۵، ۲۴۵۱، ۲۵۰۲
نزاریه: ۲۴۸۳، ۴۱۳، ۳۲۱	نَجف آباد: ۲۷
نزهة القلوب: ۲۳۴۱، ۱۱۳۷، ۴۱۳	نَجف اشرف: ۷۹۷، ۱۱۵۷، ۱۷۰۸،
نسا: ۲۴۸۳، ۲۳۰۲، ۷۸۰، ۳۳۵	۲۳۲۵
نسطوری: ۲۴۸۳	نَجفقلی خان: ۱۷۳۳
نسطوریوس: ۲۴۸۴، ۲۴۸۳	نَخجوان: ۵۲، ۶۱، ۱۱۰، ۱۱۶۰،
نسق چی باشی: ۲۴۸۴	۱۷۰۰، ۱۸۳۵، ۱۸۶۰، ۱۹۸۲،
نَسک: ۲۴۸۴	۲۳۶۷
نَسو سالار: ۲۴۸۴	نَخشب: ۱۵۶۰
نسوش: ۲۴۸۴	نَخشبانشاه: ۱۴۳۰
نصر: ۱۴۳۶، ۵۸۰	نخوار: ۲۴۷۸
نصرابن سامانی: ۱۳۹۶	نرام - سین: ۵۰۲، ۱۱۹۹
نصرالسلطنه: ۲۳۱۶	نَرام سین: ۲۴۷۸
نصرین احمد: ۱۵۴۶، ۱۶۱۳، ۲۳۶۵،	نرسه: ۶۱۸
۲۴۸۵، ۲۳۶۶	نرسی: ۶۱۸، ۹۸۲، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸،
نصرین احمد سامانی: ۱۰۷، ۲۳۶۵	۱۵۸۷، ۲۰۵۹، ۲۲۷۷، ۲۴۸۰،
نصرین سیار: ۸۶۰، ۲۵۲۰، ۲۵۸۱	۲۴۹۹، ۲۶۰۱
نصرت الدوله: ۲۰۸۵، ۲۴۵۴	نرشخی: ۱۰۴۱، ۲۴۸۰

نصرت‌الدین: ۲۱۲۵	نعمان بن منذر: ۱۵۵۴
نصرت‌الدین عثمان قلیج ارسلان:	نعمتی: ۱۱۴۲، ۲۴۹۱
۱۹۹۲	نفس زکیه: ۲۴۹۲
نصرة‌الدین ابوبکر: ۲۴۸۶	نقده: ۸۲۰، ۸۲۱
نصرة‌الدین احمد بن یوسف شاه:	نقش اردشیر: ۲۰۶۴
۲۴۸۷	نقش برجسته بهرام: ۲۴۹۳
نصرة‌الدین کلجه: ۲۴۸۷	نقش برجسته سر مشهد: ۲۴۹۳
نصیبین: ۳۴، ۱۴۶، ۳۳۷، ۳۳۹	نقش برجسته کورانگون: ۲۴۹۳
۳۶۰، ۹۷۸، ۹۸۰، ۹۹۹، ۱۰۲۲	نقش برجسته اردشیر بابکان: ۱۹۴۴
۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۴۲۱، ۱۴۴۵	نقش بهرام: ۸۹۶
۱۴۴۶، ۱۸۵۳، ۲۴۸۷، ۲۴۸۸	نقش جهان: ۲۴۹۴
نصیرالدین اسماعیل سمنانی: ۲۴۸۸	نقش رجب: ۷۸۰، ۱۶۰۶، ۱۸۸۹
نصیره: ۳۸۹	۱۸۹۰، ۲۰۵۸، ۲۰۶۰، ۲۰۶۳
نظام‌الدوله: ۲۳۵۳	۲۴۹۴
نظام‌الدوله مراغه‌ای: ۳۲	نقش رستم: ۴۸۴، ۶۸۰، ۷۴۷، ۷۸۰
نظام‌الدین: ۲۴۸۸	۱۱۹۰، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶، ۱۵۵۳
نظام‌الدین بختیار سمنانی: ۲۴۸۹	۱۶۰۶، ۱۶۸۹، ۱۸۸۶، ۱۸۸۹
نظام‌السلطنه مافی: ۲۴۸۹	۲۰۵۲، ۲۰۵۵، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹
نظام‌الملک: ۸۷۳، ۱۶۸۷، ۲۴۹۰	۲۰۶۱، ۲۰۶۵، ۲۰۷۶، ۲۴۹۵
نظام‌الملک ثانی: ۲۴۹۰	نقطویان: ۷۶۲، ۲۵۰۰
نظام‌الملک سعد‌الدین: ۲۴۹۱	نقطویه: ۲۴۹۹
نظام‌الملک محمد: ۲۴۹۱	نقیب: ۲۵۰۰
نظامی عروضی: ۱۲۳	نکیسا: ۲۵۰۱

نمان: ۲۵۰۲	نوروز: ۶۹۱، ۸۸۳، ۸۸۵، ۹۰۶، ۹۴۶
نمانویتی: ۲۵۰۲	۹۶۵
نمرو: ۳۱۳، ۲۰۳۶	نوروزنامه: ۲۵۰۸
نمیرو: ۲۵۰۲	نوری: ۲۵۰۸
نواب صفوی: ۱۱۰۸، ۱۹۰۴، ۲۵۰۲	نوز: ۲۵۰۸
۲۵۰۴، ۲۵۰۳	نوزی: ۲۵۰۸
نوبختی: ۲۵۰۴، ۲۰۱	نوسنگی: ۲۵۰۸
نوبنجان: ۱۹۹۵	نوسیوم: ۵۶۸
نوبهار: ۶۲۸	نوش آذر: ۴۷، ۲۵۰۸، ۲۵۰۹
نوح: ۱۴۳۶	نوش آفرین: ۱۹۹۶
نوح ابن منصور سامانی: ۱۷۸۵	نوشاپور: ۲۲۸۶
نوح بن منصور: ۲۵۰۵	نوشاتل: ۲۳۶۱
نوح بن منصور سامانی: ۱۵۵۰	نوشیجان تپه: ۲۵۰۹
نوح بن منصور سامانی: ۱۸۰۸	نوشیروان: ۶۷۸، ۲۵۰۹
نوح بن نصر: ۲۵۰۵	نوشیروان خسرو: ۲۳۳۴
نودک: ۱۳۶۱	نولدکه: ۷۲۸، ۱۶۰۷، ۲۵۰۹
نوذر: ۳۷۲، ۷۹۱، ۱۳۷۳، ۱۴۳۶	نوها ترا: ۳۸۹، ۲۵۰۹
۱۷۱۰، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۵۰۶	نوه داتام: ۲۰۲۰
نوذریان: ۱۳۷۳، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷	نویان: ۱۷۷۲
نور: ۱۲۸، ۷۱۷، ۲۱۲۴	نوید: ۲۵۱۰
نورآباد ممسنی: ۲۹، ۲۴۹۳	نوهاوند: ۱۲۴، ۱۸۴، ۳۹۳، ۴۱۸
نورالدین الموتی: ۱۰۸۳	۶۵۵، ۶۶۳، ۹۳۶، ۱۰۳۰، ۱۲۶۴
نورالدین کیانوری: ۱۰۸۳	۱۳۵۵، ۱۳۷۰، ۱۴۲۱، ۱۷۹۶

نی دین تو: ۲۰۱۲	۲۱۸۵، ۲۰۳۵، ۱۸۲۲
نیریز: ۱۳، ۱۹۳۹	نهج البلاغه: ۱۹۰
نیسیایا: ۱۵۸۹	نهران: ۹۹۶، ۹۹۸، ۱۱۱۱، ۲۵۱۱
نیسایه: ۴۸۶، ۵۱۸	نهضت: ۱۹۸۴
نی سی بیس: ۲۳۴۰	نهضت آزادی: ۵۹۸، ۲۲۹۵
نیسین: ۱۵۰۷	نهضت پانزده خرداد: ۷۴۲، ۲۵۱۱
نیشابور: ۱۰۹، ۱۳۲، ۱۸۷، ۲۱۳	نهضت تنباکو: ۲۷۱
۲۱۶، ۳۰۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۸۶، ۴۴۸	نهضت جنگل: ۱۳۳۹
۵۹۶، ۶۷۲، ۶۷۳، ۷۰۸، ۷۵۰، ۷۵۱	نهضت جنوب: ۱۳۳
۷۸۷، ۸۱۵، ۸۹۱، ۹۰۳، ۹۶۷، ۹۶۸	نهضت حروفیه: ۱۰۷۹، ۲۴۹۹
۹۸۱، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶	نهضت زیدیان: ۱۳۹۷، ۲۵۱۹
۱۱۰۸، ۱۱۴۰، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵	نهضت قرامطه: ۲۵۲۱
۱۱۶۸، ۱۳۲۲، ۱۳۸۲، ۱۴۸۸	نهضت مختار: ۲۵۱۹
۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۹۸، ۱۷۵۶	نهضت مشروطه: ۲۴۰۱
۱۷۵۸، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵	نهضت نقطویه: ۲۴۹۹، ۲۵۰۰
۱۹۸۹، ۲۳۰۳، ۲۴۳۱، ۲۵۰۵	۲۵۲۱
۲۵۲۰، ۲۵۳۲، ۲۵۹۶، ۲۶۶۴	نه: ۲۵۲۱
نیشاپور: ۳۰، ۶۱۲	نّهونت: ۲۵۲۲
نیکا: ۱۴۰۹	نّهونت اول: ۲۱۸
نیکاتور: ۱۵۲۷، ۱۵۲۹، ۲۳۸۹	نیایش: ۱۱۷۰
۲۵۲۲	نیپ پور: ۲۵۲۲
نیکلای دمشق: ۲۵۲۲	نیپور: ۴۷۱، ۴۸۲، ۵۴۱، ۵۷۷
نیکولائوس دمشق: ۲۵۲۲	نیت: ۳۸۵

واژه‌ای مغولی: ۲۶۶۶	نیکومیدیا: ۶۴
واسپورگان: ۱۶۹۹	نیکه: ۱۴۰۹
واسپوهران: ۲۵۲۸	نیل: ۲۳۹۴، ۲۰۴۱، ۲۰۳۷، ۹۸۹
واسپوهران آمارکار: ۲۵۲۸	نیمانا: ۲۵۲۳
واستریوسالار: ۲۵۲۸	نیمروز: ۲۵۲۳، ۱۴۸۴
واستریوشان: ۲۵۲۸	نین اگال: ۲۵۲۵
واستریوش بذ: ۲۵۲۸	نیتتو: ۹۰۶
واستریوفشویت: ۲۵۲۸	نین تود: ۲۵۲۵
واستریه قشیاث: ۲۵۲۹	نینوا: ۸۱، ۸۶، ۳۱۳، ۳۹۲، ۲۰۳۶
واسط: ۴۰۴، ۳۹۱	۲۱۸۷
واسموس: ۲۵۲۹	نینی: ۲۵۲۵
واسودوا: ۲۵۲۹	نیویولاس سار: ۲۰۷۷
واشنگتن: ۱۰۷۴	نیویورک: ۲۱۷۷، ۱۸۴۳
واشیکا: ۲۵۲۹	
واعظ اصفهانی: ۲۵۳۰	
واقعۀ هرات: ۲۵۳۰	
واگنرخان: ۲۵۳۱	واثق: ۲۵۲۷، ۲۲۹۲
والحضر: ۲۵۶۳، ۹۷۷	واجرود: ۱۰۳۰
والریانوس: ۲۰۶۱، ۱۶۰۶	واخومیسه: ۲۰۱۵
والرین: ۸۹۶، ۸۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰	وادئ السلام: ۹۵
۱۰۳۱، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۴۹۹	واردان: ۳۶۶
۲۵۳۱	وارونا: ۱۲۷۲
والی فارس: ۱۰۷۰	وازیشت: ۲۵۲۸

و

وان: ۴۷۶، ۱۰۰۴، ۱۰۲۵، ۲۰۵۲،	وخش: ۱۴۰، ۱۴۱، ۶۵۴، ۱۰۳۹،
۲۵۳۸	۲۵۴۵
وانگوهی: ۵۱۸	وخشاب: ۱۴۱
واهرام: ۲۵۳۸	وَخشو: ۲۵۴۵
واهرامان: ۲۵۳۸	ودا: ۱۴۳۹، ۲۵۴۵
وای بد: ۲۵۳۸	ودایی: ۲۵۲۸
وای کرته: ۴۸۶	وداییان: ۵۱۵
وایه: ۲۵۴۰	وداییها: ۲۵۴۶
وتراب: ۱۴۱	وز: ۲۵۴۶
و ثوق الدوله: ۹۵۶، ۹۵۷، ۱۲۴۴،	ورا رود: ۲۵۴۷
۱۵۸۲، ۱۹۹۸، ۲۰۸۵، ۲۲۹۷،	ورامین: ۵۳۲، ۸۲۸
۲۳۱۸، ۲۳۵۹، ۲۳۶۱، ۲۴۲۱،	وِرْثَرَعْنُ: ۲۵۴۷
۲۵۴۱، ۲۵۴۳	وِرْثَرَعْنَه: ۲۹
و ثوق الملک: ۲۵۴۲	ورث رغنہ: ۶۸۲
و جرکرد دینی: ۲۵۴۳	ورژن: ۲۵۴۷
وجیرستان: ۱۹۸۹	ورساد: ۱۹۹۱
وجیه الدین: ۱۲۳۱	ورساق: ۱۹۸۹
وجیه الدین محمود سمنانی: ۲۵۴۴	ورشاد: ۱۹۹۱
وجیه الدین مسعود: ۴۴۷	ورقا: ۴۸۲
و جرکرد دینیک: ۲۵۴۴	وَرَن: ۲۵۵۰
وَجَنَگ: ۲۵۴۴	ورنه: ۴۸۶
وحید الملک: ۱۰۸۴	وروس: ۲۰۲۳
وخان: ۲۵۴۴	وروک: ۳۹۳

ورونا: ۲۵۵۰	ولگا: ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸،
ورهرام ایزد: ۳۰	۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۴۶۲، ۱۹۷۵
وژرگان: ۲۵۵۰	ولید بن عبدالملک: ۱۸۳۷، ۲۵۵۵
وژرگ فرمادار: ۲۵۵۰	ومیتانی ها: ۲۶۴۴
وزیدگ: ۲۵۵۰	ونداد: ۱۹۷۲
وستام: ۲۵۵۲	ونداد امید: ۱۹۷۲
وسیه: ۲۱۷۷	وندیداد: ۴۸۴، ۴۹۰، ۵۱۲، ۶۲۷،
وشتاسب: ۲۷۵	۹۵۶، ۲۵۵۰، ۲۵۵۵، ۲۵۵۶
وشتاسپ: ۱۳۲۹، ۲۵۵۲	ونک: ۲۳۴۳
وشمگیر: ۲۱۶، ۱۹۵۷، ۲۵۵۲	وئندیشت: ۲۵۴۱
وشمگیر آل زیار: ۲۱۷۰	وننس: ۲۵۵۶، ۲۵۵۷
وشمگیر بن: ۱۹۵۷	ونونه: ۳۶۴
وصاف: ۲۵۵۲	ونونه دوم: ۳۶۰
وقایع اتفاقیه: ۱۳۵۸، ۲۵۵۳	ونونه دوم: ۲۵۵۸
وقایع دارالخلافة: ۱۳۵۶	ونون یکم: ۳۴۲
وکیل الدوله: ۲۵۵۳	وهاردشیر: ۲۳۲۲
وکیل الرعایا: ۲۰۷۵	وهدین شاهپور: ۲۵۵۸
وکیمریان: ۲۰۰۴	وهرام: ۲۳۲۹، ۲۵۵۸
ولات: ۲۵۵۳	وهرام گشنسب: ۲۵۵۸
ولاش آباد: ۲۳۲۲	وهرز: ۱۵۸۸، ۲۵۵۸
ولایت غور: ۱۲۰، ۱۵۸۹	وهرکان: ۴۸۶
ولجه: ۲۵۵۳	وهسودان: ۱۳۵۱، ۲۵۵۹
ولخش: ۳۴۲، ۱۲۸۹	وهسودان بن مملان: ۸۶۲

هوکا: ۷۹۲، ۱۲۶۸	۲۱۶۸، ۲۵۶۷، ۲۵۸۳، ۲۵۸۴
هومن: ۲۵۵۹	۲۶۰۷
هومیشه: ۲۰۱۶	ویشتاسپا: ۷۷۹، ۲۵۶۸
هیزداته: ۴۸، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵	ویشتاسپ: ۶۰۳، ۱۲۸۹، ۲۰۱۵
۲۰۱۶، ۲۰۱۷	۲۰۳۶، ۲۱۲۳، ۲۱۲۷، ۲۱۴۴
وهیزگیه: ۸۸۷، ۲۵۶۰	۲۱۴۶
ویتاکسا: ۶۲۱، ۲۵۶۱	ویشتاسپ شاه: ۱۲۸۸
ویثا نَسک: ۲۵۶۶	ویلیام جکسون: ۳۳۷
وَيَحْنُ: ۲۵۶۶	وَبو: ۲۵۴۰
ویدارنه: ۲۰۱۵	ویوانا: ۲۰۱۴، ۲۵۷۰
ویدوداد: ۵۱۲	ویونگهان: ۸۴۸، ۲۵۷۰
ویرتا: ۲۵۶۶	ویه ارتخشیر: ۲۵۴۰
ویرزیل: ۲۱۱۵، ۲۱۱۶	ویه شاهپور: ۷۲۷
ویرزُش: ۲۵۶۷	ه
ویس بدان: ۱۵۵۸	
ویسپرت: ۲۵۶۷	
ویسپرد: ۴۸۴، ۴۹۰، ۵۱۲، ۲۵۶۸	هَوُرَوَاتات: ۲۷۹، ۱۱۶۹، ۲۵۷۱
ویسپون: ۲۵۶۸	هئوسروه: ۲۱۴۴
ویسپوهران: ۲۵۶۸	هئوما: ۱۵۶۷
ویستهم: ۲۵۶۸	هئومه: ۲۵۷۱، ۲۶۳۳
ویسه: ۷۸۸، ۱۱۶۲، ۲۵۶۸	هاترا: ۳۳۸، ۳۸۷، ۲۵۰۹، ۲۵۶۳
ویشتاسب: ۵۹۴، ۷۴۷، ۱۲۴۸	۲۵۷۱
۱۲۵۸، ۱۵۸۹، ۱۹۱۳، ۲۱۶۷	هاتف: ۲۰۰۷، ۲۰۰۹

هاتی: ۵۳۲	هالی کارناس: ۲۰۳۱
هاتی: ۲۵۷۲	هام دبیره: ۲۵۸۲
هادریانوس: ۶۴	هامرژ: ۲۵۸۲
هادی: ۲۵۷۵	هامش تریش: ۲۵۸۲
هاریه: ۲۵۷۶	هامورایی: ۱۴۳۸
هاریا: ۱۳۵۴	هامون: ۱۳۸۲، ۱۳۵۶
هاریاگ: ۲۵۷۶	هانیبال: ۱۵۲
هاریاگوس: ۲۵۷۶	هاون گاه: ۲۵۸۲
هارفورد جونز: ۱۸۶۲	هپتالیان: ۷۵۰، ۷۵۲، ۱۱۸۳، ۱۳۶۲،
هارون: ۴۱۵، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۵۲،	۱۵۶۳، ۱۵۶۶، ۲۳۹۸، ۲۵۸۳،
۶۲۹، ۲۲۹۰، ۲۴۲۷، ۲۵۲۷، ۲۵۷۶،	۲۵۹۷، ۲۵۹۸
۲۵۷۷، ۲۵۸۱، ۲۵۸۲	هپت هندو: ۴۸۶
هارون ابن آلتونش: ۱۴۸۸	هپته هیندو: ۱۳۵۴
هارون ابن موسی: ۵۶۴	هتخشان: ۲۵۸۳
هارون الرشید: ۴۰۹، ۴۳۱، ۴۳۹،	هتخشبد: ۲۵۸۳
۵۰۹، ۶۲۱، ۶۲۹، ۶۷۰، ۹۷۱،	هخامنش: ۵۶۶، ۱۰۶۳، ۱۱۸۷،
۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۳۲۲، ۱۷۰۱،	۲۰۳۷، ۲۰۸۳، ۲۵۸۳، ۲۵۸۴،
۲۵۸۲	۲۵۸۶
هارون بن رقیب: ۲۳۳۰	هخامنشی: ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۴۹، ۵۱،
هاشم: ۲۰۰۹	۶۱، ۷۷، ۱۴۵، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۲،
هاشمیه: ۲۰۱۰	۲۷۵، ۳۰۸، ۳۱۷، ۳۳۷، ۳۸۴، ۴۹۸،
هالمان: ۱۲۸	۵۱۴، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۶، ۵۴۰، ۵۵۰،

۵۶۸، ۵۹۰، ۵۹۳، ۶۳۲، ۶۳۵، ۶۳۷	۲۳۹۵، ۲۴۲۲، ۲۴۳۵، ۲۴۶۸
۶۵۲، ۶۶۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۷۲۱	۲۴۷۶، ۲۵۰۹، ۲۵۸۳، ۲۵۸۶
۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۷، ۷۴۰، ۷۵۵	۲۵۹۱، ۲۵۹۲، ۲۶۱۷، ۲۶۲۱
۷۵۷، ۷۷۴، ۸۸۹، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۷	۲۶۴۶
۹۲۵، ۹۳۷، ۹۳۹، ۹۴۶، ۹۸۴	هخامنشیان: ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۳۲، ۳۷
۱۰۶۴، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۹۳	۴۹، ۵۶، ۶۲، ۱۴۰، ۱۸۹، ۲۴۲
۱۲۲۵، ۱۳۱۵، ۱۳۲۹، ۱۲۵۳	۲۶۴، ۳۹۴، ۴۶۶، ۴۹۹، ۵۰۸، ۵۶۵
۱۲۵۵، ۱۲۵۸، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸	۵۹۳، ۶۳۱، ۶۴۵، ۷۲۱، ۷۳۱، ۷۳۶
۱۲۶۹، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۸	۷۵۲، ۸۸۸، ۹۷۹، ۹۹۰، ۱۰۶۳
۱۲۸۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲	۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۳۷، ۱۲۶۹
۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۴۰۷، ۱۴۰۹	۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۳۴۹، ۱۳۶۹
۱۴۱۲، ۱۴۳۳، ۱۴۸۴، ۱۵۰۳	۱۳۷۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۵، ۱۴۱۲
۱۵۲۸، ۱۵۳۹، ۱۵۵۹، ۱۵۸۹	۱۴۸۰، ۱۵۲۹، ۱۵۳۳، ۱۶۶۴
۱۶۱۳، ۱۶۱۵، ۱۷۳۵، ۱۷۳۷	۱۶۸۲، ۲۰۱۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۸
۱۷۴۰، ۱۸۶۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷	۲۰۵۳، ۲۰۹۷، ۲۱۲۷، ۲۲۳۳
۱۸۹۰، ۱۹۳۶، ۱۹۹۴، ۲۰۱۳	۲۲۴۳، ۲۲۵۳، ۲۲۷۸، ۲۳۹۲
۲۰۱۷، ۲۰۲۰، ۲۰۲۸، ۲۰۳۲	۲۳۹۹، ۲۴۱۰، ۲۴۷۲، ۲۴۷۶
۲۰۳۹، ۲۰۴۳، ۲۰۴۶، ۲۰۵۷	۲۴۹۵، ۲۵۸۳، ۲۵۸۴، ۲۶۰۱
۲۰۶۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۹۶	۲۶۰۴، ۲۶۱۷، ۲۶۵۱
۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۹، ۲۱۲۷	هدایت: ۲۵۹۵
۲۱۲۸، ۲۱۵۸، ۲۱۹۱، ۲۲۲۴	هدایت الله: ۲۳۴۲
۲۲۳۴، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸، ۲۲۵۱	هدیش: ۲۰۵۷

هرای وه: ۶۲، ۲۵۹۸	هرات: ۳۱، ۶۳، ۱۲۶، ۲۴۶، ۳۳۳
هرای وه: ۲۵۹۵، ۲۵۹۶	۴۰۰، ۴۴۵، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۷۲، ۵۹۶
هریت: ۲۵۹۸	۶۵۶، ۶۷۱، ۶۷۲، ۷۰۴، ۷۲۱، ۷۵۰
هرتسفلد: ۴۷، ۷۴۳، ۷۵۱، ۸۲۲	۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۷۵، ۱۰۹۶
۹۱۳، ۲۰۷۲، ۲۲۰۲، ۲۵۹۸	۱۱۶۸، ۱۱۹۰، ۱۲۴۶، ۱۲۶۴
هرتسفلد: ۲۴۱۰	۱۴۰۹، ۱۴۲۷، ۱۴۳۶، ۱۵۰۸
هرتل آلمانی: ۳۷۲	۱۵۳۴، ۱۵۸۰، ۱۶۱۲، ۱۶۲۲
هرثمه: ۴۵۳	۱۷۲۱، ۱۷۷۵، ۱۷۹۶، ۱۸۰۵
هرخواتیش: ۲۵۹۸	۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۸۴، ۱۸۹۵
هرخواتیش: ۲۵۹۹	۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۲۱۸۲، ۲۲۵۴
هرخواتیش: ۱۲۶۴	۲۳۰۲، ۲۳۰۳، ۲۳۷۰، ۲۳۷۱
هرس: ۳۸۵	۲۳۹۷، ۲۳۹۹، ۲۴۰۲، ۲۴۰۳
هرسین: ۲۲۰۴	۲۴۳۹، ۲۴۴۷، ۲۴۶۲، ۲۵۰۵
هرقل: ۲۵۹۹	۲۵۲۰، ۲۵۶۹، ۲۵۹۵، ۲۵۹۶
هرکانه: ۲۰۱۳	۲۵۹۷، ۲۵۹۸
هرمایوس: ۲۱۱۹	هراتی‌ها: ۲۵۹۲
هرمز: ۱۷۶، ۲۵۱، ۵۰۳، ۱۱۶۶	هراکلس: ۱۸۶۹
۱۱۸۴، ۱۴۲۴، ۱۹۷۲، ۲۰۵۴	هراکلیوس: ۵۴، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱
هرمزآباد: ۱۹۷۳	۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷
هرمز اردشیر: ۲۵۹۹	۹۹۸، ۱۱۷۴، ۲۵۴۸، ۲۶۲۸
هرمزان: ۲۵۹۹	هرای: ۴۸۶
هرمز اول: ۱۴۲۱، ۱۶۰۶	هرای و: ۲۵۹۵

فهرست اعلام	۲۹۶۸	فرهنگ توصیفی
هرمز پنجم: ۱۴۲۵	،۲۲۳۴ ،۲۲۴۳ ،۲۲۴۶ ،۲۲۴۷	
هرمز اردشیر: ۲۵۲۳، ۲۶۰۰	،۲۲۵۰ ،۲۲۵۱ ،۲۲۵۲ ،۲۲۵۳	
هرمز اول: ۷۴۸، ۲۶۰۰	،۲۲۵۴ ،۲۲۷۵ ،۲۳۳۳ ،۲۳۹۲	
هرمز چهارم: ۲۶۰۰	،۲۳۹۵ ،۲۴۱۰ ،۲۴۶۹ ،۲۴۷۱	
هرمز خرداد: ۲۶۰۰	،۲۴۷۲ ،۲۴۷۳ ،۲۴۷۴ ،۲۴۷۵	
هرمز دوم: ۲۶۰۰	،۲۴۷۶ ،۲۴۷۷ ،۲۵۹۱ ،۲۵۹۲	
هرمز: ۳۷۲، ۵۰۳، ۵۰۷، ۷۴۹	۲۶۰۳، ۲۶۲۱، ۲۶۳۴	
،۱۱۷۷، ۱۳۰۱، ۲۱۱۷، ۲۶۰۰	هرودیانوس: ۲۶۰۳	
هرمز دوم: ۴۶، ۴۷، ۲۱۳۱	هرهواتی: ۴۸۶	
هرمز سوم: ۲۶۰۱	هریرود: ۵۹۶، ۶۷۱، ۷۷۵، ۲۶۰۴	
هرمزگان: ۳۳۰	هریو: ۲۳۳۶	
هرموپولیس: ۳۸۵، ۲۶۰۱	هزاراسب: ۲۴۸۷	
هروپولیس: ۳۸۴	هزاربذ: ۲۶۰۴	
هرودات: ۲۶۰۲	هزارپت: ۲۶۰۴	
هرودت: ۲۲۲۳، ۲۲۵۶، ۲۶۴۷	هزارداتستان: ۱۹۱۰	
هرودوت: ۱۳۴، ۳۳۳، ۵۱۵، ۵۱۹	هزاره: ۵۲۴، ۵۶۵	
۵۹۴، ۶۶۵، ۷۳۳، ۷۷۵، ۱۰۲۶	هزاره‌ها: ۲۶۰۴	
۱۱۹۱، ۱۲۱۵، ۱۲۱۷، ۱۲۶۴	هزاره یثی تیش: ۲۶۰۵	
۱۲۶۵، ۱۴۳۳، ۱۴۸۰، ۱۵۰۲	هزاره چهارم ق.م.: ۲۶۰۵	
۱۶۱۴، ۱۷۷۷، ۲۰۱۳، ۲۰۳۱	هزاره دوم ق.م.: ۲۶۰۵	
۲۰۴۰، ۲۰۴۳، ۲۱۰۱، ۲۱۰۳	هزوارش: ۷۳۶	
۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۲۲۶	هزیر: ۳۷۸، ۱۸۰۳، ۲۶۰۶	

هشتا شپش: ۲۶۰۷	۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۲۰۶۷، ۲۶۱۰،
هشام: ۱۴۳۶	۲۶۳۱
هشترخانیه: ۲۶۰۷، ۹۳۵	هلاکو رامبد: ۱۹۸۷
هفتالی: ۲۶۴۲، ۲۶۴۳	هلال: ۲۶۱۰
هفتالیان: ۱۳۰۱، ۲۱۳۱، ۲۶۴۰	هلتش: ۵۵۰
۲۶۴۱، ۲۶۴۲	هلسپونت: ۵۴، ۳۱۷
هفتالیها: ۲۶۴۰	هلیکی: ۵۴۱
هفت کیشور: ۲۶۰۷	هلند: ۱۶۲۵، ۲۴۵۲
هَفْتَنَ یِشت: ۲۶۰۸	هلنوفیل: ۲۶۱۳
هفتواد: ۲۶۰۹	هلنیسیم: ۲۶۱۳، ۲۶۱۴، ۲۶۱۵
هفت هلهکه: ۱۴۱۶	۲۶۱۶
هکاتم: ۳۳۷، ۳۶۳	همام الدین الحسینی: ۱۰۷۵
هکاتم پیلس: ۹۰۷، ۱۵۲۹، ۲۶۰۹	همای: ۲۶۲۰
هکاتوم: ۳۳۹	همدان: ۴۳، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۹۷
هکاتومپیلوس: ۲۶۰۹	۱۹۸، ۳۰۹، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۶۴
هکاتی: ۲۲۴۸	۳۶۸، ۳۹۷، ۴۱۶، ۴۱۸، ۵۷۲، ۶۳۷
هگمتانه: ۴۶۶، ۲۶۰۹	۶۴۹، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۹۳، ۸۲۰، ۸۶۳
هلاکو: ۱۳، ۲۰، ۱۹۰، ۴۳۴، ۴۹۸	۹۲۰، ۹۷۸، ۹۸۶، ۱۰۲۱، ۱۰۳۰
۸۱۱، ۸۹۱، ۱۴۱۰، ۱۵۰۶، ۱۷۶۸	۱۰۳۳، ۱۲۴۱، ۱۲۹۷، ۱۳۲۵
۱۷۷۱	۱۳۲۷، ۱۳۳۷، ۱۲۶۴، ۱۲۹۵
هلاکو خان: ۱۸۷، ۲۲۳، ۵۵۳، ۸۷۱	۱۲۹۶، ۱۳۴۴، ۱۳۶۷، ۱۳۷۰
۸۷۲، ۱۲۱۰، ۱۲۸۴، ۱۵۰۶، ۱۵۴۴	۱۴۶۲، ۱۴۷۲، ۱۴۹۳، ۱۵۳۳

فهرست اعلام	۲۹۷۰	فرهنگ توصیفی
۱۵۷۸، ۱۶۲۲، ۱۶۳۰، ۱۷۱۰	۱۵۳۹، ۱۵۴۱، ۱۵۸۸، ۱۷۶۷	
۱۷۶۱، ۱۷۷۵، ۱۷۸۰، ۱۷۸۷	۱۸۸۸، ۱۸۹۳، ۲۰۹۰، ۲۱۱۴	
۱۸۱۵، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۵۰	۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۲۰، ۲۱۵۳	
۱۸۸۳، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۲۰۰۳	۲۱۵۸، ۲۱۶۹، ۲۱۸۰، ۲۳۳۴	
۲۰۳۵، ۲۰۵۲، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶	۲۳۴۵، ۲۳۷۱، ۲۴۱۸، ۲۴۲۳	
۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۱۸۵، ۲۱۹۸	۲۴۸۴، ۲۵۵۷، ۲۶۱۳، ۲۶۳۵	
۲۲۳۳، ۲۲۳۸، ۲۲۳۹، ۲۲۵۹	۲۶۴۴	
۲۲۶۰، ۲۲۶۱، ۲۳۳۰، ۲۳۴۵	هند اروپایی: ۱۰۷۶	
۲۳۷۲، ۲۴۸۶، ۲۵۰۹، ۲۵۳۰	هند شرقی: ۱۶۰۹	
۲۵۶۹، ۲۵۹۱، ۲۶۰۹، ۲۶۲۱	هند کوروس: ۵۲۹	
۲۶۲۲، ۲۶۲۳	هندو: ۳۳۵	
همدم السلطنه پهلوی: ۷۸۷، ۲۶۲۳	هند وانشاه: ۱۴۲۸	
همسپمئیدیم: ۲۶۲۴	هندو تبت: ۸۷۷	
همیتی: ۵۴۹	هندوستان: ۱۲۶، ۲۳۰، ۲۷۱، ۴۲۹	
هند: ۲۲، ۳۳، ۴۵، ۶۴، ۶۵، ۷۴، ۹۴	۵۲۵، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۵	
۱۵۲، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۶۷، ۳۱۷	۶۲۷، ۶۵۲، ۶۶۴، ۶۸۱، ۷۰۸، ۷۴۸	
۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۹، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۸	۷۵۱، ۹۴۰، ۱۱۸۵، ۱۲۷۴، ۱۳۲۵	
۵۲۴، ۵۳۵، ۵۵۳، ۵۷۶، ۵۷۹، ۶۵۳	۱۴۳۹، ۱۴۴۲، ۱۵۱۹، ۱۵۳۳	
۷۵۶، ۷۹۸، ۹۴۲، ۹۵۶، ۱۰۰۹	۱۵۶۸، ۱۵۷۳، ۱۵۸۲، ۱۵۸۸	
۱۰۴۴، ۱۰۶۹، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲	۱۶۴۴، ۱۶۵۷، ۱۷۸۳، ۱۸۰۵	
۱۲۶۷، ۱۳۲۷، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵	۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۷۷، ۱۸۹۲	
۱۳۷۶، ۱۴۳۹، ۱۴۵۸، ۱۵۲۵	۱۸۹۷، ۲۰۴۴، ۲۱۰۲، ۲۱۱۳	

تاریخ ایران	۲۹۷۱	فهرست اعلام
۲۱۱۵، ۲۱۳۹، ۲۲۲۰، ۲۲۳۶،	هوخ: ۲۶۲۵	
۲۲۵۴، ۲۳۱۹، ۲۳۷۰، ۲۴۰۲،	هوخسترا: ۶۰	
۲۴۰۸، ۲۴۱۷، ۲۵۴۰، ۲۵۶۳،	هوخستره: ۵۴۰، ۱۲۵۹، ۱۸۱۶،	
۲۵۹۸	۲۰۱۳، ۲۱۰۳، ۲۲۴۲	
هندوسکایی: ۷۷۷	هورپتیل: ۵۴۱	
هندوسکاییان: ۲۱۱۸	هوردت: ۲۶۲۶	
هندوکش: ۴۸، ۹۴، ۵۲۴، ۶۰۳،	هوری: ۱۵۵۵، ۲۵۷۳، ۲۵۷۴، ۲۶۲۶،	
۶۰۴، ۶۱۴، ۷۵۲، ۲۱۱۹، ۲۱۳۱،	هوریان: ۲۲۴۴	
۲۵۶۹	هوریها: ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶،	
هندوکوش: ۲۱۱۴	۲۵۷۲، ۲۵۷۳، ۲۶۲۶، ۲۶۲۷	
هندی: ۳۵، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۲۵، ۶۴۶،	هوسپارم نسک: ۲۶۲۷	
۶۵۳، ۷۷۳، ۱۰۳۶، ۱۲۱۷، ۱۴۴۱،	هوسرو: ۲۶۲۷	
۱۶۲۱، ۲۴۲۳، ۲۴۳۵، ۲۵۲۹	هوش بام: ۲۶۲۷	
هندیان: ۵۱۵، ۸۰۷، ۱۵۶۳، ۱۶۲۸،	هوشترماه: ۲۶۲۸	
۲۶۰۵، ۲۴۲۳	هوش قوری: ۲۶۲۸	
هوار: ۲۶۲۴	هوشکا: ۲۱۱۴	
هوارزمی: ۲۶۲۴	هوشنگ: ۲۸۰، ۷۹۱، ۹۰۵، ۱۲۷۹،	
هوانگ: ۲۱۱۷	۱۳۲۴، ۱۴۵۱، ۱۸۱۵، ۲۱۶۲،	
هوانگ نوا: ۲۱۱۷	۲۶۲۹، ۲۶۳۰	
هوایی ریزیم: ۲۶۲۵	هوشیدرماه: ۲۶۲۸	
هوتانه: ۲۳۳	هوفمان: ۳۳۷	
هوترن: ۵۴۱	هوکر: ۲۶۳۰	

هولاکو: ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲،	هویشکا: ۲۶۳۴
۲۴۱، ۴۰۳، ۴۱۰، ۵۵۱، ۱۰۶۲،	هوهان شو: ۲۱۱۴
۱۶۰۲، ۱۸۴۰، ۱۹۵۶، ۱۹۹۲،	هویدا: ۱۴۲، ۷۴۱، ۲۶۳۵
۲۱۹۶، ۲۶۳۱،	هویزه: ۱۳۵۵، ۲۳۵۴، ۲۳۵۵
هولاکو خان: ۱۲۵، ۲۲۹، ۶۶۲،	هیئتهای مؤتلفه اسلامی: ۲۴۱۹،
۱۰۳۶، ۱۳۴۸، ۱۴۶۸، ۱۸۱۹،	۲۶۳۹
هوم: ۱۸، ۲۸۰، ۲۶۳۱، ۲۶۳۲،	هیاطله: ۲۵۰، ۷۴۹، ۹۸۱، ۲۵۲۹،
هوما: ۱۵۶۷،	۲۵۸۳، ۲۶۴۰، ۲۶۴۱، ۲۶۴۲،
هومان: ۲۶۳۱،	هیپارخوس: ۶۳۴
هومای: ۲۶۳۱،	هیپارخی: ۲۰، ۲۶۴۳،
هومبن: ۵۵۰، ۲۶۳۲،	هیتالیان: ۲۶۴۰،
هومپانیکاش چهارم: ۲۰۱۴،	هیتالیا: ۹۸۱، ۹۸۲، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷،
هومتنام: ۲۶۳۲،	هیتلر: ۷۹۳،
هوم یشت: ۲۶۳۳،	هی توسر: ۲۶۴۳،
هون: ۷۸۹،	هیتها: ۵۰، ۲۳۴۶،
هونها: ۲۵۶، ۲۷۳، ۲۷۷، ۶۷۹،	هیتی: ۵۰، ۲۱۹، ۲۶۴۴،
هونهای سفید: ۹۸۱، ۲۶۶۰،	هیتی ها: ۹۰، ۱۰۰۹، ۱۵۵۵، ۲۰۶۷،
هووخستر: ۷۵، ۲۶۳۳،	۲۵۷۳، ۲۶۴۳، ۲۶۴۵،
هووخ شتر: ۲۶۳۳،	هیداسپ: ۱۴۰۹،
هووخ شتر: ۲۶۳۴،	هیدلو: ۵۵۰،
هووخستره: ۷۵، ۸۶،	هیرید: ۲۶۴۵،
هووی: ۲۶۳۴،	هیریدان: ۲۳۴،

هیردستان: ۲۶۴۵	یارغو: ۲۶۵۱
هیرکان: ۲۶۴۶	یارغوچی: ۲۶۵۱
هیرکانیا: ۱۳۶۳، ۲۳۹۷، ۲۶۴۶	یارق تیمور: ۲۶۵۱
هیرکانیارا: ۲۳۹۷	یازیلیکایا: ۲۶۵۱
هیرکانیان: ۶۵، ۲۰۱۶	یاسا: ۲۶۵۱، ۲۶۵۲
هیرکانیه: ۲۱۰۲	یاساهای چنگیز: ۲۶۵۱
هیرمند: ۵۲۶، ۷۷۷، ۱۳۵۶، ۱۳۶۲	یاساهای غازانی: ۲۶۵۲
۱۳۷۹، ۱۸۷۶، ۲۳۹۴	یاسای چنگیز: ۸۱۱
هیروگلیف: ۲۶۴۷	یاسای چنگیزی: ۶۳۵
هیروگلیفی: ۲۶۴۵	یاقوت: ۶۴۷، ۹۱۳، ۲۶۵۲
هیز: ۲۶۴۷	یاقوت ترکان: ۸۷۱، ۲۶۵۳
هیستوریا: ۲۶۴۷	یاقوت حموی: ۲۰۲، ۲۶۸، ۶۴۸
هیمالیا: ۳۳۵، ۳۴۶، ۱۳۵۴	۱۱۴۰، ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۶۳۵
هیندوش: ۲۶۴۷	۲۰۷۲، ۲۱۴۹، ۲۶۵۳
هیون تسیانگ: ۱۳۶۲	یاکزارت: ۲۶۵۳
هی هئو: ۲۱۱۴	یاکسارتس: ۱۵۷۷
	یالتا: ۲۳۲۵
	یام: ۲۶۵۳
	یان گائوچین: ۲۱۱۴
	یایوئه چیان: ۲۱۱۸
	یبغو: ۸۵۷
	یحیی: ۶۲۹، ۱۲۳۰
یاتسویج: ۲۱۵۹	
یادگار بزرگمهر: ۲۶۴۹	
یادگار زریران: ۷۸۱، ۲۶۵۰	

ی

فهرست اعلام	۲۹۷۴	فرهنگ توصیفی
یحیی برمکی: ۴۱۵، ۴۳۱	۲۲۸۶، ۲۳۲۹، ۲۶۵۴، ۲۶۵۷	
یحیی بن زید: ۲۵۱۹	۲۶۶۲	
یحیی بن معاذ بلخی: ۲۶۵۳	یزدگرد سوم: ۸۸۴، ۱۰۰۴، ۱۴۲۵	
یحیی عدل: ۱۰۸۷	۱۶۹۷، ۱۹۷۰، ۲۲۸۶، ۲۳۹۸	
یُرْتِجی: ۲۶۵۳	۲۶۶۰، ۲۶۶۱	
یرلیغ: ۲۶۵۳	یزدگرد سوم ساسانی: ۱۶۹۰	
یرلیق: ۲۶۵۳	یزید: ۱۸۳۷، ۲۳۷۰	
یزته‌ها: ۲۶۵۴	یزید بن انسیه: ۳۸۲	
یزد خواست: ۲۶۵۹	یزید بن معاویه: ۳۸۲، ۲۶۶۲	
یزد: ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۰، ۵۶۶، ۷۲۸	یزید بن مهلب: ۱۵۴۵	
۱۲۶۴، ۱۳۷۸، ۱۶۱۱، ۱۶۲۰	یساغل: ۲۶۶۲	
۱۷۸۷، ۱۸۹۴، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲	یساولان صحبت: ۲۶۶۲	
۲۲۶۳، ۲۴۸۹، ۲۶۵۴، ۲۶۵۹	یسنا: ۴۸۴، ۱۴۶۴، ۱۹۱۴، ۲۱۴۷	
یزدکرت: ۲۶۶۰	۲۵۶۸، ۲۵۷۱، ۲۶۶۳	
یزدگرد اول: ۱۳۸۱، ۱۴۲۲، ۱۴۳۲	یسناها: ۲۹، ۲۶۳۳	
۱۸۹۰، ۲۰۲۶، ۲۰۶۴، ۲۶۶۰	یسناها: ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۱۲	
یزدگرد دوم: ۹۸۲، ۱۲۷۶، ۱۳۰۱	یسوکای: ۱۰۴۹	
۱۳۸۱، ۱۴۲۳، ۱۸۹۰، ۲۰۲۶	یسوکای بهادر: ۱۰۴۸، ۲۶۶۳	
۲۰۶۴، ۲۴۳۲، ۲۶۰۱، ۲۶۶۰	یشت: ۱۶، ۱۷، ۴۶، ۲۷۹، ۳۲۶	
یزدگرد: ۴۳، ۹۷۹، ۹۸۲، ۹۸۵	۱۲۴۸، ۱۳۰۲، ۱۴۶۴، ۲۱۴۵	
۱۳۰۲، ۱۳۹۷، ۱۴۱۹، ۱۴۲۵	۲۴۳۳، ۲۲۸۷	
۱۶۹۱، ۱۷۱۱، ۱۹۷۰، ۲۰۲۹	یشتن: ۲۶۶۳	

یشتها: ۱۸، ۲۷۷، ۴۸۴، ۵۱۲، ۱۳۰۳،	یفتالیان: ۳۳، ۲۶۶۵
۱۴۶۴، ۱۹۰۶، ۱۹۲۹، ۲۱۲۸،	یفتالیها: ۳۳، ۷۴۹
۲۱۴۴، ۲۱۵۲، ۲۶۶۴	یفرم خان: ۲۶۶۵
یـعقوب: ۴۱۵، ۱۱۶۴، ۱۷۲۱،	یکسابات: ۲۰۴۰
۲۳۰۳، ۱۸۵۷	یلدیز خان: ۳۷۴
یـعقوب بیک: ۲۲	یمانشاه: ۱۴۳۰
یـعقوب بیگ ترکمان: ۶۱۷	یمن: ۳۹، ۷۱، ۱۹۳، ۹۴۱، ۹۴۲،
یـعقوب بیگ ترکمان: ۱۵۱۳	۱۱۴۴، ۱۲۲۱، ۱۴۲۴، ۱۴۳۰،
یـعقوب صفاری: ۱۸۵۶	۱۵۸۷، ۱۸۳۳، ۱۹۸۴، ۲۴۷۷
یـعقوب لیث: ۲۰۳، ۲۰۴، ۴۱۴،	یمه نوین: ۲۶۶۵
۱۱۶۴، ۱۲۳۲، ۱۳۹۴، ۱۴۴۳،	یمین الدوله: ۲۳۱۹، ۲۶۶۵، ۲۶۶۶
۱۷۲۰، ۱۸۷۴، ۲۲۲۲، ۲۲۲۳،	ینالتکین: ۲۶۶۶
۲۶۶۵، ۲۳۷۳	ینیسئی: ۱۹۷۹
یـعقوب لیث صفاری: ۴۰۷، ۶۱۴،	یوئچی: ۳۶۷
۶۵۴، ۹۷۵، ۱۰۰۱، ۱۳۲۲، ۱۳۷۱،	یـوئه چی: ۲۷۷، ۱۵۳۷، ۱۷۶۹،
۱۳۷۹، ۲۱۱۷، ۲۶۶۴	۲۱۱۷، ۲۱۱۹، ۲۱۲۲
یـعقوبی: ۴۳، ۲۰۱، ۲۰۲، ۵۷۳،	یوئه چی ها: ۲۱۱۸، ۲۳۹۶، ۲۳۹۷،
۷۵۰، ۷۲۷، ۷۲۶	یوتی: ۲۵۶
یـعقوبیان: ۲۶۶۵	یوخاری باش: ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۲۳۰۶
یغون: ۲۶۶۵	یورت: ۲۶۶۶
یفتالتان: ۲۱۱۷	یورتری: ۲۶۶۶
یفتالی: ۳۳، ۲۶۶۵	یوزباشی: ۲۶۶۶

یوستی: ۲۱۳۷	۱۳۷۴، ۱۴۴۴، ۱۵۴۱، ۱۶۶۷
یوستی نوس: ۲۶۶۶، ۱۹۹۳	۱۷۳۵، ۱۹۲۷، ۲۰۳۱، ۲۰۹۹
یوستی نیانوس دوم: ۱۵۶۵	۲۲۱۸، ۲۲۲۳، ۲۲۷۰، ۲۲۷۶
یوسف البرم: ۲۶۶۸، ۱۲۳۲	۲۳۳۳، ۲۳۸۷، ۲۳۸۹، ۲۳۹۱
یوسف برم: ۲۶۶۸، ۹۷۴، ۹۷۳	۲۳۹۵، ۲۴۲۴، ۲۴۷۵، ۲۶۱۳
یوسف بن ابوالساج: ۱۴۱۱	۲۶۱۸، ۲۶۶۹
یوسف بیک استاجلو: ۹۶۹	یونانی: ۶۶، ۶۷، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۱۰۶
یوسف خان ارمنی: ۱۷۰۹	۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۲۵۵، ۳۸۴
یوسف خوارزمی: ۳۸۶	۴۲۴، ۴۵۷، ۴۸۳، ۵۱۰، ۵۲۴، ۵۸۹
یوسف سبکتکین: ۲۳۴۵	۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۵، ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۴۱
یوسف شاه: ۳۷۳، ۱۲۵	۶۴۸، ۷۶۲، ۷۷۵، ۷۸۰، ۷۹۲، ۹۱۱
یوسف شاه بن آلب ارغو: ۲۱۹۶	۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۷۹، ۱۱۵۰
یوسف شاه بهادر: ۲۱۹۷	۱۱۸۷، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۱۸
یوسف علیخان: ۱۳۶۳	۱۲۴۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶
یوسف فلاویوس: ۳۵	۱۲۸۵، ۱۳۱۱، ۱۳۵۳، ۱۳۵۵
یوسفوس فلاویوس: ۲۶۶۸	۱۳۷۱، ۱۳۷۸، ۱۴۳۲، ۱۴۴۵
یوگین: ۵۸۰	۱۴۴۹، ۱۵۳۱، ۱۵۳۸، ۱۵۴۹
یولیانوس: ۱۳۶	۱۵۵۰، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۶۰
یونان: ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۵۵، ۵۴	۱۵۷۷، ۱۶۶۶، ۱۶۸۹، ۱۷۴۷
۱۵۰، ۳۱۰، ۳۱۱، ۴۶۳، ۶۰۰، ۷۶۵	۱۸۶۹، ۱۹۳۸، ۱۹۴۷، ۲۰۲۳
۷۷۵، ۸۰۹، ۸۷۸، ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۱۰	۲۰۳۱، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۱
۹۸۳، ۱۰۲۳، ۱۰۳۲، ۱۰۲۵۴، ۱۳۱۰	۲۰۵۵، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۱

تاریخ ایران	۲۹۷۷	فهرست اعلام
۲۰۹۸، ۲۱۰۰، ۲۱۱۰، ۲۱۱۴	۲۴۷۲، ۲۵۹۰، ۲۶۱۳، ۲۶۱۶	
۲۱۱۵، ۲۱۱۹، ۲۱۴۲، ۲۱۷۴	۲۶۱۹، ۲۶۲۰	
۲۱۷۶، ۲۱۹۱، ۲۲۲۳، ۲۲۸۹	یونانیها: ۶۷، ۷۵۵، ۹۰۷، ۱۲۸۶	
۲۲۹۴، ۲۳۳۵، ۲۳۸۸، ۲۳۹۶	۲۶۱۹	
۲۴۲۳، ۲۴۳۳، ۲۴۹۸، ۲۵۴۷	یونس سمنانی: ۲۶۶۹	
۲۵۵۹، ۲۵۶۵، ۲۶۱۳، ۲۶۱۴	یونسکو: ۲۳۲۷	
۲۶۴۶	یونیه: ۱۴۹	
یونانیان: ۵۴، ۵۷، ۶۸، ۶۹، ۷۷	یونیه‌ها: ۲۴۷۵	
۲۷۲، ۴۱۷، ۴۶۳، ۵۲۱، ۵۲۶، ۶۴۵	یویانوس: ۱۸۰	
۶۵۲، ۷۲۶، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۴۶، ۷۵۵	یهود: ۲۰۱، ۱۱۷۵، ۱۱۸۱، ۲۲۹۲	
۷۷۹، ۹۸۳، ۹۸۶، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴	۲۶۶۹	
۱۰۱۸، ۱۰۲۷، ۱۱۹۱، ۱۲۱۶	یهودا: ۱۵۱، ۵۵۰، ۵۸۰	
۱۳۵۵، ۱۳۷۸، ۱۴۴۴، ۱۵۳۳	یهودها: ۲۶۲۴	
۱۶۶۴، ۱۶۶۶، ۱۷۱۸، ۱۸۱۳	یهودی: ۴۶، ۶۸۷، ۱۴۰۵	
۱۹۱۷، ۱۹۹۴، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸	یهودیان: ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۲	
۲۰۵۶، ۲۰۹۸، ۲۱۰۱، ۲۱۰۴	۳۸۴، ۶۳۷، ۶۸۷، ۱۵۴۲، ۱۷۱۱	
۲۱۱۰، ۲۱۳۰، ۲۱۵۸، ۲۲۷۶	۱۷۶۳، ۲۰۶۳، ۲۶۶۱، ۲۶۶۹	
۲۳۸۸، ۲۳۹۲، ۲۴۶۹، ۲۴۷۱	یهودیت: ۱۵۱	

منابع و مآخذ

«متن و تصاویر»

- ۱- آثارالباقیه عن القرون الحالیه، ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت. تهران، امیرکبیر ۱۳۶۳.
- ۲- آثار ایران، آندره گدار، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۳- آثار باستانی و تاریخی لرستان، احمد ایزدپناه، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
- ۴- آثار شهرهای باستانی خلیج فارس و سواحل و جزایر خلیج فارس و بحر عمان، احمد اقتداری، تهران، آثار انجمن ملی، ۱۳۴۸.
- ۵- آذربایجان و اران، دکتر عنایت الله رضا، تهران، ایران زمین، ۱۳۶۰.
- ۶- آریایی ها و مادها، اردشیر خدادادیان، تهران، اصالت تنشیر، ۱۳۷۶.

- ۷- آل بویه و اوضاع زمان ایشان، علی اصغر فقیهی، گیلان، ۱۳۵۷.
- ۸- آیت الله کاشانی، علی محمدی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۹- آیت الله کاشانی رایت استقلال، علی محمدی، تهران، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۰- احزاب دولتی، اصغر صاهی شهاب، تهران، اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۱۱- احسن التواریخ، حسن روملو، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ۱۲- ادبیات زردشتی به زبان فارسی، ژاله آموزگار، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- ۱۳- ادیان بزرگ جهان، هاشم رضی، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۴- از سلاجقه تا صفویه، نصرت الله مشکوتی، تهران، سینا، ۱۳۴۳.
- ۱۵- از شیخ صفی تا شاه صفی، سید مرتضی حسینی استرآبادی، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی، ۱۳۶۴.
- ۱۶- اسطوره زندگی زردشت، ژاله آموزگار، تهران، چشمه و آویشن، ۱۳۷۲.
- ۱۷- اسطوره های بابل و ایران باستان، پی یوگریمال، ترجمه ایرج علی آبادی، تهران، سازمان انتشارات و آموزشی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۱۸- اسلام در ایران، ناث، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۹- اسماعیلیان در تاریخ، برنارد لوئیس، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۶۱.
- ۲۰- اشکال العالم، ابوالقاسم بن احمد جیهانی، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد، آستان قدس. بی تا.
- ۲۱- اشکانیان، دیاکونوو، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۵.
- ۲۲- اعترافات سران حزب توده ایران، جلد اول، تهران، نگره، ۱۳۷۵.

- ۲۳ - العبر (تاریخ ابن خلدون) عبدالرحمن ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۶ ج، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۲۴ - الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، اشراقی، ۱۳۶۷.
- ۲۵ - الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر، ترجمه محمدابراهیم باستانی پاییزی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۵.
- ۲۶ - الموت، ولادیمیر بارتولد، ترجمه محمد مجلسی، تهران، دنیای کتاب ۱۳۷۴.
- ۲۷ - الواح گلی تخت جمشید، زرژ کامرون، ترجمه سیدمحمدتقی مصطفوی، جلد اول، گزارشهای باستانشناسی.
- ۲۸ - امپراتوری صحرانوردان، رنه گروسه، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- ۲۹ - امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴.
- ۳۰ - امیرکبیر و دارالفنون، قدرت الله روشنی زعفرانلو، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۳۱ - امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، اکبر هاشمی رفسنجانی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۶.
- ۳۲ - اندرزنامه پوریودکیشان، مینو خرد، گفتار بزرگمهر، به کوشش بنشاهی، بمبئی، ۱۳۱۷.
- ۳۳ - انقلاب ایران، ادوارد براوان، ترجمه پژوه، تهران، معرفت، ۱۳۳۸.
- ۳۴ - اوستا (سرودهای زرتشت)، هاشم رضی، تهران، فروهر، ۱۳۷۴.
- ۳۵ - ایران از آغاز تا اسلام رومان، گیرشمن، ترجمه محمد معین، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ۳۶ - ایران باستان، حسن پیرنیا، ۳ جلدی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۳۶.

- ۳۷ - ایران باستان، ویهوفر، یوزف، ترجمه مرتضی ثابت‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۳۸ - ایران در آستانه یورش تازیان، ترجمه یحیائی، تهران، آگاه، ۱۳۵۵.
- ۳۹ - ایران در دوره سلطنت قاجار، علی‌اصغر شمیم، تهران، افکار، ۱۳۷۴.
- ۴۰ - ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، امیرمحمود خواندمیر، به کوشش غلامرضا طباطبائی، تهران، ادبی و تاریخی، ۱۳۷۰.
- ۴۱ - ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستین‌سن، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۴.
- ۴۲ - ایران در زمان هخامنشیان، مرتضی احتشام، تهران، حبیبی، ۱۳۵۵.
- ۴۳ - ایران در سپیده‌دم تاریخ، کامرون جورج گلن، ترجمه حسن انوشه، تهران، ۱۳۶۵.
- ۴۴ - ایران در عهد باستان، محمدجواد مشکور، تهران، اشرفی، ۱۳۶۷.
- ۴۵ - ایران در یک قرن پیش، دلکتر ویلز، ترجمه غلامحسین قراگوزلو.
- ۴۶ - ایران ساسانی، و. گ. لوکونین، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- ۴۷ - ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، سیبیل شوستر و السر، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۴۸ - ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، سحر، ۱۳۶۳.
- ۴۹ - ایران عصر صفویه، راجر سیوری، ترجمه احمد صبا، تهران، کتاب تهران، ۱۳۶۳.
- ۵۰ - ایران کلدۀ آشور، ژان دیولافوا، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۵۱ - ایران کلدۀ و شوش، ژان دیولافوا، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ۵۲ - ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، عنایت‌الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

- ۵۳ - ایران و تمدن ایرانی، کلیمان هوار، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۵۴ - ایران و قضیه ایران، جرج. ن. لرد کرزن، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰.
- ۵۵ - بازیگران عصر طلایی، ابراهیم خواجه نوری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۵۶ - باستان‌شناسی ایران، غلامرضا معصومی، بی‌جا، ۱۳۵۵.
- ۵۷ - باستان‌شناسی ایران باستان، لویی واندنبرگ، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- ۵۸ - بخارا دستاورد قرون وسطی، ریچارد فرای، ترجمه محمود محمودی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۵۹ - برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان، ویلم فلور، ترجمه ابوالقاسم سبزی، تهران، توس، ۱۳۶۵.
- ۶۰ - بین‌النهرین و ایران باستان، م. ال. مالووان، ترجمه رضا مستوفی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۶۱ - پارتیان، مالکوم کالج، مسعود رجب‌نیا، تهران، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- ۶۲ - پاسارگاد، علی سامی، تهران، مهرآیین، ۱۳۳۸.
- ۶۳ - پایتخت‌های ایران، محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ۶۴ - پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی، علی سامی.
- ۶۵ - پژوهش‌های هخامنشی، هایدو ماری کنخ، ترجمه امیرحسین شالچی، تهران، آتیه، ۱۳۷۹.
- ۶۶ - پیدایش حزب کمونیست ایران، تقی شاهین، ترجمه ر. رادنیا، تهران، گونش، ۱۳۶۰.

- ۶۷ - تاریخ اجتماعی ایران باستان از آغاز مهاجرت به سرزمین قدیم ایران تا حمله اسکندر مقدونی، موسی جوان، تهران، ۱۳۴۰.
- ۶۸ - تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ، سعید نفیسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۶۹ - تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، رضا شعبانی، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۹.
- ۷۰ - تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، چارلز جیمز ویلس، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، ج دوم، تهران، طلوع، ۱۳۶۶.
- ۷۱ - تاریخ ادبیات ایران، دکتر صفا.
- ۷۲ - تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، عباس قدیانی، تهران، انیس، ۱۳۷۴.
- ۷۳ - تاریخ افغانستان بعد از اسلام، پوهاند عبدالحی حبیبی.
- ۷۴ - تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران و ایرانیان از آغاز تا صفویه، عدنان مزارعی، تهران، دهخدا، ۱۳۶۶.
- ۷۵ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ۷ جلد در ۳ مجلد، تهران، علمی، ۱۳۶۳.
- ۷۶ - تاریخ ایران، سرجان ملکم، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، یساولی، ۱۳۶۲.
- ۷۷ - تاریخ ایران، پرسی سایکس، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷.
- ۷۸ - تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج / عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۷۹ - تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ن. ویگولوسکایا، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۴.
- ۸۰ - تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، گرانوسکی، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، پویش، ۱۳۵۹.

- ۸۱- تاریخ ایران از ظهور اسلام تا سقوط بغداد، اکرم بهرامی.
- ۸۲- تاریخ ایران باستان، دیاکونوف، ترجمه روحی ارباب.
- ۸۳- تاریخ ایران باستان، ج اول، دکتر محمود حریریان و... تهران، سمت، ۱۳۸۰.
- ۸۴- تاریخ ایران در دوره قاجار، کلمنت مارکام، ترجمه رحیم فرزانه، تهران، نشر فرهنگ ایران، ۱۳۶۴.
- ۸۵- تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، برتولد اسپولر، ترجمه مریم میراحمدی، جلد دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۸۶- تاریخ ایران زمین، دکتر محمدجواد مشکور، تهران، اشراقی، ۱۳۶۳.
- ۸۷- تاریخ ایران ساسانی، سعید نفیسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.
- ۸۸- تاریخ ایران کمبریج، ریچارد فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۸۹- تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، آلفرد فن گوتشمید، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، علمی، بی تا.
- ۹۰- تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، تئودور نولدکه، ترجمه عباس زریاب، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- ۹۱- تاریخ ایلام، پیر آمیه، ترجمه شیرین بیانی.
- ۹۲- تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان شناسی، ارنست هرتسفلد. ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- ۹۳- تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، تهران، فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- ۹۴- تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۹۵- تاریخ بیهقی، دکتر فیاض، دکتر غنی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰.
- ۹۶- تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، دکتر محمدجواد مشکور، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.

- ۹۷ - تاریخ تطبیقی باستانی ایران تا خاتمه شاهنشاهی داریوش سوم کیوس باوند، تهران، گوتنبرگ، بی تا.
- ۹۸ - تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، اقبال، فرانکلین، ۱۳۳۷.
- ۹۹ - تاریخ جمعیت‌های تخریبی، محمد عبدالله عنان، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران، چاپخانه تابش، بی تا.
- ۱۰۰ - تاریخ جنبشها و تکانهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، عبدالهادی حائری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- ۱۰۱ - تاریخ جهان‌گشای جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاءالدین محمد بن محمد الجوینی به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران، بامداد، اغوان، ۱۳۶۷.
- ۱۰۲ - تاریخچه نادرشاه، و مینورسکی، ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۰۳ - تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران، عباس پرویز.
- ۱۰۴ - تاریخ دیالمه و غزنویان، عباس پرویز، تهران، علمی، ۱۳۳۶.
- ۱۰۵ - تاریخ سلطنت قباد و مزدک، آرتور امانوئل کریستن سن، ترجمه نصرالله فلسفی، تهران، خاور، ۱۳۰۹.
- ۱۰۶ - تاریخ سیاسی پارت اشکانیان، نیلسون کارل دوبواز، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲.
- ۱۰۷ - تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند، غلامرضا ورهرام، تهران، معینی، ۱۳۶۶.
- ۱۰۸ - تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان، التون دنیل، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

- ۱۰۹ - تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشی، م. ا. داندامایف، ترجمه میرکمال نبی پور، تهران، گستره، ۱۳۵۸.
- ۱۱۰ - تاریخ سیستان، ابن اسفندیار.
- ۱۱۱ - تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، اومستد، آلبرت تن ایک، ترجمه محمد مقدم، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۰.
- ۱۱۲ - تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، زکی محمد حسن، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۶۳.
- ۱۱۳ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی، به اهتمام، برنارد دارن، تهران، گسترده، ۱۳۶۳.
- ۱۱۴ - تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- ۱۱۵ - تاریخ عمومی، آلبر ماله و ژول ایزاک، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲.
- ۱۱۶ - تاریخ غزنویان، ادموند کلیفورد باثورت، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۱۷ - تاریخ غوریان، دکتر اصغر فروغی ابری، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۱۸ - تاریخ فخری، محمد بن علی بن طباطبای ابن طقطقی، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۱۱۹ - تاریخ کامل ابن اثیر، عزالدین ابن اثیر، ترجمه حسین روحانی، تهران، اساطیر، بی تا.
- ۱۲۰ - تاریخ گردیزی، ابوسعید عبدالحسن بن ضحاک ابن محمود گردیزی، به تصحیح عبدالحسین حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

- ۱۲۱- تاریخ گسترش اسلام، سر توماس آرنولد، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۲۲- تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند، میرزا محمدصادق موسوی نامی اصفهانی، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۸.
- ۱۲۳- تاریخ گیلان و دیلمستان، ظهیرالدین نصیرالدین مرعشی، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
- ۱۲۴- تاریخ ماد، ا.م. دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ۱۲۵- تاریخ محمدی، محمد فتح‌الله بن محمد تقی ساروی، به اهتمام غلامرضا طباطبایی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۲۶- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه)، ملک الشعراء بهار، دو جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۳.
- ۱۲۷- تاریخ مردم ایران ج ۱ و ۲، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- ۱۲۸- تاریخ مسعودی، مسعود میرزا ظل‌السلطان، تهران، یساولی، ۱۳۶۲.
- ۱۲۹- تاریخ معاصر ایران، پیتز آوری، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، ۱۳۷۱.
- ۱۳۰- تاریخ معاصر ایران، جلد دوم، پیتز آوری، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، بی‌تا.
- ۱۳۱- تاریخ مغول در ایران، برتولد اشپولر، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۱۳۲- تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام.

- ۱۳۳ - تاریخ نوین ایران، میخائیل ایوانف، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، حزب توده، ۱۳۵۶.
- ۱۳۴ - تاریخ هنر اسلامی، کریستین پیرایس، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۱۳۵ - تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- ۱۳۶ - تخت جمشید از نگاهی دیگر، حبیب‌الله پورالله، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۷.
- ۱۳۷ - تحفه سامی، سام میرزا صفوی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی فروغی، بی‌تا.
- ۱۳۸ - تحقیقاتی درباره ساسانیان، کنستانتین اینوسترانتسف، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- ۱۳۹ - ترکستان در تاریخ، اراز محمد سارلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۴۰ - ترکستان‌نامه، بارتولد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.
- ۱۴۱ - تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی / والتر هینتس، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۶.
- ۱۴۲ - تشکیل شاهنشاهی صفویه، نظام‌الدین مجید شیبانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- ۱۴۳ - تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، عبدالهادی حائری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۴۴ - تمدن ایرانی، هانری ماسه و همکاران، ترجمه عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.

- ۱۴۵ - جاده زرین سمرقند، ویلفرید بلانت، ترجمه رضا رضایی، بی جا، جانزاده، ۱۳۶۳.
- ۱۴۶ - جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله، به اهتمام احمد آتش، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- ۱۴۷ - جامع التواریخ در تاریخ مغول، رشیدالدین فضل الله، به کوشش دکتر بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲.
- ۱۴۸ - جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ویلم فلور، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۶.
- ۱۴۹ - جغرافیای تاریخی ایران باستان، محمدجواد مشکور، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۱.
- ۱۵۰ - جغرافیای مفصل ایران، ربیع بدیعی. دو جلد، تهران، اقبال، ۱۳۶۲.
- ۱۵۱ - جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان (نقطویان)، میرعلی فطرس، بی جا، انتشارات کار.
- ۱۵۲ - جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، غلامرضا نجاتی، تهران، انتشار، ۱۳۶۶.
- ۱۵۳ - جنگهای هفتصد ساله ایران و روم، مقتدر، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- ۱۵۴ - جهان فروهری، دکتر بهرام فره‌وشی، تهران، کاویان، ۱۳۶۴.
- ۱۵۵ - جهانگشای نادری، ربیع بدیعی، دو جلد، تهران، اقبال، ۱۳۶۲.
- ۱۵۶ - چغازمبیل، رمان گیرشمن، ترجمه اصغر کریمی، تهران، میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۳.
- ۱۵۷ - حبیب السیر، خواندمیر، تهران، خیام، ۱۳۵۳.
- ۱۵۸ - حدودالعالم من المشرق الى المغرب، مؤلف ناشناس، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲.
- ۱۵۹ - خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان)، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۴.

- ۱۶۰ - خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ایرج افشار، تهران، زرین، ۱۳۶۷.
- ۱۶۱ - دایرةالمعارف تشیع، تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶ - ۱۳۶۹.
- ۱۶۲ - دایرةالمعارف دانش بشری.
- ۱۶۳ - دایرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، ۲ جلد، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۵.
- ۱۶۴ - دره نادره، میرزا مهدیخان استرآبادی، به اهتمام جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ۱۶۵ - دولت نادرشاه افشار، م. ر. آرونوا، ترجمه حمید امین، تهران، شبگیر، ۱۳۵۶.
- ۱۶۶ - دولتهای ایران (از میرزا نصراللهخان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی)، زیر نظر دکتر یعقوب آژند و همکاران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۱۶۷ - دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، فرشته عبداللهی، تهران، فقه‌نوسی، ۱۳۶۹.
- ۱۶۸ - دین و دولت در ایران، حامد الگار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۹.
- ۱۶۹ - دین و دولت در عصر صفوی، مریم میراحمدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۷۰ - دین و دولت در عهد مغول، شیرین بیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- ۱۷۱ - دین هخامنشیان، اردشیر جهانیان، تهران، چهر، ۱۳۴۹.
- ۱۷۲ - دیوانسالاری در عهد سلجوقی، کارلا کلوزنر، یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۷۳ - راهنمای تخت جمشید، دکتر فرخ سعیدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- ۱۷۴ - راهنمای جامع تخت جمشید، علیرضا شاپور شهبازی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.
- ۱۷۵ - راهنمای زبانهای ایران، گروه پژوهشی باستان‌شناسی، تهران، سمت.

- ۱۷۶ - راهنمای زبانهای باستان ایران، ج اول، محسن ابوالقاسمی، تهران، سمت ۱۳۷۵.
- ۱۷۷ - راههای باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، دکتر بهمن کریمی، تهران، ۱۳۲۹.
- ۱۷۸ - رجال کتاب حبیب السیر، عبدالحسین نوایی، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۴۴.
- ۱۷۹ - رساله اصول ملک‌مخان و نقد آن در یکی از نوشته‌های دوره ناصری، تاریخ معاصر ایران، غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۱۸۰ - رستم‌التواریخ، محمد هاشم آصف، تهران، ۱۳۴۸.
- ۱۸۱ - روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، عبدالحسین نوایی، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- ۱۸۲ - روایت پهلوی، به کوشش دکتر مهشید میرفرخایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۱۸۳ - روزگاران گذشته باستانی ایران، عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، سخن، ۱۳۷۴.
- ۱۸۴ - روضة‌الصفویه، میرزا بیگ‌ابن الحسن الحسین جناب‌دی، نسخه عکسی، تهران، کتابخانه دانشگاه تهران، ش ۲۲ - ۱۲۱۸.
- ۱۸۵ - رهبران مشروطه، ابراهیم صفایی، تهران، جاویدان علمی، ۱۳۴۴.
- ۱۸۶ - ریشه واژه‌های شوش و شوشتر، یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، ۱۳۷۳، ج اول، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
- ۱۸۷ - زبدة‌التواریخ، جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله بن محمد کاشانی، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ۱۸۸ - زرتشت و جهان غرب، ژ. دوشمن گیمن، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، مروارید، ۱۳۶۳.

- ۱۸۹ - زن در ایران عصر مغول، دکتر شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۹۰ - زندگی ایرانیان در خلال روزگاران، مرتضی راوندی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
- ۱۹۱ - سال دینی زرتشتیان، ترجمه رشید شهمردان، تهران، فروهر، ۱۳۵۶.
- ۱۹۲ - ستوت یسن، دکتر جعفری، تهران، فروهر، ۱۳۵۹.
- ۱۹۳ - سردار جنگل میرزا کوچک خان، ابراهیم فخرایی، تهران، جاویدان، ۱۳۵۴.
- ۱۹۴ - سرگذشت غوریان، ابوالحسن مبین، تهران، اهل قلم، ۱۳۸۲.
- ۱۹۵ - سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ادوار پولاک، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
- ۱۹۶ - سفرنامه تاورنیه، ژان باتیست تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، سنایی، ۱۳۳۶.
- ۱۹۷ - سفرنامه جکسون، جکسون، ترجمه بدره‌ای - امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۲.
- ۱۹۸ - سفرنامه کمپفر، انگلبرت کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰.
- ۱۹۹ - سکاها، تاماراتالبوت رایس، ترجمه دکتر رقیه بهزادی، تهران، یزدان، ۱۳۷۰.
- ۲۰۰ - سکه‌های ایران، علی اکبر سرفراز، فریدون آور زمانی، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
- ۲۰۱ - سلسله‌های اسلامی، کلیفور دادموند باثورت، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- ۲۰۲ - سیاحتنامه ابراهیم بیک، زین العابدین مراغه‌ای، هرا، سپیده، ۱۳۶۲.
- ۲۰۳ - سیری در آموزش‌های گاتها، ستنا، ترجمه موبد رستم شهزادی، تهران، فروهر، ۱۳۶۷.
- ۲۰۴ - سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، لمبتون، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- ۲۰۵ - شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان، شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- ۲۰۶ - شاه اسماعیل دوم صفوی، والتر هینتس، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، آموزش عالی، ۱۳۷۱.
- ۲۰۷ - شاهکارهای هنر ایران، آرتور پوپ، ترجمه پرویز ناتل خانلری.
- ۲۰۸ - شایست نشایست، به کوشش کتابیون مزداپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۲۰۹ - شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴، مهدی بامداد، چ سوم، ج ۶ - ۱. تهران، زوار، ۱۳۶۳.
- ۲۱۰ - شرح جنگ‌ها و زندگی شاه اسماعیل صفوی، علی اصغر رحیم‌زاده صفوی، به اهتمام یوسف‌پور صفوی، تهران، خیام، ۱۳۴۱.
- ۲۱۱ - شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی، تهران، زوار، بی‌تا.
- ۲۱۲ - شرح مصور تخت جمشید، علیرضا شاپور شهبازی، بی‌جا، بی‌تا.
- ۲۱۳ - شرق نزدیک در تاریخ، حسنی، فیلیپ ک. ترجمه قمر آریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- ۲۱۴ - شناخت اساطیر ایرانی، جان هینلز، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران، چشمه ۱۳۶۸.
- ۲۱۵ - شناسنامه شوش، محمد علیپور، دزفول، مسعود، ۱۳۵۶.
- ۲۱۶ - شهرستانهای ایران، احمد تفضلی، ۱۳۶۸.
- ۲۱۷ - شهرهای ایران، محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- ۲۱۸ - شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، پیگولوسکایا، ترجمه رضا عنایت‌الله، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۲۱۹ - شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت، مهدی انصاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

- ۲۲۰ - صعود محمدرضا شاه به قدرت یا شکوفایی دیکتاتوری، شمس‌الدین امیرعلایی، تهران، دهخدا، ۱۳۶۱.
- ۲۲۱ - صورة الارض (سفرنامه ابن حوقل)، ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۲۲۲ - طبقات سلاطین اسلام، استانلی لین پول، ترجمه عباس اقبال، تهران، مهر، ۱۳۱۲.
- ۲۲۳ - ظهور تیمور، عباس اقبال آشتیانی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۶۰.
- ۲۲۴ - ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹.
- ۲۲۵ - عالم‌آرای صفوی، یدالله شکری، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۳.
- ۲۲۶ - عصر اوستا، ترجمه هاشم رضی و مجید رضی، تهران، ۱۳۴۳.
- ۲۲۷ - عصر زرین فرهنگ ایران، ریچارد فرای، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
- ۲۲۸ - فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سروش، ۱۳۶۴.
- ۲۲۹ - فدائیان اسماعیلی، برنارد لوئیس، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ۲۳۰ - فراماسونها، روتارین‌ها و لاینزه‌های ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۲۳۱ - فراموشخانه فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین، تهران، اقبال، ۱۳۶۱.
- ۲۳۲ - فرقه اسماعیلیه، مارشال گ. س. هاجسن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۴۳.
- ۲۳۳ - فرهنگ ایران پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، محمد محمدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

- ۲۳۴- فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲.
- ۲۳۵- فرهنگ نامهای اوستا، هاشم رضی، تهران، فروهر، بی تا.
- ۲۳۶- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی تهران، سازمان ملی محافظت آثار باستانی ایران، ۱۳۴۵.
- ۲۳۷- قراقویونلوها، فاروق سومر، ترجمه وهاب ولی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۲۳۸- قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان، موبد شهزادی، تهران، فروهر، ۱۳۶۵.
- ۲۳۹- قیام ۱۵ خرداد، تهران، انتشارات وزارت ارشاد ملی، ۱۳۵۹.
- ۲۴۰- قیام زنگیان، یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۲۴۱- قیام سربداران، یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۲۴۲- قیامهای مردمی در قرن هفتم و هشتم هجری، یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۲۴۳- کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام، عزیزالله بیات، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۵.
- ۲۴۴- کارنامه اردشیر بابکان، دکتر محمدجواد مشکور، تهران، دنیای کتاب.
- ۲۴۵- کتابشناسی تاریخ ایران، دکتر کریم میراحمدی.
- ۲۴۶- کتاب ماه تاریخ، تهران، خانه کتاب به سردبیری دکتر عبدالرسول خیراندیش، شماره‌های مختلف.
- ۲۴۷- کمکهای اقتصادی در دوران باستان، فرانتس آلتهایم، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۲۴۸- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مارک گازیواوسکی، ترجمه غلامرضا نجاتی، تهران، انتشار، ۱۳۶۷.
- ۲۴۹- کیش‌های ایران در عصر ساسانیان، عباس شوشتری، تهران، آسیا، ۱۳۵۰.

- ۲۵۰- گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، احمد بیرشک، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۲۵۱- گذشته چراغ راه آینده است، جامی، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۲.
- ۲۵۲- گروهش به اسلام در قرون میانه، ریچارد بولت، ترجمه محمدحسین وقار، تهران،
- ۲۵۳- گزارشهای باستان‌شناسی، ج اول، سید محمدتقی مصطفوی.
- ۲۵۴- گزیده سرودهای ریگ‌ودا، محمدرضا جلالی نائینی، تهران، تابان، ۱۳۴۸.
- ۲۵۵- گزیده‌های زاداسپر، به کوشش محمدتقی راشد محصل، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ۲۵۶- گلشن مراد، ابوالحسن غفاری کاشانی، تهران، زرین، ۱۳۶۹.
- ۲۵۷- گنجینه تاریخ ایران، عبدالعظیم رضایی.
- ۲۵۸- گیلان در جنبش مشروطیت، ابراهیم فخرایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.
- ۲۵۹- لب‌التواریخ، یحیی بن عبداللطیف قزوینی، تهران، بنیاد و گویا، ۱۳۶۳.
- ۲۶۰- لغت‌نامه دهخدا، ۳۰ جلد، علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت‌نامه، ۱۳۴۱.
- ۲۶۱- ماتیگان یوشت فریان، به کوشش محمود جعفری، تهران، فروهر، ۱۳۶۴.
- ۲۶۲- مادیها و پارسیها، کالیکان، ترجمه گودرز اسعد بختیار، تهران، شورای مرکز جنبش شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰.
- ۲۶۳- مبانی تاریخ اجتماعی ایران، رضا شعبانی، تهران، توسل، ۱۳۷۱.
- ۲۶۴- مجمع‌التواریخ در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ ه. ق.، محمدخلیل مرعشی صفوی، تهران، ستایی، طهوری، ۱۳۶۲.
- ۲۶۵- مرآة الممالک، سیدعلی کاتبی، ترجمه محمود تفضلی، علی گنجه‌ای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- ۲۶۶- مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

- ۲۶۷ - مزدپرستی در ایران قدیم، دکتر ذبیح‌الله صفا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۷.
- ۲۶۸ - مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه، محمدحسن رجبی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
- ۲۶۹ - مطالعات جغرافیایی، ژاک دمرگان، ج ۲، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز، چهر ۱۳۳۹.
- ۲۷۰ - معماری ایرانی، آرتور آپهام پوپ، ترجمه رضا بصیری، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۶۳.
- ۲۷۱ - مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، ابوالحسن اشعری، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۲۷۲ - ملیتهای آسیای میانه، حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- ۲۷۳ - میراث باستانی ایران، ریچارد نلسون فرای، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- ۲۷۴ - میرزا تقی‌خان امیرکبیر، عباس اقبال آشتیانی، به اهتمام ایرج افشار، تهران، توس، ۱۳۶۳.
- ۲۷۵ - ناسخ‌التواریخ، سلاطین قاجاریه، محمدتقی لسان‌الملک سپهر، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۸.
- ۲۷۶ - نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، زامباور، ترجمه و دکتر محمدجواد مشکور، تهران، خیام، ۱۳۵۶.
- ۲۷۷ - نظام حکومت در ایران در دوران اسلامی، کریم میراحمدی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸.
- ۲۷۸ - نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، غلامرضا وره‌رام، تهران، معینی، ۱۳۶۷.
- ۲۷۹ - نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، دکتر محمدجواد مشکور، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.

- ۲۸۰ - نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، حامد الگار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۹.
- ۲۸۱ - نقوش اقوام شاهنشاهی هخامنشی بنابر حجاریهای تخت جمشید، گیزلد والدز، ترجمه اسمودا با همکاری شاپور شهبازی.
- ۲۸۲ - نگاهی به هنر معماری ایران، محمدتقی مصطفوی، تهران، سیما، تهران، بی تا.
- ۲۸۳ - نگرشی نو بر تخت جمشید، اردشیر خورشیدیان، تهران، ماکان، ۱۳۷۸.
- ۲۸۴ - نواب صفوی، سید حسین خوش نیت، تهران، منشور برادری، بی تا.
- ۲۸۵ - نهضت سریداران خراسان، بطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۱.
- ۲۸۶ - نهضت‌های سیاسی مذهبی در تاریخ ایران، دکتر ابوالفضل بنی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۶.
- ۲۸۷ - وزیران ایرانی، عبدالرفیع حقیقت (رفیع) تهران، کوش، ۱۳۷۴.
- ۲۸۸ - وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، آرتور کریستن سن، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۲۸۹ - ویرانه‌های شوش، حبیب‌الله صمدی، بی تا، بی جا.
- ۲۹۰ - ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران، احمد اشرف، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴ دوره اول، تیرماه ۱۳۵۳.
- ۲۹۱ - هفت هات، دکتر جعفری، تهران، انجمن ایران باستان، ۱۳۵۳.
- ۲۹۲ - هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، محمدتقی احسانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۲۹۳ - هنر ایران، آندره گدار، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸.

- ۲۹۴ - هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، رومان گیرشمن، ترجمه عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
- ۲۹۵ - یسنا، ابراهیم پورداوود، ج ۱ و ۲، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۰.
- ۲۹۶ - یشتها، گزارش پورداوود، ۲ جلد، تهران، دانشگاه تهران.



A DESCRIPTIVE DICTIONARY OF PERSIAN HISTORY

**BY
ABBAS GHADIYANI**

